قرآن کریم

ترجمه :

داریوش شاهین

فهرست سوره ها:

مکّی سورهٔ فاتحه (گشاینده، اُمُّ الکتاب، اصل کتاب)

۱ به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۲ حمد و سپاس، خاصِ خداوند است که پروردگار جهانیان است.

۳ بخشندهٔ مهربان است.

٤ مالک روز جزاست.

٥ [پروردگارا] فقط تو را می‌پرستیم و فقط از تو یاری می‌جوییم.

٦ ما را به راه راست هدایت فرما.

۷ راه کسانی که به آنان نعمت‌دادی، نه کسانی که بر آنان خشم‌گرفته‌شده و نه‌گمراهان.

مدنی

سورهٔ بقره (گاو)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ الف. لام. میم.

۲ این کتاب («قرآن») که هیچ شکی در آن نیست، راهنمای پرهیزکاران است.

۳ آنان که به نادیده ایمان دارند و نماز را بپا می‌دارند و از آن چه روزیشان داده‌ایم، بخشش می‌کنند.

٤ و آنان که به آن چه بر تو فرو فرستاده شده و به آن چه پیش از تو فرو فرستاده شده است، ایمان دارند؛ و آنان به آخرت (رستاخیزِ بزرگ) یقین دارند.

۵ آنانند که بر راهِ هدایتِ پروردگارشان می‌باشند و آنان خود رستگارانند.

٦ بی‌گمان آنان که کافر شدند -[از کیفر خداوند] چه بیمشان دهی، چه بیمشان ندهی- برایشان یکسانست، ایمان نمی‌آورند.

۷ خداوند بر دل‌هایشان و برگوش‌هایشان مُهر نهاد و بر چشمانشان پرده‌ای است و برای آنان عذابی عظیم است.

۸ و برخی از مردم می‌گویند که ما به خداوند و روز آخرت (رستاخیز) ایمان آوردیم. در حالی که آنان ایمان ندارند.

۹ مکر می‌ورزند [و به گمان خود] خداوند و کسانی را که ایمان آورده‌اند، فریب می‌دهند. و حال آن که آنان جز خودشان را فریب نمی‌دهند و نمی‌فهمند.

۱۰ در قلب‌هایشان بیماری (نفاق) است. پس خداوند بیماریشان را افزون کرده است. و برای آنان به سبب آن چه دروغ می‌گفتند، عذابی دردناک باشد.

۱۱ و هنگامی که به آنان گفته شود: «در زمین فساد نکنید.»، گویند: «ما فقط اصلاح کننده هستیم.»

۱۲ آگاه باشید که آنان خود فسادکارند و لیکن نمی‌فهمند.

۱۳ و هنگامی که به آنان گفته شود: «ایمان بیاورید، همان گونه که مردم [مؤمن] ایمان آوردند.»، گویند: «آیا ایمان آوریم، همان گونه که بی‌خردان ایمان آوردند؟»، آگاه باشید که آنان خود بی‌خردند و لیکن نمی‌دانند.

١٤ و هنگامی که با کسانی که ایمان آورده‌اند، رو به رو شوند، گویند: «ایمان آورده‌ایم.» و هنگامی که با شیطان‌های خود (همراهانِ پلید خود) تنها شوند، گویند: «بی‌تردید ما با شما هستیم و ما آنان را فقط مسخره می‌کنیم.»

۱۵ خداوند آنان را مسخره می‌کند و رهاشان می‌سازد که در سرکشیِ خودشان کور و سرگردان شوند.

١٦ آنان کسانی هستند که گمراهی را به بهای هدایت خریدند. پس تجارتشان سودی نکرد. و هدایت نیافتند.

۱۷ مَثَلِ آنان، مانندِ مَثَلِ کسی است که آتشی افروخت و هنگامی که پیرامونش را روشن کرد، خداوند نورشان را بُرد و آنان را در تاریکی‌ها -که نمی‌بینند- رها ساخت.

۱۸ آنان کر و گنگ و کورند. پس آنان [از گمراهی] باز نگردند.

۱۹ یا مانند [کسانی هستند که گرفتارِ] بارانِ تندِ آسمان [شده‌اند] که در آن، تاریکی‌ها و رعد و برق باشد. آنان از ترسِ [مرگ از] صاعقه‌ها و به گمانِ دوری از مُردن، انگشتانشان را در گوش‌های خود گذارند. در حالی که خداوند بر کافران احاطه دارد.

۲۰ نزدیک است که برقْ [روشنیِ] چشمشان را بزند [و نابینا سازد] و هرگاه روشنی بر آنان بتابد [در نور آن] گام بر می‌دارند و هنگامی که تاریکی، آنان را فرا می‌گیرد، می‌ایستند. و اگر خداوند می‌خواست، شنوایی و بیناییِ آنان را می‌برْد. بی‌تردید خداوند بر هر چیزی تواناست.

۲۱ ای مردم، پروردگارتان را پرستش کنید، آن که شما را و پیشینیانِ شما را آفرید؛ شاید پرهیزکار شوید.

۲۲ آن که زمین را برایتان گسترد و آسمان را برایتان برافراشت و آب را از آسمان فرو فرستاد و به [وسیلهٔ] آن از میوه‌ها [از دلِ خاک] بیرون داد، که برای شما رزق و روزی باشد. پس برای خداوند مانندهایی قرار ندهید و حال آن که خود می‌دانید.

۲۳ و اگر نسبت به آن چه بر بنده‌مان [«محمّد»] فرو فرستاده‌ایم تردید دارید، پس یک سوره مانند آن بیاورید. و غیر از خداوند، شاهدان خود را هم دعوت کنید، اگر راستگویانید.

۲٤ و اگر چنین نکردید -و هرگز هم، چنین نکنید- پس، از آتشی که گیرانه‌اش مردم و سنگ‌ها هستند -که برای کافران آماده شده است- بترسید و پرهیز کنید.

۲۵ و مژده بده کسانی را که ایمان آوردند و نیکوکاری کردند، که برای آنان بوستان‌هایی باشد که از زیر آن‌ها جویبارها جاریست. هر زمان از میوهٔ آن‌ها روزی داده می‌شوند، گویند: «این همان است که پیش از این به ما روزی داده شده بود.» و به آنان رزقی مانند آن [نعمت‌ها] بخشیده شود. و در آن جا برایشان همسرانی پاک و پاکیزه باشد. و آنان در آن [بوستان‌ها] جاودانه‌اند.

۲۶ بی‌تردید خداوند شرمی ندارد که پشه‌ای را و [یا] بالاتر از آن را مَثَل آورد. پس آنان که ایمان دارند، می‌دانند که آن [مَثَلی] راست باشد که از سوی پروردگارشان است. و امّا آنان که کفر ورزیدند، گویند: «خداوند از چنین مَثَل آوردن چه مقصودی داشته است؟» بسیاری را به آن گمراه و بسیاری را به آن هدایت نماید. و جز بدکارانِ نافرمان، کسی را به آن گمراه نکند.

۲۷ کسانی که پیمانِ خداوند را پس از بستنِ آن می‌شکنند و آن چه را که خداوند فرموده است که به آن متّصل گردند، می‌گسلند و در زمین فساد می‌کنند. آنان خود زیانکارند.

۲۸ چگونه به خداوند کافر می‌شوید؟ حال آن که شما مرده بودید و زنده‌تان کرد. باز شما را می‌میراند. دگر بار زنده‌تان می‌کند. آن گاه به سویش بازگردانده می‌شوید.

۲۹ اوست کسی که تمام آن چه را که در زمین است، برای شما آفرید. آن گاه به آسمان پرداخت و آن را هفت آسمان ساخت. و او به همه چیز داناست.

۳۰ و هنگامی که پروردگارِ تو به فرشتگان گفت: «من جانشینی در زمین قرار می‌دهم.» گفتند: «کسی را در آن قرار می‌دهی که در آن (زمین) فساد کند و خونریزی نماید. حال آن که ما به ستایش تو، تسبیح گوییم و تو را تقدیس نماییم.» [خداوند] گفت: «بی‌تردید من چیزی می‌دانم، که شما نمی‌دانید.»

۳۱ و [خداوند] به «آدم» تمامِ نام‌ها را آموخت. آن گاه، آن‌ها را به فرشتگان عرضه کرد و گفت: «نام‌های این‌ها را به من خبر دهید، اگر راستگویید.»

گفتند: «پاکی تو راست. ما جز آن چه تو به ما آموختی، چیزی نمی‌دانیم. بی‌تردید تو دانای حکیم هستی.»

۳۳ [خداوند] گفت: «ای «آدم»، آنان را به نام‌هایشان آگاه ساز.» پس آن گاه که آنان را به نام‌هایشان آگاه ساخت، [خداوند] گفت: «آیا به شما نگفتم که من پنهانِ آسمان‌ها و زمین را می‌دانم؟ و آن چه را که شما آشکار می‌سازید و آن چه را که پنهان می‌داشتید، می‌دانم؟»

۳٤ و هنگامی که ما به فرشتگان گفتیم: «به «آدم» سجده کنید.» پس [همه] سجده کردند، جز «ابلیس». [او] خودداری کرد و تکبر نمود و از کافران بود.

۳۵ و گفتیم: «ای «آدم»، تو و همسرت در بهشت سکونت کنید و به فراخی از هر جا که خواستید، بخورید و به این درخت [ممنوع] نزدیک نشوید، که از ستمکاران خواهید شد.»

۳٦ پس شیطان، آن دو را به لغزش افکند و از آن چه در آن بودند، بیرونشان ساخت. و ما گفتیم: «از این جا پایین روید، که شما [و شیطان] دشمنِ یکدیگرید. و قرارگاهِ شما در زمین خواهد بود و تا زمانی، [از نعمت‌هایی] بهره‌مند شوید.»

۳۷ پس «آدم» کلماتی از پروردگارش آموخت و خداوند، توبهٔ او را پذیرفت. بی‌تردید اوست که توبه‌پذیر مهربان است.

٣٨ گفتیم: جملگی از آن پایین روید. پس اگر از سوی من به شما هدایتی رسد، کسانی که از رهنمودِ من پیروی کنند، نه ترسی بر آنان باشد و نه اندوهگین شوند.

٣٩ و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب نمودند، آنان، یاران آتش باشند، که در آن (آتش) جاودانه بمانند.

٤٠ ای «بنی‌اسرائیل»، نعمت مرا به یاد آورید، که آن را به شما بخشیدم. و به عهد من وفا کنید، تا به پیمان شما وفا کنم. و فقط از من بیم داشته باشید.

٤١ و به آن چه من فرو فرستادم، که تصدیق کنندهٔ چیزی است که با شماست، ایمان آورید. و نخستین کافر به آن نباشید. و آیات مرا به بهایی اندک مفروشید. و فقط از من بیمناک باشید.

٤٢ و حق را به باطل نیامیزید و حق را پنهان نکنید، در حالی که شما آگاهید.

٤٣ و نماز را بپا دارید و زکات دهید و با رکوع کنندگان، رکوع کنید.

٤٤ آیا مردم را به نیکوکاری فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید؟ و شما «کتاب» را می‌خوانید. آیا اندیشه و درک نمی‌کنید؟

٤٥ و به شکیبایی و نماز [از خداوند] یاری جویید. و به راستی این جز بر فروتنان سنگین است؛

٤٦ آنان که در این اندیشه‌اند که پروردگارِ خویش را دیدار خواهند کرد و این که به سوی او بازگشت خواهند نمود.

٤٧ ای «بنی‌اسرائیل»، نعمت مرا که به شما ارزانی داشتم، به یاد آورید و این که من، شما را بر عالمیان، برتری دادم.

٤٨ و از روزی بترسید که کسی در دفعِ هیچ عذاب و مجازاتی برای کسِ دیگری مفید نباشد و شفاعتی از او قبول نشود و هیچ عوضی از او پذیرفته نگردد و آنان، یاری نشوند.

٤٩ و [به یاد آورید] هنگامی که شما را از [آزارِ] «آل فرعون» نجات دادیم. آنان، شما را سخت، آزار می‌دادند و پسرانتان را سر می‌بریدند و زنانتان را زنده می‌گذاشتند. در آن از جانب پروردگارتان برای شما آزمایشی عظیم بود.

۵۰ و هنگامی که برای شما دریا را شکافتیم و شما را نجات دادیم و «آل فرعون» را غرق ساختیم، در حالی که شما [این رویدادها را] می‌دیدید.

۵۱ و هنگامی که با «موسی» چهل شب وعده گذاشتیم. آن گاه شما پس از [رفتنِ] او گوساله را [به خدایی] بر گرفتید و شما ستمکار بودید.

۵۲ آن گاه شما را پس از آن بخشیدیم، شاید سپاسگزار شوید.

۵۳ و هنگامی که ما به «موسی»، «کتاب» و «فرقان» دادیم، شاید شما هدایت یابید.

٥٤ و هنگامی که «موسی» به قومِ خویش گفت: «ای قوم من، شما به خویشتن ستم کردید که گوساله را [به خدایی] برگرفتید. پس به درگاهِ آفریدگارتان توبه کنید و [ستمکارانِ] خودتان را بکُشید. این نزد آفریدگارتان برای شما نیکوتر است.» سپس توبهٔ شما را پذیرفت. به راستی او توبه‌پذیر مهربان است.

۵۵ و هنگامی که گفتید: «ای «موسی»، ما هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم، مگر این که خداوند را آشکارا ببینیم.» پس صاعقه‌ای شما را فرا گرفت، در حالی که شما می‌دیدید.

٥٦ آن گاه پس از مرگتان شما را برانگیختیم؛ شاید سپاسْ بگزارید.

۵۷ و سایهٔ ابر را بر شما افکندیم و «مَنّ» و «سَلْوی» برایتان فرو فرستادیم [و گفتیم]: «از خوراکی‌های پاکیزه‌ای که روزیِ شما کردیم، بخورید.» و آنان به ما ستم نکردند. و لیکن آنان به خویشتن ستم می‌کردند.

۵۸ و هنگامی که گفتیم: به درون این شهر داخل شوید و آن جا [به فراوانی] از هر جا خواستید، بخورید؛ سجده کنان از دروازه داخل شوید و بگویید: «[پروردگارا، گناهانمان را] فرو ریز.» تا ما خطاهای شما را بیامرزیم و به زودی به نیکوکاران، [نیکویی] بیش دهیم.

۵۹ پس کسانی که ستم کردند، گفتار [خداوند] را به غیرِ آن چه به آنان گفته شده بود، تبدیل کردند. آن گاه بر کسانی که ستم کردند، از آسمان به جزای نافرمانی و فساد کاریشان عذابی فرو فرستادیم.

٦۰ و هنگامی که «موسی» برای ملّتِ خویش آب خواست، گفتیم: «با عصای خود به آن سنگ بزن.» پس دوازده چشمه از آن روان گردید و هر گروهی چشمهٔ خویش را شناخت. [گفتیم]: «از روزیِ خداوند بخورید و بیاشامید و در زمین به تبهکاری و فساد نکوشید.»

٦۱ و هنگامی که گفتید: «ای «موسی»، ما بر یک غذا تاب نیاوریم. پس برای ما پروردگارت را بخوان، تا از آن چه زمین از سبزی و خیار و غله (گندم) و عدس و پیاز می‌رویاند، برایمان بیرون آورد.» [«موسی»] گفت: «آیا شما آن چه را که بهتر است، به آن چه بدتر است، تبدیل می‌کنید؟ به شهری فرود آیید و آن چه می‌خواهید، در آن جا خواهید یافت.» بر آنان [داغِ] خواری و بینوایی زده شد و به خشمی از خداوند بازگشتند. این به آن دلیل بود که آنان به آیات خداوند کفر می‌ورزیدند و پیامبران را به ناحق می‌کشتند. این به خاطر نافرمانیِ آنان بود و این که تجاوزگر [از حدود الهی] بودند.

٦٢ بی‌گمان کسانی که ایمان آوردند و کسانی که «یهودی» شدند و «نصرانیان» و «صابئان»، هر کس به خداوند و روزِ رستاخیز (قیامت) ایمان آورْد و نیکوکاری کرد، پاداشِ آنان نزد پروردگارشان باشد و بر آنان ترسی نباشد و اندوهگین نیز نشوند.

٦٣ و هنگامی که از شما پیمان گرفتیم و «طور» را بر فراز شما بلند داشتیم. [گفتیم]: «آن چه را که به شما داده‌ایم («تورات» را) به جِدّ و نیرومندی بگیرید و آن چه را که در آن است، به یاد آورید، شاید پرهیزکار شوید.»

٦٤ آن گاه، شما پس از آن، رویْ گردانیدید. پس اگر فضلِ خداوند و رحمتش بر شما نبود، به راستی از زیانکاران می‌شدید.

٦٥ و البته شما دانستید که چه کسانی از میانِ شما در روز شنبه [از حدود الهی] تجاوز کردند. ما به آنان گفتیم: «بوزینگانی مطرود و منفور باشید!»

٦٦ پس ما، آن را عبرتی برای حاضران و آیندگان و پندی برای پرهیزکاران قرار دادیم.

٦٧ و هنگامی که «موسی» به ملّتِ خود گفت: «به راستی خداوند به شما امر می‌فرماید که گاوی بکشید.»، گفتند: «ما را استهزاء می‌کنی؟» [«موسی»] گفت: «به خداوند پناه می‌برم از این که از نادانان باشم.»

٦٨ گفتند: «تو، پروردگارت را برای ما بخوان، که برایمان معلوم کند آن [گاو] چگونه است.» [«موسی»] گفت: «به راستی او (خداوند) می‌گوید که آن گاوی نه پیر است و نه جوان و بین این دو باشد. پس آن چه را که به شما امر می‌شود، انجام دهید.»

٦٩ گفتند: «تو پروردگارت را برای ما بخوان، تا برای ما معلوم کند که رنگش چگونه باشد.» [«موسی»] گفت: «به راستی او (خداوند) می‌گوید آن گاوی به رنگ زردِ یکدستِ درخشان است که تماشاگران را شادمان کند.»

۷۰ گفتند: «تو پروردگارت را برای ما بخوان، تا برای ما معلوم کند [صفاتِ] آن چیست. زیرا آن گاو بر ما مُشتَبَه شده است و بی‌تردید اگر خداوند بخواهد، ما هدایت شویم.»

۷۱ [«موسی»] گفت: «او (خداوند) می‌گوید آن گاوی است که نه رام است که زمین را شخم زند، و نه به کشتزار آب دهد. [گاوی] سالم است و رنگی [غیر از زرد یکدستِ درخشان] در آن یافت نشود.» گفتند: «اکنون حق را آوردی.» پس آن را سر بریدند. و نزدیک بود [چنین] نکنند.

۷۲ و آن گاه که شما کسی را کشتید. و در مورد آن کشمکش می‌کردید. و خداوند آن چه را که پنهان می‌داشتید، آشکار ساخت.

۷۳ پس گفتیم: «آن (کُشته) را با بعضی از آن [گاو بر هم] بزنید.» خداوند این چنین، مردگان را زنده می‌کند و آیاتِ خویش را به شما نشان می‌دهد، شاید اندیشه و درک کنید.

۷٤ سپس بعد از آن دل‌های شما همچون سنگ، سخت شد؛ یا سخت‌تر از آن. و به راستی سنگ‌هایی است که جویبارها از آن روان شود و از میان آن‌ها سنگ‌هایی [نیز] باشد که شکافته گردد و آب از آن بیرون آید و بعضی از آن‌ها از ترسِ خداوند ریزش پیدا می‌کنند. و خداوند از آن چه انجام می‌دهید، بی‌خبر نیست.

۷۵ پس آیا طمع دارید که [یهودیان] به شما ایمان آورند؟ حال آن که گروهی از آنان کلام خداوند را می‌شنیدند و آن گاه پس از فهمیدنش، آن را تحریف می‌کردند. و خود [این را] می‌دانستند.

۷٦ و هنگامی که مؤمنان را می‌بینند، می‌گویند: «ما ایمان آوردیم.» و هنگامی که با یکدیگر تنها می‌شوند، می‌گویند: «آیا شما به آن چه خداوند [درِ علمِ آن را] برایتان گشوده است سخن می‌گویید، تا به آن در پیشگاهِ پروردگارتان بر شما حجت و دلیل آورند؟ آیا اندیشه و درک نمی‌کنید؟»

۷۷ آیا نمی‌دانند که خداوند آن چه را که آنان پنهان می‌سازند و آن چه را که آشکار
می‌نمایند، می‌داند؟

۷۸ و بعضی از آنان بی‌سوادند. از «کتاب» («تورات») جز دروغ‌ها و آرزوهایی نمی‌دانند.
و آنان جز گمانْ پردازانی نیستند.

۷۹ پس وای بر کسانی که «کتاب» («تورات») را به دست‌های خویش می‌نویسند، آن
گاه می‌گویند: «این از سوی خداوند است!» تا به سبب آن، بهای ناچیزی به دست
آورند. پس وای بر آنان از آن چه دست‌هایشان نوشت! و وای بر آنان از آن چه به
دست می‌آورند (دستاوردشان)!

۸۰ و گفتند: «آتش هرگز به ما نرسد، مگر چند روزی.» بگو: «آیا شما از خداوند پیمانی
گرفتید؟ که خداوند هرگز خلافِ عهدش نکند. یا چیزهایی بر خداوند می‌گویید که
به آن آگاه نیستید؟»

۸۱ آری، هر کس گناهی کند و گناهش او را فراگیرد، پس آنان یارانِ آتش خواهند شد
و در آن جاودانه بمانند.

۸۲ و کسانی که ایمان آوردند و نیکوکاری کردند، آنان یارانِ بهشت باشند. آنان در آن
(بهشت) جاودانه بمانند.

۸۳ و هنگامی که ما از «بنی‌اسرائیل» پیمان گرفتیم که «جز خداوندِ یکتا را نپرستید و به
پدر و مادر و خویشان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید و با مردم به زبانِ نیکو سخن
گویید و نماز را بپا دارید و زکات بدهید.» آن گاه رویْ برگرداندید –جز اندکی از
شما– و شما رویْ‌گردان هستید.

٨٤ و هنگامی که از شما پیمان گرفتیم که «خون‌های [مردمِ] خودتان را مریزید و یکدیگر را از دیار خود، بیرون نکنید.» سپس شما به آن اقرار کردید و شما گواه هستید.

٨٥ پس شما همان گروهی هستید که [مردمِ] خودتان را می‌کشید و عدّه‌ای از خودتان را از خانه‌هایشان بیرون و آواره می‌کنید. علیه آنان در گناه و دشمنی، همدست می‌شوید و اگر اسیر شما شوند، از آنان فدیه می‌خواهید. حال آن که اخراجشان بر شما حرام شده است. آیا شما به برخی از [احکامِ] «کتاب» ایمان می‌آورید و به بعضی دیگر کفر می‌ورزید؟ پس جزای آن کس از شما که چنین کند، چیزی غیر از خواری در زندگیِ دنیا نیست. و در روزِ قیامت هم به شدیدترین عذاب‌ها بازگردانده می‌شوند. و خداوند از آن چه می‌کنید، بی‌خبر و غافل نیست.

٨٦ آنان، کسانی هستند که زندگیِ دنیا را به بهای آخرت خریدند. پس عذاب آنان کم نگردد و آنان یاری نشوند.

٨٧ و بی‌تردید ما «کتاب» («تورات») را به «موسی» دادیم و پس از او پیامبرانی فرستادیم. و به «عیسی» پسر «مریم» دلایلِ روشن و معجزاتی دادیم و او را به «روحُ القُدُس» تأیید و حمایت کردیم. آیا هرگاه پیامبری برایتان چیزی آورْد که موافقِ میل (هوس) شما نبود، شما سرکشی کردید؟ پس گروهی را تکذیب کردید و عدّه‌ای را کشتید.

٨٨ و گفتند: «قلب‌های ما در پرده‌ای است.» [نه] بلکه خداوند به خاطر کفرشان آنان را لعنت کرده است. آن چه ایمان دارند، اندک است.

۸۹ و آن گاه که برایشان کتابی («قرآن») از سوی خداوند آمد، که تصدیق کنندهٔ آن چه
با آنان می‌باشد («تورات») هست و یا آن که از قَبلْ خواهانِ پیروزی بر کسانی بودند
که کفر می‌ورزیدند؛ آن زمان که آن چه می‌شناختند برایشان آمد، آن را انکار کردند.
پس لعنت خداوند بر کافران باد!

۹۰ بد است آن چه وجودِ خود را (نَفْس‌های خود را) به آن فروختند و به آن چه
خداوند فرو فرستاده است، از روی حسد و ستم کافر شدند. که خداوند فضلِ خود
را بر هر کس از بندگانش که بخواهد، فرو می‌فرستد. پس [یهود] به خشمی بر
خشمی باز گشتند. و برای کافران عذابی خوارساز باشد.

۹۱ و هنگامی که به آنان گفته شود: «به آن چه خداوند فرود آورده است، ایمان آورید.»
گویند: «ما به آن چه بر خودمان نازل شده است، ایمان می‌آوریم.» و به هر چه غیر از آن
باشد، کافر می‌شوند. حال آن که آن حق است و تصدیق کنندهٔ آن چه با آنان می‌باشد.
بگو: «پس چرا پیش از این پیامبران خداوند را می‌کشتید، اگر ایمان داشتید؟»

۹۲ و بی‌تردید «موسی» دلایلِ روشن و معجزاتی برای شما آورد. آن گاه شما گوساله‌ای
را پس از او (در غیاب او) [به خدایی] گرفتید و شما ستمکار بودید.

۹۳ و هنگامی که از شما پیمان گرفتیم و «طور» را بر فرازِ شما بلند داشتیم [و گفتیم]:
«آن چه را [از «تورات»] به شما داده‌ایم، به جدّ و نیرومندی بگیرید و گوش فرا
دارید.» گفتند: «شنیدیم». و [بعد گفتند:] «سرکشی کردیم.» و قلب‌هایشان بر اثرِ
کفرشان از [محبّت و پرستش] گوساله سیراب شد. بگو: «چه بد است آن چه
ایمانتانْ شما را به آن امر می‌کند، اگر شما مؤمن هستید.»

۹٤ بگو: «اگر آخرت که نزد خداوند است، خاص شما است، نَه مردمِ دیگر، پس آرزوی مرگ کنید، اگر راستگو هستید.»

۹۵ و آنان هرگز چنین آرزویی نکنند، به دلیل آن چه دستانشان از پیش فرستاده است. و خداوند به ستمگران داناست.

۹٦ و بی‌گمان [ای «محمّد»] آنان (یهودیان) را حریص‌ترینِ مردم به زندگی می‌یابی، حتی حریص‌تر از آنان که شرک آوردند. هر یک آرزو کند که هزار سال عمر کند. و حال آن که آن عمر [هزار ساله] هم اگر به او داده شود، عذاب را از او دور نسازد. و خداوند بر کردارشان بیناست.

۹۷ بگو: «هر کس دشمن «جبرئیل» باشد، او آن («قرآن») را به فرمانِ خداوند بر دل تو فرود آورد، که تصدیق کنندهٔ آن چه پیش از آن است (کتاب‌های آسمانی پیشین) و هدایتی، و مژده برای مؤمنان است.

۹۸ هر کس دشمنِ خداوند و فرشتگان و پیامبرانش و «جبرئیل» و «میکائیل» باشد، پس بی‌تردید خداوند دشمنِ کافران است.

۹۹ و بدون تردید ما آیاتی روشن بر تو فرود آوردیم و غیر از بدکارانِ نافرمان هیچ کس به آن‌ها کافر نشود.

۱۰۰ آیا مگر نه هرگاه [یهودیان] پیمانی بستند، عدّه‌ای از آنان آن را به دور افکندند؟ بلکه بیش‌ترِ آنان ایمان ندارند.

۱۰۱ و هنگامی که پیامبری از سوی خداوند برای آنان آمد، که آن چه را که با آنان بود تصدیق می‌کرد، گروهی از اهلِ کتاب، «کتابِ» خداوند را به دور افکندند و به آن پشت کردند، گویی که هیچ نمی‌دانند.

۱۰۲ و از چیزی پیروی کردند که شیطان‌ها بر سلطنتِ «سلیمان» [به ناروا] می‌گفتند. و «سلیمان» کافر نبود، بلکه شیطان‌ها کافر بودند که به مردم جادو –و آن چه به دو فرشته «هاروت» و «ماروت» در «بابِل» نازل شده بود– می‌آموختند. [آن دو] کسی را تعلیم نمی‌دادند، مگر این که به او می‌گفتند: «ما فقط برای آزمایش هستیم. پس کافر مشو.» و مردم از آن دو [فرشته] مطالبی می‌آموختند، که با آن، میانِ مرد و زنش جدایی بیفکنند. و آنان نمی‌توانستند به هیچ کس زیان رسانند، مگر به اجازهٔ خداوند. و چیزهایی می‌آموختند که به زیانشان بود و به نفعشان نبود. و بی‌تردید می‌دانستند که هر کس خریدار آن باشد، در آخرت برایش بهره‌ای نیست. و [آنان] به بد چیزی خویشتن (نَفْسشان) را می‌فروختند، اگر می‌دانستند.

۱۰۳ و اگر آنان ایمان می‌آوردند و پرهیزکار بودند، البته پاداشی که نزد خداوند است، نیکوتر است. اگر می‌دانستند.

۱۰٤ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مگویید «راعِنا» [«راعنا» در زبان عربی یعنی «مراعاتِ ما کن» و در زبان عبری به معنای حماقت و شرارت است.] و بگویید «اُنْظُرْنا» (بنگر ما را) و گوش کنید. و برای کافران عذابی دردناک باشد.

۱۰۵ نه کسانی از اهل کتاب که کافر شدند، و نه مشرکان [هیچ یک] دوست ندارند که خیری از سوی پروردگارتان بر شما فرو فرستاده شود. و خداوند هر که را خواهد، به رحمت خویش، مخصوص می‌کند. و خداوند صاحب فضل عظیم است.

۱۰۶ ما هر آیه‌ای را که نسخ کنیم (حکم آن را برداریم) و یا به فراموشی بسپاریم، نیکوتر از آن و یا مانندِ آن را می‌آوریم. مگر نمی‌دانستی که خداوند بر همه چیز تواناست؟

۱۰۷ آیا ندانستی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آنِ خداوند است و غیر از خداوند هیچ کس سرپرست و یاور و مددکارِ شما نیست؟

۱۰۸ یا می‌خواهید از پیامبر خود درخواست کنید، همان گونه که پیش از این از «موسی» درخواست شد؟ و هر کس ایمان را تبدیل به کفر کند، پس بی‌تردید راه راست را گم کرده است.

۱۰۹ بسیاری از اهل کتاب پس از آن که حق برایشان روشن شده است، به خاطر حسدی که در وجودشان هست، مایلند که شما را پس از ایمانْ آوردنتان به کفر باز گردانند. پس [آنان را] ببخشید و [از آنان] در گذرید، تا این که خداوند فرمانش را بیاورد. بی‌تردید خداوند بر هر چیزی تواناست.

۱۱۰ و نماز را بپا دارید و زکات بدهید و هر نیکویی که برای خویشتن از پیش می‌فرستید، بی‌تردید آن را نزدِ خداوند می‌یابید. بی‌گمان خداوند به آن چه می‌کنید، بیناست.

۱۱۱ و گفتند: «هرگز کسی به بهشت نرود، مگر آن کس که یهودی یا نصرانی باشد.» این آرزوهای آنان است. بگو: «اگر راست می‌گویید، دلیلِ خود را بیاورید.»

۱۱۲ آری، آن کس که وجودِ خویش را تسلیمِ خداوند کند و نیکوکار هم باشد، پس پاداش او نزد پروردگارش باشد و بر آنان نه ترسی باشد و نه اندوهگین شوند.

۱۱۳ «یهودیان» گفتند: «نصرانیان بر حق نیستند.» و «نصرانیان» گفتند: «یهودیان بر حق نیستند.» حال آن که آنان «کتاب» [آسمانی] را می‌خوانند. کسانی هم که نمی‌دانند، چنین سخنانی گفتند. پس خداوند روز قیامت در موردِ آن چه آنان اختلاف می‌کردند، میانشان داوری کند.

۱۱٤ و کیست ستمکارتر از آن کس که در مساجد خداوند منع کند از این که نام او (خداوند) در آن‌ها یاد شود و در ویرانیِ آن‌ها بکوشد؟ برای آنان [این حق] نباشد که به آن‌ها (مساجد) داخل شوند، مگر این که بیمناک باشند. برای آنان در دنیا خواری و در آخرت عذابی عظیم باشد.

۱۱۵ مشرق و مغرب از آنِ خداوند است. پس به هر سو که رو آورید، [آن جا] رو [به] خداوند است. بی‌تردید خداوند گشایشگر داناست.

۱۱٦ و گفتند: «خداوند فرزندی گرفته است.» او منزّه است. بلکه آن چه در آسمان‌ها و زمین است، از آنِ اوست. همه فرمانبردار او می‌باشند.

۱۱۷ پدید آورندهٔ آسمان‌ها و زمین است. و هنگامی که او چیزی را حکم کند، پس به آن می‌گوید: «باش!» پس موجود می‌شود.

۱۱۸ و کسانی که نمی‌دانند، گفتند: «چرا خداوند با ما سخن نمی‌گوید و یا این که آیتی برای ما نمی‌آید؟» پیش از آنان هم کسانی چنین سخنانی گفتند. قلب‌های آنان شبیه یکدیگر است. البته ما آیات را برای قومی که یقین دارند، به روشنی بیان کردیم.

۱۱۹ بی‌گمان ما تو را به حق فرستادیم، تا مژده بخش و بیم دهنده باشی و در موردِ یاران دوزخ از تو پرسشی نخواهد شد.

۱۲۰ «یهود» و «نصاری» هرگز از تو خوشنود نخواهند شد، تا این که از کیشِ آنان پیروی کنی. بگو: «بی‌تردید هدایت فقط هدایتِ خداوند است.» و اگر تو پس از دانشی که برایت آمد، از هوس‌ها و خواهش‌های آنان پیروی کنی، برایت دوستی و یاوری از سوی خداوند نخواهد بود.

۱۲۱ کسانی که به ایشان «کتاب» داده‌ایم، که آن را به شایستگی می‌خوانند، آنانند که به آن («قرآن») ایمان دارند. و کسی که به آن کافر شود، پس آنان زیانکار باشند.

۱۲۲ ای «بنی‌اسرائیل»، نعمتِ مرا که به شما ارزانی داشتم، به یاد آورید و بی‌تردید من شما را بر جهانیان برتری دادم.

۱۲۳ و از روزی بیمناک باشید که کسی برای کسِ دیگری در چیزی (کاری) مفید واقع نشود. و از او مانندی (عوضی) پذیرفته نگردد و شفاعتی سودش نبخشد و به آنان یاری نشود.

۱۲٤ و هنگامی که «ابراهیم» را پروردگارش به کلماتی آزمود. پس آن را به انجام رسانید. خداوند گفت: «من تو را پیشوای مردم گردانم.» «ابراهیم» گفت: «و از فرزندانِ من [چه طور] ؟» [خداوند] گفت: «پیمان من به ستمگران (مشرکان) نرسد.»

۱۲۵ و هنگامی که ما آن خانه («کعبه») را برای مردم پناهگاه و آسودگاه گردانیدیم. و [گفتیم:] شما از «مقام «ابراهیم»» جایگاهِ نماز برای خود برگزینید. و به «ابراهیم» و «اسماعیل» فرمان دادیم که خانهٔ مرا برای طواف کنندگان و اقامت گزیدگان و رکوع کنندگان و سجده کنندگان پاکیزه نگه دارید.

۱۲٦ و هنگامی که «ابراهیم» گفت: «پروردگارا، این جا را شهرِ امنی بگردان و ساکنانش را از میوه‌ها روزی ببخش، کسانی از آنان را که به خداوند و روز رستاخیز ایمان دارند.» [خداوند] گفت: «و آن کس که کافر شود، پس او را بهره‌ای اندک بخشم. سپس به عذاب آتش گرفتارش سازم. و بد سرانجام و مقصدی است.»

۱۲۷ و هنگامی که «ابراهیم» با «اسماعیل» پایه‌های خانه را بالا بردند، [گفتند:] «پروردگارا، تو [این کوشش را] از ما بپذیر. بی‌تردید تو شنوای دانایی.

۱۲۸ پروردگارا، و ما را مسلمینِ خویش بگردان. و از فرزندان ما امّتی فرمانبردار برای خود قرار بده و آدابِ عبادتِ ما را [در این مکان] به ما بنمایان و توبهٔ ما را پذیرا باش. بی‌تردید توبه‌پذیر مهربان تویی.

۱۲۹ پروردگارا، و در میان آنان و از خودشان پیامبری برانگیز، تا آیات تو را بر آنان بخواند و کتاب و حکمت را به آنان بیاموزد و آنان را پاک گرداند. بی‌تردید عزیز حکیم تویی.»

۱۳۰ و کیست که از کیش «ابراهیم» رویْ بگرداند؟ مگر آن کس که به بی خردی گراییده باشد و البته ما او («ابراهیم») را در دنیا برگزیدیم و بی‌تردید او در آخرت از نیکان باشد.

۱۳۱ هنگامی که پروردگارش به او گفت: «فرمانبردار باش.» او گفت: «من پروردگارِ جهانیان را فرمانبردارم.»

۱۳۲ و «ابراهیم» آن [کیش و آیین] را به پسرانش وصیّت کرد. و «یعقوب» نیز [گفت]: «ای پسران من، بی‌گمان خداوند برای شما این دین را برگزید. پس نمیرید، مگر این که مسلمان (فرمانبردار خداوند) باشید.»

۱۳۳ آیا هنگامی که «یعقوب» را مرگ رسید، شما حاضر بودید؟ در آن لحظه به پسرانش گفت: «پس از من، شما چه کسی را می‌پرستید؟» گفتند: «ما معبود تو را و معبود پدرانت «ابراهیم» و «اسماعیل» و «اسحاق» را می‌پرستیم. او معبودی یگانه است و ما فرمانبردارانِ او هستیم.»

۱۳٤ آن امّتی است که بدون تردید درگذشتند. آن چه کسب کردند (دستاوردشان) برای آنان است و آن چه شما کسب می‌کنید (دستاوردتان) برای شماست. و در مورد آن چه آنان می‌کردند، از شما بازخواست نشود.

۱۳۵ و گفتند: «یهودی یا نصرانی شوید، تا هدایت یابید.» بگو: «[نه] بلکه آیینِ «ابراهیمِ» یکتاپرستِ حق گرا [راه هدایت است] و او از مشرکان نبود.»

۱۳٦ بگویید: «ما به خداوند و به آن چه بر ما فرود آمد و به آن چه بر «ابراهیم» و «اسماعیل» و «اسحاق» و «یعقوب» و «اسباط» فرود آمد و به آن چه به «موسی» و «عیسی» داده شد و به آن چه به پیامبران از جانب پروردگارشان داده شد، ایمان آوردیم. هیچ تفاوتی میان هیچ یک از آنان نمی‌گذاریم. و ما مطیع و فرمانبردار او (خداوند) هستیم.»

۱۳۷ پس اگر ایمان آوردند -همان گونه که شما به آن ایمان آوردید- بی‌تردید هدایت یافته‌اند. و اگر پشت کردند، پس آنان فقط در ستیزه می‌باشند. پس خداوند تو را از آنان، کفایت خواهد کرد. و او شنوای داناست.

۱۳۸ [اینست] رنگ (دین) خداوند. کیست نیکوتر از خداوند برای رنگ آمیزی (تعیین دین)؟ و ما او را می‌پرستیم.

۱۳۹ بگو: «آیا دربارهٔ خداوند با ما مجادله می‌کنید؟ و او پروردگار ما و پروردگار شماست. کردار ما برای ما و کردار شما برای شماست. و ما برای او پاک ایمان و یکرنگ هستیم.

۱٤۰ یا می‌گویید که «ابراهیم» و «اسماعیل» و «اسحاق» و «یعقوب» و «اسباط»، یهودی یا نصرانی بودند؟» بگو: «شما بهتر می‌دانید، یا خداوند؟» و کیست ستمکارتر از آن کس که شهادتی را که از خداوند نزد او باشد، کتمان کند و خداوند از آن چه می‌کنید، غافل نیست.

۱٤۱ آن امّتی است که البته درگذشتند. آن چه کسب کردند (دستاوردشان) برای آنان است. و آن چه شما کسب کردید (دستاوردتان) برای شما است. و از آن چه آنان کردند، از شما بازخواست نشود.

۱٤۲ به زودی مردمانِ کم خرد گویند: «چه چیز آنان را از قبله‌ای که بر آن بودند، برگردانید؟» بگو: «مشرق و مغرب از آنِ خداوند است. هر کس را خواهد، به راه راست هدایت کند.»

۱٤۳ و این چنین ما شما را امّتی میانه‌رو گردانیدیم، تا بر مردم گواهانی (نمونه) باشید و پیامبر هم گواه بر شما باشد. و ما قبله‌ای را که تو بر آن بودی قرار ندادیم، مگر به این دلیل که [همه] بدانیم چه کسی از پیامبر پیروی می‌کند و چه کسی به روی پاشنهٔ پای خود بر می‌گردد (از دین بر می‌گردد). و بی‌تردید این کار [آزمایش] دشواری بود، مگر بر کسانی که خداوند هدایتشان کرد. و خداوند هرگز بر آن نیست که ایمان شما را تباه سازد. بی‌تردید خداوند به مردم، رئوف (دارای رحم و شفقت) و مهربان است.

۱٤٤ البته ما چرخش صورتت را در آسمان می‌بینیم. و بی‌گمان صورت تو را به جانب قبله‌ای که از آن خوشنود شوی، می‌گردانیم. پس روی خویش را به سوی «مسجد الحرام» بگردان. و هرجا که بودید، روی خود را به آن سو بگردانید. و بی‌تردید کسانی که به آنان «کتاب» داده شده است، می‌دانند که آن حق است و از جانب پروردگارشان می‌باشد. و خداوند از آن چه می‌کنند، غافل نیست.

۱٤٥ و اگر برای کسانی که به آنان «کتاب» داده شد هر نشانه‌ای بیاوری، از قبلهٔ تو پیروی نکنند و تو هم از قبلهٔ آنان پیروی نمی‌کنی و آنان پیرو قبلهٔ یکدیگر نیستند. و اگر تو پس از دانشی که برایت آمد، از هوس‌ها و آرزوهای آنان پیروی کنی، بی‌تردید آن گاه از ستمکاران خواهی شد.

۱۴۶ کسانی که به آنان «کتاب» دادیم، او («محمّد») را می‌شناسند، همان گونه که پسرانِ خود را می‌شناسند. و گروهی از آنانْ حق را پنهان می‌دارند و خودشان می‌دانند.

۱۴۷ حق از سوی پروردگار تو می‌باشد. پس از تردیدکنندگان نباش.

۱۴۸ و برای هر گروه جهت و سویی (قبله‌ای) است که رو به سوی آن کنند. پس به سوی نیکی‌ها از یکدیگر پیشی گیرید. هر جا که باشید، خداوند همهٔ شما را گرد می‌آورد. بی‌تردید خداوند بر همه چیز تواناست.

۱۴۹ و [تو ای «محمّد»] از هر جا که بیرون آمدی، روی خود را به سوی «مسجد الحرام» کن. و بی‌تردید این حق است و از سوی پروردگار تو می‌باشد. و خداوند از آن چه می‌کنید، غافل نیست.

۱۵۰ و [تو ای «محمّد»] از هر جا بیرون آمدی، روی خود را به سوی «مسجد الحرام» کن و [شما هم ای مسلمانان] هر جا که باشید، روی خود را به سوی آن بگردانید، تا مردمان را بر شما حجّتی نباشد، مگر کسانی از آنان که ستمگری کردند. پس از آنان بیم نداشته باشید و از من بیمناک باشید. و تا نعمت خود را بر شما تمام کنم و شاید هدایت یابید.

۱۵۱ همان گونه که ما پیامبری از خودتان به سوی شما فرستادیم که آیات ما را بر شما بخواند و شما را پاکیزه سازد و کتاب و حکمت به شما بیاموزد و آن چه را که نمی‌دانستید، به شما تعلیم دهد.

۱۵۲ پس مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم. و شکر مرا به جای آورید و کفران نکنید.

۱۵۳ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به شکیبایی و نماز [از خداوند] یاری جویید. بی‌تردید خداوند با شکیبایان است.

۱٥٤ و به آنان که در راهِ خداوند کشته می‌شوند، «مرده» نگویید؛ بلکه آنان زنده می‌باشند. و لیکن شما درک نمی‌کنید.

۱٥٥ و ما شما را به چیزی از [قبیلِ] ترس و گرسنگی و کاهشِ ثروت و نفوس و میوه‌ها و ثمرات آزمایش می‌کنیم. و شکیبایان را مژده بده.

۱٥٦ کسانی که چون مصیبتی به آنان رسد، گویند: «بی‌تردید ما از آنِ خداوندیم و بی‌تردید ما به سوی او باز می‌گردیم.»

۱٥۷ آنانند که درودهایی و رحمتی از سوی پروردگارشان بر ایشان باشد و آنانند که هدایت یافته‌اند.

۱٥۸ بی‌گمان «صفا» و «مروه» از نشانه‌های خداوند است. پس هر کس حجِ خانهٔ خدا کند و یا عمره به جای آورد، بر او باکی نیست که بر آن دو (کوه «صفا» و «مروه») طواف نماید. و آن کس که با علاقه [و خواستِ قلبیِ خود] نیکوکاری کند، پس بی‌تردید خداوند شاکر داناست.

۱٥۹ بی‌گمان کسانی که آن چه را ما از دلایل روشن و هدایت فرود آوردیم –پس از آن که آن را برای مردم در «کتابْ» آشکار کردیم– کتمان و پنهان می‌دارند، خداوند آنان را لعنت کند و از خود براند و دیگران هم آنان را لعنت گرانه از خود برانند!

۱٦۰ مگر کسانی که توبه کردند و [بدی را به نیکی] اصلاح کردند و [حق را به روشنی] بیان داشتند. پس توبهٔ آنان را می‌پذیرم. و توبه‌پذیر مهربانْ منم.

۱٦۱ بی‌گمان کسانی که کافر شدند و کافر مردند، لعنتِ خداوند و فرشتگان و همهٔ مردم بر آنان باد!

۱٦۲ در آن (لعنت و دوزخ) جاودانه بمانند. نه عذابشان کاهش یابد و نه به آنان مهلت داده شود.

۱٦۳ و معبودِ شما معبودی یگانه است. معبودی جز او نیست، که بخشندهٔ مهربان است.

۱٦٤ بی‌گمان در آفرینشِ آسمان‌ها و زمین و پی در پیِ هم آمدنِ شب و روز و کشتی‌هایی که در دریا روان می‌شوند برای آن چه به مردم سود می‌رساند، و آن چه خداوند از آب از آسمان فرود آورْد و زمین را که مرده بود، به آن زنده کرد و در آن (زمین) همه گونه جنبنده را پراکند، و در چرخشِ بادها و ابرها که میانِ آسمان و زمینْ رام هستند، برای گروهی که می‌اندیشند و درک می‌کنند، نشانه‌هایی [از خداوند] است.

۱٦٥ و از مردم بعضی هستند که از غیر خداوند برای او همتاهایی می‌گیرند که [آن‌ها را] همچون خداوند دوست می‌دارند. و آنان که [به خداوند یکتا] ایمان دارند، خداوند را شدیدتر دوست دارند. هر چند که آنان که ستم کردند، آن گاه که عذاب را می‌بینند، متوجّه می‌شوند که قدرت به تمامی از آنِ خداوند است. و بی‌تردید خداوند سخت، عذاب می‌کند.

۱٦٦ هنگامی که پیشوایان (کسانی که از آنان پیروی شود) از کسانی که از آنان پیروی کنند، بیزاری جویند. و عذاب را ببینند. و هر وسیلهٔ پیوندی [میانشان] بریده شود.

۱٦٧ و کسانی که [از پیشوایانِ گمراه] پیروی کردند، گویند: «کاش ما را [به دنیا] بازگشتی بود، تا از آنان بیزاری می‌جستیم، همان گونه که آنان هم از ما بیزاری جستند.» خداوند این چنین کردارشان را بر آنان افسوسْبار می‌نمایاند و آنان از آتش بیرون آمدنی نیستند.

۱٦٨ ای مردم، از آن چه روی زمین، حلال و پاکیزه می‌باشد، بخورید. و از شیطان پیروی مکنید و گام در جای پای او مگذارید. بی‌تردید او دشمنِ آشکار شماست.

۱٦٩ او شما را فقط به بدی و به فحشاء فرمان می‌دهد و این که چیزی بر خداوند بگویید، که به آن آگاهی ندارید.

۱۷۰ و هنگامی که به آنان گفته شود: «از آن چه خداوند فرو فرستاده است، پیروی کنید.» می‌گویند: «[نه] بلکه ما پیروی می‌کنیم از آن چه که پدرانمان را بر آن [راه و روش] یافته‌ایم.» هر چند که پدرانشان چیزی نمی‌فهمیدند و هدایت نیافته بودند؟

۱۷۱ و مَثَلِ آنان که کافر شدند، همچون مَثَلِ کسی است که به چیزی فریاد می‌زند که جز صدایی و ندایی نشنود. کر و لال و کورند. پس آنان اندیشه و درک نکنند [و بی‌خردند].

۱۷۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از پاکیزه‌هایی که روزیِ شما گردانیده‌ایم، بخورید و شکرِ خدا کنید، اگر تنها او را پرستش می‌کنید.

۱۷۳ [خداوند] فقط مردار، و خون، و گوشتِ خوک و آن چه را که [هنگامِ سر بریدن] غیرِ نامِ خدا بر آن گفته شود، بر شما حرام کرده است. پس آن کس که ناچار [از خوردن حرام] شد –نه از روی تمایل به سرپیچی از فرمان و نه به قصد زیر پا گذاشتن حدود الهی– در این‌صورت بر او گناهی نباشد. بی‌تردید خداوند آمرزگار مهربان است.

۱۷٤ بی‌گمان آنان که آن چه را که خداوند از «کتاب» («تورات») فرو فرستاده است، پنهان می‌دارند و بهای کمی از آن کسب می‌کنند، آنان جز آتش در شکم [نکنند و] نخورند. و خداوند روز قیامت با آنان سخن نمی‌گوید و آنان را پاکیزه نسازد و برای آنان عذابی دردناک باشد.

۱۷۵ اینان کسانی هستند که گمراهی را به بهای هدایت، و عذاب را به بهای آمرزش خریده‌اند. پس آنان چه قدر بر آتش شکیبا باشند؟!

۱۷٦ آن (عذاب) به این دلیل است که خداوند «کتاب» را از روی حق فرو فرستاده است. و بی‌گمان آنان که در «کتاب» اختلاف کردند، در کینه توزیِ دوری (عمیقی) هستند.

۱۷۷ نیکوکاری آن نیست که صورت‌های خویش را به سوی مشرق و مغرب بگردانید. و لیکن نیکی [از] کسی است که به خداوند و روز رستاخیز و فرشتگان و «کتاب» و پیامبران ایمان بیاورد و ثروت خویش را با وجود دوست داشتنِ آن، به خویشان و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان و یاری خواهان و در راه آزاد کردنِ بندگان بدهد. و نماز را بپا دارد و زکات بدهد. و آنان که به پیمان خویش هنگامی که پیمان بستند، وفا کنند و شکیبایان در سختی و زیان و هنگام جنگ. چنین کسان، آنانند که [سخنِ] راست گفته‌اند و اینان پرهیزکارانند.

۱۷۸ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای کشتگان، قصاص بر شما نوشته و مقرّر شد؛ مردِ آزاد در برابر مردِ آزاد. و بنده در برابر بنده. و زن در برابر زن. پس هر کس که از برادرش چیزی به او بخشیده شود، شایسته است که روشِ نیکویی را پیروی کند و او هم [دیه را] به نیکویی ادا کند. این تخفیفی و رحمتی از سوی پروردگار شما می‌باشد. پس هر کس از این پس [از این حدّ] تجاوز کند، برایش عذابی دردناک باشد.

۱۷۹ و ای خردمندان، برای شما در قصاص، زندگی است. شاید پرهیزکار شوید.

۱۸۰ بر شما مقرّر شد: آن گاه که یکی از شما را مرگْ رسد، اگر چیز خوبی (ثروتی) از او بماند، برای پدر و مادر و خویشان به شایستگی وصیت نماید، که این بر پرهیزکاران حقی باشد.

۱۸۱ پس هر کس بعد از آن که آن را شنید، آن را تبدیل نمود (تغییرداد)، پس بی‌گمان گناهش بر کسانی باشد که آن را تبدیل کرده‌اند. بی‌تردید خداوند شنوای داناست.

۱۸۲ پس اگر کسی از ستم یا گناهی از وصیت کننده بیمناک شود و میان آنان اصلاح کند و سازش دهد، پس گناهی بر او نباشد. بی‌تردید خداوند آمرزگار مهربان است.

۱۸۳ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما نوشته و مقرّر شد. همان گونه که بر پیشینیانِ شما نوشته شده بود. شاید پرهیزکار شوید.

۱۸٤ روزهای شمرده شده‌ای [روزه بدارید]. و هر کس از شما بیمار و یا در سفر باشد، پس چند روزی از روزهای دیگر روزه بگیرد. و بر کسانی که تحمّل آن (روزه‌داری) بر آنان دشوار است، فدیهٔ آن، خوراک دادن به بینوایی می‌باشد. پس هر کس با علاقهٔ قلبیِ خویش، خواهانِ نیکویی [بیش‌تر] شود، آن برایش نیکوتر است. و اگر روزه بدارید، برایتان بهتر است. اگر می‌دانستید.

۱۸۵ ماه رمضان همان (ماهی) است که «قرآن» در آن فرود آمد. [«قرآن»] برای مردم راهنما و دلایل روشنی از هدایت و فرقان (جداکنندهٔ حق از باطل) است. پس هر کس از شما این ماه را دریابد، باید در آن روزه بگیرد. و هر کس که بیمار و یا در سفر باشد، پس چند روزی از روزهای دیگر را روزه بگیرد. خداوند برای شما آسانی می‌خواهد و برایتان دشواری نمی‌خواهد، تا کامل کنید شماره [روزها] را و به خاطر آن که شما را هدایت نمود، خداوند را به بزرگی یاد کنید. و شاید شکرگزار باشید.

۱۸٦ و هنگامی که بندگانِ من در مورد من از تو بپرسند، من به راستی نزدیکم و دعوتِ دعا کننده را –آن گاه که مرا بخواند– می‌پذیرم. پس آنان هم باید [دعوتِ] مرا بپذیرند و به من ایمان داشته باشند. شاید هدایت شوند و رشد یابند.

۱۸۷ در شبِ روزه داری، نزدیکی (همآغوشی) با زنانتان بر شما حلال شده است. آنان
برای شما لباسی هستند و شما [نیز] برای آنان [مانندِ] لباسی هستید. خداوند
می‌دانست که شما به خویشتن خیانت می‌کردید. پس از خطایتان در گذشت و شما
را عفو کرد. پس اینک با آنان بیامیزید و آن چه را که خداوند بر شما نوشته و
دستور داده است، بجویید. و بخورید و بیاشامید، تا رشتهٔ سپیدِ سپیده دم از رشتهٔ
سیاه [شب] برایتان پدیدار گردد. سپس روزه را تا شب تمام کنید و هنگامی که در
مسجدها برای عبادتْ اعتکاف دارید، با آنان (زنان) آمیزش نکنید. این‌ها حدود الهی
است (خداوند این حدود را نهاده است). پس به آن‌ها (به حدود الهی) نزدیک
نشوید. خداوند این چنین آیاتِ خود را برای مردم بیان می‌کند، شاید پرهیزکار شوند.
۱۸۸ و ثروتتان را به ناحق (از روی باطل) میان خود مخورید. و با دادن قسمتی از آن به
فرمانروایان، نخواهید که قسمتی از ثروت مردم را به گناه بخورید. حال آن که شما
می‌دانید.
۱۸۹ از تو دربارهٔ هِلال‌های ماه (ماه‌های نو) می‌پرسند. بگو: آن‌ها زمانْ نماهایی برای
مردم و برای حج است. و نیکی، آن نیست که شما از پشت خانه‌ها به آن‌ها وارد
شوید. و لیکن نیکی [از] کسی است که پرهیزکار باشد. و از درها به خانه‌ها داخل
شوید. و از خداوند بترسید. شاید رستگار شوید.
۱۹۰ و در راه خداوند با کسانی که با شما می‌ستیزند، پیکار کنید. و [از حدود الهی]
تجاوز نکنید، که خداوند متجاوزان را دوست ندارد.

۱۹۱ و آنان (کفار) را هر جا یافتید، بکشید و از آن جا که شما را بیرون کردند، آنان را بیرون کنید. و فتنه از کشتن بدتر است. و نزدیک «مسجد الحرام» با آنان جنگ نکنید، مگر این که آنان در آن جا با شما در ستیز آیند. و اگر با شما پیکار کردند، پس آنان را بکشید. جزای کافران چنین باشد.

۱۹۲ پس اگر آنان دست برداشتند، آن گاه بی‌تردید خداوند آمرزگار مهربان است.

۱۹۳ و با آنان پیکار کنید، تا این که دیگر فتنه‌ای نباشد و دین از آنِ خداوند گردد. پس اگر آنان دست برداشتند، دیگر دشمنی نیست، مگر بر ستمکاران.

۱۹٤ ماه حرام به ماه حرام. و [عدم رعایت] حرمت‌ها قصاص دارد. پس هر کس که به شما تجاوز کرد، همان گونه که به شما تجاوز کرده است، بر او تجاوز کنید. و از خداوند بیمناک باشید و بدانید که خداوند با پرهیزکاران است.

۱۹۵ و در راه خداوند بخشش کنید. و خود را به دست خویش به هلاکت نیندازید و نیکوکاری کنید. بی‌تردید خداوند نیکوکاران را دوست دارد.

۱۹٦ و «حج» و «عمره» را برای خداوند به اتمام برسانید. پس اگر باز داشته شدید، از قربانی آن چه میسّر است، [بدهید] و موهای سر خود را نتراشید، تا هنگامی که قربانی به جایگاه خودش برسد. پس هر کس از شما بیمار بود، یا درد و آزاری در سرش داشت [و ناچار شد سرش را بتراشد]، پس به شکل روزه یا صدقه یا قربانی فدیه بدهد. پس آن گاه که ایمن شدید، هر کس که به «عمره» متمتّع شده است و به سوی «حج» می‌رود، قربانی بر او واجب است، آن چه برایش میسّر است. پس اگر قربانی برای کسی میسّر نشد، باید در ایّام «حج» سه روز و پس از بازگشت هفت روز، که ده روزِ کامل می‌شود، روزه بگیرد. این برای کسی است که اهل او (خانواده‌اش) در «مسجد الحرام» حاضر نباشد. و از خداوند بترسید و بدانید که بی‌تردید خداوند سختْ کیفر است.

۱۹۹ «حج» در ماه‌های معینی است. پس هر کس در آن [مدّت با بستن اِحرام] خود را مُلزَم به حج کرد، باید در حج [با همسرش] نزدیکی نکند و گناه و نافرمانی از خدا نکند و جدال نکند و آن چه از نیکی انجام دهید، خداوند بر آن دانا است. و توشه برگیرید، که پرهیزکاری بهترین توشه است و ای خردمندان، از من بیمناک باشید و تقوا پیشه کنید.

۱۹۸ بر شما باکی نیست که از فضلِ پروردگارِ خویش طلب کنید. پس آن گاه که از «عرفات» حرکت کردید، نزدیکِ «مشعر الحرام»، خداوند را یاد کنید و او را یاد کنید، چنان که شما را هدایت کرد. و هر چند که پیش از این از گمراهان بودید.

۱۹۹ سپس از همان جایی که مردم عزیمت می‌کنند، شما هم عزیمت کنید. و از خداوند آمرزش بخواهید. بی‌تردید خداوند آمرزگار مهربان است.

۲۰۰ پس آن گاه که اعمال [حجِ] خود را به جایْ آوردید، خداوند را یاد کنید؛ آن گونه یادی که از پدرانتان می‌کنید، یا یادی شدیدتر (شایسته‌تر). و از مردم کسی هست که می‌گوید: «پروردگارا، در دنیا به ما [بهره‌ای] ببخش.» و در آخرت برایش بهره‌ای نیست.

۲۰۱ و از آنان کسی هست که می‌گوید: «پروردگارا، در دنیا به ما نیکویی ببخش و در آخرت به ما نیکویی ببخش و ما را از عذابِ آتش دور بدار.»

۲۰۲ آنانند که از آن چه کسب کرده‌اند (دستاوردشان) برایشان بهره‌ای باشد. و خداوند زود حساب است.

۲۰۳ و خداوند را در روزهای بر شمرده (روزهای تشریق) یاد کنید. پس آن کس که در دو روز (یازدهم و دوازدهم ذی‌حجه) شتاب کند [و قبل از تمام شدن سه روز حرکت کند]، بر او گناهی نیست. و آن کس که تأخیر کند، اگر پرهیزکار باشد، بر او نیز گناهی نباشد. و از خداوند بیمناک باشید و تقوا پیشه کنید و بدانید که به سویش برانگیخته می‌شوید.

۲۰۴ و از مردم کسی باشد که سخنش در مورد زندگیِ دنیا تو را به شگفت آورد. و بر آن چه در دل دارد، خداوند را گواه گیرد. حال آن که او بدترین دشمنان [دین] است.

۲۰۵ و هنگامی که به تو پشت کرد [و رفت]، می‌کوشد تا در زمین فساد کند و کشتزار و نسل را نابود سازد. و خداوند فساد را دوست ندارد.

۲۰۶ و هنگامی که به او گفته شود: «از خداوند بترس.» عزّتش (قدرتش) او را به گناه بکشاند. پس دوزخ، او را کفایت کند و [دوزخ] بدْ بستر و جایگاهی است.

۲۰۷ و از مردم کسی باشد که جانِ خویش را در طلب رضای خداوند می‌فروشد. و خداوند به بندگان مهربان است.

۲۰۸ ای کسانی که ایمان آوردید، جملگی به طاعت [خداوند] درآیید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید. بی‌تردید او برای شما دشمنی آشکار است.

۲۰۹ پس اگر پس از این که دلایل آشکار برایتان آمد، لغزیدید، آن گاه بدانید که بی‌تردید خداوند عزیز حکیم است.

۲۱۰ آیا غیر از این انتظار دارند که خداوند و فرشتگان در سایه‌هایی از ابر به سوی آنان آیند و امر، پایان پذیرد؟ و کارها به سوی خداوند باز گردانده می‌شود [برای حُکمِ نهایی].

۲۱۱ از «بنی‌اسرائیل» بپرس که چه قدر به آنان آیاتِ روشن دادیم. هر کس نعمت خداوند را پس از آن که برایش آمد، دگرگون (تبدیل) کند، آن گاه بی‌تردید [خداوند او را کیفر دهد و] خداوند سختْ کیفر است.

۲۱۲ برای آنان که کافر شدند، زندگیِ دنیا آراسته شد. و آنان کسانی را که ایمان آورده‌اند، مسخره می‌کنند. و آنان که پرهیزکار شدند، در روز رستاخیز [در مقامِ] بالای آنان باشند. و خداوند آن کس را که بخواهد، بی‌شمار روزی دهد.

۲۱۳ مردم امّتی یگانه بودند. پس خداوند پیامبران را مژده‌بخش و بیم دهنده برانگیخت و با آنان «کتاب» را به حق فرو فرستاد، تا در مورد آن چه اختلاف می‌کردند، میان مردم دادگری کند. و اختلاف در آن نکردند، مگر کسانی که آن («کتاب») به ایشان داده شده بود، از روی حسد و ستم در بین خود و پس از آن که معجزات و دلایل روشن برایشان آمد. پس خداوند به خواست خود، آنان را که ایمان آورده بودند، در مورد آن چه حق بود و در آن اختلاف می‌کردند، هدایت فرمود. و خداوند هر کس را که بخواهد، به سوی راه راست هدایت می‌کند.

۲۱٤ آیا گمان کردید که به بهشت داخل می‌شوید، در حالی که هنوز نمونهٔ احوال (مَثَلِ) آنان که پیش از شما گذشتند [و رفتند] به شما نرسیده است. آنان گرفتار پریشانی و زیان شدند و بر خود لرزیدند، تا این که پیامبر و کسانی که با او ایمان آورده بودند، گفتند: «چه هنگام، یاریِ خداوند می‌رسد؟» بدان که بی‌تردید یاریِ خداوند نزدیک است.

۲۱۵ از تو می‌پرسند که چه چیز انفاق کنند. بگو: «آن چه از خیر و نیکی (مال) بخشش می‌کنید، باید برای پدر و مادر و خویشاوندانِ نزدیک و یتیمان و بینوایان و در راهْ ماندگان باشد» و آن چه نیکوکاری کنید، بی‌تردید خداوند بر آن داناست.

۲۱۶ پیکار بر شما نوشته شد (دستور و واجب شد). و آن به نظر شما ناگوار می‌آید و از آن کراهت دارید. و چه بسیار چیزی که از آن کراهت دارید و آن برای شما نیکو باشد. و چه بسیار چیزی که شما آن را دوست می‌دارید و برای شما بد باشد. و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید.

۲۱۷ از تو در مورد ماه حرام و پیکار در آن [ماه] می‌پرسند. بگو: «پیکار در آن ماه [گناهی] بزرگ است و مانع شدن [مردم] از راه خداوند و کفر به او، و [باز داشتنِ مردم از] «مسجد الحرام» و بیرون راندنِ اهل آن از آن جا، نزد خداوند [گناهانی] بزرگ‌تر است.» و فتنه از قتل بزرگ‌تر است. آنان (کفّار) پیوسته با شما پیکار می‌کنند، تا اگر بتوانند، شما را از دینتان باز گردانند. و هر کس از شما از دین خود برگردد و در حالی که کافر باشد بمیرد، آن گاه کردارِ آنان در دنیا و آخرت تباه شود و آنان یاران آتش باشند، که در آن جاودانه بمانند.

۲۱۸ بی‌تردید آنان که ایمان آوردند و کسانی که هجرت کردند و در راه خداوند جهاد کردند، آنان به رحمتِ خداوند امیدوارند و خداوند آمرزگار مهربان است.

۲۱۹ از تو در مورد شراب و قمار می‌پرسند. بگو: «در آن دو گناه بزرگی است و برای مردم سودهایی دارد و [حال آن که] گناهِ آن دو بزرگ‌تر از سود آن‌هاست.» و از تو می‌پرسند که چه چیز انفاق کنند. بگو: «گذشت [داشته باشید و مازاد بر نیاز خود را انفاق کنید].» خداوند این چنین آیات خود را برای شما بیان می‌کند، شاید اندیشه کنید

۲۲۰ در [مورد] دنیا و آخرت. و از تو در مورد یتیمان می‌پرسند. بگو: «اصلاحِ کارِ آنان بهتر است. و اگر با آنان بیامیزید، پس آنان برادران شما می‌باشند.» و خداوند فسادْکار را از اصلاحْکار می‌شناسد و اگر خداوند می‌خواست، شما را دچار گرفتاری و ناراحتی می‌کرد. بی‌تردید خداوند عزیز حکیم است.

۲۲۱ و با زنان مشرک ازدواج مکنید، تا این که با ایمان شوند. و بی‌گمان کنیزِ مؤمن بهتر از زن مشرک است، هر چند که آن زن مشرک شما را [از نظر زیبایی] به شگفت آورد. و به مردان مشرک زن ندهید، تا این که با ایمان شوند و یک بندهٔ مؤمن از یک مرد مشرک بهتر است. هر چند که [ثروت و صورت] آن مرد مشرک شما را به شگفت آورد. آنان، شما را به آتش دعوت می‌کنند. و خداوند به فرمان خویش [شما را] به بهشت و آمرزش دعوت می‌نماید و او آیاتِ خویش را برای مردم به روشنی بیان می‌کند، شاید پند پذیر شوند.

۲۲۲ و در مورد «حیض» (حالت خون دیدن زنان) از تو می‌پرسند. بگو: «آن [برای زنان] آزاری باشد. پس هنگام حیض از زنان دوری گزینید (با آنان نزدیکی نکنید) و تا هنگامی که پاک نشده‌اند، با آنان نزدیکی [و آمیزش] نکنید. و هنگامی‌که پاک شدند [و غسل کردند]، از آن جا که خداوند به شما فرمان داده است، با آنان نزدیکی کنید.» و بی‌تردید خداوند توبه‌کنندگان را دوست دارد. و پاکْپیشگان را نیز دوست می‌دارد.

۲۲۳ زنان شما کشتزار شما هستند. هر جا و هر گاه که خواهید، به کشتزار خود درآیید. و از قبل برای خویش [کردارِ نیک] بفرستید و از خداوند بیمناک باشید و بدانید که شما او را دیدار خواهید کرد و مؤمنان را [به سرانجام نیکو] مژده بده.

۲۲٤ و خداوند را وسیلهٔ سوگندهای خود قرار مدهید برای این که نیکی و پرهیزکاری و اصلاح میان مردم نکنید. و خداوند شنوای داناست.

۲۲۵ خداوند شما را به سوگندهای بیهوده‌تان مؤاخذه نکند. و لیکن خداوند از آن چه قلب‌هایتان کسب کرده است، شما را مؤاخذه کند. و خداوند آمرزگار شکیباست.

۲۲٦ برای کسانی که از زنان خود با سوگند کناره می‌گیرند، چهار ماه مهلت است. اگر آنان بازگشتند، پس بی‌تردید خداوند آمرزگار مهربان است.

۲۲۷ و اگر تصمیم به طلاق گرفتند، پس بی‌تردید خداوند شنوای داناست.

۲۲۸ و زنانِ طلاق داده شده، باید تا سه پاکی [از شوهر کردن] خودداری نمایند. و اگر به خداوند و روز قیامت ایمان دارند، بر آنان حلال نیست که آن چه را که خداوند در رَحِم‌هایشان آفریده است، پنهان دارند. و اگر آنان خواهانِ سازش باشند، شوهرانشان در این مدّت برای برگرداندن آنان [به زناشویی] سزاوارترند و برای آن زنان به نیکویی [حقوقی] هست، همان گونه که بر آنان [تکالیفی] هست. و مردان را بر زنان درجه‌ای (برتری) است. و خداوند عزیز حکیم است.

۲۲۹ طلاق دو مرتبه است. پس از آن، یا نگه داشتن با نیکی، و یا رها ساختن به خوبی است. و بر شما حلال نیست که چیزی از آن چه به آنان داده‌اید، پس بگیرید. مگر این که آن دو (زن و شوهر) بیمناک باشند که نتوانند حدود الهی را بپا دارند. پس اگر بیمناک شدید که نتوانند حدود الهی را بپا دارند، دیگر گناهی بر آنان نیست که زن فدیه دهد. این حدود الهی است (این حدود را خداوند نهاده است). پس، از آن تجاوز نکنید. و هر کس از حدود الهی تجاوز کند، آن گروه ستمکارانند.

۲۳۰ آن گاه اگر [بارِ سوم] او را طلاق داد، دیگر آن زن بر او حلال نمی‌شود، مگر این که با مرد دیگری ازدواج کند. و اگر این شوهر او را طلاق داد، پس بر آن دو (آن زن و شوهر سابقش) گناهی نیست که دگر بار به یکدیگر باز گردند –اگر بر این اندیشه‌اند که حدود الهی را بپا دارند– و این‌حدود الهی است، که [خداوند] برای قومی که می‌دانند، بیان می‌کند.

۲۳۱ و هنگامی‌که زنان را طلاق دادید و سرآمدشان فرا رسید، آن گاه آنان را [یا] به نیکویی نگاه دارید، یا به خوبی رهایشان کنید. و آنان را برای زیان [و آزار] رساندن نگه ندارید تا به آنان ستم کنید. و هر کس چنین کند، بر خویشتن ستم کرده است و شما آیات خداوند را به مسخره نگیرید. و نعمتی را که خداوند به شما داد و آن چه را بر شما از «کتاب» و حکمت فرود آورد تا با آن پندی به شما دهد، به یاد آورید. و از خداوند بترسید و بدانید که خداوند بر همه چیز داناست.

۲۳۲ و هنگامی که زنان را طلاق دادید و به سرآمدِ دوره (عدّه) خود رسیدند، اگر به نیکویی رضایتْ میانشان پیدا شد، آنان را از ازدواج با شوهران خویش منع مکنید. این پندی است برای کسانی از شما که به خداوند و روز رستاخیز ایمان دارند. این برای شما پاک‌تر و پاکیزه‌تر است. و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید.

۲۳۳ و مادران دو سال تمام، فرزندان خویش را شیر دهند. [این] برای آن کس باشد که بخواهد شیر دادن [به طفل] را تمام کند. خوراک و لباس آنان (مادران شیرده) به شکلی نیکو برعهدهٔ پدر است. به هیچ کس بیش از توانایی‌اش تکلیف نمی‌شود. هیچ مادری به خاطر فرزندش و هیچ پدری به خاطر فرزندش زیان [و ستم] نبیند. و بر وارث این چنین است. و اگر پدر و مادر با رضایت و مشاورت یکدیگر خواستند فرزند را از شیر بگیرند، گناهی بر آنان نباشد. و اگر اراده کردید که فرزندان خویش را به دایهٔ شیرده بدهید، گناهی بر شما نباشد. مشروط بر این که آن چه مقرّر شد، به نیکویی بدهید. و از خداوند بیمناک باشید و تقوا پیشه کنید و بدانید که بی‌تردید خداوند به آن چه انجام می‌دهید، بیناست.

۲۳٤ و از شما کسانی که می‌میرند و همسرانی به جا می‌گذارند [همسرانشان] باید چهار ماه و ده روز انتظار بکشند. و آن گاه که مدّت خود را به سر آوردند، در آن چه در مورد خود به نیکویی رفتار کنند، گناهی بر شما نباشد. و خداوند به آن چه انجام می‌دهید، آگاه است.

۲۳٥ و بر شما گناهی نباشد که به کنایه از زنان خواستگاری کنید، یا این که در دل خود این خواستگاری را نگه دارید. خداوند می‌داند که شما آنان را یاد خواهید کرد. و لیکن به امر پنهانی با آنان قرار نگذارید، مگر این که سخنان نیکو گویید. و مصمّم به عقدِ نکاح نشوید، مگر دورهٔ معلوم و مقرّر در کتاب (عدّه) به آخر رسد و بدانید که آن چه در دل‌های شماست، خداوند می‌داند. پس از او بترسید و بدانید که خداوند آمرزگار شکیباست.

۲۳٦ بر شما گناهی نباشد اگر تا لحظه‌ای که با زنان نزدیکی نکرده‌اید، یا برایشان فریضه (مهریه) معیّن نکرده‌اید، آنان را طلاق بدهید. و آنان را بهره‌مند کنید. بر توانگر به اندازهٔ توان او و بر تنگدست به قدر توان او است که بهره‌ای به نیکویی دهد. این بر نیکوکاران حقّی است.

۲۳۷ و اگر آنان را پیش از نزدیکی طلاق دادید و مهریه‌ای هم برای آنان معلوم کرده بودید، پس نصف آن را که معین کرده بودید [بدهید]. مگر این که آنان خودشان گذشت کنند، یا کسی که عقدِ نکاح به دست اوست، گذشت نماید. و اگر شما گذشت کنید، به پرهیزکاری نزدیک‌تر است. و در میان خود سخاوت و نیکوکاری را فراموش نکنید. بی‌تردید خداوند به آن چه انجام می‌دهید، بیناست.

۲۳۸ نمازها را محافظت کنید و نمازِ میانه را. و برای خداوند، دعا خوانان (با فروتنی و طاعت) بپا خیزید.

۲۳۹ پس اگر بیمناک شدید [و در جنگ و پیکار بودید] آن گاه نماز را پیاده یا سواره به جای آورید. و هنگامی که ایمن شدید، خداوند را یاد کنید، همان گونه که چیزهایی به شما آموخت، که نمی‌دانستید.

۲۴۰ و از شما کسانی که می‌میرند و همسرانی باقی می‌گذارند، باید برای همسرانشان وصیتی کنند، که تا یک سال آنان را بهره‌مند کنند و [از خانه] بیرونشان نکنند. اما اگر خودشان بیرون رفتند، در آن چه آنان نسبت به خود از نیکویی انجام دهند، بر شما گناهی نباشد. و خداوند عزیز حکیم است.

۲۴۱ و برای زنانِ طلاق داده شده، بهرهٔ نیکویی است. بر پرهیزکاران این حقی است.

۲۴۲ خداوند این چنین آیات خود را برای شما بیان می‌دارد، شاید اندیشه و درک کنید.

۲۴۳ آیا ندیدی آنان را که از ترسِ مرگ از خانه‌های خویش خارج شدند و هزاران نفر بودند؟ پس خداوند به آنان گفت: «بمیرید!» سپس آنان را زنده کرد. و بی‌تردید خداوند نسبت به مردمْ صاحبِ فضل [و کرم] است. و لیکن بیش‌ترِ مردم شکرگزاری نمی‌کنند.

۲۴۴ و در راه خداوند پیکار کنید و بدانید بی‌تردید خداوند شنوای داناست.

۲۴۵ کیست آن کس که [در راه خیر و جهاد] به خداوند وام دهد، وامی نیکو؟ پس خداوند آن را برای او چندین برابر کند، چندین برابری بسیار. و خداوند [رزق را] تنگ می‌کند و فراخ می‌سازد و شما به سویش بازگردانده می‌شوید.

٢٤٦ آیا بزرگان «بنی‌اسرائیل» را ندیدی، که پس از «موسی» به پیامبر خود گفتند: «پادشاهی برای ما برانگیز، تا در راه خداوند پیکار کنیم.» گفت: «آیا این امکان هست که اگر پیکار بر شما نوشته شود (واجب گردد) کارزار نکنید؟» گفتند: «چرا در راه خداوند پیکار نکنیم؟ حال آن که ما از شهرمان و فرزندانمان رانده شده‌ایم.» پس هنگامی که پیکار بر آنان نوشته شد (مقرّر گردید) همه به آن پشت کردند، مگر تعداد کمی از آنان. و خداوند به ستمکاران داناست.

٢٤٧ و پیامبرشان به آنان گفت: «خداوند «طالوت» را به پادشاهی شما برانگیخت.» آنان گفتند: «چگونه او بر ما سلطنت کند؟ حال آن که ما به سلطنت از او شایسته‌تریم. [زیرا] به او وسعت در ثروت داده نشده است.» گفت: «بی‌تردید خداوند او را بر شما برگزیده و بر وسعتِ علم و قدرتِ جسمِ او افزوده است. خداوند پادشاهی‌اش را به هر که خواهد، می‌دهد.» و خداوند گشایندهٔ داناست.

٢٤٨ و پیامبرشان به آنان گفت: «نشانهٔ پادشاهی او این است که آن تابوت به سوی شما بیاید، که در آن آرامشی از سوی پروردگارتان است و داخل آن باقی ماندهٔ خاندان «موسی» و خاندانِ «هارون» است. فرشتگان آن را حمل می‌کنند. بی‌تردید در آن نشانه‌ای برای شماست. اگر ایمان داشته باشید.»

۲۴۹ پس آن گاه که «طالوت» با سپاهیان خود بیرون رفت، گفت: «خداوند شما را به نهری آزمایش کند. پس هر کس از آن [آب] بنوشد، از [یارانِ] من نیست. و هر کس از آن نخورد، از [یارانِ] من هست. مگر آن کس که مشتی از آن با دست خود بردارد [و به آن اکتفا کند].» پس همه از آن نوشیدند، جز تعداد کمی از آنان. و آن گاه که او و کسانی که با او ایمان آورده بودند، از آن نهر گذشتند [آنان که آب آشامیده بودند، از ترس] گفتند: «ما را امروز طاقتِ پایداری در مقابل «جالوت» و سپاهیانش نیست.» کسانی که در این اندیشه بودند که خداوند را ملاقات خواهند کرد، گفتند: «چه بسا که عدّهٔ کمی به خواست خداوند بر عدّه‌ای کثیر پیروز شده‌اند.» و خداوند با شکیبایان است.

۲۵۰ و آن گاه که با «جالوت» و سپاهیانش رو به رو شدند، گفتند: «پروردگارا، شکیبایی بر ما فرو ریز و گام‌های ما را استوار گردان و ما را بر گروه کافران پیروز بگردان.»

۲۵۱ پس [مؤمنان]، آنان (کفّار) را به خواست خداوند شکست دادند و «داود»، «جالوت» را کشت و خداوند سلطنت و حکمت را به او اعطا کرد و از آن چه می‌خواست، به او آموخت. اگر خداوند عدّه‌ای از مردم را به [دستِ] عدّه‌ای دیگر دفع نمی‌کرد، زمین در فساد می‌افتاد. و لیکن خداوند بر جهانیان صاحب فضل [و کَرَم] است.

۲۵۲ این، آیاتِ خداوند است که از روی حق بر تو می‌خوانیم و بی‌تردید تو از فرستادگان هستی.

۲۵۳ این پیامبران هستند که ما برخی را بر بعضی دیگر برتری دادیم. از آنان کسی بود که خداوند با او سخن گفت و بعضی از آنان را به درجاتی بالا برد. و ما به «عیسی» پسر «مریم» دلایل روشن و معجزاتی دادیم و به «روح القدس» او را تأیید و حمایت کردیم. و اگر خداوند می‌خواست، کسانی که پس از آنان بودند، پس از آن که آن آیات روشن برای آنان آمد، به پیکار [با یکدیگر] نمی‌پرداختند. و لیکن آنان [با هم] اختلاف کردند. و از آنان کسی بود که ایمان آورد. و کسی بود که کافر شد. و اگر خداوند می‌خواست، آنان [با هم] پیکار نمی‌کردند. و لیکن خداوند هر چه بخواهد، انجام می‌دهد.

۲۵٤ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از آن چه به شما روزی دادیم، بخشش کنید، پیش از فرا رسیدنِ روزی که نه خرید و فروشی در آن باشد و نه دوستی و نه شفاعتی. و کافران، آنان ستمکارانند.

۲۵۵ خداوند -که هیچ معبودی جز او نیست- زنده و قیّوم است (قائم به ذات خویش است و مخلوقات قائم به او هستند). او را نه خماریِ خواب فراگیرد و نه خواب. آن چه در آسمان‌ها و آن چه در زمین است، از آنِ اوست. کیست آن کس که نزد او شفاعت کند، مگر به امر او. خداوند به آن چه در مقابل آنان و به آن چه پشتِ سرِ آنان است، آگاه می‌باشد. و [آفریدگان] به چیزی از دانشِ خداوند احاطه ندارند، جز آن چه خودش خواهد. تختِ (اقتدار) او آسمان‌ها و زمین را فرا گرفته است و نگهداریِ آن‌ها بر او دشوار نیست. و او بلند مرتبه و با عظمت است.

۲۵٦ در [پذیرفتنِ] دین، اکراه و اجباری نیست. بی‌تردید رشد و هدایت از گمراهی آشکار شده است. و هر کس «طاغوت» را انکار کند (به «طاغوت» کفر ورزد) و به خداوند ایمان آورد، پس به راستی به دستگیرهٔ محکم‌تری چنگ زده است که قطع شدنی نیست. و خداوند شنوای داناست.

۲۵۷ خداوند دوست و سرپرست و حامیِ کسانی است که ایمان آورده‌اند. آنان را از تاریکی‌ها بیرون می‌آورد و به سوی روشنایی می‌برد. و کسانی که کافر شدند، دوستان و سرپرستانشان «طاغوت»ها هستند که آنان را از روشنایی بیرون می‌آورند و به سوی تاریکی‌ها می‌برند. آنان یارانِ آتشند، که در آن جاودانه ماندگارند.

۲۵۸ آیا آن کس را ندیدی که با «ابراهیم» در مورد پروردگارش جدال کرد، به خاطر آن که خداوند به او پادشاهی داده بود؟ آن گاه که «ابراهیم» گفت: «پروردگار من همانست که زنده می‌کند و می‌میراند.» [نمرود] گفت: «من زنده می‌کنم و می‌میرانم.» «ابراهیم» گفت: «بی‌تردید خداوند خورشید را از مشرق بر می‌آورد. تو آن را از مغرب برآور.» پس آن کس که کافر بود، مبهوت شد [و از پاسخ بازماند]. و خداوند قوم ستمکاران را هدایت نکند.

۲۵۹ یا مانند کسی که بر شهری بگذشت که دیوارهای آن (شهر) روی سقف‌ها فرو ریخته بود. گفت: «خداوند چگونه این شهر را پس از مردنش زنده می‌کند؟» آن گاه خداوند مدّت یکصد سال او را در مرگ نگه داشت. سپس او را برانگیخت [و] گفت: «چه مدّت ماندی؟» گفت: «یک روز یا قسمتی از یک روز ماندم.» گفت: «[نه] بلکه تو یکصد سال ماندی. پس به خوراک و نوشیدنی‌ات نگاه کن، که تغییری نیافته است. و به خرت نگاه کن. و برای این که تو را برای مردم نشانه‌ای قرار دهیم. و به استخوان‌ها نگاه کن، که ما چگونه آن‌ها را بر یکدیگر می‌گذاریم و با گوشت آن‌ها را می‌پوشانیم.» و چون [همه چیز] برای او آشکار گشت، گفت: «می‌دانم که خداوند بر همه چیز تواناست.»

٢٦٠ و هنگامی که «ابراهیم» گفت: «پروردگارا، به من بنمایان که مردگان را چگونه زنده می‌کنی.» گفت: «آیا تو ایمان نیاورده‌ای؟» گفت: «بلی، امّا برای این که قلبم اطمینان یابد.» [خداوند] گفت: «پس چهار پرنده را بگیر و نزد خودت، آن‌ها را تکه پاره کن. سپس قسمتی از آن‌ها را بر سر هر کوهی بگذار. آن گاه آن‌ها را بخوان. شتابان به سوی تو می‌آیند. و بدان که بی‌تردید خداوند عزیز حکیم است.»

٢٦١ مَثَلِ آنان که ثروت خود را در راه خداوند بخشش می‌کنند، مانند مَثَلِ دانه‌ایست که هفت خوشه برویاند و در هر خوشه یکصد دانه باشد. و خداوند برای هر کس بخواهد، چند برابر گردانَد. و خداوند گشایشگر داناست.

٢٦٢ آنان که ثروت خویش را در راه خداوند بخشش می‌کنند، سپس به دنبال آن چه داده‌اند، منّت و آزاری بر کسی نمی‌نهند، پاداششان نزد پروردگارشان باشد. نه برآنان بیمی است و نه اندوهگین شوند.

٢٦٣ سخنان نیکو و گذشت، نیکوتر از صدقه‌ایست که به دنبال آن آزار باشد. و خداوند بی‌نیاز شکیباست.

٢٦٤ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدقه‌های خود را با منّت و آزار تباه مسازید. مانند آن کس که برای خودنمایی به مردم، ثروت خود را بخشش می‌کند و به خداوند و روز رستاخیز ایمان ندارد. پس مَثَلِ او مانند مَثَلِ سنگ خارایی است که روی آن را خاک گرفته باشد. سپس رگباری بر آن ریخته باشد و سنگِ سختِ خالی از خاک را باقی گذاشته باشد. آنان بر چیزی از آن چه به دست آورده‌اند (دستاوردشان) قادر نباشند. و خداوند قوم کافران را هدایت نمی‌کند.

۲٦٥ و مَثَلِ آنان که ثروت خود را برای یافتن رضای خداوند و پابرجاییِ نَفْسِ خویش انفاق می‌کنند، مانند مَثَلِ باغی است بر تپه‌ای که رگبار بر آن ببارد و میوه‌هایش را دو چندان دهد. و اگر رگبار بر آن نبارد، پس بارانِ کم [برای آن کافیست]. و خداوند به آن چه می‌کنید، بیناست.

۲٦٦ آیا فردی از شما دوست دارد باغی از درختان خرما و انگور داشته باشد، که از زیر آن جویبارها جاری باشد، در آن برایش از هر نوع میوه باشد، در حالی که او را پیری فرا رسیده و فرزندانی ناتوان داشته باشد، آن گاه گردبادی بر آن باغ بوزد، که در آن آتشی باشد و [آن باغ] بسوزد؟ خداوند این چنین آیات خود را برای شما بیان می‌دارد، شاید شما اندیشه کنید.

۲٦۷ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از پاکیزه‌های آن چه به دست آورده‌اید و از آن چه ما برایتان از زمین رویانده‌ایم، بخشش کنید. و برای انفاق خود، ناپاکِ آن را در نظر نگیرید، همان گونه که شما هم این‌ها را نمی‌پذیرید، مگر این که در مورد آن چشمْ پوشی کنید. و بدانید که خداوند بی‌نیاز ستوده است.

۲٦۸ شیطان به شما وعدهٔ فقر می‌دهد (شما را از فقر می‌ترساند) و شما را به فحشا امر می‌کند. خداوند شما را به آمرزش و فضل خویش وعده می‌دهد و خداوند گشایشگر داناست.

۲٦۹ او حکمت را به هر کس که می‌خواهد، می‌دهد و به هر کس حکمت داده شود، بی‌تردید نیکوییِ بسیار به او داده شده است. و غیر از خردمندان [کسی] پند نمی‌گیرد.

۲۷۰ و هر گونه نفقه‌ای را بخشش، یا هر گونه نذری کنید، خداوند آن را می‌داند. و برای ستمگران، یاوری نباشد.

۲۷۱ اگر صدقه را آشکارا دهید، نیکو باشد و اگر پنهانی دهید و به فقیران برسانید، برای شما نیکوتر است. و شما را از برخی از گناهانتان پاکیزه می‌سازد. و خداوند به آن چه انجام می‌دهید، آگاه است.

۲۷۲ هدایتِ آنان بر تو نیست. و لیکن خداوند هر که را بخواهد، هدایت می‌کند. و آن چه از خیر و نیکی بخشش کنید، به سود خودتان باشد، در حالی که انفاق نمی‌کنید، مگر برای طلب رضای خداوند. و آن چه از خیر و نیکی بخشش می‌کنید، به خودِ شما بازمی‌گردد و بر شما ستم نخواهد شد.

۲۷۳ [خیرات] برای فقیرانی است که در راه خداوند باز داشته شده‌اند و قادر نیستند روی زمین سفر کنند. و مردمِ نادان آنان را از [فرطِ] خویشتن‌داری از بی‌نیازان به شمار می‌آورند. تو چنین افرادی را از چهره‌شان می‌شناسی. آنان با سماجت از مردم چیزی نخواهند. آن چه از خیر و نیکی بخشش کنید، پس بی‌تردید خداوند به آن آگاه است.

۲۷٤ کسانی که ثروت خود را در شب و روز پنهان و پیدا بخشش می‌کنند، پاداش آنان نزد پروردگارشان باشد. و بر آنان بیمی نباشد و اندوهگین نشوند.

۲۷۵ کسانی که ربا می‌خورند، برنخیزند؛ مگر مانند کسی که شیطان به سبب تماسْ او را دیوانه کرده باشد! این به خاطر آنست که آنان گفتند: «سوداگری مانند ربا می‌باشد.» در حالی که خداوند سوداگری را حلال، و ربا را حرام کرده است. پس هر کس را پندی از سوی پروردگارش آمد و [از حرام] باز ایستاد، آن گاه آن چه گذشته است از آنِ اوست و فرمانش با خداوند است. و کسی که [به حرام‌خواری] بازگردد، چنین کسانْ یارانِ آتشند و در آن جاودانه‌اند.

۲۷٦ خداوند ربا را می‌کاهد و نابود می‌سازد و بر [برکتِ] صدقه‌ها می‌افزاید و خداوند کافران گناهکار را دوست ندارد.

۲۷۷ بی‌گمان کسانی که ایمان آورده‌اند و نیکوکاری کرده‌اند و نماز را بپا داشته‌اند و زکات داده‌اند، اجرشان نزد پروردگارشان باشد و بر آنان بیمی نیست و اندوهگین نشوند.

۲۷۸ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خداوند بترسید و اگر مؤمن هستید، آن چه را که از ربا باقی مانده است، رها سازید.

۲۷۹ پس اگر چنین نکردید، به جنگ از سوی خدا و پیامبرش آگاه باشید. و اگر توبه کنید، سرمایه‌هایتان برای خودتان خواهد بود. نه ستم می‌کنید و نه به شما ستمی می‌شود.

۲۸۰ و اگر [بدهکار] در تنگدستی باشد، پس او را مهلت دهید، تا گشایشی یابد. و اگر ببخشید، برای شما بهتر است. اگر می‌دانستید.

۲۸۱ و از روزی بیمناک باشید، که در آن روز به سوی خداوند باز گردانده می‌شوید. آن‌گاه به هر کس آن چه به دست آورده است، تمامِ آن داده خواهد شد. و بر آنان ستم نشود.

۲۸۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر بدهیِ مدّت داری به یکدیگر پیدا کنید، پس آن را بنویسید و باید نویسنده‌ای آن را میان شما از روی دادگری بنویسد. و نویسنده نباید از آن گونه که خداوند به او آموخته است، خودداری کند (باید حق را بنویسد). پس باید آن کسی که حقْ بر اوست (بدهکار) املاء کند. و از خداوند که پروردگار اوست، بیمناک باشد و چیزی از آن نکاهد. پس کسی که حقْ بر اوست (بدهکار) اگر دیوانه باشد، یا ضعیف، یا از املاء ناتوان باشد، سرپرست او دادگرانه املاء کند. و شما دو تن از مردان خود را گواه بگیرید. اگر دو مرد نباشند، پس یک مرد و دو زن، از کسانی که شما آنان را به گواهی دادن قبول دارید، که اگر یکی از آن زن‌ها [از حقیقت] انحراف یافت (فراموش کرد)، زن دیگر آن را به یاد او بیاورد. و اگر گواهان برای گواهی دعوت شدند، خودداری نکنند. و از نوشتن آن، –چه کوچک و چه بزرگ باشد– خسته نشوید، تا موعدش [فرا رسد]. این نزد خداوند عادلانه‌تر [و به حق نزدیک‌تر] و برای گواهی، پایدارتر و از تردید دورتر است. مگر این که تجارتی نقد باشد، که آن را میانِ خودْ دست به دست بگردانید. بر شما [دیگر] گناهی نباشد اگر آن را ننویسید. و هنگامی که سوداگری می‌کنید، گواه بگیرید. نباید به نویسنده و گواه زیانی برسد و اگر چنین کنید (به نویسنده و گواهْ زیان رسانید) پس آن عمل بر شما گناه و نافرمانی [از خداوند] باشد. و از خداوند بیمناک باشید. و خداوند به شما می‌آموزد. و خداوند بر همه چیز داناست.

۲۸۳ و اگر در سفر باشید و نویسنده‌ای نیابید، پس گروگانی بگیرید و اگر کسی از شما به کسی دیگر اطمینان پیدا کرد، آن گاه کسی که امین شده، باید امانت او را باز گرداند و از خداوند که پروردگارش است، بترسد. و گواهی را پنهان ندارید. و هر کس آن (گواهی) را پنهان سازد، قلبش گناهکار است. و خداوند به آن چه می‌کنید، داناست.

۲۸٤ آن چه در آسمان‌ها و آن چه در زمین است، از آنِ خداوند است. و اگر آن چه درون شما هست، آشکار یا پنهان کنید، خداوند به خاطر آن به حساب شما می‌رسد. او هر که را بخواهد، می‌آمرزد. و هر کس را بخواهد، عذاب می‌کند. و خداوند بر هر چیز تواناست.

۲۸۵ پیامبر به آن چه از سوی پروردگارش بر او فرو فرستاده شده است، ایمان دارد. و مؤمنان همه به خداوند و فرشتگانش و کتاب‌هایش و فرستادگانش ایمان دارند. ماتفاوتی میانِ هیچ یک از فرستادگانش نگذاریم. و [مؤمنان] گفتند: «شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا، آمرزشِ تو را خواهانیم و بازگشت به سوی توست.»

۲۸٦ خداوند هیچ کس را جز به اندازهٔ توانایی‌اش مکلّف نمی‌کند. [هر کس] آن چه (نیکی) به دست آورده، برای او و آن چه (بدی) به دست آورده است، بر اوست. «پروردگارا، اگر فراموش کردیم و یا خطا نمودیم، ما را [به خطای سهوی] مؤاخذه مکن. پروردگارا، بر ما باری سنگین و طاقت فرسا مگذار، آن گونه که بر پیشینیان ما گذاشتی. پروردگارا، و آن چه را که ما طاقت تحمّل آن را نداریم، بر ما تحمیل مکن. ما را ببخشای و ما را بیامرز و به ما رحم کن. تو مولا و سَرْوَرِ مایی. پس تو، ما را بر قوم کافران پیروز فرما.»

مدنی

سورهٔ آل عمران

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ الف. لام. میم.

۲ خداوند که معبودی جز او نیست، زنده و قیّوم است (قائم به ذات خویش است و مخلوقات قائم به او هستند).

۳ «کتاب» («قرآن») را به حق بر تو فرو فرستاد که تصدیق کنندهٔ آن چه است که پیش از آن است (کتاب‌های آسمانی پیشین).

٤ و «تورات» و «انجیل» را پیش از آن برای هدایت مردم فرو فرستاد. و «فرقان» (جداکنندهٔ حق از باطل) را فرود آورد.

٥ بی‌گمان کسانی که به آیات خداوند کفر ورزیدند، عذابِ شدیدی برای آنان خواهد بود. و خداوند، عزیزِ صاحب انتقام (کیفر دهنده) است. بی‌گمان خداوند است که [نه] در زمین و نه در آسمان چیزی بر او پنهان نیست.

٦ او کسی است که شما را در رَحِم‌ها آن گونه که بخواهد، صورتگری می‌کند. معبودی جز او نیست، که عزیز حکیم است.

۷ او کسی است که بر تو «کتاب» را فرو فرستاد. از آن («قرآن») [بخشی] آیه‌های محکم است. آن‌ها مادر (اصل) «کتاب» هستند. و بقیه متشابهات هستند. و اما آنان که در دلشان کجی و انحراف [از حق] است، برای فتنه جویی و جستجوی تأویل آن، آن چه را که متشابه است، دنبال می‌کنند. و تأویل آن را جز خداوند نداند. و فرورفتگان در علم می‌گویند: «به آن ایمان آوردیم. همه از سوی پروردگار ما می‌باشد» و جز خردمندان پند نگیرند.

۸ پروردگارا، پس از آن که ما را هدایت کردی، قلب‌های ما را به باطل مایل نساز. و از سوی خود به ما رحمتی ببخشای. بی‌تردید تو خود بسیار بخشنده‌ای.

۹ پروردگارا، تو گرد آورندهٔ مردم برای روزی هستی که تردیدی در آن نیست. بی‌تردید خداوند خلاف میعاد نمی‌کند.

۱۰ بی‌گمان کسانی که کفر ورزیدند، هرگز آنان را [نه] اموالشان و نه فرزندانشان از خداوند چیزی بی‌نیاز نگرداند و آنان خودْ سوختِ (هیمهٔ) آتش [دوزخ] هستند.

۱۱ به سان شیوهٔ «آل فرعون» و کسانی که پیش از آنان بودند. آنان آیات ما را تکذیب کردند و خداوند آنان را به گناهانشان بگرفت. و خداوند سختْ کیفر است.

۱۲ به آنان که کافر شدند، بگو: «شما به زودی شکست خواهید خورد و به سوی دوزخ برانگیخته می‌شوید و بد جایگاهی است.»

۱۳ بی‌گمان در دو گروهی که با هم رو به رو شدند، برای شما نشانه‌ای بود. گروهی در راهِ خداوند می‌جنگیدند و بقیه کافر بودند. با چشم، آنان را دو برابر می‌دیدند. و خداوند هر کس را بخواهد، به یاریِ خود تأیید می‌کند. بی‌تردید برای بینشمندان در آن عبرتی است.

۱٤ شهوت خواهی‌ها (علاقه به آن چه نَفْس دوست می‌دارد) از زنان و پسران و همیان‌های پُر از طلا و نقره و اسبان نشاندار و چهارپایان و کشتزار، همه برای مردم آراسته شده است. این، کالا و [وسیلهٔ] بهره‌مندی از زندگی دنیاست. و خداوند است که بازگشت نیکو نزد اوست.

۱۵ بگو: «آیا شما را به آن چه برایتان بهتر از این است، آگاه بسازم؟» برای آنان که تقوا ورزیدند و پرهیزکاری کردند، نزد پروردگارشان باغ‌هایی است که از زیر آن جویبارها جاری است و در آن جاودانه‌اند و [برای آنان] همسرانی پاکیزه و خوشنودی از خداوند [باشد]. و خداوند به بندگان بیناست.

١٦ آنان که گویند: «پروردگارا، ما ایمان آوردیم. پس گناهان ما را برای ما بیامرز و ما را از عذاب آتش به دور دار.»

١٧ شکیبایان و راستگویان و فرمانبرداران و انفاق گران و آمرزش خواهان در سحرگاهان [همه از پرهیزکاران باشند].

١٨ خداوند گواهی می‌دهد که معبودی جز او نیست و فرشتگان و دانشمندان [هم گواهی می‌دهند]. او قائم به عدل و عدالتْ بر قرار ساز است. جز او که عزیزِ حکیم است، معبودی نیست.

١٩ بی‌گمان دین نزد خداوند، «اسلام» است. و آنان که اهل کتاب هستند اختلاف پیدا نکردند، مگر از روی حسد و ستم در بین خود، پس از این که بر آنان علم (دین) آمد و آن کس که به آیات خداوند کافر شود، پس خداوند زود حساب است.

٢٠ پس اگر با تو بحث و ایراد کردند، بگو: «من روی خویش را تسلیم خداوند کردم و هر کس از من پیروی کند [نیز تسلیمِ خداوند می‌باشد].» و به اهل کتاب و بی‌سوادان بگو: «آیا «اسلام» آورده‌اید؟» اگر «اسلام» آورده‌اند، پس هدایت شده‌اند، و اگر پشت کردند، پس بی‌تردید [فقط] رساندن [پیام خدا] بر تو می‌باشد. و خداوند به [کردارِ] بندگان بیناست.

٢١ بی‌گمان آنان که به آیات خداوند کفر می‌ورزند و پیامبران را به ناحق می‌کشند، و کسانی از مردم را که به عدالت امر می‌کنند، به قتل می‌رسانند، پس به آنان از عذابی دردناک خبر بده.

٢٢ آنان کسانی هستند که کردارشان در دنیا و آخرت تباه گردیده است و یارانی هم ندارند.

۲۳ آیا ندیده‌ای آنان (یهودیان) را که از «کتاب» («تورات») به آنان بهره‌ای داده شد؟ به سوی «کتاب» خداوند دعوت می‌شوند، تا میانشان داوری کند. آن گاه گروهی از آنان پشت می‌کنند. و آنان روی‌ْگردانند.

۲٤ این به آن دلیل باشد که گفتند: «آتش جز روزهایی چند به ما نرسد.» و آن چه به دین خود افترا می‌زدند، فریبشان داد.

۲٥ پس حالِ آنان چگونه باشد آن گاه که ما آنان را برای روزی که در آن تردیدی نیست، گردِ هم آوریم؟ و به هر کس آن چه به دست آورده است (دستاوردش) کامل داده شود. و به آنان ستمی نشود.

۲٦ بگو: «خداوندا، مالکِ فرمانروایی‌ها تویی، تو به هر که خواهی، شهریاری بخشی و شهریاری را از هر کس خواهی، بازگیری. هر کس را بخواهی، عزیز می‌گردانی. و هر کس را بخواهی، خوار می‌سازی. نیکویی به دست تو باشد. بی‌تردید تو بر همه چیز توانایی.

۲۷ تو شب را در روز داخل سازی و روز را در شب داخل گردانی. و از مرده، زنده برون آوری. و از زنده، مرده برون آوری و به هر کس خواهی، روزیِ بی‌حساب دهی.»

۲۸ مؤمنان نباید کافران را به جای مؤمنان دوست بگیرند. و هر کس چنین کند، از آن پس، از خدا در چیزی [بهره‌مند از یاری] نیست. مگر این که از آنان به احتیاط پرواکنید و خداوند شما را از خودش بیمناک می‌سازد. و بازگشت به سوی خداوند است.

۲۹ بگو: «آن چه در سینه دارید، اگر پنهان کنید یا آشکارش سازید، خداوند آن را می‌داند. و آن چه را که در آسمان‌ها و آن چه را که در زمین است، می‌داند. و خداوند بر هر چیزی تواناست.»

۳۰ روزی که هر کس آن چه نیکی کرده و آن چه بدی کرده است، نزد خویش آماده یابد، دوست دارد میان او و آن (کارهای بد) فاصله‌ای بس دور باشد. و خداوند شما را از خودش بیمناک می‌سازد. و خداوند به بندگان، مهربان است.

۳۱ بگو: «اگر شما خداوند را دوست می‌دارید، پس از من پیروی کنید، تا خداوند شما را دوست بدارد و گناهانتان را بیامرزد.» و خداوند آمرزگار مهربان است.

۳۲ بگو: «از خداوند و پیامبرش اطاعت کنید.» آن گاه اگر روی بگردانند، پس بی‌تردید خداوند کافران را دوست ندارد.

۳۳ بی‌گمان خداوند «آدم» و «نوح» و «آل ابراهیم» و «آل عِمران» را بر جهانیان برگزید.

۳٤ فرزندانی که برخی از آنان از [نسل] بعضی دیگرند. و خداوند شنوای داناست.

۳۵ آن گاه که زن «عِمران» گفت: «پروردگارا، من نذر کرده‌ام آن چه در شکم خود دارم، در راه تو آزاد کنم [تا فقط به عبادت تو بپردازد]. پس تو، آن را از من بپذیر. بی‌تردید تو شنوای دانایی.»

۳٦ پس آن گاه که او را به دنیا آورد، گفت: «پروردگارا، من دختر به دنیا آوردم.» و خداوند به آن چه او به دنیا آورد، داناتر بود. و پسر مانند دختر نیست. [گفت:] «و بی‌تردید من او را «مریم» نام نهادم. من، او و فرزندانش را از [شرِ] شیطانِ رانده شده در پناه تو می‌آورم.»

۳۷ پس پروردگارش او را با نیکویی پذیرفت. و او را به پرورشِ پسندیده‌ای پروراند. و «زکریّا» را سرپرست او قرار داد. هر گاه «زکریّا» در محراب بر او وارد می‌شد، رزق (غذا) در کنارش می‌یافت. [«زکریّا»] گفت: «ای «مریم»، این از کجا برای تو آمده است؟» [«مریم»] گفت: «از سوی خداوند. بی‌تردید خداوند به هر کس بخواهد، روزیِ بی‌شمار می‌دهد.»

۳۸ در آن هنگام «زکریّا» پروردگار خویش را خواند و گفت: «پروردگارا، تو از سوی خویش، فرزندی پاکیزه به من ببخشای. بی‌تردید تو شنوای دعا هستی.»

۳۹ پس در حالی که در محراب به نماز ایستاده بود، فرشتگان او را ندا دادند: «خداوند به تو مژدهٔ [فرزندی به نام] «یحیی» را می‌دهد. [او] تصدیق کنندهٔ کلمه‌ای از خداوند است. و بزرگوار و خویشتندار و پیامبری از شایستگان باشد.»

۴۰ [«زکریّا»] گفت: «پروردگارا، چگونه مرا پسری خواهد بود؟ بی‌گمان من پیر شده‌ام و همسرم نازا می‌باشد.» [«جبرئیل»] گفت: «بدینسان خداوند هر چه خواهد، انجام می‌دهد.»

۴۱ [«زکریّا»] گفت: «پروردگارا، نشانه‌ای برای من قرار بده.» گفت : «نشانهٔ تو این باشد که سه شبانه روز با کسی سخن نگویی، مگر به اشاره و رمز.

۴۲ و پروردگار خویش را بسیار یاد کن و شبانگاه و صبحگاه او را سپاس بگزار و ستایش کن.» و آن گاه که فرشتگان گفتند: «ای «مریم»، بی‌گمان خداوند تو را برگزید و پاکیزه گردانید و تو را بر زنان جهان برتری بخشید.

۴۳ ای «مریم»، تو برای پروردگارت فرمانبردار باش، او را سجده کن و با رکوع کنندگان رکوع کن.»

۴۴ این از اخبار غیب است که آن را به تو وحی می‌کنیم. و تو هنگامی که آنان [برای قرعه،] قلم‌های خود را می‌انداختند که بدانند کدام یک «مریم» را سرپرستی کند، نزدشان نبودی. و هنگامی که با یکدیگر دشمنی می‌کردند، تو با آنان نبودی.

۴۵ هنگامی که فرشتگان گفتند: ای «مریم»، خداوند تو را به کلمه‌ای از خود مژده می‌دهد، که نامش «مسیح» «عیسی» پسر «مریم» است. و در دنیا و آخرت آبرومند است و از نزدیکان [درگاهِ خداوند] می‌باشد.

٤٦ و او در گاهواره به سانِ بزرگسالان با مردم، سخن می‌گوید و از شایستگان است.

٤٧ «مریم» گفت: «پروردگارا، چگونه مرا فرزندی باشد، در حالی که هرگز بشری به من دست نزده است.» گفت: بدینسان است. خداوند هر چه بخواهد، می‌آفریند. آن گاه که امری را مقرّر سازد، فقط به آن می‌گوید: «باش!» پس موجود می‌شود.

٤٨ و به او «کتاب» و حکمت و «تورات» و «انجیل» می‌آموزد.

٤٩ و [او را] به پیامبری به سوی «بنی‌اسرائیل» [می‌فرستد که بگوید:] «من نشانه‌ای از سوی پروردگارتان برای شما آورده‌ام. و من از گِل، مرغْ مانندی برای شما می‌آفرینم. و در آن می‌دمم. و به فرمان خداوند پرنده‌ای [زنده] می‌شود و کور مادرزاد و مبتلا به «پیس» (برص) را شفا می‌دهم، و به فرمان خداوند، مردگان را زنده می‌کنم و شما را از آن چه می‌خورید و آن چه در خانه‌های خویش ذخیره می‌کنید، آگاه می‌سازم. بی‌تردید در آن برای شما نشانه‌ای باشد، اگر با ایمان باشید.

٥٠ و من تصدیق کنندهٔ آن چه از «تورات» هستم که پیش از من [نازل شده] است و [آمده‌ام] تا برخی از چیزهایی را که بر شما حرام شده است، برایتان حلال کنم و نشانه‌ای از سوی پروردگارتان برای شما آورده‌ام. پس، از خداوند بیمناک باشید و تقوا پیشه کنید و از من فرمان ببرید.

٥١ بی‌گمان خداوند، پروردگارِ من و پروردگارِ شما است. پس او را عبادت کنید. این است راهِ راست.»

٥٢ هنگامی که «عیسی» به کفرِ آنان پی برد، گفت: «چه کسانی یاوران من به سوی خداوند هستند؟»، «حواریون» گفتند: «ما یاران خداوند هستیم. به خداوند ایمان آوردیم و تو گواه باش که ما مسلمان هستیم.

۵۳ پروردگارا، ما به آن چه تو فرستادی، ایمان آوردیم و از پیامبر پیروی کردیم. پس تو ما را با شاهدان بنویس (قراربده).»

۵٤ و آنان (کافران) مَکر کردند و خداوند مَکر کرد. و خداوند بهترینِ مَکر کنندگان است.

۵۵ آن گاه که خداوند گفت: ای «عیسی» من تو را برمی‌گیرم و به سوی خویش بالا می‌برم و تو را از [آلایشِ سخنِ کفرآمیزِ]کافران پاک می‌سازم. و تا روز رستاخیز آنان را که از تو پیروی کردند، برتر از کسانی که کافر شدند، قرار می‌دهم. آن گاه بازگشت شما به سوی من است. پس در آن چه با یکدیگر اختلاف می‌کردید، میانِ شما داوری کنم.

۵٦ پس امّا آنان که کافر شدند، در دنیا و آخرت به عذابی سخت آزارشان می‌کنم و برای آنان یاورانی نباشد.

۵۷ و اما آنان که ایمان آوردند و کارهای نیکو کردند، پس پاداششان را تمام دهد و خداوند ستمگران را دوست ندارد.

۵۸ این [سخنان] که بر تو می‌خوانیم، از آیات [خداوند] و ذکرِ («قرآن») حکیم است.

۵۹ بی گمان مَثَلِ «عیسی» نزد خداوند، همچون مَثَلِ «آدم» است. خداوند او را از خاک آفرید. آن گاه به او گفت: «باش!» پس موجود شد.

٦۰ [این سخنان] حق است و از جانب پروردگار تو است. پس تو از تردیدآوران مباش.

٦۱ پس هر کس پس از دانشی که به تو رسید، با تو در مورد او («عیسی») بحث و ایراد (مُحاجّه) کند، بگو: «بیایید تا پسرانمان و پسرانتان و زنانمان و زنانتان و خودمان و خودتان را دعوت کنیم. آن گاه مباهله و نفرین کنیم و لعنتِ خداوند را بر دروغگویان قرار دهیم.»

٦٢ بی‌گمان این همان داستان راست است. و جز خداوند معبودی نیست و بی‌تردید خداوند است که عزیز حکیم است.

٦٣ پس اگر رویْ بگردانند، خداوند به [کارِ] فسادکاران داناست.

٦٤ بگو: «ای اهل کتاب، به سوی کلمه‌ای بیایید، که میان ما و شما یکسان می‌باشد؛ این که: غیر خداوند را نپرستیم و چیزی را با او شریک نگیریم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جز خداوند ارباب نگیرد.» و اگر رویْ بگردانند، پس بگویید: «گواه باشید، که ما مسلمانیم (تسلیم شدگانیم).»

٦٥ ای اهل کتاب، چرا در مورد «ابراهیم» بحث و ایراد (مُحاجّه) می‌کنید؟ و «تورات» و «انجیل» نازل نشد، مگر پس از او. آیا شما اندیشه و درک نمی‌کنید؟

٦٦ هان! بدانید که شما آن گروهی هستید که در چیزی که به آن دانش داشتید، بحث و ایراد (مُحاجّه) کردید. پس چرا در آن چه به آن دانش ندارید، بحث و ایراد می‌کنید؟ و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید.

٦٧ «ابراهیم» نه «یهودی» بود و نه «نصرانی». و لیکن یکتاپرستی حق‌گرا و مسلمان بود و از مشرکان نبود.

٦٨ بی‌گمان نزدیک‌ترین و شایسته‌ترین مردم به «ابراهیم» کسانی هستند که از او پیروی کردند و این پیامبر و کسانی که [به او] ایمان آوردند. و خداوند سرپرست و یاور مؤمنان است.

٦٩ گروهی از اهل کتاب آرزو دارند که شما را گمراه سازند. و آنان جز خودشان کسی را گمراه نمی‌سازند. و نمی‌فهمند.

٧٠ ای اهل کتاب، چرا به آیات خداوند کافر می‌شوید و حال آن که شما [به حقّانیت آن] گواه هستید.

٧١ ای اهل کتاب، چرا حق را به باطل می‌آمیزید و حق را پنهان می‌دارید؟ و حال آن که شما [آن را] می‌دانید.

٧٢ و گروهی از اهل کتاب گفتند: «به آن چه بر مؤمنان فرو فرستاده شده است، در ابتدای روز ایمان آورید و در انتهای روز کافر شوید، شاید آنان باز گردند.»

٧٣ [گفتند:] «و ایمان نیاورید مگر به آن کس که از دین شما پیروی کند.» بگو: «بی‌گمان هدایت، هدایتِ خداوند است.» [و گفتند: تصدیق نکنید که امکان دارد] شبیه آن چه [از وحی الهی و کتاب آسمانی] به شما داده شده است، به کسی داده شود. در غیر این صورت نزد پروردگارتان با شما بحث و ایراد کنند. بگو: «بی‌گمان فضل [و بخشش نعمت‌ها] به دست خداوند است. آن را به هر کس خواهد، دهد. و خداوند گشایشگر داناست.»

٧٤ هر کس را که خواهد، به رحمت خویش خاص می‌گرداند.و خداوند صاحب فضل عظیم است.

٧٥ و از اهل کتاب کسی باشد که اگر پوست گاوی پُر از طلا به او بسپاری، آن را به تو بازگرداند. و از آنان کسی باشد که اگر دیناری به او بسپاری، آن را به تو بازنگرداند، مگر این که پیوسته بر سرش ایستاده باشی [و مراقبش باشی]. این به آن دلیل باشد که آنان گفتند: «بر ما –در [خوردنِ] ثروت بی‌سوادان– ملامتی نباشد.» و آنان بر خداوند دروغ می‌بندند، حال آن که خودشان [هم] می‌دانند.

٧٦ آری، هر کس به عهد خویش وفا کند و پرهیزکار باشد، پس بی‌گمان خداوند پرهیزکاران را دوست دارد.

٧٧ بی‌گمان کسانی که پیمان خداوند و سوگندهای خویش را به بهایی اندک می‌فروشند، آنان در آخرت بهره‌ای نخواهند داشت. و خداوند در روز قیامت با آنان سخن نخواهد گفت و به آنان نگاه نخواهد کرد و [از گناه] پاکشان نخواهد نمود. و برایشان عذابی دردناک خواهد بود.

۷۸ و بی‌گمان گروهی از آنان با زبانبازیِ خویش، «کتاب» را از روی دروغ می‌نمایانند، تا شما آن را از «کتاب» [آسمانی] بپندارید. حال آن که از «کتاب» [خدا] نیست و می‌گویند: «آن از سوی خداوند است.» حال آن که از سوی خداوند نیست و به خداوند دروغ می‌بندند. و خود می‌دانند.

۷۹ هیچ بشری را نشاید که خداوند به او «کتاب» و حکم و نبوّت دهد، سپس به مردم بگوید: «شما بندگان من باشید، نه بندگان خداوند.» بلکه [هر پیامبری می‌گوید:] به دلیل آن چه از «کتاب» می‌آموزید و به دلیل آن چه می‌خوانید، از مردان خداوند باشید.

۸۰ و او به شما فرمان نمی‌دهد که فرشتگان و پیامبران را پروردگاران [خویشتن] بگیرید. آیا پس از آن که مسلمان شدید، به شما فرمان به کفر می‌دهد؟

۸۱ و هنگامی‌که خداوند از پیامبران پیمان گرفت [گفت:] «به دلیل آن که من «کتاب» و حکمت را به شما دادم، آن گاه که برایتان فرستاده‌ای آمد که تصدیق کنندهٔ آن چه هست که با خود دارید (کتاب آسمانی شما) البته شما به او ایمان آورید و او را یاری کنید.» گفت: «آیا اقرار کردید و پیمان مرا به گردن گرفتید؟» گفتند: «اقرار کردیم.» گفت: «پس گواه باشید و بی‌گمان من هم با شما از گواهان باشم.»

۸۲ پس هر کس از آن به بعد روی‌ْگرداند، آنان خود نافرمان و تبهکارند.

۸۳ آیا جز دین خداوند را می‌جویند؟ حال آن که هر که در آسمان‌ها و زمین است، خواه ناخواه فرمانبردار اوست و همه به سوی او بازگردانده می‌شوند.

٨٤ بگو: به خداوند و به آن چه بر ما فرود آمده و به آن چه بر «ابراهیم» و «اسماعیل» و «اسحاق» و «یعقوب» و «اسباط» فرود آمده و به آن چه به «موسی» و «عیسی» و پیامبران از جانب پروردگارشان داده شده است، ایمان آوردیم. میان هیچ یک از آنان تفاوتی نمی‌گذاریم و همه فرمانبردار او هستیم.

٨٥ و هر کس غیر از «اسلام» دینی بجوید، هرگز از او پذیرفته نخواهد شد و او در آخرت از زیانکاران باشد.

٨٦ چگونه خداوند قومی را هدایت می‌کند که پس از ایمانشان و شهادت به این که این پیامبر بر حق است، و پس از آن که دلایل روشن برایشان آمد، کافر شدند؟ و خداوند قوم ستمگران را هدایت نمی‌کند.

٨٧ جزای آنان این است که لعنت خداوند و فرشتگان و مردم همگی بر آنان باشد.

٨٨ در آن (لعنت) جاودانه باشند. نه عذابشان کاهش یابد و نه فرصتی به آنان داده شود.

٨٩ مگر کسانی که پس از آن توبه کردند و [بدی را با نیکی] اصلاح کردند، پس بی‌گمان خداوند آمرزگار مهربان است.

٩٠ بی‌گمان کسانی که پس از ایمانشان کافر شدند، آن گاه بر کفر افزودند، هرگز توبه شان پذیرفته نگردد و آنان خود گمراهانند.

٩١ به راستی آنان که کافر شدند و در حال کفر مردند، پس، از هیچ یک از آنان [هیچ فدیه‌ای] هرگز پذیرفته نشود، هر چند که پهنۀ زمین را از طلا پر کنند تا فدیه دهند. آنان کسانی هستند که عذابی دردناک برایشان باشد و یاورانی هم نخواهند داشت.

٩٢ شما هرگز به نیکویی نخواهید رسید، تا این که از آن چه دوست می‌دارید، بخشش کنید. و آن چه بخشش می‌کنید، بی‌گمان خداوند بر آن داناست.

٩٣ تمام خوراکی‌ها بر فرزندانِ «اسرائیل» حلال بود، مگر آن چه «اسرائیل» پیش از آن که «تورات» نازل شود، بر خود حرام کرده بود. بگو: ««تورات» را بیاورید و اگر راستگو هستید، آن را بخوانید.»

٩٤ پس هر کس پس از این به خداوند دروغ بندد، آنان خودْ ستمکارانند.

٩٥ بگو: خداوند راست گفت. پس شما از دین [و آیین] «ابراهیم» یکتاپرست حق‌گرا پیروی کنید. و او از مشرکان نبود.

٩٦ به راستی نخستین خانه‌ای که [به عنوان عبادتگاه] برای مردم بنا گردید، آنست که در «بکّه» است («کعبه»). مبارک است و هدایتی برای جهانیان باشد.

٩٧ در آن نشانه‌هایی است روشن: مقام «ابراهیم». و هر کس به آن درآید، در امان باشد. و حج این خانه به خاطر خداوند بر مردم واجب باشد. [البته] هر کس که توانایی داشته باشد که راهی به سوی آن بیابد و هر کس کفر ورزد، پس بی‌تردید خداوند از جهانیان بی نیاز است.

٩٨ بگو: «ای اهل کتاب، چرا به آیات خداوند کفر می‌ورزید؟ حال آن که خداوند بر آن چه می‌کنید، گواه است.»

٩٩ بگو: «ای اهل کتاب، چرا آن کس را که ایمان آورده است، از راه خداوند باز می‌دارید و ناراستی و انحرافِ آن [از حق] را می‌جویید، حال آن که شما گواهید. و خداوند از آن چه انجام می‌دهید، غافل نیست.»

١٠٠ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر شما از گروهی که به آنان «کتاب» داده شده است، اطاعت و پیروی کنید، آنان شما را پس از ایمانتان به کفر باز می‌گردانند.

۱۰۱ و چگونه کافر می‌شوید، حال آن که آیات خداوند بر شما خوانده می‌شود و پیامبرش در میان شماست. و هر کس به خداوند توسل جوید، پس بی‌تردید به راه راست هدایت شده است.

۱۰۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آن گونه که شایستهٔ تقوای الهی است، تقوا داشته باشید. و نمیرید، مگر آن که مسلمان باشید.

۱۰۳ و همگی به رشته و ریسمان خداوند چنگ بزنید و پراکنده نشوید. و نعمت خداوند را بر خود به یاد آورید، آن گاه که دشمن یکدیگر بودید. پس [خداوند] بین دل‌های شما مِهر ایجاد کرد و به نعمت او شما برادران [یکدیگر] شدید. و شما در کنار گودالی از آتش بودید و او شما را از آن جا رهانید. خداوند بدینسان آیات خویش را برای شما آشکار می‌کند، شاید هدایت یابید.

۱۰٤ و از میان شما باید گروهی باشند که [مردم را] به سوی خیر و نیکی دعوت کنند و به کارهای پسندیده و نیکو فرمان دهند و از کارهای ناپسند بازدارند. و آنان هستند که خودْ رستگارند.

۱۰٥ و مانند کسانی نباشید که پس از آن که نشانه‌های روشن برایشان آمد، پراکنده شدند و اختلاف کردند. و آنانند که برایشان عذابی عظیم باشد.

۱۰٦ روزی که چهره‌هایی سپید و چهره‌هایی سیاه گردد. پس کسانی که رویشان سیاه شود [از آنان پرسیده شود:] «آیا شما پس از ایمانتان کفر ورزیدید؟ پس به دلیل این که کافر شدید، عذاب را بچشید.»

۱۰۷ و اما کسانی که رویشان سپید گردد، آنان در رحمت خداوندند. آنان در آن جاودانه‌اند.

۱۰۸ این آیات خداوند است که ما آن را به حق بر تو می‌خوانیم. و خداوند ستمی بر جهانیان نمی‌خواهد.

۱۰۹ و آن چه در آسمان‌ها و آن چه در زمین است، از آنِ خداوند است و کارها به سوی خداوند بازگردانده می‌شود.

۱۱۰ شما نیکوترین ملّتی هستید که برای مردم پدیدار شدید. به کار نیکو فرمان می‌دهید و از کار زشت باز می‌دارید و به خداوند ایمان دارید. و اگر اهل کتاب ایمان آورده بودند، البته برایشان بهتر بود. عدّه‌ای از آنان مؤمنند و بیش‌ترشان نافرمانند (فاسقند).

۱۱۱ آنان هرگز به شما آزاری نرسانند، مگر رنجی ناچیز. و اگر با شما پیکار کنند، به شما پشت کنند. آن گاه آنان یاری نشوند.

۱۱۲ هر جا یافت شوند، [داغِ] خواری بر آنان زده شده است. مگر [این که] به رشته و سببی از خداوند و به رشته و سببی از مردم [مسلمان پیوند داشته باشند]. و آنان به خشمی از خداوند بازگشتند. [داغِ] مسکنت و بیچارگی بر آنان زده شده است. این به آن دلیل است که به آیات خداوند کفر می‌ورزیدند و پیامبران را به ناحق می‌کشتند. این به آن دلیل است که طغیان کردند و تجاوزگر بودند.

۱۱۳ [اهل کتاب] یکسان نیستند. عدّه‌ای از اهل کتاب [برای حق] به پا می‌خیزند. آنان آیات خداوند را شبانگاه می‌خوانند و سجده می‌کنند [و سر به اطاعت خدا می‌نهند].

۱۱٤ آنان به خداوند و روز آخرت ایمان دارند و به نیکوکاری فرمان می‌دهند و از زشتکاری باز می‌دارند. و در کارهای پسندیده شتاب می‌کنند و آنان از شایستگانند.

۱۱۵ و آن چه از نیکویی انجام دهند، پس هرگز ناسپاسی نبینند. و خداوند به [احوال] پرهیزکاران داناست.

۱۱٦ بی‌گمان کسانی که کافر شدند، هرگز [نه] ثروتشان و نه فرزندانشان آنان را در چیزی از خداوند بی‌نیاز نگرداند. و آنان یارانِ آتشند، که در آن جاودانه‌اند.

۱۱۷ مَثَلِ آن چه در این زندگی دنیا بخشش می‌کنند، همانند مَثَلِ بادی است که در آن سرما باشد و به کشتزار ملّتی بخورد (بِوَزَد) که به خود ستم کردند و آن کشتزار را نابود سازد. و خداوند به آنان ستم نکرد. و لیکن خود به خویشتن ستم می‌کنند.

۱۱۸ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دوستی شفیق و محرم جز از [میانِ] خودتان مگیرید، که [کافران] در نابودیِ شما از هیچ کاری فروگذار نکنند. آنان (کافران) رنج کشیدنِ شما را دوست دارند. بی‌تردید دشمنی از دهانشان [و سخنانشان] پیداست. و آن چه سینه‌هاشان پنهان می‌دارد، بزرگ‌تر باشد. به یقین ما آیات را برای شما بیان کردیم، اگر شما اندیشه و درک کنید.

۱۱۹ بدانید که این شما هستید که آنان را دوست می‌دارید و آنان شما را دوست نمی‌دارند. و شما به تمام «کتاب» [های آسمانی] ایمان دارید. حال آن که آنان هنگام دیدار شما گویند: «ایمان آورده‌ایم.» و هنگامی که تنها شوند، از خشم سرانگشتان خویش را می‌گزند. بگو: «به خشم خویش بمیرید! بی‌تردید خداوند به آن چه در دل‌هاست، داناست.»

۱۲۰ اگر خوبی به شما رسد، آنان را آزرده و خشمگین کند. و اگر بدی به شما رسد، آنان را خوش آید (شادمان شوند). و اگر شکیبایی ورزید و پرهیزکار باشید، نیرنگشان به شما هیچ زیانی نرساند. بی‌تردید خداوند به آن چه آنان می‌کنند، احاطه دارد.

۱۲۱ و آن گاه که بامدادانْ تو از نزد خویشانِ خود بیرون آمدی تا مؤمنان را در جایگاه‌هایی برای پیکار مستقر کنی. و خداوند شنوای داناست.

۱۲۲ آن گاه که دو گروه از شما قصد کردند که سستی ورزند، در حالی که خداوند سرپرست و یاور آنان بود. پس مؤمنان باید بر خداوند توکل کنند.

۱۲۳ و بی‌گمان خداوند شما را در جنگ «بدر» یاری کرد. حال آن که شما ناتوان بودید. پس از خداوند بیمناک باشید و تقوا ورزید، شاید سپاسگزار شوید.

۱۲٤ آن گاه که تو به مؤمنان می‌گفتی: «آیا شما را کافی نباشد که پروردگارتان با سه هزار فرشته که نازل شوند، شما را یاری کند؟»

۱۲۵ آری، اگر شکیبا باشید و پرهیزکاری کنید و دشمنْ شتابان بر شما بتازد، پروردگارتان با پنج هزار فرشتهٔ نشاندار شما را یاری کند.

۱۲٦ و خداوند آن (وعدهٔ پیروزی) را جز مژده‌ای برای شما نساخت، تا دل‌هایتان به آن اطمینان (آرامش) یابد. و یاری [و پیروزی] جز از سوی خداوند عزیز حکیم نباشد.

۱۲۷ تا بخشی از [سپاه] آنان را که کافر شدند، قطع کند (به هلاکت رساند)، یا [چنان] رسوا و خوارشان سازد که نومید و مأیوس بازگردند.

۱۲۸ چیزی از فرمان (تقدیر و امر الهی) در اختیار تو نیست. خداوند یا توبهٔ آنان را می‌پذیرد و یا گرفتار عذابشان می‌سازد. پس بی‌گمان آنان ستمگرند.

۱۲۹ و آن چه در آسمان‌ها و آن چه در زمین است، از آنِ خداوند است. هر کس را که بخواهد، می‌آمرزد. و هر کس را که بخواهد، عذاب می‌کند. و خداوند آمرزگار مهربان است.

۱۳۰ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ربا را دو برابر و چند برابر مخورید و از خداوند بیمناک باشید، شاید رستگار شوید.

۱۳۱ و از آتشی که برای کافران آماده شده است، بترسید و بپرهیزید.

۱۳۲ و از خداوند و پیامبر فرمان ببرید. شاید مورد رحمت قرار گیرید..

۱۳۳ و بشتابید به سوی آمرزشی که از سوی پروردگارتان است و بهشتی که پهنایش [به پهنای] آسمان‌ها و زمین است، که برای پرهیزکاران آماده شده است.

۱۳٤ آنان که در گشایش و تنگدستی بخشش می‌کنند، و فروبرندگانِ خشم و بخشندگانِ [خطای] مردم می‌باشند. و خداوند نیکوکاران را دوست دارد.

۱۳٥ و آنان که چون کار ناپسندی کردند، یا به خویش ستم نمودند، خداوند را یاد کنند. سپس برای گناهان خویش آمرزش بطلبند. و کیست غیر از خداوند که گناهان را بیامرزد؟ و بر آن چه کردند -در حالی که می‌دانند [که گناه است]- پافشاری نکنند.

۱۳٦ آنان پاداششان آمرزشی از [سوی] پروردگارشان است. و باغ‌هایی است که از زیر آن‌ها جویبارها جاریست. در آن جاودانه‌اند. و پاداش عمل کنندگان چه نیکوست.

۱۳۷ بی‌تردید پیش از شما سنّت‌هایی گذشته است (قوانین الهی اجرا شده است). پس در زمین سفر کنید و بنگرید که سرانجامِ تکذیب کنندگان و ناباوران چه بوده است.

۱۳۸ این بیانی برای مردم و هدایتی و پندی برای پرهیزکاران است.

۱۳۹ و سست نشوید و اندوهگین نباشید، زیرا اگر مؤمن باشید، برترید.

۱٤۰ اگر گزندی به شما رسد، بی‌تردید به آن قوم نیز گزندی مانند آن رسیده است. و ما این روزها را بین مردم می‌گردانیم (می‌گذرانیم) و تا خداوند آنان را که ایمان آورده‌اند [بیازماید و] بشناساند و از شما گواهانی بگیرد. و خداوند ستمگران را دوست ندارد.

١٤١ و برای این که خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند، پاک سازد و کافران را تباه
١٤٢ گرداند. آیا پنداشتید که داخل بهشت شوید، بدون این که خداوند کسانی از شما را
که جهاد کرده‌اند و شکیبایان را [بیازماید و] بشناساند؟
١٤٣ و بی‌گمان شما پیش از رویارویی با مرگ آرزوی آن را داشتید. پس آن را دیدید [که
مجاهدان شهید می‌شوند] و به تماشا ایستادید.
١٤٤ و «محمّد» جز پیامبری نیست که پیش از او پیامبرانی [آمده‌اند و] گذشته‌اند. پس آیا
اگر او بمیرد و یا کشته شود، شما به آیینِ گذشتهٔ خویش بازمی‌گردید؟ و هر کس به
گذشتهٔ خود بازگردد، به خداوند چیزی زیان نمی‌رساند. و به زودی خداوند
سپاسگزاران را پاداش می‌دهد.
١٤٥ و هیچ وجودی (نَفْسی) جز به فرمان خداوند و با اجل معیّنی نمی‌میرد. و هر کس
پاداش دنیا را خواهد، از آن به او می‌دهیم. و آن کس که پاداش آخرت را خواهد، از
آن به او خواهیم داد. و به زودی سپاسگزاران را پاداش می‌دهیم.
١٤٦ و چه بسا پیامبری که خداپرستانِ بسیاری در کنار او پیکار کردند و از آن چه در راه
خداوند به آنان رسید، نه سستی گرفتند و نه ناتوان شدند و گردن [هم] ننهادند. و
خداوند شکیبایان را دوست دارد.
١٤٧ و گفتار آنان جز این نبود که گفتند: «پروردگارا، گناهانمان و زیاده‌رَوی‌مان را در
کارمان بر ما ببخشای و گام‌هایمان را [در راه ایمان] پایدار ساز و ما را بر قوم
کافران یاری و پیروزی ده.»
١٤٨ پس خداوند پاداش دنیا و نیکویی پاداش آخرت را به آنان داد. و خداوند نیکوکاران
را دوست می‌دارد.

١٤٩ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از کسانی که کفر ورزیدند، اطاعت و پیروی کنید، شما را به آیین گذشتگانتان بازمی‌گردانند. پس (در آن صورت) زیانکار بازمی‌گردید.

١٥٠ [نه] بلکه خداوند یاور شماست. و او بهترین یاوران است.

١٥١ به زودی در دل‌های کسانی که کفر ورزیدند، بیم می‌افکنیم، به سبب آن که چیزی را با خداوند شریک گرفتند که خداوند دلیلی بر آن فرود نیاورده است. جایگاه آنان آتش است. و جایگاه ستمگران چه بد باشد!

١٥٢ و آن گاه که به فرمان خداوند آنان را می‌کشتید، بی‌تردید خداوند به وعدهٔ خود با شما وفا کرد. تا آن زمان که ضعف و سستی نشان دادید و در کار با یکدیگر نزاع کردید و بعد از آن که به شما آن چه را که دوست می‌داشتید، نشان داد، سرکشی کردید. عدّه‌ای از شما دنیا را می‌خواهند و عدّهٔ دیگرتان آخرت را خواهانند. سپس شما را از آنان منصرف کرد، تا شما را بیازماید. و بی‌گمان شما را بخشیده است. و خداوند بر مؤمنان صاحب فضل است.

١٥٣ آن گاه که شما [در جنگ «اُحُد»، گریزان از کوه] بالا می‌رفتید و به کسی توجه نمی‌نمودید و پیامبر، شما را از دنبال می‌خواند [تا بازگردید]. پس [خداوند] به [تاوانِ] اندوه، اندوهی به شما داد، تا نه بر آن چه از دست شما رفت، غمگین شوید، و نه از آن چه برایتان پیش آمد. و خداوند از آن چه می‌کنید، باخبر است.

١٥٤ سپس، بعد از اندوه، ایمنی بر شما فرود آورد. خوابی سبکْ گروهی از شما را فرا گرفت. در حالی که گروهی [دیگر] به فکر جان خویش بودند. به ناحق دربارهٔ خداوند گمان [خلاف] می‌کردند، [مانندِ] پندارِ [زمانِ] جاهلیت. می‌گفتند: «آیا چیزی از «امر» (تقدیر الهی) به دست ما هست؟» بگو: «بی‌گمان امر (تقدیر) همه به دست خداوند است.» آنان چیزهایی را درون خود پنهان می‌کردند که برای تو روشن نمی‌ساختند. می‌گفتند: «اگر چیزی از امر به دست ما بود، این جا کشته نمی‌شدیم.» بگو: «اگر شما در خانه‌های خودتان هم بودید، کسانی که کشته شدن برایشان نوشته و مقرّر شده بود، بی‌تردید به سوی مکان کشته شدن خویش می‌آمدند.» و برای این که خداوند آن چه را که درون سینه‌های شماست، بیازماید و برای این که آن چه را که در دل‌های شماست، پاک سازد. و خداوند به آن چه در سینه‌هاست، داناست.

١٥٥ آن روز که دو سپاه رو به رو شدند، کسانی از شما که رویْ‌گردان شدند، بی‌تردید شیطان آنان را به خاطر پاره‌ای از آن چه کسب کرده بودند (دستاوردشان) لغزانید [تا از میدان جنگ بگریزند]. و بی‌گمان خداوند [خطای] آنان را بخشود. بی‌تردید خداوند آمرزگار شکیباست.

١٥٦ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مانند کسانی نباشید که کافر شدند و در مورد برادرانشان آن گاه که در زمین سفر کردند [و مُردند] یا به جنگ رفتند [و کشته شدند] گفتند: «اگر نزد ما بودند، نمی‌مردند و کشته نمی‌شدند.» برای این که خداوند آن [پندار] را در دل‌هایشان حسرتی قرار دهد. و خداوند زنده می‌کند و می‌میراند و خداوند به آن چه می‌کنید، بیناست.

١٥٧ و اگر شما در راه خداوند کشته شوید و یا بمیرید، بی‌تردید آمرزش و رحمت از سوی خداوند نیکوتر از آن چه [دیگران] گردآوری می‌کنند، است.

۱۵۸ و اگر شما بمیرید، یا کشته شوید، بی‌تردید به سوی خداوند برانگیخته می‌شوید.

۱۵۹ پس به رحمتی از جانب خداوند با آنان، نرمی کردی و اگر تندخو و سنگدل بودی، بی‌تردید مردم از پیرامونِ تو پراکنده می‌شدند. پس [خطای] آنان را ببخش و برایشان آمرزش بخواه و در کارْ با آنان مشورت کن و آن گاه که آهنگ [انجامِ کاری] کردی، پس بر خداوند توکّل کن، که به راستی خداوند توکّل کنندگان را دوست دارد.

۱٦۰ اگر خداوند شما را یاری کند، هیچ کس بر شما پیروز نمی‌شود. و اگر خداوند شما را واگذارد، پس کیست که شما را پس از آن یاری کند. و مؤمنان باید بر خداوند توکّل کنند.

۱٦۱ و هیچ پیامبری را نشاید که خیانت کند. و هر که خیانت کند، آن چه خیانت کرده است، روز قیامت [با خودش] می‌آورد. در آن هنگام هر کس هر چه کسب نموده است (دستاوردش) به او تمام داده می‌شود و به آنان ستمی نخواهد شد.

۱٦۲ آیا آن کس که به دنبال رضای خداوند بوده است، همچون کسی است که خشم خداوند را به خود جلب کند؟ و جای او دوزخ است. و بد سرانجام و مقصدی است.

۱٦۳ آنان نزد خداوند دارای درجاتی هستند و خداوند به آن چه می‌کنند، بیناست.

۱٦٤ بی‌گمان خداوند بر مؤمنان منت گذاشت آن گاه که در میانِ آنان پیامبری را از خودشان برانگیخت که آیاتش را برای آنان بخواند و آنان را پاک سازد و به آنان «کتاب» و حکمت آموزد، هر چند که پیش از این در گمراهیِ آشکاری بودند.

۱٦۵ آن هنگام که به شما بلایی رسید که دو چندانِ آن را [به دشمن] رساندید، آیا گفتید: «این از کجاست؟» بگو: «این از سوی خودتان است.» بی‌تردید خداوند بر همه چیز تواناست.

١٦٦ و روزی که دو سپاه (لشکر ایمان و کفر در جنگ «اُحُد») رو به رو شدند، آن چه به شما رسید، به اجازۀ خداوند بود و تا این که مؤمنان را [بیازماید و] بشناساند.

١٦٧ و تا این که کسانی را [بیازماید و] بشناساند که دورو (منافق) بودند. و به آنان گفته شد: «بیایید در راهِ خداوند نبرد یا دفاع کنید.» آنان گفتند: «اگر پیکارگری می‌دانستیم، از شما پیروی می‌کردیم.» آنان در آن روز به کفر نزدیک‌تر بودند، تا به ایمان. چیزهایی به زبان می‌آوردند که در دل‌هایشان نبود. و خداوند به آن چه نهان می‌دارند، داناتر است.

١٦٨ آنان که نشستند و در مورد برادرانشان گفتند: «اگر از ما فرمانبرداری کرده بودند، کشته نمی‌شدند.» به آنان بگو: «اگر راست می‌گویید، مرگ را از خودتان دور کنید.»

١٦٩ و کسانی را که در راه خداوند کشته شدند، مرده مپندار. بلکه آنان زنده‌اند، [و] نزد پروردگار خویش روزی داده می‌شوند.

١٧٠ به آن چه خداوند از فضل خویش به آنان داد، شادمانند و برای کسانی که به دنبال آنان روانند و هنوز به آنان نپیوسته‌اند، خوشحالند؛ چون بیمی بر ایشان نیست و غمگین هم نشوند.

١٧١ آنان به نعمت و فضلی از خداوند شادمانند و این که خداوند پاداشِ مؤمنان را تباه نمی‌سازد.

١٧٢ آنان که پس از زخمی شدن، [دعوتِ] خداوند و پیامبرش را پذیرفتند، برای کسانی از آنان که نیکویی و پرهیزکاری کردند، پاداشی عظیم است.

١٧٣ کسانی که مردم به آنان گفتند: «بی‌تردید مردم علیه شما گردِ هم آمده‌اند، پس از آنان بترسید.» [اما نترسیدند] و بر ایمانشان افزوده شد و گفتند: «خداوند، ما را کفایت می‌کند و وکیل و کارساز نیکویی است.»

۱۷٤ پس به نعمتی و فضلی از خداوند بازگشتند [و] گزندی به آنان نرسید. و از رضای خداوند پیروی کردند و خداوند صاحبِ فضلی عظیم است.

۱۷۵ فقط شیطان است که دوستانش را می‌ترساند. پس از آنان نترسید و از من بیمناک باشید، اگر مؤمن هستید.

۱۷٦ و آنان که در کفر می‌شتابند، تو را غمگین نکنند. بی‌تردید آنان به خداوند هیچ زیانی نمی‌رسانند. خداوند می‌خواهد در آخرت برایشان بهره‌ای قرار ندهد و برای آنان عذابی عظیم باشد.

۱۷۷ بی‌تردید کسانی که کفر را به [بهای] ایمان خریدند، چیزی به خداوند زیان نمی‌رسانند. و برای آنان عذابی دردناک باشد.

۱۷۸ و کسانی که کفر ورزیدند، گمان نکنند مهلتی که به آنان می‌دهیم، برایشان خیر است. به راستی ما به آنان فرصت می‌دهیم تا بر گناه بیفزایند. و برایشان عذابی خوارساز است.

۱۷۹ خداوند نمی‌خواهد مؤمنان را بر این [حال و وضع] که شما هستید رها سازد، تا این که [شما را بیازماید و] پلید را از پاک متمایز و جدا سازد. و خداوند نمی‌خواهد شما را از غیب باخبر سازد. و لیکن خداوند از پیامبرانش هر که را بخواهد، برگزیند. پس شما به خداوند و پیامبرانش ایمان آورید. و اگر ایمان آورید و پرهیزکاری کنید، آن گاه برایتان پاداشی عظیم است.

۱۸۰ کسانی که به آن چه خداوند از فضل خود به آنان بخشیده است، بخل می‌ورزند، گمان نبرند که آن (بخل) برایشان بهتر است. [نه] بلکه آن برایشان شرّی است. آن چه در مورد آن بخل می‌ورزیدند، در روز قیامت حلقه‌ای گریبانگیرشان خواهد شد. و میراثِ آسمان‌ها و زمین از آنِ خداوند است. و خداوند از آن چه می‌کنید، باخبر است.

۱۸۱ بی‌گمان خداوند سخنِ کسانی را که گفتند: «خداوند فقیر است و ما ثروتمندیم.»
شنید. آن چه را که گفتند، خواهیم نوشت. به ناحق کشتنِ پیامبرانشان را هم
[می‌نویسیم]. و می‌گوییم: «عذاب آتش سوزان را بچشید!

۱۸۲ این به دلیل آن چه دستان شما از پیش فرستاده است، می‌باشد.» و بی‌تردید خداوند
بر بندگان ستمکار نیست.

۱۸۳ آنان که گفتند: «خداوند با ما پیمان بست که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم، تا این که
برای ما قربانی‌ای بیاورد که آتش، آن را بخورد.» بگو: «بی‌تردید پیش از من پیامبرانی
با دلایل روشن و با آن چه شما گفتید، نزد شما آمدند. پس چرا آنان را کشتید، اگر
راستگویید؟»

۱۸٤ پس اگر [سخنانِ] تو را دروغ پنداشتند (تکذیب کردند) بی‌گمان پیامبرانِ پیش از تو
هم که دلایل روشن و نوشته‌ها و «کتاب» روشن [و مستدل] آوردند، تکذیب شدند
(سخنانشان دروغ پنداشته شد).

۱۸۵ هر نَفْسی (وجودی) مرگ را می‌چشد. و بی‌تردید در روز قیامت پاداش‌های شما
تمام و کمال به شما داده خواهد شد. پس آن کس که او را از آتش، دور و داخلِ
بهشت سازند، بی‌تردید رستگار گردیده است. و زندگی دنیا جز کالای غرور [و
فریبنده‌ای، چیز دیگری] نیست.

۱۸٦ البته شما در ثروت و وجود خویش آزمون می‌شوید. و بی‌گمان از زخم زبان کسانی
که پیش از شما به آنان «کتاب» داده شد و از کسانی که شرک ورزیدند، آزار بسیار
خواهید دید. و اگر شکیبایی کنید و پرهیزکار باشید، پس البته آن از کارهای استوار است.

۱۸۷ و آن گاه که خداوند از کسانی که «کتاب» به آنان داده شد، پیمان گرفت که: «آن را برای مردم بیان کنید و پنهانش مدارید.» پس آنان آن [پیمان] را به پشتِ خویش افکندند و به بهای اندکی فروختند. پس آن چه خریده‌اند، چه بد باشد!

۱۸۸ گمان مبر کسانی که به آن چه انجام داده‌اند شادمانند و مایلند که به آن چه انجام نداده‌اند، ستایش شوند، مپندار که آنان را از عذاب رهایی باشد. [بلکه] برایشان عذابی دردناک است.

۱۸۹ و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آنِ خداوند است و خداوند بر همه چیز تواناست.

۱۹۰ بی‌تردید در آفرینش آسمان‌ها و زمین و پی در پیِ هم آمدنِ شب و روز برای خردمندان نشانه‌هایی باشد.

۱۹۱ آنان که خداوند را در حالت ایستاده و نشسته و بر پهلوهایشان (حالت خوابیده) یاد می‌کنند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین اندیشه می‌کنند [و می‌گویند]: «پروردگارا، تو این [همه] را (تمام آفریدگان را) بیهوده نیافریده‌ای. تو پاک و منزّهی. پس ما را از عذاب آتش در امان دار.

۱۹۲ پروردگارا، بی‌گمان هر کس را که تو در آتش افکنی، پس به راستی خوارش ساخته‌ای و برای ستمگران هیچ یاوری نیست.

۱۹۳ پروردگارا، بی‌گمان ما [صدای] نداگری را شنیدیم که ندای ایمان می‌داد: «به پروردگار خویش ایمان آورید!» پس ما ایمان آوردیم. پروردگارا، پس تو گناهانمان را برای ما بیامرز و بدی‌هایمان را از ما پاک ساز و ما را در زمرهٔ نیکان بمیران.

۱۹٤ پروردگارا، و آن چه را که به وسیلهٔ پیامبرانت به ما وعده داده‌ای، به ما ارزانی دار و در روز رستاخیز خوارمان مساز، که بی‌تردید تو در وعدهٔ خویش خلاف نکنی.»

۱۹٥ پس پروردگارشان [دعای] آنان را پذیرفت [و گفت]: «من کردار هیچ عمل کننده‌ای از شما – چه مرد و چه زن – را تباه نسازم.» عدّه‌ای از شما از عدّه‌ای دیگرید [و همه از یک اصل هستید]. پس آنان که مهاجرت کردند و از خانه‌های خویش رانده شدند و در راه من آزار دیدند و پیکار کردند و کشته شدند، بی‌تردید بدی‌هاشان را از آنان پاک می‌سازم. و بی‌گمان آنان را به بوستان‌هایی داخل سازم که از زیر آن‌ها جویبارها جاری است. [این] پاداشی از سوی خداوند است. و خداوند است که پاداش نیکو نزد او باشد.

۱۹٦ و گردش کافران در شهرها تو را نفریبد.

۱۹۷ [این ثروت کافران و جاه و جلالشان] برخورداریِ ناچیزی است. و پس از آن، مکانشان دوزخ باشد و چه بد جایگاهی است.

۱۹۸ لیکن آنان که از پروردگارشان بیمناک بودند، برایشان بوستان‌هایی است که از زیر آن، جویبارها جاری است. در آن جاودانه‌اند. این پذیرایی و پیشکشی از نزد خداوند باشد. و آن چه نزد خداوند است، برای نیکان بهتر است.

۱۹۹ و بی‌گمان از اهل کتاب کسانی هستند که به خداوند و آن چه بر شما فرو فرستاده شده و آن چه بر آنان فرود آمده است، ایمان دارند. آنان سر سپردگان خداوند هستند و آیات خداوند را به بهای ناچیزی نمی‌فروشند. آنانند که پاداششان نزد پروردگارشان باشد. بی‌تردید خداوند زودْ حساب است.

۲۰۰ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شکیبا باشید و شکیبایی ورزید و به هم پیوسته گردید و از خداوند بیمناک باشید، شاید رستگار شوید.

مدنی سورهٔ نساء (زنان)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

١ ای مردم، از پروردگار خویش بیمناک باشید. آن که شما را از نَفْسی واحد بیافرید. و جفتش (همسرش) را از او (همان نَفْسِ واحد) بیافرید و از آن دو تن مردان و زنان بسیاری [در عالم] پراکند. و از خداوندی بیمناک باشید که به [نام] او از یکدیگر [نیازهای خود را] درخواست می‌کنید. و [از بی توجهی به] «ارحام» [بیمناک باشید]. بی‌گمان خداوند نگهبان و مراقب شماست.

٢ و به یتیمان اموالشان را بدهید و پاک را به ناپاک تبدیل نکنید (مال یتیم را به جای مال خویش مگیرید) و ثروتشان را در جزو دارایی خویش مخورید. بی‌گمان آن گناهی بزرگ است.

٣ و اگر می‌ترسید که مبادا نتوانید در مورد یتیمان دادگری کنید، پس با آن چه از زنان که دوست دارید، ازدواج کنید: دو زن، سه زن و چهار زن. و اگر بیمناک شدید که نتوانید [میانشان] دادگری کنید، پس به یک زن یا به کنیزی که صاحب اختیارش هستید، اکتفا کنید. این نزدیک‌تر است به این که ستم نکنید.

٤ و به زنان کابینشان را بخشش‌وار بدهید. و اگر آنان چیزی از آن را از روی لطفِ خویش به شما بخشیدند، پس آن را گوارا و دلپذیرانه بخورید.

٥ و ثروت خویش را که خداوند موجب پایداریِ کار شما کرده است، به کم خردان مدهید. [اما] بهره (روزیِ) آنان را از آن بدهید و پوشاکشان بپوشانید و با آنان به نیکویی سخن گویید.

٦ و یتیمان را بیازمایید، تا آن گاه که به [سن] زناشویی برسند. پس اگر در آنان رشد [عقلی] یافتید، ثروتشان را باز دهید. و آن را از روی زیاده‌روی (اسراف) و شتاب که [مبادا زود] بزرگ شوند، مخورید. و [سرپرستانِ یتیمان،] هر کس خود بی‌نیاز است، باید [از بهره بردن از ثروت یتیم] خودداری کند و هر کس که بینواست، پس باید [از ثروت صغیر] شایسته‌وار (در حد متعارف) بخورد (بهره‌مند شود). پس آن گاه که ثروتشان را به آنان دادید، بر آنان گواه گیرید. و خداوند برای رسیدگی به حساب کافی است.

٧ از آن چه پدر و مادر و نزدیکان باقی می‌گذارند، برای مردان بهره‌ای است و از آن چه پدر و مادر و نزدیکان باقی می‌گذارند، برای زنان [هم] بهره‌ای است. چه کم باشد، چه بسیار، بهره‌ای معین است.

٨ و اگر نزدیکان و یتیمان و بینوایان در هنگامِ تقسیم [میراث] حضور یابند، از آن [میراث] به آنان روزی دهید و با آنان به نیکویی سخن گویید.

٩ و باید بیمناک باشند آنان که از پیِ خود فرزندان ناتوان به جای گذارند، که برایشان [نگران و] ترسانند. پس باید آنان از خداوند بیمناک باشند و باید سخنان راست و شایسته (استوار) گویند.

١٠ بی‌گمان آنان که ثروت یتیمان را به ستمگری می‌خورند، بی‌تردید در شکم خویش آتش می‌خورند و به زودی در آتش سوزان خواهند سوخت.

١١ خداوند شما را در مورد فرزندانتان سفارش می‌کند، که بهرهٔ مذکر به اندازهٔ بهرهٔ دو مؤنث است و اگر دختران بیش از دو تن باشند، پس دو سومِ مانده، از آنِ آنان است. اگر یکی باشد، پس یک دوم، از آنِ او باشد. و برای پدر و مادرش، [بهرهٔ] هر یک از آن دو تن، یک ششمِ مانده، خواهد بود؛ اگر مُرده را فرزندی باشد. پس اگر برای او (مُرده) فرزندی نباشد و پدر و مادرش، وارثِ (مانده بردارِ) او باشند، [بهره] برای مادرش، یک سوم است. پس اگر برادرانی داشته باشد، بهرهٔ مادرش یک ششم باشد. البته پس از انجام وصیّتی که به آن سفارش (توصیه) کرده است، یا [پس از پرداخت] دَین (وام) او. پدرانتان و پسرانتان: نمی‌دانید کدامشان از نظر سود به شما نزدیک‌ترند. [سهم ارث آنان] فریضه‌ایست از سوی خداوند. بی‌گمان خداوند دانای حکیم است.

١٢ و یک دومِ ماندهٔ همسرانتان (زنانتان) –اگر فرزندی نداشته باشند– از آنِ شما است. و اگر فرزندی داشته باشند، پس بهرهٔ شما یک چهارمِ آن چه بر جا گذاشته‌اند (ماتَرَک) خواهد بود، [البته] پس از وصیّتی که به آن سفارش (وصیّت) کرده‌اند، یا [پرداخت] دَینی (وامی) که داشته‌اند. و برای همسران (زنان) شما –اگر فرزندی نداشته باشید– یک چهارمِ از آن چه شما بر جا گذاشته‌اید، می‌باشد. و اگر فرزندی داشته باشید، پس بهرهٔ همسرانتان (زنانتان) یک هشتم از آن چه بر جا گذاشته‌اید (ماتَرَک) خواهد بود، [البته] پس از انجام وصیّتی که به آن سفارش (وصیّت) کرده‌اید، یا [پرداخت] دَینی (وامی) که داشته‌اید. و اگر مردی یا زنی «کلاله» باشد (پدر یا مادر یا فرزند نداشته باشد) و از او ارثی بر جای مانده باشد و برادر و یا خواهری داشته باشد، پس بهرهٔ هر یک از آنان یک ششم است. و اگر بیش از این باشند، پس آنان در یک سوم، با هم شریکند، [البته] پس از انجام وصیّتی که به آن سفارش (وصیّت) شده، یا [پرداخت] دَینی (وامی) که داشته است، که زیانی نباشد. [این] سفارشی از سوی خداوند است. و خداوند دانای شکیباست.

١٣ این‌ها حدود الهی است. و هر کس از خداوند و پیامبرش فرمانبرداری کند، خداوند او را به بوستان‌هایی داخل سازد که از زیرِ آن‌ها جویبارها جاریست. در آن جاودانه باشند و این است آن کامیابی عظیم.

١٤ و آن کس که از خداوند و پیامبرش نافرمانی کند و از مرزهای او (حدود الهی) در گذرد، [خداوند] او را در آتشی داخل سازد، که در آن جاودانه باشد و برایش عذابی خوار ساز است.

١٥ و از زنانتان آنان که مرتکب فحشاء شوند، از میان خود چهار تن بر آنان گواه خواهید. اگر [بر فحشای آنان] گواهی دادند، پس آنان را در خانه‌ها نگه دارید، تا هنگامی که مرگ آنان فرا رسد، یا خداوند برایشان راهی قرار دهد.

١٦ و از میان شما آن دو تن که اقدام به فحشاء کنند، هر دو را آزار دهید. پس اگر توبه کردند و [بدی را به نیکی] اصلاح کردند، از [خطای] آنان بگذرید. بی‌گمان خداوند توبه‌پذیر مهربان است.

١٧ پذیرفتن توبه با خداوند است، تنها برای آنان که کار زشت را از روی نادانی انجام می‌دهند، آن گاه به زودی توبه می‌نمایند. پس آنان هستند که خداوند توبه‌شان را می‌پذیرد و خداوند دانای حکیم است.

١٨ توبه برای آنان که کارهای زشت را ادامه می‌دهند، تا زمانی‌که مرگ یکی از آنان فرا رسد، آن گاه [چنین کسی] گوید: «من اینک توبه کردم» نمی‌باشد. و توبه برای آنان که بمیرند و هنوز کافر باشند، نیست. برای آنان عذابی دردناک آماده ساخته‌ایم.

١٩ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر شما حلال (روا) نباشد که زنان را به اکراه ارث برید و به منظور این که قسمتی از آن چه را که به آنان داده‌اید پس بگیرید، بر آنان سختگیری مکنید. مگر این که آنان فحشاءِ آشکاری مرتکب شوند. و با آنان به نیکویی معاشرت کنید. و اگر دلپذیرتان نباشند، پس چه بسا که شما از چیزی دلْناخوش باشید، و خداوند در آن نیکویی بسیار قرار دهد.

٢٠ و اگر خواستید زنی را [رها کرده] به جایش زن [دیگری] اختیار کنید و به یکی از آنان گاوْ پوستی پُر از طلا داده باشید، پس نباید از آن [گاوْ پوست پُر از طلا] چیزی بازگیرید. آیا آن را با تهمت زدن و گناه آشکار بازمی‌گیرید؟

٢١ و چگونه آن را بازمی‌گیرید، حال آن که شما به یکدیگر کام بخشیده‌اید و [زنان] از شما پیمان استواری گرفته‌اند.

٢٢ و با زنانی که پدرانتان با آنان ازدواج کرده‌اند، زناشویی نکنید. غیر از آن که پیش از [زمانِ صدورِ] این [فرمان] انجام شده باشد. بی‌تردید این [عمل] فحشاء و مورد نفرت است و راه بدی است.

٢٣ بر شما حرام شده‌اند: مادرانتان و دخترانتان و خواهرانتان و عمه‌هایتان و خاله‌هایتان و دخترانِ برادر و دخترانِ خواهر و مادرانی که شیرتان داده‌اند و خواهرانِ همشیرتان و مادرانِ زنانتان و دخترانِ زنانتان که در کنار شما تربیت یافته‌اند –از زنانِ خودتان که با آنان نزدیکی کرده‌اید– و اگر با آنان نزدیکی نکرده‌اید، پس بر شما گناهی نباشد [که با آنان ازدواج کنید]. و [حرامند بر شما] زنانِ حلالِ پسرانِ شما که از پشت شما هستند. و [حرام است بر شما] این که دو خواهر را با هم بگیرید، غیر از آن که پیش از [زمانِ صدورِ] این [فرمان] انجام شده باشد. بی‌گمان خداوند آمرزگار مهربان است.

٢٤ و زنان شوهردار [بر شما حرامند] مگر این که دست‌های راست شما مالک آنان باشد (بردهٔ شما باشند). کتاب (فرمان) خداوند بر شماست. و آن چه جز این است، برای شما حلال (روا) می‌باشد، که با ثروت خود آنان را برای زناشویی –نه برای زناکاری– به دست آورید. پس زنانی که از آنان کام گرفتید، پس به واجب، مهریهٔ آنان را بدهید. و گناهی بر شما نیست اگر پس از تعیین مهریه به چیزی با هم (کم‌تر یا بیش‌تر) رضایت دهید. بی‌گمان خداوند دانای حکیم است.

٢٥ و هر کس از شما توانایی مالی ندارد که زنان پاکدامن مؤمن را به زناشویی گیرد، از دخترانِ مؤمنی همسر گیرد، که دست‌های راست شما مالک آنان است (بردهٔ شما هستند) و خداوند به ایمان شما داناتر است و بعضی از [جنسِ] بعضی دیگرید. پس آنان را با اجازهٔ خانواده‌شان به زناشویی گیرید، و پاداشِ (مهریهٔ) آنان را به نیکویی بدهید مشروط بر این که پاکدامن باشند، نه زنان نامشروع و نه [به عنوان] دوستْ گرفتگان. پس آن گاه که شوهر گرفتند، اگر به فحشاء پرداختند، بر آنان نصف عذابی است که بر زنان آزاد باشد. این برای کسی از شماست که از مشقت و سختی و گناه هراسناک باشد. و اگر شکیبا باشید، برایتان بهتر است. و خداوند آمرزگار مهربان است.

٢٦ خداوند می‌خواهد [راه نیکبختی را] برای شما بیان کند و شما را به آداب و رسوم کسانی که پیش از شما بوده‌اند، هدایت نماید و بر شما توبه دهد. و خداوند دانای حکیم است.

۲۷ و خداوند می‌خواهد بر شما [توفیقِ] توبه دهد. و کسانی که از شهوات پیروی می‌کنند، می‌خواهند شما به انحرافی عظیم، کجراه (منحرف) شوید.

۲۸ خداوند می‌خواهد [کار را] بر شما آسان سازد. و آدمی ناتوان آفریده شده است.

۲۹ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال خود را میان خود به ناروا (به باطل) مخورید، مگر این که سوداگری باشد [آن هم] به رضایت [هر دوی] شما. و خودتان [و یکدیگر] را مکشید. به راستی خداوند به شما مهربان است.

۳۰ و هر کس از روی تجاوز و ستمگری چنین کند، پس به زودی او را به آتشی درآوریم و آن کار بر خداوند آسان است.

۳۱ اگر شما از گناهان بزرگی که از آن‌ها پرهیز داده می‌شوید، دوری گزینید، ما زشتی‌های شما را از وجود شما پاک خواهیم ساخت و شما را به جایگاهی گرانقدر داخل خواهیم نمود.

۳۲ و چیزی را که خداوند به آن برخی از شما را بر بعضی دیگر برتری داده است، آرزو مکنید. برای مردان از آن چه به دست آورده‌اند (دستاوردشان) بهره‌ای و زنان را از آن چه کسب کرده‌اند (دستاوردشان) نصیبی است. و از خداوند، از فضلش [آن چه آرزو دارید] بخواهید. به راستی خداوند به همه چیز داناست.

۳۳ و برای هر کس از آن چه پدر و مادر و نزدیکان باقی گذاشتند، وارث‌هایی قرار دادیم؛ و کسانی که سوگندتان (پیمانتان) [آنان را به شما] پیوست. پس بهرهٔ آنان را به ایشان بدهید. به راستی خداوند بر هر چیز گواه است.

٣٤ مردان نگهبانِ زنانند، به خاطر این که خداوند برخی از آنان را بر بعضی دیگر برتری داده است و به دلیل این که آنان از ثروت خود [برای آن زنان] هزینه می‌کنند. پس زنانِ نیکوکار فرمانبردارند و در نهان نگه دارند آن چه را که خداوند نگه داشته است. و زنانی که از سرکشی و نافرمانیِ آنان نگرانید، پس آنان را اندرز دهید و [اگر اثر نکرد] در خوابگاه آنان را تنها گذارید و [باز هم اگر اثری نکرد] آنان را بزنید. پس اگر از شما پیروی کردند، هیچ راه [دیگری] بر [آزار] آنان مجویید. بی‌گمان خداوند بلند مرتبه و بزرگوار است.

٣٥ و اگر از ناسازگاری میان آن دو (زن و شوهر) بیمناک شدید، پس داوری از خانوادهٔ شوهر و داوری از خانوادهٔ زن انتخاب کنید. اگر آن دو سازش و آشتی بخواهند، خداوند میانشان سازگاری می‌دهد. بی‌تردید خداوند دانای آگاه است.

٣٦ و خداوند را عبادت کنید و چیزی را با او شریک مگیرید. و به پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و همسایهٔ خویشاوند و همسایهٔ بیگانه و یار نزدیک و در راه مانده و آن کس که به مالکیت شما درآمده است. نیکی کنید، بی‌تردید خداوند، گردَنْ فَرازِ به خود نازَنده را دوست ندارد.

٣٧ کسانی که بخل می‌ورزند و مردم را به بخل ورزیدن فرمان می‌دهند، و آن چه را که خداوند از فضل خود به آنان داده است، پنهان می‌کنند. و ما برای کافران عذابی خوارساز آماده کرده‌ایم.

۳۸ و کسانی که اموال خویش را برای خودنمایی به مردم انفاق می‌کنند و به خداوند و به آخرت ایمان ندارند و کسی که شیطانْ همنشین اوست. چه بدْ همنشینی است!

۳۹ و آنان را چه می‌شد (چه زیانی می‌دیدند) اگر به خداوند و روز آخرت ایمان می‌آوردند و از آن چه خداوند به آنان روزی داده است، بخشش می‌کردند و خداوند به [کار] آنان داناست.

٤۰ بی‌گمان خداوند به سنگینیِ ذرّه‌ای هم ستم نمی‌کند و اگر کردار نیکویی باشد، آن را دو برابر می‌کند و از نزد خود پاداشی عظیم می‌دهد.

٤۱ پس چگونه باشد آن زمان که از هر گروهی گواهی بیاوریم و تو را بر آنان گواه بگیریم.

٤۲ در آن روز کسانی که کفر ورزیدند و از پیامبر نافرمانی کردند، آرزو می‌کنند که با زمین یکسان شوند (آرزو می‌کنند که ای کاش زمین شکاف بر می‌داشت و در آن فرو می‌رفتند). و از خداوند سخنی را پنهان ندارند.

٤۳ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آن گاه که مست هستید، به نماز نزدیک نشوید، تا این که بدانید چه می‌گویید و همچنین هنگامی که «جُنُب» هستید –مگر این که رهگذر (مسافر) باشید– تا این که خودشویی کنید (غسل کنید) و اگر بیمار و یا در سفر باشید، یا یکی از شما از آبریزگاه آمده باشد، یا به زنان نزدیکی کرده باشید و آب نیابید، آن گاه برای تیمّم آهنگِ خاکِ پاک کنید. پس آن را به صورت‌ها و دست‌های خود بکشید. بی‌گمان خداوند بخشایندهٔ آمرزگار است.

٤٤ آیا ندیده‌ای آنان را که بهره‌ای از «کتاب» به آنان داده شده است، که گمراهی را خریدارند و می‌خواهند شما [هم] گمراه شوید؟

٤٥ و خداوند به دشمنانِ شما داناتر است. و خداوند برای سرپرستی کفایت کند. و خداوند برای یاری کردن کافی است.

٤٦ از آنان که یهودی هستند، [عدّه‌ای] سخنان را از مواضع خود، تحریف می‌کنند و می‌گویند: «شنیدیم و نافرمانی کردیم» و [گویند]: «گوش فرادار و [کاش] نشنوی» و [گویند]: «راعنا» [که در زبان عربی یعنی «مراعات ما را کن» و در زبان عبری کلمه‌ای اهانت‌آمیز است.] در حالی که گفتارشان پیچاندنِ سخن (زبانْ بازی و برای کنایه) و طعنه و تمسخر بر دین است. و اگر می‌گفتند: «شنیدیم و فرمان بردیم و تو هم بشنو و به ما بنگر» برایشان بهتر و شایسته‌تر بود. و لیکن خداوند به سبب کفرشان به آنان لعنت نمود. پس آنان جز اندکی ایمان نمی‌آورند.

٤٧ ای کسانی که به شما «کتاب» داده شد (یهود و نصاری) به آن چه ما فرو فرستادیم، ایمان آورید، که تصدیق کنندهٔ آن چه است که با شما است (کتاب‌های آسمانی شما) پیش از آن که چهره‌هایی را محو [و نابود] سازیم و واژگونشان کنیم. یا این که آنان را همان گونه که «یاران شنبه» را لعن کردیم، لعن کنیم. و فرمان خداوند انجام شدنی است.

٤٨ بی‌گمان خداوند این را که به او شرک آورده شود، نمی‌بخشد. و غیر از آن [هر گناهی] را برای هر کس که بخواهد، می‌بخشد. و هر کس برای خداوند شریکی قائل شود، پس با دروغی که بافته و افترایی که زده، گناهی عظیم مرتکب شده است.

٤٩ آیا ندیده‌ای آنان را که خویشتن را پاکیزه به حساب می‌آورند؟ بلکه خداوند هر کس را خواهد، پاکیزه سازد و به آنان به اندازهٔ رشتهٔ میانِ شکافِ هستهٔ خرما ستم نشود.

٥٠ نگاه کن که چگونه بر خداوند دروغ می‌بندند و همین [افترا] کافی است که گناهی آشکار باشد.

٥١ آیا ندیده‌ای کسانی که از «کتاب» [آسمانی] به آنان بهره‌ای داده شد، به [بت‌های] «جِبْتْ» و «طاغوت» ایمان می‌آورند و در مورد آنان که کافر شدند، می‌گویند: «اینان در راه و روش، هدایت یافته‌تر از کسانی هستند که ایمان آوردند.»

٥٢ آنان کسانی هستند که خداوند لعنتشان کرده است. و آن کس را که خداوند لعنت کند، پس هرگز تو برایش یاوری نیابی.

٥٣ آیا برای آنان از فرمانروایی بهره‌ای است؟ پس آن گاه به اندازهٔ شکافِ پشتِ هستهٔ خرمایی به مردم بخشش نکنند.

٥٤ یا به مردم از آن چه خداوند به آنان از روی فضل خویش بخشیده است، رشک می‌برند؟ پس بی‌تردید ما به خاندان «ابراهیم»، «کتاب» و حکمت دادیم و فرمانروایی عظیمی به آنان بخشیدیم.

٥٥ آن گاه از آنان (یهودیان) کسانی بودند که به او («محمّد») ایمان آوردند. و از آنان کسانی [هم] بودند که از او رویْ برتافتند و دوزخِ شعله‌ور برایشان کافی است.

٥٦ بی‌تردید کسانی که به آیات ما کافر شدند، به زودی آنان را در آتش خواهیم افکند. و هرگاه پوست‌های بدنشان بسوزد، پوست‌های دیگری غیر از آن به آنان می‌دهیم، تا عذاب را بچشند. بی‌گمان خداوند عزیز حکیم است.

٥٧ و کسانی که ایمان آوردند و کردار نیکو کردند، آنان را به باغ‌هایی داخل خواهیم ساخت که از زیر آن‌ها جویبارها جاری است. در آن تا ابد جاودانه بمانند. در آن جا برایشان همسرانی پاک وجود دارد و ما آنان را در سایه سایبانی [ماندگار] داخل می‌سازیم.

٥٨ به راستی خداوند به شما فرمان می‌دهد که سپرده‌ها (امانات) را به صاحبانشان باز دهید. و آن گاه که میان مردم دادگری می‌کنید، از روی عدل و داد حکم کنید. بی‌تردید خداوند چه نیکو شما را به آن پند می‌دهد. به راستی خداوند شنوای بیناست.

٥٩ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خداوند فرمان ببرید و از پیامبر و از اولیای امر خودتان اطاعت کنید. آن گاه اگر در چیزی اختلاف [پیدا] کردید، آن را [برای حل اختلاف] به خداوند و پیامبر باز برید، اگر به خداوند و روز رستاخیز ایمان دارید. آن بهتر و سرانجامش نیکوتر است.

٦٠ آیا ندیده‌ای کسانی را که گمان می‌برند که به آن چه بر تو نازل شده و به آن چه پیش از تو فرو فرستاده شده است، ایمان آورده‌اند و می‌خواهند به «طاغوت» داوری ببرند؟ حال آن که دستور دارند که به آن («طاغوت») کافر باشند. و شیطان می‌خواهد آنان را به گمراهیِ دوری گمراه سازد.

٦١ و آن گاه که به آنان گفته شود: «به سوی آن چه خداوند فرو فرستاده است و به سوی پیامبر بیایید.» [آن زمان] دورویان (منافقان) را می‌بینی که از تو پشت‌ْکنان روی بر می‌گردانند.

٦٢ پس چگونه است آن گاه که به سبب آن چه دستان خودشان از پیش فرستاده است، بلایی به آنان می‌رسد [در آن هنگام] به تو رویْ می‌آورند و به خداوند سوگند یاد می‌کنند: «ما قصدی جز نیکویی و کارسازی نداشتیم.»

٦٣ آنان کسانی هستند که خداوند آن چه را که در دل‌هایشان است، می‌داند. پس تو از آنان رویْ بگردان و اندرزشان بده و به آنان در مورد خودشان سخنی [گویا و] رسا بگو.

٦٤ و ما هیچ پیامبری نفرستادیم، مگر برای این که به فرمان خداوند [از طرف مردم] مورد اطاعت قرار گیرد. و اگر آنان آن گاه که بر خود ستم کردند، نزد تو می‌آمدند و از خداوند آمرزش می‌خواستند و پیامبر [هم] برایشان آمرزش می‌خواست، بی‌تردید خداوند را توبه‌پذیر مهربان می‌یافتند.

٦٥ پس نه. و به پروردگارت سوگند که آنان ایمان نیاورند، تا این که در آن چه میانشان اختلاف (بگو مگو) شده است، تو را به داوری برگزینند. سپس نسبت به آن چه تو در مورد آنان داوری و حکم کنی، هیچ ناراحتی و تردیدی در دل‌های خود نیابند و تسلیم شوند، تسلیم شدنی [خاص].

٦٦ و اگر ما به آنان (مسلمانانِ کم ایمان) دستور می‌دادیم (می‌نوشتیم) که تن به کشتن دهید، یا از خانه‌هایتان بیرون روید، جز تعداد کمی از آنان چنان نمی‌کردند. و اگر آنان به آن چه پند داده شدند، عمل می‌کردند، برایشان نیکوتر و پایدارتر بود.

٦٧ و در آن زمان بود که ما از سوی خویش به آنان پاداشی عظیم می‌دادیم.

٦٨ و البته آنان را به راه راست هدایت می‌کردیم.

٦٩ و کسی که از خداوند و پیامبر فرمانبرداری کند، با کسانی [همنشین] خواهد بود که خداوند به آنان نعمت داده است، از [جمله]: پیامبران و راستگویان و جانباختگان در راه خداوند (شهیدان) و نیکوکاران. و آنان در دوستی نیکو باشند.

٧٠ آن [همنشینی] فضل خداوند است و همین کافی باشد که خداوند داناست.

٧١ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، سلاحِ [جنگِ] خویش را برگیرید. پس گروه گروه بیرون روید، یا همه با هم [بیرون روید].

٧٢ و بی‌تردید از میان شما کسی باشد که درنگ می‌کند. و اگر به شما بلایی رسد [آن سست ایمان] می‌گوید: «خداوند بر من نیکویی و احسان کرد که با آنان [در معرکهٔ جنگ] حاضر نبودم.»

٧٣ و اگر فضلی از سوی خداوند به شما رسد –مانند کسی که میان شما و او دوستی نبوده است– خواهد گفت: «کاش من با آنان بودم، تا این که به پیروزیِ عظیمی می‌رسیدم.»

٧٤ پس باید کسانی که زندگی دنیا را به آخرت می‌فروشند، در راه خداوند پیکار کنند. و آن کس که در راه خداوند کارزار کند، کشته شود، یا پیروز گردد، ما او را پاداشی عظیم خواهیم داد.

۷۵ و شما را چه شده است که در راه خداوند و [نجاتِ] ناتوانْ شمرده‌شدگانِ ستمدیده از مردان و زنان و کودکان پیکار نمی‌کنید؟ آنان که می‌گویند: «پروردگارا، ما را از این شهری که مردمش ستمکارند، بیرون بَر و از سوی خویش برای ما سرپرستی قرار ده و از جانب خود برای ما یاوری معین کن.»

۷٦ کسانی که ایمان آورده‌اند، در راه خداوند پیکار می‌کنند و کسانی که کافر شدند، در راه «طاغوت» پیکار می‌کنند. پس با یاورانِ شیطان ستیز کنید. بی‌گمان نیرنگ شیطان سُست باشد.

۷۷ آیا ندیده‌ای کسانی را که به آنان گفته شد: «[از جنگ] دست نگه دارید و نماز را بپا دارید و زکات دهید.» پس هنگامی که پیکار بر آنان مقرّر شد (نوشته شد) آن گاه گروهی از آنان از مردم ترسیدند، مانند ترسیدن از خداوند، یا ترسی شدیدتر. و گفتند: «پروردگارا، چرا پیکار را بر ما مقرّر داشتی (نوشتی) و چرا ما را تا زمانی نزدیک فرصت ندادی؟» بگو: «بهره‌مندی از این دنیا ناچیز است و آخرت برای کسی که پرهیزکاری کند، بهتر است.» و به اندازهٔ تارِ هستهٔ خرمایی به شما ستم نشود.

۷۸ هر جا باشید، مرگ شما را در خواهد یافت، هر چند که در دژهای استوار باشید. اگر به آنان نیکویی برسد، گویند: «این از نزد خداوند است.» و اگر به آنان بدی برسد، گویند: «این از نزد تو [ای «محمّد»] است.» بگو: «همه از نزد خداوند است.» پس این قوم را چه می‌شود که حاضر نیستند هیچ سخنی را درک کنند؟

۷۹ آن چه از نیکویی به تو رسید، از خداوند است. و آن چه از بدی به تو رسید، از خودت می‌باشد. و تو را برای مردم پیامبر فرستادیم و کافی است که خداوند گواه باشد.

۸۰ هر کس از پیامبر فرمانبرداری کند، به راستی از خداوند فرمانبرداری کرده است. و هر کس رویْ بگرداند، پس تو را نگهبانِ آنان نفرستادیم.

۸۱ و می‌گویند: «فرمانبرداریم.» پس آن گاه که از پیش تو بروند، عدّه‌ای از آنان شب هنگام غیر از آن چه تو می‌گویی، در دل می‌پرورند. و خداوند آن چه را که شب هنگام در دل می‌پرورند، می‌نویسد. پس تو از آنان رویْ بگردان و به خداوند توکل کن. و خداوند کافی است که وکیل باشد.

۸۲ آیا در «قرآن» به دقت اندیشه نمی‌کنند؟ و اگر [«قرآن»] از نزد [کسی] جز خداوند بود، بی‌تردید در آن اختلاف فراوان می‌یافتند.

۸۳ و آن گاه که خبری [حاکی] از ایمنی یا ترس به آنان برسد [آن را برای مردم] آشکار می‌سازند و اگر آن را به پیامبر و اولی‌الامر از میان خودشان باز آورند (اطلاع دهند) کسانی از آنان که صاحب درک و استنباط می‌باشند، [حقیقت را] خواهند دانست. و اگر فضل خداوند و رحمت او بر شما نبود، بی‌تردید جز اندکی [همه] از شیطان فرمانبرداری می‌کردید.

۸٤ پس در راه خداوند پیکار کن. جز بر وجود خودت مکلّف [و مسئول] نیستی. و مؤمنان را برانگیز، به این امید که خداوند آزار کسانی را که کفر ورزیدند، دور سازد و خداوند از نظر قدرت، نیرومندتر و مجازاتش شدیدتر است.

۸۵ هر کس شفاعت کند، شفاعتی نیکو، او را از [ثواب و خیرِ] آن شفاعت بهره‌ای است. و هر کس شفاعت کند، شفاعتی بد، او را از [شرِّ] آن نصیبی باشد. و خداوند بر همه چیز نگهبان است.

۸٦ و آن گاه که با درودی به شما درود گفته شود، شما هم به درودی نیکوتر از آن، درود گویید. یا همان درود را باز گردانید. بی‌تردید خداوند بر همه چیز حسابگر است.

۸۷ خداوند، معبودی جز او نیست. البته او شما را در روز رستاخیز که تردیدی در آن نیست، گرد آورد. و راستگوتر از خداوند در سخن چه کسی است؟

۸۸ پس شما را چه شده است که در مورد دورویان (منافقان) دو دسته شده‌اید، حال آن که خداوند آنان را به سبب آن چه کسب کرده‌اند (دستاوردشان) نگونسار کرد. آیا می‌خواهید آن کس را که خداوند گمراه ساخته است، هدایت کنید؟ و آن کس را که خداوند گمراه سازد، هرگز برایش راهی نخواهی یافت.

۸۹ [دورویان] دوست می‌دارند که شما مؤمنان، کافر شوید، همان گونه که خودْ کافر شدند، تا این که [با آنان] یکسان شوید. پس، از آنان دوستانی نگیرید، تا این که در راه خداوند هجرت کنند. و اگر رویْ گردانیدند، پس آنان را هر جا که یافتید، بگیرید و بکشید و از آنان دوست و یاوری مگیرید.

۹۰ مگر کسانی که به گروهی بپیوندند، که میان شما و آنان پیمانی وجود دارد. یا نزد شما آیند در حالی که از این که با شما کارزار کنند و یا با قوم خود پیکار نمایند، سینه‌هایشان تنگ باشد (دلتنگ باشند). و اگر خداوند می‌خواست، آنان را بر شما چیرگی می‌داد. پس البته با شما پیکار می‌کردند. آن گاه اگر از شما دوری گزیدند و با شما پیکار نکردند و دست آشتی به سوی شما پیش آوردند، خداوند برای شما هیچ راهی بر [ضدّ] آنان قرار نداده است.

۹۱ به زودی کسان دیگری را خواهید یافت که می‌خواهند از شما در امان باشند و از قوم خود نیز ایمن بمانند. هر گاه به فتنه‌گری بازگردانده شوند، در آن بیفتند. و اگر از شما دوری نگرفتند و دست آشتی به سوی شما پیش نیاوردند و دست از شما برنداشتند، پس آنان را هر جا یافتید، بگیرید و بکشید. و آنان کسانی هستند که ما برای شما بر آنان پیروزی آشکاری قرار دادیم.

۹۲ و نشاید که مؤمن، مؤمنی را بکشد، مگر به خطا [و بی‌قصد]. و اگر کسی مؤمنی را به خطا کشت، باید بندهٔ مؤمنی را آزاد کند و نیز خونبها به خانواده‌اش بدهد. مگر این که آنان خونبها را ببخشند. و اگر [کشته شده] از قومی باشد که دشمن شماست و خودْ مؤمن بوده، پس [لازم است] بنده‌ای مؤمن آزاد شود. و اگر از قومی باشد که میان شما و آنان پیمانی است، [پس] با آزاد کردن یک بندهٔ مؤمن خونبها به خانواده‌اش داده شود. و کسی که نیابد، دو ماه پی در پی روزه بگیرد، تا توبه‌اش از سوی خداوند پذیرفته گردد و خداوند دانای حکیم است.

۹۳ و هر کس مؤمنی را از روی عمد بکشد، جزای او دوزخ است، که در آن جاودانه است. و خداوند بر او خشم گیرد و او را لعنت کند و برایش عذابی عظیم آماده ساخته است.

٩٤ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آن گاه که در راه خداوند سفر می‌کنید، پس [به دقت به امور] رسیدگی کنید و به آن کس که به شما «سلام» [و سخن صلح‌آمیز] می‌گوید، نگویید: «تو مؤمن نیستی». شما جویای بهره‌های زندگی دنیا هستید، حال آن که نزد خداوند غنیمت‌های بسیاری است. شما پیش از این چنین بودید و خداوند بر شما منّت نهاد. پس [به دقایق امور] رسیدگی کنید. بی‌تردید خداوند به آن چه می‌کنید، آگاه است.

۹۵ مؤمنان خانه‌نشین –غیر از معذورانِ آسیب دیده– با مجاهدان راه خداوند که با اموالشان و وجودشان جهاد می‌کنند، یکسان نیستند. خداوند، مجاهدان به مال و جان را بر خانه‌نشینان به درجاتی برتری داده است. و همگان را خداوند، وعدهٔ نیکو داده است. و خداوند مجاهدان را به خانه‌نشینان به پاداشی عظیم برتری داده است.

۹٦ [برای آنان] درجاتی و آمرزش و بخشایشی بسیار از سوی او (خداوند) باشد. و خداوند آمرزگار مهربان است.

۹۷ بی‌گمان آنان که بر وجود (نَفْس) خویش ستمکارند، آن گاه که فرشتگان جانشان را بگیرند، گویند: «در چه [شرایطی] بودید؟» گویند: «ما در زمین [از] ناتوان شمرده شدگان بودیم.» گویند: «آیا سرزمین خداوند گسترده نبود، تا در آن مهاجرت کنید؟» پس جایگاه آنان دوزخ باشد و بد سرانجام و مقصدی است.

۹۸ غیر از ناتوانْ شمرده شدگان از مردان و زنان و کودکانی که نمی‌توانند تدبیری به کار برند و راه به جایی هم نبرند.

۹۹ پس آن گروهند که شاید خداوند از گناهشان بگذرد. و خداوند بخشندهٔ آمرزگار است.

۱۰۰ و آن کس که در راه خداوند مهاجرت کند، در زمین، اقامتگاه بسیار و گشایشی یابد و آن کس که هجرت کنان به سوی خداوند و پیامبرش از خانهٔ خویش بیرون آید، آن گاه مرگ او رادریابد، بی‌تردید پاداش او بر خداوند است. و خداوند آمرزگار مهربان است.

۱۰۱ و آن گاه که در زمین سفر می‌کنید، اگر نگرانید که کسانی که کفر ورزیدند، شما را به فتنه دراندازند [و بر شما بتازند] بر شما باکی نیست که نماز را کوتاه کنید. بی‌تردید کافران دشمنِ آشکار شما هستند.

۱۰۲ و هنگامی که در میان آنان هستی و برایشان نماز بر پا می‌داری، گروهی از آنان باید با تو بایستند و سلاح‌های خویش را بر خود ببندند (بگیرند با خود). پس آن گاه که به سجده در آمدند [باید] پشت سر شما قرار گیرند. و گروه دیگری که نماز نگزارده‌اند، بیایند و با تو نماز بگزارند. آنان باید احتیاط کنند و اسلحهٔ خود را [با خود] داشته باشند. کسانی که کافر شدند، دوست دارند که شما از اسلحه و کالاهای خویش غافل شوید، تا ناگهان بر شما حمله کنند. و اگر از باران، رنجی به شما رسد، یا بیمار باشید، بر شما گناهی نیست که اسلحهٔ خود را زمین بگذارید (فرو بگذارید). و احتیاط کنید. بی‌تردید خداوند برای کافران عذاب خوارسازی آماده کرده است.

۱۰۳ پس آن گاه که نماز را بپا داشتید (خواندید) پس خداوند را در حالت ایستاده و نشسته و بر پهلوهایتان (درحالت خوابیده) یاد کنید. و آن گاه که به [مکانِ قابلِ] اطمینان رسیدید، نماز را بپا دارید و بی‌گمان نماز بر مؤمنان در موقع خود واجب است.

۱۰٤ و از پیگردیِ قوم [دشمن] سستی نورزید. اگر شما [از آسیبی] دردمندید، بی‌تردید آنان مانند شما که دردمند هستید، آسیب دیده‌اند. و شما از خداوند امیدی دارید، که آنان آن امید را ندارند. و خداوند دانای حکیم است.

۱۰۵ بی‌گمان ما «کتاب» را از روی حق به سوی تو فرو فرستادیم، تا به آن چه خداوند به تو نشان داده است، میانِ مردم حکم کنی و تو مدافع خائنان مباش.

١٠٦ و از خداوند آمرزش بخواه. به راستی خداوند آمرزگار مهربان است.

١٠٧ و به خاطر کسانی که به نَفْس خویش خیانت می‌کنند، تو جدال مکن. بی‌تردید خداوند آن کس را که خیانتکارِ گناهکار است، دوست نمی‌دارد.

١٠٨ آنان [خیانت و گناه خویش را] از مردم پنهان می‌دارند. و از خداوند پنهان نمی‌دارند. و خداوند با آنان است آن گاه که شبانه سخنانی می گویند، که خداوند به آن رضایت ندارد. و خداوند بر آن چه می‌کنند، احاطه دارد.

١٠٩ اینک شمایید کسانی که به خاطر آنان در زندگی دنیا جدال کردید. پس چه کسی است که در روز قیامت به خاطر آنان با خداوند جدال کند؟ یا کیست که بر آنان سرپرست (وکیل) باشد؟

١١٠ و هر کس کار زشتی کند، یا بر وجود (نَفْس) خویش ستم نماید، آن گاه از خداوند آمرزش بخواهد، خداوند را آمرزگار مهربان خواهد یافت.

١١١ و هر کس گناهی کند، آن [گناه] را تنها بر نَفْس خود (به ضرر خود) کرده است و خداوند دانای حکیم است.

١١٢ و هر کس اشتباهی یا گناهی کند، سپس آن را بر بی‌گناهی تهمت زند، پس بارِ تهمت و گناهِ آشکاری را بر دوش کشیده است.

١١٣ و اگر فضل و رحمت خداوند بر تو نبود، بی‌تردید گروهی از آنان می‌کوشیدند تا تو را گمراه سازند و [حال آن که] جز خودشان را گمراه نمی‌کنند. و هیچ زیانی به تو نمی‌رسانند. و خداوند «کتاب» و حکمت را بر تو فرو فرستاد و آن چه را که نمی‌دانستی، به تو آموخت. و فضل خداوند بر تو عظیم است.

١١٤ در بسیاری از آهسته رازگوییهای آنان خیری نیست، مگر آن کس که به صدقه، یا کاری پسندیده، یا کارسازی و اصلاح میان مردم فرمان دهد. و هر کس این کار را برای یافتن رضای خداوند انجام دهد، پاداشی عظیم به او خواهیم داد.

١١٥ و هر کس با پیامبر مخالفت کند –پس از این که راه هدایت برایش آشکار گردید– و راهی جز راه مؤمنان برگزیند، او را در آن چه به آن پرداخته است، رها سازیم. و او را به دوزخ در آوریم و بد سرانجام و مقصدی است.

١١٦ بیگمان خداوند این گناه را که به او شرک ورزند، نمیآمرزد. و غیر از آن [هر گناهی] را برای هر کس که بخواهد، میآمرزد. و هر کس برای خداوند شریکی قائل شود، پس بیتردید به گمراهیِ دوری افتاده است.

١١٧ به راستی [مشرکان] جز خداوند، غیر از مادگان (مخلوقهای منفعل) را نمیخوانند و به راستی غیر از شیطانِ سرکشِ بیخیر را نمیخوانند.

١١٨ خداوند او (شیطان) را لعنت کرد و او (شیطان) گفت: بیتردید من از بندگانت بهرهٔ معلوم [خودم] را خواهم گرفت.

١١٩ و بیتردید آنان را گمراه خواهم کرد و آرزوهایی در دلشان خواهم افکند و به آنان فرمان خواهم داد که گوشهای چهارپایان خویش را بشکافند و به آنان فرمان خواهم داد که آفرینش خداوند را تغییر دهند (حکم فطرت را زیر پا بگذارند). و هر کس شیطان را به جای خداوند دوست بگیرد، بیتردید زیان کرده است، زیانی آشکارا.

١٢٠ [شیطان] به آنان وعده میدهد و در آرزو میآوردشان و شیطان جز فریب، وعدهای به آنان ندهد.

١٢١ آنان جایگاهشان دوزخ باشد و از آن گریزگاهی نیابند.

۱۲۲ و کسانی که ایمان آورده‌اند و نیکوکاری کرده‌اند، به زودی آنان را به باغ‌هایی داخل سازیم که از زیر آن‌ها جویبارها جاری است. در آن تا ابد جاودانه بمانند. وعدهٔ خداوند حق است. و چه کسی است که در گفتار از خداوند راستگوتر باشد؟

۱۲۳ [جزای کار] به آرزوهای شما و آرزوهای اهل کتاب نیست. هر کس بدی کند، به آن مجازات شود و برای خویشتن غیر از خداوند دوستی و سرپرستی و یاوری نیابد.

۱۲٤ و هر کس –از مرد یا زن– نیکی کند و مؤمن باشد، پس آنان به بهشت وارد گردند و به اندازهٔ شکافِ پشتِ هستهٔ خرمایی به آنان ستم نشود.

۱۲٥ و کیست نیکو دین‌تر از آن کس که روی خویش (تمام وجود خویش) را تسلیم خداوند کند و نیکوکار باشد و از آیین «ابراهیم» یکتاپرست حق‌گرا پیروی کند. و خداوند «ابراهیم» را دوست گرفت.

۱۲٦ و آن چه در آسمان‌ها و آن چه در زمین است، از آنِ خداوند باشد. و خداوند بر هر چیز، فراگیر (محیط) است.

۱۲۷ و در مورد زنان از تو نظر می‌خواهند. بگو: خداوند در مورد آنان و چیزهایی که در مورد زنان یتیم در «کتاب» آمده است، نظر می‌دهد. شما آن چه را برایشان واجب شده است، نمی‌دهید و می‌خواهید با آنان ازدواج کنید و [در مورد] کودکانِ ناتوان شمرده شده [نظرمی‌دهد که] با یتیمان به دادگری رفتار کنید. آن چه از خیر و نیکویی انجام دهید، پس بی‌تردید خداوند بر آن داناست.

١٢٨ و اگر زنی از شوهرش ترس از ناسازگاری و جفا (نُشوز) و دوری جستن (اعراض) داشته باشد، بر آن دو گناه نیست که بینشان سازش (صلح) ایجاد شود. و سازش و صلح بهتر است. و بخل، وجودها (نَفْس‌ها) را فرا گرفته است و اگر نیکی کنید و پرهیزکار باشید، خداوند به آن چه می‌کنید، داناست.

١٢٩ و شما هرگز نمی‌توانید میان زنان به دادگری رفتار کنید. هرچند که آرزومند آن باشید. پس چنان از او رویْ گردان نشوید، که بلاتکلیف رهایش سازید. و اگر نیکی کنید و پرهیزکار باشید، بی‌گمان خداوند آمرزگار مهربان است.

١٣٠ و اگر آنان از یکدیگر جدا شوند، خداوند هر یک را از گشایشِ خویش بی‌نیاز گرداند. و خداوند گشایشگر حکیم است.

١٣١ و آن چه در آسمان‌ها و آن چه در زمین است، از آنِ خداوند باشد. و بی‌تردید به آنان که پیش از شما «کتاب» داده شده است و به ویژه به شما سفارش کردیم که از خداوند بیمناک باشید. و اگر کافر شوید، پس بی‌گمان آن چه در آسمان‌ها و آن چه در زمین است، از آنِ خداوند باشد و خداوند بی‌نیاز ستوده است.

١٣٢ و آن چه در آسمان‌ها و آن چه در زمین است، از آنِ خداوند باشد. و خداوند کافی است که وکیل و کارساز است.

١٣٣ ای مردم، اگر خداوند بخواهد، شما را می‌برد و دیگران را می‌آورد. و خداوند بر آن [کار] تواناست.

١٣٤ آن کس که پاداش دنیا را خواهد، پس پاداش دنیا و آخرت نزد خداوند است. و خداوند شنوای بیناست.

١٣٥ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به استواری بپادارانِ دادگری و گواهان خداوند باشید. هر چند [این دادگری] به زیان خودتان یا پدر و مادرتان و نزدیکانتان باشد؛ خواه بی‌نیاز باشند، یا نیازمند. پس خداوند به [سرپرستیِ] آنان سزاوارتر است. و از هوس‌های خویش (خواهش‌های نَفْس) پیروی مکنید، که از دادگری تجاوز کنید. و اگر [شهادت را] تحریف و تبدیل کنید، یا رویْ گردان شوید، بی‌گمان خداوند از آن چه انجام می‌دهید، آگاه است.

١٣٦ ای کسانی که [به زبان] ایمان آورده‌اید، [با تمام وجود] به خداوند و پیامبرش و به «کتابی» («قرآن») که بر پیامبرش فرو فرستاده و به «کتابی» که پیش از آن فرو فرستاده است، ایمان بیاورید. و هر کس که به خداوند و فرشتگانش و «کتاب»هایش و پیامبرانش و به روز رستاخیز کافر شود، بی‌تردید در گمراهی است، گمراهیِ دوری.

١٣٧ بی‌تردید آنان که ایمان آوردند، سپس کافر شدند، دگر بار ایمان آوردند و سپس کافر شدند، آن گاه بر کفر خویش افزودند، خداوند آنان را نمی‌آمرزد و آنان را به راهی [نیکو] هدایت نخواهد کرد.

١٣٨ به دورویان (منافقان) خبر بده که برای آنان عذابی دردناک باشد.

١٣٩ کسانی که کافران را به جای مؤمنان دوستان خویش می‌گیرند، آیا عزّت را نزد آنان می‌جویند؟ بی‌گمان عزّت، به طور کامل از آنِ خداوند است.

١٤٠ و بی‌گمان [خداوند] در «کتاب» بر شما فرو فرستاده است که: «آن گاه که بشنوید [عدّه‌ای] آیات خداوند را مورد کفر و ریشخند قرار می‌دهند، با آنان منشینید، تا به گفتاری غیر از آن [سخنان کفر] بپردازند. [و گر نه] شما هم بی‌تردید مانند آنان خواهید بود.» به راستی خداوند گردآورندهٔ همهٔ دورویان (منافقان) و ناسپاسان (کافران) در دوزخ است.

١٤١ [دورویان] کسانی هستند که به شما چشم دوخته‌اند. پس اگر از سوی خداوند برایتان پیروزی رسد، گویند: «آیا ما با شما نبودیم؟» و اگر کافران را بهره‌ای رسد، گویند: «آیا ما بر شما چیرگی نداشتیم؟ و از آزار مؤمنان شما را دور نداشتیم؟» پس خداوند در روز رستاخیز میان شما دادگری کند. و خداوند هرگز برای [پیروزی] کافران بر مؤمنان راهی قرار نداده است.

١٤٢ بی‌گمان دورویان (منافقان) با خداوند نیرنگ می‌کنند. و خداوند هم به آنان خدعه می‌زند. و آن گاه که به نماز ایستند، با کسالت می‌ایستند. به مردم خودنمایی می‌کنند. و جز اندکی به یاد خداوند نباشند.

١٤٣ آنان در این میان (بین کفر و ایمان) سرگردانند. نه به سوی اینان هستند و نه به طرف آنان می‌باشند. و هر کس را خداوند گمراه سازد، برایش راهی نخواهی یافت.

١٤٤ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، کافران را به جای مؤمنان دوستان خود مگیرید. آیا می‌خواهید برای خداوند بر [زیانِ] خودتان دلیل و گواهی محکم و آشکار قرار دهید؟

١٤٥ بی‌گمان دورویان (منافقان) در پایین‌ترین مرتبه از آتش، جا دارند و برای آنان یاوری نخواهی یافت.

١٤٦ جز آنان که توبه کردند و [بدی را به نیکی] اصلاح کردند و به [الطاف] خداوند چنگ زدند و برای خداوند، دین خود را خالص و پاکیزه کردند. پس آنان با مؤمنان هستند و به زودی خداوند مؤمنان را پاداشی عظیم خواهد داد.

١٤٧ اگر شکرگزار باشید و ایمان داشته باشید، خداوند به عذاب شما چه کار دارد؟ و خداوند شاکر و سپاسدار داناست.

١٤٨ خداوند بدگویی آشکار را دوست ندارد. مگر آن کس که بر او ستمی شده باشد. و
خداوند شنوای داناست.

١٤٩ اگر کار نیکویی را پیدا یا پنهان انجام دهید، یا از کار زشت درگذرید، پس بی‌تردید
خداوند پوزش پذیر تواناست.

١٥٠ بی‌گمان کسانی که به خداوند و پیامبرانش کفر می‌ورزند و می‌خواهند میانِ خداوند
و پیامبرانش جدایی افکنند و می‌گویند: «به عدّه‌ای ایمان داریم و به عدّه‌ای کافریم.»
و می‌خواهند در این میان راهی را برگزینند (در پیش گیرند).

١٥١ آنان به حق کافرند و ما برای کافران عذابی خوارساز آماده کرده‌ایم.

١٥٢ و کسانی که به خداوند و پیامبرانش ایمان دارند و میانِ هیچ یک از آنان تفاوتی نمی‌گذارند،
[خداوند] به زودی پاداش آنان را خواهد داد و خداوند آمرزگار مهربان است.

١٥٣ [ای «محمّد»] اهل کتاب از تو می‌خواهند که برایشان از آسمان «کتابی» فرود آوری.
پس بدون تردید از «موسی» بزرگ‌تر از آن را خواستند و گفتند: «آشکارا خداوند را
به ما نشان بده.» پس به دلیل ستمشان، صاعقه آنان را گرفت. آن گاه بعد از این که
برایشان نشانه‌های آشکار و معجزه‌ها آمد، گوساله را [برای پرستش] گرفتند. پس ما
از آن [گناه] درگذشتیم و به «موسی» دلیلی محکم و آشکار دادیم.

١٥٤ و «طور» را به دلیل پیمانشان بالای [سر] آنان برافراشتیم و به ایشان گفتیم:
«سجده‌کنان از در داخل شوید» و به آنان گفتیم: «روز شنبه [از حدّ] تجاوز مکنید.»
و از آنان پیمانی سخت گرفتیم.

١٥٥ پس به دلیل این که آنان پیمانشان را شکستند و این که به آیات خداوند کافر شدند و این که آنان پیامبران را به ناحق کشتند و این که گفتند: «دل‌های ما پوشیده (در پرده) است.» بلکه خداوند به دلیل کفرشان بر [دل‌های] آنان مُهر زد. پس جز اندکی ایمان نمی‌آورند.

١٥٦ و به دلیل کفرشان و گفتارشان در مورد «مریم» که تهمتی عظیم بود.

١٥٧ و سخنشان که [گفتند]: «ما «مسیح»، «عیسی» پسر «مریم»، پیامبر خدا را کشتیم.» حال آن که او را نکشتند و به دارش نکشیدند، بلکه بر آنان مُشتَبَه شد و بی‌گمان آنان که در مورد او اختلاف کردند، دربارهٔ او در تردید هستند. در مورد او دانشی ندارند، مگر به پیروی از گمان. و به یقین او را نکشتند.

١٥٨ بلکه خداوند او را به سوی خود بالا برد و خداوند عزیز حکیم است.

١٥٩ و [کسی] از اهل کتاب نیست، مگر این که پیش از مرگ خویش به او ایمان آورد و روز رستاخیز [«عیسی»] بر آنان گواه خواهد بود.

١٦٠ پس به دلیل ستمی که یهودیان کردند، ما برای آنان چیزهای پاکیزه‌ای را که حلال بود، حرام کردیم. و به دلیل آن که آنان بسیاری [از مردم] را از راه خداوند باز داشتند.

١٦١ و [نیز به دلیل] ربا گرفتن آنان. حال آن که از آن نهی شده بودند و [به دلیل] مال مردم خوردنشان به ناحق. و ما برای کافرانشان عذابی دردناک آماده کرده‌ایم.

١٦٢ لیکن فرورفتگان در علم و دانش از میان آنان و مؤمنان، به آن چه بر تو فرو فرستاده شده و آن چه پیش از تو فرو فرستاده شده است، ایمان دارند و بپاداران نماز و دهندگان زکات، ایمان آورندگان به خداوند و روز رستاخیزند. آنان هستند که به زودی پاداشی عظیم به ایشان دهیم.

١٦٣ بی‌تردید ما به تو وحی کردیم. همان گونه که به «نوح» و پیامبران بعد از او وحی کردیم. و وحی کردیم به «ابراهیم» و «اسماعیل» و «اسحاق» و «یعقوب» و «اسباط» و «عیسی» و «ایوب» و «یونس» و «هارون» و «سلیمان» و به «داود» «زبور» دادیم.

١٦٤ و پیامبرانی که داستان آنان را پیش از این بر تو گفتیم. و فرستادگانی که داستان آنان را بر تو نگفتیم. و خداوند با «موسی» سخن گفت، سخن گفتنی [خاص].

١٦٥ پیامبرانی مژده بخش و بیم دهنده [فرستادیم]. تا این که پس از [آمدنِ] پیامبران، مردم را برخداوند [عذری و] حجّتی نباشد. و خداوند عزیز حکیم است.

١٦٦ لیکن خداوند به آن چه به سوی تو فرو فرستاده است، گواهی می‌دهد که آن را به دانش خویش فرو فرستاده و فرشتگان نیز گواهی می‌دهند. و خداوند کافی است که گواه باشد.

١٦٧ بی‌گمان آنان که کافر شدند و[مردم را] از راه خداوند بازداشتند، بی‌تردید گمراه شدند، گمراهیِ دوری.

١٦٨ بی‌گمان کسانی که کافر شدند و ستم کردند، خداوند بر آن نیست که آنان را بیامرزد و به راهی هدایت نماید،

١٦٩ مگر به راه دوزخ، که همیشه در آن جاودانه‌اند. و آن [کار] بر خداوند آسان است.

١٧٠ ای مردم، بی‌گمان پیامبر از طرف پروردگارتان حق را برای شما آورده است. پس ایمان آورید، که برایتان بهتر است. و اگر کافر شوید، پس بی‌تردید آن چه در آسمان‌ها و زمین است، از آنِ خداوند است. و خداوند دانای حکیم است.

١٧١ ای اهل کتاب، در دین خود غلو نکنید [و از حدود الهی فراتر نروید] و بر خداوند جز سخن حق مگویید. بی‌گمان «مسیح»، «عیسی» پسر «مریم»، پیامبر خداوند است. و کلمه و روحی از اوست، که آن را به «مریم» رسانید. پس به خداوند و پیامبرانش ایمان آورید و نگویید خدا «سه» است («اَب» و«اِبن» و «روحُ‌القُدُس») و [از این سخن] باز ایستید، که برای شما نیکوتر است. بی‌گمان خداوند، معبودی یگانه است. پاک و منزّه از آنست که برایش فرزندی باشد. آن چه در آسمان‌ها و آن چه در زمین است، از آنِ اوست و خداوند کافی است که وکیل و نگهبان باشد.

١٧٢ هرگز «مسیح» خودداری نورزد از این که بنده‌ای برای خداوند باشد. و فرشتگان نزدیک نیز [خودداری نورزند از این که بنده خداوند باشند]. و هر کس از بندگی او (خداوند) خودداری نماید و تکبّر ورزد، به زودی خداوند همه را به سوی خود گردآوری کند.

١٧٣ پس امّا کسانی که ایمان آوردند و نیکوکاری کردند، پاداش‌های آنان را تمام دهد و از فضل خویش به آنان خواهد افزود. امّا کسانی که [از اطاعت خداوند] خودداری کردند و گردن افراشتند (تکبّر ورزیدند) آنان را عذاب کند، عذابی دردناک. و جز خداوند برای خویش دوستی و یاوری نیابند.

١٧٤ ای مردم، بی‌گمان برای شما برهانی از پروردگارتان آمد و به سوی شما نوری روشن فرو فرستادیم.

١٧٥ پس اما کسانی که به خداوند ایمان آوردند و به او متوسل گشتند، پس به زودی آنان را در رحمت و فضل خویش داخل سازد و آنان را از راهی راست به سوی خود هدایت نماید.

۱۷٦ از تو حکم و نظر (فتوا) خواهند. بگو خداوند در مورد «کَلاله» به شما حکم و نظر دهد که اگر مردی بمیرد و فرزندی (پسر یا دختر) نداشته باشد و خواهری داشته باشد، پس یک دومِ میراث، به او رسد. و آن مرد از خواهرش میراث برد، اگر خواهر، فرزندی نداشته باشد. اگر دو خواهر باشند، پس دو سومِ میراث به آنان می‌رسد. و اگر چند برادر و خواهر باشند، هر مرد را مانند بهرهٔ دو زن باشد. خداوند برایتان [همه چیز را] بیان می‌دارد، که گمراه نشوید. و خداوند به همه چیز، داناست.

مدنی

سورهٔ مائده (سفرهٔ طعام)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به پیمان‌ها[یتان] وفا کنید. دام‌های چهارپایان بر شما حلال گردید، مگر آن چه بر شما خوانده می‌شود. غیر از آن شکاری که در حال اِحرام بر شما حلال نیست. بی‌گمان خداوند آن چه می‌خواهد، فرمان می‌دهد.

۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شعایر خداوند و ماه حرام و قربانی و قربانیِ گردنبند بسته و [آزارِ] زیارتگران «بیت الحرام» را که در جستجوی فضل و خوشنودی پروردگار خویشند، حلال مشمارید. و آن گاه که از اِحرام بیرون آمدید، پس [می‌توانید] شکار کنید. و نباید دشمنیِ کسانی که شما را از «مسجدالحرام» باز داشتند، شما را به تجاوز وادارد. و یکدیگر را بر نیکی و پرهیزکاری کمک کنید و بر گناه و دشمنی، یکدیگر را یاری مکنید. و از خداوند بیمناک باشید. بی‌گمان خداوند سخت کیفر است.

٣ مردار و خون و گوشت خوک و آن چه هنگام سربریدن نام غیر خداوند بر آن برده شود و حیوان خفه شده و با چوب کشته شده و از بلندی افتاده و به ضرب شاخ کشته شده و آن چه حیوان درنده [از آن] خورده باشد –مگر آن چه پیش از مردن، آن را سرببرید– و آن چه برای بت‌ها کشته شود و آن چه به وسیلهٔ تیرها (از روی قمار) تقسیم کنید، همهٔ این‌ها بر شما حرام شده و فِسق (نافرمانی از خداوند) است. امروز آنان که کافر شدند، از دین شما ناامید گردیدند. پس، از آنان نترسید و از من بیمناک باشید. امروز دین شما را برایتان کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و «اسلام» را برای شما به عنوان دین پسندیدم. پس هر کس در گرسنگیِ شَدید –نه از روی گرایش به گناه– ناچار گردد، پس بی‌گمان خداوند آمرزگار مهربان است.

٤ از تو می‌پرسند که چه چیز برایشان حلال است. بگو: «برای شما پاکیزه‌ها حلال است و آن صیدی که جانوران شکاری که تربیتشان کرده‌اید [گرفته‌اند] –که شما تربیت کنندهٔ سگان برای شکار می‌باشید– و به آن‌ها آن چه را که خداوند به شما آموخته است، می‌آموزید. پس از آن چه آن‌ها برای شما گرفته‌اند، بخورید و نام خداوند را بر آن یاد کنید و از [عقوبتِ] خداوند بیمناک باشید.» بی‌گمان خداوند تند حساب است.

٥ امروز پاکیزه‌ها بر شما حلال شد. و خوراک (طعام) کسانی که به ایشان «کتاب» داده شد (یهود و نصاری) برای شما حلال است. و خوراک (طعام) شما [نیز] برای آنان حلال است و زنان پارسای مؤمن و زنان پارسا از کسانی که پیش از شما به آنان «کتاب» داده شد [بر شما حلال هستند] آن زمان که مهریهٔ آنان را داده باشید –در حال پاکدامنی نه زناکاری و رفیق‌بازی– و هر کس به ایمان [به خدا] کافر شود، کردارش تباه گردد و او در آخرت از زیانکاران است.

٦ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آن گاه که به قصد نماز بلند می‌شوید، پس صورتتان و دست‌هایتان را تا آرنج‌ها بشویید، سرتان و پاهایتان را تا قوزک‌های پا مَسْح کنید. و اگر جُنُب باشید، پس خود را پاک کنید. و اگر بیمار یا در سفر باشید، یا یکی از شما از آبریزگاه بیرون آمد، یا به زنان نزدیکی کردید و آبی نیافتید، با خاک پاک قصد کنید (تیمّم کنید). پس، از آن [خاکِ پاک] به صورت و دست‌های خود بمالید. خداوند نمی‌خواهد به شما سختی دهد، بلکه می‌خواهد شما را پاک سازد و برای این که نعمتش را بر شما تمام کند، شاید شکرگزار شوید.

٧ و نعمت خداوند را بر خودتان و پیمانی را که با شما بست، به یاد آورید، آن زمان که گفتید: «شنیدیم و اطاعت کردیم.» و از خداوند بیمناک باشید و تقوا در پیش گیرید. بی‌تردید خداوند به آن چه در سینه‌هاست، داناست.

٨ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای خداوند به استواری، بپاخیزندگان (ایستادگان)، گواهی دهندگان به عدل باشید. و دشمنیِ عدّه‌ای شما را بر آن ندارد که عدالت نکنید. دادگری کنید، که آن (دادگری) به پرهیزکاری نزدیک‌تر است. و از خداوند بیمناک باشید. بی‌تردید خداوند به آن چه می‌کنید، آگاه است.

٩ خداوند به کسانی که ایمان آورده‌اند و نیکوکاری کرده‌اند، آمرزشی و پاداشی عظیم وعده داده است.

١٠ و کسانی که کافر شدند و آیات ما را دروغ پنداشتند، آنان یاران دوزخند.

١١ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نعمت خداوند را بر خود به یاد آورید. آن گاه که گروهی کوشیدند تا بر شما دست دراز کنند. پس او دست‌های آنان را از [وجودِ] شما باز داشت (دور کرد). و از خداوند بیمناک باشید و مؤمنان باید تنها بر خداوند توکل کنند.

١٢ و به راستی خداوند از «بنی اسرائیل» پیمان گرفت. و [ما] از آنان دوازده نفر سردار برانگیختیم. و خداوند گفت: «بی‌گمان من با شما هستم، اگر نماز را بپادارید و زکات دهید و به پیامبران من ایمان آورید و آنان را با احترام یاری کنید و به خداوند وام دهید، وامی نیکو. بی‌تردید گناهانتان را از شما پاک سازم و بی‌تردید شما را به باغ‌هایی داخل سازم که جویبارها از زیر آن‌ها جاریست. پس هر کس از شما بعد از آن کافر شود، بی‌گمان از راه راست گمراه شده است.»

١٣ پس به دلیل شکستنِ پیمانِ خودشان لعنتشان کردیم و دل‌هایشان را سخت نمودیم. آنان سخنان را جا به جا [و تحریف] می‌کنند، و قسمتی از آن چه را که به آنان یادآوری شده، فراموش کرده‌اند. و تو همیشه بر خائنانی از آنان آگاه می‌شوی – مگر اندکی از آنان– پس آنان را ببخش و از آنان درگذر. به راستی خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد.

١٤ و از کسانی که گفتند: «به راستی ما نصرانی هستیم»، از آنان پیمان گرفتیم. پس بخشی از آن چه را که به آنان یادآوری شده بود، فراموش کردند. پس ما تا روز قیامت، میانشان دشمنی و کینه برانگیختیم و به زودی خداوند آنان را به آن چه می‌کردند، آگاه کند.

١٥ ای اهل کتاب (یهود و نصاری) بی‌تردید پیامبر ما به سوی شما آمده است. برای شما بسیاری از آن چه را که از «کتاب» پنهان می‌کردید، بیان می‌کند. و از بسیاری در می‌گذرد. بی‌گمان از سوی خداوند برای شما نوری و «کتابی» روشن آمده است.

١٦ که با آن خداوند کسی را که از خوشنودی وی پیروی کند، به راه‌های سلامت [و آرامش] راهنمایی می‌کند. و به فرمانِ خویش آنان را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی در می‌آورد و به راهی راست هدایت می‌نماید.

١٧ بی‌گمان آنان که گفتند: «خداوند، همان «مسیح» پسر «مریم» است.» کافر شدند. تو بگو: «پس کیست که در مقابل خداوند هیچ توانایی و اختیاری داشته باشد، اگر خداوند اراده کند که «مسیح» پسر «مریم» و مادرش و هر که در زمین است، همه را هلاک سازد؟» و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آن چه میان آن دو است، از آنِ خداوند است. هر چه می‌خواهد، می‌آفریند. و خداوند بر همه چیز تواناست.

١٨ و «یهودیان» و «نصرانیان» گفتند: «ما پسران خداوند و دوستان او هستیم.» بگو: «پس چرا شما را به گناهانتان عذاب می‌کند؟ [نه] بلکه شما بشری هستید از آنان که او آفریده است.» هر که را خواهد، بیامرزد. و هر که را خواهد، عذاب کند. و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آن چه میان آن دو است، از آنِ خداوند است و بازگشت به سوی اوست.

١٩ ای اهل کتاب، بی‌تردید پیامبر ما به سوی شما آمده تا بعد از فترتِ پیامبران [حق را] برای شما بیان کند، تا نگویید: «مژده‌بخش و بیم دهنده‌ای برایمان نیامد.» بی‌تردید مژده‌بخش و بیم دهنده برای شما آمده. و خداوند بر همه چیز تواناست.

٢٠ و آن گاه که «موسی» به ملّت خود گفت: «ای قوم من، نعمت خداوند را بر خودتان به یادآورید. آن زمان که در میان شما پیامبرانی قرار داد و شما را پادشاه گردانید و به شما چیزهایی داد که به کسی از جهانیان نداده است.

٢١ ای قوم من، به سرزمین مقدس (شهر مقدس) که خداوند بر شما مقرّر داشته (نوشته) است، درآیید و به پشت خود باز نگردید، که زیانکار باز می‌گردید.»

٢٢ گفتند: «ای «موسی»، بی‌تردید در آن جا قومی زورمند باشند و ما هرگز به آن داخل نشویم، تا این که آنان از آن جا بیرون آیند. و اگر آنان بیرون آیند، پس ما داخل خواهیم شد (داخل شدگانیم).»

٢٣ دو مرد («یوشع» و «کالیب») از کسانی که از خداوند می‌ترسیدند و خداوند به آن دو نفر نعمت داده بود، گفتند: «از این دروازه بر آنان داخل شوید. پس هنگامی که از آن داخل شدید، بی‌تردید شما پیروزمندانید (غلبه کنندگانید). و اگر مؤمن هستید، پس بر خداوند توکّل کنید.»

٢٤ گفتند: «ای «موسی»، ما تا آنان آن جا هستند، هرگز به آن جا داخل نخواهیم شد. پس تو و پروردگارت بروید و پیکار کنید، که ما این جا نشسته‌ایم (نشستگانیم).»

٢٥ [«موسی»] گفت: «پروردگارا، من توانایی و اقتداری بر هیچ کس جز خودم و برادرم ندارم. پس تو میان ما و گروهِ نافرمانانِ تبهکار جدایی انداز.»

٢٦ [خداوند] گفت: «پس بی‌تردید آن [سرزمین] چهل سال بر آنان حرام باشد. آنان در زمین سرگردان شوند. پس تو بر گروهِ نافرمانانِ تبهکار اندوهگین مشو.»

٢٧ و خبر دو پسر «آدم» را به راستی بر آنان بخوان. آن گاه که [آن دو] قربانی را قربان کردند. پس، از یکی از آن دو پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد. [«قابیل»] گفت: «بی‌تردید تو را می‌کشم.» [«هابیل»] گفت: «خداوند تنها از پرهیزکاران می‌پذیرد.

٢٨ اگر دست خویش را به سویم پیش آوری که مرا بکشی، من دست خویش را به سوی تو پیش نیاورم تا تو را بکشم. من از خداوند که پروردگار جهانیان است، می‌ترسم.

٢٩ بی‌تردید من می‌خواهم که تو گناه من و گناه خودت را برگیری (به دوش خویش کشی) تا از یاران آتش شوی.» و این است پاداش ستمگران.

٣٠ پس اندیشهٔ او (نَفْسش) او را به قتل برادرش کشاند. و او را کشت و از زیانکاران شد.

٣١ پس خداوند زاغی را برانگیخت که زمین را می‌کاوید، تا به او نشان دهد که چگونه می‌تواند کشتهٔ برادر خویش را پنهان سازد. [«قابیل»] گفت: «ای وای بر من! آیا ناتوانم از این که مانند این زاغ باشم و کشتهٔ برادر خویش را پنهان سازم.» پس او از پشیمانان گردید.

٣٢ برای این بر «بنی‌اسرائیل» نوشتیم که هر کس تنی را -جز در برابر کشتن تنی یا فسادی در زمین- بکشد، مانند آنست که همهٔ مردم را کشته است. و آن کس که آن را زنده بدارد، مانند آنست که همهٔ مردم را زنده داشته است. و بی‌گمان پیامبران ما نشانه‌های آشکار برای آنان آوردند. سپس بی‌تردید بسیاری از آنان بعد از آن در زمین اسرافکارند.

٣٣ کیفر کسانی که با خداوند و پیامبرش پیکار می‌کنند و تلاش می‌نمایند که در روی زمین فساد کنند، تنها این است که کشته شوند، یا به دار آویخته گردند، یا دست و پایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود، یا از سرزمین رانده شوند. این در دنیا برایشان خواری است و در آخرت برایشان عذابی عظیم است.

٣٤ مگر کسانی که -پیش از آن که بر آنان دست یابید- توبه کنند. پس آگاه باشید که بی‌تردید خداوند آمرزگار مهربان است.

٣٥ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در برابر خدا تقوا داشته باشید و به سوی او وسیله بجویید و در راهش جهاد کنید. شاید رستگار شوید.

٣٦ بی‌گمان کسانی که کافر شدند، اگر همهٔ آن چه در زمین است، از آنِ آنان باشد و مانندش همراه آن باشد، که فدیه دهند و به وسیلهٔ آن، عذاب روز قیامت را باز خرند، از آنان پذیرفته نگردد و برای آنان عذابی دردناک باشد.

٣٧ آنان می‌خواهند از آتش بیرون آیند. و از آن بیرون آمدنی نیستند. و برایشان عذابی پایدار و جاودانه باشد.

٣٨ و دستان مرد دزد و زن دزد را ببرید. [این است] جزای آن چه به دست آوردند (دستاوردشان). عقوبتی است از خداوند. و خداوند عزیز حکیم است.

٣٩ پس آن کس که بعد از ستمگریِ خویش توبه کرد و [بدی را به نیکی] اصلاح کرد، بی‌تردید خداوند توبه‌اش را می‌پذیرد. بی‌تردید خداوند آمرزگار مهربان است.

٤٠ آیا نمی‌دانی که خداوند است که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آنِ اوست؟ هر کس را خواهد، عذاب کند و هر کس را خواهد، بیامرزد. و خداوند بر همه چیز تواناست.

٤١ ای پیامبر، آن کسان که در کفر شتاب می‌کنند، تو را اندوهگین نکنند، از آنان که به زبانشان گفتند: «ایمان آوردیم.» و دل‌هایشان ایمان نیاورده، و از آنان که یهودی شدند، کسانی شنوندگان [به قصد] دروغ پردازی هستند، برای گروهی دیگر که نزد تو نیامده‌اند، دروغ‌پردازی می‌کنند. آنان سخنان را از محل خود بر می‌گردانند (تحریف می‌کنند). می‌گویند: «اگر این به شما داده شد، پس آن را بگیرید و اگر به شما داده نشد، [از آن] پرهیز کنید.» و خداوند برای هر کس فتنه خواهد، پس تو برای او بر چیزی از [امرِ] خداوند مالک نیستی. آنان کسانی هستند که خداوند نمی‌خواهد دل‌هایشان را پاک سازد. برای آنان در دنیا خواری است و در آخرت برای آنان عذابی عظیم است.

٤٢ شنوندگان [و پذیرندگانِ] دروغ، خورندگان حرامند. پس اگر نزد تو آیند، میانشان داوری کن، یا از آنان رویْ بگردان. و اگر از آنان رویْ بگردانی، هیچ زیانی به تو نخواهند رساند. و اگر داوری کنی، میانشان از روی عدل داوری کن. بی‌گمان خداوند دادگران را دوست می‌دارد.

٤٣ و چگونه تو را به داوری خواهند؟ حال آن که «تورات» نزد آنان باشد، که در آن حکم خداوند است. آن گاه پس از آن رویْ بر می‌گردانند و آنان مؤمن نیستند.

٤٤ بی‌گمان ما «تورات» را که در آن هدایتی و نوری است، فرو فرستادیم تا به وسیلهٔ آن («تورات») پیامبران که تسلیم امر خداوندند، برای آنان که یهودی شدند، حکم کنند. و [همچنین] خداپرستان و دانشمندان به آن چه از «کتاب» خداوند به آنان سپرده شد و خویشتن بر آن گواهند [حکم کنند]. پس، از مردم بیمناک نباشید و از من بیمناک باشید. و آیات مرا به بهایی ناچیز مفروشید. و هر کس به آن چه خداوند نازل کرده است، حکم (دادگری) نکند، پس آنان خودْ کافرند.

٤٥ در آن («تورات») بر آنان [در مورد قصاص] نوشتیم که تن در برابر تن و چشم در برابر چشم و بینی در برابر بینی و گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان، [قصاص] است و زخم‌ها را قصاصی [مانند آن‌ها] باشد. پس هر کس از آن بگذرد (صدقه کند) برایش کفارهٔ گناه خواهد شد. و هر کس به آن چه خداوند فرو فرستاده است، حکم نکند، آنان خود ستمگرانند.

٤٦ و بر پی آنان «عیسی» پسر «مریم» را فرستادیم، که تصدیق کنندهٔ آن چه از «تورات» بود که پیش از او بود و به او «انجیل» دادیم که در آن هدایتی و نوری است و تصدیق کنندهٔ آن چه از «تورات» است که پیش از آن می‌باشد. و هدایتی و پندی برای پرهیزکاران است.

٤٧ و باید اهل «انجیل» به آن چه خداوند در آن فرو فرستاده است، حکم کنند. و هر کس به آن چه خداوند فرو فرستاده است، حکم نکند، پس آنان خود نافرمان و تبهکارند.

٤٨ و «کتاب» («قرآن») را به حق بر تو فرو فرستادیم، که تصدیق کنندهٔ آن چه از «کتاب» («تورات») است که پیش از آن [نازل شده] است و بر آن نگهبانست. پس میان آنان به آن چه خداوند فرو فرستاده است، داوری کن و در [مقابل] آن چه از حق برتو آمده است [و در بیان احکام] از هوس‌های آنان پیروی مکن. برای هر یک از شما شریعتی و راهی قرار دادیم و اگر خداوند می‌خواست، بی‌تردید شما را یک امّت می‌کرد. لیکن او در آن چه به شما داده است، شما را بیازماید. پس در کارهای نیک از یکدیگر پیشی گیرید، که بازگشت همگی شما به سوی خداوند است. و او شما را به آن چه در آن اختلاف می‌کردید، آگاه سازد.

٤٩ و این که به آن چه خداوند فرو فرستاده است، میان آنان داوری کن و از هوس‌های آنان پیروی مکن. و از آنان پرهیز کن که [مبادا] تو را از برخی از آن چه خداوند بر تو فرو فرستاده است، به فتنه اندازند. و اگر رویْ گردانیدند، پس تو بدان که بی‌تردید خداوند می‌خواهد آنان را به برخی از گناهانشان گرفتار سازد. و بی‌تردید بسیاری از مردم نافرمان و تبهکارند.

٥٠ پس آیا دستور جاهلیت را می‌جویند؟ و کیست بهتر از خداوند در صدور حکم و فرمان برای قومی که یقین دارند؟

٥١ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، «یهودیان» و «نصرانیان» را دوست و سرپرستِ خود مگیرید. آنان دوستان یکدیگرند. و هر کس از شما آنان را دوست و سرپرست گیرد، بی‌تردید او از [گروهِ] آنان است. بی‌تردید خداوند گروهِ ستمکاران را هدایت نمی‌کند.

٥٢ پس کسانی را که در دل‌هایشان بیماری است می‌بینی که در [دوستیِ] آنان شتاب می‌کنند. می‌گویند: «می‌ترسیم که به ما حادثه‌ای برسد.» پس شاید خداوند از سوی خویش پیروزی یا امری پیش آورد. پس آنان از آن چه در وجودشان (نَفْس‌هایشان) پنهان می‌کنند، پشیمان می‌گردند.

٥٣ و کسانی که ایمان آوردند، می‌گویند: «آیا اینان هستند کسانی که به خداوند با سوگندهای سختی قسم یاد می‌کردند که به راستی با شما هستند؟» کردارشان تباه گردید. پس زیانکار شدند.

٥٤ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر کس از شما که از دین خویش باز گردد، پس به زودی خداوند ملّتی آوَرَد که آنان را دوست دارد و آنان او را دوست دارند. [آنان] بر ایمان آورندگانْ، نرمْدل، و بر کافرانْ، سختْدل باشند. [آنان] در راه خداوند جهاد و پیکار کنند و از سرزنشِ هیچ سرزنشگری بیمناک نشوند. این فضل خداوند است که آن را به هر که خواهد، می‌دهد. و خداوند گشایشگر داناست.

٥٥ به راستی خداوند و پیامبرش و کسانی که ایمان آورده‌اند، ولیّ و سرپرست شما هستند. کسانی که نماز را بپا می‌دارند و زکات می‌دهند در حالی که رکوع‌گزارند.

٥٦ و هر کس که خداوند و پیامبرش و آنان را که ایمان آورده‌اند، دوست بگیرد، پس بی‌تردید حزب خداوند پیروزمند باشند.

٥٧ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آنان را که دین شما را به مسخره و بازیچه گرفتند –از کسانی که پیش از شما به آنان «کتاب» داده شد– و [همچنین] کافران را ولیّ و سرپرست نگیرید. و از خداوند بیمناک باشید، اگر مؤمن هستید.

٥٨ و وقتی شما [دیگران را] به نماز می‌خوانید، [کافران] آن را به مسخره و بازی می‌گیرند. این به دلیل آنست که آنان قومی هستند که اندیشه و درک نمی‌کنند.

٥٩ بگو: «ای اهل کتاب، آیا بر ما عیب می‌گیرید، تنها به این دلیل که ما به خداوند و آن چه بر ما فرو فرستاده شده و آن چه پیش از آن فرو فرستاده شده است، ایمان آورده‌ایم؟ و به راستی بیش‌ترِ شما نافرمان و تبهکارید.»

٦٠ بگو: آیا شما را به کیفری بدتر از آن نزد خداوند آگاه سازم؟ آن کس که خداوند او را لعن کرد و بر او خشم گرفت. و از آنان میمون‌ها و خوکان قرار داد. و «طاغوت» را پرستیدند. اینان مکانی بدتر دارند و از راه راست، گمراه‌ترند.

٦١ و آن گاه که نزد شما آمدند، گفتند: «ایمان آوردیم.» حال آن که با کفر آمدند و با کفر بیرون رفتند. و خداوند به آن چه آنان پنهان می‌کردند، داناتر است.

٦٢ و بسیاری از آنان را می‌بینی که در گناه و ستم و خوردن مال حرام شتاب می‌کنند. به راستی آن چه می‌کنند، بد باشد.

٦٣ چرا خداپرستان و دانشمندان، آنان را از گفتارِ گناه آلودشان و حرام خواریشان باز نمی‌دارند؟ به راستی آن چه می‌کنند، بد باشد.

٦٤ و یهودیان گفتند: «دست خداوند بسته است.» بسته باد دست‌هایشان! و به دلیل آن چه گفتند، لعنت بر آنان باد! [نه] بلکه دستان خداوند باز است. هر گونه خواهد، می‌بخشد. و به راستی آن چه از پروردگارت بر تو فرو فرستاده شد، بر سرکشی و کفر بسیاری از آنان می‌افزاید. و ما میان آنان تا روز قیامت دشمنی و کینه افکندیم. و هر گاه آنان برای جنگ آتشی برافروختند، خداوند آن را خاموش ساخت و [آنان] در روی زمین به فساد می‌کوشند. و خداوند فسادکاران را دوست ندارد.

٦٥ و اگر اهل کتاب ایمان می‌آوردند و پرهیزکاری می‌کردند، بی‌تردید ما گناهان آنان را می‌پوشاندیم و بی‌تردید آنان را به باغ‌های پر نعمت داخل می‌ساختیم.

٦٦ و اگر آنان «تورات» و «انجیل» و آن چه را که از سوی پروردگارشان بر آنان فرو فرستاده شد، بر پا می‌داشتند، بی‌تردید از نعمت از بالای سرشان و از زیر پایشان [و از همه طرف] برخوردار می‌شدند. از آنان گروهی میانه‌رو هستند و بسیاری از آنان آن چه انجام می‌دهند، بد باشد.

٦٧ ای پیامبر، آن چه را که از سوی پروردگارت بر تو فرو فرستاده شده است، ابلاغ کن. و اگر نکنی، پس رسالت او را نرسانده‌ای. و خداوند تو را از [آزار] مردم نگه می‌دارد. بی‌تردید خداوند گروه کافران را هدایت نمی‌کند.

٦٨ بگو: «ای اهل کتاب، شما بر چیزی نیستید، تا این که «تورات» و «انجیل» و آن چه را که از سوی پروردگارتان بر شما فرو فرستاده شده است، بپا دارید.» و البته آن چه از سوی پروردگارت بر تو فرو فرستاده شده است، بر سرکشی و کفرِ عدّۀ بسیاری از آنان می‌افزاید. و تو بر گروه کافران اندوهگین مباش.

٦٩ به راستی آنان که ایمان آوردند و آنان که یهودی شدند و [نیز] «صابئان» و «نصرانیان»، هر کس به خداوند و روز رستاخیز ایمان آورد و نیکوکاری کند، پس بر آنان ترسی نیست و آنان اندوهگین نشوند.

٧٠ بی‌گمان ما از «بنی‌اسرائیل» پیمان گرفتیم و به سوی آنان پیامبرانی فرستادیم. هر زمان که پیامبری برای آنان چیزی آورْد که وجودشان را خوش نمی‌آمد، گروهی را تکذیب کردند و عدّه‌ای را کشتند.

٧١ و گمان بردند که آزمونی نخواهد بود. پس کور و کر شدند. سپس خداوند توبهٔ آنان را پذیرفت. باز هم بسیاری از آنان کور و کر شدند. و خداوند به آن چه می‌کنند، بیناست.

٧٢ بی‌تردید آنان که گفتند: «به راستی خداوند، همان «مسیح» پسر «مریم» است.» کافر شدند. و «مسیح» گفت: «ای «بنی‌اسرائیل»، خداوند را بپرستید، که پروردگار من و پروردگار شماست. زیرا هر کس به خداوند شرک آورد، پس بی‌تردید خداوند بهشت را بر او حرام ساخته است و جای او آتش است و ستمگران را یاوری نباشد.»

٧٣ بی‌تردید آنان که گفتند: «به راستی خداوند سومینِ سه تاست.» کافر شدند و هیچ معبودی جز معبود یگانه نیست. و اگر از آن چه می‌گویند، باز نایستند، البته کسانی از آنان که کافر شدند، برایشان عذابی دردناک رسد.

٧٤ آیا به سوی خداوند باز نمی‌گردند و توبه نمی‌کنند و آمرزش نمی‌خواهند؟ و خداوند آمرزگار مهربان است.

٧٥ «مسیح» پسر «مریم» جز یک پیامبر نیست. به راستی پیش از او پیامبرانی گذشتند (آمدند و رفتند). و مادرش بسیار راستگو بود. هر دو غذا می‌خوردند. نگاه کن که ما چگونه آیات را برای آنان بیان می‌کنیم. سپس نگاه کن که چگونه فریب می‌خورند و [از حق] رویْ گردان می‌شوند.

٧٦ بگو: «آیا غیر از خداوند، چیزی را می‌پرستید، که برایتان نه توانایی و اقتداری بر زیانی دارد و نه توانایی و اقتداری بر سودی دارد؟» و خداوند است که شنوای داناست.

٧٧ بگو: «ای اهل کتاب، در دین خویش به ناحق غلو مکنید [و از حدود الهی در نگذرید] و از هوس‌های کسانی که پیش از این گمراه شدند و بسیاری را، هم گمراه کردند و [خود] از راه راست گمراه شدند، پیروی مکنید.»

٧٨ کسانی از «بنی اسرائیل» که کافر شدند، بر زبان «داود» و «عیسی» پسر «مریم» لعنت شدند. این به آن دلیل بود که سرکشی کردند و از حد تجاوز می‌نمودند.

٧٩ [آنان] یکدیگر را از کردار زشتی که انجام می‌دادند، باز نمی‌داشتند. آن چه می‌کردند، به راستی بد بود.

٨٠ بسیاری از آنان را می‌بینی که کسانی را که کافر شدند، دوست می‌گیرند. آن چه وجودشان (نَفْسشان) برای آنان پیش فرستاده است، به راستی بد باشد. برای این که خداوند بر آنان خشم گرفت و آنان در عذاب، جاودانه‌اند.

٨١ و اگر به خداوند و پیامبر و آن چه بر او فرو فرستاده شده است، ایمان می‌آوردند، آنان را دوست نمی‌گرفتند. و لیکن بسیاری از آنان نافرمان و تبهکارند.

٨٢ بی تردید تو «یهودیان» را و آنان را که شرک آوردند، سخت[دل]ترین مردم در دشمنی با کسانی که ایمان آوردند، خواهی یافت. و کسانی که گفتند: «ما نصرانیان هستیم»، آنان را در دوستی با مؤمنان از همه نزدیک‌تر خواهی یافت. این به آن دلیل است که در میانشان کشیشان و راهبان هستند و این که آنان کبر نمی‌ورزند.

۸۳ و آن گاه که آن چه را که بر پیامبر فرو فرستاده شده است، بشنوند، چشمانشان را لبریز از اشک می‌بینی؛ به خاطر آن چه از حق دریافته‌اند. می‌گویند: «پروردگارا، ایمان آوردیم. پس ما را با گواهان بنویس.

۸٤ و برای چه به خداوند و آن چه از حق بر ما آمد، ایمان نیاوریم؟ حال آن که امیدِ آن داریم که پروردگارمان ما را با گروهِ نیکوکاران [به بهشت] داخل سازد.»

۸۵ پس خداوند به خاطر آن چه گفتند، باغ‌هایی پاداششان داد که از زیر آن‌ها جویبارها جاریست. در آن جاودانه‌اند و این پاداش نیکوکاران باشد.

۸٦ و آنان که کافر شدند و آیات ما را دروغ پنداشتند، آنان یاران دوزخ باشند.

۸۷ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پاکیزه‌هایی را که خداوند برایتان حلال کرده است، حرام نسازید و [از حدود الهی] تجاوز مکنید. بی‌تردید خداوند متجاوزان را دوست ندارد.

۸۸ و از آن چه خداوند از حلال و پاکیزه‌ها روزیِ شما قرار داده است، بخورید. و از خداوند بیمناک باشید، خدایی که شما به او ایمان آورده‌اید.

۸۹ خداوند شما را به سوگندهای بیهوده‌تان بازخواست نکند. و لیکن شما را به سوگندهای سنجیده‌ای که با قصد و نیت ادا کرده‌اید، بازخواست نماید. پس کفّارهٔ [گناه] آن خوراک دادن به دَه بینواست. از خوراکی میانه و معمول که به خانوادهٔ خود می‌خورانید، یا پوشاندن آنان، یا آزاد کردن بنده‌ای است. پس هر کس نیابد، سه روز روزه بگیرد. این کفّارهٔ سوگندهای شماست، چون سوگند یاد کرده‌اید. و سوگندهای خود را حفظ کنید. خداوند این چنین آیات خود را برای شما بیان می‌کند. شاید سپاسگزار شوید.

۹۰ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بی‌تردید «مِی» و «قمار» و بتان [و سنگ‌هایی که برای قربانی نصب شده] و تیرهای قرعه، ناپاک و از کردار شیطان است. پس، از آن دوری گزینید، شاید رستگار شوید.

۹۱ جز این نیست که شیطان می‌خواهد در «مِی» [خواری] و «قمار» [بازی]، میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خداوند و از نماز باز دارد. پس آیا شما [از این کارها] دست بر می‌دارید؟

۹۲ و از خداوند فرمانبرداری کنید و از پیامبر اطاعت کنید و [از نافرمانی] بپرهیزید. و اگر رویْ گردان شدید، پس آگاه باشید که بر پیامبرِ ما فقط رساندنِ [پیامِ] آشکار است [و بس].

۹۳ بر کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای نیکو کرده‌اند، گناهی نیست در آن چه خورده‌اند، آن گاه که پرهیزکاری کنند و ایمان آورند و نیکوکاری کنند. سپس [باز هم] پرهیزکاری کنند و ایمان آورند. سپس [باز هم] پرهیزکاری کنند و کارهای نیکو کنند. و خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد.

۹٤ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خداوند شما را به چیزی از شکار بیازماید، که دستان و نیزه‌های شما به آن می‌رسد. تا این که خداوند کسی را که در نهان از او بیمناک است، بشناساند. و پس از آن هر کس تجاوزگری کند، بر او عذابی دردناک خواهد بود.

۹۵ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در حالی‌که [برای حج]، اِحرام دارید، شکار را نکشید. پس اگر کسی از شما از روی عمد آن را بکشد، جزایش [قربانی کردنِ] یک حیوان حلال گوشت از چهارپایان، همانند آن حیوان است که کشته است. و دو گواهِ عادل از شما به آن حکم دهند. آن قربانی باید به [پیشگاهِ] کعبه برسد. یا کفّارهٔ آن خوراک دادن به مستمندان باشد، یا برابر آن روزه گرفتن، تا کیفرِ کارش را بچشد. خداوند آن چه را که گذشته است، عفو کرد و هر کس [به این کار] بازگردد، خداوند از او انتقام خواهد گرفت. و خداوند عزیز انتقام گیرنده است.

۹٦ بر شما شکار دریایی و خوردن آن حلال شده است، که برای شما و رهگذران بهره‌ای باشد. و تا زمانی که در اِحرام هستید، شکارِ بیابانی بر شما حرام است. و از خداوند بیمناک باشید، که به سوی او برانگیخته می‌شوید.

۹۷ خداوند برای پایداریِ مردم، «کعبه» را «بیت‌الحرام» قرار داده است. و ماه حرام را و قربانی و دام‌های گردنبند بسته را [قرار داد]. این برای آنست که بدانید خداوند آن چه را که در آسمان‌ها و آن چه را که در زمین است، می‌داند؛ و این که خداوند به هر چیزی داناست.

۹۸ بدانید که خداوند سخت کیفر است و این که خداوند آمرزگار مهربان است.

۹۹ بر پیامبر [وظیفه‌ای] نیست، مگر رساندن پیغام. و خداوند آن چه را که آشکار می‌کنید و آن چه را که نهان می‌دارید، می‌داند.

۱۰۰ بگو: پلید و پاک یکسان نیستند. هر چند که بسیاریِ پلید تو را به شگفت آورد. پس ای خردمندان، از خداوند بیمناک باشید. شاید رستگار شوید.

۱۰۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از چیزهایی نپرسید، که چون بر شما آشکار گردد، شما را به رنج اندازد. و اگر هنگامی که «قرآن» نازل می‌شود، دربارهٔ آن‌ها بپرسید، برایتان آشکار گردد. خداوند درباره آن‌ها [شما را] بخشوده است. و خداوند آمرزگار شکیباست.

۱۰۲ بی‌گمان پیش از شما قومی از آن‌ها پرسیدند. سپس به آن‌ها کافر شدند.

۱۰۳ خداوند [نه] «بَحِیْره» و نه «سائِبه» و نه «وَصیله» و نه «حام» قرار نداده [و به آن‌ها امر نکرده] است و لیکن آنان که کافر شدند، بر خداوند [این سخنان را به] افترا و دروغ می‌بندند و بیش‌ترِ آنان در نمی‌یابند.

۱۰٤ و آن گاه که به آنان گفته شود: «به سوی آن چه خداوند فرو فرستاده است و به
سوی پیامبر بیایید.» گویند: «برای ما آن چه پدرانمان را بر آن‌ها یافتیم، بسنده است
(کفایت می‌کند).» آیا هر چند که پدرانشان چیزی نمی‌دانستند و هدایت نشده
بودند؟
۱۰٥ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، [پاسداریِ] نَفْستان بر شماست. اگر هدایت یافتید، آن
کس که گمراه شد، به شما زیانی نرساند. بازگشتِ همگی شما به سوی خداوند
است. پس شما را به آن چه انجام می‌دادید، آگاه می‌سازد.
۱۰٦ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آن گاه که مرگ یکی از شما فرا رسد، در هنگام
وصیت، دو گواه عادل از میان خود برگزینید. یا اگر در سفر باشید و مصیبت مرگ
شما فرا رسد، دو تنِ دیگر از غیرِ خودتان را گواه بگیرید. اگر در مورد آن دو شاهد
شک دارید، آن دو تن را نگه دارید، تا پس از نماز به خداوند سوگند یاد کنند که:
«ما گواهیِ خود را به هیچ بهایی نمی‌فروشیم - هرچند که از بستگان نزدیک باشد-
و ما شهادت خداوند را پنهان نمی‌داریم. زیرا آن گاه بی‌تردید ما از گناهکاران
خواهیم بود.»
۱۰۷ و اگر اطلاع یافته شد که آن دو تن مرتکب گناه شده‌اند، دو تن دیگر جانشینِ آن
دو خواهند شد، از میان کسانی که دو گواهِ قبلی به آنان ستم کردند. و به خدا
سوگند یاد کنند که: «گواهیِ ما درست‌تر از گواهیِ هر دوی آنان است و از حدّ
راستی تجاوز نکرده‌ایم، که اگر چنین کنیم، بی‌تردید از ستمگران خواهیم بود.»
۱۰۸ این نزدیک‌تر است به این که گواهی بر راه شایسته انجام شود، یا بترسند از این که
سوگندهایی پس از سوگندهای آنان ادا شود [در رد سوگندهایشان]. و تقوای الهی
پیشه کنید و [این سخنان را] بشنوید. و خداوند قوم نافرمانانِ تبهکار را هدایت نکند.

۱۰۹ روزی که خداوند پیامبران را گرد هم آوَرَد، پس گوید: «چه پاسخ شنیدید؟» گویند: «ما را دانشی نیست. بی‌تردید تو خود دانای نهان‌هایی.»

۱۱۰ آن گاه که خداوند گفت: ای «عیسی» پسر «مریم»، نعمت مرا برخودت و بر مادرت به یاد آور، آن گاه که تو را به «روح القدس» تأیید و حمایت کردم، که در گهواره به سانِ بزرگسالان با مردم سخن می‌گفتی. و آن گاه که به تو «کتاب» و حکمت و «تورات» و «انجیل» آموختم. و آن گاه که از گِل، به فرمان من شکل پرنده‌ای می‌ساختی، پس در آن [گِل] می‌دمیدی و به فرمان من پرنده‌ای [جان‌دار] می‌شد. و کور مادرزاد و مبتلا به «پیس» را به فرمان من شفا می‌دادی و آن گاه که مردگان را به فرمان من بیرون می‌آوردی (زنده می‌کردی) و آن گاه که «بنی‌اسرائیل» را از [آزار دادنِ] تو باز داشتم، آن گاه که دلایل روشن و معجزاتی برای آنان آوردی. پس کسانی از آنان که کفر ورزیدند، گفتند: «این [چیزی] نیست جز جادویی آشکار.»

۱۱۱ و زمانی که به «حواریون» وحی کردم که به من و به پیامبرم ایمان آورید. گفتند: «ایمان آوردیم و تو شاهد باش به این که ما مسلمان (تسلیم امر خداوند) هستیم.»

۱۱۲ آن گاه که «حواریون» گفتند: «ای «عیسی» پسر «مریم»، آیا پروردگار تو می‌تواند مائده‌ای از آسمان برای ما فرو فرستد؟» [«عیسی»] گفت: «اگر مؤمن هستید، در برابر خداوند تقوا پیشه کنید.»

۱۱۳ [«حواریون»] گفتند: «می‌خواهیم از آن بخوریم و دل‌هایمان آرامش گیرد و بدانیم که بی‌تردید تو به ما راست گفته‌ای و بر آن از گواهان باشیم.»

۱۱٤ «عیسی» پسر «مریم» گفت: «بار خدایا، پروردگارا، برای ما از آسمان مائده‌ای فرو فرست که برای ما، برای نخستینِ ما و آخرینِ ما عید و نشانه‌ای از تو باشد. و ما را روزی بده و تو نیکوترین روزی دهندگانی.»

۱۱۵ خداوند گفت: «بی‌تردید من فرو فرستندهٔ آن بر شما هستم. و پس از آن، هر کس از شما کافر شود، عذابش کنم، به عذابی که هیچ یک از جهانیان را [آن طور عذاب] نکرده باشم.»

۱۱٦ و آن گاه که خداوند گفت: «ای «عیسی» پسر «مریم»، آیا تو به مردم گفتی مرا و مادر مرا دو معبود جز از خداوند بگیرید؟»؛ [«عیسی»] گفت: «تو پاک و منزّهی. مرا سزاوار نیست که آن چه را که حق من نیست، بگویم. اگر آن را گفته بودم، بی‌تردید تو می‌دانستی. تو هر چه در نَفْس من است، می‌دانی و من آن چه در وجود تو هست، نمی‌دانم. بی‌تردید دانای نهان‌ها تویی.

۱۱۷ من («عیسی») به آنان [سخنی] نگفتم جز آن چه مرا به آن امر کردی، که «خداوند را پرستش کنید، که پروردگار من و پروردگار شما است.» و تا زمانی‌که میانِ آنان بودم، بر آنان گواه بودم و چون مرا برگرفتی، تو بر آنان نگهبان و مراقب بودی. و تو بر همه چیز گواه هستی.

۱۱۸ اگر آنان را عذاب کنی، آنان بندگان تو هستند. و اگر آنان را بیامرزی، پس بی‌تردید تو خود عزیز حکیم هستی.»

۱۱۹ خداوند گفت: «این روزی است که راستگویان را راستیشان سود برساند.» برای آنان باغ‌هایی است که از زیر آن‌ها جویبارها جاریست. در آن تا ابد جاودانه‌اند. خداوند از آنان خوشنود است و آنان از او (خداوند) خوشنودند. این است رستگاری عظیم.

۱۲۰ فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آن چه در آن‌هاست، از آنِ خداوند است. و او بر هر چیزی تواناست.

مکّی

سورهٔ انعام (چهار پایان)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ حمد و سپاس خداوندی راست که آسمان‌ها و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و روشنی را برقرار ساخت. آن گاه کسانی به پروردگارشان کافر شده‌اند و شرک می‌ورزند.

۲ او کسی است که شما را از گِل آفرید. سپس سرآمدی (اجلی) را معین کرد. سرآمدی که نزد او معلوم است. سپس شما تردید می‌کنید.

۳ و اوست «اللّٰه» (یگانه معبود) در آسمان‌ها و زمین. پیدای شما و پنهان شما را می‌داند و آن چه را که به دست می‌آورید (دستاوردتان را) می‌داند.

٤ و هیچ آیه‌ای از آیه‌های پروردگارشان برای آنان نیامد، مگر این که از آن روی‌گردان بودند.

۵ پس بی‌گمان چون حق برایشان آمد، آن را تکذیب کردند. پس به زودی اخبار آن چه مسخره می‌کردند، به آنان خواهد رسید.

٦ آیا ندیده‌اند که چه بسیار قوم‌هایی را پیش از آنان هلاک کردیم، که در زمین جا و مکنتشان داده بودیم –جا و مکنتی که به شما نداده‌ایم– و از آسمان پیاپی بر آنان باران (رحمت و برکت) فرستادیم و جویبارهایی از زیر [پای] آنان جاری ساختیم. پس آنان را به دلیل گناهانشان هلاک کردیم. و در پی آنان گروهی دیگر برانگیختیم (بیافریدیم).

۷ و اگر ما بر تو نوشته‌ای در کاغذ فرو می‌فرستادیم که آن را به دست‌هایشان لمس می‌کردند، بی‌تردید آنان که کافر شدند، می‌گفتند: «بی‌گمان این نیست، مگر جادویی آشکار!»

۸ و گفتند: «چرا فرشته‌ای بر او فرو فرستاده نشد؟» و اگر فرشته‌ای فرو می‌فرستادیم، بی‌گمان کار تمام می‌شد. آن گاه به آنان مهلت داده نمی‌شد.

۹ و اگر او (رسول خود) را فرشته قرار می‌دادیم، البته او را به شکل مردی در می‌آوردیم و بی‌تردید آن چه را که می‌پوشند، بر آنان می‌پوشاندیم.

۱۰ و بی‌تردید پیامبرانی پیش از تو مورد تمسخر قرار گرفتند. پس همان چیزی که آن را مسخره می‌کردند (عذاب)، کسانی از آنان را که مسخره می‌کردند، فرا گرفت.

۱۱ بگو: «در زمین سفر کنید. آن گاه بنگرید که سرانجام تکذیب کنندگان (کسانی که حق را نپذیرفتند) چگونه بود.»

۱۲ بگو: «آن چه در آسمان‌ها و زمین است، از آنِ کیست؟» بگو: «از آنِ خداوند است که بر وجود خویش رحمت را مقرّر داشته است. تا در روز قیامت –که در آن تردیدی نیست– شما را گرد آورد.» آنان که به نَفْسِ خویش، زیان رساندند، آنان ایمان نمی‌آورند.

۱۳ و آن چه در شب و روز آرام و قرار می‌گیرد، از آنِ او باشد. و او شنوای داناست.

١٤ بگو: «آیا جز خداوند که آفریدگار آسمان‌ها و زمین است و روزی می‌بخشد و روزی نمی‌گیرد، دوست و سرپرستی برگزینم؟» بگو: «به راستی مأمور شدم تا نخستین کسی باشم که «اسلام» آورْد (تسلیم فرامین خداوند شد.)» و تو از مشرکان نباش.

۱۵ بگو: «بی‌تردید من اگر به پروردگارم عصیان کنم، از عذاب روز عظیم بیمناکم.»

١٦ در آن روز هر کس [عذاب]، از او گردانده شود، پس بی‌گمان خداوند به او رحم کرده است. و این است رستگاریِ آشکار.

۱۷ و اگر خداوند به تو رنجی برساند، پس جز او هیچ کس بازدارندهٔ آن نیست و اگر به تو خیری برساند، پس او بر همه چیز تواناست.

۱۸ و او بسیار تواناست، برتر از [همهٔ] بندگان خویش. و او حکیم آگاه است.

۱۹ بگو: «چه چیز در گواهی [دادن] بزرگ‌تر است؟» بگو: «خداوند! که میان من و شما گواه است و این «قرآن» بر من وحی شده است، تا شما را و هر کس را که [این «قرآن»] به او برسد، به وسیلهٔ آن بیم دهم. آیا شما به راستی گواهی می‌دهید که معبودهای دیگری با خداوند هستند؟» بگو: «من که شهادت نمی‌دهم.» بگو: «به راستی تنها او معبود یگانه است و به راستی من از آن چه شما [با خداوند] شریک می‌گیرید، بیزارم.»

۲۰ کسانی که به آنان «کتاب» دادیم، او را می‌شناسند. همان گونه که پسران خود را می‌شناسند. آنان که به [نَفْسِ] خویش زیان رساندند، آنان ایمان نمی‌آورند.

۲۱ و کیست ستمکارتر از آن کس که به خداوند دروغ بست و یا آیات او را دروغ پنداشت. بی‌تردید ستمکاران رستگار نمی‌شوند.

۲۲ و روزی که ما جملگی را برانگیزیم، پس به آنان که شرک آوردند، بگوییم: «شریکان شما که به آنان گمان [شراکت در کار خدا را] داشتید، کجا هستند؟»

۲۳ آن گاه فتنه و عذرشان جز این نباشد که گویند: «سوگند به خداوند که پروردگار ماست، ما مشرک نبودیم.»

۲٤ نگاه کن که چگونه بر خود دروغ می‌بندند! و آن چه دروغ می‌بستند، از آنان گم شود.

۲۵ و از آنان کسی باشد که به [سخنانِ] تو گوش می‌دهد و ما بر دل‌های آنان پرده‌هایی گذاشته‌ایم، تا آن [سخنان] را نفهمند. و در گوش‌هایشان سنگینی نهادیم. و اگر هر آیه‌ای را ببینند، به آن ایمان نمی‌آورند. تا جایی که نزد تو می‌آیند و با تو کشمکش می‌کنند. آنان که کافر شدند، می‌گویند: «این [«قرآن»] چیزی جز افسانهٔ پیشینیان نیست.»

۲٦ و آنان [مردم را] از آن (سخنان خداوند) باز می‌دارند و خویشتن از آن دور می‌شوند. و جز خود را هلاک نمی‌سازند و درک نمی‌کنند.

۲۷ و اگر آنان را زمانی که کنار آتش [دوزخ] نگه‌شان داشته‌اند، ببینی، گویند: «کاش ما بازگردانده می‌شدیم و دیگر آیات پروردگارمان را دروغ نمی‌پنداشتیم و از ایمان آورندگان می‌شدیم.»

۲۸ [نه] بلکه آن چه از پیش، از آنان پنهان بود، برای آنان آشکار شد و اگر [به دنیا] بازگردانده می‌شدند، بی‌تردید [باز هم] به آن چه از آن پرهیز داده شده بودند، برمی‌گشتند و بی‌تردید آنان دروغ گویانند.

۲۹ و گفتند: «به راستی غیر از این زندگیِ ما در دنیا [هیچ زندگیِ دیگری] نیست و ما برانگیخته نخواهیم شد.»

۳۰ و اگر آنان را آن گاه که نزد پروردگارشان نگهشان داشته‌اند، بنگری، [خداوند] گوید: «آیا این (رستاخیز) حق نیست؟» گویند: «آری. و به پروردگارمان سوگند [که حق است].» [خداوند] گوید: «پس به دلیل آن چه کفر می‌ورزیدید، عذاب را بچشید.»

۳۱ بی‌گمان آنان که دیدار خداوند را دروغ پنداشتند، زیانکار شدند. تا آن گاه که قیامت ناگهان برای آنان آید. [در آن هنگام] گویند: «افسوس بر ما (دریغ بر ما) به سبب آن چه [در دنیا] کوتاهی کردیم!» و آنان بارهای [گناهانِ] خویش را بر پشت‌های خویش می‌کشند. بدانید که آن چه [بر پشت] بر می‌دارند، بد است.

۳۲ و زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست. و البته برای آنان که پرهیزکاری کنند، سرای آخرت نیکوتر است. آیا اندیشه و درک نمی‌کنید؟

۳۳ به راستی می‌دانیم که آن چه آنان به تو می‌گویند، تو را اندوهگین می‌سازد. و بی‌گمان آنان تو را تکذیب نمی‌کنند. و لیکن ستمگران آیات خداوند را انکار می‌کنند.

۳٤ و بی‌تردید پیامبرانی هم پیش از تو تکذیب شدند. پس بر آن چه تکذیب شدند و بر آن چه آزار دیدند، شکیبایی کردند، تا این که یاریِ ما به آنان رسید. و برای سخنان خداوند دگرگون‌ْگری (تبدیل کننده‌ای) نیست. و بی‌تردید بر تو از خبر فرستادگان (پیامبران گذشته) آمد.

۳۵ و اگر روی‌ْگردانیِ آنان بر تو گران آمده، پس اگر می‌توانی، سوراخی در زمین یا نردبانی در آسمان جستجو کن و برای آنان نشانه‌ای بیاور. و اگر خداوند می‌خواست، بی‌تردید آنان را به هدایت، گردِ هم می‌آورد. پس تو از نادانان مباش.

٣٦ جز این نیست که [این سخنان را] کسانی از تو می‌پذیرند که می‌شنوند. و [امّا] مردگان، خداوند آنان را برمی‌انگیزد. آن گاه به سوی او بازگردانده می‌شوند.

٣٧ و گفتند: «چرا بر او نشانه‌ای از سوی پروردگارش فرو فرستاده نشده؟» بگو: «بی‌گمان خداوند قادر است نشانه‌ای فرو فرستد.» و لیکن بیش‌ترشان نمی‌دانند.

٣٨ و در زمین هیچ جنبنده‌ای نیست و نه پرنده‌ای که با دو بالش بپرد، مگر این که امّت‌هایی مانند شما هستند. در «کتاب» چیزی را فرو نگذاشته‌ایم. سپس [همگی] به سوی پروردگارشان برانگیخته می‌شوند.

٣٩ و آنان که آیات ما را دروغ پنداشتند [به سانِ] کران و گنگان در تاریکی‌ها باشند. خداوند هر کس را بخواهد، گمراه می‌کند و هر کس را بخواهد، بر راه راست قرار می‌دهد.

٤٠ بگو: «خبر دهید مرا، اگر عذاب خداوند بر شما آید، یا قیامت بر شما رسد، آیا جز خداوند را خواهید خواند، اگر راستگویانید؟»

٤١ [نه] بلکه تنها او را خواهید خواند. و اگر بخواهد، آن چه را که به خاطر آن او را می‌خوانید، از شما بر می‌دارد و شما آن چه را که شرک می‌ورزید، فراموش می‌کنید.

٤٢ و بی‌گمان [پیامبرانی] به سوی ملّت‌هایی پیش از تو فرستادیم و آنان را به پریشانی و رنجوری گرفتیم، شاید [ایمان آورند و] به زاری درآیند.

٤٣ پس چرا آن گاه که عذاب ما به آنان رسید، زاری نکردند؟ و لیکن دل‌هایشان سخت شد و شیطان آن چه را که می‌کردند، برای آنان بیاراست.

٤٤ پس چون آن چه را که به آن پند داده شده بودند، فراموش کردند، درهای همه چیز را بر آنان گشودیم، تا این که به آن چه به آنان داده شده بود، شادمان شدند. پس آنان را ناگهان [به عقوبت] گرفتیم. آن گاه در نومیدی فروماندند.

٤٥ پس «پیِ» قومی که ستمگری کردند، بریده شد و حمد و سپاس از آنِ «اللّه»، پروردگار جهانیان باشد.

٤٦ بگو: «خبر دهید مرا، اگر خداوند شنوایی و بیناییِ شما را بگیرد و بر دل‌هایتان مُهر زند، جز خداوند کدام معبود است که آن‌ها را به شما باز دهد؟» بنگر که ما چگونه آیات را به صورت‌های گوناگون بیان می‌داریم. سپس آنان رویْ بر می‌گردانند.

٤٧ بگو: «خبر دهید مرا، اگر عذاب خداوند ناگهانی و یا آشکارا به شما برسد، آیا جز گروه ستمگران هلاک گردند؟»

٤٨ و پیامبران را نمی‌فرستیم، مگر آن که مژده‌بخش و بیم دهنده باشند. پس آن کس که ایمان آورد و [بدی را به نیکی] اصلاح کند، ترسی بر آنان نیست و اندوهگین نشوند.

٤٩ و آنان که آیات ما را دروغ پنداشتند، به سبب آن چه نافرمانی و تبهکاری می‌کردند، به آنان عذاب رسد.

٥٠ بگو: «من به شما نمی‌گویم که گنج‌های خداوند نزد من است. و من غیب را نمی‌دانم. و به شما نمی‌گویم فرشته‌ای هستم. [بلکه] پیروی نمی‌کنم، مگر آن چه را که به من وحی می‌شود.» بگو: «آیا بینا و نابینا یکسانند؟ آیا اندیشه نمی‌کنید؟»

٥١ و تو به آن («قرآن») به کسانی که می‌ترسند از این که به سوی پروردگارشان برانگیخته شوند، هشدار بده که آنان را غیر از او یاوری و شفاعتگری نیست. شاید آنان پرهیزکار شوند.

٥٢ و از خود دور مساز آنان را که بامدادان و شبانگاهان پروردگارِ خویش را می‌خوانند. خواهانِ روی او هستند (رضای او را می‌خواهند). از حساب آنان چیزی بر تو نباشد و از حساب تو چیزی بر آنان نباشد، که آنان را از خود دور سازی و از ستمگران شوی.

٥٣ و این چنین گروهی از آنان را به گروهی دیگر آزمودیم، تا بگویند: «آیا اینان هستند که از میان ما خداوند بر آنان منّت نهاد؟» آیا خداوند به [حالِ] شکرگزاران داناتر نیست؟

٥٤ و آن گاه که کسانی که به آیات ما ایمان دارند نزد تو آیند، پس بگو: «سلام بر شما. پروردگارتان بر خود رحمت را مقرّر کرده است. هر کس از شما به نادانی کار بدی را انجام دهد، آن گاه پس از آن توبه کند و [بدی را به نیکی] اصلاح کند، پس بی‌تردید او (خداوند) آمرزگار مهربان است.»

٥٥ و بدینسان آیات را به تفصیل و روشنی بیان می‌داریم، تا راهِ گناهکاران پدیدار گردد.

٥٦ بگو: «بی‌گمان من نهی شدم از این که کسانی جز خداوند را -که شما می‌خوانید- بپرستم.» بگو: «من از هوس‌های شما پیروی نمی‌کنم. که اگر چنین کنم، بی‌گمان گمراه باشم و از هدایت یافتگان نباشم.»

٥٧ بگو: «بی‌گمان من بر نشانه‌ای روشن از پروردگار خویشم و شما آن را تکذیب کردید. آن چه به آن شتاب می‌کنید، نزد من نیست. حکمی نیست، مگر این که از آنِ خداوند است. حق را [از باطل] جدا و بیان می‌کند و او نیکوترینِ جداگران [حق از باطل] است.»

٥٨ بگو: «اگر آن چه شما به آن شتاب دارید، نزد من بود، البته کار میان من و شما به انجام می‌رسید.» و خداوند به ستمگران داناتر است.

٥٩ و کلیدهای غیب نزد اوست. و جز او کسی آن را نمی‌داند. و آن چه را که در خشکی و دریاست، او می‌داند. و هیچ برگی نمی‌افتد، مگر این که [خداوند] آن را می‌داند. و هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های زمین و هیچ، تری و یا خشکی نیست، مگر این که در «کتابی» روشن است.

٦٠ و او کسی است که [روحِ] شما را شبانگاه [در خواب] برگیرد و آن چه را که در
روز انجام داده‌اید، می‌داند. سپس شما را در آن برمی‌انگیزد، تا مدت معین (اجل
شما) به پایان رسد. آن گاه بازگشت شما به سوی اوست. سپس شما را به آن چه
می‌کردید، آگاه می‌سازد.
٦١ و او بسیار تواناست، برتر از بندگانش. و بر شما نگهبانانی می‌فرستد، تا آن گاه که
یکی از شما را مرگ رسد. فرستادگانمان [روحِ] او را برگیرند و آنان [در انجام
دستور هیچ] کوتاهی نمی‌کنند.
٦٢ سپس به سوی خداوند -مولای راستینشان- بازگردانده می‌شوند. بدان که حکم از
آنِ اوست. و او سریع‌ترینِ حسابگران است.
٦٣ بگو: «چه کسی شما را از تاریکی‌های خشکی و دریا می‌رهاند؟» شما او را به زاری
و نهانی می‌خوانید، که: «اگر ما را از این [اندوه] برهاند، البته از شکرگزاران شویم.»
٦٤ بگو: «خداوند شما را از آن و از هر اندوهی می رهاند. سپس شما شرک می‌ورزید.»
٦٥ بگو: «او تواناست که از فرازتان یا از زیر پاهایتان عذابی بر شما برانگیزد، یا این که
شما را گروه گروه به هم اندازد و رنج و آزار عده‌ای از شما را به عده‌ای دیگر
بچشاند.» بنگر چگونه آیات را به صورت‌های گوناگون بیان می‌کنیم. شاید آنان دریابند.
٦٦ و قوم تو آن را دروغ پنداشتند، حال آن که آن، حق است. بگو: «من بر شما وکیل نیستم.»
٦٧ برای هرخبری قرارگاهی (هنگام و مکان رویدادی) است. و به زودی خواهید دانست.
٦٨ و چون کسانی را ببینی که در آیات ما [از روی خرده گیری و استهزاء] گفتگو
می‌کنند، از آنان روی‌ْبگردان، تا در سخنی غیر از آن گفتگو کنند. و اگر شیطان بر تو
فراموشی افکَنَد. پس، بعد از یادآوری، با قوم ستمگران منشین.

٦٩ و از حساب آنان چیزی بر [عهدهٔ] کسانی که پرهیزکاری می‌کنند، نیست. و لیکن پندی باشد. شاید پرهیزکار شوند.

٧٠ و کسانی را که دین خود را به بازی و سرگرمی گرفتند و زندگی دنیا آنان را فریب داد، رها کن. و به آن («قرآن») پند ده، تا وجودی (نَفْسی) به آن چه کسب کرده است (دستاوردش)، محروم و گرفتارِ هلاکت نشود و برای او جز خداوند [نه] دوست و نه شفاعتگری نیست. و اگر به جای خود هر بدلی (فدیه‌ای) بدهد، از او پذیرفته نشود. آنانند که به سبب آن چه کسب کرده‌اند (دستاوردشان)، محروم و گرفتار هلاکت شوند. به سبب آن چه کفر می‌ورزیدند، برای آنان شرابی از آب جوشان و عذابی دردناک باشد.

٧١ بگو: «آیا جز خداوند چیزی را بخوانیم، که نه ما را سودی دهد و نه زیانمان رساند و بعد از آن که خداوند هدایتمان کرد، به گذشته‌مان بازگردیم؟» –مانند کسی که شیطان‌ها او را [به بیراهه] بردند و در زمین سرگردان شد– او را یارانی هست که به سوی هدایت بخوانندش [گویند]: «به سوی ما بیا.» بگو: «بی‌تردید هدایت خداوند، هدایت است. و به ما امر شده است که تسلیمِ [فرمانِ] پروردگار جهانیان باشیم.»

٧٢ و این که نماز را بپا دارید و از او (خداوند) بیمناک باشید و او کسی است که به سویش برانگیخته می‌شوید.

٧٣ و او کسی است که آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید و روزی که [خداوند] بگوید: «باش!» پس موجود می‌شود. سخن او راست می‌باشد. و فرمانروایی آن روز که در «صور» دمیده شود، از آنِ اوست. او دانای پنهان و پیدا است. و او حکیم آگاه است.

٧٤ و آن گاه که «ابراهیم» به پدرش (عمویش) «آزر» گفت: «آیا بتان را [برای خود] خدایان می‌گیری؟ بی‌تردید من، تو را و قومت را در گمراهی آشکاری می‌بینم.»

٧٥ و بدینسان فرمانروایی و ملکوت آسمان‌ها و زمین را به «ابراهیم» نشان دادیم، و تا از یقین آورندگان باشد.

٧٦ و آن گاه که تاریکیِ شب، او را فرا گرفت، ستاره‌ای را دید. [«ابراهیم»] گفت: «این پروردگار من است.» پس آن گاه که [ستاره] فرو شد (غروب کرد) گفت: «من فروشوندگان (غروب کنندگان) را دوست ندارم.»

٧٧ پس آن گاه که ماه را تابان دید، [«ابراهیم»] گفت: «این پروردگار من است.» پس آن گاه که فرو شد، گفت: «اگر پروردگارِ من، مرا هدایت نکند، بی‌تردید از قوم گمراهان خواهم بود.»

٧٨ پس آن گاه که خورشید را تابان دید، [«ابراهیم»] گفت: «این پروردگار من است. این بزرگ‌تر است.» پس آن گاه که [خورشید] فرو شد، گفت: «ای قوم من، به راستی از آن چه شما شریک [خداوند] قرار می‌دهید، بیزارم.

٧٩ بی‌گمان من روی خود را به سوی کسی برگرداندم که آسمان‌ها و زمین را آفرید. یکتاپرست و حق‌گرا هستم و از مشرکان نیستم.»

٨٠ و قوم او با وی بحث و جدل کردند. [«ابراهیم»] گفت: «آیا با من در مورد خداوند بحث و جدل می‌کنید؟ حال آن که مرا هدایت نمود و من از آن چه شما برایش شریک می‌گیرید (بت‌ها) بیم ندارم، مگر این که پروردگار من چیزی بخواهد. پروردگار من به دانش بر همه چیز احاطه دارد. پس آیا پند نمی‌گیرید؟

٨١ و چگونه از آن چه شما شریک [خداوند] گرفتید، من بترسم؟ حال آن که شما از این که به خداوند شرک آوردید، نمی‌ترسید؛ چیزی که به آن هیچ دلیلی بر شما فرو نفرستاده است. پس –اگر می‌دانید– کدام یک از دو گروه به ایمنی سزاوارتر است؟»

٨٢ کسانی که ایمان آوردند و ایمانشان را به ستمی (شرکی) نپوشاندند، آنانند که ایمنی برایشان باشد. و آنان هدایت یافته‌اند.

٨٣ و آن حجّت ما بود که به «ابراهیم» در برابر قومش دادیم. [ما] درجات آن کس را که بخواهیم، فراز می‌آوریم. بی‌تردید پروردگارت، حکیم داناست.

٨٤ و «اسحاق» و «یعقوب» را به او بخشیدیم. همه را هدایت نمودیم. و پیش از آن «نوح» را هدایت نمودیم. و از فرزندان او، «داود» و «سلیمان» و «ایوب» و «یوسف» و «موسی» و «هارون» را [هدایت نمودیم]. و بدینسان نیکوکاران را پاداش می‌دهیم.

٨٥ و «زکریّا» و «یحیی» و «عیسی» و «الیاس» را که همه از نیکوکاران بودند.

٨٦ و «اسماعیل» و «اَلْیَسَع» و «یونس» و «لوط» را. و همه را بر جهانیان برتری دادیم.

٨٧ و از پدرانشان و فرزندانشان و برادرانشان. و آنان را برگزیدیم و به راهی راست هدایت نمودیم.

٨٨ این هدایت خداوند است. از بندگانش هر که را بخواهد، به آن هدایت می‌کند. و اگر [به خداوند] شرک می‌آوردند، البته آن چه می‌کردند، تباه می‌گردید.

٨٩ آنان کسانی هستند که ما به آنان «کتاب» و حکم و پیامبری دادیم. پس اگر به آن کافر شوند، بی‌تردید قومی را بر آن برگماریم، که به آن کافر نیستند.

٩٠ آنان کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده است. پس، از هدایتشان پیروی کن. [ای «محمّد»] بگو: «من به خاطر این (رسالت و هدایت) هیچ پاداشی از شما نمی‌خواهم. این («قرآن») جز پندی برای جهانیان نباشد.»

٩١ و قدرِ خداوند را آن گونه که شایستهٔ قدرش باشد، نشناختند؛ آن گاه که گفتند: «خداوند چیزی بر هیچ بشری فرو نفرستاده است.» بگو: «چه کسی «کتابی» را فرو فرستاد که «موسی» آورْد و نور و هدایتی برای مردم بود؟ شما آن را به شکل کاغذهایی درمی‌آورید. [بعضی از] آن («تورات») را آشکار و بیان و بسیاری از آن را پنهان می‌دارید. و آن چه شما و پدران شما نمی‌دانستید، به شما آموخته شد.» بگو: «خداوند [«تورات» را بر «موسی» فرستاد]» سپس آنان را در گفتگوهای باطلشان رها ساز، که بازی کنند.

٩٢ و این («قرآن»)، «کتابی» مبارک است که [بر تو] فرو فرستادیم. تصدیق کنندهٔ آن چه است که پیش از آن آمده (کتاب‌های آسمانی پیشین) و برای آنست که [مردمِ] «اُمُّ القُری» را و هر که را که پیرامون آنست، بیم دهی. و آنان که به روز رستاخیز ایمان دارند، به آن هم ایمان می‌آورند و آنان نگهبانِ نماز خویشند.

٩٣ و کیست ستمگرتر از آن کس که بر خداوند دروغی بندد؟ یا آن که گوید: «بر من وحی می‌شود.» حال آن که بر او وحی نمی‌شود. و کسی که گوید: «به زودی من مانند آن چه خداوند فرو فرستاد، فرو می‌فرستم.» و اگر تو بنگری آن گاه که ستمگران در دشواری‌های مرگ فرو رفته‌اند، در حالی که فرشتگان دستان خود را گسترده‌اند که: «جان‌های خویش را بیرون کنید [و بمیرید]! امروز به عذاب خوارساز جزا داده می‌شوید، به دلیل آن چه به ناحق در مورد خداوند می‌گفتید. و شما از آیات او سرکشی می‌کردید.»

٩٤ و به یقین نزد ما تنها آمدید. همان گونه که نخستین مرتبه شما را آفریدیم. حال آن که آن چه به شما داده بودیم، پشت سر خود رها کردید [و به دست فراموشی سپردید]. و با شما شفاعتگرانتان را که گمان می‌بردید در مورد شما شریکان [ما] هستند، نمی‌بینیم. بی‌تردید [الفتِ] میانِ شما، بریده شده و آن چه می‌پنداشتید، از شما گم شده است.

٩٥ بی‌گمان خداوند شکافندهٔ دانه و هسته است. از مرده، زنده بیرون می‌آورد و از زنده، مرده برمی‌آورد. این خدای شماست. پس چگونه فریب می‌خورید و از حق روی برمی‌گردانید؟

٩٦ او شکافندهٔ سپیده دم است. و شب را برای آرامش قرار داد. و خورشید و ماه را برای حساب (تعیین اوقات) قرار داده‌است. این تقدیر آن عزیز داناست.

٩٧ و او کسی است که برای شما ستارگان را قرار داد، تا در تاریکی‌های خشکی و دریا با آن راه یابید. بی‌گمان ما آیات را برای گروهی شرح و تفصیل دادیم (روشن ساختیم) که می‌دانند.

٩٨ و او کسی است که شما را از یک وجود (نَفْس) آفرید. پس شما را قرارگاهی و امانتگاهی باشد. بی‌تردید آیات را برای گروهی که می‌فهمند، به تفصیل [و روشنی] بیان کرده‌ایم.

٩٩ و او کسی است که از آسمان، آبی فرو فرستاد. و همه نوع روییدنی را به آن رویاندیم واز آن گیاهی سبز پدید آورده‌ایم، که از آن دانه[های] انبوه بیرون آوریم و از خرما بن –از شکوفهٔ آن– خوشه‌های نزدیک به هم، و باغ‌هایی از انگور و زیتون و انار، مانند یکدیگر و گوناگون [پروراندیم]. به میوه آن زمانی که بار می‌آورد و می‌رسد، بنگرید. بی‌تردید در آن‌ها نشانه‌هایی است برای قومی که ایمان می‌آورند.

١٠٠ برای خداوند از جن شریکانی قرار دادند، حال آن که خداوند آن‌ها را آفریده است. و از روی بی‌دانشی (نادانی) برایش پسران و دخترانی به هم بافتند. او پاک و برتر است از آن چه آنان وصف می‌کنند.

١٠١ پدید آورندهٔ آسمان‌ها و زمین است. چگونه او را فرزندی باشد، حال آن که همسری ندارد. و همه چیز را آفریده است و او بر همه چیز داناست.

١٠٢ اینست خداوند، پروردگارتان. معبودی جز او نیست. آفرینندهٔ همه چیز است. پس او را بپرستید. و او بر همه چیز وکیل است.

١٠٣ چشم‌ها او را در نیابند [و درک نکنند]. و او چشم‌ها را در می‌یابد. و او لطیف و آگاه است.

١٠٤ بی‌گمان از سوی پروردگارتان برایتان بینش‌هایی (عقلی و علمی) آمد. پس هر کس بینا[ی حقیقت] شد، برای خودش است. و هر کس نابینا گردید، بر [زیانِ] خودش باشد. و من نگهبان شما نیستم.

١٠٥ و این چنین آیات را به صورت‌های گوناگون بیان می‌کنیم، و تا [کافران] گویند: «درس خوانده‌ای»؛ و برای این که آن را برای قومی که می‌دانند، بیان کنیم.

١٠٦ آن چه را که از سوی پروردگارت بر تو وحی شده است، پیروی کن. معبودی جز او نیست. و از مشرکان رویْ بگردان.

١٠٧ و اگر خداوند می‌خواست، [آنان] شرک نمی‌آوردند. و ما تو را بر آنان نگهبان نکردیم و تو وکیل آنان نیستی.

١٠٨ به [معبودانی که] آنان جز خداوند می‌خوانند، دشنام ندهید. مبادا آنان خداوند را از روی دشمنی و بی‌دانشی (نادانی) دشنام دهند. بدینسان برای هر ملّتی کردارشان را بیاراستیم. آن گاه بازگشتشان به سوی پروردگارشان باشد و او به آن چه می‌کردند، آگاهشان سازد.

١٠٩ و به خداوند سوگند یاد کردند –به سخت‌ترین سوگندهاشان– که اگر نشانه‌ای بر آنان بیاید، البته به آن ایمان آورند. بگو: «جز این نیست که آیات نزد خداوند است.» و چه چیز به شما بفهماند که اگر آن (آیات) بیاید، [باز هم] ایمان نیاورند.

١١٠ ما دل‌ها و چشم‌های آنان را واژگون سازیم. همان گونه که نخستین مرتبه هم ایمان نیاوردند. و آنان را رها سازیم، تا در سرکشیِ خود سرگردان مانند.

١١١ و اگر ما فرشتگان را به سوی آنان می‌فرستادیم و مردگان با آنان سخن می‌گفتند و همه چیز را مقابلشان بر می‌انگیختیم، ایمان نمی‌آوردند، مگر این که خدا بخواهد. و لیکن بیش‌ترشان نادانی می‌کنند.

١١٢ و بدینسان برای هر پیامبری دشمنی از شیطان‌های آدمیان و جن قرار دادیم که برای فریب، سخنانِ آراسته‌ای به یکدیگر القاء کنند. و اگر پروردگار تو می‌خواست، چنان نمی‌کردند. پس آنان را و آن چه را که دروغ می‌بندند، رها ساز.

١١٣ و برای این که دل‌های آنان که به آخرت ایمان ندارند، به آن [سخنان] گرایش یابد و برای این که آن را بپسندند و آن چه را (کردار ناپسندی را) انجام دهند که متمایل به انجام آن هستند.

١١٤ آیا جز خداوند داوری بجویم، حال آن که او کسی است که به سوی شما «کتاب» را به تفصیل فرو فرستاد و کسانی که «کتاب» به آنان دادیم، می‌دانند که از سوی پروردگارِ تو، به حق فرو فرستاده شده است و تو از شک کنندگان مباش.

١١٥ و سخن پروردگارِ تو، در راستی و دادگری به اتمام رسید و هیچ دگرگونْگری (مبدّلی) برای کلمات او نیست. و او شنوای داناست.

١١٦ و اگر از بیش‌ترِ آنان که در زمین هستند، فرمان، بری و پیروی کنی، تو را از راه خداوند گمراه سازند. آنان جز از گمان پیروی نمی‌کنند، و جز از [گروهِ] دروغسازان و تخمین زنندگان نباشند.

١١٧ بی‌گمان پروردگار تو، به کسی که از راهش گمراه می‌شود، داناتر است. و به هدایت یافتگان [نیز] داناتر می‌باشد.

١١٨ پس، از آن چه [هنگام سر بریدن و آماده شدن] نام خداوند بر آن یاد شده است، بخورید، اگر به آیات او ایمان آورده‌اید.

١١٩ و شما را چه شده که از آن چه نام خداوند بر آن یاد شده است، نمی‌خورید؟ حال آن که برایتان آن چه را که بر شما حرام کرده، به تفصیل بیان داشته است. مگر چیزهایی که به [خوردنِ] آن ناچار شوید. و بی‌تردید بسیاری از روی بی‌دانشی (نادانی) با هوس‌هایشان [مردم را] گمراه می‌کنند. به راستی پروردگارِ تو، به تجاوزگران داناتر است.

١٢٠ و گناه آشکار و نهان را رها سازید. به راستی آنان که گناه می‌کنند، به زودی به آن چه می‌کردند، جزا داده می‌شوند.

١٢١ و از آن چه نام خداوند بر آن یاد نشده است، مخورید. و به راستی آن نافرمانی [از خداوند] است. بی‌تردید شیطان‌ها پنهانی به گوشِ دوستانِ خود می‌خوانند که با شما بحث و ایراد (مجادله) کنند. و به راستی اگر شما از آنان اطاعت و پیروی کنید، از مشرکان خواهید بود.

١٢٢ آیا آن کس که مرده [دلْ] بود و زنده‌اش کردیم و برایش نوری قرار دادیم که به آن میان مردم راه رود، مانند کسی است که مَثَلِ او، [بودن] در تاریکی‌هاست و از آن بیرون آمدنی نیست؟ بدینسان برای کافران آن چه انجام می‌دادند، آراسته گردید.

١٢٣ و بدینسان در هر شهری بزرگ‌ترین گناهکارانش را قرار دادیم، تا در آن نیرنگ زنند. حال آن که نیرنگ نزنند، جز به خودشان و [این حقیقت را] درک نمی‌کنند.

١٢٤ و هر زمان که برای آنان نشانه‌ای آید، گویند: «هرگز ایمان نمی‌آوریم، تا این که همانند آن چه به پیامبران خداوند داده شده است، به ما هم داده شود.» خداوند داناتر است که رسالت خود را کجا قرار دهد. به زودی برای کسانی که گناه کردند، به سبب آن چه نیرنگ می‌زدند، نزد خداوند به خواری و عذابی شدید گرفتار شوند.

١٢٥ و هر کس را خداوند می‌خواهد هدایت کند، سینه‌اش را برای «اسلام» باز می‌کند. و هر کس را می‌خواهد گمراه کند، سینه‌اش را سختْ تنگ می‌سازد، به طوری که گویی در آسمان بالا می‌رود. بدینسان خداوند ناپاکی را بر کسانی که ایمان نمی‌آورند، قرار می‌دهد.

١٢٦ و این راه پروردگار توست که مستقیم می‌باشد. به راستی آیات را برای گروهی که پند پذیرند، به تفصیل [و روشنی] بیان کرده‌ایم.

١٢٧ برای آنان نزد پروردگارشان سرای سلامت باشد. و به سبب آن چه می‌کردند، او دوست و سرپرست آنان است.

١٢٨ و روزی که همهٔ آنان را برمی‌انگیزد [گوید]: «ای گروه جن، شما از مردمان گروه بسیاری را از خود کردید [و گمراه نمودید].» و دوستان آنان [که] از مردمان [هستند] گویند: «پروردگارا، عدّه‌ای از ما از عدّه‌ای دیگر [در گمراهی] بهره گرفتند و به اجل‌مان (سرآمدمان) که معلوم ساخته بودی، رسیدیم.» [خداوند] گوید: «آتش جایگاه شماست. در آن جاودانه‌اید. مگر آن چه خداوند بخواهد.» به راستی پروردگار تو حکیم داناست.

١٢٩ و بدینسان برخی از ستمگران را به سبب آن چه به دست می‌آوردند (دستاوردشان) دوست و سرپرست برخی دیگر می‌گردانیم.

١٣٠ «ای گروه جن و آدمیان، آیا پیامبرانی از خودِ شما برای شما نیامدند، که آیات مرا بر شما بخوانند و شما را از دیدار این روزتان بیم دهند؟» گویند: «ما خودمان علیه خویش شهادت می‌دهیم»؛ و زندگیِ دنیا آنان را فریب داد و [در روزِ قیامت] خودشان گواهی دهند که کفر می‌ورزیدند.

١٣١ این به خاطر آن است که پروردگارت از روی ستم، ویرانگر شهرها نباشد، در حالی که اهالی آن بی‌خبر باشند.

١٣٢ و برای هر یک درجاتی است از آن چه انجام داده است. و پروردگار تو از آن چه می‌کنند، بی‌خبر نیست.

١٣٣ و پروردگار تو بی‌نیازِ صاحب رحمت است. اگر بخواهد، شما را می‌برد و بعد از شما هر کس را بخواهد، جانشینِ شما می‌کند. همان گونه که شما را از نسل قومی دیگر به وجود آورْد.

١٣٤ بی‌تردید آن چه به شما وعده داده می‌شود، آمدنی است (شدنی است). و شما به عجز آورندگان [خداوند] نیستید (از عذاب خداوند گریزی ندارید).

١٣٥ بگو: «ای قوم من، به اندازهٔ توانایی خود [آن چه می‌خواهید] انجام دهید. بی‌تردید من [هم] انجام دهنده هستم.» پس به زودی بشناسید آن کس را که سرانجامِ نیک (سرای عاقبت) از آنِ او باشد. بی‌تردید ستمگران رستگار نمی‌شوند.

١٣٦ و [مشرکان] برای خداوند از آن چه از کِشت و چهارپایان آفرید، بهره‌ای قرار دادند. آن گاه گفتند: «این از آنِ خداوند است -به پندار خودشان- و این از آنِ شریکان ما باشد.» پس آن چه برای شریکانشان باشد، به خداوند نمی‌رسد و آن چه برای خداوند است، به شریکانشان می‌رسد. آن چه حکم می‌کنند، بد باشد.

١٣٧ و بدینسان برای بسیاری از مشرکان کشتنِ فرزندانشان را شریکانشان بیاراستند، تا آنان را هلاک سازند و دینشان را بر آنان مشتبه کنند. و اگر خداوند می‌خواست، چنین نمی‌کردند. پس آنان را و آن چه را که دروغ می‌بندند، [تو ای «محمّد»] رها ساز.

۱۳۸ و گفتند: «اینست چهارپایان و کشتزاری که حرام است. آن را کسی نخورد، مگر آن کس که ما بخواهیم.» به پندار خودشان. «و چهارپایانی که [سوار شدن بر] پشت آن‌ها حرام شده است.» و چهارپایانی که نام خداوند را بر آن‌ها یاد نکنند. این‌ها دروغ‌هایی بود که بر خداوند می‌بستند. به زودی [خداوند] به خاطر آن چه دروغ می‌بستند، جزایشان دهد.

۱۳۹ و گفتند: «آن چه در شکم‌های این چهارپایان باشد، ویژهٔ مردانِ ماست و بر همسران ما حرام است. و اگر مردار باشد، پس آنان در آن شریکند.» به زودی خداوند سزای وصف کردن آنان را می‌دهد. بی‌تردید او حکیم داناست.

۱٤٠ بی‌تردید کسانی که از روی بی‌دانشی (نادانی)، نابخردانه فرزندان خود را کشتند، زیانکار شدند. و با دروغ بستن بر خداوند، آن چه را که خداوند روزیشان داده بود، حرام کردند. بی‌گمان [آنان] گمراه شدند و هدایت یافته نبودند.

۱٤۱ و او کسی است که باغ‌هایی با داربست و بدون داربست و خرمابُن و کشتزار با میوه‌های گوناگون و زیتون و انار همانند و ناهمانند [یکدیگر] به وجود آورد. از میوهٔ آن هنگامی که بار آورد، بخورید و روزِ دِرو کردنش حق آن را بدهید و زیاده‌روی (اسراف) مکنید، که به راستی او اسرافگران را دوست ندارد.

۱٤۲ و از چهارپایان [تعدادی] بارکش (بلندپا) است و [تعدادی] بارکش نیست [که کوچک باشند]. بخورید از آن چه خداوند روزیتان کرد و از گام‌های شیطان پیروی مکنید. بی‌گمان او برای شما دشمنی آشکار است.

١٤٣ [خداوند آفرید] هشت تا: از گوسفند دو تا و از بز دو تا. [ای «محمّد»] بگو: «آیا دو نر را حرام کرده است، یا دو ماده را، یا آن چه را که رَحِم‌های دو ماده در خود دارند؟ مرا از روی علم آگاه سازید، اگر راستگویانید.»

١٤٤ و از شتر دو تا و از گاو دو تا. بگو: «آیا دو نر را حرام کرد، یا دو ماده را، یا آن چه را که رَحِم‌های آن دو ماده در خود دارند؟ آیا آن گاه که خداوند شما را به این [امر] سفارش (توصیه) کرد، حاضر بودید؟» پس کیست ستمکارتر از آن کس که بر خداوند دروغ بندد، تا مردم را از روی بی‌دانشی (نادانی) گمراه سازد. بی‌گمان خداوند گروه ستمگران را هدایت نمی‌کند.

١٤٥ بگو: «در آن چه به من وحی شده است، در خوردنی‌هایی که خورنده، آن را بخورد، حرامی نمی‌یابم، مگر آن که مردار، یا خون ریخته شده، یا گوشت خوک باشد که بی‌تردید پلید است. یا آن چه از روی نافرمانی از خداوند، هنگام سر بریدن، نام غیر خداوند بر آن برده شده باشد.» پس آن کس که ناچار [به خوردن آن‌ها] شود –نه از روی تمایل به سرپیچی از فرمان، و نه به قصد زیر پا گذاشتن حدود الهی– پس بی‌گمان پروردگار تو آمرزگار مهربان است.

١٤٦ و بر آنان که یهودی شدند، هر جانور ناخنداری را حرام کردیم. و از گاو و گوسفند، پیه آن دو را بر آنان حرام کردیم. مگر آن چه [از پیه] بر پشت آن دو یا به روده‌ها باشد، یا آن چه با استخوانی آمیخته باشد. بدینسان آنان را به ستمگریشان کیفر دادیم و به راستی ما راستگویانیم.

۱٤۷ پس اگر تو را تکذیب کردند، بگو: «پروردگار شما صاحب رحمتی گسترده است و عذاب او از گروه گناهکاران باز گردانده نمی‌شود.»

۱٤۸ به زودی آنان که شرک ورزیدند، خواهند گفت: «اگر خداوند می‌خواست، [نه] ما و نه پدرانمان شرک نمی‌ورزیدیم و چیزی را حرام نمی‌کردیم.» کسانی هم که پیش از آنان بودند، بدینسان [پیامبرانشان و احکام الهی را] تکذیب کردند، تا این که عذاب ما را چشیدند. بگو: «آیا نزد شما دانشی است که آن را برای ما بیرون آورید [و بیان کنید]؟ شما جز از پندار، پیروی نمی‌کنید و شما جز دروغسازان و تخمین زنندگان نیستید.»

۱٤۹ بگو: «گواهِ گویا (حجّت بالغه) از آنِ خداوند است. پس اگر می‌خواست، همهٔ شما را هدایت می‌کرد.»

۱٥۰ بگو: «گواهانِ خود را بیاورید، کسانی که گواهی می‌دهند که خداوند این را حرام کرده است.» و اگر شهادت دادند، تو با آنان گواهی مده و از هوس‌های آنان که آیات ما را دروغ پنداشتند و آنان که به آخرت ایمان ندارند و آنان که به پروردگار خویش شرک می‌ورزند، پیروی مکن.

۱٥۱ بگو: بیایید تا آن چه را که پروردگارتان بر شما حرام کرده است، بخوانم: این که به او به هیچ وجه شرک نیاورید و به پدر و مادر نیکی کنید و از روی تنگدستی فرزندانتان را نکشید. ما شما و آنان را روزی می‌دهیم. و به زشتی‌ها نزدیک نشوید –آن چه پیدا و آن چه پنهان است– وجودی (نَفْسی) را که خداوند [محترم شمرد و کشتن آن را] حرام کرد، نکشید، مگر به حق. اینست آن چه خداوند شما را به آن سفارش (توصیه) کرد. شاید اندیشه و درک کنید.

۱۵۲ و به ثروت یتیم نزدیک نشوید. مگر به شکلی که نیکوتر است. تا این که به سن رشد برسد. و پیمانه و ترازو را به انصاف، تمام بدهید (ادای حق کنید). ما بر هیچ کس جز به اندازهٔ توانایی‌اش تکلیف نکنیم. و آن گاه که سخنی می‌گویید، از روی دادگری بگویید، هر چند خویشاوند باشد. و به عهد خداوند وفا کنید. اینست آن چه شما را به آن سفارش (وصیّت) کرد. شاید یادآور شوید [و پند گیرید].

۱۵۳ و اینست راه راست من. پس، از آن پیروی کنید. و از راه‌های دیگر پیروی مکنید، که شما را از راه او پراکنده سازد. اینست آن چه شما را به آن سفارش (وصیّت) کرد. شاید پرهیزکار شوید.

۱۵٤ آن گاه به «موسی»، «کتاب» دادیم، تا [نعمتِ خداوند را] بر کسی که نیکوکاری کرد، تمام کند و شرح و تفصیل و بیانِ روشنی برای همه چیز و هدایتی و رحمتی باشد. شاید آنان به دیدار پروردگارشان ایمان بیاورند.

۱۵۵ و این («قرآن»)، «کتابی» است مبارک که آن را فرو فرستادیم. پس، از آن پیروی کنید و پرهیزکار باشید، شاید مورد رحمت قرار گیرید.

۱۵٦ تا نگویید: ««کتاب»، تنها بر دو قوم پیش از ما فرود آمد.» و این که: «ما از آموزش آنان غافل بودیم.»

۱۵۷ یا نگویید: «اگر «کتاب» بر ما فرود می‌آمد، بی‌تردید از آنان (یهودیان و نصرانیان) هدایت یافته‌تر بودیم.» و بی‌تردید برای شما از سوی پروردگارتان دلیلی روشن و هدایتی و رحمتی آمد. پس چه کسی ستمکارتر از آن کس است که آیات خداوند را دروغ پندارد و از آن رویْ بگرداند. به زودی کسانی را که از آیات ما رویْ می‌گردانند، با عذابی بد، به سبب این که رویْ گردان می‌شدند، جزا دهیم.

١٥٨ آیا جز این انتظار دارند که فرشتگان نزد آنان آیند، یا پروردگار تو آید، یا برخی از آیات پروردگارت آید؟ آن روز که برخی از آیات پروردگارت آید، ایمان آوردنِ آن کس که پیش از آن، ایمان نیاورده، یا در ایمانش نیکویی و خیری کسب نکرده است، فایده‌ای ندارد. بگو: «در انتظار باشید، که ما هم منتظرانیم.»

١٥٩ بی‌تردید آنان که دین خود را گروه گروه (پراکنده) کردند و به گروه‌هایی گوناگون تقسیم شدند، تو از آنان در چیزی نیستی (تو، به آنان هیچ بستگی نداری). جز این نیست که کارشان با خداوند است. آن گاه آنان را از آن چه می‌کردند، باخبر سازد.

١٦٠ هر کس نیکویی بیاورد، ده برابرِ آن برای او [نیکویی] باشد. و هر کس بدی بیاورد، جز مانندِ آن جزا نبیند و بر آنان ستم نشود.

١٦١ بگو: «به راستی پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرده است، دینی پایدار، آیین «ابراهیم» یکتاپرست حق گرا؛ و او از مشرکان نبود.»

١٦٢ بگو: «به راستی نماز من و عبادت من و زندگی من و مرگ من برای خداوند، پروردگار جهانیان است.

١٦٣ برای او شریکی نیست و من به این امر شده‌ام و من نخستینِ مسلمانان هستم.»

١٦٤ بگو: آیا جز خداوند، معبودی بجویم؟ حال آن که او پروردگارِ همه چیز است. و هیچ وجودی (نَفْسی) چیزی کسب نمی‌کند، مگر بر خودش و هیچ بارْ برداری، بارِ دیگری را برنمی‌دارد. سپس بازگشت شما به سوی پروردگار شماست. آن گاه شما را به آن چه در آن اختلاف می‌کردید، باخبر سازد.

١٦٥ و او کسی است که شما را جانشینانِ زمین قرار داد و برخی از شما را به درجات، برتر از برخی دیگر کرد، تا در آن چه به شما داد، شما را آزمایش کند. بی‌گمان پروردگار تو زود عقوبت است. و بی‌تردید او آمرزگار مهربان است.

مکّی

سورهٔ اعراف (مکان های بلند)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ الف. لام. میم. صاد.

۲ «کتابی» است که به سوی تو فرو فرستاده شد. و نباید در سینه‌ات از آن تنگی باشد. تا به آن بیم دهی و برای مؤمنان پندی باشد.

۳ از آن چه از [سوی] پروردگارتان به سوی شما فرو فرستاده شده است، پیروی کنید و جز از او، از دوستانی پیروی نکنید. آن چه پند می‌گیرید، اندک است.

٤ و چه بسیار شهرهایی که نابود ساختیم. و شب هنگام یا آن گاه که آنان در خوابِ نیمروز بودند، عذاب ما بر آن آمد.

۵ پس آن گاه که عذاب ما بر آنان آمد، سخنشان و ادعایشان جز این نبود که گفتند: «بی‌تردید ما ستمکار بوده‌ایم.»

٦ پس البته از آنان که به سویشان [پیامبرانی] فرستاده شد، خواهیم پرسید. و البته از پیامبران [هم] می‌پرسیم.

۷ پس البته ما با دانش [خود] بر آنان خواهیم خواند (خبر خواهیم داد). و ما [از آنان] غایب [و بی‌خبر] نباشیم.

۸ و سنجشِ کارشان در آن روز (قیامت) حق است. پس هر کس ترازوی [کارهای نیکِ] او سنگین شود، آنان رستگارند.

۹ و آن کس که ترازویش سبک شود، پس آنان کسانی هستند که به دلیل این که به آیات ما ستم کرده‌اند (آیات ما را دروغ پنداشته‌اند) بر نَفْس خویش زیان رسانده‌اند.

۱۰ و به راستی ما شما را در زمین جای [و توانایی] دادیم و برایتان در آن [وسایل زندگی و رزق و] روزی‌هایی قرار دادیم. آن چه شکر و سپاسگزاری می‌کنید، ناچیز باشد.

۱۱ و بی‌گمان ما شما را آفریدیم، آن گاه صورتگریتان کردیم. سپس به فرشتگان گفتیم: ««آدم» را سجده کنید.» پس سجده کردند، جز «ابلیس» که از سجده کنندگان نبود.

۱۲ [خداوند] گفت: «[ای «ابلیس»] آن گاه که تو را دستور دادم، چه چیزی مانع تو [از اجرای فرمان] شد، که [انسان را] سجده نکردی؟» [«ابلیس»] گفت: «من از او بهترم. مرا از آتش آفریدی و او را از خاک آفریدی.»

۱۳ [خداوند] گفت: «پس فرود شو از آن (بهشت)! تو را نشاید که در آن کبر ورزی. پس برون شو. بی‌گمان تو از خوار شدگان هستی.»

۱٤ [«ابلیس»] گفت:«مرا مهلت ببخش. تا روزی که [همه] برانگیخته می‌شوند.»

۱۵ [خداوند] گفت: «بی‌تردید تو از مهلت یافتگان باشی.»

۱٦ [«ابلیس»] گفت: «به خاطر این که مرا گمراه ساختی، بی‌تردید من بر سر راه راستِ تو در کمینِ آنان خواهم نشست.

۱۷ آن گاه از مقابلشان و از پشتشان و از [سوی] راستشان و از [سوی] چپشان به سوی آنان بیایم [تا گمراهشان سازم] و تو بیش‌ترِ آنان را سپاسگزار نخواهی یافت.»

۱۸ [خداوند] گفت: «بیرون شو از آن (بهشت) نکوهیدهٔ رانده شده! و از آنان هر کس از تو پیروی کند، بی‌تردید دوزخ را از همهٔ شما آکنده سازم.»

۱۹ «و ای «آدم»، تو و همسرت در بهشت آرام گیرید و از هر جا که خواهید، بخورید و به این درخت نزدیک مشوید، که در آن صورت از ستمگران خواهید شد.»

۲۰ آن گاه شیطان آن دو را وسوسه کرد، برای این که آن چه از شرمگاه‌هایشان بر خودشان پوشیده بود، برایشان آشکار گرداند و گفت: «پروردگارتان شما دو تن را از این درخت پرهیز نداد، مگر [به خاطر] این که [اگر از آن بخورید] دو فرشته شوید، یا از جاودانان [در این بهشت] باشید.»

۲۱ و بر آن دو سوگند یاد کرد که به راستی من برای شما دو تن، از پندگویان هستم (خیرخواهِ شما هستم).

۲۲ پس آن دو را با فریب [از مقام بلند] سرنگونشان ساخت و آن گاه که از آن درخت چشیدند، شرمگاه‌هایشان بر آنان پدیدار گردید و شروع به پوشاندن خود از برگ‌های بهشت کردند و پروردگارشان ندا داد: «آیا شما دو تن را از این درخت پرهیز ندادم؟ آیا به شما نگفتم که شیطان برای شما دشمنی آشکار است؟»

۲۳ آن دو گفتند: «پروردگارا، ما بر وجود (نَفْس) خویش ستم کردیم و اگر تو ما را
نبخشی و بر ما رحمت نیاوری، بی‌تردید از زیانکاران باشیم.»

۲٤ [خداوند] گفت: «[از مقام خویش] فرو شوید. شما [و شیطان] دشمنِ یکدیگرید. و
شما را در زمین تا زمانی معین قرارگاه و بهره‌مندی باشد.»

۲۵ [خداوند] گفت: «در آن (زمین) زندگی می‌کنید و در آن می‌میرید و از آن بیرون
آورده می‌شوید.»

۲٦ ای فرزندانِ «آدم»، بی‌تردید برای شما لباسی فرو فرستادیم، که شرمگاه‌های شما را
بپوشاند و پیرایه‌ای باشد. و لباس پرهیزکاری، آن بهتر است. این از آیات خداوند
است. شاید پند گیرند.

۲۷ ای فرزندان «آدم»، [هوشیار باشید که] شیطان شما را نفریبد. همان گونه که پدر و
مادرتان را از بهشت بیرون کرد و لباس‌های آن دو را [از پیکر آن دو] برکند، برای
این که شرمگاه‌های آن دو را به آنان نشان دهد. بی‌تردید او و قبیله‌اش از جایی که
شما آن‌ها را نمی‌بینید، شما را می‌بینند. و ما شیطان‌ها را دوستان کسانی که ایمان
نمی‌آورند، قرار دادیم.

۲۸ و هنگامی که کار زشتی انجام دهند، گویند: «پدران خود را بر [انجامِ] آن [کار]
یافتیم و خداوند ما را به آن فرمان داد.» بگو: «بی‌تردید خداوند به کار زشت فرمان
نمی‌دهد. آیا بر خداوند چیزی می‌گویید، که نمی‌دانید؟»

۲۹ بگو: «پروردگار من به دادگری فرمان داد. و این که صورت‌های خویش (تمام توجه
خویش) را در هر پرستشگاه و مسجدی به طور کامل و تنها به سوی او معطوف
دارید و او را با پاکی دل و اخلاص در دین بخوانید، و همان گونه که شما را آفرید،
باز می‌گردید.»

۳۰ گروهی را هدایت کرد. و گروهی، گمراهی بر آنان بسزا و حق است. بی‌تردید آنان
شیطان‌ها را –به جای خداوند– دوستان و سرپرستان [خود] گرفتند. و گمان می‌برند
که هدایت یافته‌اند.

۳۱ ای فرزندان «آدم»، در هر پرستشگاه و مسجدی پیرایه (زینت) خود را برگیرید. و بخورید و بیاشامید و زیاده روی مکنید، که خداوند اسرافگران را دوست نمی‌دارد.

۳۲ بگو: «چه کسی زینت‌های خداوند و پاکیزه‌ها از رزق را که برای بندگانش بیرون آورْد (آفرید) حرام کرده است؟» بگو: «این [نعمت‌ها] برای کسانی است که در زندگی دنیا ایمان آورده‌اند و در روز قیامت ویژهٔ مؤمنان باشد.» بدینسان آیات را برای آنان که می‌دانند، به تفصیل (به روشنی) بیان می‌کنیم.

۳۳ بگو: «جز این نیست که پروردگار من کردارهای زشت (گناهان) را حرام کرد، آن چه از آن پیدا یا پنهان است و گناه و تجاوز به ناحق، و این که به خداوند شرک آورید –چیزی که گواهی بر آن فرو نفرستاده است– و این که بر خداوند چیزی بگویید که نمی‌دانید [همه را حرام کرده است].

۳٤ و برای هر ملّتی مهلتی (اجلی) است. پس آن گاه که مهلت آنان به سر رسد، نه ساعتی تأخیر کنند و نه پیش افتند.

۳۵ ای فرزندانِ «آدم»، اگر پیامبرانی از شما به سوی شما آیند، تا آیات مرا بر شما بخوانند، پس هر کس که پرهیزکار شد و [بدی را به نیکی] اصلاح کرد، نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین گردند.

۳٦ و آنان که آیات ما را دروغ پنداشتند و از [پذیرشِ] آن، گردنکشی (تکبّر) نمودند، آنانْ یارانِ آتش باشند و در آن جاودانه بمانند.

۳۷ پس چه کسی ستمکارتر از آن کس است که به دروغ بر خداوند افترا بندد، یا این که آیات او را تکذیب کند؟ بهرهٔ آنان از «کتاب» به ایشان برسد. تا زمانی که فرستادگان ما نزد آنان بروند که جانشان را بگیرند. [فرشتگان مرگ] گویند: «کجا هستند آن چه شما غیر از خداوند می‌خواندید؟» گویند: «از [دیدگاه] ما گم شدند.» و بر وجود (نَفْس) خویش گواهی دهند که کافر بوده‌اند.

۳۸ گوید: «در ملّت‌هایی از جن و آدمی که پیش از شما گذشتند، در آتش داخل شوید.» هر ملّتی که درون [آتش] شود، همکیش خود را لعنت کند، تا آن گاه که همگی با هم در آن جمع آیند. آخرینشان (پیروان) درباره اوّلینشان (پیشوایان) گویند: «پروردگارا، اینان ما را گمراه کردند. پس تو به آنان از آتش دو چندان عذاب بده.» [خداوند] گوید: «برای همه دو چندان باشد، و لیکن شما نمی‌دانید.»

۳۹ و گذشتگانشان (پیشوایان) به آخرینشان (پیروان) گویند: «شما را بر ما برتری نباشد. پس به سبب آن چه به دست آوردید (دستاوردتان)، عذاب را بچشید.»

٤۰ بی‌تردید آنان که آیات ما را دروغ پنداشتند و از [پذیرشِ] آن گردنکشی نمودند، درهای آسمان بر آنان گشوده نشود و به بهشت داخل نگردند، مگر این که شتر درون سوراخ سوزن رود! (امکان ندارد.) و این چنین گنهکاران را کیفر دهیم.

٤۱ برای آنان از آتش دوزخ بستری گسترده‌اند و بر فرازشان پوشش‌هایی [از آتش] است. و این چنین، ستمکاران را جزا دهیم.

٤۲ و آنان که ایمان آوردند و نیکوکاری کردند –که ما کسی را جز به [اندازهٔ] توانایی‌اش مکلّف نمی‌کنیم– آنان یاران بهشت خواهند بود که در آن جاودانه‌اند.

٤۳ و آن چه از کینه در سینه داشتند، [از وجودشان] بیرون کشیم، در حالی که از زیر [جایگاه جاودانه]شان جویبارها جاری باشد. گویند: «سپاس خدای راست، که ما را به این [نعمت] هدایت کرد و اگر خداوند هدایتمان نمی‌نمود، هدایت نمی‌یافتیم و بی‌تردید پیامبرانِ پروردگار ما به حق آمدند.» و به آنان گفته شود که بهشت از آنِ شما باشد، که به سبب آن چه انجام می‌دادید، آن را میراث برده‌اید.

٤٤ و بهشتیان، دوزخیان را ندا دهند: «ما آن چه را که پروردگارمان وعده داده بود، حق یافتیم. آیا شما [هم] آن چه را که پروردگارتان وعده داده بود، حق یافتید؟» گویند: «آری.» پس ندا دهنده‌ای میان آن دو آوا دهد: «لعنت خداوند بر ستمکاران باد!»

٤٥ آنان که [مردم را] از راه خداوند باز می‌دارند و برای آن نادرستی و کجی می‌جویند و آنان به آخرت ناباورند.

٤٦ و میان آن دو پرده‌ای است و بر بلندی‌ها (اعراف) مردانی باشند که هر یک را [اعم از بهشتی و دوزخی] به سیمایشان بشناسند. و بهشتیان را ندا دهند: «سلام بر شما باد.» آنان به آن (بهشت) داخل نشده‌اند و [حال آن که] آنان امید آن را دارند (آزمند آن هستند).

٤٧ و آن گاه که چشمانشان به دوزخیان گردانیده شود، گویند: «پروردگارا، ما را با گروه ستمکاران قرار مده.»

٤٨ و یارانِ بلندی‌ها (اعراف) مردانی را که به سیمایشان می‌شناسند، ندا دهند و گویند: «گردآوری شما و آن چه کبر می‌ورزیدید، شما را بی‌نیاز نکرد.

٤٩ آیا اینان کسانی هستند که سوگند یاد می‌کردید که خداوند به آنان رحمتی نرساند؟»، «به بهشت داخل شوید، که نه بیمناک شوید و نه اندوهگین گردید.»

٥٠ و دوزخیان، بهشتیان را ندا دهند: «از آب، یا از آن چه خداوند به شما روزی داد، بر ما فرو ریزید.» گویند: «بی‌تردید خداوند آن دو را بر کافران حرام کرد.»

٥١ آنان که دینِ خویش را به هوسرانی و بازی گرفتند و زندگیِ دنیا آنان را فریب داد. پس امروز ما آنان را فراموش می‌کنیم، همان گونه که آنان دیدار این روزشان را فراموش کردند و [نیز] همان گونه که آیات ما را انکار می‌کردند.

۵۲ و بی‌تردید برایشان «کتابی» آورده‌ایم و آن را از روی دانش به تفصیل به روشنی بیان کردیم، که هدایتی و رحمتی برای گروهی که ایمان می‌آورند، باشد.

۵۳ آیا به جز تأویلِ آن را انتظار دارند؟ روزی که تأویلش آید، آنان که از پیش آن را فراموش کردند، گویند: «بی‌گمان پیامبران پروردگارمان حق را آوردند. پس آیا برای ما شفاعتگرانی هست که شفاعتِ ما را کنند؟ یا این که آیا باز گردانده شویم تا کاری غیر از آن چه می‌کردیم، انجام دهیم؟» بی‌تردید به نَفْسِ خویش زیان رساندند و آن چه دروغ می‌بستند، از آنان گم شد.

٥٤ به درستی پروردگار شما خداوند است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز (شش دوره) آفرید. سپس بر عرش مستولی شد. شب را به روز می‌پوشاند که شتابان در پی آنست. و خورشید و ماه و ستارگان رام فرمان او هستند. بدانید که خلق و امر از آنِ اوست. «اللّه»، پروردگار جهانیان، بزرگ و دارای خیر و برکت بسیار است.

۵۵ پروردگار خویش را به زاری و در نهان بخوانید، که به راستی او تجاوزگران را دوست ندارد.

٥٦ و در زمین پس از اصلاح آن فساد مکنید. و او را در بیم و امید بخوانید. بی‌تردید رحمت خداوند به نیکوکاران نزدیک است.

۵۷ و او کسی است که بادها را پیشاپیش رحمت خویش مژده‌بخش می‌فرستد. تا آن گاه که ابرهای گران را بالا ببرند. [ما] آن ابرهای سنگین را به سوی شهرِ مرده‌ای بارانْ ریزان برانیم و به آن [آب] از تمام میوه‌ها بیرون آوریم. بدینسان ما مردگان را بیرون آوریم. شاید شما [از این سخن] پند بپذیرید.

۵۸ و شهر پاک به فرمان پروردگارش گیاهش بیرون می‌آید و آن که ناپاک است –جز اندکی– بیرون نیاید. بدینسان آیات را برای گروهی که شکرگزارند، به صورت‌های گوناگون بیان می‌داریم.

۵۹ و بی تردید «نوح» را به سوی قومش فرستادیم. آن گاه گفت: «ای قوم من، خداوند را پرستش کنید، که برای شما جز او معبودی نباشد. بی‌تردید من برایتان از عذاب روزی بزرگ بیمناکم.»

٦٠ سران قوم او گفتند: «بی‌تردید ما تو را در گمراهیِ آشکاری می‌بینیم.»

٦١ [«نوح»] گفت: «ای قوم من، گمراهی در من نباشد. و لیکن من پیامبری از سوی پروردگار جهانیانم.

٦٢ پیام‌های پروردگارم را به شما می‌رسانم و شما را پند می‌دهم و از [حکمتِ] خداوند چیزهایی می‌دانم، که شما نمی‌دانید.

٦٣ آیا حیرت می‌کنید از این که از سوی پروردگارتان بر مردی از شما برای شما تذکری فرستاده شده تا شما را بیم دهد و تا این که پرهیزکاری کنید و شاید مورد رحمت قرار گیرید؟»

٦٤ پس او را تکذیب کردند. پس ما او و کسانی را که با او در کشتی بودند، نجات دادیم. و کسانی را که آیات ما را تکذیب کردند، غرق کردیم. بی‌گمان آنان گروهی نابینا بودند.

٦٥ و به سوی [قومِ] «عاد» برادرشان «هود» را [فرستادیم]. گفت: «ای قوم من، خداوند را بپرستید، که برای شما معبودی جز او نیست. آیا پرهیزکاری نمی‌کنید؟»

٦٦ سرانِ کسانی که از قوم او کافر شدند، گفتند: «بی‌تردید ما تو را در حالتِ کمْ خِردی می‌بینیم و بی‌تردید ما تو را از دروغگویان می‌پنداریم.»

٦٧ [«هود»] گفت: «ای قوم من، در من کمْ خِردی نمی‌باشد و لیکن من پیامبری از سوی پروردگار جهانیان هستم.

۶۸ پیام‌های پروردگارم را به شما می‌رسانم و من برای شما خیرخواهی امین هستم.
۶۹ آیا حیرت می‌کنید از این که از سوی پروردگارتان بر مردی از شما برای شما تذکری فرستاده شده تا شما را بیم دهد؟ آن زمان را به یاد آورید، که خداوند پس از قوم «نوح»، شما را جانشین کرد و به شما در آفرینش فزونی داد. پس نعمت‌های خداوند را به یاد آورید، شاید رستگار شوید.»
۷۰ گفتند: «آیا تو به سوی ما آمده‌ای، که [فقط] خداوند یگانه را بپرستیم و آن چه را که پدرانمان می‌پرستیدند، ترک کنیم؟ پس آن چه را که به ما وعده می‌دهی، برای ما بیاور، اگر از راستگویان هستی.»
۷۱ [«هود»] گفت: «بی‌تردید از سوی پروردگارتان بر شما پلیدی (عذاب) و خشم قرار گرفته است. آیا با من در نام‌هایی که آن‌ها را شما و پدرانتان [بر بت‌ها] نهاده‌اید، بحث و ایراد (مجادله) می‌کنید؟ و خداوند دربارۀ آن هیچ دلیل و برهانی فرو نفرستاده است. پس منتظر باشید، که من هم بی‌تردید با شما از منتظران هستم.»
۷۲ پس ما او و کسانی را که با او بودند، به رحمتی از خود نجات دادیم. و ریشۀ کسانی را که آیات ما را تکذیب کردند، بریدیم و آنان مؤمن نبودند.
۷۳ و به سوی [قوم] «ثمود» برادرشان «صالح» را [فرستادیم]. گفت: «ای قوم من، خداوند را پرستش کنید. جز او برای شما معبودی نیست. بی‌گمان از سوی پروردگارتان برای شما معجزه‌ای آمده است. این شترِ خداوند برای شما نشانه‌ای است. پس بگذارید در زمین خداوند بخورد و به او آزاری نرسانید، که [اگر آزارش کنید] شما را عذابی دردناک فراگیرد.

۷٤ و به یاد آورید آن زمان را که [خداوند] پس از [قومِ] «عاد»، شما را جانشین ساخت و در زمین جای داد. شما از [زمین‌های] هموار آن کاخ می‌سازید و در کوه‌ها [از سنگ‌ها] خانه می‌تراشید. پس نعمت‌های خداوند را به یاد آورید و در زمین به تبهکاری و فساد مکوشید.»

۷۵ سرانِ کسانی که از قوم او تکبر می‌ورزیدند، به کسانی که ناتوان به شمار می‌آمدند و ایمان آورده بودند، گفتند: «آیا می‌دانید که «صالح» از سوی پروردگار خویش پیامبر است؟»، گفتند: «بی‌تردید ما به آن چه او به خاطر آن فرستاده شده است، ایمان داریم.»

۷٦ کسانی که تکبر می‌ورزیدند، گفتند: «ما به آن چه شما به آن ایمان دارید، کافریم.»

۷۷ پس آن شتر را پی کردند و از فرمان پروردگارشان سر برتافتند و گفتند: «ای «صالح»، اگر از پیامبران هستی، برای ما آن چه را که وعده می‌دهی، بیاور.»

۷۸ پس آنان را زمین لرزه‌ای فرا گرفت و در خانه‌های خویش مرده افتادند.

۷۹ پس [«صالح»] از آنان رویْ گردانید و گفت: «ای قوم من، بدون تردید پیام پروردگارم را به شما رساندم و شما را پند دادم. و لیکن شما پندگویان را دوست ندارید.»

۸۰ و «لوط» را [به یاد آور] هنگامی که به قوم خویش گفت: «آیا کار زشتی می‌کنید، که هیچ کس از جهانیان، پیش از شما نکرده است؟

۸۱ بی‌تردید شما برای شهوت، مردان را به جای زنان می‌گیرید. [نه] بلکه شما قومی متجاوز هستید.»

۸۲ و پاسخ قوم او (قوم «لوط») جز این نبود که گفتند: «آنان را از شهر خود بیرون کنید، که آنان مردمانی پاکی جو هستند.»

۸۳ پس او را و خاندانش را نجات دادیم، مگر زنش را که از بازماندگان بود.

۸٤ و بر ایشان بارانی [مخصوص] ریزان ساختیم. پس نگاه کن که سرانجامِ گنهکاران چگونه بود.

۸۵ و به سوی [مردمِ] «مَدْیَن» برادرشان «شُعَیب» را [فرستادیم]. گفت: «ای قوم من، خداوند را بپرستید، که برای شما جز او معبودی نیست. بی‌تردید دلیلی روشن و معجزه‌ای از سوی پروردگارتان برایتان آمده‌است. پس به پیمانه و ترازو وفا کنید (کامل دهید) و اشیاءِ مردم را کم مدهید و در زمین پس از اصلاح آن فساد مکنید. این برای شما بهتر است، اگر مؤمن باشید.

۸٦ و بر سر هر راه منشینید که مردم را تهدید کنید و بترسانید و کسی را که به خداوند ایمان آورد، از راه خداوند باز دارید و شما برای آن ناراستی و کجی می‌جویید و آن زمان را به یاد آورید که شما اندک بودید و [خداوند] شما را بسیار کرد. و بنگرید که سرانجامِ فسادکاران چگونه است.

۸۷ و اگر گروهی از شما به آن چه من به خاطر آن فرستاده شده‌ام، ایمان دارند و گروهی ایمان ندارند، پس شکیبا باشید، تا خداوند میان ما داوری کند. و او نیکوترینِ داوران است.»

۸۸ سران کسانی که از قوم او تکبّر می‌ورزیدند، گفتند: «ای «شُعَیب»، بی‌تردید تو را و کسانی را که با تو ایمان آوردند، از شهر خویش بیرون کنیم. یا این که به آیین ما باز گردید.» [«شُعَیب»] گفت: «هر چند که ما خواهان آن نباشیم؟

۸۹ بی‌تردید، اگر ما به کیشِ شما باز گردیم –پس از آن که خداوند ما را از آن رهانید– به خداوند دروغ بسته باشیم و بر ما شایسته نباشد که به آن باز گردیم، مگر این که خداوند، پروردگارمان بخواهد. پروردگار ما به دانش بر هر چیزی احاطه دارد. بر خداوند توکل کردیم. پروردگارا، میان ما و قوم ما به حق داوری کن و تو نیکوترین داورانی.»

۹۰ و سرانِ کسانی که از قوم او (قوم «شُعَیب»)، کافر شدند، گفتند: «اگر از «شُعَیب» پیروی کنید، آن گاه شما زیانکار خواهید بود.»

۹۱ پس زمین لرزه‌ای آنان را فرا گرفت. پس مرده در خانه‌های خویش افتادند.

۹۲ کسانی که «شُعَیب» را تکذیب کردند، چنان شدند که گویی هرگز در آن جا نبودند. کسانی که «شُعَیب» راتکذیب کردند، زیانکاران بودند.

۹۳ آن گاه [«شُعَیب»] از آنان رویْ گردانید و گفت: «ای قوم من، بی‌تردید پیام‌های پروردگارم را به شما رساندم و شما را پند دادم. پس بر قوم کافر چگونه اندوهگین شوم؟»

۹٤ و ما [هیچ] پیامبری را به شهری نفرستادیم، مگر این که اهالی آن شهر را به سختی و رنج گرفتار ساختیم. شاید [به سوی خداوند باز گردند و] زاری کنند.

۹۵ پس از آن به جای بدی، نیکی را جایگزین کردیم، تا این که بسیار شدند و گفتند: «بی‌تردید به پدران ما [نیز] رنج و راحتی می‌رسید.» پس آنان را ناگهان [به عذاب] گرفتیم، حال آن که آنان نمی‌فهمیدند.

۹٦ و اگر اهالی شهرها ایمان آورده بودند و پرهیزکاری می‌کردند، البته بر آنان [درهای] برکاتی از آسمان و زمین را می‌گشودیم. و لیکن [آنان] تکذیب کردند. پس ما آنان را به آن چه کسب می‌کردند (دستاوردشان) گرفتیم.

۹۷ پس آیا اهل شهرها و دیارها از این ایمنند که شبانگاه در حالی که آنان خفته‌اند، عذاب ما بر آنان آید؟

۹۸ و یا ساکنان شهرها و دیارها روزگاهان که به بازی [دنیا] سرگرمند، از آمدن عذاب ما ایمنند؟

۹۹ آیا از مکر خداوند ایمن شدند؟ حال آن که جز گروه زیانکاران خود را از مکر خداوند ایمن ندانند.

۱۰۰ آیا [عاقبتِ پیشینیان] کسانی را که زمین را بعد از ساکنان [قبلی] آن به میراث می‌برند، [به این حقیقت] هدایت نکرد، که اگر ما بخواهیم، آنان را به کیفر گناهانشان بگیریم و بر دل‌هایشان مُهر نهیم؟ پس آنان نشنوند.

۱۰۱ این شهرهایی است که از خبرهای آن‌ها بر تو می‌گوییم. و بی‌تردید پیامبرانشان دلایل روشن و معجزات برای آنان آوردند و آنان بر آن نبودند که به آن چه از پیش تکذیب کرده بودند، ایمان بیاورند. خداوند بدینسان بر دل‌های کافران مُهر می‌نهد.

۱۰۲ و ما بیش‌ترِ آنان را بر سر پیمان خود نیافتیم. و بی‌تردید بیش‌ترِ آنان را نافرمان یافتیم.

۱۰۳ آن گاه «موسی» را بعد از آنان با آیات خود به سوی «فرعون» و سران او فرستادیم. پس به آن ستمگری کردند. پس نگاه کن که سرانجامِ فسادکاران چگونه است.

۱۰٤ و «موسی» گفت: «ای «فرعون»، بی‌تردید من پیامبری از سوی پروردگار جهانیان هستم.

۱۰۵ شایسته است که بر خداوند جز سخن حق نگویم. به راستی دلیلی روشن و معجزه‌ای از پروردگارتان برای شما آورده‌ام. پس فرزندانِ «اسرائیل» را با من بفرست.»

۱۰٦ [«فرعون»] گفت: «اگر نشانه‌ای (معجزه‌ای) آورده‌ای، آن را ارائه کن، اگر از راستگویان هستی.»

۱۰۷ آن گاه [«موسی»] عصای خود را بیفکند. ناگاه اژدهایی آشکار شد.

۱۰۸ و دست خود را بیرون کشید، پس آن گاه برای تماشاگران سپید و نورانی شد.

۱۰۹ سران قوم «فرعون» گفتند: «بی‌تردید او جادوگری داناست.»

۱۱۰ [«فرعون» گفت:] «می‌خواهد شما را از سرزمینتان بیرون کند. پس شما چه فرمان می‌دهید (نظر شما چیست)؟»

۱۱۱ گفتند: «[ای «فرعون»] او و برادرش را نگه دار. و گردآورندگانی به شهرها بفرست؛

۱۱۲ تا هر جادوگر کاردانی را نزد تو آورند.»

۱۱۳ و جادوگران نزد «فرعون» آمدند و گفتند: «به راستی اگر پیروزمند گردیم، پاداش می‌گیریم.»

۱۱٤ [«فرعون»] گفت: «آری. و بی‌تردید شما از نزدیکان [دربار من] خواهید شد.»

۱۱۵ گفتند: «ای «موسی»، [نخست] تو [عصای خویش را] می‌افکنی، یا ما بیفکنیم؟»

۱۱٦ [«موسی»] گفت: «بیفکنید.» و هنگامی که افکندند، به جادو، چشمان مردم را افسون کردند و آنان را ترساندند و جادویی عظیم آوردند.

۱۱۷ و به «موسی» وحی کردیم که عصای خویش را بیفکن. پس در یک لحظه آن چه را که به دروغ نشان می‌دادند، برگرفت (بلعید).

۱۱۸ پس حق نمایان شد و آن چه می‌کردند، باطل گردید.

۱۱۹ پس آن گاه در آن جا شکست خوردند و به خواری بازگشتند.

۱۲۰ و جادوگران سجده کنان [به خاک] افتادند.

۱۲۱ [جادوگران] گفتند: «به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم.

۱۲۲ [به] پروردگار «موسی» و «هارون» [ایمان‌آوردیم].»

۱۲۳ «فرعون» گفت: «پیش از آن که من به شما اجازه دهم، به او ایمان آوردید؟ بی‌تردید این نیرنگی است که شما در شهر بافته‌اید (مکر کرده‌اید) تا اهل آن را از آن بیرون کنید. پس به زودی شما خواهید دانست.

۱۲٤ بی‌تردید دست‌ها و پاهایتان را از خلاف یکدیگر (دست راست را با پای چپ) بِبُرم. سپس همگی شما را به دار آویزم.»

۱۲٥ [جادوگران] گفتند: «ما به سوی پروردگارمان باز می‌گردیم.

۱۲٦ و تو [ای «فرعون»] از ما انتقام نمی‌گیری، جز به خاطر این که ما به آیات پروردگارمان که برایمان آمد، ایمان آوردیم. پروردگارا، بر ما شکیبایی فرو ریز و ما را مسلمان بمیران.»

۱۲۷ و سران قوم «فرعون» گفتند: «آیا «موسی» و قومش را رها می‌سازی، تا در زمین فساد کنند و تو و معبودانت را ترک کنند؟» گفت: «پسرانِ آنان را می‌کشیم و زنانشان را زنده می‌گذاریم و به راستی بر آنان به طور کامل مسلط هستیم.»

۱۲۸ «موسی» به قوم خویش گفت: «از خداوند یاری جویید و شکیبایی نمایید. بی‌تردید زمین از آنِ خداوند است، آن را به هر کس از بندگان خویش که خواهد، میراث دهد، و سرانجام [نیکو] خاص پرهیزکاران باشد.»

۱۲۹ [«بنی اسرائیل»] گفتند: «آزارها دیده‌ایم، پیش از آن که تو به سوی ما بیایی، و از هنگامی که تو به سوی ما آمده‌ای.» [«موسی»] گفت: «بر این امید که پروردگارتان دشمن شما را هلاک سازد و شما را در زمین جانشین [آنان] کند. پس ببیند که شما چگونه عمل می‌کنید.»

۱۳۰ بی‌گمان ما خاندان «فرعون» را به قحطی و کاهش (کمبود) میوه‌ها گرفتار کردیم. شاید پند گیرند.

۱۳۱ پس هنگامی که نیکویی به ایشان می‌رسید، می‌گفتند: «این برای ماست.» و اگر بدی
به آنان می‌رسید، به «موسی» و هر که با او بود، شگون بد می‌زدند. آگاه باش که بد
شگونیِ آنان (بهرهٔ آنان از شر) نزد خداوند است. و لیکن بیش‌ترِ آنان نمی‌دانند.
۱۳۲ و [خاندان «فرعون»] گفتند: «هر نشانه‌ای که برای ما بیاوری تا به وسیلهٔ آن ما را
جادو کنی، ما به تو ایمان نمی‌آوریم.»
۱۳۳ آن گاه توفان و ملخ و شپشه (حشرهٔ گندم خوار) و غوک و خون که نشانه‌های
پیاپیِ روشنی بود، بر آنان فرستادیم. سپس سرکشی کردند و قومی گناهکار بودند.
۱۳٤ و هنگامی که عذاب بر ایشان واقع شد، گفتند: «ای «موسی»، پروردگار خود را
برای ما بخوان، که به آن چه با تو عهد کرد، وفا کند؛ که اگر تو عذاب را از ما دور
سازی، البته ما به تو ایمان می‌آوریم و بی‌تردید فرزندان «اسرائیل» را با تو روانه
۱۳۵ می‌کنیم.»
پس هنگامی که عذاب را از آنان تا مدتی معلوم که به آن رسیدند، دور کردیم، پیمانْ
۱۳٦ شکنی کردند.
آن گاه از آنان انتقام کشیدیم و به خاطر آن که آنان آیات ما را تکذیب کردند و از
۱۳۷ آن غافل بودند، آنان را در دریا غرق کردیم.
و مشرق‌ها و مغرب‌های سرزمینی را که در آن برکت نهادیم، به قومی که ضعیف به
شمار می‌آمدند، به میراث دادیم. و کلمهٔ نیکوی پروردگارت بر «بنی‌اسرائیل» به
سبب این که شکیبایی نمودند، تمام و کمال انجام شد. و آن چه را که «فرعون» و
قوم او می‌ساختند و آن چه را که برمی‌افراشتند، نابود کردیم.

۱۳۸ و «بنی اسرائیل» را از دریا گذراندیم. و آنان [سر راه خود] به گروهی رسیدند که بر [پرستشِ] بت‌هایشان با فروتنی معتکف شده بودند. [قوم «بنی اسرائیل»] گفتند: «ای «موسی»، برای ما معبودی قرار بده، همان گونه که آنان هم معبودانی دارند.» [«موسی»] گفت: «بی‌تردید شما قومی هستید که نادانی می‌کنید.

۱۳۹ بی‌گمان ایشان از چیزی هلاک می‌شوند که در آن [گرفتار] هستند. و آن چه می‌کردند، باطل است.»

۱٤۰ [«موسی»] گفت: «آیا غیر از خداوند برای شما معبودی بجویم؟ و اوست که شما را بر جهانیان برتری بخشید.»

۱٤۱ و آن گاه که شما را از خاندانِ «فرعون» نجات دادیم. آنان شما را با عذابِ سخت، شکنجه می‌دادند. پسرانتان را می‌کشتند و زنانتان را زنده می‌گذاشتند. و در آن برای شما امتحانی عظیم از سوی پروردگارتان بود.

۱٤۲ و با «موسی» سی شب وعده نهادیم. و آن را به ده شب دیگر تکمیل نمودیم. پس وقت معلوم پروردگارش [با او] چهل شب تمام شد. و «موسی» به برادرش «هارون» گفت: «در میان قوم من جانشین من باش و اصلاح کن و از راه فسادکاران پیروی مکن.»

۱٤۳ و آن گاه که «موسی» به میعادگاه ما آمد و پروردگارش با او در سخن آمد، [«موسی»] گفت: «پروردگارا، [خود را] به من بنمای، تا به تو بنگرم.» [خداوند] گفت: «هرگز مرا نبینی. و لیکن به کوه نگاه کن. اگر [کوه] در جای خود پایدار و ثابت ماند، پس به زودی مرا خواهی دید.» و هنگامی که پروردگارش بر کوه تجلّی کرد، آن را خُرد کرد و در هم کوبید و «موسی» بیهوش بر زمین افتاد. هنگامی‌که به هوش آمد، گفت: «پاکی تو راست. من به درگاهت توبه کردم و من نخستینِ مؤمنان هستم.»

۱٤٤ [خداوند] گفت: «ای «موسی»، من تو را بر مردمان به پیام‌هایم و سخنان و گفتارم برگزیدم. پس آن چه را به تو دادم، بگیر و از شکرگزاران باش.»

۱٤٥ و ما برای او در الواح از هر چیز پندی، و بیانی برای همه چیز نوشتیم. پس [گفتیم:] «آن را با نیرومندی بگیر و به قوم خویش فرمان بده که نیکوترینِ آن را بگیرند. به زودی سرای نافرمانان را به شما نشان دهم.»

۱٤٦ به زودی آنان را که روی زمین به ناحق تکبّر می‌ورزند، از آیات خویش بگردانم. و اگر آنان هر نشانه‌ای ببینند، به آن ایمان نیاورند. و اگر راه هدایت و رشد را ببینند، آن را راه خود برنگزینند. و اگر راه گمراهی را ببینند، آن را راه خود برگزینند. این به آن دلیل است که آیات ما را تکذیب کردند و از آن غافل بودند.

۱٤۷ و کسانی که آیات ما و دیدار آخرت را تکذیب کردند، کردارشان تباه گردید. آیا جز به آن چه می‌کردند، جزا بینند؟

۱٤۸ و قوم «موسی» پس از [رفتن] او از زیورهای [طلایی] خود، پیکر گوساله‌ای ساختند که صدای گاو داشت. آیا ندیدند که آن (گوساله) با آنان سخن نمی‌گوید و راه [هدایت] را به آنان نمی‌نمایاند؟ [آنان] آن را [به عنوان معبود خود] گرفتند و ستمکار بودند.

۱٤۹ و چون پشیمان شدند و مشاهده کردند که گمراه گردیده‌اند، گفتند: «اگر پروردگار ما به ما رحم نکند و ما را نیامرزد، البته از زیانکاران خواهیم بود.»

۱۵۰ و هنگامی که «موسی» به سوی قوم خویش خشمناک و اندوهناک بازگشت، گفت: «در جانشینی من پس از من چه بد کردید. آیا در فرمان پروردگارتان شتاب کردید؟» و الواح را بیفکند و سرِ برادر خویش را گرفت و او را به سوی خود کشید. [«هارون»] گفت: «ای پسر مادرم! بی‌تردید [این] قوم مرا ناتوان و عاجز انگاشتند و نزدیک بود مرا بکشند. پس دشمنان را با [آزار و سرزنشِ] من شاد مکن و مرا با گروه ستمکاران قرار مده.»

۱۵۱ [«موسی»] گفت: «پروردگارا، مرا و برادرم را بیامرز و ما را در رحمت خود داخل ساز. و تو بخشنده‌ترین بخشندگانی.»

۱۵۲ بی‌تردید کسانی که گوساله را [برای پرستش] گرفتند، به زودی خشمی از پروردگارشان و خواری در زندگی دنیا به آنان می‌رسد. و ما بدینسان کسانی را که [به خداوند] تهمت می‌زنند و دروغ می‌بافند، کیفر می‌دهیم.

۱۵۳ و کسانی که زشتکاری کردند، سپس بعد از آن توبه نمودند و ایمان آوردند، بی‌تردید پس از آن پروردگارت آمرزگار مهربان است.

۱۵٤ و آن گاه که خشم «موسی» آرام گرفت، الواح را برداشت. و در نسخه‌های آن هدایتی و رحمتی برای کسانی بود که از پروردگارشان بیمناک بودند.

۱۵۵ و «موسی» از قوم خویش هفتاد مرد برای میعادگاه ما برگزید و آن گاه که آنان را زمین‌لرزه گرفت، گفت: «پروردگارا، اگر می‌خواستی، آنان را و مرا پیش از این هلاک می‌ساختی. آیا ما را به آن چه کمْ خردان و سبکسرانِ ما کردند، هلاک می‌سازی؟ این جز امتحان تو نیست. هر که را خواهی، به آن گمراه، و هر که را خواهی، هدایت می‌کنی. تو سرپرست و یاور ما هستی. پس ما را بیامرز و به ما رحم کن. و تو نیکوترینِ آمرزگاران هستی.

۱۵۶ و در این دنیا و در آخرت برای ما نیکی بنویس. بی‌تردید به سوی تو بازگشتیم.»
[خداوند] گفت: «عذابِ خویش را به هر که خواهم، برسانم. و رحمت من همه چیز
را در بر گرفته است. پس به زودی آن را برای کسانی که پرهیزکاری کنند و زکات
دهند و برای کسانی که به آیات ما ایمان می‌آورند، مقرّر خواهم داشت (بنویسم).»

۱۵۷ آنان که از فرستاده [خدا]، پیامبر درس نخوانده (اُمّی) پیروی می‌کنند، آن کس که [نام] او را در «تورات» و «انجیل» نزد خویش نوشته شده می‌یابند. آنان را به کارهای نیکو فرمان می‌دهد و از کردار ناپسند باز می‌دارد و برای آنان پاک‌ها را حلال و ناپاک‌ها را حرام می‌کند و بار گرانشان و زنجیرهایی را که بر آنان بود، بر می‌دارد. پس کسانی که به او ایمان آوردند و او را گرامی داشتند، و یاری‌اش کردند و از نوری که با او فرستاده شد، پیروی کردند، آنان رستگارند.

۱۵۸ بگو: «ای مردم، بی‌تردید من پیامبر خداوند به سوی همه شما هستم. خداوندی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آنِ اوست. معبودی جز او نیست. زنده می‌کند و می‌میراند.» پس به خداوند و پیامبرش که نبیِ درس نخوانده (امّی) است، ایمان آورید؛ آن کس (پیامبری) که به خداوند و کلمات او ایمان دارد. و از او پیروی کنید. شاید هدایت یابید.

۱۵۹ و از قوم «موسی» گروهی هستند که به حق هدایت می‌کنند و به آن دادگری می‌کنند.

۱٦۰ و آنان را به دوازده قبیله که امّت‌هایی بودند، تقسیم کردیم و آن گاه که قومش از او
آب خواستند، به «موسی» وحی کردیم که عصای خویش را بر سنگ بزن. پس، از
آن دوازده چشمه جاری شد. و هر گروه آبنوشگاه خود را شناخت. و ابر را بر
فرازشان سایبان کردیم و بر آنان «مَنّ» و «سَلوی» فرو فرستادیم. [گفتیم:] «از
پاکیزه‌های آن چه بر شما روزی کردیم، بخورید.» و آنان به ما ستم نکردند، بلکه بر
خویش ستم می‌کردند.
۱٦۱ و آن گاه که به آنان گفته شد که در این شهر («بیت‌المقدس») ساکن شوید و از هر
جا خواستید، بخورید و بگویید: «[گناهان ما را] فرو ریز» و از دروازه
[«بیت‌المقدس»] سجده‌کنان (متواضع) داخل شوید. ما برایتان گناهانتان را می‌آمرزیم
و نیکوکاران را [پاداشِ بیش‌تر] خواهیم افزود.
۱٦۲ پس کسانی از آنان که ستمگری کردند، سخن را به غیر از آن چه به آنان گفته شده
بود، دگرگون ساختند. و مابه خاطر آن چه ستمگری می‌کردند، از آسمان بر آنان
عذابی فرستادیم.
۱٦۳ و از آنان در مورد شهری که نزدیک دریا بود، بپرس، که [مردمِ آن] روز شنبه [از
قانونِ خداوند] تجاوزگری می‌کردند، آن گاه که ماهیانِ آنان روزِ شنبه بر روی آب
می‌آمدند و غیر از روزِ شنبه به سراغ آنان نمی‌آمدند. بدینسان آنان را به آن چه
نافرمانی می‌کردند، آزمودیم.

۱٦٤ و آن گاه که گروهی از آنان گفتند: «چرا قومی را که خداوند هلاکشان سازد، یا این که آنان را به عذابی سخت، کیفر دهد، پند می‌دهید؟» گفتند: «[برای این که] ما را نزد پروردگارتان پوزشی (عذری) باشد. و شاید پرهیزکار شوند.»

۱٦٥ پس به دلیل این که آن چه را که به آنان یادآوری شده بود، فراموش کردند، آنان را که از بدی پرهیز می‌دادند (نهی می‌کردند) نجات دادیم و کسانی را که ستم کردند، به خاطر نافرمانی که می‌کردند، به عذابی سخت گرفتیم.

۱٦٦ و آن گاه که از آن چه نهی شدند، سرپیچی کردند، به آنان گفتیم: «بوزینگانی خوار و رانده شده باشید!»

۱٦۷ و هنگامی که پروردگارت اعلام کرد که بی‌تردید تا روز قیامت کسی را بر آنان برانگیزد که عذاب سخت بر آنان برساند. بی‌تردید پروردگار تو [برای کافران] تند کیفر است. و او [برای مؤمنان] آمرزگار مهربان باشد.

۱٦۸ و آنان را در زمین [به شکل] ملّت‌هایی پراکندیم. از آنان گروهی نیکان باشند و عدّه‌ای جز این هستند. و آنان را به نیکی‌ها و بدی‌ها آزمودیم. شاید آنان [به سوی هدایت الهی] بازگردند.

۱٦۹ پس بعد از آنان فرزندانی [ناشایست] جانشینِ آنان شدند که «کتاب» را به میراث بردند. بهرهٔ ناپایدار این [دنیای] پایین‌تر را می‌گیرند و می‌گویند: «ما آمرزیده خواهیم شد.» و اگر بهره‌ای مانند آن به دستشان بیفتد، آن را بگیرند. آیا پیمان «کتاب» از آنان گرفته نشد که بر خداوند جز حق نگویند؟ حال آن که آن چه را که در آن هست، خوانده‌اند. و سرای آخرت برای آنان که پرهیزکاری در پیش گیرند، بهتر است. آیا اندیشه و درک نمی‌کنید؟

۱۷۰ و آنان که به «کتاب» [خداوند] تمسّک می‌جویند و نماز را بپا می‌دارند، بی‌تردید ما پاداش نیکوکاران را تباه نسازیم.

۱۷۱ و هنگامی که کوه را بر فرازشان بلند داشتیم، مانند آن بود که سایبانی بود و می‌پنداشتند که بر سرشان خواهد افتاد. [گفتیم:] «آن چه را به شما داده‌ایم، با نیرومندی بگیرید و آن چه را که در آنست، به یاد داشته باشید. شاید پرهیزکار شوید.»

۱۷۲ و هنگامی که پروردگارت از پشت فرزندان «آدم»، ذرّیه و نسل آنان را برگرفت و آنان را بر وجود (نَفْس) خودشان گواه گرفت [گفت:] «آیا من پروردگار شما نیستم؟» گفتند: «آری. گواهی می‌دهیم.» تا مبادا در روز قیامت بگویید که بی‌تردید ما از این (توحید) غافل بودیم.

۱۷۳ یا بگویید: «غیر از این نباشد که پدرانمان پیش از این شرک آوردند و ما فرزندانی پس از آنان بودیم. آیا ما را به آن چه تبهکاران می‌کردند، هلاک می‌کنی؟»

۱۷٤ و بدینسان آیات را به تفصیل [به روشنی] بیان می‌کنیم. و شاید آنان باز گردند.

۱۷۵ و سرگذشت آن کس («بَلعَم ابن باعور») را که آیات خود را به او دادیم، بر آنان بخوان، که او از آن (هدایت) بیرون شد و شیطان در پی او رفت و او از گمراهان گردید.

۱۷٦ و اگر می‌خواستیم [مقامِ] او را به آن بالا می‌بردیم، و لیکن او به زمین [و پَستی] چسبید و از خواهش دل و هوای [نَفْس] خویش پیروی کرد. پس مَثَلِ او مانند مَثَلِ سگی است که اگر بر او حمله کنی، زبان از دهانش بیرون می‌آورد و اگر رهایش سازی [باز هم] زبان از دهانش بیرون می‌آورد. این مَثَلِ گروهی است که آیات ما را دروغ پنداشتند. پس [برای آنان] داستان‌ها را بگو، شاید اندیشه کنند.

۱۷۷ بد است مَثَلِ قومی که آیات ما را دروغ پنداشتند و به وجود (نَفْس) خویش ستم می‌کردند.

۱۷۸ هر کس که خداوند او را هدایت کند، او راه یافته است و هر کس که [خداوند] او را گمراه سازد، پس آنان همان زیانکارانند.

۱۷۹ و بی‌تردید ما بسیاری از جن وانس را برای دوزخ آفریدیم. آنان دل‌هایی دارند که به آن [حقایق را] در نمی‌یابند و آنان چشمانی دارند که به آن نمی‌بینند. و آنان گوش‌هایی دارند که به آن نمی‌شنوند. آنان مانند چهارپایان هستند. بلکه گمراه‌ترند. آنان همان غافلان باشند.

۱۸۰ و نیکوترین نام‌ها از آنِ خداوند باشد. پس او را به آن‌ها بخوانید و کسانی را که در نام‌های او کجرَوی می‌کنند، رها سازید. به زودی به آن چه می‌کردند، کیفر داده شوند.

۱۸۱ و از آنان که آفریدیم، گروهی هستند که به حق هدایت می‌کنند و به آن دادگری می‌نمایند.

۱۸۲ و کسانی که آیات ما را دروغ پنداشتند، به زودی به تدریج از جایی [و راهی] آنان را بگیریم، که ندانند.

۱۸۳ و بر آنان مهلت دهم، که بی‌تردید مکر من استوار و متین باشد.

۱۸٤ آیا نیندیشیدند که در [وجودِ] دوست آنان (پیامبر) هیچ دیوانگی وجود ندارد؟ او جز بیم دهنده‌ای آشکار نیست.

۱۸۵ آیا در ملکوت آسمان‌ها و زمین و آن چه خداوند از هر چیز آفریده است، نگاه نمی‌کنند؟ و شاید اجل آنان نزدیک شده باشد. پس بعد از آن به کدام سخن ایمان می‌آورند؟

۱۸٦ آن کس را که خداوند گمراه سازد، او را هیچ هدایتگری نیست و آنان را در سرکشی‌شان فرو می‌گذارد، تا کور و سرگردان باشند.

۱۸۷ از تو در مورد قیامت می‌پرسند که چه هنگام رویْ می‌دهد. بگو: «دانش آن فقط نزد پروردگار من است. جز او هیچ کس آن را در هنگام خود آشکار نمی‌سازد. آن بر آسمان‌ها و زمین سنگین خواهد بود. بر شما جز به طور ناگهانی نیاید.» از تو [چنان] می‌پرسند که گویی تو بر آن دانشی داری. بگو: «دانشِ آن فقط نزد خداوند است. لیکن بیش‌ترِ مردم نمی‌دانند.»

۱۸۸ بگو: «من صاحب اختیارِ سودی و نه زیانی برای خویشتن نیستم. مگر آن چه خداوند بخواهد. و اگر از غیب باخبر بودم، خوبی‌ها [و منافعِ] بسیار برای خود گردآوری می‌کردم و بدی [و زیانی] به من نمی‌رسید. من نیستم جز بیم دهنده‌ای و مژده‌بخشی برای گروهی که ایمان آورند.»

۱۸۹ خداوند کسی است که شما را از وجودی تک (نَفْسی واحد) آفرید و جفتش (همسرش) را از او (همان نَفْس واحد) آفرید تا کنارش آرام گیرد. پس هنگامی که به او نزدیکی کرد، بار گرفت، بار سبکی. پس با آن [مدتی را] سپری کرد. و هنگامی که گرانبار شد، آن دو، خداوند -پروردگارشان- را خواندند که: «اگر به ما فرزندی نیکو بدهی، بی‌تردید ما از شکرگزاران خواهیم بود.»

۱۹۰ پس آن گاه که به آن دو فرزندی نیکو داد، در آن چه به آن دو داده بود، برای او (خداوند) شریکانی قرار دادند و خداوند از آن چه برایش شریک گیرند، برتر باشد.

۱۹۱ آیا چیزی را شریک قرار می‌دهند که [چیزی] نمی‌آفرینند و خودشان آفریده می‌شوند؟

۱۹۲ و نه می‌توانند آنان را یاری کنند و نه بر خودشان می‌توانند یاری دهند.

۱۹۳ و اگر آن‌ها را به هدایت و راه راست بخوانید، از شما پیروی نکنند. بر شما یکسان است (تفاوتی نکند) اگر آن‌ها را بخوانید و یا خاموش مانید.

۱۹٤ بی‌تردید آن‌ها که جز خداوند می‌خوانید، بندگانی مانند شما هستند. پس آن‌ها را بخوانید، تا به شما پاسخ دهند، اگر راستگویانید.

۱۹۵ آیا آن‌ها پاهایی دارند که به آن راه بروند؟ یا آن‌ها دست‌هایی دارند که به آن [چیزی را] بگیرند؟ یا آن‌ها چشمانی دارند که به آن ببینند؟ یا آن‌ها گوش‌هایی دارند که به آن بشنوند؟ بگو: «شریکان خود را بخوانید. سپس با من حیله‌گری کنید. آن گاه مهلتم [نیز] ندهید.

۱۹۶ بی‌تردید سرپرست و پشتیبان من خداوند است، که «کتاب» را فرو فرستاده است و او نیکوکاران را سرپرستی و یاوری می‌کند.»

۱۹۷ و آن‌ها که غیر از او می‌خوانید، نه می‌توانند شما را یاری کنند و نه می‌توانند به خودشان کمک کنند.

۱۹۸ و اگر آنان را به هدایت و راه راست بخوانی، نمی‌شنوند. و تو می‌بینی که آنان به تو نگاه می‌کنند. حال آن که آنان نمی‌بینند.

۱۹۹ عفو در پیش بگیر و به نیکوکاری فرمان بده و از نادانان رویْ بگردان.

۲۰۰ و اگر از سوی شیطان به تو وسوسه‌ای رسد، به خداوند پناه ببر. بی‌تردید او شنوای داناست.

۲۰۱ بی‌تردید آنان که پرهیزکاری کردند، آن گاه که وسوسه‌ای از شیطان به آنان می‌رسد، [خداوند را] یاد می‌کنند. پس آن گاه آنان بینا می‌گردند.

۲۰۲ و برادرانشان آنان را به گمراهی می‌کشانند. پس کوتاهی نمی‌کنند.

۲۰۳ و آن گاه که آیه‌ای برایشان نیاوری، گویند: «چرا [آیه‌ای] فراهم نیاورده‌ای؟» بگو: «من تنها آن چه را که از پروردگارم به من وحی می‌شود، پیروی می‌کنم.» این بینش‌هایی از [سوی] پروردگار شما باشد. و هدایتی و رحمتی است برای گروهی که ایمان دارند.

۲۰۴ و آن گاه که «قرآن» خوانده می‌شود، پس به آن گوش فرا دهید و خاموش باشید، شاید مورد رحمت قرار گیرید.

۲۰۵ و پروردگار خود را در ضمیر خود به زاری و بیم و آهسته‌تر از بانگ بلند (میانْ‌صدا) بامدادان و شبانگاهان یاد کن و از غافلان مباش.

۲۰۶ بی‌تردید آنان که نزد پروردگار تو هستند، از عبادت او گردنکشی و تکبر نمی‌کنند و او را تسبیح می‌گویند و برایش سجده می‌کنند.

مدنی

سورهٔ انفال (غنایم جنگی)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ از تو در مورد غنایم جنگی می‌پرسند. بگو: «غنایم جنگی برای خداوند و پیامبر است.» پس از خداوند بیمناک باشید و میان خود سازش کنید و از خداوند و پیامبر او اطاعت کنید، اگر مؤمن هستید.

۲ مؤمنان تنها کسانی هستند که آن گاه که خداوند یاد شود، دل‌هایشان بیمناک گردد و زمانی که آیات او بر آنان خوانده شود، بر ایمانشان بیفزاید و بر پروردگارشان توکّل کنند.

۳ آنان که نماز را بپا می‌دارند و از آن چه روزیشان داده‌ایم، انفاق می‌کنند.

٤ آنان خود به راستی ایمان آورندگان هستند. برای آنان نزد پروردگارشان درجاتی (مراتبی ارزشمند) و آمرزشی و روزی گرامی و فراوانی باشد.

۵ همان گونه که پروردگارت تو را از خانه‌ات به حق بیرون آورد. و بی‌گمان گروهی از مؤمنان [این کار را] خوش نداشتند (از این کار کراهت داشتند).

٦ با تو در مورد حق پس از آن که آشکار شد، بحث و ایراد (مجادله) می‌کنند. پنداری که به سوی مرگ رانده می‌شوند در حالی که تماشا می‌کنند.

۷ و آن گاه که خداوند یکی از دو گروه (کاروان تجاری قریش و لشکر آنان) را به شما وعده می‌داد که آن متعلّق به شماست. و علاقه داشتید که گروهِ بدون سلاح متعلّق به شما باشد و خداوند می‌خواهد به سخنان خویش حق را ثابت و ریشهٔ کافران را قطع کند.

۸ تا این که حق را ثابت گردانَد و باطل را نابود سازد و هر چند که گناهکاران را ناپسند آید.

۹ آن گاه که پروردگارتان را به یاری خواندید. پس به شما پاسخ داد که من با هزار تن از فرشتگان که پشت سر هم آیند، شما را یاری می‌دهم.

۱۰ و خداوند آن را جز مژده‌ای نگردانید، و برای این که دل‌هایتان به آن آرامش پذیرد. و یاری جز از سوی خداوند نیست. بی‌تردید خداوند عزیز حکیم است.

۱۱ آن گاه که نیمخوابی بر شما افکند، تا از سوی او آرامشی باشد و آبی از آسمان بر شما فرو فرستاد، تا شما را به آن پاک سازد و آلودگی شیطان را از شما بزداید و تا دل‌های شما را [به هم] پیوند زند و گام‌ها را به آن پایدار سازد.

۱۲ آن گاه که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد که من با شما هستم. پس کسانی را که ایمان آوردند، پایدار دارید. به زودی در دل‌های کسانی که کافر شدند، بیم اندازم. پس ضربه‌ها را بر سر (بالای گردن) فرود آورید و بر همهٔ انگشتان آنان ضربه زنید.

۱۳ این برای آنست که آنان با خداوند و پیامبرش مخالفت کردند و هر کس با خداوند و پیامبرش مخالفت کند، پس بی‌گمان خداوند سخت کیفر است.

۱٤ اینست [مجازات]! پس آن را بچشید و بدون تردید عذاب آتش برای کافران باشد.

۱۵ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آن زمان که کسانی را که کافر شدند، انبوه ببینید، به آنان پشت نکنید.

۱٦ و در آن روز هر کس به آنان پشت کند -مگر کسی که برای جنگ به طرفی رویْ آورد یا برای پیوستن به گروهی- پس بی‌گمان به خشمی از خداوند بازگشته است و جایگاهش دوزخ باشد و بد سرانجام و مقصدی است.

۱۷ پس شما آنان را نکشتید. بلکه خداوند آنان را کشت. و تو [سنگریزه] نپاشیدی –آن گاه که پاشیدی– بلکه خداوند پاشید. تا این که مؤمنان را به آزمونِ نیکو از سوی خود بیازماید. بی‌تردید خداوند شنوای داناست.

۱۸ اینست [حقیقت]. و البته خداوند سست کنندهٔ حیلهٔ کافران است.

۱۹ اگر پیروزی جویید، بی‌تردید پیروزی برای شما آمده است. و اگر دست بردارید، برایتان بهتر باشد و اگر باز گردید [ما نیز] باز می‌گردیم. و شما را در هیچ چیز، گروهتان بی‌نیاز نسازد، هر چند که زیاد باشد. و بی‌تردید خداوند با مؤمنان است.

۲۰ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خداوند و پیامبرش فرمانبرداری کنید واز او رویْ نگردانید، حال آن که شما [سخنان او را] می‌شنوید.

۲۱ و مانند کسانی که گفتند: «شنیدیم» در حالی که نمی‌شنوند، نباشید.

۲۲ بی‌تردید بدترین جنبندگان نزد خداوند، کرهای گنگ می‌باشند. آنان که اندیشه و درک نمی‌کنند.

۲۳ و اگر خداوند می‌دانست که در آنان نیکویی هست، البته شنوایشان می‌کرد. اگر [هم] شنوایشان می‌کرد، [باز هم] رویْ‌گردان می‌شدند. و آنان رویْ‌گردانانند.

۲٤ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خداوند و پیامبرش آن گاه که شما را بخواند به آن چه شما را زنده [دل و بیدار] می‌سازد، پاسخ دهید. و بدانید که خداوند میان انسان و قلبش حائل می‌شود و این که به سوی او برانگیخته می‌شوید.

۲۵ و بپرهیزید از فتنه‌ای که تنها به کسانی از شما که ستم کردند، نمی‌رسد. و بدانید که خداوند سختْ کیفر است.

۲٦ و آن زمان را به یاد آورید که شما اندک بودید و در زمین ناتوان به شمار می‌آمدید و بیمناک بودید که مردم شما را بربایند. پس شما را [در زمین] پناه داد و به یاریِ خویش شما را تأیید کرد و از پاکیزه‌ها به شما روزی داد، شاید شکرگزار شوید.

۲۷ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خداوند و پیامبر خیانت نکنید. و در امانت‌های خود خیانت نکنید، حال آن که خود می‌دانید.

۲۸ و بدانید جز این نیست که ثروت‌ها و فرزندانتان [همه] آزمون و فتنه‌اند. و بی‌تردید خداوند است که نزد او پاداشی عظیم باشد.

۲۹ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر در برابر خداوند تقوا داشته باشید، او برای شما «فرقان» [جداکنندهٔ حق از باطل] قرار می‌دهد و گناهانتان را از شما پاک می‌سازد و شما را می‌آمرزد. و خداوند صاحب فضل عظیم است.

۳۰ و آن گاه که کسانی که کافر شدند، به تو نیرنگ می‌زدند تا تو را باز دارند، یا تو را بکشند، یا بیرونت کنند. و [آنان] مکر می‌کنند و خداوند مکر می‌کند و خداوند بهترینِ مکر کنندگان می‌باشد.

۳۱ و آن گاه که آیات ما بر آنان خوانده شود، گویند: «شنیدیم. و اگر بخواهیم، مانند این را بگوییم. این جز افسانه‌های گذشتگان نباشد.»

۳۲ و آن گاه که گفتند: «خداوندا، اگر این حق است که از سوی تو می‌باشد، پس از آسمان بر ما سنگ بباران، یا بر ما عذابی دردناک بیاور.»

۳۳ و خداوند بر آن نیست که آنان را عذاب کند، در حالی که تو در میان آنان باشی. و خداوند بر آن نیست که آنان را عذاب کند، در حالی که آنان طلب پوزش (استغفار) می‌کنند.

۳٤ و آنان را چه باشد که خداوند عذابشان نکند؟ حال آن که آنان [مردم را] از «مسجد
الحرام» باز می‌دارند و حال آن که آنان دوستداران و سرپرستانِ آن نیستند.
دوستداران و سرپرستانِ آن جز پرهیزکاران نباشند. و لیکن بیش‌ترِ آنان نمی‌دانند.
۳۵ و نماز آنان (مشرکان) نزدیک خانه [خدا] جز سوت زدن و دستک زدنی نبود. پس
به سبب آن که [به خدا و پیامبرش] کافر می‌شدید، عذاب را بچشید.
۳٦ بی‌تردید کسانی که کافر شدند، ثروت خود را خرج می‌کنند تا [مردم را] از راه
خداوند باز دارند. پس به زودی همهٔ آن را خرج کنند. آن گاه بر آنان [مایهٔ] حسرتی
شود. پس از آن مغلوب گردند. و آنان که کافر شدند، به سوی دوزخ بر انگیخته شوند.
۳۷ تا خداوند ناپاک (کافر) را از پاک (مؤمن) جدا سازد و ناپاکان را بر یکدیگر اضافه
کند و همهٔ [ناپاکان] را یکجا گرد آورد و در دوزخ قرارشان دهد و آنان زیانکار باشند.
۳۸ به کسانی که کافر شدند، بگو که اگر [از گناهکاری] باز ایستند، گناه گذشتهٔ آنان
بخشیده شود. و اگر [به گناه] باز گردند، پس سنّت پیشینیان، گذشته است (به همان
عذاب‌هایی دچار می‌شوند که پیشینیان دچار شدند).
۳۹ و با آنان پیکار کنید، تا این که دیگر فتنه‌ای نباشد. و دین یکسره برای خداوند باشد.
پس اگر باز ایستند، آن گاه بی‌تردید خداوند به آن چه می‌کنند، بیناست.
٤۰ و اگر رویْ بگردانند، پس بدانید که مولای شما خداوند است. نیک مولایی و نیک
یاوری باشد.

٤١ و بدانید آن چه به غنیمت گرفته‌اید، پس بی‌تردید یک پنجمِ آن متعلق به خداوند و پیامبر و خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه‌ماندگان باشد؛ اگر به خداوند و به آن چه ما بر بندۀ خویش فرو فرستادیم در روز «فرقان»: روزی که دو گروه رو به رو گشتند، ایمان آورده‌اید. و خداوند بر هر چیزی تواناست.

٤٢ و آن گاه که شما برکنارۀ نزدیک‌تر (وادی «بدر») و آنان بر کنارۀ دورتر و سواران («ابوسفیان» و همراهانش) پایین‌تر از شما بودند. و اگر با یکدیگر [برای جنگ «بدر»] وعده می‌نهادید، بی‌تردید در میعاد اختلاف می‌کردید. و لیکن [چنان شد] تا خداوند کاری را که باید می‌شد، به پایان بَرَد. تا هر کس هلاک شود، از روی دلیلِ روشن هلاک شود، و هر کس زنده مانَد، از روی دلیلِ روشن زنده بماند. و بی‌تردید خداوند شنوای داناست.

٤٣ آن گاه که خداوند آنان را در خواب تو، به تو اندک نمایاند و اگر آنان را به تو بسیار نمایانده بود، البته سست و بدْ دل می‌شدید و در کار با یکدیگر نزاع می‌کردید. و لیکن خداوند [شما را] ایمنی داد. بی‌تردید او به آن چه در سینه‌هاست، آگاه می‌باشد.

٤٤ و آن گاه آنان را در زمانی که با هم رو به رو شدید، در چشم‌هایتان اندک نمایاند و شما را هم در چشم آنان اندک نشان داد [و این به خاطر آن بود] تا خداوند کاری را که باید انجام می‌شد، به پایان رساند. و کارها به سوی خداوند بازگردانده می‌شود.

٤٥ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، [در پیکارگاه] آن گاه که با گروهی [از دشمن] رو به رو شوید، پایداری کنید و خداوند را بسیار یاد کنید، شاید رستگار شوید.

٤٦ و از خداوند و پیامبر او فرمانبرداری کنید و با هم نزاع نکنید، که سست و بدْ دل
گردید و قدرت شما برود (نابود گردد). و شکیبایی کنید. بی‌تردید خداوند با
شکیبایان باشد.

٤٧ و مانند آن کسان که از خانه‌های خود از روی تکبر و خودنمایی به مردم بیرون
آمدند و [مردم را] از راه خداوند باز می‌داشتند، نباشید. و خداوند به آن چه می‌کنند،
محیط است (تسلط و احاطه دارد).

٤٨ و آن گاه که شیطان کردارشان را بر آنان بیاراست و گفت: «امروز از مردم کسی بر
شما پیروزمند و غالب نیست و بی‌تردید من پناه‌دهنده و پشتیبان شما هستم.» پس
چون دو گروه با یکدیگر رو به رو شدند [شیطان تغییر روش داد و] به پشت
برگشت و گفت: «من از شما بیزارم. من چیزی را می‌بینم که شما نمی‌بینید و من از
خداوند می‌ترسم. و خداوند سخت عقوبت است.»

٤٩ و آن گاه که دورویان (منافقان) و کسانی که در دل‌هایشان بیماری است، گفتند: «این
گروه (مؤمنان) را دینشان فریب داد.» و هر کس بر خداوند توکل کند، بی‌تردید
خداوند عزیز حکیم است.

٥٠ و اگر می‌دیدی آن گاه که فرشتگان جانِ کسانی را که کافر شدند، برگیرند، بر
رویشان و پشتشان می‌زنند و [به آنان می‌گویند:] «عذاب آتش را بچشید.

٥١ این به دلیل آن چه دست‌های شما از پیش فرستاد، می‌باشد.» و بی‌گمان خداوند بر
بندگان ستمکار نیست.

٥٢ مانند شیوۀ «آل فرعون» و کسانی که پیش از آنان بودند، که به آیات خداوند کفر
ورزیدند. پس خداوند آنان را به گناهانشان گرفت. بی‌تردید خداوند نیرومند سخت
عقوبت باشد.

۵۳ این به آن دلیل است که خداوند نعمتی را که بر قومی بخشیده است، دگرگون نکند، مگر این که آنان آن چه را که در وجودشان (نَفْس‌هایشان) هست، تغییر دهند. و به راستی خداوند شنوای داناست.

٥٤ مانند شیوهٔ «آل فرعون» و کسانی که پیش از آنان بودند، که آیات پروردگارشان را دروغ پنداشتند. پس ما آنان را به گناهانشان هلاک ساختیم. و «آل فرعون» را غرق کردیم و همه ستمکار بودند.

۵۵ بی‌تردید بدترین جنبندگان نزد خداوند آنانند که کافر شدند و آنان ایمان نمی‌آورند.

٥٦ کسانی از آنان که تو با آن‌ها پیمان بستی، هر مرتبه پیمان شکنی می‌کنند و پرهیزکاری نمی‌نمایند.

۵۷ و اگر بر آنان در پیکارگاه دست، یابی، چنان بر آنان سخت، گیر که پشتیبانانِ آنان را پراکنده سازی، شاید آنان پند گیرند.

۵۸ و اگر از خیانت گروهی بیمناک گردی، پیمانشان رابه سویشان افکن (پیمان را لغو کن) تا یکسان شوید. بی‌تردید خداوند خیانتگران را دوست نمی‌دارد.

۵۹ و کسانی که کافر شدند، گمان نکنند که پیشدستی کرده‌اند. بی‌تردید آنان [خداوند را] عاجز نمی‌کنند (از عذاب خداوند گریزی ندارند).

٦۰ و برای آنان هر چه می‌توانید، نیرو و اسبان [زین و برگ] بسته آماده سازید [تا] دشمن خداوند و دشمن خویش و کسانی دیگر جز آنان را بترسانید -که شما آنان را نمی‌شناسید- [و] خداوند آنان را می‌شناسد. و هر چه در راه خداوند بخشش کنید، تمام به شما پس داده شود و بر شما ستمی نشود.

٦۱ و اگر آنان به صلح گراییدند، تو نیز به آن، گرای و بر خداوند توکّل کن. بی‌تردید او شنوای داناست.

٦٢ و اگر بخواهند مکر بورزند و تو را بفریبند، بی‌تردید خداوند تو را کفایت کند. او کسی است که تو را به یاریِ خویش و به یاریِ مؤمنان تأیید کرد [و قدرت داد].

٦٣ و بین دل‌های آنان الفت ایجاد کرد. [در حالی که تو] اگر آن چه در زمین است، همه را بخشش می‌کردی، نمی‌توانستی میان دل‌های آنان الفت ایجاد کنی. و لیکن خداوند میان آنان الفت قرار داد. بی‌تردید او عزیز حکیم است.

٦٤ ای پیامبر، خداوند، تو را و هر کس از مؤمنان را که پیرو تو شد، کفایت کند.

٦٥ ای پیامبر، مؤمنان را برای جنگ برانگیز. اگر از شما بیست تن شکیبا باشند، بر دویست تن [کافر] پیروز گردند. و اگر از شما یکصد تن [شکیبا] باشند، بر یکهزار تن از کسانی که کافر شدند، پیروز گردند. برای این که آنان گروهی هستند که نمی‌فهمند.

٦٦ اینک خداوند کار شما را آسان (سبک) کرد و می‌داند که در شما ناتوانی هست. پس اگر از شما یکصد تن شکیبا باشند، بر دویست تن پیروز گردند و اگر از شما یکهزار تن [شکیبا] باشند، به فرمان خداوند بر دوهزار تن پیروز گردند. و خداوند با شکیبایان باشد.

٦٧ برای هیچ پیامبری شایسته نیست که اسیران جنگی داشته باشد، تا این که [با سرکوب دشمنان، دینش] در زمین پاگیرد. شما بهرهٔ دنیا را می‌خواهید و خداوند آخرت را [برای شما] می‌خواهد و خداوند عزیز حکیم است.

٦٨ و اگر پیش از این از سوی خداوند «کتابی» [و دستورالعملی] نبود، بی‌تردید در آن چه گرفتید، شما را عذابی عظیم می‌رسید.

٦٩ پس از آن چه غنیمت جنگی به دست آوردید، حلال و پاکیزه بخورید [و استفاده کنید]. و در برابر خداوند تقوا پیشه کنید. بی‌تردید خداوند آمرزگار مهربان است.

۷۰ ای پیامبر، به کسانی که در دست شما اسیرند، بگو: «اگر خداوند بداند در دل‌های شما خیری هست، بهتر از آن چه از شما گرفته شده است، به شما می‌دهد و شما را می‌آمرزد.» و خداوند آمرزگار مهربان است.

۷۱ و اگر خواهان خیانت به تو باشند، بی‌تردید پیش از آن به خداوند خیانت کرده‌اند. و [خداوند] تو را بر آنان چیره ساخت. و خداوند دانای حکیم است.

۷۲ بی‌تردید کسانی که ایمان آوردند و در راه خداوند هجرت کردند و با ثروت خود و جانشان جهاد و پیکار کردند و کسانی که [مهاجران را] پناه دادند و یاری نمودند، آنان دوستان یکدیگرند. و کسانی که ایمان آوردند و هجرت نکردند، بر شما نیست که آنان را یاری کنید، تا آن که هجرت کنند. و اگر در دین از شما یاری خواهند، یاری آنان بر [عهدهٔ] شما باشد. مگر بر [ضد] قومی که میان شما و آنان پیمانی است. و خداوند به آن چه می‌کنید، بیناست.

۷۳ و کسانی که کافر شدند، آنان دوستان یکدیگر باشند. اگر شما [به یکدیگر یاری] نکنید، در زمین فتنه و فسادی بزرگ خواهد بود.

۷٤ و کسانی که ایمان آوردند و در راه خداوند مهاجرت نمودند و جهاد و پیکار کردند، و کسانی که [مهاجران را] پناه دادند و یاری نمودند، آنان به راستی مؤمن هستند. برایشان آمرزشی و رزقی پُر ارج باشد.

۷۵ و کسانی که پس از آن ایمان آوردند و هجرت نمودند و در کنار شما جهاد و پیکار کردند، پس آنان از شما باشند و در «کتاب» خداوند، خویشاوندان به یکدیگر سزاوارترند. بی‌تردید خداوند به همه چیز داناست.

مدنی

سورهٔ توبه (پاکی از گناه - برائت)

۱ بیزاریِ خداوند و پیامبرش بر کسانی از مشرکان باشد، که شما با آنان پیمان بستید.
۲ پس [ای مشرکان] چهار ماه در زمین سِیر و سَفر کنید و بدانید که شما عاجز کنندگان خداوند نیستید (از عذاب خداوند گریزی ندارید). و به راستی خداوند خوارسازِ کافران باشد.
۳ و این اعلام و آگاهی از خداوند و پیامبرش به مردم در روز حج اکبر است، به این که خداوند و رسولش از مشرکان بیزارند و اگر توبه کردید، پس آن برای شما نیکوتر است. و اگر رویْ گردانیدید، بدانید که شما عاجزکنندگانِ خداوند نیستید (از عذاب خداوند گریزی ندارید). و کسانی را که کافر شدند، از عذاب دردناکی خبر بده.
٤ مگر کسانی از مشرکان که با آنان پیمان بستید، پس از آن، چیزی از [عهدِ] شما نکاستند و کسی را بر [ضدّ] شما پشتیبانی نکردند. پس پیمان آنان را تا آخر مدّتشان تمام کنید. بی‌تردید خداوند پرهیزکاران را دوست دارد.
٥ پس آن گاه که ماه‌های حرام به پایان رسید، مشرکان را هر جا که بیابید، بکشید و آنان را دستگیر کنید و محاصره‌شان نمایید و در هر کمینگاهی در کمینشان بنشینید. پس اگر توبه کردند و نماز را بپا داشتند و زکات دادند، راهشان را باز کنید. بی‌تردید خداوند آمرزگار مهربان است.
٦ و اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست، پناهش بده، تا این که سخن خداوند را بشنود. سپس او را به جای امن خودش برسان. این به خاطر آنست که آنان گروهی هستند که نمی‌دانند.

۷ چگونه برای مشرکان نزد خداوند و نزد رسولش پیمانی باشد؟ مگر کسانی که با آنان نزد «مسجدالحرام» پیمان بستید. پس تا زمانی که برای شما [به حفظ پیمان] پایدار باشند، شما نیز برای آنان [به حفظ پیمان] پایدار باشید. بی‌تردید خداوند پرهیزکاران را دوست می‌دارد.

۸ چگونه [پیمانی برای مشرکان باشد] حال آن که اگر بر شما دست یابند، هیچ خویشاوندی و هیچ پیمانی را در حق شما رعایت نکنند. به دهان‌های خویش شما را خوشنود کنند و دل‌هایشان روی‌ْگردان است. و بیش‌ترشان نافرمانند.

۹ در برابر آیات خداوند بهای ناچیزی به دست آوردند. پس [مردم را] از راه او باز داشتند. بی‌تردید آن چه آنان می‌کردند، بد است.

۱۰ در حق هیچ مؤمنی، نه خویشاوندی و نه پیمانی را رعایت نکنند. و آن گروه خودْ تجاوزگران [از حدود الهی] باشند.

۱۱ پس اگر توبه کنند و نماز را بپادارند و زکات دهند، آن گاه در دین برادران شما هستند و ما آیات را برای گروهی که می‌دانند، به تفصیل (به روشنی) بیان می‌کنیم.

۱۲ و اگر آنان پس از پیمانشان سوگندهای خویش را بشکنند و در دین شما طعنه زنند، پس با پیشوایان کفر جنگ کنید. بی‌تردید آنان را سوگندی نباشد. شاید [از تجاوزگری] دست بردارند.

۱۳ آیا با گروهی که سوگندهای خویش را شکستند و قصد بیرون کردن رسول را کردند، پیکار نمی‌کنید؟ و آنان نخستین مرتبه، آغاز [به حمله به شما] کردند. آیا از آنان می‌ترسید؟ پس خداوند شایسته‌تر است که از او بترسید، اگر مؤمن هستید.

۱٤ با آنان پیکار کنید، تا خداوند آنان را به دستان شما عذاب کند و خوارشان سازد و شما را بر آنان پیروزی دهد و سینهٔ ملّت مؤمن را شفا بخشد.

۱۵ و خشمِ دل‌های آنان را ببرد و خداوند بر هر که خواهد، [توفیقِ] توبه دهد. و خداوند دانای حکیم است.

۱٦ آیا گمان بردید که [به حال خود] واگذاشته شوید، بدون آن که خداوند [شما را بیازماید و] کسانی از شما را که جهاد کردند و به جز خداوند و به جز پیامبرش و به جز مؤمنان همرازی نگرفتند، بشناساند؟ و خداوند به آن چه می‌کنید، آگاه است.

۱۷ شایسته نیست که مشرکان مسجدهای خداوند را آباد کنند. در حالی که گواه بر کفر خویشند. آن گروه کردارشان تباه شده است و آنان در آتش جاودانه‌اند.

۱۸ جز این نباشد که مسجدهای خداوند را کسی آباد می‌کند که به خداوند و روز آخرت ایمان دارد و نماز را بپا دارد و زکات بدهد و جز از خداوند [از کسی یا چیزی] نترسد. پس شاید آنان از هدایت یافتگان باشند.

۱۹ آیا آب نوشاندن به حاجیان و آباد کردن «مسجدالحرام» را مانند [کارِ] کسی قرار می‌دهید که به خداوند و روز آخرت ایمان آورد و در راه خداوند جهاد کند؟ [آنان] نزد خداوند یکسان نیستند. و خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند.

۲۰ آنان که ایمان آوردند و هجرت کردند و در راه خداوند با ثروت و مال و جان خویش جهاد کردند، نزد خداوند درجه و منزلت عظیم‌تری دارند. و آن گروه رستگارند.

۲۱ پروردگارشان آنان را به رحمتی از خود و به خوشنودی و به بوستان‌هایی که در آن برای آنان نعمت‌های پایدار باشد، مژده می‌دهد.

۲۲ برای همیشه در آن جاودانه‌اند. بی‌تردید پاداشی عظیم نزد خداوند است.

۲۳ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پدرانتان و برادرانتان را –اگر کفر را بر ایمان برگزینند– دوست خود نگیرید و هر کس از شما آنان را دوست بگیرد، پس آن گروه خود ستمکارند.

۲٤ بگو: «اگر پدرانتان و پسرانتان و برادرانتان و همسرانتان و بستگانتان و ثروتی که گرد آورده‌اید و تجارتی که از کسادیش بیمناکید و خانه‌هایی که به آن‌ها خوشنودید، از خداوند و پیامبرش و جهاد در راه خدا برای شما محبوب‌تر و گرامی‌تر است، پس منتظر باشید تا خداوند امر خویش را بیاورد.» و خداوند گروه نافرمانان را هدایت نمی‌کند.

۲۵ بی‌تردید خداوند شما را در مکان‌های بسیاری یاری کرد. و روز جنگ «حُنَیْن» –آن گاه که بسیاریِ جمعیتِ شما خودتان را به شگفت آورد– اما [این لشکر انبوه] شما را چیزی بی‌نیاز نکرد و زمین همهٔ با فراخی‌اش بر شما تنگ آمد. سپس پشت کنان بازگشتید و گریختید.

۲٦ سپس خداوند آرامش خود را بر پیامبر خویش و مؤمنان فرو فرستاد و لشکریانی که شما آنان را نمی‌دیدید، فرو فرستاد. و کسانی را که کفر ورزیدند، عذاب کرد. و این جزای کافران است.

۲۷ آن گاه پس از آن خداوند بر هر که بخواهد، [توفیقِ] توبه دهد و خداوند آمرزگار مهربان است.

۲۸ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، جز این نیست که مشرکان ناپاک (نجس) هستند. و پس از این سالشان آنان نباید به «مسجدالحرام» نزدیک شوند. و اگر از فقر بیم دارید، پس زود باشد که خداوند اگر بخواهد، شما را از فضل خویش بی‌نیاز کند. بی‌گمان خداوند دانای حکیم است.

۲۹ با کسانی که به آنان «کتاب» داده شد، که نه به خدا ایمان می‌آورند و نه به روز آخرت، و نه آن چه را که خداوند و پیامبر او حرام کرده‌اند، حرام می‌دارند، و دین حق را نمی‌پذیرند، پیکار کنید، تا این که با سرافکندگی به دست خود جزیه دهند.

۳۰ و «یهودیان» گفتند: «»عُزَیْر» پسر خداست»، و «نصرانیان» گفتند: «»مسیح» پسر خداست»، این سخن آنان به دهان‌هایشان است. آنان [سخنشان را] به سخن کسانی که پیش از آنان کافر شدند، مانند می‌سازند. خدا آنان را بکشد، که چگونه فریب می‌خورند و از حق روی‌ْگردان می‌شوند.

۳۱ آنان به جز خداوند، کشیشان (دانشمندان دینی) خود را و دِیْرنشینان (زاهدان) خود را و «مسیح» پسر «مریم» را پروردگاران خویش گرفتند. حال آن که فرمان داده نشدند، مگر این که خداوند یگانه را بپرستند، که معبودی جز او نیست. او از آن چه شریک می‌گیرند، پاک و منزّه است.

۳۲ می‌خواهند نور خداوند را به دهان‌های خویش خاموش سازند. و خداوند اجازه نمی‌دهد و نمی‌خواهد جز این که نور خویش را تمام کند. هر چند که کافران را ناپسند آید.

۳۳ او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد، برای این که آن را بر همهٔ دین‌ها برتری و چیرگی دهد، هر چند که مشرکان را ناپسند آید.

۳٤ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بی‌تردید بسیاری از کشیشان (دانشمندان دینی) و دِیْرنشینان (زاهدان) اموالِ مردم را به باطل می‌خورند و [مردم را] از راه خداوند باز می‌دارند. و آنان که طلا و نقره را ذخیره می‌کنند و آن را در راه خداوند بخشش نمی‌کنند، تو آنان را به عذابی دردناک خبر بده.

۳۵ روزی که آن [ذخیره‌های طلا و نقره] در آتش جهنم افروخته گردد و پیشانی‌های آنان و پهلوهایشان و پشت‌هایشان را با آن [سکّه‌ها] داغ نهند [به آنان گفته شود]: «اینست آن چه برای خود ذخیره کردید! پس آن چه را که ذخیره می‌کردید، بچشید!»

۳٦ بی‌گمان شمارهٔ ماه‌ها نزد خداوند در «کتاب» خداوند دوازده ماه است، از روزی که [خداوند] آسمان‌ها و زمین را بیافرید. از آن [ماه‌ها] چهار ماه حرام است. این دین پایدار است. پس در آن [چهار ماه] بر خویش ستم نکنید. و همگی با مشرکان پیکار کنید، همان گونه که آنان همگی با شما پیکار می‌کنند. و بدانید که خداوند با پرهیزکاران است.

۳۷ جز این نیست که جا به جا کردن و به تأخیر انداختن [ماه‌های حرام] افزایشی در کفر است. کسانی که کافر شدند، به آن گمراه می‌شوند. یک سال آن را حلال می‌شمارند و یک سال آن را حرام می‌کنند، تا با شمارهٔ آن چه (ماه‌هایی) که خداوند حرام کرده است، مطابق کنند، پس آن چه را که خداوند حرام کرده است، حلال کنند. زشتیِ کردارشان بر آنان آراسته شد. و خداوند گروه کافران را هدایت نمی‌کند.

۳۸ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شما را چه شده است که آن گاه که به شما گفته می‌شود که در راه خداوند کوچ کنید [تنبلی می‌کنید و] بر زمین سنگین می‌شوید؟ آیا به زندگانی دنیا نسبت به آخرت راضی شدید؟ پس [بدانید که] بهرهٔ زندگی دنیا در [برابر] آخرت جز اندکی نیست.

۳۹ اگر کوچ نکنید، به عذاب دردناکی عذابتان کند و به جای شما قوم دیگری را می‌آورد و شما چیزی به او زیان نمی‌رسانید. و خداوند بر همه چیز تواناست.

۴۰ اگر او را یاری نکنید، بی‌تردید خداوند او را یاری داد، آن زمان که کسانی که کافر شدند، او را [از «مکّه»] بیرون کردند. [او] دومین شخص از دو تن بود هنگامی که آن دو در غار بودند، در آن لحظه که او به همراه خویش می‌گفت: «اندوهگین مباش. بی‌تردید خداوند با ماست.» پس خداوند آرامش خویش را بر او فرود آورد و او را به لشکریانی یاری کرد، که شما آنان را نمی‌دیدید. و [خداوند] سخن کسانی را که کافر شدند، خوار (پست) ساخت و سخن خداوند است که برترین است. و خداوند عزیز حکیم است.

٤١ سبکبار و گرانبار بکوچید و در راه خداوند با مال و جان خویش جهاد کنید. این
برای شما بهتر است، اگر می‌دانستید.
٤٢ اگر بهره نزدیک و سفری کوتاه بود، بی‌تردید به دنبال تو می‌آمدند. و لیکن مسافت
(راه) در نظر آنان دور و پُر مشقت آمد. و به زودی به خداوند سوگند یاد کنند: «اگر
می‌توانستیم، با شما کوچ می‌کردیم.» آنان خود را هلاک می‌کنند. و خداوند می‌داند
که آنان دروغگو هستند.
٤٣ خداوند تو را عفو کرد. چرا تا بر تو معلوم نشده بود که از میان اجازه‌خواهان چه
کسانی راستگو و چه کسانی دروغگو هستند، به آنان اجازه دادی؟
٤٤ کسانی که به خداوند و روز آخرت ایمان آوردند، برای این که با مال و جان خویش
جهاد کنند، از تو اجازه نمی‌خواهند. و خداوند به [احوالِ] پرهیزکاران داناست.
جز این نیست که کسانی از تو اجازه می‌خواهند، که به خداوند و روز آخرت ایمان
٤٥ ندارند. و دل‌هایشان به تردید افتاده است. و آنان در تردیدِ خود سرگردانند.
و اگر اراده به خروج کرده بودند، بی‌تردید ساز و برگی برای آن آماده می‌کردند. و
٤٦ لیکن خداوند را برانگیختنِ آنان ناپسند آمد. پس آنان را [از رفتن به جهاد] باز
داشت. و [به آنان] گفته شد: با [در خانه] نشستگان بنشینید.
اگر آنان در میان شما [برای جهاد] خارج می‌شدند، جز فساد بر شما نمی‌افزودند و
٤٧ در میان شما به سخن‌چینی می‌پرداختند و برای شما فتنه می‌جستند و در میان شما
جاسوسانی دارند. و خداوند به [احوالِ] ستمکاران داناست.

٤٨ بی‌تردید از پیش، فتنه‌جویی می‌کردند و کارها را برای تو وارونه می‌ساختند، تا این که حق آمد و فرمان خداوند آشکار گردید، در حالی که آنان ناخوشنود بودند.

٤٩ و از آنان کسی هست که می‌گوید: «به من اجازه بده و به فتنه‌ام مینداز.» بدان که آنان در فتنه افتاده‌اند و بی‌تردید دوزخ فراگیرندهٔ کافران است.

٥٠ اگر به تو نیکی رسد، آنان را آزرده و خشمگین کند. و اگر به تو مصیبتی رسد، گویند: «ما از پیش کار خود را [به دست] گرفتیم.» و شادمانه رویْ بر می‌گردانند.

٥١ بگو: «هرگز چیزی به ما نرسد، جز آن چه خداوند بر ما نوشته [و مقدر کرده] است. او مولای ما باشد و مؤمنان بی‌تردید باید بر خداوند توکل کنند.»

٥٢ بگو: «آیا برای ما جز یکی از دو نیکی را انتظار می‌برید؟ و ما منتظریم که خداوند به شما عذابی –از سوی خویش یا به دست ما– برساند. پس منتظر باشید. بی‌تردید ما [هم] با شما انتظار می‌کشیم.»

٥٣ بگو: «[اگر] خواسته یا ناخواسته انفاق کنید، از شما پذیرفته نشود. زیرا شما گروهی نافرمان هستید.»

٥٤ و هیچ چیز مانع قبول بخشش‌هایشان نشد، جز این که آنان به خداوند و به پیامبرش ناباور شدند. و به نماز نمی‌آیند، مگر در حالی‌که کسل [و بی‌میل] هستند. و بخشش نمی‌کنند، مگر در حالی که خوش ندارند.

۵۵ پس ثروتشان و فرزندانشان تو را به شگفت نیاورد. جز این نیست که خداوند
می‌خواهد در زندگیِ دنیا آنان را به آن عذاب دهد و جانشان، در حالی که کافرند،
هلاک گردد.
٥٦ و آنان به خداوند سوگند یاد می‌کنند که بی‌تردید از شما هستند، [در حالی که] آنان
از شما نیستند. و لیکن ایشان قومی ترسو می‌باشند.
۵۷ اگر پناهگاهی یا غارهایی یا درونگاهی برای خزیدن بیابند، البته شتابان به آن رو
می‌آورند.
۵۸ و از آنان کسی باشد که در صدقه‌ها بر تو خرده می‌گیرد. پس اگر از آن به آنان داده
شود، خوشنود شوند و اگر از آن [به آنان] داده نشود، آن گاه آنان خشمگین
۵۹ می‌شوند.
و اگر آنان به آن چه خداوند و پیامبرش به آنان داده‌اند، خوشنود می‌شدند و
می‌گفتند: «خداوند، ما را بس باشد، به زودی خداوند از فضل خویش به ما بدهد و
٦۰ پیامبرش [نیز]. بی‌تردید ما به خداوند مایل و امیدوار هستیم» [برای آنان بهتر بود].
جز این نباشد که صدقات برای فقیران و بینوایان و کارکنانی که برای گردآوریِ
زکات کار می‌کنند، است و برای کسانی که دل‌هایشان متمایل به الفت [به «اسلام»]
است. و برای [آزاد کردنِ] بندگان و وام‌داران (بدهکاران) و در راه خداوند و برای
در راه‌ماندگان می‌باشد. این فریضه‌ای از خداوند است. و خداوند دانای حکیم است.
٦۱ و از آنان کسانی باشند که پیامبر را آزار می‌دهند و می‌گویند: «او گوش است»
(خوش‌باور است). بگو: «گوشی است که برای شما خیر است. به خداوند ایمان
دارد و سخن مؤمنان را باور دارد و برای کسانی از شما که ایمان آورده‌اند، رحمتی
می‌باشد.» و کسانی که پیامبر خداوند را آزار می‌دهند، برایشان عذابی دردناک باشد.

٦٢ [دورویان] برای شما به خداوند سوگند یاد می‌کنند، تا خوشنودتان کنند. و شایسته‌تر است که خداوند و رسولش را خوشنود کنند، اگر آنان مؤمن باشند.

٦٣ آیا نمی‌دانند که هر کس با خداوند و پیامبرش درافتد، بی‌تردید برایش آتش دوزخ باشد، که در آن جاودانه است؟ این است خواری و رسوایی عظیم.

٦٤ منافقان از این که بر آنان سوره‌ای فرو فرستاده شود که آنان را به آن چه در دل‌هایشان است باخبر کند، بیمناکند. بگو: «استهزاء کنید. بی‌تردید خداوند بیرون آورنده و آشکار کنندۀ همان چیزی است که از آن بیمناکید.»

٦٥ و اگر از آنان بپرسی، بی‌تردید می‌گویند: «جز این نباشد که ما [یاوه] می‌گفتیم و بازی می‌کردیم.» بگو: «آیا خداوند و آیات او و پیامبرش را استهزاء می‌کردید؟»

٦٦ «عذر نیاورید! بی‌تردید پس از ایمانتان کافر شدید. اگر گروهی از شما را ببخشیم، گروه دیگری را به سبب این که گناهکار بودند، عذاب خواهیم کرد.»

٦٧ مردان دورو و زنان دورو (منافق) همه از یکدیگرند. به کار زشت و ناشایست فرمان می‌دهند و از کار نیکو بر حذر می‌دارند و دست‌های [احسانِ] خویش را می‌بندند. خداوند را فراموش کرده‌اند، پس [خداوند هم] آنان را فراموش کرد. بی‌تردید دورویان خودْ نافرمان و تبهکارند.

٦٨ خداوند به مردان دورو و زنان دورو و کافران، آتش دوزخ را وعده کرده است. در آن جاودانه‌اند. همان برایشان بس باشد. و خداوند آنان را لعنت کرد. و برای آنان عذابی پاینده باشد.

٦٩ مانند کسانی [که] پیش از شما [بودند]. از نظر نیرو از شما قدرتمندتر بودند و خواسته‌ها و ثروت‌ها و فرزندانشان از شما فراوان‌تر بود. پس، از قسمتِ خویش بهره‌مند شدند. و شما هم از قسمت خود بهره‌مند شدید. درست همان گونه که آنان که پیش از شما بودند، از قسمت خویش بهره‌مند گردیدند. و [یاوه] گفتید، همان گونه که [آنان یاوه] گفتند. آن گروه، کردارشان در دنیا و آخرت تباه گردید و آنان خود زیانکاران باشند.

۷۰ آیا خبر کسانی که پیش از آنان بودند، برای ایشان نیامد؟ [خبرِ] قوم «نوح» و «عاد» و «ثمود» و قوم «ابراهیم» و یاران «مَدْیَن» و شهرهای ویران شده که پیامبرانشان با گواه‌ها و دلایل روشن برای آنان آمدند و خداوند نمی‌خواست به آنان ستم کند و لیکن آنان خود به خویشتن ستم می‌کردند.

۷۱ و مردان مؤمن و زنان مؤمن دوستان یکدیگرند. به نیکوکاری فرمان می‌دهند و از زشتکاری [مردم را] برحذر می‌دارند. نماز را بپا می‌دارند و زکات می‌دهند و از خداوند و پیامبرش فرمان می‌برند. به زودی خداوند آن گروه را رحمت کند. بی‌تردید خداوند عزیز حکیم است.

۷۲ خداوند به مردان مؤمن و زنان مؤمن وعده داد [که آنان را] به بوستان‌هایی که از زیر آن‌ها جویبارها جاریست [داخل سازد] که در آن جاودانه‌اند. و جایگاه‌های پاک در بهشت‌های جاودان. و خوشنودی‌ای از خداوند که بزرگ‌تر است. این است آن کامیابی عظیم.

۷۳ ای پیامبر، با کافران و دورویان (منافقان) پیکار کن و بر آنان سخت گیری کن. و جایگاه آنان دوزخ باشد و بدْ سرانجام و مقصدی است.

۷٤ به خداوند سوگند یاد می‌کنند که [سخن کفر را] نگفتند. [اما] بی‌تردید سخن کفر را گفتند و پس از «اسلام» آوردنشان کافر شدند و قصد چیزی را کردند که به آن دست نیافتند. و کینه‌جویی نکردند، مگر [به خاطر] این که خداوند و پیامبرش از فضل خویش آنان را بی‌نیاز کردند. پس اگر توبه کنند، برایشان نیکوتر باشد. و اگر رویْ بگردانند، خداوند آنان را در دنیا و آخرت به عذابی دردناک آزار دهد و در زمین برای آنان دوستی و یاوری نباشد.

۷٥ و از آنان کسانی هستند که با خداوند پیمان بستند که اگر از فضل خویش به ما دهد، بی‌تردید صدقه دهیم و البته از نیکوکاران باشیم.

۷٦ پس آن گاه که از فضل خویش به آنان داد، به آن بخل ورزیدند و پشت کردند. و آنان خود رویْ‌گردان بودند.

۷۷ آن گاه نفاقی در دل‌هایشان باقی گذاشت، تا روزی که او را ببینند؛ به سبب خلافی که به وعدهٔ خود با خداوند کردند و به دلیل آن چه دروغ می‌گفتند.

۷۸ آیا نمی‌دانستند که خداوند نهانشان و راز گفتنشان را می‌داند؟ و بی‌تردید خداوند تمام نهان‌ها را می‌داند.

۷۹ کسانی که مؤمنان را که [برای جنگ] با علاقه، صدقات [بیش از اندازه] می‌دهند، نکوهش می‌کنند و کسانی را هم که جز به اندازهٔ توانایی خویش نیابند، مسخره می‌کنند؛ خداوند آنان را مسخره کند و برای آنان عذابی دردناک باشد.

۸۰ برای آنان چه آمرزش بخواهی، یا آمرزش نخواهی [حتی] اگر هفتاد مرتبه برایشان آمرزش بخواهی، خداوند هرگز آنان را نیامرزد. این به آن دلیل است که آنان به خداوند و پیامبرش کافر شدند. و خداوند قوم نافرمان و تبهکار را هدایت نمی‌کند.

۸۱ آنان که بر خلاف دستور پیامبر از جنگ کناره زدند، شادمان شدند و ناخوش داشتند که در راه خداوند با مال و جان خویش جهاد کنند. و گفتند: «در گرما بیرون نروید.» بگو: «گرمای آتش دوزخ شدیدتر باشد.» اگر می‌فهمیدند.

۸۲ پس باید به جزای آن چه کسب می‌کردند (دستاوردشان) اندک بخندند و بسیار بگریند.

۸۳ پس اگر خداوند تو را به سوی گروهی از آنان بازگرداند، سپس از تو برای بیرون رفتن دستور خواهند، بگو: «هرگز با من بیرون نخواهید آمد و هرگز همراه من با دشمن پیکار نخواهید کرد. بی‌تردید شما نخستین مرتبه از خانه‌نشینی [و ترکِ جهاد] شادمان شدید. پس با بازماندگان بنشینید.»

۸٤ و هرگز بر هیچ یک از آنان که می‌میرد، نماز نگزار و بر گورش نایست. بی‌تردید آنان به خداوند و پیامبرش کافر شدند و در حالی که نافرمان و تبهکار بودند، مردند.

۸٥ و ثروت‌ها و فرزندانِ آنان تو را به شگفت نیاورد. جز این نباشد که خداوند می‌خواهد آنان را به آن در دنیا عذاب کند و وجودشان (نفوسشان) در حالی که کافرند، هلاک شود.

۸٦ و آن گاه که سوره‌ای فرو فرستاده شود، که به خداوند ایمان آورید و در کنار پیامبرِ او جهاد و پیکار کنید، توانگرانِ آنان از تو اجازه می‌خواهند و گویند: «ما را رها کن، تا با [در خانه] نشستگان باشیم.»

۸۷ از این که با بازماندگان باشند، خرسند شدند! و بر دل‌های آنان مُهر زده شد. پس آنان نمی‌فهمند.

۸۸ لیکن پیامبر و کسانی که با او ایمان آوردند، با اموالشان و جان‌هایشان جهاد و پیکار کردند. و آن گروهند که خوبی‌ها برای آنان باشد و آن گروه رستگارند.

۸۹ خداوند برای آنان بوستان‌هایی آماده کرد، که از زیر آن‌ها جویبارها جاریست. در آن جاودانه‌اند و این است رستگاری عظیم.

۹۰ و پوزش خواهان از عرب‌های بادیه‌نشین آمدند، تا به آنان اجازه داده شود [که به جنگ نیایند] و کسانی که به خداوند و پیامبرش دروغ بستند [در خانه] نشستند. به زودی به کسانی از آنان که کافر شدند، عذابی دردناک برسد.

۹۱ بر ناتوانان و بر بیماران و بر آنان که چیزی نمی‌یابند تا بخشش کنند، گناهی نیست، اگر در مورد خداوند و پیامبرش اندیشهٔ نیکویی داشته باشند. بر نیکوکاران هیچ راهی [برای سرزنش] نباشد و خداوند آمرزگار مهربان است.

۹۲ و نه بر کسانی که آن گاه که نزد تو آمدند تا [برای جنگ بر اسب و شتر] سوارشان کنی، گفتی: «چیزی نمی‌یابم که شما را بر آن سوار کنم.» آنان در حالی بازگشتند که چشمانشان از اندوهِ این که چیزی نمی‌یافتند تا بخشش کنند، پُر از اشک بود.

۹۳ جز این نباشد که راه [سرزنش] بر کسانی است که از تو اجازه می‌خواهند، در حالی که خود توانگرند و خوشنود شدند به این که با بازماندگان باشند و خداوند بر دل‌های آنان مُهر زد، پس آنان خود نمی‌دانند.

٩٤ آن گاه که به سوی آنان بازگردید، نزد شما عذرخواهی می‌کنند. بگو: «عذری نیاورید، که شما را هرگز قبول نداریم. بی‌تردید خداوند ما را از خبر [کار]های شما آگاه ساخت. و به زودی خداوند و پیامبرش کار شما را خواهند دید. آن گاه به سوی دانای نهان و عیان بازگردانده می‌شوید. پس شما را از آن چه می‌کردید، آگاه سازد.»

٩٥ آن گاه که [از جنگ] به سوی آنان باز آمدید، برای شما به خداوند سوگند یاد کنند، تا دست از آنان بدارید. پس دست از آنان بدارید. بی‌تردید آنان پلیدند و جایشان به سبب آن چه کسب می‌کردند (دستاوردشان) دوزخ است.

٩٦ برای شما سوگند یاد می‌کنند، تا از آنان خرسند شوید. پس اگر شما از آنان خوشنود شوید، بی‌تردید خداوند از گروه نافرمانان و تبهکاران خوشنود نمی‌شود.

٩٧ عرب‌های بادیه‌نشین در کفر و دورویی (نفاق) سخت‌تر باشند. و سزاوارترند که حدود آن چه خداوند بر پیامبرش فرو فرستاده است، ندانند [و بی‌خبر بمانند] و خداوند دانای حکیم است.

٩٨ و از عرب‌های بادیه‌نشین کسی باشد که آن چه را که بخشش می‌کند، غرامت می‌داند و برای شما انتظار رویدادهای بد دارند. رویدادهای بد بر آنان باشد. و خداوند شنوای داناست.

٩٩ و از عرب‌های بادیه‌نشین کسی باشد که به خداوند و روز آخرت ایمان دارد و آن چه را بخشش کند، موجب نزدیکی به خداوند و ملاطفتی (صلواتی) از پیامبر می‌داند. بدانید که آن‌ها موجب نزدیکی آنان گردد. به زودی خداوند آنان را در رحمت خویش داخل سازد. بی‌تردید خداوند آمرزگار مهربان است.

۱۰۰ و خداوند از پیشی‌گیرانِ نخستین –از «مهاجران» و «انصار» و کسانی که در نیکوکاری پیرو آنان شدند– خوشنود می‌باشد و آنان از [لطفِ] خداوند خرسندند و برای آنان بوستان‌هایی آماده کرده است، که زیر آن‌ها جویبارها جاریست. در آن همیشه جاودانه‌اند. این است رستگاری عظیم.

۱۰۱ و کسانی از عرب‌های بادیه نشین که پیرامون شما می‌باشند، دورو هستند. و کسانی از اهل «مدینه» [نیز] بر دورویی پافشاری کرده‌اند و خو گرفته‌اند. تو آنان رانمی‌شناسی. [امّا] ما آنان را می‌شناسیم. به زودی دو بار آنان را عذاب کنیم. آن گاه به سوی عذابی عظیم بازگردانده شوند.

۱۰۲ و دیگران که به گناهان خود اعتراف کردند، کاری نیک را با کار دیگری که بد بود، به هم آمیختند. شاید خداوند توبهٔ آنان را بپذیرد. بی‌تردید خداوند آمرزگار مهربان است.

۱۰۳ از ثروت‌های آنان صدقه‌ای بگیر، تا آنان را به آن پاک کنی و پاکیزه گردانی [و برکت دهی]. و برایشان دعا کن. بی‌تردید دعای تو بر آنان مایهٔ آرامش است. و خداوند شنوای داناست.

۱۰٤ آیا نمی‌دانند که خداوند است که از بندگانش توبه را می‌پذیرد و صدقات را می‌گیرد و این که خداوند است که توبه‌پذیر مهربان است؟

۱۰۵ و بگو: «عمل کنید. پس به زودی خداوند و پیامبرش و مؤمنان عمل شما را می‌بینند. و به زودی شما به سوی دانای نهان و عیان بازگردانده می‌شوید. پس شما را به آن چه عمل می‌کردید، آگاه سازد.»

۱۰٦ و کسان دیگری [هستند که] واگذار به فرمان خداوند شده‌اند. خداوند یا عذابشان می‌کند و یا توبه‌شان را می‌پذیرد. و خداوند دانای حکیم است.

۱۰۷ و کسانی که مسجدی ساختند برای ضرر زدن و کفر و ایجاد تفرقه و جدایی میان مؤمنان و [به عنوان] کمینگاهی برای کسانی که پیش از آن با خداوند و پیامبرش نبرد کردند. و البته سوگند یاد کنند که ما جز نیکویی نمی‌خواستیم. و خداوند گواهی دهد که بی‌تردید آنان دروغگو هستند.

۱۰۸ تو در آن [مسجد] هرگز [به نماز] نایست. البته مسجدی که از روز نخستین بر [پایه] پرهیزکاری بنا شده، شایسته‌تر است که در آن [برای نماز] بایستی. در آن مردانی باشند که دوست دارند پاک شوند. خداوند پاکان را دوست دارد.

۱۰۹ آیا آن کس که بنای خود را بر [اساسِ] تقوا و خرسندیِ خداوند او بنیاد نهاد بهتر است، یا آن کس که بنای خویش را بر کنارهٔ پرتگاهی سست و فرو ریختنی نهاد، پس به آن در آتشِ دوزخ سقوط کند؟ و خداوند گروه ستمکاران را هدایت نکند.

۱۱۰ پیوسته بنیادی که نهادند، تردیدی در دل‌هایشان باشد. مگر این که دل‌هایشان از هم بگسلد (پاره پاره شود) و خداوند دانای حکیم است.

۱۱۱ بی‌تردید خداوند از مؤمنان جان‌ها و ثروتشان را خرید، برای این که بهشت برای آنان باشد. [آنان] در راه خداوند پیکار می‌کنند، پس می‌کُشند و کشته می‌شوند. وعده‌ای حق است که بر عهدهٔ خداوند باشد. [این وعده] در «تورات» و «انجیل» و «قرآن» است. و کیست که به عهد خویش وفادارتر از خداوند باشد؟ پس به سوداگری با او شاد باشید. و این است همان رستگاری عظیم.

۱۱۲ توبه‌کنندگان، پرستندگان، ستایشگران، روزه‌داران [یا راهیان راه خدا]، رکوع کنندگان، سجده کنندگان، امر کنندگان به نیکی و بازدارندگان از بدی، نگهداران حدود الهی، و مؤمنان، [همه] را مژده بده.

۱۱۳ برای پیامبر و کسانی که ایمان آورده‌اند [شایسته] نباشد که برای مشرکان آمرزش بخواهند، هر چند که خویشاوند باشند؛ پس از آن که برای آنان روشن شد که آنان اهل دوزخند.

۱۱٤ و آمرزش خواستن «ابراهیم» برای پدرش [چیزی] نبود، مگر بنا به وعده‌ای که به او داده بود. پس آن گاه که برای «ابراهیم» آشکار شد که او (پدرش) دشمنِ خداوند است، از او بیزار شد. بی‌تردید «ابراهیم» بسیار دعا کنندهٔ با فروتنی و شکیبا بود.

۱۱۵ و خداوند بر آن نیست که گروهی را پس از آن که هدایتشان کرد، گمراه سازد، تا این که آن چه را که باید [از آن] پروا کنند، برایشان بیان دارد.

۱۱٦ به راستی خداوند به همه چیز داناست. بی‌تردید مُلک آسمان‌ها و زمین از آنِ خداوند است. [او] زنده می‌کند و می‌میراند و شما را جز خداوند دوستی و یاوری نیست.

۱۱۷ بی‌گمان خداوند توبهٔ پیامبر و «مهاجران» و «انصار» را که در ساعتِ سختی از او پیروی کردند، پذیرفت. پس از آن که نزدیک بود دل‌های گروهی از آنان بلغزد. سپس توبهٔ آنان را پذیرفت. بی‌تردید او به آنان رئوف (دارای رحم و شفقت) و مهربان می‌باشد.

۱۱۸ و [توبه] سه تن را پذیرفت که بازماندند، تا آن گاه که زمین با آن فراخی بر آنان تنگ شد و جان‌هایشان بر آنان تنگ گردید و اندیشیدند که پناهگاهی از خداوند جز به سوی او وجود ندارد. پس به آنان [توفیق] توبه داد تا توبه کنند. بی‌گمان خداوند است که توبه‌پذیر مهربان است.

۱۱۹ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خداوند بیمناک باشید و با راستگویان باشید.

۱۲۰ برای اهل «مدینه» و هر کس از عرب‌های بادیه‌نشین که پیرامون آنان هستند [شایسته] نباشد که از [فرمانِ] پیامبر خداوند سرببیچند و وجود (نَفْس) خویش را بر وجود او ترجیح دهند. این به خاطر آنست که در راه خداوند تشنگی و رنج و گرسنگی به آنان نرسد و در مکانی پا نگذارند که کافران را به خشم آورد و از دشمن به چیزی (غلبه و غنیمتی) نمی‌رسند، مگر این که به خاطر آن بر آنان کار نیکی نوشته شود. بی‌گمان خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نسازد.

۱۲۱ و هیچ انفاقِ کوچک و بزرگی نمی‌کنند و از هیچ درّه‌ای نمی‌گذرند، مگر این که برای آنان نوشته می‌شود. تا خداوند به بهترینِ کارهایی که می‌کردند، به آنان پاداش دهد.

۱۲۲ و نباید مؤمنان همه با هم [برای جنگ اسلامی] بیرون آیند. پس چرا از هر گروه از مؤمنان عدّه‌ای نمی‌روند تا در دین، آگاهی و دانش پیدا کنند و زمانی که به سوی آنان باز می‌گردند، قوم خویش را بیم دهند؟ شاید آنان [از نافرمانی خداوند] خودداری کنند.

۱۲۳ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، با کسانی از کافران که به شما نزدیکند، پیکار کنید و باید در شما سختی (شدّت) بیابند. و بدانید که خداوند با پرهیزکاران است.

۱۲٤ و آن گاه که سوره‌ای فرو فرستاده شود، از آنان کسی باشد که می‌گوید: «[این سوره] بر ایمانِ کدام یک از شما افزود؟» و لیکن کسانی که ایمان آورده‌اند، بر ایمانشان افزود و آنان شادمانند.

۱۲٥ و اما آنان که در دل‌هایشان بیماری است، ناپاکی بر ناپاکیِ آنان بیفزود و در حالی که کافر بودند، مردند.

۱۲٦ آیا آنان نمی‌بینند که هر سال یک بار یا دو بار آزمایش می‌شوند؟ سپس نه توبه کنند و نه پند گیرند.

۱۲۷ و آن گاه که سوره‌ای فرو فرستاده شود، به یکدیگر نگاه می‌کنند [و می‌گویند]: «آیا کسی شما را می‌نگرد؟» سپس برمی‌گردند. خداوند هم دل‌هایشان را از [درک حقیقت] برگردانید. به خاطر این که آنان قومی هستند که نمی‌فهمند.

۱۲۸ بی‌گمان برای شما از خودتان پیامبری آمد که رنج و ضرر و هلاکتِ شما بر او گران باشد. بر [هدایتِ] شما حریص است و نسبت به مؤمنان رئوف (دارای رحم و شفقت) و مهربان است.

۱۲۹ پس اگر اینان از تو رویْ گرداندند، بگو: «خداوند مرا بس باشد. معبودی جز او نباشد. بر او توکّل کردم، و او پروردگار عرش عظیم است.»

مکّی

سورهٔ یونس

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ الف. لام. را. این آیه‌های «کتاب» («قرآن») حکیم است.

۲ آیا برای مردم شگفت آور است که به مردی از آنان وحی کردیم، که مردم را بیم بده و کسانی را که ایمان آورده‌اند، مژده بده که برای آنان منزلتِ راستین و پاداش‌های نیکو نزد پروردگارشان باشد. کافران گفتند: «بی‌گمان این شخص، جادوگری آشکار است.»

۳ بی‌تردید پروردگار شما خداوند است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز (دوره) آفرید. سپس بر عرش مستولی شد. کار [آفرینش] را تدبیر می‌کند. شفاعتگری نباشد، مگر پس از اجازه و فرمان او. اینست خداوند، پروردگار شما. پس او را عبادت کنید. آیا پند نمی‌گیرید؟

٤ بازگشت همهٔ شما به سوی اوست. وعدهٔ خداوند راست است. بی‌تردید او آفرینش را آغاز می‌کند. آن گاه آن را باز می‌گرداند. تا کسانی را که ایمان آوردند و نیکوکاری کردند، از روی دادگری پاداش دهد. و برای آنان که کافر شدند، به سبب کفرانشان شرابی از آب جوشان و عذابی دردناک باشد.

٥ او کسی است که خورشید را نوربخش و ماه را تابان قرار داد. و برای آن منزل‌هایی (بروجی) مقدّر کرد، تا شمارهٔ سال‌ها و حساب را بدانید. خداوند آن را جز به حق نیافرید. او آیات را برای گروهی که می‌دانند، به تفصیل بیان می‌کند.

٦ بی‌گمان در گردشِ پی در پیِ شب و روز و آن چه خداوند در آسمان‌ها و زمین آفرید، نشانه‌هایی برای گروهی که پرهیزکارند، می‌باشد.

۷ بی‌گمان کسانی که امید دیدار ما را ندارند و به زندگیِ دنیا خرسند شدند و به آن آرام گرفتند و کسانی که از آیات ما غافلند،

۸ [همهٔ] آنان به سبب آن چه کسب می‌کردند (دستاوردشان) جایشان دوزخ باشد.

۹ بی‌گمان کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیکو کردند، خداوند آنان را به سبب ایمانشان هدایت می‌کند. از زیر [پای] آنان در بوستان‌های پُر نعمت، جویبارها جاریست.

۱۰ دعای آنان در آن اینست: «پروردگارا، پاکی تو راست.» و تحیت آنان در آن سلام است. و پایانِ دعایشان این که: «حمد و سپاس مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است.»

۱۱ و اگر خداوند همان طور که مردم خوبی‌ها را با شتاب می‌خواهند، بخواهد بدی را برای مردم باشتاب بیاورد، عمرشان زود به سر می‌رسد. پس کسانی را که به دیدار ما امید ندارند، رها کنیم که در سرکشی‌شان کور و سرگردانْ باشند.

۱۲ و آن گاه که به انسان زیان (سختی) رسد، [در حالات] خفته به پهلو یا نشسته و یا ایستاده ما را می‌خواند. پس آن گاه که زیان را از او برداریم، چنان برود که گویی ما را به خاطر زیانی که دیده بود، هرگز به خود نخوانده بود. بدینسان برای زیاده‌رَوی کنندگان آن چه می‌کردند، آراسته شد.

۱۳ و بی‌گمان نسل‌های پیش از شما را آن زمان که ستم کردند، هلاک ساختیم و پیامبرانشان برای آنان دلایلِ روشن آوردند، در حالی که آنان نمی‌خواستند ایمان بیاورند. بدینسان گروه گناهکاران را کیفر دهیم.

۱٤ آن گاه شما را پس از آنان در زمین جانشین ساختیم، تا بنگریم که چگونه عمل می‌کنید.

۱۵ و آن گاه که آیاتِ روشن ما بر آنان خوانده شود، کسانی که امید به دیدار ما ندارند، گویند: «[قرآنی] جز این بیاور، یا آن را تبدیلش کن و تغییرش بده.» بگو: «مرا آن [قدرت و اختیار] نباشد که آن را به دلخواهِ خود تغییری دهم و تبدیلش کنم. من جز از آن چه به من وحی می‌شود، از چیزی پیروی نمی‌کنم. بی‌تردید اگر از پروردگارم نافرمانی کنم، از عذاب روزی عظیم می‌ترسم.»

۱٦ بگو: «اگر خداوند می‌خواست، آن را بر شما تلاوت نمی‌کردم و او شما را به آن آگاه نمی‌کرد. و بی‌گمان من پیش از این عمری در میان شما بسر بردم. آیا اندیشه و درک نمی‌کنید؟»

۱۷ پس کیست ستمکارتر از آن کس که بر خداوند دروغ بست، یا آیاتِ او را دروغ پنداشت؟ بی‌گمان گنهکاران رستگار نشوند.

۱۸ و به غیر از خداوند چیزهایی را می‌پرستند، که به آنان زیانی نمی‌رساند و سودی [هم] نمی‌دهد. و می‌گویند: «اینان نزد خداوند شفیعانِ ما باشند.» بگو: «آیا خداوند را در آسمان‌ها و زمین به چیزی خبر می‌دهید، که نمی‌داند؟» او پاک و منزّه است و برتر از آن چه برایش شریک می‌گیرند.

۱۹ و مردمان جز ملّتی واحد نبودند. پس اختلاف کردند. و اگر از سوی پروردگارت از قبل سخنی [در برقراری مهلت و قیامت] صادر نشده بود، میانشان [در همین دنیا] در آن چه اختلاف می‌کردند، حکم می‌شد.

۲۰ و می‌گویند: «چرا از پروردگارش نشانه‌ای بر او فرو فرستاده نشد؟» پس بگو: «غیب فقط از آنِ خداوند است. پس منتظر باشید. البته من [هم] با شما از منتظران هستم.»

۲۱ و آن گاه که به مردم پس از رنجی که به آنان رسید، رحمتی بچشانیم، ناگهان در آیات ما نیرنگ می‌کنند. بگو: «خداوند در نیرنگ سریع‌تر از شما باشد.» بی‌تردید فرستادگانِ ما آن چه را که شما نیرنگ می‌کنید، می‌نویسند.

۲۲ او کسی است که شما را در خشکی و دریا گردش می‌دهد. تا هنگامی که شما در کشتی باشید. در آن هنگام بادی خوش [کشتی را] پیش ببرد. [کشتی نشستگان] به آن شادمان باشند. [ناگاه] بادی سخت، وزیدن گیرد و از هر جا موج بر آنان بیاید و بدانند که به آن موج‌ها [از هر طرف] احاطه شده‌اند. خداوند را به پاکیِ دل و اخلاص در دین بخوانند [و گویند]: «اگر ما را از این [مهلکه] برهانی، البته از شکرگزاران خواهیم شد.»

۲۳ پس آن گاه که آنان را رهایی بخشید، ناگاه آنان در زمین به ناحق ستم و سرکشی کنند. ای مردم، جز این نباشد که ستم و سرکشیِ شما بر خودتان باشد. [این] بهره‌مندی زندگی دنیاست. پس از آن بازگشت شما به سوی ما باشد. پس به آن چه می‌کردید، آگاهتان سازیم.

۲٤ به راستی مَثَلِ زندگیِ دنیا همچون آب بارانی است که آن را از آسمان فرو فرستادیم. پس گیاهِ زمین –از آن چه مردمان و چهارپایان می‌خورند– به آن آب در آمیخت، تا این که زمین پیرایهٔ خود را برگرفت و آراسته گشت و اهل آن (مردمان) پنداشتند که آنان قدرت بر آن دارند. فرمان ما در شبی یا روزی به [سبزه‌زاران] رسید. پس آن را درو شده گرداندیم، که گویی دیروز هیچ نبوده است. بدینسان آیات را برای گروهی که اندیشه می‌کنند، تفصیل می‌دهیم و به روشنی بیان می‌داریم.

۲۵ و خداوند به سوی سرای سلامت می‌خواند و هر کس را بخواهد، به راه راست هدایت می‌کند.

۲٦ برای آنان که نیکی کردند، نیکویی و افزونی است. چهره‌هایشان را سیاهی و خواری نمی‌پوشاند. آن گروه، اهل بهشت باشند. آنان در آن جاودانه‌اند.

۲۷ و آنان که بدی‌ها را کسب کردند (دنبال بدی رفتند) کیفرِ بدی مانند آن برایشان باشد و خواری آنان را بپوشاند. آنان را از [عذاب] خداوند هیچ پناه دهنده‌ای نباشد. گویی سیمایشان به پاره‌هایی از شب تاریک پوشیده شده است. آنان اهل آتشند. آنان در آن جاودانه‌اند.

۲۸ و روزی که همهٔ آنان را برانگیزیم، آن گاه به آنان که شرک آوردند، گوییم: «شما و شریکانتان بر جای خود باشید.» پس میانِ آنان جدایی اندازیم. و شریکانشان گویند: «شما ما را پرستش نمی‌کردید.

۲۹ و خداوند کافی است که میان ما و شما گواه باشد. به راستی ما از عبادت شما [تا امروز قیامت] بی‌اطلاع بودیم.»

۳۰ آن جا هر وجودی (نَفْسی) آن چه را که از پیش فرستاده است، [به طور دقیق] بیازماید. و به سوی خداوند، مولای راستینشان بازگردانده شوند. و از آنان آن چه افترا می‌زدند (خدایان دروغینشان) ناپدید گردد.

۳۱ بگو: «کیست که شما را از آسمان و زمین روزی می‌دهد؟ یا کیست که مالک گوش و چشمان است؟ و کیست که زنده را از مرده بیرون می‌آورد و از زنده مرده برمی‌آورد؟ و کیست که کار [آفرینش] را تدبیر می‌کند؟» آن گاه خواهند گفت: «خداوند.» بگو: «پس آیا از خدا نمی‌ترسید و تقوا پیشه نمی‌کنید؟»

۳۲ پس، این خدای یگانه، به حق پروردگار شماست. و پس از حق جز گمراهی چه باشد؟ پس چگونه [از حق] گردانیده می‌شوید؟

۳۳ بدینسان سخن پروردگارت بر آنان که نافرمانی کردند، واجب گردید، که آنان ایمان نیاورند.

۳٤ بگو: «آیا از شریکانِ شما کسی هست که آفرینش را آغاز کند، آن گاه آن را
بازگرداند؟» بگو: «خداوند آفرینش را آغاز می‌کند. سپس آن را باز می‌گرداند. پس
چگونه به فریب [از حق] روی‌ْگردان می‌شوید؟»
۳٥ بگو: «آیا از شریکان شما کسی هست که به سوی حق هدایت کند؟» بگو: «خداوند
به سوی حق هدایت می‌کند. پس آیا کسی که به سوی حق هدایت می‌کند،
شایسته‌تر است که از او پیروی شود، یا کسی که هدایت نمی‌یابد، مگر آن که
هدایتش کنند. پس شما را چه می‌شود؟ چگونه داوری می‌کنید؟»
۳٦ و بیش‌ترشان جز از پندار پیروی نمی‌کنند. به راستی پندار هرگز [کسی را] چیزی از
حق بی‌نیاز نکند. بی‌گمان خداوند به آن چه می‌کنند، داناست.
۳۷ و شایستهٔ این «قرآن» نباشد که به افترا از سوی غیر خداوند باشد. و لیکن تصدیق
[کنندهٔ] چیزی است که پیش از آنست (کتاب‌های آسمانی پیشین) و تفصیل و بیان
روشن «کتاب» است. تردیدی در آن نباشد [که] از سوی پروردگار جهانیان است.
۳۸ یا می‌گویند: «آن را به افتراء گفت؟» بگو: «سوره‌ای مانند آن بیاورید و غیر از
خداوند هر کس را که می‌توانید بخوانید، اگر راستگویانید.»
۳۹ [نه] بلکه چیزی را دروغ پنداشتند، که به علم آن احاطه‌ای نداشتند و هنوز تأویل آن
برایشان نیامده است. بدینسان کسانی [هم] که پیش از آنان بودند [وحی الهی را]
دروغ پنداشتند. پس بنگر که سرانجامِ ستمکاران چگونه بود.
٤۰ و از آنان کسی باشد که به آن ایمان می‌آورد و از آنان کسی باشد که به آن ایمان
نمی‌آورد. و پروردگار تو، به فسادکاران داناتر است.
٤۱ و اگر تو را تکذیب کردند، بگو: «کردار من برای من، و کردار شما برای شما باشد.
شما از آن چه من می‌کنم، بیزارید و من [هم] از آن چه شما می‌کنید، بیزارم.»
٤۲ و از [میانِ] آنان کسانی باشند که به سخنانِ تو گوش می‌دهند. آیا تو کران را
می‌شنوانی، هر چند که در نیابند؟

٤٣ و از آنان، کسی باشد که به تو می‌نگرد. آیا تو کوران را هدایت می‌کنی، هر چند که نبینند؟

٤٤ بی‌تردید خداوند چیزی به مردم ستم نمی‌کند. و لیکن خودِ مردم به خودشان ستم می‌کنند.

٤٥ و روزی که آنان را برانگیزد، گویی جز ساعتی از روز درنگ نکرده‌اند. میان خودشان [مانند دنیا] اظهار آشنایی می‌کنند. بی‌تردید آنان که دیدار خداوند را دروغ پنداشتند، زیانکار شدند و هدایت‌یافتگان نبودند.

٤٦ و اگر بعضی از آن چه را که به آنان وعده می‌دهیم، به تو نشان دهیم، یا این که [پیش از آن] تو را بمیرانیم، پس بازگشتِ آنان به سوی ما باشد. آن گاه خداوند به آن چه می‌کنند، گواه است.

٤٧ و برای هر ملّتی پیامبری باشد. پس زمانی که پیامبرشان آمد، میانشان به دادگری حکم شود و بر آنان ستم نشود.

٤٨ و می‌گویند: «این وعده چه زمانی خواهد بود؟ اگر راستگویانید؟»

٤٩ بگو: «من صاحب اختیار زیانی و نه سودی برای خود نیستم، مگر آن چه خداوند بخواهد.» هر ملّتی را اجلی (سرآمدی) است. آن گاه که اجلشان فرا رسد، پس نه ساعتی تأخیر کنند و نه آن را پیش اندازند.

٥٠ بگو: «خبر دهید مرا، اگر شبانگاه یا روزگاه عذاب او بر شما بیاید، چیست آن چه مجرمان به آن شتاب می‌کنند؟»

٥١ آیا پس از آن هنگام که بر شما [عذاب] واقع شد، به او ایمان می‌آورید؟ «اکنون؟ و حال آن که به [آمدنِ] آن شتاب می‌کردید؟»

٥٢ سپس به آنان که ستم کردند، گفته شود: «عذابِ پایدار و ابدی را بچشید! آیا جز به آن چه کسب می‌کردید (دستاوردتان) جزا داده می‌شوید؟»

٥٣ و از تو خبر می‌گیرند: «آیا آن (عذاب آخرت) حق است [و دروغ نیست]؟» بگو: «آری به پروردگارم سوگند، که آن راست و حق است و شما به عجز آورندگان [خدا] نیستید (از عذاب خداوند گریزی ندارید).»

٥٤ و اگر هر چه در زمین است، متعلّق به کسی بود که ستم کرده است، آن را به عنوان
فدا می‌داد. و آن گاه که عذاب را ببینند، پشیمانی را پنهان کنند. و میانِ آنان به
عدالت دادگری شود و بر آنان ستمی نشود.

٥٥ بدانید که بی‌تردید آن چه در آسمان‌ها و زمین است، از آنِ خداوند است. بدانید که
بی‌تردید وعدهٔ خداوند راست است. و لیکن بیش‌ترِ آنان نمی‌دانند.

٥٦ او زنده می‌کند و می‌میراند و به سویش بازگردانده می‌شوید.

٥٧ ای مردم، بی‌تردید از سوی پروردگارتان برای شما اندرزی و شفایی برای آن چه در
سینه‌هاست، و هدایتی و رحمتی برای مؤمنان آمد.

٥٨ بگو به فضل خداوند و به رحمت اوست که [مؤمنان] باید شادمان باشند. که آن از
هر چیز که گرد می‌آورند، بهتر است.

٥٩ بگو: «خبر دهید مرا، آن چه خداوند از روزی بر شما فرو فرستاد، شما از آن حرام و
حلال قرار دادید؟» بگو: «آیا خداوند به شما اجازه داد، یا بر خداوند افترایی
می‌بندید؟»

٦٠ و روز قیامت اندیشه و پندار کسانی که بر خداوند دروغ و افترا می‌بندند، چه باشد؟
به راستی خداوند بر مردم صاحب فضل است. و لیکن بیش‌ترشان شکر نمی‌کنند.

٦١ و تو در کاری نباشی و از [کلام] او، از «قرآن»، نخوانی و شما عملی نکنید، مگر این
که از آن گاه که شروع به انجامِ آن می‌کنید، ما بر شما گواه باشیم. و از پروردگارت
به اندازهٔ ذرّه‌ای پنهان نمی‌ماند [نه] در زمین و نه در آسمان و نه کوچک‌تر از آن و
نه بزرگ‌تر، مگر آن که در کتابی روشن [ثبت] باشد.

٦٢ بدانید که بی‌تردید دوستانِ خداوند، نه بیمی بر آنان باشد و نه آنان اندوهگین شوند.

٦٣ آنان که ایمان آوردند و پرهیزکاری می‌کردند.

٦٤ در زندگیِ دنیا و آخرت برای آنان مژده باشد. برای سخنان خداوند هیچ تبدیل و دگرگونی نباشد. این است همان رستگاری عظیم.

٦٥ و سخنِ آنان تو را اندوهگین نسازد. بی‌تردید تمام عزّت از آنِ خداوند است. او شنوای داناست.

٦٦ بدانید که بی‌تردید هر که در آسمان‌ها و هر که در زمین است، از آنِ خداوند باشد. آنان که جز خداوند شریکانی را می‌خوانند، از چه چیزی پیروی می‌کنند؟ جز از گمان پیروی نمی‌کنند و آنان جز دروغ نگویند.

٦٧ خداوند کسی است که برایتان شب را قرار داد، تا در آن آرام گیرید. و روز را روشن ساخت. بی‌تردید در آن نشانه‌هایی است برای گروهی که [سخن حق را] می‌شنوند.

٦٨ گفتند: «خداوند فرزندی گرفت.» او [از این تهمت‌ها] پاک و منزّه است. او بی‌نیاز است. آن چه در آسمان‌ها و آن چه در زمین است، از آنِ اوست. نزد شما به این سخن هیچ دلیل محکمی نیست. آیا بر خداوند چیزی می‌گویید، که نمی‌دانید؟

٦٩ بگو: «بی‌گمان آنان که بر خداوند افتراء و دروغ می‌بندند، رستگار نخواهند شد.»

٧٠ بهره‌ای [ناچیز] در دنیا [می‌برند]. پس آن گاه بازگشتشان به سوی ما باشد. سپس عذابِ شدید را به سبب کفری که می‌ورزیدند، به آنان بچشانیم.

۷۱ و برای آنان خبرِ «نوح» را بخوان. آن گاه که به قوم خود گفت: «ای قوم من، اگر مقام من و یادآوری من به آیات خداوند بر شما گران آید، پس من بر خداوند توکل کردم. پس شما هم با شریکانتان دسته‌جمعی هر کار می‌توانید انجام دهید. آن گاه کارِ شما بر شما پوشیده نباشد. سپس بر من بگذرانید (شورش کنید) و مرا مهلت ندهید.»

۷۲ «و اگر رویْ برتابید، پس من از شما مزدی نمی‌خواهم. مزد من جز بر خداوند نباشد. و مأمور شدم که از مسلمانان باشم.»

۷۳ پس [سخنانِ] او را دروغ پنداشتند. و ما او و کسانی را که با او در کشتی بودند، نجات دادیم و آنان را [در زمین] جانشین قرار دادیم. و کسانی را که آیات ما را دروغ پنداشتند، غرق کردیم. پس بنگر که سرانجامِ بیم داده‌شدگان چگونه بود.

۷٤ آن گاه پس از او پیامبرانی به سوی قومشان فرستادیم. پس ایشان با دلایل روشن به سوی آنان آمدند. پس نمی‌خواستند که به آن چه از پیش دروغ پنداشته بودند، ایمان بیاورند. بدینسان بر دل‌های تجاوزگران مُهر [جهالت] گذاریم.

۷۵ آن گاه پس از آنان «موسی» و «هارون» را با آیات خودمان به سوی «فرعون» و سرانش برانگیختیم. پس تکبر ورزیدند و قومی گناهکار بودند.

۷٦ پس آن گاه که حق از سوی ما بر آنان آمد، گفتند: «بی‌تردید این جادویی آشکار است.»

۷۷ «موسی» گفت: «آیا وقتی حق برایتان آمده است، می‌گویید که این سِحْر است؟ حال آن که جادوگران رستگار نشوند.»

۷۸ گفتند: «آیا به سوی ما آمده‌ای تا ما را از آن چه پدرانِ خود را بر آن [معتقد] یافته‌ایم برگردانی، تا بزرگی بر روی زمین برای شما دو تن باشد؟ ما به شما دو تن ایمان نمی‌آوریم.»

۷۹ و «فرعون» گفت: «هر جادوگرِ دانا و ماهری را نزد من بیاورید.»

۸۰ و آن گاه که جادوگران آمدند، «موسی» به آنان گفت: «[اینک] بیفکنید، آن چه را که می‌خواهید بیفکنید.»

۸۱ و آن گاه که [چوب و ریسمان] افکندند، «موسی» گفت: «آن چه آورده‌اید، جادو است. بی‌تردید به زودی خداوند آن را باطل خواهد ساخت.» به راستی خداوند عمل تبهکاران را اصلاح نکند.

۸۲ و خداوند با سخنان خود حق را ثابت می‌گرداند و هر چند که گنهکاران را خوش نیاید.

۸۳ پس به «موسی» ایمان نیاوردند، مگر فرزندانی از قوم او –با ترس از «فرعون» و سرانش که [مبادا] عقوبتشان کنند– و بی‌تردید «فرعون» در زمین برتری‌جو و به خود بالنده و البته از اسرافکاران بود.

۸٤ و «موسی» گفت: «ای قوم من، اگر شما به خداوند ایمان آورده‌اید و اگر تسلیمْ شدگانید، پس بر او توکل کنید.»

۸۵ پس گفتند: «ما بر خداوند توکل کردیم. پروردگارا، ما را آزمونی برای قومِ ستمکار قرار مده.

۸٦ و ما را به رحمت خویش از قومِ کافر رهایی بخش.»

۸۷ و به «موسی» و برادرش وحی کردیم که شما دو تن برای قوم خود در «مصر» خانه‌هایی بسازید و خانه‌های خویش را محل نماز کنید و نماز را بپا دارید و مؤمنان را مژده بده.

۸۸ و «موسی» گفت: «پروردگارا، بی‌تردید تو به «فرعون» و سرانِ [قومِ] او در زندگی دنیا پیرایه و ثروت داده‌ای، پروردگارا تا [مردم را] از راه تو گمراه سازند؟ پروردگارا، ثروتشان را نابود ساز و بر دل‌هایشان سخت، گیر که ایمان نیاورند، تا این که آن عذاب دردناک را ببینند.»

۸۹ [خداوند] گفت: «دعای شما دو تن پذیرفته شد. پس پایداری کنید و از کسانی که نمی‌دانند، پیروی مکنید.»

۹۰ و «بنی اسرائیل» را از دریا گذراندیم. آن گاه «فرعون» و سپاهیانش از روی ستم و سرکشی به دنبال آنان رفتند. تا آن گاه که غرقابْ «فرعون» را فرو گرفت. گفت: «ایمان آوردم که معبودی نباشد، مگر آن کس که «بنی‌اسرائیل» به او ایمان آوردند و من از تسلیم شدگانم.»

۹۱ «اینک [ایمان آوردی]؟ حال آن که پیش از این نافرمانی می‌کردی و از فسادکاران بودی.

۹۲ پس امروز جسد تو را از آب بیرون بیاوریم، تا برای کسی که پس از تو آید [عبرت و] نشانه‌ای باشد» و بی‌تردید بسیاری از مردم از نشانه‌های ما غافلند.

۹۳ و بی‌گمان «بنی‌اسرائیل» را در جایگاهِ نیکویی جای دادیم و از پاکیزه‌ها به آنان روزی دادیم. پس اختلاف نکردند، مگر آن گاه که دانش بر آنان [در سِفْر تثنیهٔ «تورات»] آمد. بی‌تردید پروردگار تو روز قیامت میان آنان در آن چه اختلاف می‌کردند، داوری کند.

۹٤ پس اگر از آن چه بر تو فرو فرستادیم، در تردید هستی، پس، از آنان که «کتاب» [آسمانی] را پیش از تو می‌خواندند، بپرس. بی‌گمان حق از سوی پروردگارت بر تو آمد. پس تو از تردید کنندگان مباش.

۹۵ و از آنان که آیات خداوند را دروغ پنداشتند مباش، که از زیانکاران خواهی شد.

۹٦ بی‌گمان آنان که سخنِ پروردگارت بر آنان واجب شد، ایمان نمی‌آورند،

۹۷ هر چند که بر ایشان هر نشانه‌ای بیاید. تا این که عذاب دردناک را ببینند.

۹۸ پس هیچ شهری نبود که [اهلِ آن] ایمان آورند و ایمانشان به آنان سود رساند، مگر قوم «یونس». آن گاه که ایمان آوردند، عذابِ خواری را در زندگیِ دنیا از آنان برداشتیم و تا مدتی آنان را بهره‌مند کردیم.

۹۹ و اگر پروردگار تو می‌خواست -هر کس در زمین است- همهٔ آنان یکجا ایمان می‌آوردند. پس آیا تو مردم را به ناخواه مجبور می‌کنی تا مؤمن باشند؟

۱۰۰ و برای هیچ وجودی (نَفْسی) نباشد که ایمان آورد، مگر به اجازهٔ خداوند. و پلیدی را بر کسانی قرار می‌دهد، که اندیشه و درک نمی‌کنند.

۱۰۱ بگو: «بنگرید که در آسمان‌ها و زمین چه هست؟» و این نشانه‌ها و بیم دهندگان [هیچ یک] کسانی را که ایمان نمی‌آورند، بی‌نیاز نمی‌گرداند.

۱۰۲ پس آیا انتظارِ چیزی جز همانندِ روزگار کسانی را دارند که پیش از ایشان گذشتند [و زندگیشان سپری شد]؟ بگو: «انتظار بکشید، که من [هم] با شما از منتظِران هستم.»

۱۰۳ آن گاه پیامبران خود را و کسانی را که ایمان آورده‌اند، می‌رهانیم. بدینسان بر ما حق باشد که مؤمنان را نجات دهیم.

۱۰٤ بگو: ای مردم، اگر از دین من در تردید هستید، پس من آنان را که شما جز خداوند می‌پرستید، عبادت نمی‌کنم؛ و لیکن خداوند را می‌پرستم، که شما را می‌میراند. و دستور دارم که از مؤمنان باشم.

۱۰۵ و [فرمان یافته‌ام:] روی خویش (تمام توجه خویش) را به دین [یکتاپرست] حنیف پایدار بدار

۱۰٦ و از مشرکان مباش. و جز خداوند آن چه را که به تو سودی ندهد و زیانی [هم] نرساند، مخوان. پس اگر چنین کنی، بی‌تردید آن گاه تو از ستمگران خواهی بود.

١٠٧ و اگر خداوند به تو زیانی برساند، غیر از او [هیچ کس] آن را دور نمی‌سازد و اگر برای تو خیری بخواهد، فضلش را هیچ کس دور نمی‌سازد. آن را به هر کس از بندگانش که خواهد، برساند. و او آمرزگار مهربان است.

١٠٨ بگو: «ای مردم، اکنون حق از سوی پروردگارتان برای شما آمده است. پس هر کس هدایت یابد، جز این نباشد که برای خویشتن (به سود خودش) هدایت یافته است. و هر کس گمراه شود، جز این نباشد که بر [زیانِ] خویشتن گمراه شده است. و من وکیل شما نیستم.»

١٠٩ و [تو ای «محمّد»] آن چه را که به تو وحی می‌شود، پیروی کن. و شکیبایی کن، تا خداوند حکم کند و او بهترینِ حکم کنندگان می‌باشد.

سورهٔ هود

مکّی

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

١ الف. لام. را. «کتابی» است که آیاتش [به پیوند با حقیقتِ یگانه] کامل و محکم شده است. سپس از سوی حکیمِ آگاه تفصیل داده شده است،

٢ که جز خداوند را نپرستید. بی‌تردید من از [سوی] او برای شما بیم دهنده و مژده‌بخش هستم.

٣ و این که از پروردگارتان آمرزش بخواهید. پس به درگاهش توبه کنید. [تا] شما را به متاعی نیکو بهره‌مند گرداند –تا زمانی معین– و به هر صاحب فضلی، فضلش را بدهد. و اگر رویْ بگردانید، آن گاه من از عذاب روزی بزرگ بر شما بیمناکم.

٤ بازگشت شما به سوی خداوند است. و او بر همه چیز تواناست.

٥ بدانید که آنان [خم می‌شوند و] سینه‌های خود را جمع می‌کنند، تا از او پنهان شوند. بدانید آن گاه که جامه‌هاشان را بر سر می‌کشند، [خداوند] آن چه را که پنهان می‌دارند و آن چه را که آشکار می‌سازند، می‌داند. بی‌تردید او به آن چه در سینه‌هاست، داناست.

٦ و هیچ جنبنده‌ای در زمین نباشد، مگر آن که رزق [دادن] او بر خداوند است. و قرارگاه و امانتگاه او را می‌داند. همه در کتابی روشن است.

۷ و او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز (دوره) آفرید و عرش او بر آب بود. برای این که شما را بیازماید که کدامین از شما در کردار نیکوترید. و اگر بگویی: «شما پس از مرگ برانگیخته می‌شوید.» بی‌تردید کسانی که کفر ورزیدند، گویند: «این جز جادوی آشکاری نباشد.»

۸ و اگر تا مدتی معدود عذاب را از آنان به تأخیر افکنیم، البته خواهند گفت: «چه چیز آن را باز می‌دارد؟» بدانید روزی که [عذاب] برای آنان آید، از آنان بازگردانده نشود و همان چیزی که آن را مسخره می‌کردند (عذاب)، آنان را فراگیرد.

۹ و اگر آدمی را رحمتی از خود بچشانیم، آن گاه آن را از او باز گیریم، بی‌تردید نومید و ناسپاس باشد.

۱۰ و اگر او را پس از زیانی که به او رسید، نعمتی بچشانیم، البته گوید: «بدی‌ها از من دور شد.» بی‌تردید او شادمانِ خودستا باشد.

۱۱ مگر کسانی که شکیبایی نمودند و کردارِ نیکو کردند. برای آنان آمرزشی و پاداشی بزرگ باشد.

۱۲ پس مبادا تو بعضی از آن چه را که بر تو وحی می‌شود، ترک کنی و سینه‌ات به آن تنگ شود که می‌گویند: «چرا گنجی بر او فرو فرستاده نشد، یا فرشته‌ای با او نیامد؟» جز این نباشد که تو بیم دهنده‌ای و خداوند بر همه چیز وکیل می‌باشد.

۱۳ یا می‌گویند: «آن («قرآن») را به دروغ ساخته است.» بگو: «پس ده سوره مانند آن به
دروغ بیاورید و هر کس را که می‌توانید -غیر از خداوند- [برای انجامِ این کار]
بخوانید، اگر راستگویانید.»

۱٤ پس اگر [دعوت شما را] نپذیرفتند، بدانید که آن چه فرو فرستاده شده است، به
دانش خداوند باشد و این که معبودی جز او نباشد. پس آیا شما «اسلام» آورندگانید؟

۱۵ آن کس که زندگیِ دنیا و پیرایهٔ آن را بخواهد، [ثمرهٔ] کارهای آنان را در آن [در
دنیا] به ایشان تمام بدهیم و در آن به آنان کم داده نشود.

۱٦ آنان کسانی باشند که در آخرت غیر از آتش [چیزی] برایشان نباشد و آن چه در آن
(در دنیا) ساخته‌اند، تباه گردد. و آن چه می‌کردند، باطل بوده است.

۱۷ آیا آن کس که [متّکی] بر دلیل روشنی از سوی پروردگارش باشد و شاهدی از او
آن را دنبال کند -و پیش از آن «کتابِ» «موسی» پیشوا و رحمتی بود- [مانند کافران
است؟] آنان به آن ایمان می‌آورند و هر که از احزاب به آن کافر شود، میعادگاهش
آتش باشد. پس تو از آن در تردید مباش. بی‌گمان آن حق و از سوی پروردگارت
باشد. و لیکن بیش‌ترِ مردم ایمان نمی‌آورند.

۱۸ و کیست ستمکارتر از آن کس که بر خداوند دروغ بست؟ آنان [در آخرت] بر
پروردگارِ خویش عرضه شوند و گواهان می‌گویند: «اینان آن کسانی باشند که بر
پروردگارشان دروغ بستند.» بدانید که لعنتِ خداوند بر ستمکاران باشد.

۱۹ آنان که [مردم را] از راه خداوند باز می‌دارند و کجی و ناراستی آن را می‌طلبند. و
آنان خود به آخرت ناباورند.

۲۰ آنان در زمین عجزآور [خدا] نباشند (از عذاب خدا گریزی ندارند). و آنان را به جز خداوند، دوستانی نباشد. عذاب برای آنان دو چندان می‌شود. آنان تواناییِ شنیدن نداشتند و نمی‌دیدند.

۲۱ آنان کسانی باشند که به نَفْسِ خویش زیان زدند و آن چه دروغ می‌بستند، از آنان گم شد.

۲۲ به ناچار آنان در آخرت از همه زیانکارتر باشند.

۲۳ بی‌تردید کسانی که ایمان آوردند و نیکوکاری کردند و نسبت به پروردگارشان فروتنی نمودند، آنان اهل بهشتند. خویشتن در آن جاودانه‌اند.

۲٤ مَثَلِ این دو گروه، مانند کور و کر و بینا و شنواست. آیا این دو [گروه] به مَثَل یکسانند؟ آیا پند نمی‌گیرید؟

۲۵ و بی‌تردید «نوح» را به سوی قومش فرستادیم. [گفت]: «من برای شما بیم دهنده‌ای آشکار هستم،

۲٦ که جز خداوند را نپرستید. بی‌گمان من از عذاب روزی دردناک بر شما بیمناکم.»

۲۷ پس بلند پایگانِ کسانی که از قوم او کافر شدند، گفتند: «ما تو را جز بشری مانندِ خود نمی‌بینیم. و نمی‌بینیم که کسانی از تو پیروی کنند، مگر آنان که از [میانِ] ما فروپایه و ظاهربین باشند. و شما را بر خود برتر نمی‌بینیم. بلکه شما را دروغگو می‌پنداریم.»

۲۸ [«نوح»] گفت: «ای قوم من، خبر دهید مرا، اگر من بر دلیلی روشن از سوی پروردگارم باشم و خداوند از سوی خویش به من رحمتی داده باشد و بر شما پوشیده باشد. آیا ما شما را به آن مجبور می‌کنیم، در حالی که شما آن را ناخوش دارید؟

۲۹ و ای قوم من، من به خاطر آن (رسالت) ثروتی از شما نمی‌خواهم. و پاداشِ من جز بر خداوند نباشد و من کسانی را که ایمان آورده‌اند، از خود دور نسازم. به راستی آنان پروردگار خویش را دیدار خواهند کرد. و لیکن من شما را قومی می‌بینم که نادانی می‌کنید.

۳۰ و ای قوم من، چه کسی مرا از [عذابِ] پروردگار یاری کند، اگر آنان را دور سازم؟ آیا پند نمی‌پذیرید؟

۳۱ و به شما نمی‌گویم که گنج‌های خداوند نزد من است و [یا این که] غیب می‌دانم. و نمی‌گویم که من فرشته‌ام. و نمی‌گویم که خداوند به کسانی که در چشمان شما خوارند، هرگز خیری نمی‌دهد. خداوند به آن چه در وجودِ آنان است، داناتر باشد. بی‌تردید [اگر چنان اظهاراتی کنم] آن گاه من از ستمکاران باشم.»

۳۲ گفتند: «ای «نوح»، تو با ما کشمکش (جدال) کردی و [این] کشمکش را با ما افزون کردی. پس آن چه را که به ما وعده می‌دهی، بر ما بیاور، اگر از راستگویانی!»

۳۳ [«نوح»] گفت: «جز این نباشد که خداوند -اگر بخواهد- آن را برای شما بیاورد و شما عاجزکنندگان [او] نباشید (از عذاب خداگریزی ندارید).

۳٤ و اگر بخواهم شما را پند دهم، پندِ من به شما سودی ندهد، اگر خداوند بخواهد که شما را گمراه سازد. او پروردگار شماست. و به سوی او بازگردانده می‌شوید.»

۳۵ یا می‌گویند: «آن (رسالت) را دروغ بسته است»؟ بگو: «اگر من [رسالت را] دروغ بسته باشم، پس گناه من، بر من باشد و من از آن چه شما گناه می‌کنید، بیزارم.»

۳٦ و به «نوح» وحی شد که از قوم تو جز آنان که ایمان آورده‌اند، دیگر کسی هرگز ایمان نمی‌آورد. پس به آن چه می‌کردند، اندوهگین مباش.

۳۷ و کشتی را زیر نظر ما و [طبقِ] وحی ما بساز و در مورد آنان که ستم کردند، با من سخن مگوی. بی‌تردید آنان غرق شدگانند.

۳۸ و او («نوح») کشتی را می‌ساخت؛ و هر زمان بزرگانِ قومش بر او می‌گذشتند، او را
مسخره می‌کردند. [«نوح»] می‌گفت: «اگر ما را مسخره کنید، ما هم شما را به
تمسخر خواهیم گرفت، همان طور که شما استهزاء می‌کنید.

۳۹ پس به زودی بدانید چه کسی است که بر او عذابی آید که خوارش سازد و بر او
عذابی پیوسته فرود می‌آید.»

۴۰ تا این که فرمانِ ما آمد و تنور جوشید. گفتیم: «از هر نوعْ دو تا و خانواده‌ات را
بردار –غیر از کسی که دربارهٔ او پیش از این سخن رفت– و هر کس را که ایمان
آورده است [با خود همراه کن].» و با او («نوح») جز اندکی ایمان نیاورده بودند.

۴۱ و [«نوح»] گفت: «در آن [کشتی] سوار شوید. روانْ شدنش و ایستادنش به نام
خداوند باشد. بی‌تردید پروردگار من آمرزگار مهربان است.»

۴۲ و آن [کشتی] آنان را در موجی به سان کوه‌ها می‌برد. و «نوح» پسرش را که بر
کناری بود، ندا داد: «ای پسر من، با ما سوار [کشتی] شو و با کافران مباش.»

۴۳ [پسر «نوح»] گفت: «به زودی به کوهی پناهنده می‌شوم که مرا از آب نگه می‌دارد.»
[«نوح»] گفت: «امروز از فرمانِ خداوند هیچ نگهدارنده‌ای نباشد. مگر آن کس که
[خداوند به او] رحم کند.» و موجْ میانِ آن دو حایل شد. آن گاه او از غرق شدگان بود.

۴۴ و گفته شد: «ای زمین، آب خود را [در خود] فروکش! و ای آسمان تو [از بارش]
باز بمان!» و آب فروشد. و کار به انجام رسید. و [کشتی] بر [کوهِ] «جودِی» قرار
گرفت و گفته شد: «دوری باد برای گروه ستمگران!»

۴۵ و «نوح» پروردگار خویش را خواند و گفت: «پروردگارا، بی‌تردید پسر من، از
خانوادهٔ من است و بی‌گمان وعدهٔ تو راست است و تو حاکم‌ترین حکم‌کنندگانی.»

٤٦ [خداوند] گفت: «ای «نوح»، بی‌تردید او از خانوادۀ تو نیست. بی‌تردید او [دارای] کردار ناشایستی است. پس تو از من آن چیزی را که به آن دانشی نداری، مخواه. بی‌گمان من تو را پند می‌دهم که از نادانان نباشی.»

٤٧ [«نوح»] گفت: «پروردگارا، بی‌تردید به تو پناه می‌آورم از این که چیزی از تو بخواهم، که مرا دانشی به آن نباشد. و اگر تو مرا نیامرزی و به من رحم نکنی، از زیانکاران باشم.»

٤٨ گفته شد: ای «نوح»، با سلام و برکاتی از سوی ما بر تو و ملّت‌هایی از آن‌ها که با تو باشند [بر خاک] فرود آی. و ملّت‌هایی [هم باشند] که آنان را برخوردار خواهیم کرد. پس آن گاه از سوی ما به آنان عذابی دردناک برسد.

٤٩ این از خبرهای غیب باشد، که آن را به سوی تو وحی می‌کنیم. پیش از این نه تو آن را می‌دانستی و نه قوم تو [می‌دانستند]. پس شکیبایی کن. بی‌تردید سرانجام [نیکو] برای پرهیزکاران باشد.

۵۰ و به سوی قوم «عاد» برادرشان «هود» را [فرستادیم]. گفت: «ای قوم من، خداوند را بپرستید. جز او برای شما معبودی نیست. شما جز دروغ‌آوران نباشید.

۵۱ ای قوم من، به خاطر آن (رسالت) از شما پاداشی نخواهم. پاداش من نیست، مگر بر آن کس که مرا آفرید. آیا اندیشه و درک نمی‌کنید؟

۵۲ و ای قوم من، از پروردگارتان آمرزش بخواهید. آن گاه به سویش توبه کنید. [تا] از آسمان برای شما [بارانِ نعمت] پیوسته فرستد. و نیرویی به نیروی شما بیفزاید و گناهکارانه [به حق] پشت مکنید.»

۵۳ گفتند: «ای «هود»، برای ما دلیل روشن و معجزه‌ای نیاوردی و ما -به سخنان تو- معبودان خود را ترک نکنیم. و ما به تو مؤمن نباشیم.

٥٤ [به تو سخنی] نمی‌گوییم، جز این که برخی از معبودان ما به تو آسیبی رسانده‌اند.»
[«هود»] گفت: «من خداوند را گواه می‌گیرم و شاهد باشید که من از آن چه شما
شریک [خداوند] می‌گیرید، بیزارم، [از هر چه] به جز خداوند [می‌پرستید، بیزارم].
٥٥ پس همه بر من نیرنگ کنید. و آن گاه به من مهلت ندهید.
٥٦ بی‌گمان من بر خداوند -پروردگار من و پروردگار شما- توکّل کردم. هیچ جنبنده‌ای
نیست، مگر این که او گیرندهٔ موی پیشانی وی باشد (مقهور خداوند است). به
راستی پروردگار من بر راه راست است.
٥٧ پس اگر رویْ بگردانید، بی‌تردید آن چه را که من به خاطر آن به سوی شما فرستاده
شده‌ام، به شما ابلاغ کردم. و پروردگار من قومی جز شما را جانشین خواهد کرد و
شما چیزی به او زیان نمی‌رسانید. بی‌تردید پروردگار من بر هر چیز نگهبان است.»
٥٨ و آن گاه که فرمانمان رسید، «هود» و کسانی را که با او ایمان آوردند، به رحمتی از
خویش نجات دادیم و آنان را از عذابی سخت رهانیدیم.
٥٩ و این [سرگذشت قومِ] «عاد» بود، که آیات پروردگارشان را انکار کردند و از
فرستادگان او سرپیچی نمودند و از دستور هر ستمگرِ سرکشی پیروی کردند.
٦٠ و در این دنیا و روز قیامت، لعنتی به دنبال آنان باد! بدانید که [قومِ] «عاد» به
پروردگار خویش کافر شدند. بدانید برای «عاد» که قوم «هود» باشند [از رحمت
خداوند] دوری باد!
٦١ و به سوی «ثمود» برادرشان «صالح» را [فرستادیم]. گفت: «ای قوم من، خداوند را
پرستش کنید. شما را جز او معبودی نباشد. او شما را از زمین پدید آورد، و در آن
شما را جا و مکان زندگانی بخشید [و شما را به آباد کردن آن، مکلّف کرد]. پس، از
او آمرزش بخواهید. سپس به سوی او بازگردید. به راستی پروردگار من نزدیک و
پذیرنده [هر دعای خیر] باشد.»
٦٢ گفتند: «ای «صالح»، پیش از این، تو میانِ ما مایهٔ امید بودی. آیا ما را از عبادت آن
چه پدرانمان پرستش می‌کردند، باز می‌داری؟ و بی‌گمان ما در مورد آن چه تو ما را
به آن می‌خوانی، تردید داریم و بدبین هستیم.»

٦٣ [«صالح»] گفت: «ای قوم من، خبر دهید مرا، اگر من بر دلیلی روشن از سوی پروردگارم باشم و از خویشتن به من رحمتی داده باشد، پس کیست که از [عذابِ] خداوند مرا یاری کند، اگر او را نافرمانی کنم؟ و شما به من جز زیان نیفزایید.

٦٤ و ای قوم من، این ناقهٔ خداوند نشانه‌ای برای شما باشد. پس بگذارید که او در زمین خداوند بخورد و آسیبش نرسانید، که [در غیر این صورت] عذابی نزدیک، شما را فراگیرد.»

٦٥ پس آن (ناقه) را «پی» کردند. پس [«صالح»] گفت: «در خانه‌های خویش سه روز [از زندگی] بهره‌مند شوید. و این وعده‌ای است که دروغ نباشد.»

٦٦ پس آن گاه که فرمان ما رسید، «صالح» و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، به رحمتی از خویش –و از رسوایی آن روز– نجات دادیم. بی‌تردید پروردگار توست که توانای عزیز است.

٦٧ و کسانی را که ستم کردند، «صیحه» گرفت و در خانه‌های خویش مُرده افتادند.

٦٨ به آن گونه که گویی هرگز در آن [خانه‌ها] اقامت نداشتند. بدانید که [قومِ] «ثمود» به پروردگارشان کافر شدند. البته دوری باد [از رحمت خداوند] برای قوم «ثمود»!

٦٩ و بی‌تردید فرستادگان ما با مژده به سوی «ابراهیم» آمدند. سلام گفتند. او گفت: «سلام» و برای آوردن گوساله بریان درنگ نکرد.

٧٠ پس آن گاه که دید دستانشان به آن (گوساله) دراز نمی‌شود، آنان را نشناخت و ترسی از آنان [به دل] گرفت. گفتند: «مترس. ما به سوی قومِ «لوط» فرستاده شده‌ایم.»

٧١ و زن او ایستاده بود. پس خندید. آن گاه او را به «اسحاق» مژده دادیم و از پشتِ «اسحاق» به «یعقوب».

۷۲ [همسر «ابراهیم»] گفت: «ای وای بر من! آیافرزند آورم؟ حال آن که من پیرزنم و این شوهر من پیر باشد. بی‌تردید این [اتفاق] چیزی حیرت‌انگیز باشد.»

۷۳ [فرشتگان] گفتند: «آیا از فرمان خداوند در حیرتی؟ رحمت و برکاتِ خداوند بر شما اهل بیت باد! بی‌تردید او ستودهٔ گرامی است.»

۷٤ پس آن گاه که ترس از دل «ابراهیم» رفت و به او مژده رسید، با ما در مورد قوم «لوط» بحث و ایراد می‌کرد.

۷۵ بی‌تردید «ابراهیم» شکیبا و بسیار دعاکنندهٔ با فروتنی و توبه‌گر بود.

۷٦ «ای «ابراهیم» از این [سخنان] بگذر. بی‌تردید فرمان پروردگارت آمده است. و بی‌گمان عذاب بازگشت ناپذیر بر آنان، آمدنی است.»

۷۷ و آن گاه که فرستادگان ما نزد «لوط» آمدند، به خاطر آنان به رنج آمد و به خاطر آنان تنگْ توان شد و گفت: «این روزی سخت باشد.»

۷۸ و قوم او شتابان به سویش آمدند و پیش از آن کارهای زشت و ناپسند می‌کردند. [«لوط»] گفت: «ای قوم من، اینان دختران من باشند. آنان برای شما پاکیزه‌تر باشند. پس از خداوند بترسید و مرا نزد مهمانانم خوار مسازید. آیا در میان شما مردی خردمند و هدایت یافته نیست؟»

۷۹ گفتند: «بی‌گمان تو دانستی که ما را به دختران تو حقی نباشد. و بی‌تردید تو می‌دانی که ما چه می‌خواهیم.»

۸۰ [«لوط»] گفت: «ای کاش مرا در مقابلِ شما توانایی بود، یا به پایگاهی سخت پناه می‌بردم.»

۸۱ [فرشتگان] گفتند: «ای «لوط»، ما فرستادگان پروردگار تو هستیم. [آنان] هرگز به تو نخواهند رسید. پس از پاسی از شب خانوادهٔ خویش را ببر. یک تن از شما نباید به پشت سر بنگرد، مگر زنت که آن چه به آنان رسد، به او هم می‌رسد. بی‌تردید میعاد [عذاب] بامداد باشد. آیا بامداد نزدیک نیست؟»

۸۲ پس آن گاه که فرمانمان آمد، زیر و زبرش کردیم و بر آنان سنگ‌هایی از گِل باراندیم.

۸۳ [سنگ‌هایی] با نشان از سوی پروردگارت. و آن [عذاب] از ستمگران دور نباشد.

۸٤ و به سوی [قوم] «مَدْیَن» برادرشان «شُعَیب» را [فرستادیم]. گفت: «ای قوم من، خداوند را پرستش کنید. شما را غیر از او معبودی نباشد. و پیمانه و ترازو را کم نکنید. به راستی من شما را در کامیابی و خوشی می‌بینم. و بی‌تردید من از عذاب روزی فراگیرنده بر شما بیمناکم.

۸۵ و ای قوم من، پیمانه و ترازو را دادگرانه تمام دهید. و چیزهای مردم را کم ندهید و فسادکارانه در زمین تباهی مکنید.

۸٦ برای شما آن چه خداوند باقی می‌گذارد، بهتر است، اگر مؤمن باشید. و من بر شما نگهبان نیستم.»

۸۷ گفتند: «ای «شُعَیب»، آیا نمازت به تو فرمان می‌دهد که ما آن چه را پدرانمان می‌پرستیدند، رها سازیم، یا در اموالمان آن چه خواهیم، نکنیم؟ به راستی تو شکیبای خردمندی.»

۸۸ [«شُعَیب»] گفت: «ای قوم من، خبر دهید مرا، اگر من بر دلیلِ روشنی از پروردگارم باشم و او به من از سوی خویش رزقی نیکو داده باشد، و در آن چه شما را از آن نهی می‌کنم، قصد مخالفت با شما را ندارم. و جز اصلاح –تا آن جا که بتوانم– نمی‌خواهم. و توفیقِ من جز به [یاریِ] خداوند نباشد. بر او توکل کردم و به سویش باز می‌گردم.»

۸۹ [«شُعَیب» گفت:] «و ای قوم من، [مبادا] اختلاف با من، شما را به جایی کشاند، که بر شما آن رسد، که بر قوم «نوح» یا قوم «هود» یا قوم «صالح» رسید. و [زمان و عاقبت] قوم «لوط» از شما دور نباشد.

۹۰ و از پروردگارتان آمرزش بخواهید، سپس به درگاهش توبه کنید. بی‌تردید پروردگار من مهربان و دوستدار باشد.»

۹۱ گفتند: «ای «شُعَیب»، بسیاری از آن چه را که می‌گویی، نمی‌فهمیم. و بی‌تردید تو را در میان خود ناتوان می‌بینیم. و اگر خاندان تو نبود، البته سنگسارت می‌کردیم و تو برای ما عزیز نیستی.»

۹۲ [«شُعَیب»] گفت: «ای قوم من، آیا خاندان من برای شما عزیزتر از خداوند است، که شما به او پشت کرده‌اید [و فراموشش کرده‌اید]؟ بی‌تردید پروردگار من به آن چه می‌کنید، محیط است (احاطه دارد).

۹۳ و ای قوم من، آن چه می‌توانید، بکنید. بی‌تردید من [هم آن چه می‌توانم] انجام دهم. به زودی خواهید دانست که عذاب بر چه کسی می‌آید و او را خوار و رسوا می‌کند و چه کسی دروغگوست. پس شما مراقب باشید. من هم با شما مراقب خواهم بود.»

۹٤ و آن گاه که فرمانمان رسید، «شُعَیب» و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، به رحمتی از خویش رهانیدیم و کسانی که ستم کردند، «صیحه» آنان را فرا گرفت. پس در خانه‌های خویش مُرده افتادند.

۹۵ چنان که گویی هرگز در آن جا نبوده‌اند. بدانید که برای [قومِ] «مَدیَن» [از رحمت خداوند] دوری باد، همان گونه که برای «ثمود» دوری بود.

۹٦ و بی‌گمان «موسی» را با نشانه‌های خود و دلیلی محکم و روشن فرستادیم.

۹۷ [او را فرستادیم] به سوی «فرعون» و سران او. آن گاه دستورِ «فرعون» را پیروی کردند، حال آن که دستورِ «فرعون» خردمندانه و به راه هدایت نبود.

۹۸ روز قیامت [«فرعون»] پیشگام قوم خویش شود و آنان را به آتش درآورد. و آن جایگاه که به آن واردشان کنند، چه بد باشد!

۹۹ و در پی آنان –در این [دنیا] و روز قیامت– لعنتی باشد. و چه بد است عطای داده شده!

۱۰۰ این از خبرهای شهرها است، که آن را بر تو می‌خوانیم. [تعدادی] از آن‌ها پایدار و [تعدادی] از میان رفته باشد (درویده باشد).

۱۰۱ و ما به آنان ستم نکردیم. و لیکن خودِ آنان [به خویشتن] ستم کردند. پس آن گاه که فرمان پروردگارت آمد، معبودانی که آنان غیر از خداوند می‌خواندند، آنان را چیزی بی‌نیاز نکردند و جز بر هلاکشان نیفزودند.

۱۰۲ و گرفتن پروردگارت چنین باشد. آن گاه که شهرها را گرفت –در حالی که ستمکار بودند– بی‌تردید گرفتن او سخت دردناک است.

۱۰۳ بی‌گمان در این نشانه‌ای است برای کسی که از عذاب آخرت بترسد. آن روزی است که برایش مردمان گرد هم آورده شوند و آن روزی است که همه در آن حاضر شوند و آن را ببینند.

۱۰٤ و ما آن را به تأخیر نیندازیم، مگر برای وقتی معدود.

۱۰۵ روزی که چون فرا رسد، کسی جز به فرمان او سخن نگوید. و از [میانِ] آنان [کسانی] نگون‌بخت و [کسانی] نیک‌بخت باشند.

۱۰٦ پس امّا کسانی که نگونْ‌بخت شدند، آن گاه آنان در آتش، فریادی و ناله‌ای طولانی داشته باشند.

۱۰۷ در آن جاودانه‌اند، تا آسمان‌ها و زمین پایدار باشد. مگر آن چه پروردگار تو بخواهد. بی‌تردید پروردگار تو آن چه بخواهد، می‌کند.

۱۰۸ و امّا کسانی که نیک‌بخت شدند، در بهشت باشند. در آن جاودانه‌اند، تا آسمان‌ها و زمین پایدار است. مگر آن چه پروردگار تو بخواهد. بخششی ناگسسته و بی‌پایان باشد.

۱۰۹ پس تو از آن چه این گروه می‌پرستند، در تردید مباش. آنان جز مانند آن چه را که پیش از این پدرانشان پرستش می‌کردند، نمی‌پرستند. و بی‌تردید ما بهرهٔ آنان را بی‌کاهش به آنان تمام می‌دهیم.

۱۱۰ و بی‌گمان به «موسی» «کتاب» دادیم و در آن اختلاف شد و اگر از پروردگارت سخنی پیش از این صادر نشده بود، میانِ آنان [در همین جهان] حکم می‌شد و بی‌تردید آنان دربارهٔ آن دچار شک و بدبینی هستند.

۱۱۱ و بی‌تردید پروردگار تو [جزای] کردار همه‌شان را به آنان تمام دهد. که او به آن چه آنان انجام می‌دهند، آگاه است.

۱۱۲ پس پایدار باش، همان گونه که امر شده‌ای. و نیز هر کس که با تو [به سوی حق] بازگشت. و سرکشی نکنید. بی‌تردید او به آن چه انجام می‌دهید، بیناست.

۱۱۳ و به سوی کسانی که ستم کردند، تمایل نکنید، که به شما آتش رسد. و جز خداوند برای شما هیچ دوست و یاوری نباشد. آن گاه یاری نشوید.

۱۱٤ و دو سوی روز و پاسی از شب نماز را بپادار. بی‌تردید نیکی‌ها بدی‌ها را می‌برد. این پندی برای پندْ پذیران باشد.

۱۱۵ و شکیبایی کن. بی‌گمان خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نسازد.

۱۱٦ پس چرا از مردم امّت‌های پیش از شما خردمندانی نبودند، که [مردم را] از فساد در زمین بازدارند؟ مگر اندک کسانی از میان آنان که نجاتشان دادیم. و کسانی که ستم کردند، آن چه را که در آن کامرانی می‌کردند، پیروی نمودند و بزه‌کار بودند.

۱۱۷ و پروردگار تو نمی‌خواهد که شهرها را در حالی که مردمِ آن اصلاح کننده باشند، به ستمگری نابود سازد.

۱۱۸ و اگر پروردگار تو می‌خواست، مردم را ملّتی واحد می‌ساخت. و [امّا] پیوسته اختلاف سازند.

۱۱۹ غیر از کسانی که پروردگارت [به آنان] رحم کرد و برای آن، آنان را آفرید و سخن پروردگارت [به عنوان اتمام حجّت] به پایان رسید: البته دوزخ را از جن و مردم همگی آکنده کنم.

۱۲۰ و همهٔ آن چه از اخبار پیامبران بر تو بخوانیم، به آن دلت را پایدار کنیم. و در این [اخبار] راستی و حق به سوی تو آمد و اندرزی و پندی برای مؤمنین است.

۱۲۱ و به کسانی که ایمان نمی‌آورند، بگو: «بر توانایی خویش عمل کنید، که ما [نیز] عمل کنندگان باشیم.

۱۲۲ و در انتظار باشید، که ما [هم] بی‌گمان منتظر باشیم.»

۱۲۳ و غیبِ آسمان‌ها و زمین از آنِ خداوند است و همهٔ کار[ها] به او بازگردانده شود. پس او را عبادت کن و بر او توکّل نما و پروردگار تو از آن چه می‌کنید، غافل نباشد.

سورهٔ یوسف

مکّی

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ الف. لام. را. این آیه‌های «کتاب» روشن («قرآن») است.

۲ بی‌تردید ما آن را «قرآنی» [به زبان] عربی فرو فرستادیم. شاید شما اندیشه و درک کنید.

۳ ما در این «قرآن» که بر تو وحی کردیم، نیکوترین داستانسرایی را بر تو کنیم. و هر چند که پیش از این تو از بی‌خبران بودی.

٤ آن گاه که «یوسف» به پدرش گفت: «ای پدر من، به راستی من یازده ستاره را با خورشید و ماه در خواب دیدم. آن‌ها را دیدم که به من سجده می‌کنند.»

٥ [«یعقوب»] گفت: «ای پسر من، خوابِ خویش را برای برادرانت تعریف مکن، که به
تو حیله‌گرانه نیرنگ زنند. بی‌تردید شیطان برای آدمی دشمنی آشکار باشد.
٦ و بدینسان پروردگارت تو را بر می‌گزیند و از تعبیر خواب‌ها به تو می‌آموزد و
نعمتش را بر تو و بر خاندان «یعقوب» تمام می‌کند. همان گونه که پیش از این آن
(نعمتش) را بر پدران تو، «ابراهیم» و «اسحاق» تمام کرد. بی‌تردید پروردگار تو
دانای حکیم است.»
۷ بی‌گمان در [سرگذشتِ] «یوسف» و برادرانش برای پرسش کنندگان نشانه‌هایی
[عبرت‌انگیز] باشد.
۸ آن گاه که گفتند: «یوسف» و برادرش نزد پدر ما از ما محبوب‌ترند. حال آن که ما
گروهی نیرومند هستیم. به راستی پدر ما در گمراهی آشکاری است.
۹ «یوسف» را بکشید، یا او را به سرزمینی رها سازید، تا روی (توجه) پدرتان به شما
باشد [و بس]. آن گاه گروهی نیکوکار باشید.
۱۰ گوینده‌ای از آنان گفت: ««یوسف» را مکشید و او را در تهِ چاه بیفکنید، تا برخی از
کاروانیان او را برگیرند، اگر می‌خواهید کاری انجام دهید.»
۱۱ گفتند: «ای پدر ما، چرا تو ما را بر «یوسف» امین (قابل اطمینان) نمی‌دانی. و
بی‌تردید ما خیرخواهِ او هستیم.
۱۲ فردا او را با ما بفرست، تا بگردد و بازی کند و بی‌تردید ما نگهبان او می‌باشیم.»
۱۳ [«یعقوب»] گفت: «به راستی از این که شما او را ببرید، اندوهگین می‌شوم و
می‌ترسم که گرگ او را بخورد و شما از او غافل بمانید.»
۱٤ گفتند: «اگر با وجود ما که گروهی نیرومندیم، گرگ او را بخورد، آن گاه بی‌تردید ما
وجودی زیانکار خواهیم بود.»

۱۵ پس آن گاه او را بردند و یک‌نظر شدند که او را در ته چاه بیفکنند و به او وحی
کردیم که به راستی آنان را به این کارشان آگاه خواهی کرد، حال آن که آنان در نمی‌یابند.
۱٦ و شب هنگام در حالی که می‌گریستند، نزد پدرشان آمدند.
۱۷ گفتند: «ای پدر ما، به راستی ما رفتیم تا [در مسابقه از هم] سبقت بگیریم و
«یوسف» را کنار کالای خود گذاشتیم. پس گرگ او را خورد. و تو [سخنِ] ما را
باور نداری، هر چند که ما راستگو هستیم.»
۱۸ و پیراهن او («یوسف») را آوردند، که بر آن خونی دروغین بود. [«یعقوب»] گفت:
«[نه] بلکه این کار را وجود (نَفْس) شما برایتان آراسته است. پس شکیبایی پسندیده
باشد. و خداوند است که باید از او بر آن چه توصیف می‌کنید، یاری خواست.»
و کاروانی آمد. پس آبکش (آب آور) خود را فرستادند. [او] دلو خویش را [به چاه]
۱۹ انداخت. گفت: «مژده!، این پسری است!» و [آنان] او را [مانند] کالایی برای
سوداگری پنهان داشتند. و خداوند به آن چه می‌کردند، دانا بود.
و او را به بهای ناچیزی –به چند «درهم»– فروختند و در آن بی رغبت بودند.
۲۰ و آن کس از [اهلِ] «مصر» که او را خریده بود، به زنش گفت: «جای او را گرامی
۲۱ بدار، شاید به ما سودی دهد، یا او را به فرزندی برگیریم.» و بدینسان «یوسف» را
در سرزمین [«مصر»] جای دادیم و برای این که به او تعبیر خواب‌ها را بیاموزیم. و
خداوند بر فرمان خویش چیره است. و لیکن بیش‌ترِ مردم نمی‌دانند.
و آن گاه که او به نهایتِ نیروی [جوانی] خویش رسید، حکم و دانشش دادیم. و
۲۲ بدینسان نیکوکاران را پاداش دهیم.

۲۳ و آن کس (‏«زلیخا») که او (‏«یوسف») در خانه‌اش بود، از وی (‏«یوسف») کام خواست و درها را ببست و گفت: «هان اینک من برای تو هستم.» [«یوسف»] گفت: «بر خداوند پناه می‌برم. بی‌تردید او پروردگار من است و جایگاه مرا نیکو داشت. بی‌تردید ستمگران رستگار نشوند.»

۲٤ و البته [«زلیخا»] آهنگ او کرد. و [«یوسف» نیز] اگر دلیل روشن پروردگارش را نمی‌دید، آهنگ او می‌کرد. این چنین [کردیم] تا بدی و فحشاء را از او برگردانیم. بی‌تردید او از بندگان با اخلاص و پاک ما بود.

۲۵ و آن دو برای رسیدن به در [از یکدیگر] سبقت گرفتند و [«زلیخا»] پیراهن او (‏«یوسف») را از پشت درید. و آن دو تن، شوهر او (‏«زلیخا») را نزدیک در یافتند. زن گفت: «کیفر آن کس که برای خانوادهٔ تو بدی خواهد، چه می‌باشد؟ جز این که زندانی شود، یا شکنجه دردناک بیند؟»

۲٦ [«یوسف»] گفت: «او از وجود من کام خواست». و شاهدی از خانوادهٔ او (‏«زلیخا») گواهی داد که اگر پیراهنِ او (‏«یوسف») از جلو دریده باشد [زن] راست می‌گوید و او (‏«یوسف») از دروغگویان است.

۲۷ و اگر پیراهنش از پشت دریده باشد، [«زلیخا»] دروغ می‌گوید و او (‏«یوسف») از راستگویان است.

۲۸ و آن گاه که دید پیراهنش از پشت دریده است، گفت: «به راستی این از نیرنگ شما زنان است. بی‌گمان نیرنگ شما عظیم است.

۲۹ ای «یوسف»، از این رویْ بگردان. و [ای «زلیخا»] برای گناهت آمرزش بخواه. بی‌تردید تو از خطاکاران بوده‌ای.»

۳۰ و زنانی در شهر گفتند: «زنِ «عزیز» از غلامش به دنبال کامیابی برای وجود خویش است. و مهر او (‏«یوسف») دلش را ربوده است. به راستی ما او را در گمراهیِ آشکاری می‌بینیم.»

۳۱ پس آن گاه که [«زلیخا»] نیرنگ آن زنان را شنید، دنبالشان فرستاد و برای آنان تکیه‌گاهی آماده ساخت و به هر یک از آنان کاردی داد و به «یوسف» گفت: «بر آنان بیرون بیا.» پس آن گاه که او را دیدند، بزرگش داشتند و [به جای پوستِ میوه،] دست‌های خویش را بریدند و گفتند: «پناه بر خدا! این هرگز بشر نباشد. این جز فرشته‌ای بزرگوار و گرامی‌قدر نباشد.»

۳۲ [«زلیخا»] گفت: «اینست آن کس که در مورد او مرا سرزنش می‌کردید و بی‌گمان من از وجودش کام خواستم و او خودداری کرد و اگر آن چه به او دستور دهم نکند، البته زندانی گردد و خوار شود.»

۳۳ [«یوسف»] گفت: «پروردگارا، زندان مرا خوش‌تر آید، تا آن چه مرا به آن دعوت می‌کنند. و اگر تو نیرنگ آنان را از من دور نسازی، به سویشان متمایل گردم و از نادانان باشم.»

۳٤ پس پروردگارش [دعای] او را پذیرفت و نیرنگ آنان را از او دور ساخت. به راستی او شنوای داناست.

۳۵ آن گاه پس از آن که نشانه‌ها[ی پاکی او] را دیدند، به نظرشان رسید که تا زمانی او را به زندان افکنند.

۳٦ و همراه با او دو جوان وارد زندان شدند. یکی از آن دو گفت: «به راستی من [در خواب] دیدم که [برای] شراب، [انگور] می‌فشارم.» و دیگری گفت: «دیدم که بر فراز سرم نانی حمل می‌کنم که پرندگان از آن [نان] می‌خورند. [ای «یوسف»] از تعبیر آن ما را آگاه کن. به راستی ما تو را از نیکوکاران می‌بینیم.»

۳۷ [«یوسف»] گفت: «غذایی که روزی شما است، هنوز نیاورده‌اند. حال آن که من می‌توانم پیش از آن که آن خوراکی برای شما آورده شود، شما را از تأویل و حقیقت آن باخبر سازم. این از دانشی است که پروردگارم به من آموخته است. بی‌تردید من آیین قومی را که به خداوند ایمان ندارند، ترک کردم. و آنان به آخرت کافرند.

۳۸ و آیین پدرانم، «ابراهیم» و «اسحاق» و «یعقوب» را پیروی کردم. شایستهٔ ما نیست که برای خداوند چیزی را شریک گیریم. این از فضل خداوند بر ما و بر مردم باشد. و لیکن بیش‌ترِ مردم شکرگزار نیستند.

۳۹ ای دو دوست زندانی من، آیا معبودانی گوناگون و پراکنده نیکوترند، یا خداوند یگانهٔ بسیار چیره؟

۴۰ شما غیر از خداوند نمی‌پرستید، مگر نام‌هایی را که خودتان و پدرانتان [روی بت‌ها] گذاشته‌اید. خداوند بر آن [کردار]، دلیلی محکم فرو نفرستاده است. حکم جز از آنِ خداوند نباشد. [او] فرمان داده است که جز او را نپرستید. دینِ درست و پایدار این است. و لیکن بیش‌ترِ مردم نمی‌دانند.

۴۱ ای دو دوست زندانی من، اما یکی از شما به سَرْوَرِ خویش شرابی بنوشاند. اما دیگری به دار آویخته شود و پرندگان از سر او بخورند. در مورد کاری که شما دو تن فتوای آن را می‌خواستید، [چنین] حکم شده است.»

۴۲ و [«یوسف»] به آن کس از آن دو که می‌پنداشت رهایی یافته است، گفت: «مرا نزد سَرْوَرِ خویش یاد کن.» پس شیطان، یادآوریِ [«یوسف»] به سرورش را از خاطر او برد و چند سالی [«یوسف»] در زندان ماند.

۴۳ و پادشاه گفت: «بی‌گمان من هفت گاو فربه را در خواب دیدم، که آن‌ها را هفت گاو لاغر می‌خورند. و هفت خوشهٔ سبز و [هفت خوشهٔ] دیگر که خشک بودند. ای بلندپایگان، در [مورد] خواب من به من فتوا دهید، اگر شما تعبیرکنندگان خواب هستید.»

٤٤ گفتند: «خواب‌های پریشان است و ما به تعبیر خواب‌های پریشان دانا نیستیم.»

٤٥ و آن کس –از آن دو تن– که نجات یافت، پس‌از مدتی [«یوسف» را] به یاد آورْد و گفت: «من شما را به تعبیر آن آگاه می‌سازم. پس مرا [نزد «یوسف»] بفرستید.»

٤٦ [گفت:] ««یوسف»، ای بسیار راستگو، به ما در مورد هفت گاو فربه که آن‌ها را هفت گاو لاغر می‌خورند و هفت خوشهٔ سبز و [هفت خوشهٔ] دیگر که خشک باشند، فتوا بده. شاید من به سوی مردم بازگردم، تا شاید آنان [هم] بدانند.»

٤٧ [«یوسف»] گفت: «هفت سال پیاپی کشاورزی کنید. پس آن چه را که درو کردید، در خوشهٔ آن وا گذارید [که بماند] جز اندکی از آن چه می‌خورید.

٤٨ آن گاه سپس هفت سالِ سخت بیاید، که آن چه را که از پیش برای آن [سال‌ها] گذاشته‌اید، می‌خورند، مگر کمی از آن چه نگه می‌دارید.

٤٩ آن گاه سپس سالی بیاید، که در آن سال برای مردم باران ببارد و در آن [سال از خشکسالی رهایی یابند و] افشره می‌گیرند».

٥٠ و پادشاه گفت: «او را نزد من آورید.» پس چون فرستاده نزدش آمد، [«یوسف»] گفت: «به سوی سَرْوَر خویش بازگرد و از او بپرس که احوال زنانی که دستان خویش را بریدند، چگونه است. بی‌تردید پروردگار من به نیرنگ آنان دانا باشد.»

٥١ [پادشاه] گفت: «آن هنگام که از وجود «یوسف» کام خواستید، در چه حالی بودید؟ (موضوع چه بود؟)» گفتند: «پناه بر خدا! ما بر [ضدِ] او هیچ بدی و زشتی نمی‌دانیم.» زن «عزیز» گفت: «اینک حق آشکار شد. من از وجودش کام خواستم. و به راستی او از راستگویان باشد.»

٥٢ [«یوسف» گفت:] «این به خاطر آنست که [«عزیز»] بداند که من در نهان به او خیانت نکرده‌ام. و این که خداوند نیرنگ خیانتگران را هدایت نکند و به مقصود نرساند.

٥٣ و من نَفْسِ خویش را تبرئه نکنم. بی‌تردید نَفْس [آدمی] بسیار به بدی و زشتی امر کند، مگر آن که پروردگار من رحم کند. به راستی پروردگار من آمرزگار مهربان است.»

٥٤ و پادشاه گفت: «او را نزد من آورید، تا او را مَحْرَمِ خویش کنم.» پس آن گاه که با او به گفتگو آمد، گفت: «بی‌تردید تو امروز نزدِ ما با منزلت و امین هستی.»

٥٥ [«یوسف»] گفت: «مرا خزانه دارِ [غلات این] سرزمین کن. بی‌تردید من نگهبانی دانا هستم.»

٥٦ و بدینسان «یوسف» را در سرزمین تمکین [و قدرت] دادیم، که در هر جا از آن بخواهد، مسکن گزیند. ما به هر کس که بخواهیم، رحمت خویش را می‌رسانیم. و پاداشِ نیکوکاران را تباه نسازیم.

٥٧ و به راستی پاداش آخرت برای کسانی که ایمان آوردند و پرهیزکاری می‌کردند، بهتر است.

٥٨ و برادران «یوسف» آمدند و بر او وارد شدند. پس [«یوسف»] آنان را شناخت، حال آن که آنان او را نشناختند.

٥٩ و آن گاه که بارهای آنان را آماده کرد، گفت: «برادری را که از پدرتان دارید، نزد من آورید. آیا نمی‌بینید که من پیمانه (غله) را تمام می‌دهم و من نیکوترینِ میزبانان هستم؟

٦٠ و اگر او را نزد من نیاورید، شما را دیگر نزد من نه پیمانه‌ای باشد و نه این که به من نزدیک شوید.»

٦١ گفتند: «ما او را از پدرش می‌خواهیم و ما بی‌تردید این کار را انجام می‌دهیم.»

٦٢ و [«یوسف»] به جوانان [کارگر] خود گفت: «متاع (پول) آنان را در بارهایشان بگذارید، شاید آنان زمانی که نزد خانوادهٔ خود باز گشتند، آن را بشناسند. شاید آنان باز گردند.»

٦٣ پس زمانی که نزد پدرشان بازگشتند، گفتند: «ای پدر ما، پیمانه را از ما بازداشتند. پس برادرمان را با ما بفرست، تا [بتوانیم] پیمانه بگیریم و ما نگهبان او خواهیم بود.»

٦٤ [«یعقوب»] گفت: «آیا شما را بر او امین بدانم، همان گونه که پیش از این شما را بر برادرش امین شمردم؟ پس خداوند بهترین نگهبان است و او مهربان‌ترینِ مهربانان باشد.»

٦٥ و آن گاه که کالایشان (بارهایشان) را گشودند، متوجه شدند که متاعشان (پولشان) به آنان برگردانده شده است. گفتند: «ای پدر ما [از این بهتر] ما چه خواهیم؟ این متاع (پول) ما باشد، که به ما بازگردانده شده است. برای خاندان خویش خوراک می‌آوریم و برادر خود را نگه می‌داریم و یک بار شتر پیمانه می‌افزاییم. [زیرا] این پیمانه اندک است.»

٦٦ [«یعقوب»] گفت: «هرگز او را با شما نفرستم، تا این که به نام خداوند با من عهدی استوار کنید، که البته او را نزد من باز آورید. مگر این که شما را احاطه کنند.» پس آن گاه که با او عهدی استوار کردند، گفت: «خداوند بر آن چه می‌گوییم، وکیل باشد.»

٦٧ و [«یعقوب»] گفت: «ای پسران من، از یک دروازه داخل نشوید و از دروازه‌های مختلف داخل شوید. و من شما را از خداوند از چیزی بی‌نیاز نمی‌توانم کرد. فرمان جز از آنِ خداوند نباشد. من بر او توکّل کردم. پس توکّل کنندگان باید بر او توکّل کنند.»

٦٨ و آن گاه که از آن جا که پدرشان به آنان امر کرده بود، داخل شدند، آن [کار] آنان را از خداوند از چیزی بی‌نیاز نکرد. فقط خواستی در وجود (نَفْس) «یعقوب» بود، که آن را برآورد. و بی‌تردید او به آن چه ما او را آموخته بودیم، دانا بود. و لیکن بیش‌ترِ مردم نمی‌دانند.

٦٩ و آن گاه که بر «یوسف» وارد شدند، برادر خویش را کنار خود نشاند. گفت: «بی‌تردید من برادر تو هستم. پس، از آن چه [برادران] می‌کردند، اندوهگین مباش.»

۷۰ آن گاه هنگامی که متاع آنان را برایشان آماده کرد، جام آب را میان بار برادر خویش گذاشت. پس منادی ندا داد: «ای کاروانیان، بی‌تردید شما دزد هستید.»

۷۱ و [برادران «یوسف»] به آنان رو کردند [و] گفتند: «چه چیز گم کرده‌اید؟»

۷۲ گفتند: «جام آب پادشاه را گم کرده‌ایم. و برای آن کس که آن را بیاورد، یک بار شتر [گندم] باشد. و من ضامن آن باشم.»

۷۳ گفتند: «به خداوند سوگند بی‌تردید شما می‌دانید که ما نیامده‌ایم تا در سرزمین [شما] فساد کنیم و ما دزد نیستیم.»

۷٤ گفتند: «کیفرِ آن، چه باشد، اگر شما دروغگو باشید؟»

۷۵ گفتند: «کیفرِ آن، کسی باشد که [جام آب] در، بارِ او پیدا شود. پس خودش جزای آن [دزدی] باشد. ما بدینسان ستمکاران را جزا می‌دهیم.»

۷٦ پس [«یوسف»] شروع به [جستجوی] بارهای آنان کرد، قبل از [بازرسی] بار برادرش. آن گاه آن را از بارِ برادرش بیرون آورد. بدینسان برای «یوسف» تدبیر کردیم. نمی‌توانست برادر خویش را طبق آیین پادشاه [«مصر»] بگیرد، مگر این که خداوند بخواهد. مرتبهٔ هر کس را که بخواهیم، بالا می‌بریم. و بر فراز هر صاحب دانشی، دانایی باشد.

۷۷ گفتند: «اگر [«بنیامین»] دزدی کرد، برادر او هم پیش از این دزدی کرده بود.» پس [«یوسف»] این [اتهام] را نزد خود پنهان داشت و آن را برایشان آشکار نساخت. گفت: «وضع شما بدتر است و خداوند به آن چه وصف می‌کنید، داناتر باشد.»

۷۸ گفتند: «ای «عزیز»، به راستی او پدری پیر و سالخورده دارد. پس یکی از ما را به جای او بگیر. بی‌تردید ما تو را از نیکوکاران می‌بینیم.»

۷۹ [«یوسف»] گفت: «پناه بر خدا اگر کسی را جز آن کس که متاع خود را نزد او یافته‌ایم، دستگیر کنیم. بی‌گمان در آن صورت ما از ستمکاران باشیم.»

۸۰ پس آن گاه که از [بردنِ] او نومید شدند، نجواکنان به کناری شدند. بزرگشان گفت: «آیا نمی‌دانید که پدرتان از شما به نام خداوند عهدی استوار گرفته است و در گذشته در [حقِ] «یوسف» چه کوتاهی کردید؟ من این سرزمین را ترک نکنم، تا این که پدرم اجازه دهد. یا خداوند برای من حکم کند و او بهترینِ حکمرانان باشد.

۸۱ به سوی پدرتان بازگردید و بگویید: ای پدر ما، پسرت دزدی کرد و ما جز بر آن چه دانش داشتیم، گواهی ندادیم و ما علمِ غیب نداشتیم.

۸۲ و از [مردمِ] شهری که در آن بودیم و کاروانی که در میان آن آمدیم، بپرس. و بی‌گمان ما راستگو باشیم.»

۸۳ [«یعقوب»] گفت: «[نه] بلکه نَفْسِ شما این کار را برای شما بیاراست. پس شکیبایی نیکوست. شاید خداوند همگی آنان را نزد من آورد. بی‌تردید او دانای حکیم است.»

۸٤ و [«یعقوب»] از آنان روی برتافت و گفت: «ای دریغ بر «یوسف»!» و دو چشمش از اندوه سپید گشت و حال آن که خشم خویش را فرو می‌خورد.

۸۵ گفتند: «به خدا سوگند آن قدر پیوسته «یوسف» را یاد می‌کنی، تا به آستانهٔ مرگ رسی. و یا از هلاک شدگان گردی.»

۸٦ [«یعقوب»] گفت: «جز این نباشد که شکایتِ غم و اندوه خویش را به خداوند بَرَم و از خداوند چیزی می‌دانم، که شما نمی‌دانید.

۸۷ ای پسران من، بروید و دربارۀ «یوسف» و برادرش جستجو کنید و از رحمت خداوند ناامید مشوید. از رحمتِ خداوند [کسی] نومید نشود، مگر گروه کافران.»

۸۸ پس آن گاه که بر او («یوسف») وارد شدند، گفتند: «ای «عزیز»، به ما و خانوادۀ ما زیان رسید و کالایی اندک آورده‌ایم. پس پیمانۀ ما را تمام بده و بر ما صدقه کن. بی‌تردید خداوند صدقه‌کنندگان را پاداش دهد.»

۸۹ [«یوسف»] گفت: «آیا می‌دانید آن گاه که نادان بودید، به «یوسف» و برادرش چه کردید؟»

۹۰ گفتند: «آیا تو خود «یوسف» هستی؟» [«یوسف»] گفت: «من «یوسف» هستم و این برادرم می‌باشد. بی‌تردید خداوند بر ما منّت نهاد. بی‌گمان هر کس پرهیزکاری کند و شکیبایی نماید، پس البته خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نسازد.»

۹۱ گفتند: «به خدا سوگند، که بی‌تردید خداوند تو را بر ما برتری داده است. و بی‌تردید ما خطاکار بوده‌ایم.»

۹۲ [«یوسف»] گفت: «امروز بر شما نکوهشی نباشد. خداوند شما را بیامرزد و او مهربان‌ترینِ مهربانان است.

۹۳ این پیراهن مرا ببرید و بر چهرۀ پدرم افکنید، تا بینا شود. و همۀ خانواده‌تان را نزد من آورید.»

۹٤ و آن گاه که کاروان [از «مصر»] خارج شد، پدرشان («یعقوب») گفت: «به راستی –اگر مرا کم خرد ندانید– من بوی «یوسف» می‌یابم.»

۹۵ گفتند: «به خداوند سوگند که تو در گمراهیِ دیرین خود هستی.»

۹٦ پس آن گاه که مژده‌آور آمد، آن [پیراهن] را بر چهرهٔ او افکند. پس دگر بار بینا شد. [«یعقوب»] گفت: «آیا به شما نگفتم که من از خداوند چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید؟»

۹۷ گفتند: «ای پدر ما، برای گناهان ما آمرزش بخواه. بی‌تردید ما خطاکار بوده‌ایم.»

۹۸ [«یعقوب»] گفت: «به زودی از پروردگارم برای شما آمرزش خواهم خواست. بی‌تردید او آمرزگار مهربان است.»

۹۹ پس آن گاه که بر «یوسف» وارد شدند، او پدر و مادر خویش را در آغوش خود گرفت و گفت: «به خواست خداوند، ایمن و آسوده خاطر به «مصر» داخل شوید.»

۱۰۰ و پدر و مادرش را بالا بُرد و بر تخت نشانید و [همه] برای او ((«یوسف»)) سجده‌کنان [به خاک] افتادند. و [«یوسف»] گفت: «ای پدرم، این تعبیرِ خوابِ دیرین من بود، که پروردگارم آن را به حقیقت پیوست و بی‌تردید بر من نیکویی نمود، آن گاه که مرا از زندان درآورْد و شما را از بیابان آورْد، پس از آن که شیطان میان من و برادرانم را بر هم زد. بی‌تردید پروردگار من در هر مورد که بخواهد، تدبیر و لطف خود را برساند. بی‌گمان او دانای حکیم است.

۱۰۱ پروردگارا، بی‌تردید تو به من پادشاهی دادی و از تعبیرِ خواب‌ها به من آموختی. ای آفریدگار آسمان‌ها و زمین، تو در دنیا و آخرت سرپرست و یاور من هستی. مرا مسلمان (سَرْسِپار) بمیران و مرا به شایستگان بپیوند (ملحق کن).»

۱۰۲ این از خبرهای غیب است که آن را به تو وحی می‌کنیم. و تو آن گاه که آنان در کارشان همدست شدند و نیرنگ می‌زدند، در کنارشان نبودی.

۱۰۳ و بیش‌ترِ مردم [پذیرندهٔ ایمان] نیستند، هر چند که تو به [ایمانِ] مؤمنان آرزومند (حریص) باشی.

۱۰٤ و از آنان به خاطر آن (رسالت) پاداشی نمی‌خواهی.[و] آن جز پندی برای جهانیان نباشد.

۱۰۵ و چه بسیار نشانه‌ها در آسمان‌ها و زمین باشد، که [مردم] بر آن‌ها می‌گذرند و از آن‌ها رویْ برمی‌گردانند.

۱۰٦ و بیش‌ترشان به خداوند ایمان نمی‌آورند، مگر در این حال که مشرک باشند.

۱۰۷ آیا از این که فراگیرنده‌ای از عذابِ خداوند بر آنان بیاید، یا قیامت ناگاه بر آنان بیاید، در حالی که در نیابند، ایمن شده‌اند؟

۱۰۸ بگو: «این راه من باشد، که از روی بینایی به سوی خداوند دعوت می‌کنم. من و [نیز] آن کس که پیرو من شد. و خداوند پاک و منزّه باشد و من از مشرکان نیستم.»

۱۰۹ و پیش از تو –از اهل شهرها– [کسی را] نفرستادیم، مگر مردانی را که بر آنان وحی کردیم. پس آیا در زمین سفر نکردند، تا بنگرند که سرانجامِ کسانی که پیش از آنان بودند، چگونه بود؟ و البته سرای باز پسین (آخرت) برای کسانی که پرهیزکاری کردند، بهتر است. آیا اندیشه و درک نمی‌کنید؟

۱۱۰ تا آن گاه که فرستادگان [از ایمان آوردنِ مردم] نومید شدند و [کافران] پنداشتند که به آنان دروغ گفته شده است [که کافران عذاب می‌شوند]. یاریِ ما بر آنان (رسولان و مؤمنان) آمد. و آن که ما می‌خواستیم، نجات یافت. و عذاب ما از قوم مجرمین باز گردانده نشود.

۱۱۱ به راستی در داستان آنان عبرتی و بینشی برای خردمندان باشد. سخنی نیست که دروغانه آن را پرداخته باشند. و لیکن تصدیق کنندهٔ آن چه است، که پیش از آن بوده (کتاب‌های آسمانی پیشین) و شرح و تفصیل و بیان روشن همه چیز و هدایتی و رحمتی است برای گروهی که ایمان می‌آورند.

مدنی

سورهٔ رعد (تندر)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ الف. لام. میم. را. این آیه‌های «کتاب» («قرآن») است و آن چه از پروردگارت بر تو فرو فرستاده شده، حق است. و لیکن بیش‌ترِ مردم ایمان نمی‌آورند.

۲ خداوند کسی است که آسمان‌ها را بدون ستون‌هایی که ببینید، برافراشت. آن گاه بر عرش مستولی شد و خورشید و ماه را مسخر گردانید. هر یک تا مدّت معینی روان می‌شوند. تدبیر کار[ها] کند و آیات را تشریح و تفصیل کند و به روشنی بیان دارد، شاید شما به دیدارِ پروردگارتان یقین آورید.

۳ و او کسی است که زمین را گسترد و در آن کوه‌های استوار و نهرها قرار داد. و از هر [نوع] میوه جفتی دوگانه در آن قرار داد و شب را بر روز می‌پوشاند. بی‌تردید در آن نشانه‌هایی است برای گروهی که اندیشه می‌کنند.

٤ و در زمین قطعه‌هایی نزدیک به هم باشد. و باغ‌هایی از انگور و کشتزار و از درختان خرما باشد، از یک ریشه و غیر از یک ریشه، که به یک آب آبیاری شوند. و در خوراک، برخی را بر برخی دیگر برتری می‌دهیم. بی‌تردید در آن نشانه‌هایی است برای گروهی که اندیشه و درک می‌کنند.

۵ و اگر حیرت می‌کنی، پس حیرت‌انگیز سخن آنان است که [می‌گویند]: «آیا آن گاه که ما خاک شدیم، به راستی در آفرینش جدیدی آییم [و زنده شویم]؟» آنان کسانی هستند که به پروردگارشان کفر ورزیدند و آن گروه در گردن‌های خویش زنجیرها دارند و آنان یاران آتشند. آنان در آن جاودانه‌اند.

٦ و باشتاب از تو بدی را پیش از نیکی می‌خواهند. و بی‌گمان پیش از آنان [بر گذشتگان] نمونه‌ها از مجازات رفت. و بی‌تردید پروردگار تو برای مردم –بر ستمگریِ آنان– صاحب آمرزش باشد. و به راستی پروردگارت سخت کیفر باشد.

۷ و آنان که کافر شدند، می‌گویند: «چرا از سوی پروردگارش نشانه‌ای بر او فرستاده نشده است؟» جز این نیست که تو بیم دهنده‌ای. و برای هر قومی راهنمایی است.

۸ خداوند آن چه را که هر ماده‌ای حمل می‌کند و آن چه را که رَحِم‌ها می‌کاهند و آن چه را که می‌افزایند، می‌داند. و هر چیزی نزد او به اندازه‌ای [و روی حسابی] است.

۹ دانای نهان و آشکار است. بزرگوار بلند پایه باشد.

۱۰ آن کس از شما که سخن را نهان دارد و [یا] آشکارش سازد و آن که به شب نهان شده باشد و [یا] در روز آشکارا پیش رود، برای خداوند [دانایی بر آنان] یکسانست.

۱۱ از پیشِ رویْ و از پشت او برایش فرشتگانی باشند، که او را پی در پی از امر خداوند (حوادث احتمالی) حفظ می‌کنند. بی‌گمان خداوند آن چه را که در ملّتی باشد، تغییر نمی‌دهد، مگر این که تغییر دهندهٔ آن چه در وجودشان است، باشند. و آن گاه که خداوند برای ملّتی بدی خواهد، آن را بازدارنده‌ای نباشد و آنان جز او نگهدارنده و سرپرستی ندارند.

۱۲ او کسی است که برق را برای بیم و امید به شما می‌نمایاند و ابرهای گرانبار را پدید می‌آورد.

۱۳ و رعد به حمد او تسبیح می‌گوید و فرشتگان از ترس او [تسبیح می‌گویند]. و صاعقه‌ها را می‌فرستد و هر کس را بخواهد، گرفتار آن می‌کند، در حالی که آنان در مورد خداوند کشمکش می‌کنند. و او سخت کیفر است.

١٤ دعوت حق از آنِ اوست و آنان که غیر از او می‌خوانند، پاسخشان را به چیزی ندهند، مگر به سان آن کس که دو دست خویش را برای آب [برداشتن] بگشاید، تا به دهانش رسد. اما آن به او نرسد. و دعای کافران جز در گمراهی نباشد.

١٥ و هر کس در آسمان‌ها و زمین است –خواه ناخواه– خودشان و سایه‌هایشان در بامداد و شامگاه در برابر خداوند سرِ تسلیم فرود می‌آورند (سجده می‌کنند).

١٦ بگو: «پروردگار آسمان‌ها و زمین کیست؟» بگو: «خداوند.» بگو: «آیا شما غیر از او دوستانی گرفته‌اید، که برای وجود خودشان هم نه صاحب اختیار سودی هستند و نه زیانی ؟» بگو: «آیا نابینا و بینا برابرند؟ یا تاریکی‌ها و روشنایی یکسانند؟» یا برای خداوند شریکانی قرار داده‌اند، که مانند آفرینش او آفریده‌اند؟ پس آفرینش بر آنان مُشتَبَه شد. بگو: «خداوند آفریدگار هر چیز است و او یکتای چیره‌مند است.»

١٧ از آسمان آبی فرو فرستاد. پس [در] درّه‌ها [رودخانه‌ها] به اندازهٔ آن جاری گردید. و سیل کفی افراشته بر فراز آورد و از آن چه برای دریافت پیرایه یا کالایی در آتش می‌افروزند، کفی به سان آن [برمی‌آید]. خداوند این گونه حق و باطل را مَثَل می‌زند. و اما کف به کناری رود و از میان برود و لیکن برای مردم آن چه سودمند است، در زمین باقی می‌ماند. بدینسان خداوند مَثَل‌ها می‌زند.

١٨ برای کسانی که [دعوتِ] پروردگارشان را پذیرفتند، [پاداشِ] نیکوتر باشد و کسانی که [دعوتِ] او را نپذیرفتند، اگر همهٔ آن چه در زمین است، از آنِ آنان باشد و مانندش با آن باشد، آن را [برای رهایی از عذاب] فدیه دهند [اما بی‌فایده است]. بدیِ حساب برای آنان باشد و جایگاهشان دوزخ است و بد جایگاهی است.

۱۹ پس آیا آن کس که می‌داند که آن چه بر تو از پروردگارت فرو فرستاده شده، حق است، مانند کسی است که [در مقابل حقیقت] نابیناست؟ فقط خردمندان پندپذیرند.

۲۰ آنان که به عهد خداوند وفا می‌کنند و پیمان نمی‌شکنند.

۲۱ و آنان که به آن چه خداوند فرمان داده است که به آن بپیوندند [همیشه] خود را پیوسته می‌دارند و از پروردگارشان بیمناکند و از بدی حساب هراسناکند.

۲۲ و کسانی که برای جلب خرسندی پروردگارشان شکیبایی کردند و نماز را بپا داشتند و از آن چه آنان را روزی دادیم، در نهان و عیان بخشش کردند و با کردار نیکو بدی را دور می‌دارند، سرای آخرت [و عاقبت نیکو] برای آنان باشد.

۲۳ بهشت‌های جاودان برای آنان باشد، که به آن داخل شوند، همراه با هر یک از پدران و همسران و فرزندانشان که نیکوکار شدند. و فرشتگان از هر دری بر آنان وارد شوند.

۲٤ [و گویند:] سلام بر شما، به سبب آن چه شکیبایی کردید. پس چه نیکوست سرای آخرت.

۲۵ و کسانی که پیمان خداوند را پس از پیمانگری (پیمان بستن) می‌شکنند و آن چه را که خداوند فرمان داده است که به آن بسته و وابسته باشند، می‌گسلند و در زمین فساد می‌کنند، بر آن گروه لعنت باشد و سرای بد برای آنان است.

۲٦ خداوند رزق و روزی را برای هر کس که خواهد، فراخ می‌سازد و [یا] اندازه می‌کند. و [آنان] به زندگیِ دنیا شادمان شدند. و [حال آن که] زندگیِ دنیا در [مقابلِ نعمت‌های] آخرت جز کالای ناچیزی نباشد.

۲۷ و کسانی که کافر شدند، می‌گویند: «چرا از سوی پروردگارش نشانه‌ای بر او فرو فرستاده نشده است؟» بگو: «بی‌تردید خداوند هر کس را بخواهد، گمراه می‌سازد و هر کس را که توبه کند، به سوی خویش هدایت می‌نماید.»

۲۸ آنان که ایمان آوردند و دل‌هایشان به یاد خداوند آرام گیرد. بدانید که دل‌ها تنها به یاد خداوند آرام می‌گیرد.

۲۹ کسانی که ایمان آوردند و نیکوکاری کردند، برای آنان خوشی و بازگشتگاهی نیکو باشد.

۳۰ بدینسان تو را میانِ ملّتی –که پیش از آن ملّت‌هایی گذشتند– فرستادیم، تا آن چه را که به سوی تو وحی کردیم، بر آنان بخوانی. حال آن که آنان به [خداوندِ] بخشنده کفر می‌ورزند. بگو: «او پروردگار من است. جز او معبودی نیست. بر او توکّل کردم و بازگشت من به سوی او باشد.»

۳۱ و اگر «قرآنی» بود که به [وسیلهٔ] آن کوه‌ها به حرکت در می‌آمد، یا زمین به آن قطعه قطعه می‌گشت، یا مردگان به آن به سخن می‌آمدند [باز هم ایمان نمی‌آوردند]. بلکه فرمان همه از آنِ خداوند است. پس آیا کسانی که ایمان آوردند، ندانستند که اگر خداوند می‌خواست، البته همهٔ مردم را هدایت می‌کرد؟ و کسانی که کافر شده‌اند، به سبب آن چه کرده‌اند، پیوسته مصیبتی سخت به آنان می‌رسد، یا نزدیک سرای آنان [مصیبتی] فرود می‌آید، تا این که وعدهٔ خداوند بیاید. بی‌گمان خداوند در میعاد [خویش] خلاف نکند.

۳۲ و بی‌تردید فرستادگان پیش از تو مسخره شدند. پس به کسانی که کافر شدند، مهلت دادم. آن گاه آنان را [به عذاب] گرفتم. پس مجازات من چگونه بود؟

۳۳ آیا آن که بر هر وجودی (نَفْسی) به آن چه کسب کرده است، ناظر است [با غیرِ او همانند است؟] و برای خداوند شریکانی قرار دادند. بگو: «آنان را نام ببرید. آیا او (خداوند) را در زمین به آن چه نمی‌داند، خبر می‌دهید، یا به ظاهر سخنی می‌گویید؟» [نه] بلکه برای آنان که کافر شدند، نیرنگشان آراسته گردید و از راه [راست] برگردانده شدند. و هر کس را خداوند گمراه سازد، [دیگر] برای او هدایتگری نباشد.

۳٤ در زندگیِ دنیا برای آنان عذابی است. و البته عذاب آخرت سخت‌تر باشد. و برای آنان از [عذابِ] خداوند نگهدارنده‌ای نباشد.

۳۵ مَثَلِ بهشتی که به پرهیزکاران وعده داده شده است، [مانند باغی است که] از زیر آن جویبارها جاری باشد. میوه و سایه‌اش همیشگی است. این سرانجامِ کسانی است که پرهیزکاری کردند و سرانجامِ کافران آتش است.

۳٦ و کسانی که به آنان «کتاب» دادیم، به آن چه بر تو نازل شده است، شادمانند و از «احزاب» کسی هست که بعضی از آن را انکار می‌کند. بگو: «جز این نباشد که من فرمان یافته‌ام که خداوند را عبادت کنم و به او شرک نیاورم. [همه را] به سوی او دعوت می‌کنم و بازگشت من به سوی اوست.»

۳۷ و بدینسان آن را فرمانی [به زبانِ] عربی فرو فرستادیم. و اگر تو پس از آن چه از دانش بر تو آمد، از هوس‌های آنان پیروی کنی، تو را از [عذابِ] خداوند، یاوری و نگهدارنده‌ای نباشد.

۳۸ و بی‌تردید پیش از تو پیامبرانی فرستادیم و برای آنان همسران و فرزندانی قرار دادیم و برای هیچ پیامبری [این امکان] نبود که نشانه‌ای بیاورد، مگر به فرمان خداوند. هر مدّت معینی را کتابی (حکم نوشته شده‌ای) است.

۳۹ خداوند هر چه را خواهد، نابود سازد و [یا] پایدار سازد. و اصل «کتاب» [دانش‌ها] نزد اوست.

٤۰ و اگر پاره‌ای از آن چه را که به آنان وعده می‌دهیم، بر تو آشکارسازیم، یا [پیش از آن] تو را بمیرانیم، جز این نباشد که بر تو [وظیفهٔ] پیام رساندن است و بر ما حساب کردن.

٤۱ آیا نمی‌بینند که ما زمین را از همه سوی آن می‌کاهیم. و خداوند حکم می‌کند. حکمش را بازگرداننده‌ای نباشد و او زود حساب است.

٤۲ بی‌تردید کسانی که پیش از آنان بودند، نیرنگ کردند. و نیرنگ، همه از آنِ خداوند باشد. آن چه را که هر وجودی (نَفْسی) به دست آورد، می‌داند. و کافران به زودی بدانند که سرای آخرت [و عاقبت نیکو] برای چه کسی است.

٤٣ و کسانی که کافر شدند، گویند: «تو پیامبر نیستی.» بگو: «خداوند میان من و شما به عنوان گواه بس باشد. و آن کس که دانش «کتاب» (تمام علوم شناخته و ناشناخته) نزد اوست.»

مکّی

سورهٔ ابراهیم

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ الف. لام .را. «کتابی» است که آن را به سوی تو فرو فرستادیم، تا مردم را به اجازهٔ پروردگارشان از تاریکی‌ها به روشنایی به سوی راه [خداوند] عزیز ستوده بیرون آوری.

۲ خداوند آن کسی است که آن چه در آسمان‌ها و آن چه در زمین باشد، از آنِ اوست. و وای بر کافران از عذابی سخت!

۳ کسانی که زندگیِ دنیا را بر آخرت برمی‌گزینند و [مردم را] از راه خداوند باز می‌دارند و در آن کجی و ناراستی می‌جویند. آنان در گمراهیِ دوری باشند.

٤ و ما هیچ پیامبری نفرستادیم، مگر به زبان قومش تا [پیام‌های خداوند را] برایشان به روشنی بیان کند. پس خداوند هر کس را بخواهد، گمراه می‌کند. و هر کس را بخواهد، هدایت می‌کند و او عزیز حکیم است.

۵ بی‌تردید «موسی» را با آیاتِ خودمان فرستادیم که: «قوم خویش را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون آور. و روزهای خداوند را به یادِ آنان آور». بی‌تردید در آن برای هر شکیبای شکرگزاری، نشانه‌هایی باشد.

٦ و آن گاه که «موسی» به قوم خویش گفت: «نعمت خداوند را بر خود به یاد آورید، زمانی که شما را از طرفدارانِ «فرعون» («آل فرعون») رهایی بخشید. [آنان] به شما سخت عذاب می‌رساندند و پسرانتان را سر می‌بریدند و زنانتان را زنده می‌گذاشتند. و در این برای شما از سوی پروردگارتان آزمونی عظیم بود.»

۷ و آن گاه که پروردگارتان اعلام داشت: «اگر شکر گزارید، البته شما را [نعمت] افزایم. و اگر کفران کنید، بی‌تردید عذاب من شدید باشد.»

۸ و «موسی» گفت: «اگر شما و هر کس که در زمین است، همه کافر شوید، پس بی‌تردید خداوند بی‌نیاز ستوده است.»

۹ آیا خبرِ کسانی که پیش از شما بودند، به شما نرسید؟ [خبرِ] قوم «نوح» و «عاد» و «ثمود» و کسانی که پس از آنان بودند. این‌ها را کسی جز خداوند نداند. پیامبرانشان دلایل روشن برایشان آوردند. پس آنان دست‌ها را به دهان‌های خویش گذاشتند و گفتند: «بی‌تردید ما به آن چه شما به [خاطرِ] آن فرستاده شدید، کافریم و بی‌تردید ما در مورد آن چه شما ما را به آن می‌خوانید، شک داریم.»

۱۰ پیامبرانشان گفتند: «آیا در [وجودِ] خداوند که آفریدگارِ آسمان‌ها و زمین است، تردیدی هست؟ شما را می‌خواند تا از گناهانتان برایتان بیامرزد و [مرگِ] شما را تا هنگامی معلوم به تأخیر اندازد.» گفتند: «شما جز بشری مانند ما نمی‌باشید. می‌خواهید ما را از آن چه پدرانمان پرستش می‌کردند، باز دارید. پس برای ما دلیلِ محکم و آشکار آورید.»

۱۱ پیامبرانشان به آنان گفتند: «ما جز بشری مانند شما نیستیم. و لیکن خداوند بر هر یک از بندگانش که بخواهد، منّت می‌گذارد. ما را آن [قدرت و اختیار] نباشد که دلیلی محکم برای شما بیاوریم، مگر به اجازهٔ خداوند. و مؤمنان باید بر خداوند توکّل کنند.

۱۲ و ما را چه شود که بر خداوند توکّل نکنیم، حال آن که ما را به راه‌هایمان هدایت کرد. و البته ما بر آزاری که شما به ما می‌رسانید، شکیبایی کنیم و توکّل‌کنندگان باید بر خداوند توکّل کنند.»

۱۳ و کسانی که کافر شدند، به پیامبرانِ خویش گفتند: «بی‌تردید ما شما را از سرزمینِ خویش بیرون کنیم، مگر این که به آیین ما بازگردید.» پس پروردگارشان به آنان وحی کرد: «البته ستمگران را هلاک سازیم.

١٤ و البته شما را پس از آنان در زمین سکونت دهیم. این برای کسی است که از مقامِ من بترسد و از تهدید و وعدهٔ عذاب من بیمناک شود.»

۱۵ و پیروزی خواستند. و هر گردنکشِ ستیزه‌جویی نومید شد.

١٦ به دنبالش دوزخ باشد و از آبِ چرکین به او نوشانده شود.

۱۷ آن را جرعه جرعه می‌آشامد و نمی‌تواند آن را فرو برد. و مرگ از هر سو به طرفش آید و او نمی‌میرد و از پی او عذابی شدید باشد.

۱۸ مَثَلِ کردار کسانی که به پروردگارشان کافر شدند، به سانِ خاکستری باشد که بادی تند در یک روزِ توفانی بر آن بِوَزَد. و نمی‌توانند از آن چه به دست آورده‌اند (دستاوردشان) هیچ استفاده‌ای ببرند. این همان گمراهیِ دور باشد.

١٩ آیا ندیده‌ای که خداوند آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید. اگر بخواهد، شما را خواهد برد و آفریدهٔ تازه‌ای را خواهد آورد.

٢٠ و آن [کار] بر خداوندْ گران نباشد.

٢١ و جملگی در پیشگاه خداوند ظاهر شوند. پس ناتوانان به کسانی که تکبّر ورزیدند، گویند: «ما پیروانِ شما بودیم. آیا شما در دور کردنِ چیزی از عذاب خداوند، ما را فایده خواهید داد؟» [آنان] گویند: «اگر خداوند ما را هدایت می‌کرد، البته شما را هدایت می‌کردیم. چه بیتابی کنیم و چه شکیبایی ورزیم، برایمان یکسان است. برای ما گریزگاهی نیست.»

٢٢ و آن گاه که کار انجام شد، شیطان گوید: «بی‌تردید خداوند به شما وعده داد، وعدهٔ حق. و من [نیز] با شما وعده کردم. آن گاه با شما خلاف [وعده] کردم. و مرا بر شما اقتداری نبود. جز این که شما را خواندم. آن گاه دعوتم را پذیرا شدید. پس مرا سرزنش مکنید و [بلکه] وجود (نَفْس) خویش را سرزنش کنید. نه من فریادرسِ شما باشم و نه شما فریادرسِ من باشید. بی‌تردید من به آن چه پیش از این شرک می‌آوردید، کافرم.» بی‌تردید برای ستمگران عذابی دردناک باشد.

٢٣ و کسانی را که ایمان آوردند و نیکوکاری کردند، به باغ‌هایی داخل کنند، که از زیر آن‌ها جویبارها جاری است. به اجازهٔ پروردگارشان در آن جاودانه‌اند. در بهشت درودِ آنان: «سلام» باشد.

٢٤ آیا ندیدی که خداوند چگونه مَثَل زد: «سخن پاک به سانِ درختِ پاکی باشد که ریشهٔ آن استوار و پابرجاست و شاخهٔ آن در آسمان باشد.

۲۵ در هر زمان به اجازهٔ پروردگارش میوهٔ خود را بدهد.» و خداوند مَثَل‌ها برای مردم می‌زند، شاید آنان پند بپذیرند.

۲٦ «و مَثَلِ سخن ناپاک به سان درخت ناپاکی باشد که از بالای زمین برکنده شده است و آن را پابرجایی نباشد.»

۲۷ خداوند کسانی را که ایمان آوردند، با سخنِ استوار در زندگی دنیا و آخرت پایدار گرداند. و خداوند ستمگران را گمراه سازد و خداوند آن چه خواهد، بکند.

۲۸ آیا کسانی را که نعمتِ خداوند را به کفر تبدیل کردند و قوم خویش را به سرای نابودی در آوردند، ندیدی؟

۲۹ دوزخ! در آتش آن خواهند سوخت و آن، چه قرارگاه بدی است!

۳۰ و برای خداوند همتایانی قرار دادند، تا [مردم را] از راهِ او گمراه سازند. بگو: «بهره‌مند شوید، که بی‌تردید سرانجام و مقصد شما به سوی آتش باشد.»

۳۱ به بندگان من که ایمان آوردند، بگو نماز را بپا دارند و از آن چه روزیشان داده‌ایم، در نهان و عیان بخشش کنند، پیش از آن که روزی بیاید که در آن نه سوداگری باشد و نه دوستی.

۳۲ خداوند کسی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و از آسمان آبی فرود آورد و به آن برای روزیِ شما از میوه‌ها بیرون آورد. وکشتی را برای شما رام کرد، تا به فرمان او در دریا روان گردد و رودها را برای شما رام کرد.

۳۳ و آفتاب و ماه را برای شما رام کرد، در حالی که هر دو [در مدار خویش] پیوسته روان هستند. و شب و روز را برای شما رام کرد.

٣٤ و از هر چه از او خواستید، به شما داد. و اگر نعمت‌های خداوند را بشمارید، [از فراوانی] قادر به شمردن نخواهید بود. بی‌تردید انسان البته ستمکار و ناسپاس است.

٣٥ و آن گاه که «ابراهیم» گفت: «پروردگارا، این شهر را ایمن کن و مرا و پسران مرا از این که بت‌ها را بپرستیم، برکنار دار.

٣٦ پروردگارا، بی‌گمان آن‌ها بسیاری از مردم را گمراه کردند. پس هر کس از من پیروی کرد، بی‌تردید او از من است و آن کس که از من نافرمانی کرد، پس بی‌تردید تو آمرزگار مهربانی.

٣٧ پروردگارا، بی‌تردید من بعضی از فرزندانم را در درّه‌ای بی‌کشت و زرع نزدیک خانهٔ با حرمت تو جای دادم، پروردگارا، برای این که نماز را بپا دارند. پس دل‌های برخی از مردم را چنان کن که به سوی آنان متمایل شوند و آنان را از میوه‌ها روزی رسان. شاید آنان شکرگزار شوند.

٣٨ پروردگارا، بی‌گمان تو آن چه را که نهان می‌داریم و آن چه را که آشکار می‌سازیم، می‌دانی. و چیزی بر خداوند پنهان نیست [نه] در زمین و نه در آسمان.

٣٩ حمد و سپاس خدای راست که در پیری «اسماعیل» و «اسحاق» را به من بخشید. بی‌تردید پروردگارِ من به راستی شنوای دعاست.

٤٠ پروردگارا، مرا بپادارندهٔ نماز قرار بده و از فرزندان من [نیز بپاداران نماز باشند] پروردگارا، و دعای مرا پذیرا باش.

٤١ پروردگارا، مرا و پدر و مادر مرا و مؤمنان را روزی که حساب بپا شود، بیامرز».

٤٢ و [تو ای «محمّد»] گمان مبر که خداوند از آن چه ستمگران می‌کنند، غافل است. جز این نباشد که [کیفرِ] آنان را به تأخیر اندازد، برای روزی که در آن چشم‌ها از چرخش باز مانند.

٤٣ شتاب‌زده‌اند، سرهای خویش را بالا نگه دارند، مژگانشان به هم نرسد [و چشمانشان
باز ماند] و دل‌هایشان تهی باشد.

٤٤ و مردم را از روزی بیمناک ساز، که عذاب بر آنان بیاید. پس کسانی که ستم کردند،
گویند: «پروردگارا، [اجلِ] ما را تا زمانی نزدیک به تأخیر انداز، تا دعوت تو را
بپذیریم و از فرستادگان پیروی کنیم.» «آیا شما نبودید که پیش از این سوگند یاد
می‌کردید، که شما را نابودی نخواهد بود؟»

٤٥ و در خانه‌های کسانی که به نَفْسِ خویش ستم کردند، جای گرفتید و برای شما
آشکار شد که با آنان چگونه عمل کردیم. و برایتان مَثَل‌ها زدیم.

٤٦ و بی‌تردید آنان نیرنگ خود را زدند و نیرنگشان نزد خداوند باشد و هر چند که بر
اثر نیرنگشان کوه‌ها به زوال آید!

٤٧ پس گمان مبر که خداوند با فرستادگانش خلاف وعدهٔ خویش کند. بی‌تردید
خداوند عزیز و انتقام گیرنده است.

٤٨ روزی که زمین به غیر از [این] زمین مبدّل شود، و آسمان‌ها نیز. و در پیشگاهِ
خداوند یکتای چیره‌مند آشکار شوند.

٤٩ و در آن روز مجرمان را ببینی که در زنجیرها به هم بسته شده‌اند.

٥٠ پیراهنشان از «قَطران» باشد و سیمایشان را آتش بپوشاند.

٥١ تا خداوند هر کس را به آن چه به دست آورده است (دستاوردش) جزا دهد.
بی‌تردید خداوند زودْ حساب است.

٥٢ این برای مردمان پیام و ابلاغی است. تا به آن بیم داده شوند و بدانند که او معبود
یگانه است و برای آن که خردمندان پند بپذیرند.

مکّی

سورهٔ حِجر (قوم حجر، حرام، خردمند)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

١ الف. لام. را. این آیه‌های «کتاب» و «قرآن» روشن است.

٢ کسانی که کافر شدند، بسیار آرزو کنند که کاش مسلمان بودند.

٣ آنان را بگذار [از نعمت‌های دنیا] بخورند و بهره‌مند گردند و آرزو سرگرمشان کند. پس به زودی خواهند دانست.

٤ و ما هیچ شهری را نابود نکردیم، مگر این که برای آن نوشته‌ای (دستوری) معلوم بود.

۵ هیچ ملّتی سرآمدش (اجلش) نه پیش افتد و نه تأخیر پذیرد.

٦ و گفتند: «ای آن کس که «قرآن» بر او فرو فرستاده شده است، بی‌تردید تو دیوانه هستی!

٧ اگر از راستگویان هستی، چرا فرشتگان را نزد ما نمی‌آوری؟»

٨ فرشتگان را فرو نخواهیم فرستاد، مگر به حق. و آن هنگام به آنان مهلت داده نشود.

٩ بی‌تردید ما «قرآن» را فرو فرستادیم و بی‌گمان ما نگهدار آن هستیم.

١٠ و بی‌تردید پیش از تو –در گروه‌های پیشینیان– [پیامبرانی] فرستادیم.

١١ و فرستاده‌ای بر آنان نیامد، مگر این که او را مسخره می‌کردند.

١٢ بدینسان آن را در دل‌های گنهکاران داخل می‌کنیم.

١٣ به آن (حقیقت) ایمان نیاورند. و بی‌تردید سنّت [خداوند] دربارهٔ پیشینیان، گذشته است.

١٤ و اگر ما از آسمان، دری بر آنان باز می‌کردیم و آغاز به بالا رفتن در آن (آسمان) می‌کردند،

١۵ البته می‌گفتند: «جز این نباشد که چشمانمان مسحور و حیران شد. بلکه ما قومی جادو شده هستیم.»

١٦ و بی‌گمان ما در آسمان برج‌هایی (اختراتی) قرار دادیم و آن را برای تماشاگران آراستیم.

١٧ و آن را از هر شیطانِ رانده شده‌ای محافظت کردیم.

١٨ مگر آن کس که دزدانه گوش فرا داشت. پس شهابی آشکار (شعله‌ای بی‌دود) در پی‌اش افتاد.

١٩ و زمین را گستردیم و در آن کوه‌هایی استوار افکندیم و در آن از هر چیزی سنجیده رویاندیم.

٢٠ و در آن وسایل زندگی برای شما –و برای آن کس که شما روزی دهنده‌اش نیستید– قرار دادیم.

٢١ و هیچ چیز نباشد، مگر این که گنجینه‌های آن نزد ما باشد. و ما آن را جز به اندازه‌ای معلوم فرو نمی‌فرستیم.

٢٢ و بادها را باردارسازان [ابرها] فرستادیم و از آسمان آبی فرود آوردیم. پس شما را به آن آب سیراب کردیم و شما گنجینه‌دارانِ آن نباشید.

٢٣ و بی‌تردید ماییم که زنده می‌کنیم و می‌میرانیم و ما وارثان باشیم.

٢٤ و البته ما پیشینیان شما را شناخته‌ایم و بی‌تردید آیندگان را [از قبل] شناخته‌ایم.

٢٥ بی‌گمان پروردگار توست که آنان را برانگیزد. بی‌تردید او حکیم داناست.

٢٦ و به یقین ما انسان را از گِل خشکِ صداداری از لجنِ بدبو آفریدیم.

٢٧ و پیش از آن، جن را از آتش سوزان آفریدیم.

٢٨ و آن گاه که پروردگارت به فرشتگان گفت: «بی‌تردید من آفرینندهٔ بشری از گِل خشکِ صداداری از لجنِ بدبو هستم.

٢٩ پس آن گاه که آفرینشِ او را به پایان رساندم و از روحِ خویش در او دمیدم، در مقابلش [سر تسلیم فرود آورید و] به سجده افتید.»

٣٠ پس همهٔ فرشتگان جملگی [سر تسلیم فرود آوردند و] سجده کردند.

٣١ جز «ابلیس» که خودداری کرد از این که با سجده کنندگان باشد.

٣٢ [خداوند] گفت: «ای «ابلیس»، چرا [به این آفریده] سجده نمی‌کنی؟»

٣٣ [«ابلیس»] گفت: «سزاوار نباشد که من بشری را سجده کنم، که تو او را از گِلِ خشکِ صداداری از لجن بدبو آفریدی.»

٣٤ [خداوند] گفت: «پس، از آن (محیط فرشتگان) بیرون شو! بی‌تردید تو رانده شده‌ای.

٣٥ و بی‌گمان تا روز قیامت لعنت بر تو باد.»

٣٦ [«ابلیس»] گفت: «پروردگارا، پس تو مرا تا روزی که [خلق] برانگیخته شوند، مهلت ده.»

٣٧ [خداوند] گفت: «تو از مهلت یافتگان باشی.

٣٨ تا روز [و] زمان معلوم [به تو مهلت داده شد].»

٣٩ [«ابلیس»] گفت: «پروردگارا، من به سبب این که مرا گمراه ساختی، البته در زمین برایشان [گناه را] بیارایم و البته همهٔ آنان را گمراه سازم.

٤٠ مگر بندگان تو، آنان که اخلاص داشته باشند.»

٤١ [خداوند] گفت: «این راهی است مستقیم، که بر عهدهٔ من است.

٤٢ بی‌تردید تو را چیرگی بر بندگان من نباشد، مگر آن کس از گمراهان که از تو پیروی کند.»

٤٣ و بی‌تردید دوزخ میعادگاهِ همهٔ آنان باشد.

٤٤ آن را هفت در باشد و برای هر دری بخشی جداگانه از آنان (گمراهان) باشد.

٤٥ بی‌تردید پرهیزکاران در باغ‌ها و چشمه‌ساران باشند.

٤٦ [به آنان گفته شود:] «سلامت و ایمن به آن در آیید!»

٤٧ و آن چه از کینه درون سینه‌هایشان باشد، بیرون می‌کشیم. بر تخت‌هایی رو به روی هم نشینند و برادرانِ یکدیگر باشند.

٤٨ در آن جا نه رنجی به آنان رسد و نه از آن بیرون شوند.

٤٩ بندگانم را آگاه‌ساز: بی‌گمان من آمرزگار مهربانم.

٥٠ و این که عذاب من همان عذاب دردناک باشد.

٥١ و آنان را از [سرگذشتِ] مهمانان «ابراهیم» آگاه ساز.

٥٢ آن زمان که بر او وارد شدند. پس گفتند: «سلام». [«ابراهیم»] گفت: «به راستی ما از
شما می‌ترسیم.»
٥٣ [فرستادگان] گفتند: «بیم مدار! بی‌گمان ما تو را به پسری دانا مژده می‌دهیم.»
٥٤ [«ابراهیم»] گفت: «آیا مرا مژده می‌دهید، با آن که من پیر شده‌ام؟ پس [مرا] به چه
مژده می‌دهید؟»
٥٥ گفتند: «ما تو را به حق مژده دادیم. پس تو از نومیدان مباش.»
٥٦ [«ابراهیم»] گفت: «و جز گمراهان کیست که از رحمت پروردگارش نومید شود.»
٥٧ [«ابراهیم»] گفت: «پس ای فرستادگان، کار شما چیست؟»
٥٨ گفتند: «بی‌تردید ما به سوی ملّتی گنهکار فرستاده شده‌ایم.
٥٩ مگر خاندانِ «لوط» که بی‌تردید ما جملگیِ آنان را نجات دهیم.
٦٠ جز زنش که مقدّر کردیم از بازماندگان باشد.»
٦١ پس آن گاه که فرستادگان به سوی خاندان «لوط» آمدند.
٦٢ [«لوط»] گفت: «بی‌گمان شما گروهی ناشناس هستید.»
٦٣ گفتند: «[نه] بلکه با آن چه در آن تردید داشتند، نزد تو آمده‌ایم.
٦٤ و حق را برای تو آورده‌ایم. بی‌تردید ما راستگو هستیم.
٦٥ پس در پاسی از شب خانوادهٔ خویش را حرکت ده. و تو [نیز] در پیِ آنان برو. و
نباید هیچ یک از شما به پشت سر خویش بنگرد. و به آن جا که به شما دستور داده
می‌شود، بروید.»
٦٦ و ما او را به این حکم آگاه ساختیم، که بامدادان ریشهٔ زندگی آن مردم بریده شود.
٦٧ و اهل شهر شادمانه آمدند.
٦٨ [«لوط»] گفت: «بی‌تردید اینان مهمانان من هستند. پس مرا رسوا مکنید.
٦٩ و از خداوند بیمناک باشید و خوارم مسازید.»
٧٠ [قوم «لوط»] گفتند: «آیا تو را از جهانیان نهی نکرده بودیم؟»

٧١ [«لوط»] گفت: «اگر شما عمل‌کننده هستید، اینان دختران من هستند.»

٧٢ به جان تو سوگند که آنان در مستیِ خویش کور و سرگردانند.

٧٣ پس به هنگام برآمدنِ آفتاب «صیحه»ای آنان را گرفت.

٧٤ پس آن [شهر] را زیر و رو کردیم و بر آنان سنگ‌هایی از «سِجّیل» باراندیم.

٧٥ بی‌تردید در آن [حکایت] برای هوشمندان و عبرت‌پذیران نشانه‌ها باشد.

٧٦ و آن (سرزمین قوم «لوط») بر سر راهی پایدار باقی است.

٧٧ بی‌تردید در آن [آثار] برای مؤمنان نشانه‌ای باشد.

٧٨ و بی‌تردید اهل «ایکه» ستمگر بودند.

٧٩ پس، از آنان انتقام گرفتیم و بی‌تردید آن دو [شهر] بر سر راهی است که آشکار باشد [و همه می‌توانند آن‌ها را ببینند].

٨٠ و بی‌تردید یارانِ «حِجْر» سخنانِ پیامبران را دروغ پنداشتند.

٨١ و ما آیاتِ خویش را به آنان دادیم، سپس از آن رویْ گردان شدند.

و [آنان] در کوه‌ها خانه‌هایی از سنگ می‌تراشیدند، تا [از عذابِ خدا] ایمن بمانند.

٨٣ پس بامدادان «صیحه»ای آنان را فرا گرفت.

٨٤ و آن چه به دست می‌آوردند (دستاوردشان) آنان را بی‌نیاز نکرد.

٨٥ و آسمان‌ها و زمین و آن چه را که میانِ آن دو باشد، جز به حق نیافریدیم. و بی‌تردید رستاخیز خواهد آمد. پس [تو ای «محمّد»، مخالفت‌های کافران را] با عفوی نیکو ببخشای.

٨٦ بی‌گمان پروردگار توست که آفریدگار داناست.

٨٧ و بی‌تردید به تو «هفت مثانی» (سورهٔ «حمد») و «قرآن» عظیم را دادیم.

٨٨ دو چشم را به سوی آن چه گروه‌هایی از آنان را بهره دادیم، باز مکن و برای آنان اندوهگین مباش و بر مؤمنان، بالِ [مِهرِ] خویش را فرود آر (مؤمنان را زیر بال مِهر خویش بگیر).

٨٩ و بگو: «به راستی من بیم دهندهٔ آشکار هستم.»

٩٠ همان گونه که بر قسمت‌کنندگان [عذاب را] فرود آوردیم.

٩١ آنان که «قرآن» را بخش بخش کردند.

٩٢ پس به پروردگارت سوگند که البته از همهٔ آنان پرسش خواهیم کرد،

٩٣ از آن چه می‌کردند.

٩٤ پس آن چه را که به آن فرمان یافته‌ای، آشکار ساز و از مشرکان رویْ بگردان.

٩٥ بی‌تردید ما تو را از استهزاءکنندگان کفایت کنیم.

٩٦ آنان که با خداوند معبودی دیگر قرار می‌دهند. پس به زودی خواهند دانست.

٩٧ و بی‌تردید می‌دانیم که به آن چه می‌گویند، تو دلتنگ می‌شوی.

٩٨ پس به سپاسِ پروردگارت تسبیح بگوی. و از سجده‌کنندگان (سر تسلیم فرودآوران) باش.

٩٩ و پروردگار خویش را عبادت کن، تا آن گاه که یقین (مرگ) بر تو رسد.

مکّی سورهٔ نحل (زنبور عسل)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

١ فرمان خداوند آمد. پس برایش شتاب نکنید. او پاک و برتر است از آن چه برایش شریک می‌گیرند.

٢ فرشتگان را به روح از فرمان خویش بر هر کس از بندگانش که بخواهد، فرود آورد که :[مردم را] بیم دهید که جز من معبودی نباشد. پس از من بیمناک باشید.

٣ آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید. برتر است از آن چه برایش شریک می‌گیرند.

٤ انسان را از نطفه‌ای آفرید. پس اینک او دشمنی آشکار است.

٥ و چهارپایان. آن‌ها را آفرید. برای شما در آن‌ها گرمی (پوشش‌های گرم) و سودها باشد و از آن‌ها [خوراک] می‌خورید.

٦ و شبانگاه که آن‌ها را به خانه می‌آورید و بامدادان که به چرا می‌برید، برایتان زیبایی و جلوه‌ای دارند.

٧ و بارهای سنگینِ شما را به شهری می‌برند، که شما جز با رنجِ توان فرسا به انجامِ
آن موفق نمی‌شدید. بی‌تردید پروردگارِ شما رئوف (دارای رَحْم و شفقت) و مهربان است.
٨ و اسبان و استران و خران را [آفرید] تا بر آن‌ها بنشینید و پیرایه‌ای باشد. و آن چه را
که نمی‌دانید، می‌آفریند.
٩ و نشان دادن و مستقیم نگه داشتن راه [راست] بر خداوند باشد. و بعضی از راه‌ها
منحرف و کَجْرَونده باشند. و اگر [خداوند] می‌خواست، همهٔ شما را [به راه راست]
هدایت می‌کرد.
١٠ او کسی است که برای شما از آسمان آبی فرود آورد. از آن برای شما آبی است که
می‌آشامید، و از آن درختان و گیاهانی می‌روید، که در آن [حیوانات را] می‌چرانید.
١١ به آن آب برای شما کشت و زیتون و درختان خرما و انگور و از همهٔ میوه‌ها
می‌رویاند. بی‌تردید در آن نشانه‌ای باشد برای گروهی که اندیشه می‌کنند.
١٢ و شب و روز و خورشید و ماه را برای شما رام کرد. و ستارگان که به فرمانش
فرمانبردارند. بی‌تردید در آن نشانه‌هایی است برای گروهی که اندیشه و درک می‌کنند.
١٣ و آن چه در زمین برای شما آفرید، رنگ‌هاشان گوناگون است. بی‌تردید در آن
نشانه‌ای است برای گروهی که پند می‌پذیرند.
١٤ و او کسی است که دریا را رام کرد تا از آن (دریا) گوشتِ تازه بخورید و از آن
پیرایه‌ای بیرون آورید، که آن را پوششِ خود کنید و کشتی‌ها را شکافگرانه در آن
(دریا) ببینی و برای آن که فضلش را جستجو کنید. و شاید شما شکرگزار شوید.

١٥ و در زمین کوه‌هایا ثابت و استوار افکند، تا جنبش زمین شما را نلرزاند. و نهرها و راه‌ها [قرار داد]. شاید شما هدایت یابید.

١٦ و نشانه‌هایی [قرار داد] و به [وسیلۀ] ستاره، آنان راه را پیدا می‌کنند.

١٧ پس آیا آن کس که می‌آفریند، مانند کسی است که نمی‌آفریند؟ آیا پند نمی‌پذیرید؟

١٨ و اگر نعمت[های] خداوند را [بخواهید] بشمارید، [بر اثر کثرت] نمی‌توانید آن‌ها را شماره کنید. بی‌تردید خداوند آمرزگار مهربان است.

١٩ و خداوند آن چه را که پنهان می‌دارید و آن چه را که آشکار می‌سازید، می‌داند.

٢٠ و کسانی که آنان جز خداوند می‌خوانند، چیزی نمی‌آفرینند و خودشان آفریده می‌شوند.

٢١ مرده‌اند و زنده نیستند. و نمی‌فهمند که چه هنگام برانگیخته شوند.

٢٢ معبود شما معبودی یگانه است. پس کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، دل‌هاشان پذیرشگر نباشد و آنان تکبر می‌ورزند.

٢٣ البته خداوند آن چه را که نهان می‌دارند و آن چه را که آشکار می‌سازند، می‌داند. بی‌گمان او متکبّران را دوست ندارد.

٢٤ و آن گاه که به آنان گفته شود: «پروردگارتان چه چیزی را فرو فرستاد؟» گویند: «افسانه‌های گذشتگان را.»

٢٥ تا روز قیامت بارهای [گناهِ] خویش را تمام [به دوش جان] ببرند. و از بارِ [گناهانِ] کسانی که به نادانی گمراهشان می‌کنند [نیز به دوش گیرند]. به راستی بد باری بر دوش می‌گیرند.

٢٦ بی‌گمان کسانی که پیش از آنان بودند، نیرنگ به کار بستند. پس خداوند بنیادشان را از بُن برکند. پس سقف از فرازشان بر آنان فرو ریخت و عذاب از جایی به آنان رسید، که نمی‌فهمیدند.

٢٧ بعد از آن، روز قیامت خوارشان سازد و گوید: «شریکان من که شما در مورد آنان ستیزه می‌کردید، کجا هستند؟» کسانی که به آنان دانش داده شد، گویند: «بی‌گمان امروز خواری و بدی بر کافران باشد.»

٢٨ آنان که در حالی که به خویشتن ستم می‌کنند، فرشتگان جانشان را گیرند، پس تسلیم می‌شوند [و گویند:] «ما کار بدی نمی‌کردیم.» «آری، بی‌تردید خداوند به آن چه می‌کردید، داناست.»

٢٩ [به آنان گفته می‌شود:] «پس، از درهای دوزخ داخل شوید. در آن جاودانه باشید. پس جایگاه متکبّران به راستی بد باشد.»

٣٠ و به کسانی که پرهیزکار بودند، گفته شود: «پروردگارتان چه فرو فرستاد؟» گویند: «خوبی.» برای آنان که در این دنیا نیکویی کردند، نیکویی باشد و البته سرای آخرت بهتر است و سرای پرهیزکاران به راستی نیکو باشد.

٣١ بهشت‌های جاویدان که به آن‌ها داخل شوند. از زیر آن‌ها جویبارها جاریست. و در آن جا هر چه خواهند، برایشان [حاضر] باشد. بدینسان خداوند پرهیزکاران را پاداش می‌دهد.

٣٢ کسانی که در حال پاکی، فرشتگان جانشان را می‌گیرند [و به آنان] می‌گویند: «بر شما سلام باد. به سبب آن چه می‌کردید، به بهشت در آیید.»

٣٣ آیا جز این انتظار دارند که فرشتگان به سوی آنان آیند، یا فرمانِ پروردگارت برسد. کسانی که پیش از اینان بودند، چنین کردند. و خداوند به آنان ستم نکرد. و لیکن خودِ آنان [بر خویشتن] ستم می‌کردند.

٣٤ پس بدی‌های آن چه می‌کردند، به آنان رسید. و همان چیزی (عذابی) که آن را مسخره می‌کردند، آنان را فرا گرفت.

٣٥ و کسانی که شرک ورزیدند، گفتند: «اگر خداوند می‌خواست، ما جز او هیچ چیزی
را پرستش نمی‌کردیم. [نه] ما و نه پدرانمان. و چیزی را جز آن چه او حرام دانسته
است، حرام نمی‌کردیم.» کسانی که پیش از آنان بودند، چنین کردند. پس آیا بر
پیامبران جز رساندنِ پیامِ آشکار است؟

٣٦ و بی‌گمان ما در [میانِ] هر ملّتی پیامبری برانگیختیم که [بگوید:] «خداوند را
پرستش کنید و از «طاغوت» (هر سرکش فریبکار) بپرهیزید.» پس، از آنان کسی بود
که خداوند او را هدایت کرد و از آنان کسی بود که گمراهی بر او حق و ثابت
گشت. پس در زمین سفر کنید و بنگرید که سرانجامِ تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است.

٣٧ و اگر بر هدایتِ آنان سخت آرزومند باشی، بی‌تردید خداوند آن را که گمراه سازد،
هدایت نکند. و برایشان یاری کننده‌ای نباشد.

٣٨ و آنان با سخت‌ترین سوگندهایشان به خداوند سوگند یاد کردند که خداوند آن کس
را که بمیرد، برنینگیزد. آری، وعده‌ای است که بر خداوند حقّ و واجب باشد، و
لیکن بیش‌ترِ مردم نمی‌دانند.

٣٩ تا آن چه را که در آن اختلاف می‌کنند، برایشان بیان نماید و تا کسانی که کافر
شدند، بدانند که دروغگو بودند.

٤٠ جز این نباشد که سخن ما به چیزی آن گاه که به آن اراده کنیم، اینست که به آن
بگوییم: «باش!» پس موجود می‌شود.

٤١ و کسانی که در [راه] خداوند پس از آن که ستم دیدند، مهاجرت کردند، البته در این
دنیا جای نیکویی به آنان دهیم و بی‌تردید پاداشِ آخرت بزرگ‌تر است، اگر می‌دانستند.

٤٢ آنان که شکیبایی کردند و بر پروردگار خویش توکّل می‌کنند.

٤٣ و پیش از تو [پیامبرانی] نفرستادیم، مگر مردانی که به آنان وحی کردیم. پس اگر نمی‌دانید، از «اهل ذکر» بپرسید.

٤٤ [آنان را] با دلایل روشن و «کتاب»ها [فرستادیم]. و ذکر («قرآن») را بر تو فرو فرستادیم، تا برای مردم آن چه را که به سوی آنان نازل شده است، بیان کنی. و تا شاید آنان اندیشه کنند.

٤٥ آیا کسانی که نیرنگ‌های زشت کردند [فکر می‌کنند] ایمن شدند از این که خداوند آنان را در زمین فرو بَرَد، یا از جایی که نفهمند، عذاب برای آنان آید؟

٤٦ یا این که آنان را در رفت و آمدشان بگیرد؟ و آنان عاجز کننده [خدا] نباشند.

٤٧ یا این که آنان را به ترس با هشدارهای تدریجی [و با نابودی نعمت‌ها] گیرد؟ و بی‌تردید پروردگار شما رئوف (دارای رحم و شفقت) و مهربان است.

٤٨ آیا [مردم] به آن چه خداوند از هر چیز آفرید، که سایه‌هایشان از راست و چپ حرکت می‌کند، در حالی که سرِ تسلیم برای خداوند فرود می‌آورند، نگاه نکردند؟ و آنان فروتنان باشند.

٤٩ و هر چه در آسمان‌ها و هر چه در زمین است –از جنبنده و فرشتگان– برای خداوند سجده می‌کنند و آنان تکبّر نمی‌ورزند.

٥٠ از پروردگارشان که فرازشان است، می‌ترسند و آن چه را که فرمان می‌یابند، انجام می‌دهند.

٥١ و خداوند گفت: «دو معبود نگیرید.» جز این نباشد که او معبودی یکتاست. «پس [فقط] از من بیمناک باشید.»

٥٢ و آن چه در آسمان‌ها و زمین است، از آنِ اوست و دین ناب و پایدار همیشه او راست. آیا از غیر خداوند می‌ترسید [و پروا می‌کنید]؟

٥٣ و آن چه از نعمت برای شماست، از خداوند باشد. سپس آن گاه که زیانی به شما رسد، به سوی او زاری می‌کنید.

٥٤ پس آن گاه که زیان را از شما دور ساخت (برداشت) آن گاه گروهی از شما به پروردگارشان شرک می‌آورند.

٥٥ تا به آن چه دادیمشان، کفران کنند. پس، [از مهلت دنیا] بهره گیرید. به زودی خواهید دانست.

٥٦ و برای آن چه نمی‌دانند، بهره‌ای از آن چه روزیشان دادیم، قرار می‌دهند. سوگند به خداوند، که از آن چه دروغ می‌بستید، بی‌تردید از شما پرسیده شود.

٥٧ و برای خداوند دخترانی قرار می‌دهند. او [از این تهمت‌ها] منزّه است. و آن چه هوس کنند، برای آنان باشد.

٥٨ و اگر یکی از آنان به [داشتنِ] دختری خبر داده شود، چهره‌اش سیاه گردد و سرشار از اندوه شود.

٥٩ از بدیِ آن چه به او خبر داده شده است، از دیدگاهِ مردم پنهان گردد. [دو دل است] که آیا شرمگینانه آن دختر را نگه دارد، یا این که در خاک پنهانش کند. بدانید که آن چه آنان حکم می‌کنند، بد باشد.

٦٠ برای کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، مَثَلِ بد است. و برای خداوند بلند پایه‌ترین مَثَل است. و او عزیز حکیم است.

٦١ و اگر خداوند مردم را به ستمگریشان مؤاخذه کند، هیچ جنبنده‌ای را بر آن (زمین) نگذارد. ولی تا اجل معیّن [مرگِ] آنان را به تأخیر می‌اندازد. پس آن گاه که اجلشان فرا رسد، نه آن را ساعتی به تأخیر افکنند و نه پیش اندازند.

٦٢ برای خداوند چیزی را قرار می‌دهند که آن را [برای خویشتن] نمی‌پسندند. و زبانشان توصیفگرِ دروغ است که نیکویی برای آنان است. بی‌تردید آتش برای آنان باشد و آنان پیشگامان [به سوی دوزخ] باشند.

٦٣ به خدا سوگند، که بی‌تردید [پیامبرانی] پیش از تو به سوی ملّت‌هایی فرستادیم. پس شیطان، اعمال آنان (کافران) را برای آنان بیاراست [و فریبشان داد] و او امروز سرپرستِ آنان باشد. و برای آنان عذابی دردناک است.

٦٤ و «کتاب» («قرآن») را بر تو فرو نفرستادیم، مگر برای این که آن چه را که در آن اختلاف می‌کردند، برایشان بیان کنی و هدایتی و رحمتی است برای گروهی که ایمان می‌آورند.

٦٥ و خداوند از آسمان آبی فرو فرستاد و به آن زمین را پس از مرگش زنده کرد. بی‌تردید در آن برای ملّتی که می‌شنوند، نشانه‌ای باشد.

٦٦ و بی‌گمان برای شما در چهارپایانْ عبرتی است. از آن چه در شکم‌های آنان است، شما را می‌نوشانیم. از میانِ سرگین و خون، شیری پاک [بیرون می‌آید] که برای آشامندگانْ گواراست.

٦٧ و از میوه‌های درختان خرما و انگور، هم مست کننده و هم رزقی نیکو می‌گیرید. بی‌تردید در آن نشانه‌ای است برای قومی که اندیشه و درک می‌کنند.

٦٨ و پروردگار تو به زنبور عسل الهام کرد: در کوه‌ها و درختان و در آن چه بالا می‌برند، خانه بساز.

٦٩ آن گاه از همهٔ میوه‌ها بخور و به همواری به راه‌های [اطاعت از امر] پروردگارت روان شو! از شکم‌های آنان (زنبوران) نوشیدنی بیرون آید، که رنگ‌های آن گوناگون باشد. در آن برای مردم شفایی باشد. بی‌تردید در آن نشانه‌ای است برای گروهی که اندیشه می‌کنند.

٧٠ و خداوند شما را آفرید و او شما را می‌میراند و از [میانِ] شما کسی باشد که به خوارترینْ عمر برگردانده شود، تا پس از دانستن [از فرط پیری] دیگر چیزی نداند. بی‌تردید خداوند دانای تواناست.

٧١ و خداوند در رزق و روزی برخی از شما را بر برخی دیگر برتری داد. و آنان که برتری یافته‌اند، از رزقِ خویش روزی بخش به مملوکان خود نیستند، که همه در آن یکسان باشند. پس آیا نعمت خداوند را نادیده می‌گیرند؟

٧٢ و خداوند از خودتان همسرانی برایتان قرار داد و از جفت‌های شما برایتان پسران (فرزندان) و نواده‌هایی قرار داد. و از پاکیزه‌ها به شما روزی داد. پس آیا به باطل ایمان می‌آورند و به نعمتِ خداوند کافر می‌شوند؟

٧٣ و به غیر از خداوند، چیزهایی را پرستش می‌کنند که صاحب اختیار هیچ گونه رزق و روزی برای آنان از آسمان‌ها و زمین نباشند و توانایی ندارند.

٧٤ پس برای خداوند مَثَل‌ها نزنید. بی‌تردید خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید.

٧٥ خداوند مَثَلی زد: بندهٔ زر خریدی که بر چیزی توانایی ندارد، و کسی که از خودمان رزقی نیکو به او دادیم، پس او در نهان و عیان از آن [به دیگران] بخشش می‌کند؛ آیا [این دو] یکسانند؟ حمد و سپاس برای خداوند باشد. بلکه بیش‌ترشان نمی‌دانند.

٧٦ و خداوند مَثَلی زد: دو مرد که یکی از آنان گنگ است و بر هیچ چیزی توانایی ندارد و بر سَرْوَرِ خویش باری گران است، که به هر راهی او را فرستد، خیری نیاورد. آیا او با آن کس که به دادگری فرمان می‌دهد و بر راه راست می‌باشد، برابر است؟

٧٧ و غیبِ آسمان‌ها و زمین از آنِ خداوند است. و فرمانِ قیامت نیست، جز مانند یک چشم بر هم زدن، یا این که نزدیک‌تر از آن باشد. بی‌تردید خداوند بر همه چیز تواناست.

٧٨ و خداوند شما را از شکمِ مادرانتان بیرون آورْد، در حالی که چیزی نمی‌دانستید و برایتان گوش و چشم‌ها و دل‌ها قرار داد، شاید شما شکرگزار شوید.

٧٩ آیا پرندگان را در جَوّ آسمان ندیدند، که رام [قوانینِ خداوند] می‌باشند؟ و آنان را جز خداوند نگهداری نباشد. بی‌تردید در آن برای گروهی که ایمان می‌آورند، نشانه‌هایی باشد.

٨٠ و خداوند برای شما از خانه‌هایتان محل آرامش قرار داد و از پوست‌های چهارپایان برای شما خانه‌ها قرار داد که هنگام سفر و اقامت کردن آن را سبک [و قابل حمل] می‌یابید. و از پشم‌ها و کُرک‌ها و موهای آنان برای شما اثاث و لوازم [زندگی] قرار داد. و بهره‌مندی [و آسایشی] تا مدتی باشد.

٨١ و خداوند از آن چه آفرید برای شما سایه‌هایی قرار داد و از کوه‌ها برایتان پناهگاه‌هایی ساخت و برای شما جامه‌هایی قرار داد، که شما را از گرما حفظ می‌کند. جامه‌هایی که شما را در خشونت و پیکارتان محافظت می‌نماید. بدینسان نعمت خویش را بر شما تمام می‌کند. شاید شما «اسلام» آورید.

٨٢ پس اگر [از حق] رویْ گرداندند، جز این نباشد که بر تو [وظیفهٔ] پیام‌رسانی آشکار باشد.

٨٣ نعمت خداوند را می‌شناسند. آن گاه آن را انکار می‌کنند. و بیش‌ترشان کافرند.

٨٤ و روزی که از هر ملّتی گواهی برانگیزیم، آن گاه به کسانی که کفر ورزیدند، اجازه داده نشود و از آنان رضاجویی هم نخواهند.

٨٥ و آن گاه که کسانی که ستم کردند، عذاب را ببینند، پس [سنگینیِ عذابشان] از آنان سبک نگردد و به آنان مهلت هم داده نشود.

٨٦ و آن گاه که کسانی که شرک ورزیدند، شریکان خود را ببینند، گویند: «پروردگارا، اینان شریکان ما هستند، آنان که ما –غیر از تو– می‌خواندیم.» پس [شریکانشان] به آنان پاسخ دهند: «بی‌تردید شما دروغگو می‌باشید.»

٨٧ و در آن روز [مشرکان] به خداوند اظهارِ اطاعت و تسلیم کنند و آن چه دروغ می‌بستند، از آنان گم شود.

٨٨ کسانی که کافر شدند و [مردم را] از راه خداوند بازداشتند –به سبب آن چه فساد می‌کردند– عذابی بر عذابشان بیفزاییم.

٨٩ و روزی که در هر ملّتی از میان خودشان گواهی بر آنان برانگیزیم و تو را بر ایشان گواه آوریم. و «کتاب» («قرآن») را بر تو برای بیانِ همه چیز فرود آوردیم، که هدایتی و رحمتی و مژده‌ای برای مسلمانان باشد.

٩٠ بی‌تردید خداوند به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد و از فحشاء و بدی و ستمگری منع می‌کند. شما را پند می‌دهد، شاید پند بپذیرید.

٩١ و به عهد خداوند –آن گاه که پیمان بستید– وفا کنید. و سوگندها را پس از استوار کردن آن‌ها مَشکنید. حال آن که شما [در وفا به سوگندتان] خداوند را بر خویشتن پاسدار [و کفیل] قرار داده‌اید. بی‌تردید خداوند آن چه را که انجام می‌دهید، می‌داند.

٩٢ و مانند آن زن نباشید که –پس از بستن تارهای گسیخته– رشتهٔ خود را باز می‌گسست، که سوگندهای خویش را میان خود خیانتی سازید به خاطر آن که گروهی افزون‌تر از گروهی دیگر باشند. جز این نباشد که خداوند شما را به آن می‌آزماید و برای این که روز قیامت برایتان آن چه را که در آن اختلاف می‌کردید، بیان کند.

٩٣ و اگر خداوند می‌خواست، شما را یک ملّت می‌کرد. و لیکن هر کس را بخواهد، گمراه می‌سازد و هر کس را بخواهد، هدایت می‌نماید و البته از آن چه می‌کردید، مورد پرسش قرار خواهید گرفت.

٩٤ و سوگندهای خود را میان خود خیانتی نگردانید، تا گامی پس از پایداری آن بلغزد. و به سبب آن که [مردم را] از راه خداوند باز می‌داشتید، بدی [و عواقب بد] را خواهید چشید. و برای شما عذابی عظیم باشد.

٩٥ و پیمان خداوند را به بهای اندک مفروشید. بی‌تردید آن چه نزد خداوند است، برای شما بهتر است، اگر می‌دانستید.

٩٦ آن چه نزد شما هست، نابود گردد و آن چه نزد خداوند هست، پاینده باشد. و البته آنان را که شکیبایی کردند، پاداش دهیم. پاداششان بر پایه بهترینِ آن چه می‌کردند، باشد.

٩٧ هر کس –از زن و مرد– کار نیک انجام دهد، در حالی که با ایمان باشد، پس بی‌گمان او را به زندگانیِ پاکی زنده نگه داریم و بی‌تردید پاداششان دهیم. پاداششان بر پایهٔ بهترینِ آن چه می‌کردند، باشد.

٩٨ پس تو آن گاه که «قرآن» می‌خوانی، از [شرِّ] شیطان رانده شده به خداوند پناه ببر.

٩٩ بی‌تردید او (شیطان) بر کسانی که ایمان آورده‌اند و به پروردگارشان توکل می‌کنند، قدرتی (سلطه‌ای) ندارد.

١٠٠ قدرت (سلطه) او (شیطان) فقط بر کسانی باشد که او را سرپرست خود می‌گیرند و بر کسانی است که به خداوند شرک می‌آورند.

١٠١ و آن گاه که آیه‌ای را جایگزین آیه‌ای دیگر کردیم –و خداوند به آن چه فرو می‌فرستد، داناتر باشد– گفتند: «جز این نباشد که تو به خداوند افترا می‌بندی.» [نه] بلکه بیش‌ترشان نمی‌دانند.

١٠٢ بگو: آن را «روحُ القُدُس» از سوی پروردگارت به حق فرود آورد، تا [قلبِ] کسانی را که ایمان آوردند، ثابت گرداند. و هدایتی و مژده‌ای برای مسلمانان باشد.

١٠٣ و بی‌گمان می‌دانیم که آنان می‌گویند: «جز این نیست که آن را بشری به او تعلیم می‌دهد.» زبان آن کس که [این سخن را] به او نسبت می‌دهند، عجمی است. و این («قرآن») به زبان عربی روشن و واضحی باشد.

١٠٤ بی‌تردید کسانی که به آیات خداوند ایمان نمی‌آورند، خداوند آنان را هدایت نکند و برای آنان عذابی دردناک باشد.

١٠٥ فقط کسانی که به آیات خداوند ایمان ندارند، [به خدا] افتراء دروغ می‌بندند. و آنان خود دروغگو باشند.

١٠٦ آن کس که پس از ایمان به خداوند کافر شد – مگر آن کس که به اکراه ناگزیر شده [انکار خدا کند] در حالی که دلش به ایمان مطمئن گردیده است – و لیکن آن کس که سینۀ خود را برای کفر گشود (در قلب خود کفر را پذیرفت) پس از سوی خداوند بر آنان خشمی باشد و برای آنان عذابی عظیم است.

١٠٧ این به دلیل آنست که آنان زندگیِ دنیا را بر آخرت برگزیدند. و بی‌گمان خداوند گروهِ کافران را هدایت نمی‌کند.

١٠٨ آنان کسانی باشند که خداوند بر دل‌هایشان و گوش‌هایشان و دیدگانشان مُهر نهاد. و آن گروه خود غافلانند.

١٠٩ به ناچار آنان در آخرت زیانکار باشند.

١١٠ آن گاه بی‌گمان پروردگارت برای کسانی که هجرت کردند –پس از آن که آزموده شدند– سپس جهاد کردند و شکیبایی نمودند، بی‌تردید پروردگارت از آن پس آمرزگار مهربان است.

١١١ روزی آید که هر کس به التماس و درخواست و دفاع از خویشتن برخیزد و هر کس آن چه کرده است، به او تمام داده شود و بر آنان ستمی نرود.

١١٢ و خداوند مَثَلی زد: شهری که ایمن و آرام بود، رزقش فراوان از هر سو می‌رسید. پس به نعمت‌های خداوند کفر ورزیدند و خداوند به سبب آن چه می‌کردند، مِزّه فراگیر (لباس) گرسنگی [و قحطی] و ترس را به آن [شهر] چشانید.

١١٣ و بی‌تردید پیامبری از خودشان برای آنان آمد و [سخنانِ] او را دروغ پنداشتند. پس در حالی که ستمکار بودند، عذابْ آنان را فرا گرفت.

١١٤ پس آن چه را که خداوند روزی شما کرده است، حلال پاکیزه بخورید و اگر تنها او را عبادت می‌کنید، شکر گزار نعمت خداوند باشید.

١١٥ جز این نباشد که [خداوند] بر شما مردار، و خون، و گوشت خوک و آن چه را که [به هنگام سر بریدن] نام غیر خداوند بر آن بُرده شود، حرام کرد. و هر کس که [به خوردن آن] ناچار شود –نه از روی تمایل به سرپیچی از فرمان، و نه به قصد زیر پا گذاشتن حدود الهی– پس بی‌تردید خداوند آمرزگار مهربان است.

١١٦ و آن چه را که زبان‌هاتان به دروغ وصف می‌کند، مگویید –به این که این حلال باشد و این حرام– تا به خداوند تهمت دروغ بزنید. بی‌تردید کسانی که به خداوند تهمت دروغ بزنند، رستگار نشوند.

١١٧ [برای آنان] بهره‌مندیِ کمی [در دنیا] باشد و برای آنان [در آخرت] عذابی دردناک است.

١١٨ و بر کسانی که یهودی شدند، آن چه را که پیش از این بر تو خواندیم، حرام نمودیم. و ما به ایشان ستم نکردیم. و لیکن خودِ آنان [به خویشتن] ستم می‌کردند.

١١٩ آن گاه پروردگارت برای کسانی که به نادانی بدی کردند و سپس توبه نمودند و [بدی را به نیکی جبران و] اصلاح کردند، بی‌تردید از آن پس پروردگارت آمرزگار مهربان باشد.

١٢٠ بی‌تردید «ابراهیم» [به تنهایی] یک امّت بود. فروتن برای پروردگار، و یکتاپرستِ حق‌گرا بود. و هرگز از مشرکان نبود.

١٢١ [«ابراهیم»] شکرگزارِ نعمت‌های او (خداوند) بود. [خداوند] او را برگزید. و او را به راه راست هدایت کرد.

١٢٢ و به او در دنیا نیکویی دادیم و بی‌تردید او در آخرت از نیکان باشد.

١٢٣ سپس به سوی تو وحی کردیم از آیینِ «ابراهیمِ» یکتاپرستِ حق‌گرا پیروی کن و او از مشرکان نبود.

١٢٤ جز این نیست که [بزرگداشتِ] «شنبه» بر کسانی قرار داده شد که در مورد آن اختلاف کردند. بی‌تردید پروردگار تو در آن چه در مورد آن اختلاف می‌کردند، در روز رستاخیز (قیامت) میانشان داوری کند.

١٢٥ [مردم را] با حکمت و پند نیکو به سوی راهِ پروردگار خویش دعوت کن و به روشی که نیکوتر است، با آنان بحث و ایراد (مجادله) کن. بی‌تردید پروردگار تو به آن کس که از راهش گمراه گشت، داناتر است. و او به هدایت یافتگان داناتر است.

١٢٦ و [ای مسلمانان] اگر مجازات می‌کنید، پس چنان مجازات کنید که خود به آن عقوبت شُدید (به قدرِ آزار، آزار کنید) و البته اگر شکیبایی نمایید، آن برای شکیبایان نیکوتر باشد.

١٢٧ و شکیبایی کن. و شکیباییِ تو جز به [یاریِ] خداوند نباشد. و بر آنان اندوهگین مشو و از آن چه نیرنگ می‌زنند، دلتنگ مباش.

١٢٨ بی‌تردید خداوند با کسانی است که پرهیزکاری کردند و کسانی که نیکوکارند.

مکّی

سورهٔ اِسراء (سیر دادن، بنی‌اسرائیل)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ پاک و منزّه است آن کس که بندهٔ خویش را از «مسجدالحرام» شبانگاه به «مسجد الاقصی» برد، که ما پیرامون آن را برکت دادیم، تا از آیات خود به او بنمایانیم. بی‌تردید او شنوای بیناست.

۲ و به «موسی» «کتاب» دادیم و آن را برای «بنی‌اسرائیل» هدایتی قرار دادیم که: جز من وکیلی نگیرید.

۳ فرزندانِ کسانی که آنان را با «نوح» [در کشتی] بُردیم (حمل کردیم). بی‌تردید او بندهٔ سپاسگزاری بود.

٤ و فرزندانِ «اسرائیل» را در «کتاب» آگاه ساختیم که البته در زمین دو بار فساد خواهید کرد و برتری می‌جویید، برتری بزرگی.

۵ پس آن گاه که زمان یکیِ از آن دو [فساد] آمد، بندگانی از خود را بر شما برانگیختیم، که قدرتمندان توانایی بودند. پس میان شهرها جستجو کردند و آن وعده انجام شدنی بود.

٦ سپس پیروزی بر آنان را برای شما بازگردانیدیم و شما را به ثروت‌ها و پسران یاری کردیم. و شما را از نظر لشکر، بیش‌تر گردانیدیم.

۷ اگر نیکویی کنید، برای خویشتن نیکویی کرده‌اید. و اگر بدی کنید، برای خودتان باشد. پس آن گاه که وعدهٔ [فسادِ] واپسین (دومی) آمد، چهره‌های شما را اندوهگین کنند. و تا [دشمنانِ شما] به مسجد [«بیت المقدس»] درآیند، همان گونه که نخستین مرتبه به آن وارد شدند. و تا آن چه را که به آن دست یافتند، به سختی ویران سازند.

۸ باشد که پروردگارِ شما به شما رحْم آورد. و اگر [به گناه] بازگردید، ما [نیز به کیفر] بازگردیم. و دوزخ را برای کافران زندان قرار دادیم.

۹ بی‌تردید این «قرآن» [به راهی] هدایت می‌کند که آن درست‌تر و پایدارتر است. و مؤمنانی را که کارهای پسندیده می‌کنند، مژده دهد که برای آنان پاداشی بزرگ باشد.

۱۰ و این که کسانی که به آخرتْ ایمان نیاورند، برایشان عذابی دردناک آماده کرده‌ایم.

۱۱ و انسان همان گونه بدی را می‌خواند، که خوبی را می‌خواند. و انسان شتابکار است.

۱۲ و شب و روز را دو نشانه ساختیم. پس نشانهٔ شب را محو (تیره) ساختیم و نشانهٔ روز را روشن کردیم، تا از پروردگارتان فضل و افزونی طلبید و تا این که شمارِ سال‌ها و حساب را بدانید. و هر چیزی را به روشنی شرح و تفصیل دادیم.

۱۳ و نامهٔ [کردارِ] هر انسان را به گردنش آویختیم. و روز رستاخیز (قیامت) کتابی برایش بیرون آوریم، که آن را گشوده شده بیند.

۱٤ «کتابِ» خویش را بخوان، که امروز وجودِ تو (نَفْسِ تو) برای حسابگری بر تو کافی است.

۱۵ هر کس هدایت یافت، پس جز این نباشد که برای خویش هدایت یافته است. و هر کس گمراه شد، پس جز این نباشد که بر [زیانِ] خویش گمراه شده است. و هیچ باربرداری، بارِ دیگری را به دوش نکشد. و ما عذاب کننده نباشیم، مگر این که [از پیش] پیامبری برانگیزیم.

۱٦ و آن گاه که بخواهیم شهری را نابود سازیم، توانگرانِ آن [شهر] را فرمان دهیم. پس در آن فساد کنند. پس سخن (فرمان عذاب) بر آنان واجب گردد. آن گاه به سختی نابودش سازیم.

۱۷ و چه بسیار از نسل‌های پس از «نوح» را نابود کردیم. و کافی باشد که پروردگار تو به گناهانِ بندگانش آگاه و بیناست.

۱۸ هر کس که زندگیِ شتابان را خواهد، ما هم برایش شتاب کنیم. [البته] در آن چه خواهیم و برای هر کس که خواهیم. سپس دوزخ را برایش قرار دهیم، تا نکوهیده و رانده شده در آتش آن بسوزد.

۱۹ و هر کس آخرت را خواهد و برایش به کوششی شایسته بکوشد و مؤمن باشد، پس ایشان هستند که به کوششِ آنان سپاسْ گزارده شود.

۲۰ جملگی –اینان و آنان– را از بخششِ پروردگارت یاری دهیم. و بخشش پروردگار تو از کسی باز داشته نشود.

۲۱ بنگر که چگونه برخی از آنان را بر برخی دیگر برتری دادیم. و بی‌تردید آخرت از نظر مرتبه‌ها و برتری‌ها بزرگ‌تر باشد.

۲۲ با خداوندْ معبودِ دیگری قرار مده که نکوهیده و خوار شده خواهی نشست.

۲۳ و پروردگارت فرمان داد که جز او کسی را نپرستید و به پدر و مادر نیکویی کنید. اگر یکی از آن دو یا هر دو در کنار تو [زندگی کنند و] به پیری رسند، به آن دو کوچک‌ترین سخن اهانت آمیزی مگو و آن دو را از خود مرنجان و به آن دو سخن نیکو بگو.

۲٤ و بال فروتنی را از رحمت و مِهر برایشان فرو خوابان و بگو: «پروردگارا، بر آنان رحمت آور، همان گونه که آنان در خُردی، مرا پروردند».

۲۵ پروردگارتان به آن چه در نَفْس‌های شماست، داناتر باشد. اگر نیکوکار باشید، پس بی‌تردید او آمرزگار توبه‌گران باشد.

۲٦ و حق خویشاوند را به او بده. و [همچنین] حق بینوا و در راه مانده را [به او بده]. و به اسراف بیهوده خرجی مکن.

۲۷ بی‌تردید اسرافگران برادرانِ شیطان‌ها باشند. و شیطان به پروردگار خویش ناسپاس است.

۲۸ و اگر به خاطرِ طلبِ رحمتی که آن را از پروردگارت امید داری [و چون نادار هستی] از آنان رویْ بگردانی، پس با آنان به نرمی سخن بگو.

۲۹ و دست خویش را به گردن خود بسته مدار (خسیسِ تنگْ دست مباش) و آن را به تمامی باز مگشای (اسراف مکن) که ملامت زده و اندوهگین [به گوشه‌ای] بنشینی.

۳۰ بی‌تردید پروردگارت رزق و روزی را برای هر کس که خواهد، بگستراند و اندازه کند. بی‌تردید او به [احوالِ] بندگان خویش آگاه و بیناست.

۳۱ و فرزندان خویش را از بیمِ تنگدستی مکشید. ما آنان و شما را روزی دهیم. بی‌گمان کشتنِ آنان خطایی بزرگ باشد.

۳۲ و به زنا نزدیک نشوید. بی‌گمان آن کار زشت و راه بدی باشد.

۳۳ و کسی (نَفْسی) را که خداوند [محترم شمرده و قتلش را] حرام کرده است، نکشید، مگر از روی حق. و هر کس بی‌گناه کشته شود، ما سرپرست او را [بر قاتل] مقتدر ساخته‌ایم. پس نباید در قتل زیاده‌روی کند. بی‌تردید او (سرپرست مقتول) یاری شده باشد.

۳٤ و به ثروت یتیم نزدیک نشوید، مگر به راهی که شایسته‌تر باشد. تا این که به [حدّ] رشد خود برسد. و به عهد وفا کنید. بی‌تردید در مورد پیمانْ پرسش خواهد شد.

۳۵ و آن گاه که پیمانه کنید، پیمانه را کامل دهید و با ترازوی درست و راست سنجش کنید، که این کار بهتر و سرانجامش نیکوتر باشد.

۳٦ و از چیزی که به آن دانشی نداری، پیروی مکن. بی‌تردید از گوش و چشم و قلب، همه پرسیده شود.

۳۷ و متکبرانه در زمین راه مرو. بی‌تردید تو زمین را نتوانی شکافت و در بلندی بر [فراز] کوه‌ها نتوانی رسید.

۳۸ بدی تمام این‌ها نزد پروردگارت ناپسند باشد.

۳۹ این [برخی] از آن چه است که پروردگارت از حکمت به سوی تو وحی کرده است و با خداوند، معبودی دیگر مگیر، که ملامت شده و رانده شده به دوزخ افکنده شوی.

٤۰ آیا پروردگارتان شما را به داشتن پسران برگزید و [خود] از فرشتگان، دخترانی گرفت؟ بی‌تردید شما سخنی عظیم می‌گویید.

٤۱ و بی‌گمان ما در این «قرآن» [سخن را] به صورت‌های گوناگون بیان کردیم، تا پند گیرند. اما جز بر رمیدنِ آنان (کافران) نیفزاید.

٤۲ بگو: اگر –آن گونه که می‌گویند– معبودانی با او بودند، آن گاه به سوی صاحب عرشْ راهی می‌جستند.

٤۳ او پاک و منزّه است و از آن چه می‌گویند، برتر باشد. برتری بزرگی.

٤٤ آسمان‌های هفتگانه و زمین و هر که در آن‌هاست، خداوند را به پاکی می‌ستایند. و هیچ چیز نباشد، مگر این که به حمد او تسبیح می‌گوید. و لیکن شما تسبیحِ آن‌ها را در نمی‌یابید. بی‌تردید او شکیبای آمرزگار است.

٤٥ و آن گاه که «قرآن» بخوانی، میان تو و آنان که به آخرت ایمان ندارند، پرده‌ای نادیده (پوشیده) برقرار کنیم.

٤٦ و بر دل‌هایشان پوشش‌هایی قرار دادیم، که آن را درنیابند و در گوش‌هایشان سنگینی قرار دادیم. و آن گاه که پروردگارت را در «قرآن» به یگانگی یاد کنی [کافران] گریزان برپشت‌هایشان بازگردند.

٤۷ ما به آن چه کافران به آن بشنوند –آن زمان که به تو گوش فرا می‌دارند و آن زمان که آهسته سخن به گوشِ هم می‌گویند– داناتر باشیم. آن گاه که ستمگران [به مؤمنین] گویند: «جز از مردِ جادو شده‌ای پیروی نمی‌کنید.»

٤۸ بنگر که چگونه برایت مَثَل‌ها زدند. پس گمراه شدند و راهی نتوانند یافت.

٤۹ و گفتند: «آیا آن گاه که استخوان‌های پوسیده شویم، بر آفرینشی تازه برانگیخته خواهیم شد؟»

۵۰ بگو: «[حتی اگر] سنگی یا آهنی هم باشید،

۵۱ یا آفریده‌ای [دیگر] از آن چه در دل‌های شما بزرگ به نظر آید [باز هم برانگیخته خواهید شد].» پس به زودی خواهند گفت: «چه کسی ما را [زنده می‌کند و] باز می‌گرداند؟» بگو: «آن کس که شما را نخستین مرتبه آفرید.» [کافران] به زودی سرهای خویش را به سوی تو بجنبانند و گویند: «آن (رستاخیز) چه هنگام خواهد بود؟» بگو: «شاید نزدیک باشد.»

۵۲ آن روز که شما را بخواند، با حمد و سپاس به او پاسخ گویید. و پندارید که جز اندک زمانی درنگ نکرده‌اید.

۵۳ و به بندگانم بگو، که آن چه را که بهتر است، بگویند. بی‌تردید شیطان میان آنان فساد انگیزد. که شیطان برای انسان دشمنی آشکار باشد.

۵٤ پروردگارِ شما به شما داناتر باشد. اگر خواهد، به شما رحم کند، یا اگر خواهد، شما را عذاب کند. و ما تو را بر آنان وکیل و نگهبان نفرستادیم.

۵۵ و پروردگار تو به آن که در آسمان‌ها و زمین است، داناتر باشد. و بی‌تردید ما برخی از پیامبران را بر برخی دیگر برتری دادیم. و به «داود»، «زبور» دادیم.

۵٦ بگو: «آنان را که –جز او– به آنان گمان [خدایی] بردید، بخوانید. پس نه به برداشتنِ زیانی از شما قادر باشند و نه به ایجادِ تغییری.»

۵۷ آنان که [مشرکان آن‌ها را] می‌خوانند، کسانی هستند که خود وسیله‌ای برای نزدیکی به پروردگارشان می‌جویند و امید به رحمت او دارند و از عذابش می‌ترسند. بی‌تردید عذاب پروردگارت ترسناک باشد.

۵۸ و هیچ شهری نباشد، مگر این که پیش از روزِ رستاخیز آن را نابود خواهیم ساخت. یا این که به عذابی سخت ساکنانش را عذاب کنیم و آن در «کتاب» نوشته شده است.

۵۹ و ما را [عاملی] باز نداشت از این که آیاتی (معجزاتی) بفرستیم، جز این که گذشتگان، آن‌ها را دروغ پنداشتند. و به «ثمود»، «ناقه» دادیم، تا نشانه‌ای روشن باشد. پس به آن ستم کردند. و ما آیات [و معجزات] را جز برای بیم نفرستیم.

٦٠ و آن گاه که به تو گفتیم: «بی‌تردید پروردگارت بر مردمان احاطه دارد.» و رؤیایی را که ما در خواب به تو نمایاندیم و [نیز] درخت نفرین شده در «قرآن» را جز برای آزمایش مردم قرار ندادیم. و آنان را بیم می‌دهیم. اما آنان را جز سرکشی بزرگ، نیفزاید.

٦١ و آن گاه که ما به فرشتگان گفتیم که بر «آدم» سرِ تسلیم فرود آورید (سجده کنید). پس [همه] سرِ تسلیم فرود آوردند (سجده کردند)، جز «ابلیس». گفت: «آیا من سرِ تسلیم بر کسی فرود آورم (به کسی سجده کنم) که او را از گِل آفریده‌ای؟»

٦٢ [«ابلیس»] گفت: «آیا تو این را که بر من برتری دادی، دیدی؟ اگر تا روز رستاخیز (قیامت) مرا فرصت دهی، البته تمام فرزندان او جز تعداد کمی از آنان را [گمراه سازم و] ریشه‌شان را قطع کنم.»

٦٣ [خداوند] گفت: «برو! پس هر کس از آنان از تو پیروی کند، پس بی‌تردید دوزخ جزای همه شما باشد. کیفری تمام و کمال.

٦٤ و از آنان هر کس را که بتوانی به آوای خویش تحریک کن. و با سواران و پیاده‌های خویش بر آنان هجوم آور و در ثروت‌ها و فرزندان با آنان شریک باش و آنان را وعده بده.» و شیطان جز فریب به آنان وعده‌ای ندهد.

٦٥ «بی‌گمان تو را [ای «ابلیس»] بر بندگان من اقتداری نیست». و پروردگار تو کافی است که وکیل و نگهبان [مؤمنان] می‌باشد.

٦٦ و پروردگار شما کسی است که برای شما در دریا کشتی را روان می‌سازد، تا از فضلش [نعمت] بجویید. بی‌تردید او به شما مهربان باشد.

٦٧ و آن گاه که در دریا زیانی به شما رسد، هر کس جز او را بخوانید، از شما گم شود. پس آن گاه که شما را نجات دهد و به خشکی رساند، رویْ‌گردان شوید. و انسان [همواره] ناسپاس است.

٦٨ آیا از این که کرانهٔ خشکی را بر شما فرو برد، ایمن شدید؟ یا از این که بر شما توفانی از سنگ بفرستد؟ آن گاه برای خویش [جز خداوند] وکیل و نگهبانی نیابید.

٦٩ یا از این که دگر بار [خداوند] شما را در آن (دریا) درآورد، ایمن شدید؟ آن گاه بادی شکننده بر شما بفرستد و شما را به خاطر آن چه کفر ورزیدید، غرق سازد. آن گاه در برابر ما برای خودتان یاوری و فریادرسی نخواهید یافت.

۷۰ و به راستی ما پسران (فرزندان) «آدم» را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا بردیم (سوار کردیم) و از پاکیزه‌ها رزق و روزیشان دادیم و آنان را بر بسیاری از آنان که آفریدیم برتری دادیم، برتری کامل.

۷۱ روزی که هر گروهی را به پیشوایشان بخوانیم. پس هر کس «کتاب» [کردار] او به دست راستش داده شود، آنان کتابشان را بخوانند و [به اندازهٔ] تارِ هستهٔ خرمایی به آنان ستم نشود.

۷۲ و هر کس در این [دنیا] کوردل باشد، پس او در آخرت نابینا و گمراه‌تر خواهد بود.

۷۳ و بی‌تردید نزدیک بود که تو را از آن چه به تو وحی کردیم، بفریبند و بلغزانند، تا بر ما دروغ بندی –جز آن را [که به تو وحی کردیم]– پس آن گاه [آنان] تو را دوست [خود] بگیرند.

۷٤ و اگر جز این بود که تو را پا بر جا نگه داشتیم، نزدیک بود به سوی آنان اندکی گرایش پیدا کنی.

۷۵ [که در آن صورت] آن گاه دو چندان در دنیا و دو چندان پس از مرگ به تو [عذاب] می‌چشاندیم. آن گاه برای خود در برابر ما یاوری نمی‌یافتی.

۷٦ و نزدیک بود که تو را از سرزمین [«مکّه»] بلغزانند، تا از آن بیرونت کنند و آن گاه پس از تو جز اندکی نمی‌ماندند.

۷۷ این سنّت در مورد پیامبرانی که پیش از تو فرستادیم، بوده است و در سنّت ما دگرگونی نیابی.

۷۸ از [هنگامِ] غروب خورشید تا تاریکیِ شب، نماز را بپادار و نمازِ بامداد را [بپادار]. بی‌تردید نمازِ بامداد مشهود باشد.

۷۹ و از شب [پاسی] برای نماز و عبادت بیدار باش، که برایت افزونی است. شاید پروردگارت، تو را به مقامی پسندیده برانگیزد.

۸۰ و بگو: «پروردگارا مرا داخل کن، داخل کردنی به صدق و راستی و مرا خارج ساز، خارج ساختنی به صدق و راستی. و برای من از سوی خودت قدرتی مقرّر بدار، تا مرا کمک نماید.»

۸۱ و بگو: «حق آمد و باطل نابود شد.» بی‌تردید باطل نابود شدنی است.

۸۲ و از «قرآن» آن چه برای مؤمنان شفا و رحمتی باشد، فرو می‌فرستیم. و ستمکاران را جز زیانکاری نیفزاید.

۸۳ و آن گاه که به انسان نعمت دهیم، روی‌ْبگرداند و جانب خویش را [از ما] دور دارد. و آن گاه که به او بدی رسد، نومید گردد.

۸٤ بگو: «هر کس به شیوه و روش خویش کار می‌کند.» و پروردگار شما به آن کس که راه یافته‌تر است، داناتر باشد.

۸۵ و از تو در مورد روح می‌پرسند، بگو: «روح از فرمان پروردگار من است» و از دانش جز اندکی به شما داده نشده است.

۸٦ و اگر بخواهیم، البته آن چه را که به تو وحی کردیم، بِبَریم. آن گاه در مقابل ما برای خود وکیل و نگهبانی نیابی.

۸۷ مگر رحمتی‌از سوی پروردگارت [برسد]. بی‌تردید فضل او بر تو بزرگ است.

۸۸ بگو: «اگر انسان‌ها و جنّیان گردِ هم آیند تا همانند این «قرآن» را بیاورند، قادر به آوردنِ مثلِ آن نخواهند بود، هر چند که یکدیگر را کمک و پشتیبانی کنند.»

۸۹ و به راستی ما در این «قرآن» از هر گونه مَثَلی بیان کردیم. پس بیش‌ترِ مردم جز ناسپاسی و کفر را نخواستند و نپذیرفتند.

۹۰ و گفتند: «هرگز به تو ایمان نیاوریم، تا این که از زمین برای ما چشمه‌ای بیرون آوری.

۹۱ یا تو را باغی از درختان خرما و انگور باشد. آن گاه در میان آن‌ها جویبارها به نحوی خاص بشکافی و جاری سازی.

۹۲ یا آسمان را بر ما فرو افکنی، چنان که گویی بر ما پاره پاره شده است. یا خداوند و فرشتگان را رو به روی ما بیاوری.

۹۳ یا این که تو را خانه‌ای از طلا باشد، یا در آسمان بالا رَوی و [فقط] به خاطر بالا رفتن تو ایمان نیاوریم، تا این که بر ما «کتابی» فرود آوری که آن را بخوانیم.» [ای «محمّد»] بگو: «پروردگار من پاک و منزّه باشد. آیا من جز بشری پیام آور می‌باشم؟»

۹٤ و مردمان را آن گاه که بر آنان هدایت رسید، چیزی مانعِ ایمان آوردنشان نشد، جز این که گفتند: «آیا خداوند بشری را به پیامبری برانگیخته است؟»

۹۵ بگو: «اگر در زمین فرشتگانی بودند که به آرامی راه می‌رفتند، البته از آسمان بر آنان پیامبرِ فرشته فرو می‌فرستادیم.»

۹٦ بگو: «کافیست که خداوند میان من و شما گواه است. بی‌تردید او به بندگان خویش آگاه و بیناست.»

۹۷ و هر کس که خداوند او را هدایت کند، او هدایت یافته باشد. و آن کس که [خداوند] او را گمراه سازد، پس هرگز برای آنان جز او یارانی نخواهی یافت. و روز رستاخیز (قیامت) آنان را بر چهره‌هایشان (سرافکنده و خوار) برانگیزیم. نابینا و گنگ و کر باشند. جایگاهشان دوزخ است. هر زمان آتشش خاموش شود، آنان را آتش سوزان بیفزاییم.

۹۸ این کیفرِ آنان است. به خاطر این که به آیات ما کافر شدند و گفتند: «آن گاه که ما استخوان و پوسیده شدیم، آیا به آفرینشی تازه برانگیخته شویم؟»

۹۹ آیا ندیدند [و نفهمیدند] که خداوند که آسمان‌ها و زمین را آفرید، بر آفرینش مانند آنان تواناست. و برای آنان مهلتی قرار داد، که تردیدی در آن نباشد. و ستمگران جز کفر را نخواستند و نپذیرفتند.

۱۰۰ بگو: «اگر شما مالک گنجینه‌های رحمت پروردگارم بودید، آن زمان هم از ترس [تمام شدن آن‌ها] از بخشش خودداری می‌کردید.» و انسان [همیشه] بخیل است.

۱۰۱ و به راستی ما به «موسی» نُه نشانهٔ آشکار دادیم. پس از «بنی‌اسرائیل» بپرس. آن گاه که [«موسی»] نزد آنان آمد، «فرعون» به او گفت: «بی‌تردید من ای «موسی»، می‌پندارم که تو را جادو کرده‌اند.»

۱۰۲ («موسی») گفت: «به راستی می‌دانی که این‌ها (معجزه‌ها) را جز پروردگار آسمان‌ها و زمین فرو نفرستاده است. [که دلایلی روشن و] بینش‌هایی است. و بی‌تردید من تو را، ای «فرعون» نابود شده می‌پندارم.»

۱۰۳ پس [«فرعون»] خواست که آنان را از آن سرزمین براند. و ما او («فرعون») و کسانی را که با او بودند، جملگی غرق کردیم.

۱۰٤ و بعد از آن به «بنی‌اسرائیل» گفتیم: «در آن سرزمین جای بگیرید. و آن گاه که وعدهٔ آخرت رسد، شما را –همه با هم– بیاوریم.»

۱۰۵ و ما آن («قرآن») را به حق فرو فرستادیم و به حق فرود آمد. و تو را جز مژده‌بخش و بیم دهنده نفرستادیم.

۱۰٦ و «قرآن». آن را قسمت قسمت (به تدریج) فرستادیم، تا برای مردمان به مکث (منظم و آرام) بخوانی و آن را به طرزی مخصوص فرو فرستادیم.

۱۰۷ بگو: به آن ایمان آورید، یا این که ایمان نیاورید، بی‌تردید کسانی که پیش از آن به آنان دانش داده شده است، آن گاه که [«قرآن»] بر آنان خوانده شود، بر روی چانه‌های خویش سجده کنان فرو افتند.

۱۰۸ و گویند: «پروردگار ما پاک و منزّه باشد. بی‌تردید وعدهٔ پروردگار ما انجام شدنی است.»

۱۰۹ و روی چانه‌های خود [سجده‌کنان و] گریه‌کنان فرو افتند و بر فروتنی‌شان می‌افزاید.

۱۱۰ بگو: ««اللّه» را بخوانید، یا «رحمان» را بخوانید –هر یک را که بخوانید– نیکوترین نام‌ها از آنِ اوست». و نمازت را نه به صدای بلند بخوان و نه آن را آهسته بخوان. و میان آن راهی بجوی (نه فریاد بزن و نه خاموش‌وار بخوان).

۱۱۱ و بگو: «حمد و ثنا مخصوص خداوند است که فرزندی نگرفته است. و در مُلک برای او شریکی نباشد. و او خوار نیست که [نیاز به] نگهداری داشته باشد.» و او را به شیوه‌ای خاص تکبیر بگو و بزرگ بدار.

مکّی سورهٔ کهف (غاری که بتوان در آن زندگی کرد)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ حمد و سپاس برای خداوند است، که «کتاب» («قرآن») را بر بنده‌اش فرو فرستاد و در آن کجی (ناراستی) نگذاشت.

۲ [«کتابی»] درست و راست باشد، تا [کافران را] از سوی خود به عذابی سخت بیم دهد و مؤمنان را که کارهای نیکو می‌کنند، مژده دهد، که برایشان پاداشی نیکو باشد.

۳ [مؤمنان] در آن (بهشت) برای همیشه باشند.

٤ و کسانی را که گفتند: «خداوند فرزندی گرفته است.» بترساند.

۵ آنان را به آن [سخن] دانشی نباشد. و نه پدرانشان [به آن دانشی داشتند]. و سخنی
که از دهانشان بیرون آید [در زشتی و شرک] بزرگ باشد. و جز دروغ نمی‌گویند.

٦ پس شاید تو بر پیِ آنان به اندوه، نابود سازِ خویشتن باشی، اگر آنان به این سخن
ایمان نیاورند.

۷ بی‌تردید ما هر چه روی زمین باشد، پیرایهٔ آن قرار دادیم، تا آنان را بیازماییم، که
کدامینشان در کردار نیکوترند.

۸ و ما آن چه روی آن (زمین) باشد، خاکی بی گیاه بگردانیم.

۹ آیا گمان بردی که یاران «کهف» و «رَقیم» از آیات شگفت ما بودند؟

۱۰ آن گاه که آن جوانان به غار پناه بردند و گفتند: «پروردگارا، ما را از نزد خویش
رحمتی عطا کن و از کارمانْ برایمان رشد و نیکویی فراهم ساز.»

۱۱ پس سال‌هایی چند درون غار بر گوش‌هاشان [مُهر] زدیم.

۱۲ آن گاه آنان را برانگیختیم، تا معلوم کنیم که کدام یک از دو گروه حساب روزگار را
که درنگ کرده‌اند، بیش‌تر نگه داشته‌اند.

۱۳ ما خبر آنان را به حق بر تو داستان کنیم. بی‌تردید آنان جوانانی بودند که به
پروردگارشان ایمان آوردند و ما هدایت آنان را افزایش دادیم.

١٤ و بر دل‌هایشان [ایمان قوی را] پیوند زدیم. آن گاه که برخاستند و گفتند: «پروردگار
ما پروردگار آسمان‌ها و زمین است. هرگز معبودی جز او نخوانیم. که [اگر گوییم]
آن گاه بیهوده گفته‌ایم.

۱۵ اینان که قوم ما هستند، غیر از او معبودانی گرفتند. پس چرا بر [خداییِ] آنان دلیلی
محکم و روشن نیاورند؟» پس کیست ستمکارتر از آن کس که به دروغ بر خداوند
افترا بست؟

۱۶ و «آن گاه که از آنان و از آن چه جز خداوند پرستش می‌کنند، دوری گزیدید، پس به سوی غار پناه ببرید، تا پروردگارتان از رحمت خویش بر شما بگستراند و از کارتان برای شما آسایشی آماده سازد.»

۱۷ و آفتاب را ببینی که آن گاه که برآید، از غار آنان به سوی راست متمایل گردد. و آن گاه که فرو شود، از آنان به سوی چپ بگذرد. و آنان در نقطهٔ پهناور غار باشند. این از نشانه‌های خداوند باشد. هر کس را خداوند هدایت کند، پس او هدایت یافته باشد. و هر کس را گمراه سازد، پس هرگز دوستی راهنما برایش نیابی.

۱۸ و می‌پنداری که آنان بیدارند. حال آن که آنان خفته‌اند. و ما آنان را به سوی راست و به سوی چپ می‌گردانیم (می‌غلتانیم). و سگِ آنان دو دست خود را بر آستانهٔ [غار] گشوده است. اگر بر آنان خبر می‌یافتی، البته فرارکنان از آنان رویْ می‌گرداندی و از آنان به هراس می‌افتادی.

۱۹ و بدینسان آنان را [از خواب] برانگیختیم، تا در میان خود از یکدیگر پرسش کنند. گوینده‌ای از آنان گفت: «چه مدت [در این غار] ماندید؟» گفتند: «یک روز یا پاره‌ای از یک روز ماندیم.» گفتند: «پروردگار شما داناتر است به مدتی که شما [در این غار] ماندگار شدید. پس یکی از خودتان را با پولی که دارید، به شهر بفرستید، تا ببیند که کدام یک از آنان غذای پاکیزه‌تری دارند. آن گاه از آن برایتان رزق آورد. و باید به نرمی رفتار کند و [متوجه باشد که] کسی را به [وضع] شما آگاه نگرداند.

۲۰ بی‌تردید اگر آنان بر شما دست یابند، شما را سنگسار کنند؛ یا شما را به آیینِ خودشان بازگردانند. و آن گاه هرگز رستگار نشوید.»

۲۱ و بدینسان [حقایق را] بر آنان (ساکنان شهر «اِفِسوس») آشکار کردیم، تا بدانند که وعدهٔ خداوند حق است و این که در روز رستاخیز تردیدی نباشد. آن زمان که در کارشان میان خود کشمکش می‌کردند. پس گفتند: «بر آنان بنایی بسازید. پروردگارشان به آنان داناتر باشد.» آنان که در کار خود پیروزی یافتند، گفتند: «ما بر آنان مسجدی بسازیم.»

۲۲ در آینده گویند: «[اصحاب «کهف»] سه تن بودند. چهارمینشان سگشان بود.» و گویند: «پنج تن بودند و ششمینِ آنان سگشان بود.» سنگ به تاریکی انداختن است (حدس و گمان‌های بی‌دلیل است). و می‌گویند: «هفت تن بودند و هشتمینِ آنان سگشان بود.» بگو: «پروردگار من به تعداد آنان داناتر است.» و [تعدادِ] آنان را [همه] نمی‌دانند، مگر تعداد کمی. پس در مورد آنان ستیزه مکن، مگر جدالی آشکارا. و در مورد آنان از هیچ کس نظر مخواه.

۲۳ و البته در هیچ چیزی مگو که من فردا انجام دهندهٔ آن هستم.

۲٤ مگر این که [بگویی] اگر خداوند بخواهد. و آن گاه که فراموش کردی، پروردگارت را یاد کن و بگو: «شاید پروردگارم مرا به چیزی که به هدایت و رشد نزدیک‌تر از این باشد، هدایت کند.»

۲۵ و در غارِ خویش سیصد سال ماندند. و نُه سال بر آن افزودند.

۲٦ بگو: «خداوند به آن چه درنگ کردند، داناتر باشد. نهانِ آسمان‌ها و زمین از آنِ اوست. چه بینا و چه شنوا باشد! جز او آنان را یاوری نیست و هیچ کس را در فرمانش مشارکت ندهد.»

۲۷ و آن چه از «کتابِ» پروردگارت بر تو وحی شده است، بخوان. سخنان او را دگرگونْگری (تبدیل‌کننده‌ای) نباشد و هرگز جز او پناهی نیابی.

۲۸ و با آنان که پروردگارشان را بامداد و شبانگاه [به دعا] می‌خوانند و خواهانِ خوشنودیِ او هستند، خود را شکیبا بدار. و دو چشم خویش را از آنان مگردان که خواهانِ پیرایهٔ زندگیِ دنیا باشی. و از آن کس که دلش را از یادِ خود غافل کرده‌ایم، و از هوای [نَفْسِ] خود پیروی کرده است و کارش تباه باشد، اطاعت مکن.

۲۹ و بگو: «حق از سوی پروردگار شما باشد.» پس هر کس بخواهد، ایمان آورد و هر کس بخواهد، کافر شود. بی‌تردید ما برای ستمگران آتشی مهیا کرده‌ایم، که سراپرده‌وار آنان را احاطه کند. و اگر فریادرسی خواهند، با آبی که همچون مسِ گداخته باشد، به فریادشان رسیده شود! چهره‌ها را بریان کند! بد شرابی و بد قرارگاهی است!

۳۰ بی‌تردید کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیکو کردند، ما پاداش کسی را که نیکوکاری کند، تباه نسازیم.

۳۱ آنان هستند که بهشت‌های جاویدان برای آنان باشد. از زیر آن‌ها جویبارها جاری است. در آن جا با دستبندهای زرّین آراسته می‌شوند و جامه‌های سبز از «سُندُس» (پارچهٔ ابریشمی لطیف) و «اِستَبْرَق» (پارچهٔ ابریشمی ضخیم) می‌پوشند و بر تخت‌ها تکیه می‌زنند. نیکو پاداشی و نیکو آسودگاهی باشد.

۳۲ و برای آنان دو مرد را مَثَل بزن، که برای یکی از آن‌ها دو باغ انگور قرار دادیم و پیرامون آن دو [باغ] را با درختان خرما پوشاندیم و میان آن دو کشتزاری قرار دادیم.

۳۳ هر دوی آن باغ‌ها میوهٔ خود را [مرتب] می‌دادند و چیزی کم نمی‌آوردند و ما میانِ آن دو جویباری شکافتیم (روان ساختیم).

۳٤ و برایش میوه‌هایی بود. پس در حال گفتگو به دوست خود گفت: «من نسبت به تو ثروتِ بیش‌تری دارم و از نظرِ نفرات از تو نیرومندترم.»

۳۵ و در حالی که بر نَفْسِ خویشتن ستمکار بود، به باغ خود داخل شد. گفت: «گمان
نمی‌کنم که این [باغ] تا ابد نابود گردد.
۳٦ و گمان نکنم که روز قیامت بر پا گردد و اگر به راستی نزد پروردگارم بازگردانده
شوم، البته بهتر از این جایگاه بیابم.»
۳۷ دوستش در حالی که با او گفتگو می‌کرد، به او گفت: «آیا به آن کس کافر شدی که
تو را از خاک، آن گاه از نطفه آفرید. سپس تو را به صورت مردی بیاراست؟
۳۸ لیکن من [گویم] که او «اللّه»، پروردگار من است و کسی را با پروردگارم شریک نمی‌گیرم.
۳۹ و آن گاه که به باغِ خود داخل شدی، چرا نگفتی: هر چه خداوند خواهد [همان
شود]؟ و قدرتی جز به [فرمانِ] خداوند نباشد. اگر تو مرا می‌بینی که از نظر ثروت و
فرزند از تو کم‌ترم،
٤۰ پس شاید پروردگار من به من، بهتر از باغ تو بخشد و بر آن (باغت) از آسمان
صاعقه‌ای فرستد، که زمینی خشکزار و نااستوار گردد.
٤۱ یا آبش در زمین فرو رود، که هرگز نتوانی آن را بازجویی.»
٤۲ و [آفتِ الهی] میوهٔ آن باغ را فرا گرفت. و او از حسرت مالی که در آن خرج کرده
بود، دو دست خویش را بر هم می‌سایید، حال آن که داربست‌هایش فرو افتاده بود.
و می‌گفت: «کاش کسی را برای پروردگارم شریک نمی‌گرفتم.»
٤۳ و جز خداوند گروهی وجود نداشت که او را یاری کنند و خویشتن را نمی‌توانست
یاری دهد.
٤٤ در آن جا فرمانروایی، تنها از آنِ خداوند (یگانه معبود) حق است. او برای پاداش
دادن بهتر و برای سرانجام، نیکوتر است.
٤۵ و برای آنان زندگیِ دنیا را مَثَل بزن، که مانندِ آبی است که ما آن را از آسمان فرو
فرستادیم. پس گیاه زمین با آن آمیخت. پس خشک شد. و بادها آن را پراکنده
ساخت. و خداوند بر همه چیز تواناست.

٤٦ ثروت و پسران (فرزندان) پیرایهٔ زندگی این دنیا هستند. و نیکی‌های پایدار، نزد پروردگارت برای ثواب دادن بهتر باشد و برای امید بستن نیکوتر است.

٤٧ و روزی که کوه‌ها را به حرکت در آوریم و زمین را هموار می‌بینی و آنان را برانگیزیم و [حتی] یک تن از آنان را جا نگذاریم.

٤٨ و [آدمیان] بر پروردگارِ تو به صف ایستاده عرضه شوند. [به آنان گفته شود:] «[می‌بینید که] به راستی همان گونه که نخستین مرتبه شما را آفریدیم، نزد ما آمدید. بلکه می‌پنداشتید که هرگز برایتان میعادگاهی قرار نخواهیم داد.»

٤٩ و نامهٔ کردار [در میان] نهاده شود. پس گناهکاران را خواهی دید، که از آن چه در آن (نامهٔ کردار) است، هراسانند و می‌گویند: «وای بر ما! این چه نامه‌ایست که از کوچک و بزرگ [هیچ] فرو نگذاشته، جز این که [همه را] بر شمرده است.» و آن چه عمل کرده‌اند [در مقابل خود] حاضر خواهند دید. و پروردگارت به هیچ کس ستم نکند.

۵۰ و آن گاه که به فرشتگان گفتیم: «به «آدم» سجده کنید!» پس [همه] سجده کردند، جز «ابلیس» که از جن بود و از فرمان پروردگارش سر پیچید. آیا او و فرزندانش را به جای من اولیای خود می‌گیرید؟ و آنان برایتان دشمن باشند. برای ستمکاران چه بد عوضی (بدلی) باشد.

۵۱ من آنان را در آفرینشِ آسمان‌ها و زمین و در آفرینشِ خودشان گواه نگرفتم. و من گمراهگران را به یاری نمی‌گیرم.

۵۲ و آن روز که [خداوند] گوید: «شریکانی که برای من می‌پنداشتید، بخوانید!» پس آن‌ها را بخوانند. آن گاه آن‌ها پاسخشان را ندهند و ما میانشان پرتگاهی قرار دهیم.

۵۳ و گناهکاران آتش را ببینند و بیندیشند که در آن خواهند افتاد. و از آن گریزگاهی نیابند.

٥٤ و به راستی در این «قرآن» برای مردم از هر گونه مَثَلی بیان کردیم. و انسان بیش‌تر از هر چیز جدل می‌کند.

٥٥ و مردم آن گاه که هدایت برایشان آمد چیزی مانع نشد که ایمان آورند و از پروردگارشان آمرزش بخواهند، جز این که [می‌خواستند] روش و سنّتِ گذشتگان برایشان آید. یا این که عذابی از رو به رو برایشان بیاید.

٥٦ و پیامبران را نمی‌فرستیم، مگر مژده‌بخش و بیم دهنده. و کسانی که کافر شدند، به باطل کشمکش می‌کنند، تا به آن [وسیله] حق را نابود کنند. و آیات مرا و آن چه را که [به آن] بیم داده شده‌اند، به مسخره گرفتند.

٥٧ و کیست ستمکارتر از آن کس که آیاتِ پروردگارش به او یادآوری شد، پس از آن روی‌ْگردانید و آن چه را که به دستان خود پیش فرستاده بود، فراموش کرد. بی‌تردید بر دل‌های آنان پوشش‌هایی قرار دادیم از این که آن (حق) را دریابند و در گوش‌هایشان سنگینی گذاشتیم. و اگر به هدایت بخوانیشان، هرگز هدایت نیابند.

٥٨ و پروردگار تو آمرزگار صاحب رحمت است. اگر [می‌خواست] آنان را به آن چه کسب کرده‌اند (دستاوردشان) بازخواست نماید، البته در عذابشان شتاب می‌کرد. بلکه میعادگاهی برایشان باشد، که هرگز جز آن گریزگاهی نیابند.

٥٩ و این شهرها [و ساکنانش] را –زمانی که ستم کردند– نابود ساختیم و برای نابودیشان موعدی قرار دادیم.

٦٠ و آن گاه که «موسی» به جوانی که در خدمتش بود، گفت: «پیوسته می‌روم، تا به آن جا که دو دریا به هم رسند، برسم. یا سیر و سفرم، روزگاری طولانی به درازا کشد.»

٦١ پس آن گاه که به نقطهٔ پیوستن آن دو [دریا] رسیدند، ماهیِ خود را فراموش کردند و [ماهی] راهِ خود را در دریا در پیش گرفت [و] روان شد.

٦٢ پس آن گاه که آن دو [از آن جا] گذشتند [«موسی»] به جوان [همراهِ] خودش گفت: «غذایمان را بیاور. بی‌تردید از این سفر به ما این رنج رسید.»

٦٣ گفت: «آیا دیدی آن زمان که ما به پناه سنگ رفتیم، من ماهی را فراموش کردم و فقط شیطان از یاد من بُرد که به یاد آن باشم و [ماهی] راه خود را در دریا به شگفتی در پیش گرفت [و رفت].»

٦٤ گفت: «این همانست که ما می‌جستیم.» پس پی‌جویان بر نشانه‌های (رد پاهای) خود بازگشتند.

٦٥ پس بنده‌ای از بندگان ما را -که ما از سوی خویش به او رحمتی داده بودیم و از نزد خویش به او دانشی آموخته بودیم- یافتند.

٦٦ «موسی» به او گفت: «آیا از تو پیروی کنم، تا [برخی] از آن چه از رشد و هدایت به تو آموخته شده است، به من تعلیم دهی؟»

٦٧ [آن مرد] گفت: «بی‌تردید تو نمی‌توانی در همراهی با من صبور و شکیبا باشی.

٦٨ و چگونه بر چیزی صبور و شکیبا باشی که از راهِ دانش بر آن احاطه نداری؟»

٦٩ [«موسی»] گفت: «اگر خداوند بخواهد، مرا شکیبا خواهی دید و در هیچ کاری از تو نافرمانی نکنم.»

٧٠ [آن مرد] گفت: «پس اگر از من پیروی می‌کنی، پس از من چیزی مپرس، تا این که حکایتِ آن را برایت بگویم.»

٧١ پس روان شدند. تا زمانی که به کشتی سوار شدند. [آن مرد] آن [کشتی] را سوراخ کرد. [«موسی»] گفت: «آیا آن را سوراخ کردی، تا سرنشینانش را غرق سازی؟ بی‌تردید کاری زشت و وحشتناک کرده‌ای.»

٧٢ [آن مرد] گفت: «آیا نگفتم که تو هرگز نمی‌توانی در همراهی با من شکیبا باشی؟»

٧٣ [«موسی»] گفت: «مرا به سببِ آن چه فراموش کردم، مؤاخذه مکن و مرا در کارم گرفتار سختی مساز.»

٧٤ پس هر دو راه افتادند. تا به نوجوانی رسیدند و [آن مرد] او را کشت. [«موسی»] گفت: «آیا تو شخصِ بی‌گناهی را به غیرِ [قصاصِ] کسی به قتل رساندی؟ بی‌تردید تو کاری حرام و ناپسند انجام دادی.»

٧٥ [آن مرد] گفت: «آیا نگفتم که تو هرگز نمی‌توانی در همراهی با من شکیبا باشی؟»

٧٦ [«موسی»] گفت: «اگر از این به بعد از تو سؤالی کنم، مرا [دیگر] همراه [خود] مگیر، که بی‌تردید از سوی من به عذری رسیده باشی.»

٧٧ پس هر دو به راه افتادند. تا این که به ساکنان شهری رسیدند و از اهل آن شهر خوراک خواستند. پس آنان از این که آن دو را مهمان کنند، خودداری نمودند. سپس آن دو در آن جا دیواری یافتند که نزدیک بود فرو ریزد و [آن مرد] آن را راست کرد. [«موسی»] گفت: «اگر می‌خواستی، می‌توانستی برای این [کار] مزدی بگیری.»

٧٨ [آن مرد] گفت: «جداییِ میانِ من و تو این [هنگام] باشد. به زودی تو را به تأویل آن چه بر آن نتوانستی شکیبا باشی، آگاه سازم.

٧٩ امّا کشتی. پس متعلّق به بینوایانی بود که در دریا کار می‌کردند. پس خواستم آن را معیوب سازم، چون از مقابلشان پادشاهی می‌آمد، که هر کشتی [سالمی] را به زور و ستم می‌گرفت.

٨٠ و امّا نوجوان، پدر و مادرش مؤمن بودند. پس ترسیدیم که [او] آن دو را به سرکشی و کفر وادارد.

٨١ پس ما خواستیم تا پروردگارشان بهتر از او را از نظر پاکیزگی و از نظر نزدیکی به مهربانی، به آنان باز دهد.

٨٢ و امّا دیوار. آن به دو نوجوان تعلّق داشت، که در آن شهر یتیم بودند. و زیرِ آن [دیوار] گنجی برای آن دو نفر بود. و پدرشان [نیز] نیکوکار بود. پس پروردگارت خواست که آن دو به رشدِ خود برسند و گنجِ خود را که رحمتی از پروردگارت بود، بیرون آورند. و آن [کار] را از پیشِ خود (به دلخواه) انجام ندادم. این تأویل چیزی است که تو بر آن نتوانستی شکیبا باشی.»

٨٣ و از تو در مورد «ذوالقرنین» می‌پرسند. بگو: «به زودی برای شما از او یادی خواهم کرد.»

٨٤ بی‌تردید ما او را روی زمین قدرت و مکنت دادیم. و وسیلهٔ هر چیزی را به او دادیم.

٨٥ پس راهی را در پیش گرفت و رفت.

٨٦ تا آن گاه که به محل غروب خورشید رسید. آن را که در چشمهٔ گرم فرو می‌رفت، یافت. و نزدیکش مردمانی یافت. گفتیم: «ای «ذوالقرنین»، اگر خواهی، آنان را عذاب کن و اگر خواهی در میانشان نیکویی در پیش بگیر.»

٨٧ [«ذوالقرنین»] گفت: «امّا آن که ستم کرد، پس به زودی عذابش کنیم. آن گاه به سوی پروردگارش بازگردانده شود و او (خداوند) با عذابی سختْ آزارش کند.

٨٨ و امّا آن کس که ایمان آورْد و نیکوکار گردید، پس برایش پاداشی نیکو باشد و به زودی فرمان دهیم که کارش آسان شود.»

٨٩ سپس راهی را در پیش گرفت و رفت.

٩٠ تا آن گاه که به مکانِ برآمدنِ خورشید رسید. خورشید را دید که بر گروهی طلوع می‌کرد، که برایشان جز آن (خورشید) پوششی قرار نداده بودیم.

٩١ بدینسان بود. و بی‌تردید ما به آن چه او آگاه بود، احاطه داشتیم.

٩٢ سپس راهی را در پیش گرفت و رفت.

٩٣ تا آن گاه که میان دو کوه رسید، که در نزدیکی آن دو کوه مردمی را یافت، که هیچ زبانی نمی‌فهمیدند.

٩٤ گفتند: «ای «ذوالقرنین»، «یأجوج» و «مأجوج» در زمین فسادکارند. آیا به تو مزد بدهیم، تا میان ما و آنان سدّی قرار دهی؟»

٩٥ [«ذوالقرنین»] گفت: «آن چه پروردگارم مرا در آن مقتدر کرده است، بهتر باشد. پس به نیرویی مرا یاری کنید، تا میان شما و آنان سدّی بنا کنم.

٩٦ برای من پاره‌های آهن آورید.» تا این که هنگامی که میان دو کوه را پُر کرد، گفت: «بدمید». تا آن گاه که آن را ذوب و [یکپارچه] آتش کرد. گفت: «برای من مسِ گداخته آورید، تا بر آن بریزم.»

٩٧ پس [«یأجوج» و «مأجوج»] نتوانستند از آن [سد] بالا روند و [نیز] نتوانستند سوراخش کنند.

٩٨ [«ذوالقرنین»] گفت: «این رحمتی از پروردگارم باشد. پس آن گاه که وعدهٔ پروردگارم آید، آن [سد] را متلاشی کند. و وعدهٔ پروردگارم حق است.»

٩٩ و [زمانی که این سد فرو ریزد] آن روز آنان را رها سازیم، تا در هم موج زنند. و در «صور» دمیده شود و همه را گردِ هم آوریم، گردِ هم آوردنی [خاص].

١٠٠ و در آن روز، دوزخ را به کافران عرضه کنیم، عرضه کردنی [خاص].

١٠١ آنان که دیدگانشان از یاد من در پوششی بود و نمی‌توانستند بشنوند.

١٠٢ پس آیا کسانی که کافر شدند، پنداشتند که غیر از من، بندگانِ مرا دوست و سرپرست بگیرند؟ بی‌تردید ما دوزخ را برای پذیرشِ کافران آماده ساختیم.

١٠٣ بگو: «آیا شما را به کسانی که در کردارْ زیانکارتر [از همه] باشند، آگاه سازیم؟»

١٠٤ کسانی که تلاشِ آنان در زندگی دنیا گم و تلف شده است. حال آن که گمان دارند که کارِ نیکو می‌کنند.

١٠٥ آنان کسانی هستند که به آیات پروردگارشان و به دیدارش کافر شدند. پس اعمالشان نابود گردید و روزِ قیامت برای آنان هیچ وزنی (ترازویی) بپا نداریم.

١٠٦ اینست کیفرشان: دوزخ. به سبب آن چه کفر ورزیدند و آیاتِ من و پیامبرانِ مرا به ریشخند گرفتند.

١٠٧ بی‌تردید کسانی که ایمان آوردند و نیکوکاری کردند، باغ‌های بهشت منزلگاهِ آنان باشد.

١٠٨ در آن جاودانه‌اند و دگرگونی و تغییر مکانی از آن نجویند.

١٠٩ بگو: «اگر دریا برای [نوشتنِ] سخنان پروردگارم مُرکّب باشد، البته پیش از آن که سخنان پروردگارم به پایان رسد، آب دریا تمام گردد. هر چند که مانند آن [دریا] را به کمک بیاوریم.»

١١٠ بگو: «جز این نباشد که من بشری مانند شما هستم، [با این تفاوت] که به من وحی می‌شود: جز این نباشد که معبود شما خدایی یگانه است. پس هر کس به دیدار پروردگارش امیدوار است، باید نیکوکاری کند و در عبادت پروردگارش کسی را شریک نگیرد.»

مکّی

سورهٔ مریم

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

١ کاف. ها. یا. عین. صاد.

٢ [ای «محمّد»، این] یادآوریِ رحمتِ پروردگارِ تو در مورد بندهٔ خود «زکریّا» است.

٣ آن گاه که [«زکریّا»] پروردگار خود را به ندایی نهانی خواند.

٤ گفت: «پروردگارا، بی‌تردید [این] منم، که استخوانم سست شد و آتشِ پیری در سرم بگرفت. و من، پروردگارا، در خواندنِ تو تیره‌بخت نبوده‌ام.

٥ و من از خویشاوندانم -پس از خودم- بیمناکم و همسرِ من نازا می‌باشد. پس، از نزد خویش مرا وارثی (فرزندی) ببخش.

٦ تا از من، میراث بَرَد و از «آل یعقوب» میراث بگیرد. و پروردگارا، او را شخصی قرار ده، که از او راضی باشی.»

٧ [خداوند گفت:] «ای «زکریّا»، بی‌تردید ما تو را به پسری مژده دهیم که نامش «یحیی» باشد. پیش از این او را همنامی قرار نداده‌ایم.»

٨ [«زکریّا»] گفت: «پروردگارا، چگونه مرا پسری باشد، در حالی که همسر من نازاست. و من بر اثر سالخوردگی ناتوان شده‌ام.»

٩ گفت: «چنین است. پروردگار تو فرمود که آن [عمل] بر من آسان باشد و به راستی تو را پیش از این آفریدم و چیزی نبودی.»

١٠ [«زکریّا»] گفت: «پروردگارا، برای من نشانه‌ای قرار ده.» گفت: «نشانهٔ تو این است که در حالی که سالم هستی، سه شبانه روز با مردم سخن نمی‌گویی.»

١١ آن گاه از محراب [عبادت] به سوی قوم خویش بیرون آمد و به آنان اشاره کرد که: صبح و شام خداوند را تسبیح گویید.

۱۲ [خداوند گفت:] «ای «یحیی»، «کتاب» [«تورات»] را با نیرومندی [ایمان] بگیر.» و در
کودکی به او حُکْم دادیم.

۱۳ و رحمتی از سوی ما و پاکیزگی [به او دادیم]. و [او] پرهیزکار بود.

۱٤ و او به پدر و مادر خویش نیکوکار بود و سرکشِ نافرمان نبود.

۱۵ و سلام بر او باد، آن روز که زاده شد و آن روز که می‌میرد و آن روز که زنده
برانگیخته شود.

۱٦ و در «کتاب» («قرآن») از «مریم» یاد کن، آن گاه که از خاندان خویش دور شد و به
مکانی از شرق رفت.

۱۷ و میانِ خود و آنان پوششی افکند [و از انظارِ خانواده‌اش پنهان بود]. آن گاه ما روحِ
خویش را به سویش فرستادیم، که بر او همچون بشری کامل نمایان گردید.

۱۸ [«مریم»] گفت: «من از تو به [خداوندِ] بخشنده پناه می‌برم. اگر پرهیزکاری.»

۱۹ گفت: «جز این نباشد که من فرستادهٔ پروردگار تو هستم، تا تو را پسری پاکیزه ببخشم.»

۲۰ [«مریم»] گفت: «چگونه مرا پسری باشد، حال آن که بشری به من نزدیک نشده
است و من زناکار نبوده‌ام.»

۲۱ گفت: «چنین است. پروردگارت فرمود که آن بر من آسان باشد و برای این که او را
نشانه‌ای برای مردم قرار دهیم و رحمتی از سوی ما [باشد] و این کاری مقدر شده باشد.»

۲۲ آن گاه [«مریم»] به او باردار شد و با او به جایگاهی دور کناره گرفت.

۲۳ پس دردِ زایمان او را به سوی تنهٔ درخت خرما برد. گفت: «کاش پیش از این مرده
بودم، و از یاد رفته‌ای فراموش شده می‌شدم.»

۲٤ پس، از زیر او [«عیسی»] به او ندا داد: «اندوهگین مباش. بی‌تردید پروردگارت زیر
[پای] تو چشمه‌ای قرار داد.

۲۵ و تنهٔ درخت خرما را به سوی خود به حرکت در آور، تا بر تو خرمای تازه فرو ریزد.

٢٦ پس بخور و بنوش و چشمْ روشن باش، و اگر از آدمی کسی را دیدی، بگو: بی‌تردید من به خاطر [خداوندِ] بخشنده، روزه‌ای نذر کرده‌ام، از این رو امروز با کسی سخن نگویم.»

٢٧ پس او («عیسی») را در حالی که در برگرفته بود، به سوی قوم خویش برد. [مردم] گفتند: «ای «مریم» بی‌گمان کار بسیار شگفت‌انگیزی کرده‌ای!

٢٨ ای خواهرِ «هارون»، پدر تو مرد بدی نبود و مادرت [هم] بدکاره نبود.»

٢٩ پس [«مریم»] به او («عیسی») اشاره کرد. گفتند: «چگونه با کسی که کودک و در گهواره است، سخن گوییم؟»

٣٠ [کودک] گفت: «بی‌تردید من بندهٔ خداوند هستم. [او] به من «کتاب» داد و مرا پیامبر گردانید.

٣١ و مرا –هر جا که باشم– مبارک داشت و مرا تا زنده باشم، به نماز و زکات سفارش فرمود.

٣٢ و [مرا] به مادرم نیکوکار گردانید و سرکشِ تیره‌بختم نساخت.

٣٣ و سلام بر من روزی که زاده شدم و روزی که بمیرم و روزی که زنده برانگیخته شوم.

٣٤ این است «عیسی» پسر «مریم» [و این است] سخنِ حق که در آن تردید می‌کنند.

٣٥ خداوند را [شایسته] نباشد که فرزندی گیرد. او منزّه است. جز این نباشد که چون اراده به کاری کند، گوید: «باش!» پس موجود می‌شود.

٣٦ و بی‌تردید خداوند، پروردگار من و پروردگار شما باشد. پس او را عبادت کنید. راهِ راست این است.

٣٧ و گروه‌ها[ی یهودیان و نصرانیان در مورد «عیسی»] میانِ خویش اختلاف کردند. پس وای بر آنان که کافر شدند، از دیدار روزی عظیم!

٣٨ روزی که نزد ما آیند [آنان] چه شنوا و بینا باشند. لیکن امروز ستمکاران در گمراهیِ آشکاری باشند.

٣٩ و آنان را از روز حسرت و پشیمانی بترسان. آن گاه که کار از کار گذشته باشد و آنان در بی‌خبری باشند. و آنان ایمان ندارند.

٤٠ بی‌تردید ما زمین را و هر کس را که بر آن باشد، میراث بریم. و [آنان] به سوی ما بازگردانده می‌شوند.

٤١ و در این «کتاب»، «ابراهیم» را به یاد آور. بی‌تردید او بسیار راستگو بود و او پیامبر بود.

٤٢ آن گاه که به پدرش گفت: «ای پدر من، چرا چیزی را عبادت می‌کنی، که نه می‌شنود و نه می‌بیند و نه تو را از چیزی بی‌نیاز می‌گرداند؟

٤٣ ای پدر من، بی‌تردید به من دانشی داده شده است، که به تو داده نشد. پس، از من پیروی کن، تا تو را به راهِ راست هدایت کنم.

٤٤ ای پدر من، شیطان را پرستش مکن. بی‌تردید شیطان از [خداوندِ] بخشنده نافرمانی کرد.

٤٥ ای پدر من، بی‌تردید من بیمناکم که از سوی [خداوندِ] بخشنده بر تو عذابی رسد و تو یار شیطان شوی.»

٤٦ [پدر «ابراهیم»] گفت: «ای «ابراهیم»، آیا تو از معبودان من روی‌گردان هستی؟ البته اگر دست بر نداری، تو را سنگسار کنم. و برای مدّتی طولانی از من دوری گزین.»

٤٧ [«ابراهیم»] گفت: «سلام بر تو باد. به زودی از پروردگار خویش برای تو آمرزش خواهم خواست. بی‌تردید او به من مهربان است.

٤٨ و از شما و از آن چه جز خداوند می‌خوانید، کناره می‌گیرم. و پروردگار خویش را می‌خوانم. شاید به خواندن پروردگارم تیره‌بخت نباشم.»

٤٩ پس آن گاه که از آنان و از آن چه غیر از خداوند می‌پرستیدند، کناره گرفت، ما «اسحاق» و «یعقوب» را به او بخشیدیم و همه را پیامبر گردانیدیم.

٥٠ و از رحمتِ خویش به آنان بخشیدیم و برای آنان زبانی راستگو و بلند مرتبه قرار دادیم.

٥١ و در این «کتاب»، «موسی» را به یاد آور. بی‌تردید او با اخلاص و پاکدل بود و پیامبری خبرآور بود.

٥٢ و [ما] او را از سوی راستِ کوهِ «طور» خواندیم. و رازگویانْ او را [به خود] نزدیک کردیم.

٥٣ و از رحمتِ خویش به او برادرش «هارون» پیامبر را بخشیدیم.

٥٤ و در این «کتاب»، «اسماعیل» را به یاد آور. بی‌تردید او راستْ پیمان بود. و او
پیامبری خبرآور بود.

٥٥ و او کسانِ خویش را به نماز و زکات فرمان می‌داد. و او نزد پروردگارش پسندیده بود.

٥٦ و در این «کتاب»، «ادریس» را به یاد آور. بی‌تردید او بسیار راستگو بود و او پیامبر بود.

٥٧ و او («ادریس») را به مقامی بلند، بالا بردیم.

٥٨ آنان کسانی باشند که خداوند به آنان نعمت داد. از پیامبران، از فرزندان «آدم» و از
کسانی که با «نوح» [در کشتی] بُردیم و از فرزندانِ «ابراهیم» و «اسرائیل» و از کسانی
که هدایت کردیم و برگزیدیم. آن گاه که آیاتِ [خداوندِ] بخشنده بر آنان خوانده
می‌شد، سجده‌کنان و گریان [بر خاک] می‌افتادند.

٥٩ سپس فرزندانی [ناشایست] پس از آنان جانشین شدند، که نماز را تباه کردند و از
شهوات پیروی کردند. پس به زودی به گمراهی برسند.

٦٠ جز آن کس که توبه کرد و ایمان آورْد و نیکوکاری کرد. پس آنان به بهشت داخل
شوند و هیچ ستمی بر آنان نشود.

٦١ بهشت‌های جاودان که [خداوندِ] بخشنده به بندگان خود وعده به غیب داده است،
بی‌تردید وعدهٔ او آمدنی است.

٦٢ [بهشتی] که در آن سخنی به یاوه نشنوند. [آن جا] جز سلام [سخنی نیست]. و
روزیِ آنان هر بامداد و شامگاه در آن باشد.

٦٣ این همان بهشتی است که به هر کس از بندگانمان که پرهیزکار باشد، میراث دهیم.

٦٤ و ما (فرشتگان) جز به فرمان پروردگارت فرود نیاییم. آن چه در پیش ما و آن چه
در پشت ما و آن چه میان آن باشد، از آنِ اوست. و پروردگار تو فراموشکار نیست.

٦٥ [او] پروردگارِ آسمان‌ها و زمین و آن چه میان آن دو هست، می‌باشد. پس او را عبادت کن و بر عبادتش شکیبا باش. آیا برایش همنامی می‌دانی؟

٦٦ و انسان گوید: «آیا آن گاه که بمیرم، به زودی [از خاک] زنده بیرون آورده می‌شوم؟»

٦٧ آیا انسان به یاد نمی‌آورد که ما او را از پیش آفریدیم و [او] چیزی نبود؟

٦٨ پس به پروردگارت سوگند، که آنان را با شیطان‌ها برانگیزیم. آن گاه پیرامونِ دوزخ زانو زده حاضرشان سازیم.

٦٩ سپس از هر گروهی –هر یک را که در برابرِ [خداوندِ] بخشنده، سرکش‌تر بوده– بیرون آوریم.

٧٠ آن گاه ما به حال آنان که سزاوارترند که در آتش بسوزند، داناتریم.

٧١ و از شما هیچ کس نیست، مگر این که واردِ آن (دوزخ) شود، که بر پروردگار تو [ای «محمّد» این کار] بی‌تردید قطعی [و شدنی] است.

٧٢ سپس آنان را که پرهیزکاری کردند، نجات دهیم و ستمکاران را زانو زده در آن (دوزخ) رها سازیم.

٧٣ و آن گاه که آیاتِ روشنِ ما بر آنان خوانده شود، کسانی که کافر شدند، به کسانی که مؤمن شدند، گویند: «کدام یک از دو گروه مقامی بهتر و انجمنی پسندیده‌تر دارد؟»

٧٤ و چه بسیار نسل‌هایی که پیش از آنان هلاکشان ساختیم، که آنان از لحاظ وسیلهٔ زندگی و منظر نیکوتر بودند.

٧٥ بگو: «هر کس که در گمراهی باشد، [خداوندِ] بخشنده فرصتش دهد. مهلتی خاص. تا زمانی که آن چه را که به آنان وعده داده می‌شد، ببینند: یا عذاب و یا رستاخیز را. پس به زودی بدانند که چه کسی مکانی بدتر و سپاهی ناتوان‌تر دارد.»

٧٦ و خداوند بر هدایت آنان که هدایت شده‌اند، بیفزاید و نزدِ پروردگارت نیکویی‌های ماندگار برای ثواب بهتر و برای بازگشتگاه نیکوتر باشد.

۷۷ آیا آن کس را که به آیات ما کافر شد و گفت: «بی‌تردید ثروت و فرزند به من داده خواهد شد»، دیدی؟

۷۸ آیا از غیب آگاه بود، یا از [خداوندِ] بخشنده پیمانی گرفت؟

۷۹ هرگز. [ما] آن چه را که بگوید، خواهیم نوشت و عذابش را به نحوی خاص افزون و طولانی کنیم.

۸۰ و از او، آن چه را که می‌گوید [از ثروت و فرزند] میراث خواهیم برد. و نزد ما تنها بیاید.

۸۱ و غیر از خداوند معبودانی گرفتند، تا برایشان مایهٔ عزّتی باشد.

۸۲ هرگز! به زودی به عبادتِ آنان کافر خواهند شد و مخالفِ آنان می‌گردند.

۸۳ آیا ندیدی که ما شیطان‌ها را بر کافران فرستادیم، تا آنان را به شدت برانگیزند.

۸٤ پس بر [عذابِ] آنان شتاب مکن، که بی‌تردید ما برای آنان می‌شماریم، شمردنی [خاص].

۸۵ روزی که پرهیزکاران را به سوی [خداوندِ] بخشنده [به سانِ] مهمانان (با احترام) برانگیزیم.

۸٦ و گناهکاران را تشنه به سوی دوزخ برانیم.

۸۷ آنان توانایی شفاعت ندارند، مگر آن کس که از [خداوندِ] بخشنده پیمانی گرفته باشد.

۸۸ و [نصرانیانِ منحرف] گفتند: «[خداوندِ] بخشنده فرزندی گرفته است.»

۸۹ به یقین شما چیزِ زشتِ هولناکی [بر زبان] آورده‌اید.

۹۰ نزدیک است که آسمان‌ها از آن [سخنِ کفرآمیز]، متلاشی شود و زمین بشکافد و کوه‌ها در هم بشکنند و فرو ریزند.

۹۱ [از این] که [این نادانان] برای [خداوندِ] بخشنده فرزندی قائل شدند.

۹۲ و شایستهٔ [خداوندِ] بخشنده نباشد که فرزندی بگیرد.

۹۳ جز این نباشد که آن چه در آسمان‌ها و زمین است، نزد [خداوندِ] بخشنده بنده‌وار آیند.

۹٤ به یقین او همه را [زیر قدرت خویش] فرا گرفت و [همه را] بشمرده است [شمردنی خاص].

۹۵ و روز قیامت همهٔ آنان به سویش تنها آیند.

٩٦ بی‌تردید کسانی که ایمان آوردند و نیکوکاری کردند، به زودی [خداوندِ] بخشنده برای آنان دوستی و محبّتی قرار دهد.
٩٧ پس جز این نباشد که ما آن («قرآن») را به زبان تو روان و آسان ساختیم، برای این که با آن پرهیزکاران را مژده و گروهِ ستیزه‌گران را بیم دهی.
٩٨ و چه بسیار نسل‌هایی که ما پیش از آنان هلاک ساختیم. آیا [وجودِ] یک تن از آنان را احساس می‌کنی و آوایی از آنان می‌شنوی؟

سورهٔ طه

مکّی

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

١ طا. ها.
٢ «قرآن» را بر تو فرو نفرستادیم تا رنج ببری.
٣ مگر این که برای آن کس که بترسد، پندی باشد.
٤ [«قرآن»] فرو فرستادهٔ کسی است که زمین و آسمان‌های بلند را آفرید.
٥ [خداوندِ] بخشنده‌ای که بر عرش مستولی شد.
٦ آن چه در آسمان‌ها و آن چه در زمین است و آن چه میانِ آن دو می‌باشد و آن چه زیر خاک باشد، از آنِ اوست.
٧ و اگر سخن را بلند گویی، پس او نهان و نهان‌تر را [هم] می‌داند.
٨ خداوند که معبودی جز او نباشد، نیکوترین نام‌ها از آنِ اوست.
٩ آیا خبرِ «موسی» به تو رسیده است؟
١٠ آن گاه که آتشی دید. پس به خانوادهٔ خود گفت: «درنگ کنید، که من آتشی دیدم. شاید پاره‌ای از آن را برای شما بیاورم و یا بر آتش راهنمایی بیابم.»
١١ پس آن گاه که به آن [آتش] رسید، ندا داده شد: ای «موسی»!
١٢ بی‌تردید من پروردگار تو هستم. کفش‌های خویش را به در آور، که تو بر وادیِ مقدّس «طُوی» هستی.

۱۳ و من تو را برگزیدم. پس به آن چه به تو وحی می‌شود، گوش فرادار.
۱٤ بی‌تردید منم، من «اللّٰه» هستم. معبودی جز من نباشد. پس مرا عبادت کن و نماز را برای یادآوریِ من بپادار.
۱۵ بی‌گمان رستاخیز خواهد آمد. می‌خواهم آن را پنهان دارم، تا هر کس به آن چه می‌کوشد، پاداش داده شود.
۱٦ پس کسی که به آن ایمان نمی‌آورد و از هوس‌های خود پیروی کرده است، مبادا تو را از آن بازدارد، که هلاک خواهی شد.
۱۷ و این چیست به دستِ راستِ تو، ای «موسی»؟
۱۸ [«موسی»] گفت: «این عصای من باشد، که بر آن تکیه می‌کنم. و با آن بر گوسفندانم برگِ [درخت] می‌ریزم و در آن، مرا نیازها و حاجت‌های دیگر [هم] باشد.»
۱۹ [خداوند] گفت: «ای «موسی»، آن را بیفکن!»
۲۰ پس [«موسی»] آن را افکند. پس ناگاه ماری شتابان شد.
۲۱ [خداوند] گفت: «آن را بگیر و مترس! به زودی آن را به شکل اولش بازگردانیم.
۲۲ و دستِ خویش را به پهلوی خویش بچسبان، تا سپید [و نورانی] بی‌آزار و مرض بیرون آید. که این آیتی (معجزه‌ای) دیگر باشد.
۲۳ تا آن [نشانهٔ] بزرگ‌تر را از نشانه‌های خودمان به تو بنمایانیم.
۲٤ به سوی «فرعون» برو. بی تردید او سرکش شده و از حدود در گذشته است.»
۲۵ [«موسی»] گفت: «پروردگارا، سینه‌ام را برایم فراخ گردان (قدرتِ درونیِ مرا بسیار کن).
۲٦ و کارِ مرا برای من آسان ساز.
۲۷ و گرهَ از زبانم بگشای.
۲۸ [تا] سخنِ مرا بفهمند.
۲۹ و از خویشانم برایم وزیری [و یاوری] قرار بده.
۳۰ برادرم «هارون» را.
۳۱ و پشتِ مرا به او نیرومند و محکم ساز.
۳۲ و او را در کارِ من شریک ساز.
۳۳ تا تو را بسیارَ تسبیح گوییم.
۳٤ و تو را بسیار یاد کنیم.
۳۵ بی‌تردید تو به ما بینایی.»
۳٦ [خداوند] گفت: «ای «موسی» به راستی آن چه خواستی، به تو داده شد.
۳۷ و به راستی بارِ دیگر ما بر تو منت نهادیم.

٣٨ آن گاه که به مادرت –آن چه را که [باید] وحی می‌شد– وحی نمودیم.
٣٩ که او را در صندوق بگذار. پس آن را در دریا رها ساز، تا دریا او را به ساحل اندازد. دشمن من و دشمن او، او را [از آب دریا] بگیرد. و از خویش بر تو محبّتی افکندم و تا در برابر چشم من پرورش یابی.
٤٠ آن گاه که خواهرت می‌رفت و می‌گفت: «آیا شما را به کسی راهنمایی کنم، که او را سرپرستی کند؟» پس تو را به مادرت بازگرداندیم، تا چشمش روشن شود و اندوهگین نگردد. و تو کسی را کُشتی. پس تو را از [این] اندوه رهاندیم و تو را به آزمون‌هایی آزمودیم. پس سال‌ها در میان اهلِ «مَدْیَن» ماندی. پس، ای «موسی» به این جا که مقدّر بود، آمدی.
٤١ و تو را برای خود برگزیدم.
٤٢ تو و برادرت با آیاتِ من بروید و در یادآوریِ من سستی مکنید.
٤٣ هر دو به سوی «فرعون» بروید. بی‌تردید او سرکشی کرده و از حدود درگذشته است.
٤٤ پس به نرمی با او سخن گویید. شاید او پند گیرد، یا بترسد.»
٤٥ آن دو گفتند: «پروردگارا، ما می‌ترسیم که [«فرعون» در آزارمان] شتاب کند. یا این که سرکشی نماید و از حدود در گذرد.»
٤٦ [خداوند] گفت: «ترسان نباشید! بی‌تردید من با شما هستم. می‌شنوم و می‌بینم.»
٤٧ پس [هر دو] به سویش بروید و بگویید: «بی‌تردید ما فرستادهٔ پروردگارت می‌باشیم. پس «بنی‌اسرائیل» را با ما بفرست و آنان را آزار مده. بی‌تردید نشانه‌ای از پروردگارت برای تو آورده‌ایم. و سلام بر آن کس باد، که از هدایت و راه راست پیروی کرد.
٤٨ بی‌تردید بر ما وحی شده است که عذاب بر آن کس باشد، که [خداوند و پیامبر او را] تکذیب کرد و [به حق] پشت نمود.»
٤٩ [«فرعون»] گفت: «ای «موسی»، پروردگار شما دو تن کیست؟»
٥٠ [«موسی»] گفت: «پروردگار ما کسی است که به هر چیزی آفرینشِ آن را داد، آن گاه [آن را] هدایت کرد.»
٥١ [«فرعون»] گفت: «پس احوالِ نسل‌های گذشته چگونه است؟»

٥٢ [«موسی»] گفت: «دانشِ آن نزد پروردگار من و در کتابی باشد. پروردگارم نه خطا
کند و نه [چیزی را] فراموش کند.»
٥٣ [خداوند] آن کسی است که زمین را برای شما مَهْد (گهواره) قرار داد و در آن برای
شما راه‌ها پدیدار کرد. و از آسمان آبی فرو فرستاد. پس با آن [آب] جفت‌هایی از
گیاهانِ گوناگون بیرون آوردیم.
٥٤ بخورید و چهارپایانِ خویش را بچرانید. بی‌گمان در آن برای خردمندان نشانه‌هایی است.
٥٥ [خداوند فرمود:] شما را از آن (خاک) آفریدیم و به آن شما را بازگردانیم. و بار
دیگر از آن شما را بیرون آوریم.
٥٦ و به راستی ما همهٔ آیات خود را به او («فرعون») نشان دادیم. پس [آن‌ها را] دروغ
پنداشت و سرپیچید.
٥٧ [«فرعون»] گفت: «ای «موسی»، آیا نزد ما آمده‌ای، تا با جادوی خویش ما را از
سرزمینمان بیرون کنی؟
٥٨ پس البته ما جادویی مانندِ آن برای تو خواهیم آورد. پس میان ما و خودت میعادگاهی
-در جایی درست و هموار- قرار بده، که نه ما از آن تخلّف کنیم و نه تو.»
٥٩ [«موسی»] گفت: «میعادگاهِ شما روزِ [عیدِ] زینت باشد. و این که مردمان پیش از
نیمروز گرد هم آیند.»
٦٠ پس «فرعون» رویْ گرداند و نیرنگ‌کارانِ خویش را گردِ هم آورد و آن گاه باز آمد.
٦١ «موسی» به آنان گفت: «وای بر شما! به دروغ بر خداوند افترا نبندید، که او شما را
به عذابی هلاک سازد.» بی‌تردید آن کس که افترا بست، نومید گردید.
٦٢ پس در کار خویش میان خود به کشمکش پرداختند و نجواکنان راز را پنهان داشتند.
٦٣ گفتند: «این دو تن («موسی» و «هارون») دو جادوگرند، که می‌خواهند به جادویشان
شما را از سرزمینتان بیرون کنند و روشِ بهترِ شما را از میان ببرند.
٦٤ پس نیرنگِ خویش را گرد آورید. آن گاه به صف [و منظم] بیایید. و بی‌گمان امروز
کسی رستگار شود، که برتری یابد.»

٦٥ [ساحران] گفتند: «ای «موسی»، آیا [اول] تو می‌افکنی، یا ما نخستین کسی باشیم که بیفکند؟»
٦٦ [«موسی»] گفت: «[نه] بلکه شما بیفکنید.» پس ناگاه ریسمان‌هایشان و عصاهایشان
از جادوشان در خیال او («موسی») چنان نمایان شد، که [گویی به راستی] می‌دوند.
٦٧ پس «موسی» در ضمیر خود ترسید.
٦٨ گفتیم: «نترس! بی‌تردید تو برتر هستی.
٦٩ و آن چه را که در دست راست تو باشد، بیفکن، تا آن چه را که ساخته‌اند، فروبلعد.
آن چه ساخته‌اند، فقط نیرنگ جادوگر است. و جادوگر به هر جا برود، رستگار نشود.»
٧٠ پس جادوگران سجده‌کنان [به خاک] افتادند. گفتند: به پروردگار «هارون» و «موسی»
ایمان آوردیم.
٧١ [«فرعون»] گفت: «آیا پیش از آن که من به شما اجازه دهم، به او ایمان آوردید؟
بی‌تردید او بزرگِ شما است، که به شما جادوگری آموخته است. پس به یقین دستان و
پاهای شما را از خلاف یکدیگر خواهم برید. و البته شما را به تنهٔ درختِ خرما به دار
آویزم، و خواهید دانست که کدام یک از ما در عذاب کردن سخت‌تر و پایدارتر است.»
٧٢ گفتند: «هرگز تو را بر آن چه از دلایل روشن که برایمان آمد و آن کس که ما را
آفریده است، برنگزینیم. پس آن چه داوری می‌کنی، بکن. جز این نباشد که در
زندگیِ این دنیا [می‌توانی] داوری و حکم کنی.
٧٣ بی‌تردید ما به پروردگارمان ایمان آوردیم، تا گناهانمان را برای ما بیامرزد و از آن
چه جادو کردیم، که تو ما را به اکراه به آن کار مجبور ساختی [در گذرد]. و خداوند
بهتر و جاودانه‌تر است.»
٧٤ بی‌گمان هر کس نزد پروردگارش گناهکار آید، پس دوزخ برایش باشد. در آن جا نه
می‌میرد و نه زنده می‌شود.
٧٥ و آن کس که با ایمان نزدش آید و نیکوکاری کرده باشد، پس برای این گروه،
مدارج و مراتبِ بلندی باشد.
٧٦ بهشت‌های جاودان که از زیر آن‌ها جویبارها جاریست. در آن جاودانه‌اند. و این
پاداشِ آن کس باشد که پاک است.

٧٧ و به یقین به «موسی» وحی کردیم که بندگانِ مرا شبْ هنگام بِبَر. پس برایشان در دریا راهی خشک باز کن. نه از رسیدن [دشمن] بترسی و نه [از غرق شدن] بیمناک شوی.

٧٨ پس «فرعون» با سپاهیان خویش به دنبال آنان رفت. پس دریا آن چه را که باید می‌پوشاند، از آنان پوشانید.

٧٩ و «فرعون» قوم خویش را گمراه ساخت و [آنان را] هدایت نکرد.

٨٠ ای «بنی‌اسرائیل»، بی‌تردید شما را از دشمنانتان نجات دادیم و با شما در جانب راست «طور» وعده گذاشتیم. و بر شما «مَنّ» و «سَلْوی» فرو فرستادیم.

٨١ از پاکیزه‌ها آن چه به شما روزی دادیم، بخورید و در آن از حدّ نگذرید، که خشم من بر شما فرود آید. و هر کس که خشمِ من بر او فرود آید، پس البته هلاک گردد.

٨٢ و بی‌تردید من کسی را که توبه کرد و ایمان آورْد و نیکوکاری نمود، آن گاه هدایت یافت، می‌آمرزم.

٨٣ و ای «موسی»، تو را چه شد که [هنگامِ حرکت] شتابان شدی و از قوم خویش تندتر رفتی؟

٨٤ [«موسی»] گفت: «اینک آنان به دنبال من باشند. و به سوی تو ای پروردگارم شتافتم، تا خوشنود شوی.»

٨٥ [خداوند] گفت: «بی‌تردید ما پس از تو، قومِ تو را آزمودیم. و «سامری» آنان را گمراه ساخت.»

٨٦ پس «موسی» خشمگین و اندوهگین به سوی ملّت خویش بازگشت. گفت: «ای قوم من، آیا پروردگارتان به شما وعده نکرد، وعده‌ای نیکو؟ آیا مدت [آن وعده] بر شما طولانی شد؟ یا این که خواستید بر شما از پروردگارتان خشمی فرود آید، که وعدهٔ مرا خلاف کردید؟»

٨٧ گفتند: «ما به اختیارِ خود وعدهٔ تو را خلاف نکردیم. و لیکن از پیرایه‌های قوم بر ما بار نهاده بودند. پس آن‌ها را [در آتش] افکندیم.» پس بدینسان «سامری» [هم] افکند.

٨٨ پس برایشان گوساله پیکری که صدایی [هم] داشت، بیرون آورْد. و گفتند: «این
معبود شما و معبود «موسی» باشد.» پس فراموش کرد.
٨٩ آیا ندیدند که [آن گوساله] در پاسخ آنان سخن نمی‌گوید و صاحب اختیارِ [نه]
زیانی و نه سودی برای آنان نمی‌باشد؟
٩٠ و بی‌تردید «هارون» –از قبل– به آنان گفته بود: «ای قوم من، جز این نباشد که شما
به آن [گوساله] آزمایش شُدید و بی‌تردید پروردگار شما [خداوندِ] بخشنده است.
پس، از من پیروی کنید و از فرمان من اطاعت نمایید.»
٩١ گفتند: «ما همیشه پیرامون این بمانیم [و پراکنده نشویم] تا «موسی» به سوی ما باز آید.»
٩٢ [«موسی»] گفت: «ای «هارون» آن گاه که دیدی آنان گمراه شدند، چه چیزی مانعِ تو شد
٩٣ که از من پیروی نکردی؟ آیا از فرمانِ من سرکشی کردی؟»
٩٤ [«هارون»] گفت: «ای پسرِ مادرِ من، ریش و سر مرا مگیر. بی‌گمان من بیم داشتم که
تو بگویی میانِ «بنی‌اسرائیل» جدایی افکندی و [حرمتِ] سخن مرا نگه نداشتی.»
٩٥ [«موسی»] گفت: «این چه کاری بس بزرگ بود که کردی، ای «سامری»؟»
٩٦ [«سامری»] گفت: «من چیزی (مأمور غیبی) دیدم، که [سایر مردم آن را] ندیدند. آن
گاه مشتی خاک از جای پای رسول (مأمور غیبی) برداشتم و آن را [بر گوساله]
افکندم (ریختم). و این چنین نَفْسِ من مطلب را در نظرم جلوه داد (مرا به این کار
وسوسه کرد).»
٩٧ [«موسی»] گفت: «پس برو که بی‌تردید در زندگی تو را این باشد که گویی: «به من
دست نزنید.» و تو را وعده‌گاهی باشد، که هرگز در آن تخلّف نشود [و به آن
برسی]. و به معبود خویش که بر [کنار] آن گوشه‌نشین بودی، نگاه کن. البته آن را
بسوزانیم. آن گاه در دریا پراکنده‌اش سازیم، پراکنده ساختنی [خاص].»
٩٨ جز این نباشد که معبود شما خداوند است، که جز او معبودی نباشد. دانشش همه
چیز را فرا گرفته است.

٩٩ بدینسان برایت از خبرهای آن چه گذشته است، حکایت می‌کنیم. و بی‌تردید از سوی خویش به تو ذکری («قرآنی») دادیم.

١٠٠ آن کس که از آن رویْ‌بگرداند، پس بی‌تردید او روز قیامت باری [از گناه] بر دوش گیرد.

١٠١ در آن [وضع] جاودانه بمانند. و بد، باری است برایشان که روز قیامت بر دوش می‌کشند.

١٠٢ روزی که در «صور» دمیده شود و در آن روز گناهکاران را کبودْ [چشم] برانگیزیم.

١٠٣ میان خود رازگویانه به یکدیگر گویند: «[شما] جز ده روز درنگ نکردید.»

١٠٤ ما به آن چه می‌گویند، داناتر باشیم. آن زمان که بهترینشان در روش گوید: «شما جز یک روز درنگ نکردید.»

١٠٥ و از تو در مورد کوه‌ها بپرسند. پس بگو: پروردگار من آن‌ها را ریز ریز و پراکنده کند، پراکندنی.

١٠٦ پس آن (زمین) را یکدست و هموار کند.

١٠٧ در آن نه پستی (کجی) بینی و نه بلندی.

١٠٨ روزی که از نداگر و دعوت‌کننده بی هیچ کجی و انحراف [و نافرمانی] پیروی کنند. و صداها برای [خداوندِ] بخشنده، آهسته (خاشع) شود. پس تو جز آوای نرمی چیزی نشنوی.

١٠٩ آن روز شفاعت سودی ندارد، مگر آن کس که [خداوندِ] بخشنده به او اجازه داده باشد و به سخن او راضی باشد.

١١٠ آن چه را که در برابر و آن چه را که در پشت سر آنان است، می‌داند و [آفریدگان] به دانش او احاطه ندارند (آن چه خالق می‌داند، کسی نمی‌داند).

١١١ و برای خداوند زندهٔ قیّوم چهره‌ها خاضع شوند. و بی‌گمان آن کس که بار ستم بر دوش کشید، نومید گردید.

١١٢ و آن کس که نیکوکاری کند و مؤمن باشد، پس نه از ستمی ترسد و نه از هیچ کاستی و کاهشی.

١١٣ و بدینسان آن [«کتاب»] را «قرآنی» عربی فرو فرستادیم و در آن وعیدهایی (تهدیدهایی) گوناگون بیان کردیم. شاید آنان پرهیزکار شوند. یا این که برای آنان پندی باز گوید.

١١٤ پس خداوند که فرمانروای به حق است، بلند مرتبه و برتر باشد. و به خواندن «قرآن» -پیش از آن که وحی آن بر تو به اتمام رسیده باشد- شتاب مکن. و بگو: «پروردگارا، مرا دانش بیفزای.»

١١٥ و به یقین ما -از قبل- با «آدم» پیمان بستیم. پس [«آدم» عهد را] فراموش کرد و در او اراده‌ای (عزمی) استوار نیافتیم.

١١٦ و آن گاه که به فرشتگان گفتیم: ««آدم» را سجده کنید.» پس [همه] سجده کردند، جز «ابلیس» که [از فرمان] سرپیچی کرد.

١١٧ پس گفتیم: «ای «آدم»، بی‌تردید این (شیطان) برای تو و همسرت دشمن باشد. پس مبادا شما را از بهشت بیرون کند، که به رنج می‌افتی.

١١٨ بی‌تردید برای توست که در آن گرسنه و عریان نشوی.

١١٩ و در آن نه تشنه شوی و نه در آفتاب بمانی.»

١٢٠ پس شیطان او را وسوسه کرد و گفت: «ای «آدم»، آیا تو را بر درختِ جاودانی و سلطنتی زوال ناپذیر راهنمایی کنم؟»

١٢١ پس هر دو از آن خوردند. پس شرمگاه‌هایشان بر آنان نمایان گردید و شروع به چسباندن برگ‌های [درختانِ] بهشت به خودشان نمودند و «آدم» از فرمان پروردگار خویش نافرمانی کرد. آن گاه گمراه شد.

١٢٢ آن گاه پروردگارش او را برگزید و به او [توفیقِ] توبه داد و هدایتش نمود.

١٢٣ [خداوند] گفت: «همگی از آن (بهشت) فرو شوید. شما [و شیطان] دشمن یکدیگرید. پس آن گاه که از [سوی] من برای شما هدایتی آید، هر کس از رهنمود من پیروی کند، گمراه نگردد و رنج و سختی نبیند.

١٢٤ و هر کس از یاد من رویْ بگرداند، بی‌تردید زندگی بر او تنگ شود و روز قیامت او را نابینا برانگیزیم.»

١٢٥ گوید: «ای پروردگار من، چرا مرا نابینا برانگیختی؟ حال آن که من بینا بودم.»

۱۲٦ [خداوند] گوید: «بدینسان که آیات ما برای تو آمد. پس تو آن‌ها را فراموش کردی. و بدینسان تو هم امروز فراموش می‌شوی.»

۱۲۷ و بدینسان آن کس را که زیاده‌روی کرده است و به آیات پروردگارش ایمان نیاورده باشد، کیفر می‌دهیم. و البته عذابِ آخرت شدیدتر و پایدارتر باشد.

۱۲۸ آیا [این حقیقت] هدایتشان نکرد، که چه بسیار نسل‌های پیش از آنان را هلاک کردیم، که اینان در مکانِ زندگی آنان راه می‌روند. بی‌تردید در آن برای خردمندان نشانه‌هایی باشد.

۱۲۹ و اگر سخنی از پروردگارت از پیش نرفته بود، [عذاب بر آنان] لازم می‌آمد. امّا اجلی معین شده است.

۱۳۰ پس بر آن چه می‌گویند، شکیبایی کن و به شکرانهٔ پروردگارت –پیش از برآمدن آفتاب و پیش از فروشدنش و ساعت‌هایی از شب– تسبیح بگوی. و طرف‌های روز [نیز] تسبیح [او را] بگوی. شاید خوشنود شوی.

۱۳۱ و چشم خویش را به سوی آن چه به منظور آرایش زندگی دنیایی، گروه‌هایی از آنان را به آن برخوردار کردیم، مدوز. [چنین کردیم] تا آنان را در آن [نعمت‌های دنیایی] آزمایش کنیم و روزیِ پروردگارت بهتر و پاینده‌تر باشد.

۱۳۲ و خانوادهٔ خود را امر به نماز کن و در آن شکیبایی [و پافشاری] بنما. ما از تو روزی نخواهیم. [بلکه] ما تو را روزی دهیم و سرانجامِ نیکو برای پرهیزکاری و تقوا باشد.

۱۳۳ و گفتند: «چرا از سوی پروردگارش برای ما نشانه‌ای نمی‌آورد؟» آیا برای آنان نشانهٔ روشنِ آن چه در «کتاب»های پیشین است، نیامده است؟

۱۳٤ و اگر ما آنان را پیش از [آمدنِ] او به عذابی هلاک می‌کردیم، البته می‌گفتند: «خداوندا، چرا پیامبری به سوی ما نفرستادی، تا از آیات تو پیروی کنیم، پیش از آن که خوار گردیم و رسوا شویم؟»

۱۳۵ بگو: «همگی [ما] چشم به راه باشیم. پس شما [هم] چشم به راه باشید. پس به زودی خواهید دانست، که یاران راه راست چه کسانی هستند و کیست که هدایت یافته است.»

مکّی

سورهٔ انبیاء (پیامبران)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ برای مردمان حسابشان نزدیک شد. امّا آنان در بی‌خبری رویْ گردانند.

۲ هیچ پند تازه‌ای از [سوی] پروردگارشان برای آنان نیامد، مگر این که آن را بازی‌کنان شنیدند.

۳ دل‌هایشان [به بلهوسی] مشغول شد و کسانی که ستم کردند، نجوایشان را پنهان داشتند، که: «آیا این («محمّد») جز بشری مانند شما باشد؟ آیا به طرف جادو می‌روید، حال آن که شما می‌بینید؟»

٤ گفت: «پروردگار من گفتار را در آسمان و زمین می‌داند و او شنوای داناست.»

۵ بلکه گفتند: «[سخنان «محمّد» ناشی از] خواب‌های پریشان است، بلکه دروغ آورده، بلکه او شاعر است. پس –همان گونه که پیشینیان فرستاده شدند– [باید] برای ما نشانه‌ای (معجزه‌ای) بیاورد.»

٦ پیش از آنان [اهلِ] هیچ شهری که نابودش کردیم، ایمان نیاوردند. پس آیا اینان ایمان می‌آورند؟

۷ و پیش از تو نفرستادیم، مگر مردانی را که به آنان وحی کردیم. پس اگر نمی‌دانید، از «اهل ذکر» بپرسید.

۸ و آنان (پیامبران) را [مانندِ] جسدی قرار ندادیم، که غذا نخورند. و آنان جاودان نبودند.

۹ آن گاه ما به وعده‌ای که به آنان داده بودیم، وفا کردیم و آنان و آن کس را که می‌خواستیم، رهانیدیم. و اسرافگران را هلاک کردیم.

۱۰ به یقین بر شما «کتابی» فرو فرستادیم، که در آن یادآوری [برای] شما باشد. پس آیا اندیشه و درک نمی‌کنید؟

۱۱ و چه بسیار شهرهایی که در هم شکستیم (ویران کردیم) که [اهل آن] ستمگر بودند
و پس از آن قومی دیگر آفریدیم.
۱۲ پس آن گاه که عذاب ما را حس کردند، ناگهان از آن گریزان شدند.
۱۳ [به آنان گفته شد:] «نگریزید و به سوی آن چه در آن هوسرانی می‌کردید و مسکن
داشتید، بازگردید. شاید از شما پرسیده شود.»
۱٤ گفتند: «ای وای بر ما که ستمکار بودیم!»
۱٥ پس پیوسته سخن آنان چنین بود. تا این که آنان را [به سان کشتزاری] درو شده
خموش ساختیم.
۱٦ و ما آسمان و زمین و آن چه را که میان آن دو است، به خاطر بازی نیافریدیم.
۱۷ اگر می‌خواستیم کار بیهوده‌ای کنیم و بازیچه‌ای بگیریم، آن را از نزد خویش
می‌گرفتیم، اگر کننده [چنین کاری] بودیم.
۱۸ بلکه حق را بر باطل می‌افکنیم، تا آن را خراب کند، که ناگهان نابود شود. و وای بر
شما از آن چه [دربارۀ خداوند] وصف می‌کنید.
۱۹ و هر که در آسمان‌ها و زمین است، از آنِ اوست. و آنان که نزد او هستند، از
بندگی‌اش نه تکبّر ورزند و نه خسته گردند.
۲۰ شب و روز تسبیح او گویند و سستی نکنند.
۲۱ آیا خدایانی از زمین گرفتند، که آنان [مردگان را] برانگیزند؟
۲۲ اگر در آن دو (زمین و آسمان) جز خداوند معبودانی بودند، البته هر دو (زمین و
آسمان) تباه می‌شدند. پس «اللّه»، پروردگار عرش، از آن چه وصف می‌کنند، پاک و
منزّه باشد.
۲۳ از آن چه [خداوند] انجام می‌دهد، پرسیده نشود و [لیکن] از آنان پرسیده شود.
۲٤ یا جز او معبودانی گرفتند؟ بگو: «دلیل خویش را بیاورید. اینست یادآوریِ آن کس
که با من باشد و یادآوریِ آن کس (پیغمبری) که پیش از من بود.» [نه] بلکه
بیش‌ترشان حق را نمی‌دانند. از این رو آنان رویْ گردانند.

۲۵ و پیش از تو پیامبری نفرستادیم، مگر این که به او وحی کردیم که: معبودی جز من نباشد. پس تنها مرا عبادت کنید.

۲٦ و گفتند: «[خداوندِ] بخشنده، فرزندی گرفته‌است.» او پاک و منزّه باشد. بلکه [آنان] بندگانِ ارجمند [خداوند] باشند.

۲۷ آنان در سخن بر او پیشی نگیرند و آنان به دستور او عمل کنند.

۲۸ [خداوند] آن چه را که در مقابلشان و آن چه را که پشت سرشان باشد، می‌داند. و آنان شفاعت نکنند، جز برای آن کس که خداوند بپسندد. و آنان از ترسِ او هراسانند.

۲۹ و هر کس از آنان بگوید: «من معبودی جز او هستم» پس چنین کسی را با دوزخ جزا دهیم و بدینسان ستمگران را کیفر می‌دهیم.

۳۰ آیا کسانی که کافر شدند، ندیدند که آسمان‌ها و زمین به هم بسته بودند (یکی بودند) و ما آن‌ها را از یکدیگر شکافتیم (جدا کردیم) و هر چیزِ زنده‌ای را از آب پدید آوردیم. پس آیا ایمان نمی‌آورند؟

۳۱ و ما در زمین کوه‌های استوار قرار دادیم، تا بر آنان نلرزد [و آنان از حرکتِ زمین نلرزند]. و در آن راه‌هایی فراخ قرار دادیم، شاید آنان هدایت یابند.

۳۲ و آسمان را سقفی محفوظ قرار دادیم. و آنان از آیاتش رویْ می‌گردانند.

۳۳ و او کسی است که شب و روز و آفتاب و ماه را آفرید، که همه در مداری چرخانند.

۳٤ و ما –پیش از تو– برای هیچ بشری جاودانگی قرار ندادیم. آیا اگر تو بمیری، آنان پایدار خواهند ماند؟

۳۵ هر وجودی (نَفْسی) چشندهٔ مرگ است. و شما را به آزمونی [خاص] به بد و خوب می‌آزماییم. و به سوی ما بازگردانده شوید.

٣٦ و کسانی که کافر شدند، آن گاه که تو را ببینند، تو را فقط به مسخره گیرند. [گویند:] «آیا این همان کس است که از معبودانِ شما یاد می‌کند؟» در حالی که آنان به یاد [خداوندِ] بخشنده کافرند.

٣٧ انسان از شتاب آفریده شده است. به زودی آیات خویش را به شما نشان دهم. پس، از من به شتاب [عذاب] مخواهید.

٣٨ و گویند: «این وعده چه هنگامی باشد؟ اگر راست می‌گویید.»

٣٩ اگر کسانی که کافر شدند، می‌دانستند که آن گاه نمی‌توانند آتش را نه از چهره‌هایشان و نه از پشت‌هایشان دور سازند. و آنان یاری هم نشوند.

٤٠ بلکه [عذاب] ناگاه بر آنان بیاید. آن گاه مبهوتشان سازد. پس نتوانند آن را [از وجود خود] بازگردانند و به آنان مهلت داده نشود.

٤١ و به راستی پیامبرانی -پیش از تو- به مسخره گرفته شدند. پس کسانی از آنان را که مسخره می‌کردند، همان چیزی (عذابی) که آن را مسخره می‌کردند، فرو گرفت.

٤٢ بگو: «کیست که شب و روز شما را از [عذابِ خداوندِ] بخشنده در امان نگه دارد؟» بلکه آنان از یاد پروردگارشان روی‌ْگردانند.

٤٣ یا برای آنان معبودانی غیر از ما باشد، که آنان را حفظ کنند؟ [آن معبودان] نه می‌توانند خودشان را یاری کنند. و نه آنان از سوی ما همراهی و یاری شوند [و از ما در امان نباشند].

٤٤ بلکه ما به آنان و پدرانشان کامیابی دادیم، تا عمرشان دراز شد. آیا نمی‌بینند که ما به تدریج زمین را از پیرامون آن می‌کاهیم؟ پس آیا آنانند که چیره می‌شوند؟

٤٥ بگو: «جز این نباشد که من شما را به وسیلهٔ وحیِ خداوند [از خطرات] بیم می‌دهم.» و کرها –آن گاه که بیم داده شوند– صدای دعوت را نشنوند.

٤٦ و اگر وزشِ ناچیزِ بادی از عذاب پروردگارت به آنان رسد، البته خواهند گفت: «وای بر ما که ما ستمکار بودیم!»

٤٧ و برای روز قیامت ترازوهای دادگری را بگذاریم (برقرار سازیم). پس به هیچ کس (نَفْسی) چیزی ستم نشود و اگر [کرداری] هموزن یک دانهٔ خردل باشد، ما آن را [به حساب] آوریم. و کافی است که ما به حساب همه برسیم.

٤٨ و به راستی «موسی» و «هارون» را «فرقان» (کتاب تمیزدهندهٔ حق و باطل) دادیم، و روشنایی و پندی برای پرهیزکاران.

٤٩ آنان که در نهان از پروردگارشان بیمناکند و آنان که [خود] از قیامت هراسانند.

٥٠ و این یادآوریِ فرخنده‌ای است، که آن را فرو فرستادیم. پس آیا شما منکر آن هستید؟

٥١ و به یقین ما از قبل به «ابراهیم» رشد و خردمندیش را دادیم و به [حالِ] او دانا بودیم.

٥٢ آن گاه که به پدرش (عمویش) و به قوم خویش گفت: «این پیکره‌ها چیست، که شما برای [پرستشِ] آن‌ها معتکف شده‌اید؟»

٥٣ گفتند: «ما پدرانِ خویش را یافتیم (دیدیم) که آن‌ها را می‌پرستیدند.»

٥٤ گفت: «به یقین شما و پدرانتان در گمراهیِ آشکار بوده‌اید.»

٥٥ گفتند: «آیا تو حق را برای ما آورده‌ای، یا از بازیگران هستی؟»

٥٦ گفت: «[نه] بلکه پروردگار شما پروردگار آسمان‌ها و زمین است. آن کس که آنان را آفرید. و من بر آن از گواهان باشم.»

٥٧ «و به خداوند سوگند که برای بت‌های شما چاره‌ای اندیشه کنم، پس از آن که پشت‌کنان [از این جا] بروید.»

٥٨ پس جز بزرگ‌ترشان [بقیه] را خُرد کرد. شاید آنان به سوی او بازگردند.

٥٩ گفتند: «چه کسی با معبودان ما چنین کرده است؟ بی‌تردید او از ستمکاران باشد.»

٦٠ گفتند: «شنیدیم که جوانی از آنان (بتان) یاد می‌کرد. آن شخص را «ابراهیم» می‌نامند.»

٦١ گفتند: «پس او را برابرِ دیدگان مردم بیاورید، شاید آنان گواهی دهند.»

٦٢ گفتند: «آیا تو ای «ابراهیم»، با معبودانِ ما چنین کردی؟»

٦٣ [«ابراهیم»] گفت: «بلکه بزرگ‌ترینِ آن‌ها [چنین] کرد. پس اگر سخن می‌گویند، از آن‌ها بپرسید.»

٦٤ آن گاه به خود آمدند. پس گفتند: «بی‌تردید شما ستمگر هستید.»

٦٥ سپس سرافکنده شدند [و گفتند]: «به راستی تو می‌دانی، که اینان سخن نمی‌گویند.»

٦٦ [«ابراهیم»] گفت: «آیا جز خداوند چیزی را می‌پرستید، که به شما چیزی سود ندهد، آسیبی [هم] به شما نرساند؟

٦٧ اُف بر شما! و بر آن چه جز خداوند می‌پرستید! پس آیا اندیشه و درک نمی‌کنید؟»

٦٨ گفتند: «او را بسوزانید و خدایانِ خود را یاری کنید، اگر عمل کننده هستید.»

٦٩ گفتیم: «ای آتش، بر «ابراهیم» سرد و سلامت (ایمن) باش!»

٧٠ و در مورد او نیرنگی اندیشیدند. پس آنان را زیانکارتر قرار دادیم.

٧١ و او را نجات دادیم. و «لوط» را. و به سوی سرزمینی که در آن برای جهانیان برکت نهادیم [فرستادیم].

٧٢ و «اسحاق» را به او بخشیدیم و افزوده بر او «یعقوب» را. و همه را [از] نیکان قرار دادیم.

۷۳ و آنان را پیشوایانی قرار دادیم، که به فرمانِ ما [مردم را] هدایت کنند و به آنان انجام کارهای نیک و بپاداشتن نماز و دادن زکات را وحی کردیم و آنان عبادتگرانِ ما بودند.

۷٤ و به «لوط» حکم و دانش دادیم. و او را از شهری که [مردم آن] کارهای پلید می‌کردند، رهانیدیم. بی‌تردید آنان قومی بد و نافرمان بودند.

۷٥ و او را در رحمت خویش آوردیم. بی‌تردید او از نیکان بود.

۷٦ و «نوح» آن گاه که از قبل دعا کرد. پس [دعای] او را پذیرفتیم و او و خاندانش را از اندوه عظیم رهانیدیم.

۷۷ و ما او را در مقابل گروهی که آیات ما را دروغ می‌پنداشتند، یاری دادیم. بی‌تردید آنان قوم بدی بودند. پس همهٔ آنان را غرق کردیم.

۷۸ و «داود» و «سلیمان» آن گاه که هر دو در مورد کشتزاری حکم کردند، که گوسفندان مردم [شبانگاه] در آن چریده بودند. و ما گواهِ داوری آنان بودیم.

۷۹ پس آن را به «سلیمان» فهماندیم. و هر یک را حکم و دانش دادیم. و کوه‌ها را و پرندگان را رام کردیم، که با «داود» تسبیح گویند. و ما انجام‌دهندگان هستیم (ما چنین کردیم).

۸۰ و برای شما به او زره‌سازی را آموختیم، تا شما را در جنگ‌هایتان از آسیب نگهداری کند. پس آیا شما شکرگزار هستید؟

۸۱ و برای «سلیمان» بادِ سخت را [رام کردیم] که به فرمانش به سوی سرزمینی جریان یابد، که در آن برکت نهادیم. و ما به هر چیزی دانا هستیم.

۸۲ و از شیطان‌ها کسانی بودند که به خاطرِ او [در دریا] فرو می‌رفتند و کارهای غیر از آن می‌کردند. و ما نگهدارِ آنان بودیم.

۸۳ و «ایوب» آن گاه که پروردگار خویش را خواند که: «به من آسیب رسیده است و تو بخشنده‌ترین بخشندگانی.»

۸٤ پس دعایش را پذیرفتیم و آن چه آسیب به او رسیده بود، [از او] برداشتیم و خاندانش را –و همانندشان را با آنان– به او باز دادیم، تا رحمتی از سوی ما و پندی برای عبادتگران باشد.

۸۵ و «اسماعیل» و «ادریس» و «ذوالکِفْل» که همه از شکیبایان بودند.

۸٦ و آنان را به رحمت خویش در آوردیم، که آنان از نیکان بودند.

۸۷ و «صاحب ماهی» آن گاه که خشمگین رفت و پنداشت که هرگز به او قدرت نیابیم. پس در تاریکی‌ها ندا داد: «معبودی جز تو نباشد. پاکی تو راست. بی‌تردید من از ستمکاران بوده‌ام.»

۸۸ پس دعایش را پذیرفتیم و او را از اندوه رهانیدیم. و بدینسان مؤمنان را [از اندوه] می‌رهانیم.

۸۹ و «زکریّا» آن گاه که پروردگار خویش را خواند [گفت]: «پروردگارا، مرا تنها مگذار. و تو بهترین وارثان هستی.»

۹۰ پس دعایش را پذیرفتیم و «یحیی» را به او بخشیدیم و زنش را برایش شایسته گردانیدیم. بی‌تردید آنان در نیکی‌ها شتاب می‌کردند و ما را با امید و بیم می‌خواندند و برای ما فروتن بودند.

۹۱ و آن زن («مریم») که شرمگاهِ خویش را [از زناکاری] نگه داشت. پس در او از روحِ خویش دمیدیم و او و پسرش را نشانه‌ای برای جهانیان قرار دادیم.

۹۲ بی‌تردید این امّتِ شما امّتی یگانه باشد. و من پروردگار شما باشم. پس مرا عبادت کنید.

۹۳ و [آنان] کار [دین و ایمان] خود را میان خودشان پاره کردند (دچار تفرقه شدند). همه به سوی ما باز می‌گردند.

۹٤ بی‌تردید هر کس از نیکوکاری [کاری] انجام دهد و مؤمن باشد، پس برای کوششِ او ناسپاسی نباشد و بی‌تردید ما برایش [آن نیکوکاری را] می‌نگاریم.

۹۵ و [بازگشتن به دنیا] برای [مردمانِ] شهری که آن را هلاک ساختیم، حرام باشد، که آنان باز نمی‌گردند.

۹٦ تا آن گاه که [حصارِ] «یأجوج» و «مأجوج» گشوده شود و آنان از هر بلندی به شتاب می‌دوند.

۹۷ و وعدهٔ حق نزدیک شد. پس ناگاه چشمان آنان که کفر ورزیدند، خیره شود [و گویند]: «ای وای بر ما! بی‌تردید ما از این [وعده] غافل بودیم! بلکه ما ستمکار بودیم!»

۹۸ بی‌گمان شما و آن چه جز خداوند می‌پرستید، هیزمِ دوزخ باشید! شما در آن وارد شوید.

۹۹ اگر آنان معبودانی بودند، به آن وارد نمی‌شدند. در حالی که در آن جاودانه‌اند.

۱۰۰ در آن جا آنان ناله‌ها و نعره‌هایی دارند و در آن جا آنان [سخنی] نمی‌شنوند.

۱۰۱ بی‌گمان آنان که پیش از این مورد احسان ما قرار گرفتند، آنان از آن (دوزخ) دور باشند.

۱۰۲ آوای آن را نشنوند. و آنان در آن چه دل‌هایشان بخواهد، جاودانه باشند.

۱۰۳ آنان را ترسِ بزرگ‌تر اندوهگین نسازد. و آنان را فرشتگان ملاقات نمایند. [گویند:] «این روز شماست، که به شما وعده داده می‌شد.»

۱۰٤ روزی که آسمان را مانند پیچیده شدنِ طومارِ نوشته‌ها در هم می‌پیچیم. همان گونه که آفرینش را آغاز کردیم، آن را باز می‌گردانیم. وعده‌ای است بر [عهدۀ] ما که به راستی آن را انجام می‌دهیم.

۱۰۵ و به یقین ما در «زبور» [«داود»] –پس از ذکر («تورات»)– نوشتیم که: زمین را بندگان نیکوکار من میراث می‌برند.

۱۰٦ بی‌گمان در آن آگاهی (ابلاغیه‌ای) باشد برای گروهی که عبادتگرانِ خداوند هستند.

۱۰۷ و تو را نفرستادیم، مگر [این که] رحمتی برای جهانیان [باشی].

۱۰۸ بگو: «جز این نیست که بر من وحی می‌شود که: معبودِ شما فقط معبودی یگانه است. پس آیا شما تسلیم‌شدگان [به خواستِ خداوند] هستید؟»

۱۰۹ پس اگر روی‌گردانیدند، بگو: «یکسان آگاهتان ساختم. و نمی‌دانم که آن چه وعده داده می‌شوید، نزدیک است، یا دور است.

۱۱۰ بی‌تردید او گفتارِ آشکار را می‌داند و آن چه را [هم] که پنهان می‌کنید، می‌داند.

۱۱۱ و نمی‌دانم، شاید آن برای شما آزمایشی باشد و تا چندی برخوردار باشید.»

۱۱۲ گفت: «پروردگارا، به حق داوری فرما. و پروردگار ما بخشنده است. بر آن چه وصف می‌کنید، از او یاری خواسته می‌شود.»

سورۀ حج

مدنی

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ ای مردمان، از [عذابِ] پروردگارتان بپرهیزید. بی‌تردید زلزلهٔ قیامت چیزی عظیم باشد.

۲ روزی که آن را ببینید، هر [مادرِ] شیردهنده‌ای [از شدّت وحشت] بچهٔ شیری خود را فراموش می‌کند. و هر بارداری، بارِ خویش را فرو نهد (سِقْط کند). و مردم را مست خواهی دید، حال آن که آنان مست نباشند. و لیکن عذابِ خداوند سخت است.

۳ و از مردم کسی باشد که در موردِ خداوند بدون دانش کشمکش می‌کند و از هر شیطانِ سرکشی پیروی می‌نماید.

٤ بر آن (شیطان) نوشته شد (مقرّر گردید) که هر کس او را دوست گیرد، بی‌تردید او گمراهش می‌سازد و وی را به سوی عذاب آتش هدایت می‌کند.

۵ ای مردم، اگر در مورد رستاخیز و برانگیختن تردید دارید، پس [بدانید که] بی‌تردید ما شما را از خاک آفریدیم، آن گاه از نطفه‌ای، بعد از خون بسته‌ای، سپس از پاره‌گوشتی -تمام آفریده‌ای یا ناتمام آفریده‌ای- تا برای شما [قدرت و تقدیرِ خود را] آشکار کنیم. و آن چه خواهیم، تا مدّتی معین در رَحِم‌ها قرار دهیم. آن گاه شما را کودک بیرون آوریم، تا به رشد [جسمی و روحی] برسید. و از [میانِ] شما کسی باشد که [در کودکی] بمیرد و از [میانِ] شما کسی باشد که به پست‌ترین مرحلهٔ زندگی (پیری) بازگردانیده شود. تا پس از دانستن [دیگر] چیزی نداند. و [تو] زمین را خشک شده می‌بینی. پس آن گاه که آب بر آن فرو فرستیم، به جنبش آید و پرورش یابد و از هر [گونه] جفتی زیبا برویاند.

٦ این برای آنست که خداوند حق است و این که او مردگان را زنده کند و این که او بر همه چیز تواناست.

۷ و این که قیامت خواهد آمد. در آن تردیدی نباشد. و این که خداوند آنان را که در گورها هستند، برمی‌انگیزد.

۸ و از مردمان کسی باشد که در مورد خداوند بدون دانش و بی‌هدایتی و بدون کتابی روشن کشمکش می‌کند (بحث و جدال می‌کند).

۹ [از روی تکبّر، از حق] روی برمی‌تابد، تا [مردم را] از راه خداوند گمراه سازد. او را در دنیا رسوایی باشد و روزِ قیامت به او عذاب آتش سوزان را بچشانیم.

۱۰ این به خاطر آن چه است که دو دست تو از پیش فرستاد و این که خداوند بر بندگان ستمکار نیست.

۱۱ و از مردم کسی باشد که خداوند را به حرف [نه عمل] عبادت کند. پس اگر به او خیری رسد، به آن [خیر] آرام بگیرد و اگر به او بلایی رسد، [از خداوند] رویْ بگرداند. [چنین کسی] در دنیا و در آخرت زیانکار گردد. آن زیانِ آشکار این است.

۱۲ [او] جز خداوند چیزی را می‌خواند، که نه به او زیان می‌رساند و نه به او سودی می‌بخشد. آن گمراهیِ دور این است.

۱۳ کسی را می‌خواند، که زیانش از سودش نزدیک‌تر است. [آن معبود دروغین] بی‌تردید چه بد مولایی و چه بد همدمی است.

١٤ بی‌تردید خداوند آنان را که ایمان آورده‌اند و نیکوکاری کرده‌اند، به باغ‌هایی داخل می‌سازد، که از زیر آن‌ها جویبارها جاریست. به راستی خداوند آن چه بخواهد، می‌کند.

۱۵ آن کس که پندارد که خداوند هرگز او را در دنیا و آخرت یاری نمی‌کند، پس [به او بگو] ریسمانی به آسمان (سقف) بکشد و خود را حلق‌آویز و خفه کند. پس بنگرد که آیا این نیرنگش خشم او را از میان خواهد برد؟

۱٦ و بدینسان آن («قرآن») را آیاتی روشن نازل کردیم و بی‌تردید خداوند آن کس را
که خواهد، هدایت کند.

۱۷ بی‌تردید کسانی که ایمان آوردند و کسانی که یهودی شدند و «صابئان» و «نصرانیان»
و «مجوس» و کسانی که شرک آوردند، بی‌گمان خداوند میان آنان در روز قیامت
داوری کند. به راستی خداوند بر همه چیز گواه است.

۱۸ مگر نمی‌بینی که هر کس در آسمان‌ها و هر کس در زمین است و خورشید و ماه و
ستارگان و کوه‌ها و درختان و جنبندگان و بسیاری از مردم خداوند را سجده
می‌کنند (سر به فرمان خدای یگانه می‌گذارند) و بسیاری عذاب بر او (آنان) حق
است. و هر کس را که خداوند خوار سازد، برای او هیچ گرامی دارنده‌ای نباشد.
بی‌تردید خداوند هر چه خواهد، انجام دهد.

۱۹ این دو [گروه] دشمنِ یکدیگرند، که در موردِ پروردگارشان [با یکدیگر] ستیز
کردند. پس کسانی که کافر شدند، برایشان جامه‌هایی از آتش بریده شده است [و]
آب جوشان از بالای سرشان ریخته شود.

۲۰ به آن، آن چه در شکم‌هایشان و پوست‌هایشان است، گداخته گردد.

۲۱ و برایشان گرزهایی از آهن باشد.

۲۲ هر گاه –به دلیل غم– بخواهند از آن (آتش) بیرون آیند، به سوی آن بازگردانده
شوند. [به آنان گفته شود:] «عذابِ آتش سوزان را بچشید!»

۲۳ بی‌تردید خداوند کسانی را که ایمان آوردند و نیکوکاری کردند، به باغ‌هایی داخل
سازد، که از زیرِ آن جویبارها جاریست. در آن [باغ‌ها] با دستبندهایی از طلا و
مروارید آراسته شوند. و در آن جا پوشاکشان از دیبا باشد.

۲٤ و به سوی سخنانی پاک رهنمود شوند و به راه [خداوندِ] ستوده هدایت گردند.
۲۵ بی‌تردید کسانی که کافر شدند و [مردم را] از راه خداوند و از «مسجدالحرام» –که آن را برای مردم [قبله] قرار دادیم و برای همگان یکسانش کردیم، هم برای ساکن در آن و هم برای آن کس که از [سفر] صحرا آید– باز می‌دارند [مستحق عذابند] و هر کس بخواهد در آن به ستم از حق بگذرد، او را از عذابی دردناک بچشانیم.
۲٦ و آن گاه که به «ابراهیم» مکانِ خانه («کعبه») را جایگاه دادیم [به او وحی کردیم] که: چیزی را با من شریک مگیر و خانهٔ مرا برای طواف‌کنندگان و [به نماز] ایستادگان و رکوع کنندگان و سجده‌کنندگان پاکیزه کن.
۲۷ و در [میانِ] مردم برای حج بانگ برآور، تا مردمانِ پیاده و [یا سوار] بر هر شتر لاغرْ میان از هر راه دور به سوی تو آیند.
۲۸ تا شاهدِ سودهایی که برای آنان است، باشند. و نامِ خداوند را در روزهای معلوم بر آن چه از چهارپایان زبان بسته روزیشان داد، یاد کنند. پس از [گوشتِ] آن بخورید و درماندگانِ نیازمند را خوراک دهید.
۲۹ سپس [بگو] تا چرکِ بدنِ خویش را پاک کنند و نذرهای خویش را ادا کنند (به نذرها وفا کنند) و باید خانهٔ کهن («کعبه») را طواف کنند.
۳۰ [شعایرِ خدا] بدینسان باشد. و هر کس حرمت‌های خداوند (شعایر الهی) را بزرگ دارد، پس نزد پروردگارش برایش بهتر باشد. و چهارپایان برای شما حلال شد، جز آن چه بر شما خوانده می‌شود. پس: از پلیدی [که] از [پرستشِ] بت‌ها [ناشی می‌شود] بپرهیزید و از گفتارِ دروغ [هم] دوری کنید.

۳۱ برای خداوند، یکتاپرست و حق‌گرا باشید، نه شرک‌آور به او. و هر کس به خداوند شرک آورد، مانند آن باشد که از آسمان فرو افتد و پرندگان او را بربایند و یا این که باد او را به جایگاهی دور پرتاب کند.

۳۲ بدینسان باشد. و هر کس شعایر خداوند را بزرگ دارد، پس بی‌تردید آن از پرهیزکاری دل‌هاست.

۳۳ شما را در آن [چهارپایان که قربانی می‌کنید] تا وقت معین سودها باشد. سپس جای [نحرِ] آن‌ها نزدیک خانهٔ کهن («کعبه») است.

۳٤ و برای هر ملّتی آیین عبادتی [در قربانی کردن] قرار دادیم، تا این که بر آن چه [خداوند] از چهارپایانِ زبان بسته به آنان روزی داده است، نام خداوند را یاد کنند. پس معبود شما معبودی یکتاست. پس تسلیمِ [فرمانِ] او باشید. و فروتنان را مژده بده.

۳٥ آنان که چون [نام] خداوند یاد شود، دل‌هایشان را ترس فراگیرد. و به آن چه [در راهش] مصیبت ببینند، شکیبا باشند. و نماز را بپا دارند و از آن چه به آنان روزی دادیم، بخشش (انفاق) کنند.

۳٦ و اشتران فربه [قربانی]؛ آن‌ها را برای شما از شعایر خداوند قرار دادیم، که برای شما در آن خیری باشد. پس بر آن‌ها نام خداوند را یاد کنید، آن گاه که ایستاده باشند و آن گاه که به پهلوهای خود فرو افتند. پس از [گوشتِ] آن بخورید و نیازمندِ کم‌خواه و نیازمندِ زیاده‌خواه را خوراک دهید. بدینسان آن‌ها را برای شما رام کردیم. شاید شما شکرگزار شوید.

۳۷ هرگز نه گوشت‌های آن‌ها به خداوند رسد و نه خون‌هایشان. و لیکن پرهیزکاریِ شما به خداوند برسد. بدینسان آن‌ها را برای شما رام کرد، تا خداوند را به سبب این که شما را هدایت کرد، به بزرگی یاد کنید. و نیکوکاران را بشارت بده.

۳۸ به راستی خداوند از کسانی که ایمان آوردند، دفاع می‌کند. بی‌تردید خداوند هیچ خیانتکار کافری را دوست ندارد.

۳۹ به آنان (مؤمنان) اجازهٔ پیکار داده شد [زمانی] که [دیگران] با آنان کارزار می‌کنند. به این سبب که بر آنان ظلم شد و بی‌تردید خداوند بر یاریِ آنان [و پیروزی دادن به آنان] تواناست.

٤۰ آنان که به ناحق از خانه‌های خود بیرون رانده شدند. فقط به خاطر این که می‌گفتند: «پروردگار ما «اللّه» است» و اگر خداوند برخی از مردم را به برخی دیگر دفع نمی‌کرد، البته پرستشگاه‌ها (صومعه‌ها) و کلیساها و کنشت‌ها و مسجدها –که در آن‌ها نام خداوند بسیار یاد شود– ویران می‌شدند و البته خداوند آن کس را کمک می‌کند، که او (خدا) را یاری دهد. بی‌تردید خداوند توانای عزیز است.

٤۱ کسانی که اگر ما آنان را در زمین قدرت دهیم، نماز را بپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کار نیکو امر می‌کنند و از کار زشت بازمی‌دارند. و سرانجامِ کارها از آنِ خداوند باشد.

٤۲ و اگر [سخنانِ] تو را دروغ پندارند، پس بی‌تردید پیش از آنان قوم «نوح» و «عاد» و «ثمود» [سخنانِ پیامبرانشان را] دروغ پنداشتند.

٤۳ و قوم «ابراهیم» و قوم «لوط».

٤٤ و هم چنین اهل «مَدْیَن». و «موسی» تکذیب شد. و کافران را مهلت دادم. آن گاه آنان را [به عذاب] گرفتم. پس انکار [و عذابِ] من چگونه بود؟

٤٥ و چه بسیار شهرها که ویران [و مردمشان را] هلاک کردیم و آنان ستمکار بودند. پس آن [شهرها] ویران افتاده است و چاهش معطّل مانده، که از آن آب نکشند و کاخش بلند [وبی صاحب مانده] است.

٤٦ آیا در زمین سفر نکرده‌اند، تا دل‌هایی داشته باشند، که به آن اندیشه و درک کنند؟ یا گوش‌هایی که به آن [سخن حق را] بشنوند. پس بی‌تردید چشم‌ها کور نیست و لیکن دل‌هایی که در سینه‌هاست، کور است.

٤٧ و با شتاب از تو عذاب می‌خواهند. و خداوند هرگز خلافِ وعدهٔ خویش نکند و بی‌تردید یک روز نزد پروردگارت مانندِ هزار سال از آن چه می‌شمارید، است.

٤٨ و چه بسیار شهرهایی که به آنان مهلت دادم. حال آن که آن [شهرها پُر از] ستمکار بود. سپس آن را [به عذاب] گرفتم. و بازگشت به سوی من باشد.

٤٩ بگو: «ای مردم، جز این نباشد که من برای شما بیم‌دهنده‌ای آشکارهستم.»

٥٠ پس کسانی که ایمان آوردند و نیکوکاری کردند، برای آنان آمرزشی و رزقی گرامی و نیکو باشد.

٥١ و کسانی که در آیات ما کوشیدند، تا آن‌ها را باطل و بی‌ثمر سازند [و از عذاب خدا بگریزند] آنان اهل آتش باشند.

٥٢ و پیش از تو پیامبری و خبرآوری نفرستادیم، مگر هر گاه که او (آن پیامبر یا خبرآور) آرزویی داشت، شیطان در آرزویش چیزی می‌افکند. پس خداوند آن چه را که شیطان می‌افکَنَد، برمی‌اندازد (برمی‌دارد). سپس خداوند آیات خویش را استوار می‌سازد و خداوند دانای حکیم است.

٥٣ تا آن چه را که شیطان افکَنَد، آزمایشی برای کسانی که در دل‌هایشان بیماری است و دل‌هایشان سخت است، قرار دهد. و بی‌تردید ستمکاران در دشمنیِ دوری هستند.

٥٤ و تا کسانی که به آنان دانش داده شد، بدانند که آن حقی از سوی پروردگارت باشد. پس به آن ایمان آورند، و دل‌هایشان فروتن و پذیرای آن گردد. و بی‌تردید خداوند کسانی را که ایمان آوردند، به راهی راست هدایت می‌کند.

٥٥ و پیوسته کسانی که کافر شدند، از آن در تردید هستند. تا این که ناگاه قیامت بر آنان برسد و یا عذابِ روزی عقیم (روزی که شبیه ندارد) بر آنان بیاید.

٥٦ آن روز، فرمانروایی از آنِ خداوند باشد، که میان آنان داوری کند. پس کسانی که ایمان آوردند و نیکوکاری کردند، در بهشت‌های پُر نعمت باشند.

٥٧ و کسانی که کافر شدند و آیات ما را دروغ پنداشتند، برایشان عذابی خوارساز باشد.

٥٨ و کسانی که در راه خداوند مهاجرت کردند، آن گاه کشته شدند، یا مردند، البته خداوند به آنان رزقی نیکو دهد. و بی‌تردید خداوند است که بهترینِ روزی‌دهندگان باشد.

٥٩ البته آنان را به جایگاهی داخل سازد، که از [ورود به] آن خوشنود باشند. و بی‌تردید خداوند دانای شکیباست.

٦٠ بدینسان باشد. و هر کس کیفر دهد مانندِ آن چه کیفر شده، سپس بر او ستم شود، البته خداوند او را یاری دهد. بی‌تردید خداوند عفوکنندهٔ آمرزگار است.

٦١ این برای آنست که خداوند شب را در روز فرو می‌بَرَد و روز را در شب فرو می‌بَرَد. و این که خداوند شنوای بیناست.

٦٢ این برای آنست که خداوند است که حق است و این که هر چه جز او می‌خوانند، باطل باشد. و البته خداوند، او بلند مرتبه و بزرگ است.

٦٣ آیا نمی‌نگری که خداوند از آسمان آبی فرو فرستاد. پس زمین سبز می‌گردد. بی‌تردید خداوند لطیف و آگاه باشد.

٦٤ آن چه در آسمان‌ها و آن چه در زمین است، از آنِ او باشد. و بی‌تردید خداوند است که بی‌نیاز و ستوده است.

٦٥ آیا نمی‌نگری که خداوند آن چه را که در زمین است، برای شما رام کرد و کشتی‌ها به فرمانش در دریا می‌روند و آسمان را نگه می‌دارد تا بر زمین فرو نیفتد –مگر به فرمان او– بی‌گمان خداوند به مردم، رئوف (دارای رحم و شفقت) و مهربان است.

٦٦ و او کسی است که شما را زنده کرد. آن گاه شما را بمیراند. سپس شما را زنده کند. بی‌تردید انسان به راستی ناسپاس است.

٦٧ برای هر ملّتی روش عبادتی قرار دادیم، که آنان به آن [روش] عمل کنند. پس نباید در این امر با تو کشمکش کنند. و [مردم را] به سوی پروردگارت بخوان. بی‌تردید تو بر راهی راست هستی.

٦٨ واگر با تو کشمکش کنند، بگو: «خداوند به آن چه انجام می‌دهید، داناتر باشد.»

٦٩ خداوند روز قیامت میان شما در آن چه اختلاف می‌کردید، داوری خواهد کرد.

٧٠ آیا نمی‌دانی که خداوند آن چه را که در آسمان و زمین است، می‌داند؟ بی‌تردید آن [دانش] در کتابیست. بی‌گمان [دانستنِ] آن بر خداوند آسان باشد.

٧١ و [مردم] جز خداوند چیزی را عبادت می‌کنند که [خداوند] دلیلی محکم بر آن فرو نفرستاده است و به آن دانشی ندارند. و برای ستمگران هیچ یاوری نباشد.

٧٢ و آن گاه که آیات روشن ما بر آنان خوانده شود، در سیمای کسانی که کافر شدند، انکار و ناباوری را می‌بینی و می‌شناسی. نزدیک باشد بر کسانی که آیات ما را بر آنان می‌خوانند، حمله برند. بگو: «آیا شما را به بدتر از آن آگاه سازم؟ آتشی که خداوند آن را به کسانی که کافر شدند، وعده داد.» و چه بد سرانجام و مقصدی باشد.

۷۳ ای مردم، مَثَلی زده شد. به آن گوش کنید. بی‌تردید آنان که به غیر از خداوند می‌خوانید، هرگز نتوانند مگسی بیافرینند. هر چند که [همه] برای [آفرینشِ] آن گردِ هم آیند. و اگر مگس چیزی از آنان برباید، نمی‌توانند آن را از او بازگیرند. خواهنده (طالب) و خواسته شده (مطلوب) ناتوان باشند.

۷٤ قدرِ خداوند را آن گونه که شایسته‌اش می‌باشد، نشناختند. بی‌تردید خداوند توانای عزیز است.

۷۵ خداوند از فرشتگان و مردم فرستادگانی برمی‌گزیند. بی‌تردید خداوند شنوای بیناست.

۷٦ آن چه را که در مقابلشان و آن چه را که در پشت سرشان است، می‌داند. و کارها به سوی خداوند بازگردانده شود.

۷۷ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، رکوع کنید (سر تعظیم فرود آورید). و سجده کنید (سر تسلیم فرود آورید) و پروردگارتان را عبادت نمایید و کار نیک انجام دهید، شاید رستگار شوید.

۷۸ و در [راهِ] خداوند جهاد کنید، آن گونه که شایستهٔ جهاد [در راه] اوست. او شما را برگزید و در [کارِ] دین بر شما سختی قرار نداد. دینِ پدرتان «ابراهیم» [را بپادارید]. او از قبل شما را مسلمان نامید و در این [«قرآن»]، تا رسول بر شما گواه باشد و شما بر مردمان گواه باشید. پس نماز را بپا دارید و زکات بدهید و به [ایمان به] خداوند پنجه افکنید. او سرپرست شما باشد. چه سرپرست خوبی و چه خوب یاوری است.

مکّی سورهٔ مؤمنون (ایمان آورندگان)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ به یقین مؤمنان رستگار شدند.

۲ آنان که در نمازشان فروتن هستند.

۳ و آنان که از [کارِ] بیهوده روی‌گردانند.

٤ و آنان که زکات را [به مستحقان] می‌پردازند.

٥ و آنان که شرمگاه‌های خویش را حفظ می‌کنند؛

٦ جز در مورد همسران خود، یا آن کس که مالک آنند، که در آن صورت سرزنش نشوند.

۷ پس هر کس غیر از این جوید، پس آنان تجاوزگرند.

۸ و آنان که به امانات و پیمانشان وفا می‌کنند.

۹ و آنان که پاسدارِ نمازِ خویشند.

۱۰ اینان وارثانند.

۱۱ [وارثانی] که بهشت را به میراث برند. و خود در آن جاودانه‌اند.

۱۲ و به یقین انسان را از فشرده‌ای از گِل آفریدیم.

۱۳ سپس او را نطفه‌ای در جایگاهی استوار ساختیم.

١٤ آن گاه نطفه را خونِ بسته ساختیم. بعد خونِ بسته را پاره‌گوشتی کردیم. و از آن پاره‌گوشت، استخوان‌ها به وجود آوردیم. سپس آن استخوان‌ها را با گوشت پوشاندیم. آن گاه به آفرینشی دیگر او را دگربار آفریدیم. پس بزرگ و دارای خیر و برکت بسیار است «اللّه» که نیکوترینِ آفریدگاران است.

۱٥ سپس، بعد از آن شما بی‌تردید خواهید مُرد.

١٦ آن گاه روز قیامت شما بی‌تردید برانگیخته خواهید شد.

۱۷ و به یقین بر فراز شما هفت راه [آسمانی] آفریدیم. و ما [هرگز] از آفرینش بی‌خبر نیستیم.

۱۸ و از آسمان آبی به اندازه فرو فرستادیم. پس آن را در زمین جای دادیم و ما بر بردنِ آن توانااییم.

۱۹ پس به آن [آب] برای شما باغ‌هایی از خرما و انگور آفریدیم. در آن‌ها برای شما میوه‌های بسیار باشد. و از آن‌ها می‌خورید.

۲۰ و درختی که از «طور سینا» بیرون می‌آید، روغن به بار می‌آورد و برای خورندگان نانْ خورشی باشد.

۲۱ و بی‌تردید برای شما در [وجودِ] چهارپایان عبرتی و بینشی باشد. از آن چه در شکم‌های آنان است، شما را سیراب می‌کنیم. و در آن‌ها برای شما سودهای بسیار باشد و از آن‌ها می‌خورید.

۲۲ و بر آن‌ها (چهارپایان) و بر کشتی‌ها سوار می‌شوید.

۲۳ و به یقین «نوح» را به سوی قومش فرستادیم. پس گفت: «ای قوم من، خداوند را عبادت کنید. شما را جز او معبودی نباشد. پس آیا پرهیزکاری نمی‌کنید؟»

۲٤ پس سران کسانی که از قوم او کافر شدند، گفتند: «این («نوح») جز بشری مانند شما نباشد. می‌خواهد بر شما برتری جوید. و اگر خداوند می‌خواست، البته فرشتگانی فرو می‌فرستاد. ما در میان نیاکانمان چنین [چیزی] نشنیدیم.

۲۵ او («نوح») کسی نیست، مگر مردی که دیوانه است. پس در مورد او تا زمانی درنگ کنید (به او مهلت دهید).»

۲٦ [«نوح»] گفت: «پروردگارا، مرا به آن چه تکذیبم کردند، یاری ده.»

۲۷ پس به او وحی کردیم که با نظر ما و طبق وحی ما کشتی را بساز. و آن گاه که فرمان ما فرا رسد و تنور [آب] بجوشد، آن گاه از هر جفتی در آن [کشتی] دو تا و نیز خاندان خویش را داخل کن. مگر آن کس که از قبل سخن در مورد [هلاک] او رفته است و در مورد کسانی که ستم کردند، با من سخن مگوی. بی‌تردید آنان غرق می‌شوند.

٢٨ پس آن گاه که تو و هر که با تو است، بر کشتی قرار گرفتید، بگو: «سپاس و ستایش خدای راست که ما را از گروه ستمگران نجات بخشید.»

٢٩ و بگو: «پروردگارا، مرا به مکانی با برکت فرودآر و تو بهترین فرودآورندگان هستی.»

٣٠ بی‌تردید در این نشانه‌هایی باشد. و بی‌گمان ما [همواره] آزمایش‌کننده [مردم] هستیم.

٣١ سپس بعد از آنان گروهی دیگر آفریدیم.

٣٢ آن گاه در میان آنان پیامبری از خودشان فرستادیم، که: خداوند را عبادت کنید. برای شما جز او معبودی نباشد. پس آیا پرهیزکاری نمی‌کنید؟

٣٣ و سران قوم او، آنان که کفر ورزیدند و دیدار آخرت را دروغ پنداشتند و [ما] در زندگی دنیا به آنان گستردگیِ نعمت دادیم، گفتند: «این کسی نیست، مگر بشری مانندِ شما. می‌خورد از آن چه شما می‌خورید و می‌آشامد از آن چه شما می‌آشامید.

٣٤ و اگر شما از بشری مانندِ خودتان فرمان ببرید، بی‌تردید آن گاه شما زیانکار خواهید بود.

٣٥ آیا به شما وعده می‌دهد، که آن گاه که مردید و خاک و استخوان شدید، [از گور] بیرون آورده می‌شوید؟

٣٦ دور باشد! دور! آن چه وعده داده می‌شوید.

٣٧ ما را جز این زندگانیِ دنیا نباشد، که می‌میریم و زنده می‌شویم و برانگیخته نمی‌شویم.

٣٨ این کسی نیست، مگر مردی که به دروغ به خداوند افترا می‌بندد. و ما به او ایمان نمی‌آوریم.»

٣٩ گفت: «پروردگارا، مرا به آن چه تکذیبم کردند، یاری ده.»

٤٠ [خداوند] گفت: «پس از اندک زمانی البته پشیمان شوند.»

٤١ پس به حقْ خروشی آنان را گرفت و آنان را [به سانِ] خاشاک کردیم. و دوری باد [از رحمت خداوند] برای گروه ستمگران!

٤٢ سپس، بعد از آنان نسل‌های دیگری آفریدیم.

٤٣ هیچ ملّتی نه اجلش پیش افتد و نه تأخیر کنند.

٤٤ سپس پیامبرانِ خود را پیاپی فرستادیم. هر زمان که برای ملّتی رسولشان آمد، او را تکذیب کردند. پس آنان را به دنبال یکدیگر روانه کردیم. و [نابودیِ] آنان را داستان‌هایی [عبرت‌آمیز] قرار دادیم. پس دوری باد [از رحمت خداوند] برای قومی که ایمان نمی‌آورند!

٤٥ سپس «موسی» و برادرش «هارون» را با آیاتِ خود و گواهی محکم و آشکار فرستادیم،

٤٦ به سوی «فرعون» و سران او. پس [فرعونیان] تکبّر ورزیدند و قومی برتری‌خواه (جاه‌طلب) بودند.

٤٧ پس گفتند: «آیا به دو بشر مانند خودمان ایمان آوریم؟ حال آن که قومِ آنان بندگان ما هستند؟»

٤٨ پس [سخنانِ] آن دو را دروغ پنداشتند و از هلاک‌شدگان گردیدند.

٤٩ و به یقین به «موسی» «کتاب» («تورات») دادیم، شاید آنان هدایت یابند.

٥٠ و پسرِ «مریم» و مادرش را نشانه‌ای قرار دادیم. و آن دو را بر بلندی پناه دادیم، که آرامشی و آبی گوارا داشت.

٥١ ای پیامبران، از پاکیزه‌ها بخورید و نیکوکاری کنید. بی‌تردید من به آن چه می‌کنید، دانا هستم.

٥٢ و بی‌تردید این آیینِ شما آیینی یگانه است. و من پروردگارِ شما هستم، پس از [عذاب] من بیمناک باشید.

٥٣ آن گاه کار [دینِ] خویش را میانِ خود پراکنده ساختند (دچار تفرقه شدند). هر حزبی به آن چه دارد، شادمان است.

٥٤ پس بگذار تا مدتی در ناآگاهیشان بمانند.

٥٥ آیا گمان می‌برند که در اِمداد به آنان به مال و پسران

٥٦ در خوبی‌ها برایشان شتاب می‌کنیم؟ [نه] بلکه آنان درنمی‌یابند.

٥٧ بی‌تردید کسانی که از ترسِ پروردگارشان بیمناکند،

٥٨ و آنان که به آیات پروردگارشان ایمان دارند،

٥٩ وکسانی که به پروردگارشان شرک نمی‌آورند،

٦٠ و آنان که آن چه باید بدهند، می‌دهند در حالی که به دلیل این که به سوی پروردگارشان بازمی‌گردند، دل‌هایشان بیمناک است.

٦١ این گروه در نیکی‌ها شتاب می‌کنند و آنان به آن [نیکی‌ها] پیشی می‌گیرند.

٦٢ و بر هیچ کس (هیچ نَفْسی) جز به قدر توانایی‌اش تکلیف نکنیم. و نزد ما کتابی باشد که به حق سخن می‌گوید. و بر آنان ستم نشود.

٦٣ [نه] بلکه دل‌های آنان (ناباوران) از این [سخنان] در بی‌خبری است. و برای آنان جز این، کارهایی باشد که به آن عمل می‌کنند.

٦٤ تا آن زمان که هوسرانان [و تجمل‌گرایان] آنان را به عذاب گرفتار سازیم. آن گاه آنان به عجز فریاد برآورند.

٦٥ «امروز به عجز فریاد نکنید! بی‌تردید شما از سوی ما یاری نشوید.

٦٦ به راستی آیات من بر شما خوانده می‌شد. و شما به گذشته خویش باز می‌گشتید.

٦٧ به او (پیامبر) تکبر می‌ورزیدید و شبانگاه [در شب نشینی‌های خود] ناسزا می‌گفتید!»

٦٨ آیا در این سخن («قرآن») اندیشه نکرده‌اند؟ یا این که چیزی برای آنان آمد، که برای پدران پیشین آنان نیامده بود؟

٦٩ یا آنان پیامبرِ خویش را نشناخته‌اند، که او را انکار می‌کنند؟

٧٠ یا می‌گویند که او دیوانه است؟ [نه] بلکه برای آنان حق را آورده است و بیش‌ترِ آنان حق را زشت می‌دارند.

٧١ و اگر حق از هوس‌های آنان پیروی می‌کرد، البته آسمان‌ها و زمین و هر که در آن‌هاست، تباه می‌گردید. [نه] بلکه ذکرشان (به یادآورنده‌شان) را برای آنان آوردیم. و آنان از ذکر خود (به یادآورندهٔ خود) روی‌ْگردانند.

٧٢ یا از آنان مزدی می‌خواهی؟ پس مزدِ پروردگار تو بهتر باشد. و او بهترینِ روزی‌دهندگان است.

٧٣ و بی‌تردید تو آنان را به راه راست می‌خوانی.

٧٤ و به راستی آنان که به آخرت ایمان نمی‌آورند، بی‌تردید از راه [راست] کناره می‌گیرند.

۷۵ و اگر بر آنان رحمت می‌آوردیم و آن چه سختی بر آنان است، بر می‌داشتیم،
لجوجانه در سرکشیِ خویش کور و سرگردان می‌شدند.
۷٦ و به یقین ما آنان را به عذاب گرفتیم. پس برای پروردگارشان فروتن نشدند و زاری
ننمودند.
۷۷ تا آن گاه که برایشان درِ عذابی سخت را گشودیم. ناگاه آنان در آن نومید شدند.
۷۸ و اوست که برای شما گوش‌ها و چشم‌ها و دل‌ها آفرید. در حالی که شما اندکی
شکرش را به جا می‌آورید.
۷۹ و اوست که شما را در زمین آفرید. و به سوی او گردآوری خواهید شد.
۸۰ و اوست که زنده می‌کند و می‌میراند و پی در پیِ هم آمدنِ شب و روز از آنِ
[قدرت] اوست. پس آیا اندیشه و درک نمی‌کنید؟
۸۱ [نه] بلکه گفتند، مانند آن چه گذشتگان گفتند.
۸۲ گفتند: «آیا آن گاه که بمیریم و خاک و استخوان شویم، آیا [دگربار] برانگیخته
خواهیم شد؟
۸۳ به یقین این به ما و پدرانمان از قبل وعده داده شده بود. این [سخنان] غیر از
افسانه‌های پیشینیان نباشد.»
۸٤ بگو: «زمین و هر که در آنست، از آنِ چه کسی است، اگر می‌دانید؟»
۸۵ خواهند گفت: «از آنِ خداوند است.» بگو: «آیا پند نمی‌گیرید؟»
۸٦ بگو: «پروردگارِ آسمان‌های هفتگانه و پروردگارِ عرش عظیم کیست؟»
۸۷ خواهند گفت: «[همه] از آنِ خداوند است.» بگو: «آیا پرهیزکاری نمی‌کنید؟»
۸۸ بگو: «آن کیست که فرمانروایی همه چیز به دست اوست؟ و او پناه دهد و در مقابل،
پناهی نیست؟ اگر می‌دانید؟»
۸۹ خواهند گفت: «[فرمانروایی همه چیز] از آنِ خداوند است.» بگو: «پس چگونه
افسون [سخنان پوچ] می‌شوید؟»

۹۰ [نه] بلکه ما حق را برای آنان آوردیم. و بی‌تردید آنان دروغگو هستند.

۹۱ خداوند هیچ فرزندی نگرفته است و با او هیچ معبودی نباشد. [اگر چنین نبود] آن گاه هر معبودی آن چه آفریده بود، می‌برد. و البته برخی از آنان بر بعضی دیگر برتر می‌شدند. خداوند از آن چه وصف می‌کنند، پاک و منزّه است.

۹۲ دانای نهان و آشکار است. و برتر از آن چه شرک می‌آورند، می‌باشد.

۹۳ بگو: «پروردگارا، اگر آن چه را که به آنان وعده می‌شود، به من بنمایانی؛

۹٤ پروردگارا، پس مرا در زمرهٔ ستمگران قرار مده.»

۹۵ و بی‌تردید ما قادریم که آن چه را به آنان وعده می‌دهیم، به تو نشان دهیم.

۹٦ بدی را به نحوی نیکوتر [از خود] دور ساز. ما به آن چه وصف می‌کنند، داناتریم.

۹۷ و بگو: «پروردگارا، از وسوسه‌های شیطان‌ها به تو پناه می‌آورم.

۹۸ و پروردگارا، از این که [شیطان‌ها] نزدیکِ من شوند، به تو پناه می‌آورم.»

۹۹ تا هنگامی که برای یکی از آنان مرگ رسد. گوید: «پروردگارا، مرا [به دنیا] بازگردانید،

۱۰۰ شاید در آن چه واگذاشته‌ام، کارِ شایسته‌ای انجام دهم.» چنین نباشد! بی‌تردید این سخنی است که او می‌گوید و تا روزی که آنان را برانگیزند، از پشت سر آنان برزخی (دیواری) باشد.

۱۰۱ پس آن گاه که در صور دمیده شود، آن روز میان آنان [دیگر] خویشاوندی نباشد و از یکدیگر پرسشی نکنند.

۱۰۲ پس هر کس که ترازویش (خوبی‌اش) سنگین باشد، پس آنان رستگارند.

۱۰۳ و هر کس که ترازویش (خوبی‌اش) سبک باشد، پس آنان کسانی باشند که به نَفْسِ خود زیان زدند. آنان در دوزخ جاودانه‌اند.

۱۰٤ آتشْ سیماهای آنان را بسوزاند و آنان در آن (دوزخ) چهره سوخته و در هم کشیده دارند.

۱۰۵ [به آنان گفته شود:] «آیا آیات من بر شما خوانده نمی‌شد؟ و شما آن را دروغ می‌پنداشتید.»

۱۰٦ گویند: «پروردگارا، نگونبختیِ ما بر ما چیره شد و ما گروهی گمراه بودیم.

۱۰۷ پروردگارا، ما را از آن (آتش) بیرون بیاور. پس اگر [به کفر] بازگردیم، آن گاه البته ستمکار باشیم.»

۱۰۸ [خداوند گوید:] «در دوزخ خوار و پست بمانید. و با من سخن مگویید!»

۱۰۹ بی‌تردید گروهی از بندگان من بودند که می‌گفتند: «پروردگارا، ایمان آوردیم. پس ما را بیامرز و بر ما رحمت‌آور. و تو بهترین بخشندگانی.»

۱۱۰ پس شما آنان را به استهزا گرفتید. تا یادِ مرا از خاطر شما بردند. و شما به آنان می‌خندیدید.

۱۱۱ بی‌تردید من امروز به دلیل آن شکیبایی که داشتند، به آنان پاداش دادم. به راستی آنان رستگارند.

۱۱۲ [خداوند] گوید: «به شمارِ سال‌ها[ی دنیایی] چه مدت در زمین درنگ کردید؟»

۱۱۳ گویند: «یک روز یا قسمتی از یک روز ماندیم. پس از شمارشگران بپرس.»

۱۱٤ [خداوند] گوید: «جز اندکی درنگ نکردید (نماندید)، اگر می‌دانستید.»

۱۱۵ آیا گمان برده‌اید که شما را بیهوده آفریدیم و این که شما به سوی ما بازگردانده نشوید؟

۱۱٦ پس «اللّه»، فرمانروای حق، بلند مرتبه و برتر باشد. جز او معبودی نباشد. پروردگار عرش کریم [فرمانروای مطلق] است.

۱۱۷ و هر کس با خداوند، معبود دیگری بخواند، به آن برای او هیچ گواهی (دلیلی) نباشد. جز این نیست که حسابِ او نزد پروردگارش باشد. بی‌تردید کافران رستگار نمی‌شوند.

۱۱۸ و بگو: «پروردگارا، بیامرز و ببخشای. و تو بهترینِ بخشندگانی.»

مدنی　　　سورهٔ نور

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ [این] سوره‌ای است که نازل کردیم و [اجرای احکام] آن را واجب کردیم. و در آن آیاتِ روشن فرو فرستادیم، شاید شما پند گیرید.

۲ پس هر یک از زنِ زناکار و مردِ زناکار را صد تازیانه بزنید. و شما در دین [و اجرای حکمِ] خداوند بر آن دو [رحم و] رأفتی نکنید، اگر به خداوند و روز قیامت ایمان آورده‌اید. و باید در عذاب آن دو گروهی از مؤمنان شاهد باشند.

۳ مردِ زناکار جز با زنِ زناکار یا زنِ مشرک ازدواج نکند. و با زنِ زناکار جز مردی زناکار یا مشرک ازدواج نکند. و این [ازدواج] بر مؤمنان حرام شده است.

٤ و آنان که زنانِ پاکدامن را متهم [به زنا] کنند، سپس چهار گواه نیاورند، به آنان هشتاد [ضربه] تازیانه بزنید و هرگز گواهیِ آنان را نپذیرید. و آنان خود فاسق (نافرمان) باشند.

٥ مگر کسانی که بعد از آن توبه کردند و [بدی را به نیکی] اصلاح کردند. پس بی‌تردید خداوند آمرزگار مهربان است.

٦ و آنان که زنِ خود را متهم [به زنا] کنند و برای آنان گواهانی جز خودشان نباشد، پس شهادتِ یکی‌شان اینست که چهار مرتبه خداوند را شاهد بگیرد که از راستگویان است.

۷ و پنجمین مرتبه این که [گوید]: لعنتِ خداوند بر او اگر از دروغگویان باشد.

۸ و عذابِ مقرّر برای زنا از زن برداشته می‌شود اگر او چهار مرتبه خداوند را شاهد بگیرد که آن مرد (شوهرش) از دروغگویان است،

۹ و در پنجمین مرتبه [آن زن باید بگوید] که: خشمِ خداوند بر او (آن زن) باشد اگر او (شوهرش) از راستگویان باشد.

۱۰ و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود [هلاک می‌شدید]. و خداوند توبه‌پذیرِ حکیم است.

۱۱ بی‌تردید آنان که [چنین] تهمتی آوردند، گروهی از شما هستند. آن را برای خود شرّی نپندارید. بلکه آن برای شما خیری باشد. برای هر مردی از آنان گناهی باشد، که کسب کرده است و از [میانِ] آنان آن کس که بخشِ بزرگی از آن [گناه] را به عهده گرفت، برایش عذابی عظیم باشد.

۱۲ چرا آن گاه که آن را شنیدید، مردانِ مؤمن و زنانِ مؤمن به خود گمانِ خِیر نبردند و نگفتند: «این تهمتی آشکار است»؟

۱۳ چرا بر آن [تهمت] چهار گواه نیاوردند؟ پس چون گواهان را نیاوردند، آنان خود نزد پروردگارشان دروغگو هستند.

١٤ و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود، به خاطر چیزی که به آن وارد شدید، در دنیا و آخرت به شما عذابی عظیم می‌رسید.

۱٥ آن گاه که آن را به زبانتان می‌آوردید، و چیزی را به زبان می‌آوردید که به آن آگاهی و دانش نداشتید و آن را آسان می‌پنداشتید. [حال آن که] آن [تهمت] نزد خداوند [بس] عظیم بود.

١٦ و آن گاه که آن را شنیدید، چرا نگفتید: «برای ما [درست] نباشد که این سخن را بگوییم. پاکی توراست. این تهمتی عظیم است.»

۱۷ خداوند شما را پند می‌دهد، مبادا هرگز به مانندِ آن [سخن] بازگردید، اگر مؤمن هستید.

۱۸ و خداوند آیات را برای شما به روشنی بیان می‌کند. و خداوند دانای حکیم است.

۱۹ بی‌تردید آنان که دوست دارند که در میانِ کسانی که ایمان آوردند، فحشا شایع شود، برای آنان در دنیا و آخرت عذابی دردناک باشد. و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید.

۲۰ و اگر فضل و رحمتِ خداوند بر شما نبود [هلاک می‌شدید]. و به راستی خداوند رئوف (دارای رحم و شفقت) و مهربان است.

۲۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از گام‌های شیطان پیروی نکنید. و هر کس از گام‌های شیطان پیروی کند، بی‌تردید او (شیطان) به فحشا و [کار] ناپسند امر می‌کند. و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود، هرگز کسی از شما پاک نمی‌شد. و لیکن خداوند هر کس را که بخواهد، پاک می‌گرداند. و خداوند شنوای داناست.

۲۲ و نباید توانگران (صاحبان فضل و کرم) و [دست] فراخانِ شما در [حق] دادن به خویشاوندان و مسکینان و هجرت‌کنندگانِ در راه خداوند کوتاهی کنند. و باید [خطاهای دیگران را] عفو کنند و درگذرند. آیا دوست ندارید که خداوند شما را بیامرزد؟ و خداوند آمرزگار مهربان است.

۲۳ بی‌تردید کسانی که به زنانِ شوهردارِ پاکدامنِ غافل و مؤمن نسبت زنا می‌دهند، در دنیا و آخرت لعنت شوند. و برای آنان عذابی عظیم باشد.

۲٤ روزی که زبان‌هایشان و دستانشان و پاهایشان به آن چه می‌کردند، بر [ضد] آنان گواهی دهند.

۲۵ آن روز خداوند جزای آنان را -که سزاوارش هستند- تمام بدهد و بدانند که خداوند است که حق آشکار است.

۲٦ زنانِ پلید برای مردانِ پلید، و مردانِ پلید برای زنانِ پلید باشند. و زنانِ پاک برای مردانِ پاک، و مردانِ پاک برای زنانِ پاک باشند. آنان (زنان و مردانِ پاک) از آن چه در مورد آنان [سخنانِ ناپاک] می‌گویند، بیزار [و بر کنار] باشند. برای آنان آمرزشی و رزقی کریم و ارجمند باشد.

۲۷ ای‌کسانی که ایمان آورده‌اید، به خانه‌های دیگر غیر از خانه‌های خود داخل نشوید، تا این که اجازه خواهید. و بر اهلِ آن [خانه] سلام کنید. این کار برای شما نیکوتر باشد. شاید پند گیرید.

۲۸ پس اگر در آن خانه‌ها کسی را نیافتید، داخلِ آن‌ها نشوید، تا این که به شما اجازه [ورود] داده شود. و اگر به شما گفته شود «بازگردید» شما بازگردید. آن برای شما پاکیزه‌تر باشد. و خداوند به آن چه می‌کنید، داناست.

۲۹ بر شما گناهی نباشد که به خانه‌های غیر مسکونْ داخل شوید، که در آن‌ها برای شما بهره‌مندی باشد. و خداوند آن چه را که آشکار می‌کنید و آن چه را که پنهان می‌دارید، می‌داند.

۳۰ به مؤمنان بگو که چشمانِ خویش را [از حرام‌نگری] بپوشند و شرمگاه‌های خویش را [از زناکاری] نگه دارند. این شیوه برای آنان پاکیزه‌تر باشد. بی‌تردید خداوند به آن چه می‌کنند، آگاه است.

۳۱ و به زنانِ مؤمن بگو که چشمانِ خویش را [از حرام‌نگری] بپوشند و شرمگاه‌های خویش را [از زناکاری] نگه دارند و زینتِ خویش را آشکار نسازند، جز آن چه از آن نمایان است. و باید روسری (مقنعه)های خود را بر گریبان‌هایشان بیفکنند. و آرایشِ خویش را نمایان نسازند، مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدرانِ شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسرانِ شوهرانشان، یا برادرانشان، یا پسرانِ برادرانشان، یا پسرانِ خواهرانشان یا زنانشان (همجنسان خودشان)، یا کسانی که مالک آنان هستند، یا مردان –تابعی که بی‌نیاز از زن هستند (خواجه‌ها)–، یا کودکانی که بر [اثر شهوانیِ] شرمگاه‌های زنان آگاه نشده‌اند. و [زنان] نباید چنان پاهای خویش را به زمین بزنند، که آن چه زینتِ پنهانی دارند، آشکار شود. و همه، ای گروه مؤمنان، به سوی خداوند توبه کنید. شاید رستگار شوید.

۳۲ و مردانِ بی‌همسر و زنانِ بی‌شوهرِ خود و بندگان و کنیزانِ نیکوکارِ خود را به عقدِ
زناشویی درآورید. اگر فقیر باشند، خداوند از فضلِ خویشْ آنان را غنی و بی‌نیاز
گرداند. و خداوند گشایشگر داناست.

۳۳ و کسانی که [همسری] برای ازدواج نیابند، باید عفت ورزند (خویشتن‌داری کنند)
تا خداوند آنان را از فضل خویش بی‌نیاز گرداند. و از آنان که شما صاحب
اختیارشان هستید (بردگان)، کسانی که تقاضای قرارداد [برای آزادی] کنند، پس اگر
بدانید خیری در آنان است، قراردادشان را بنویسید و از ثروت خداوند که به شما
داد، به آنان بدهید. و کنیزان خویش را اگر خویشتنداری می‌جویند، برای کسب
ثروت دنیا به روسپیگری مجبور نکنید. و آن کس که آنان را [به روسپیگری] مجبور
کند، بی‌تردید پس از مجبور شدنِ آنان خداوند آمرزگار مهربان است.

۳٤ و به یقین به سوی شما آیاتِ روشن («قرآن») را فرو فرستادیم و مَثَل[هایی] از
کسانی که پیش از شما [آمدند و] رفتند [زدیم] و پندی برای پرهیزکاران [فرو
فرستادیم].

۳٥ خداوند نور آسمان‌ها و زمین است. مَثَلِ نور او همچون چراغدانی باشد که در آن
چراغی است، که آن چراغ در بلوری، و آن بلور مانند ستاره‌ای است تابان که از
درختِ با برکتِ زیتون برافروخته می‌گردد، که نه خاوری و نه باختری است.
نزدیک است که روغنش روشنایی بخشد، هر چند که آتشی به آن نرسیده باشد. [پی
در پی] نوری بر نوری است. خداوند به نور خویش هر کس را که خواهد، هدایت
کند. و خداوند برای مردم مَثَل‌ها می‌زند. و خداوند به هر چیزی داناست.

۳٦ [این نور] در خانه‌هایی است که خداوند اجازه داد تا بلندپایه شود و در آن‌ها نام او
یاد شود. در آن‌ها بامداد و شبانگاه او را تسبیح گویند.

۳۷ مردانی که بازرگانی و سوداگری آنان را از یاد خداوند و بپا داشتن نماز و دادن زکات [غافل و] سرگرم نسازد. [آنان] از روزی می‌ترسند که در آن دل‌ها و دیده‌ها منقلب و پریشان گردد.

۳۸ تا خداوند بر پایهٔ نیکوترینِ آن چه کردند، پاداششان دهد و از فضل خویش بر آنان بیفزاید. و خداوند به هر کس که خواهد، بی‌حساب روزی دهد.

۳۹ و کسانی که کافر شدند، کردارشان مانند سرابی در خشکزاری است، که تشنه، آن را آب می‌پندارد. تا آن گاه که به سویش آید، هیچ نیابد. و خداوند را نزد خویش بیابد. پس [خداوند] حساب او را به وی تمام دهد. و خداوند شتابنده در حساب است.

٤٠ یا [کردارشان] مانند تاریکی‌هایی در دریایی ژرفناک است. آن را موجی می‌پوشاند، که از فرازِ آن موجی [دیگر] باشد و بالای آن ابری است. تاریکی‌هایی که بر فراز یکدیگر است. آن گاه که دستِ خویش را بیرون آورد، آن را نتواند دید. و هر کس خداوند برایش نوری قرار نداد، برایش هیچ روشنایی نیست.

٤١ آیا ندیده‌ای که هر که در آسمان‌ها و زمین است و پرندگانِ بالْ گسترده خداوند را تسبیح می‌کنند و همه به یقین نماز و تسبیحِ خود را می‌دانند. و خداوند به آن چه انجام می‌دهند، داناست.

٤٢ و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آنِ خداوند باشد و بازگشت به سوی خداوند است.

٤٣ آیا ندیده‌ای که خداوند ابرها را حرکت می‌دهد، آن گاه آن را جمع می‌کند. سپس آن را متراکم می‌گرداند. پس باران را می‌بینی، که از میانِ آن [ابر] بیرون آید. و از آسمان، از کوه‌هایی [از انبوهِ ابرهای منجمد] که در آن است، تگرگی فرو می‌فرستد و آن را به هر کس که خواهد، می‌رساند و از هر کس که خواهد، آن را می‌گرداند. نزدیک است که روشناییِ برقِ آن، بینایی چشم‌ها را ببرد.

٤٤ خداوندْ شب و روز را [به دنبال یکدیگر] می‌گرداند. بی‌تردید در آن بینش و عبرتی برای صاحبان بصیرت است.

٤٥ و خداوند هر جنبنده‌ای را از آب آفرید. آن گاه بعضی از آن‌ها بر شکم خود راه می‌روند و برخی بر دو پا راه می‌روند و تعدادی از آن‌ها بر چهار پا راه می‌روند. خداوند هر چه خواهد، می‌آفریند. بی‌تردید خداوند بر همه چیز تواناست.

٤٦ به یقین ما آیاتی روشنگر فرو فرستادیم. و خداوند هر کس را بخواهد، به راه راست هدایت می‌کند.

٤٧ و می‌گویند: «به خداوند و پیامبر ایمان آوردیم و مطیعِ فرمان شدیم.» سپس گروهی از آنان پشت می‌کنند و آن گروه مؤمن نیستند.

٤٨ و آن گاه که به سوی خداوند و پیامبرش خوانده شوند، تا میان آنان داوری کند، ناگاه گروهی از آنان رویْ‌گردان می‌شوند.

٤٩ و اگر حق با آنان باشد، سر سپرده به سویش می‌آیند.

٥٠ آیا در دل‌هایشان بیماری است؟ یا تردید دارند؟ یا بیمناکند که خداوند بر آنان ستم کند، و پیامبرش [نیز]؟ [نه] بلکه آنانند که خود ستمکارند.

٥١ سخن مؤمنان –زمانی که به سوی خداوند و پیامبرش خوانده می‌شوند تا در میان آنان داوری کند– جز این نباشد که گویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم.» و آن گروه رستگارند.

٥٢ و هر کس از خداوند و پیامبرش فرمان ببرد و از خداوند بیمناک باشد و از [نافرمانی از] او بپرهیزد، آنان خود کامیابند.

٥٣ و [گروهِ کم ایمان] به خداوند سوگند یاد کردند. با سخت‌ترین سوگندهایشان، که اگر به آنان دستور دهی [برای جهاد] البته بیرون روند. بگو: «سوگند یاد نکنید. [بلکه] اطاعتِ شایسته‌ای [نشان دهید].» بی‌تردید خداوند به آن چه می‌کنید، آگاه است.

٥٤ بگو: از خداوند اطاعت کنید و از پیامبرش فرمانبرداری کنید. پس اگر پشت کردید، جز این نباشد که آن چه [از تکلیف] بر وی (پیامبر) نهاده‌اند، بر اوست و آن چه بر شما [وظیفه] نهاده‌اند، بر شما می‌باشد. و اگر از او فرمان ببرید، هدایت می‌شوید. و بر پیامبر جز رساندنِ [پیامِ] آشکار نباشد.

٥٥ خداوند به آن کسانی از شما که ایمان آوردند و نیکوکاری کردند، وعده داد که البته آنان را در زمین جانشین کند. همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین کرد. و البته دینشان را که بر آنان پسندید [در این دنیا] برای آنان قدرتمندی [و گسترش] دهد و ترسِ آنان را به ایمنی و آرامش تبدیل کند. [آنان تنها] مرا عبادت می‌کنند. [و] به من شرک نمی‌آورند. و کسی که پس از این کافر شد، پس آنان نافرمان باشند.

٥٦ و نماز را بپا دارید و زکات دهید و از پیامبر فرمانبرداری کنید. شاید مورد رحمت [خداوند] قرار گیرید.

٥٧ گمان نکن کسانی که کافر شدند، در زمینْ [خداوند را] عاجز می‌کنند (مپندار که از عذاب خداوند گریزی دارند). و جایگاهشان آتش باشد. و البته بد سرانجام و مقصدی باشد.

٥٨ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، باید آنان که شما صاحب اختیارشان هستید و کسانی از شما که به بلوغ (به حد احتلام) نرسیده‌اند، در سه هنگام: پیش از نماز صبح، و نیمروز آن گاه که جامه‌های خویش را درمی‌آورید، و پس از نماز شام برای ورود به اتاقِ آسایشِ شما از شما اجازه بگیرند. این سه هنگام ناپوشیدگیِ شما باشد. پس از این [سه هنگام] دیگر بر شما و آنان گناهی نباشد که نزدِ یکدیگر بروید و بیایید. بدینسان خداوند آیات خویش را برای شما به روشنی بیان می‌دارد. و خداوند دانای حکیم است.

٥٩ و آن گاه که کودکان شما به بلوغ (حد احتلام) رسیدند، [برای ورود به اتاق شما] باید اجازه خواهند. همان گونه که کسانی که پیش از آنان بودند، اجازه می‌خواستند. بدینسان خداوند آیات خویش را برای شما به روشنی بیان می‌دارد. و خداوند دانای حکیم است.

٦٠ و زنانِ بازنشسته‌ای که امیدِ آمیزش [و ازدواج] ندارند، بر آنان گناهی نباشد که جامه‌های خویش را فرو گذارند. نه که آرایش و زینت خویش را نمایان سازند. و اگر خویشتنداری و عفت ورزند، برای آنان بهتر باشد. و خداوند شنوای داناست.

٦١ بر نابینا و بر لنگ و بر بیمار و بر خودِ شما گناهی نباشد که از [خوراک] خانه‌های خود یا خانه‌های پدرانتان یا خانه‌های مادرانتان، یا خانه‌های برادرانتان، یا خانه‌های خواهرانتان، یا خانه‌های عموهایتان، یا خانه‌های عمه‌هایتان، یا خانه‌های دایی‌هایتان، یا خانه‌های خاله‌هایتان، یا آن [خانه‌هایی] که کلیدهای آن‌ها به دست شماست، یا [خانهٔ] دوستتان بخورید. بر شما گناهی نباشد که با هم یا جداگانه بخورید. پس آن گاه که به خانه‌ها داخل می‌شوید، بر خودتان (یکدیگر) سلام کنید. [سلام] درودی از نزد خداوند است، که مبارک و فرخنده (دارای خیر و برکت) و پاکیزه می‌باشد. خداوند بدینسان آیات خویش را بر شما به روشنی بیان می‌دارد، شاید شما اندیشه و درک کنید.

٦٢ جز این نباشد که مؤمنان کسانی هستند که به خداوند و پیامبرش ایمان آوردند. و آن گاه که با او (پیامبر) بر سر کاری گردِ هم آیند [به میل خود] پراکنده نگردند، مگر این که از او (پیامبر) اجازه گیرند. بی‌تردید آنان که از تو اجازه خواهند، کسانی هستند که به خداوند و پیامبر او ایمان دارند. پس آن گاه که از تو برای برخی از کارهایشان اجازه خواستند، از [میانِ] آنان به آن کس که خواهی، اجازهٔ [رفتن] بده. و از خداوند برای آنان آمرزش بخواه. بی‌گمان خداوند آمرزگار مهربان است.

٦٣ فراخوانیِ پیامبر را در بین خود مانند فراخوانیِ یکدیگر قرار مدهید. بی‌تردید خداوند کسانی از شما را می‌شناسد، که پنهانی می‌خزند [و می‌روند]. پس آنان که از دستورِ او (پیامبر) سرپیچی می‌کنند، باید از بلا یا عذابی دردناک که به آنان می‌رسد، بترسند.

٦٤ بدانید که بی‌تردید آن چه در آسمان‌ها و زمین است، از آنِ خداوند باشد. بی‌گمان خداوند آن چه را که شما بر آن هستید، می‌داند. و روزی که به سویش بازگردانده شوند [خداوند] آنان را به آن چه می‌کردند، خبر دهد. و خداوند به هر چیزی داناست.

سورهٔ فرقان («قرآن»، تمیز دهندهٔ راست و ناراست) مکّی

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ بسیار با برکت و بزرگوار آن کس (خداوندی) است که «فرقان» («قرآن») را بر بندهٔ خویش فرو فرستاد، تا بیم‌دهنده‌ای برای جهانیان باشد.

۲ آن کس که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آنِ اوست و فرزندی نگرفت. و در فرمانروایی برای او شریکی نباشد. و هر چیزی را او آفرید. پس به اندازه‌ای آن را تقدیر کرد.

۳ و [مشرکان] غیر از او معبودانی گرفتند، که [آن معبودان] چیزی نمی‌آفرینند. و خود آفریده می‌شوند و برای خود نه زیانی دارند و نه سودی. و مالکِ نه مرگی و نه زندگی‌ای و نه برانگیختنی هستند.

٤ و کسانی که کافر شدند، گفتند: «این («قرآن») چیزی نیست، مگر دروغی که او («محمّد») ساخته است و گروهی دیگر بر آن [دروغپردازی] به او یاری کرده‌اند.» پس به یقین [کافران] ستم و دروغ آوردند.

۵ و گفتند: «[«قرآن»] افسانه‌های پیشینیان باشد که [پیامبر] آن‌ها را داده نوشته‌اند، پس آن‌ها بامداد و شامگاه بر او املاء می‌شود.»

٦ بگو: «آن را کسی فرو فرستاد، که غیبِ آسمان‌ها و زمین را می‌داند.» بی‌تردید او آمرزگار مهربان است.

۷ و گفتند: «این، چه پیامبری است که خوراک می‌خورد و در بازارها [راه] می‌رود؟ چرا به سویش فرشته‌ای فرو فرستاده نشد، که با او بیم‌دهنده‌ای باشد؟

۸ یا [چرا] به سوی او گنجی افکنده نمی‌شود؟ یا [چرا] برایش بوستانی نیست، که از [میوه‌ها و ثمراتِ] آن بخورد.» و ستمکاران گفتند: «شما جز از مردی جادو شده پیروی نمی‌کنید.»

۹ نگاه کن که چگونه برایت مَثَل‌ها زدند. پس گمراه شدند و نمی‌توانند راهی [راست برای خود] بیابند.

۱۰ بسیار با برکت و بزرگوار است آن کس که اگر خواهد، برایت بهتر از این قرار دهد. باغ‌هایی که از زیرِ آن‌ها جویبارها جاری است و برای تو کاخ‌ها قرار دهد.

۱۱ [نه] بلکه آن‌ها قیامت را تکذیب کردند و برای کسی که قیامت را تکذیب کرد، آتشی سوزان آماده کرده‌ایم.

۱۲ آن گاه که [آتش،] آنان را از جایگاهی دور ببیند، آنان [صدای] خشم و خروش آن (آتش) را بشنوند.

۱۳ و آن گاه در حالی که با زنجیر به هم بسته شده‌اند، به جایگاهی تنگ در آن افکنده شوند. در آن جا فریاد برآورند و هلاکت را بخوانند.

١٤ [به آنان گفته شود:] امروز هلاکتِ یک بار را طلب نکنید! بلکه هلاکتِ بسیار را بخوانید.

۱۵ بگو: «آیا این (آتش) بهتر است، یا بهشت جاویدانی که به پرهیزکاران وعده داده شده که آن برایشان پاداش و سرانجام و مقصد است؟»

١٦ در آن (بهشت) آن چه خواهند، جاودانه باشد. این وعده بر پروردگار توست، که بی‌تردید به آن وفا می‌شود.

۱۷ و روزی که [خداوند] آنان را و آن چه را که غیر از خداوند عبادت می‌کنند، برانگیزد، پس گوید: «آیا شما این بندگان مرا گمراه کردید، یا این که آنان [خودشان] راه را گم کردند؟»

۱۸ گویند: «تو پاک و منزّه باشی. شایسته نبود که ما غیر از تو اولیایی برگیریم. و لیکن آنان و پدرانشان را کامیابی دادی، تا این که [خداوند و روز قیامت را] از یاد بردند و قومی بودند که هلاک شدند.»

۱۹ [به مشرکان گفته می‌شود:] «و به یقین آنان (معبودان دروغین شما) سخنان شما را تکذیب کردند. پس نه می‌توانید [عذاب را] دور سازید و نه [خود را] یاری دهید.» و از شما هر کس ستم کند، او را عذابی بزرگ بچشانیم.

۲۰ و پیش از تو پیامبرانی نفرستادیم، مگر این که آنان [مثل همه] خوراک می‌خوردند و در بازارها راه می‌رفتند. و بعضی از شما را بر برخی دیگر بیازمودیم، که آیا شکیبایی می‌کنید؟ و پروردگار تو بیناست.

۲۱ و آنان که به دیدارِ ما امید ندارند، گفتند: «چرا بر ما فرشتگانی فرو فرستاده نشد؟ یا چرا پروردگارمان را نمی‌بینیم؟» به یقین در نَفْسِ خود تکبّر ورزیدند و سرکشی نمودند، سرکشیِ بزرگی.

۲۲ روزی که فرشتگان را ببینند، در آن روز برای گنهکاران مژده‌ای نباشد. و گویند: «[رحمت الهی و بهشت] دور و ممنوع است.»

۲۳ و آن گاه که به هر کاری که آنان کردند، بپردازیم و آن را [مانندِ] گَردی پراکنده گردانیم.

۲٤ بهشتیان را در آن روز، بهترین جایگاه و نیکوترین آسودگاه باشد.

۲۵ و روزی که آسمان به ابرها شکافته شود و فرشتگان به راه و شیوه‌ای خاص فرود آورده شوند.

۲٦ در آن روز فرمانروایی، [فرمانرواییِ] حق و از آنِ [خداوندِ] بخشنده است. و بر کافران روزی سخت باشد.

۲۷ و روزی که ستمگر دو دست خویش را می‌گزد و می‌گوید: «کاش راهی با پیامبر در پیش می‌گرفتم!

۲۸ ای وای بر من! کاش من فلان [شخص] را دوست نمی‌گرفتم!

۲۹ به یقین او مرا از یاد [خداوند] –پس از آن که [کتابش] به من رسید– گمراه کرد.» و شیطان انسان را خوار سازد.

۳۰ و پیامبر گفت: «ای پروردگار من، بی‌گمان قوم من این «قرآن» را ترک شده گذاشتند.»

۳۱ و بدینسان برای هر پیامبری دشمنی از گناهکاران قرار دادیم و پروردگار تو کافی است که هدایت کننده و یاور باشد.

۳۲ و کسانی که کافر شدند، گفتند: «چرا «قرآن» یکباره بر او (پیامبر) فرو فرستاده نشد؟» این چنین کنیم، تا قلب تو را به آن نیرو دهیم. و آن را به تدریج فرو فرستادیم.

۳۳ و [کافران] هیچ مَثَلی برایت نیاورند، مگر این که ما [پاسخ] حق را برای تو با تفسیر بهتر بیاوریم.

۳٤ کسانی که بر چهره‌های خویش (سرافکنده و خوار) به سوی دوزخ برانگیخته شوند. آنان در جایگاهِ بدتر و از راه [راست] گمراه‌تر باشند.

۳۵ و به راستی ما به «موسی»، «کتاب» دادیم و برادرش «هارون» را وزیر [و یاور] او کردیم.

۳٦ پس [به آن دو] گفتیم: «به سوی قومی بروید، که آیات ما را دروغ پنداشتند.» و آن قوم را هلاک کردیم، هلاک کردنی خاص.

۳۷ و قوم «نوح»، آن گاه که پیامبران را تکذیب کردند، آنان را غرق کردیم. و آنان را برای مردم نشانه‌ای قرار دادیم و برای ستمگران عذابی دردناک آماده ساختیم.

۳۸ و «عاد» و «ثمود» و یاران «رَس» و نسل‌های بسیار میان آن‌ها را [هلاک ساختیم].

۳۹ و برای همه [ملّت‌ها] مَثَل زدیم و همه را هلاک گردانیدیم، هلاکتی [خاص].

٤۰ و به راستی [این مردم «مکّه»] به شهری رسیدند، که بارانی بد بر آن باریده بود. آیا آن را نمی‌دیدند؟ [نه] بلکه [آنان] برانگیخته شدن را امید [و باور] نداشتند.

٤۱ و آن گاه که تو را ببینند، جز به استهزا نگیرندت. [و گویند:] «آیا این همان کسی است که خداوند او را به پیامبری برانگیخت؟»

٤۲ [و گویند:] «اگر بر [پرستشِ] آن‌ها شکیبا نبودیم، نزدیک بود ما را از معبودانمان گمراه سازد.» و به زودی آن گاه که عذاب را ببینند، بدانند که چه کسی از راه [راست] گمراه‌تر است.

٤۳ آیا آن کس را دیده‌ای، که هوس خویش را معبود خویش گرفت (بندهٔ هوس خویشتن است)؟ پس آیا تو وکیلِ او خواهی بود؟

٤٤ آیا می‌پنداری که بیش‌ترِ آنان می‌شنوند یا می‌فهمند؟ جز این نباشد که آنان مانندِ چهارپایان هستند. [نه] بلکه آنان گمراه‌تر هستند.

٤٥ آیا ندیده‌ای که چگونه پروردگارت سایه را بگسترانید و اگر می‌خواست، البته آن را ساکن قرار می‌داد. آن گاه آفتاب را بر آن راهنما و دلیل قرار دادیم.

٤٦ سپس آن (سایه) را به سوی خویش گیریم، گرفتنی آسان.

٤٧ و او کسی است که شب را برای شما پوششی، و خواب را آسایشی، و روز را رستاخیزی [برای برخاستن] قرار داد.

٤٨ و او کسی است که بادها را پیشاپیشِ رحمتِ خویش بشارتگر [باران] فرستاد. و از آسمان آبی پاک و پاکساز فرو فرستادیم.

٤٩ تا زمینِ مُرده را به آن زنده کنیم. و از آن چهارپایان و مردمانِ بسیاری را –که آفریده‌ایم– [آب] بنوشانیم.

٥٠ و به یقین آن را میان آنان گردانیدیم، تا پند گیرند. و بیش‌ترِ مردم جز کفر را نخواستند و نپذیرفتند.

٥١ و اگر می‌خواستیم، البته در هر شهری بیم‌دهنده‌ای بر می‌انگیختیم.

٥٢ پس، از کافران اطاعت مکن و با آن (طبق موازین «قرآن») با آنان جهاد کن، جهادی بزرگ.

٥٣ و اوست آن کس که دو دریا را کنار هم قرار داد، این یکی گوارا و پاکیزه و آن یکی نمکی و بدمزه (شور). و میانِ آن دو مانعی (حدّ فاصلی) قرار داد. جداکننده‌ای پایدار.

٥٤ و اوست آن کس که بشر را از آب آفرید. پس برای او تباری و پیوندی قرار داد. و پروردگارِ تو تواناست.

٥٥ و [کافران و مشرکان] جز خداوند چیزی را عبادت می‌کنند، که به آنان نه سودی و نه زیانی رساند. و کافر علیه پروردگارش پشتیبان باشد.

٥٦ و ما تو را جز برای مژده‌بخشی و بیم‌دادن نفرستادیم.

٥٧ بگو: «برای این (رسالت و پیامبری خود) از شما مزدی نمی‌خواهم، جز این که کسی که بخواهد، راهی به سوی پروردگارش در پیش گیرد.»

٥٨ و تو بر آن زنده‌ای توکّل کن، که [هرگز] نمی‌میرد و او را به پاکی ستایش کن. و او کافی است که به گناهانِ بندگانش آگاه باشد.

٥٩ آن کس که آسمان‌ها و زمین و آن چه را که میان آن دو است، در شش روز (دوره) آفرید. سپس بر عرش مستولی شد. [خداوندِ] بخشنده. پس [حقیقت را] در مورد او از چنین کسی (خداوند) بپرس، که او خبیر است.

٦٠ و آن گاه که به آنان گفته شود: «[خداوندِ] بخشنده را سجده کنید.» گویند: «و بخشنده چیست؟ آیا به آن کس که تو به ما دستور می‌دهی، سجده کنیم؟» و بر رمیدنْ آنان بیفزاید.

٦١ بسیار بابرکت و بزرگوار است آن کس که در آسمان برج‌هایی قرار داد. و در آن چراغی و ماهی تابان قرار داد.

٦٢ و اوست آن کس که شب و روز را به دنبالِ یکدیگر قرار داد. تا آن کس که خواهد، پند گیرد. یا آن کس که خواهد، شکر گزار گردد.

٦٣ و بندگانِ [خداوندِ] بخشنده کسانی باشند که بر [روی] زمین به فروتنی [و تواضع] راه روند. و آن گاه که نادانان با آنان سخن گویند، به ملایمت [پاسخ] گویند: «سلام».

٦٤ و کسانی که برای پروردگارشان [گاهی] در سجود و [گاهی] در قیام شب زنده‌داری کنند.

٦٥ و کسانی که گویند: «پروردگارا، عذاب دوزخ را از ما دور ساز. بی‌تردید عذابش [عذابی شدید] گیرنده باشد.»

٦٦ بی‌تردید آن بد قرارگاهی و بد جایگاهی است.

٦٧ و کسانی که درهنگامِ انفاق کردن زیاده‌روی نکنند و سخت هم نگیرند (خسیس نباشند). و میانه‌رَوی کنند.

٦٨ و آنان که با خداوند، معبودی دیگر نخوانند و آن کس را که خداوند [محترم شمرد و قتلش را] حرام کرد –جز به حق– نکشند. و زنا نکنند. و هر کس چنین کند، کیفر بیند.

٦٩ [چنین کسی] روز قیامت عذابش دوچندان گردد. و در آن جاودانه خوار ماند.

۷۰ مگر آن کس که توبه کرد و ایمان آوَرْد و نیکوکاری نمود. پس آنان هستند که خداوند بدی‌هایشان را به نیکی تبدیل کند و خداوند آمرزگار مهربان است.

۷۱ و هر کس توبه کرد و نیکوکاری نمود، پس بی‌تردید او به سوی خداوند باز می‌گردد، بازگشتی [خاص].

۷۲ و کسانی که به ناروا شهادت نمی‌دهند. و آن گاه که گذرشان به [چیزِ] لغو و بیهوده‌ای افتد، کریمانه در می‌گذرند.

۷۳ و کسانی که آن گاه که به آیات پروردگارشان یادآوری شوند، کر و کور بر آن سر فرود نیاورند (نیفتند).

۷٤ و کسانی که می‌گویند: «پروردگارا، کاری کن که همسران ما و فرزندان ما باعثِ روشناییِ چشمِ ما شوند. و ما را برای پرهیزکاران پیشوا قرار بده.»

۷۵ آنانند کسانی که به خاطرِ شکیبایی‌شان غرفه (والاترین جایگاه در بهشت) به آنان پاداش داده شود و در آن با درود و سلامی رو به رو گردند.

۷٦ در آن (بهشت) جاودان خواهند ماند. [بهشت،] نیکو مقام و جایگاهی است.

۷۷ بگو: «اگر دعای شما نباشد، چگونه پروردگار من به شما توجه (عنایت) کند؟ پس چون [آیات خداوند را] تکذیب کردید [عذاب بر شما] لازم خواهد شد.»

مکّی سورهٔ شُعَراء (شاعران)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ طا. سین. میم.

۲ این آیه‌های «کتاب» («قرآن») روشن است.

۳ [ای «محمّد»] شاید جان خویش را هلاک سازی، که چرا ایمان نمی‌آورند.

٤ اگر بخواهیم، بر آنان نشانه‌ای از آسمان فرو می‌فرستیم، تا گردن‌هایشان پیش آن خم شود (خاضع شود).

۵ و هیچ پند تازه‌ای از [سوی خداوندِ] بخشنده نیامد، مگر این که از آن رویْ‌گردان بودند.

٦ پس به راستی [حق را] دروغ پنداشتند. سپس به زودی خبرهای آن چه مسخره می‌کردند، برای آنان خواهد آمد.

۷ آیا به زمین نگاه نکردند که چه قدر در آن از هر گونه جفتی نیکو رویاندیم؟

۸ بی‌تردید در آن نشانه‌ای است. و بیش‌ترِ آنان مؤمن نیستند.

۹ و بی‌تردید پروردگارت، او خود عزیز مهربان است.

۱۰ و آن گاه که پروردگارت «موسی» را ندا داد: «به سوی قومِ ستمکاران برو.

۱۱ [و به] قوم «فرعون» [بگو:] آیا پرهیزکاری نمی‌کنند؟»

۱۲ [«موسی»] گفت: «پروردگارا، می‌ترسم [سخنان] مرا دروغ پندارند.

۱۳ و سینه‌ام تنگ شود و زبانم روان نگردد. پس [پیغامِ این کار را] به سوی «هارون» بفرست.

١٤ و آنان علیه من گناهی از من [به یاد] دارند. پس می‌ترسم که مرا بکشند.»

۱۵ [خداوند] گفت: «چنین نباشد. پس هر دو [همراه] با آیات ما بروید. بی‌تردید ما با شما هستیم و می‌شنویم.

١٦ پس هر دو نزد «فرعون» بروید و بگویید: «ما فرستادهٔ پروردگار جهانیان هستیم.

۱۷ [تو ای «فرعون»] همراه ما «بنی‌اسرائیل» را بفرست.»

۱۸ [«فرعون»] گفت: «آیا در کودکی تو را میانِ خودمان نپروردیم؟ و تو سال‌هایی از عمرت در میان ما ماندی.

۱۹ و انجام دادی آن عمل خودت را که انجام دادی. و تو از کافران هستی.»

۲۰ [«موسی»] گفت: «من آن کار را آن گاه کردم که از گمراهان بودم.

۲۱ و از [کنارِ] شما گریختم، چون از شما می‌ترسیدم. و پروردگارم به من فرمان بخشید و مرا از پیامبران قرار داد.

۲۲ و این، آن نعمتی است که بر من منت می‌گذاری که «بنی‌اسرائیل» را به بندگی گرفتی.»

۲۳ «فرعون» گفت: «و پروردگار جهانیان چه هست؟»

۲٤ [«موسی»] گفت: «پروردگار آسمان‌ها و زمین و آن چه میان آن دو است، می‌باشد. اگر یقین داشته باشید.»

۲۵ [«فرعون»] به آنان که اطرافش بودند، گفت: «آیا نمی‌شنوید؟»

۲٦ [«موسی»] گفت: «[پروردگار من،] پروردگار شما و پروردگار پدران پیشین شما باشد.»

۲۷ [«فرعون»] گفت: «بی‌تردید این پیامبرتان که به سوی شما فرستاده شده، دیوانه است.»

۲۸ [«موسی»] گفت: «[پروردگار من،] پروردگار مشرق و مغرب و آن چه میان آن دو هست، می‌باشد. اگر اندیشه و درک کنید.»

۲۹ [«فرعون»] گفت: «اگر تو [ای «موسی»]، معبودی جز من بگیری، البته تو را از زندانیان می‌گردانم.»

۳۰ [«موسی»] گفت: «هر چند که برایت معجزه‌ای آشکار بیاورم؟»

۳۱ [«فرعون»] گفت: «آن را بیاور، اگر از راستگویان هستی.»

۳۲ پس [«موسی»] عصای خویش را [به زمین] افکند، ناگاه اژدهایی نمایان گردید.

۳۳ و دست خویش را بیرون آورد، که ناگاه برای بینندگان سپید [و رخشان] گردید.

۳٤ [«فرعون»] به سرانِ اطراف خود گفت: «بی‌تردید این («موسی») جادوگری داناست.

۳۵ می‌خواهد با جادوگریش شما را از سرزمینتان بیرون کند. پس نظر شما چیست (چه دستوری می‌دهید)؟»

۳٦ گفتند: «او و برادرش را نگه دار و گردآورندگانی به شهرستان‌ها بفرست،

۳۷ تا هر جادوگرِ دانایی را نزد تو آورند.»

۳۸ پس جادوگران را در روز معین در میعادگاه گردِ هم آوردند.

۳۹ و به مردم گفته شد: «آیا شما [هم] گرد می‌آیید؟

٤٠ اگر جادوگران پیروز شدند، شاید آنان را پیروی کنیم.»
٤١ پس آن گاه که جادوگران آمدند، به «فرعون» گفتند: «اگر [بر «موسی»] پیروز گردیم، به طور حتم برای ما پاداشی [هم] خواهد بود؟»
٤٢ [«فرعون»] گفت: «آری. بی‌تردید آن گاه شما از نزدیکان [درگاه من] خواهید شد.»
٤٣ «موسی» به آنان گفت: «آن چه را که می‌افکنید، بیفکنید.»
٤٤ پس آنان ریسمان‌ها و عصاهایشان را افکندند. و گفتند: «به عزّت «فرعون» سوگند که ما پیروزمند خواهیم شد.»
٤٥ پس «موسی» عصای خویش را افکند، و ناگاه آن چه را که جادوگران به دروغ ساخته بودند، بلعید [و خورد].
٤٦ و جادوگران سجده‌کنان [به خاک] افتادند.
٤٧ گفتند: «به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم.
٤٨ پروردگار «موسی» و «هارون».»
٤٩ [«فرعون»] گفت: «پیش از آن که من به شما اجازه دهم، به او ایمان آوردید؟ بی‌تردید او بزرگ (استاد) شماست، که به شما جادوگری آموخت. پس به زودی خواهید دانست. بی‌تردید دست‌ها و پاهای شما را [چپ و راست] از خلاف [جهت] خواهم برید و البته همهٔ شما را به دار می‌کشم.»
٥٠ گفتند: «[ما را] زیانی نیست، ما به سوی پروردگارمان بازمی‌گردیم.
٥١ ما امیدواریم که پروردگارِ ما گناهانمان را بیامرزد، به خاطر این که نخستین ایمان‌آورندگان هستیم.»
٥٢ و به «موسی» وحی کردیم: «شبانگاه بندگانِ مرا حرکت ده، که بی‌تردید [فرعونیان] شما را تعقیب خواهند کرد.»
٥٣ پس «فرعون» گردآورندگان را [برای جمع‌آوریِ سپاه] به شهرها فرستاد.
٥٤ [و «فرعون» گفت:] «بی‌گمان اینان گروهی اندکَ باشند.
٥٥ و بی‌گمان آنان ما را به خشم آورده‌اند.
٥٦ و بی‌گمان ما همگی از پیشْ آگاه و آمادهٔ پیکار هستیم.»
٥٧ پس ما آنان (فرعونیان) را از بوستان‌ها و چشمه‌سارها بیرون کردیم،
٥٨ و از گنج‌ها و جایگاهی نیکو.
٥٩ بدینسان بود. و آن‌ها را به «بنی‌اسرائیل» میراث دادیم.
٦٠ پس [فرعونیان] هنگامِ دمیدنِ آفتاب به دنبال آنان حرکت کردند.

٦١ و آن گاه که دو گروه یکدیگر را دیدند، یاران «موسی» گفتند: بی‌تردید [فرعونیان] ما
را می‌گیرند.»
٦٢ [«موسی»] گفت: «چنین نخواهد شد. بی‌تردید پروردگار من با من است. به زودی
مرا [به راهی] هدایت می‌کند.»
٦٣ پس به «موسی» وحی کردیم که عصای خویش را به دریا بزن. پس [دریا] شکافته
شد. و هر قسمتی به سانِ کوه عظیم گردید.
٦٤ و دیگران (قوم «فرعون») را نزدیکِ آن جا آوردیم.
٦٥ و «موسی» را و هر کس را که با او بود، جملگی رهایی دادیم.
٦٦ آن گاه دیگران را غرق کردیم.
٦٧ بی‌تردید در این نشانه‌ای است و [با این حال] بیش‌ترِ آنان ایمان ندارند.
٦٨ و بی‌تردید پروردگارت، او خود عزیز مهربان است.
٦٩ و بر آنان داستان (خبر) «ابراهیم» را بخوان.
٧٠ آن گاه که به پدر خویش و قوم خویش گفت: «چه می‌پرستید؟»
٧١ گفتند: «ما بت‌هایی را می‌پرستیم. پس پیوسته پیرامون آن‌ها باقی بمانیم.»
٧٢ [«ابراهیم»] گفت: «آیا [این بت‌ها دعای] شما را آن گاه که آن‌ها را می‌خوانید، می‌شنوند؟
٧٣ یا به شما سودی یا زیانی می‌رسانند؟»
٧٤ گفتند: «[نه] بلکه پدرانمان را یافتیم، که چنین می‌کردند.»
٧٥ [«ابراهیم»] گفت: آن چه را که می‌پرستید، [به دقت] دیدید؟
٧٦ [آن چه را که] شما [می‌پرستید] و پدران پیشین شما [می‌پرستیدند]؟
٧٧ بی‌تردید آن‌ها دشمن من باشند، مگر پروردگار جهانیان.
٧٨ آن کس که مرا آفرید. پس او مرا هدایت نماید.
٧٩ و آن کس که مرا خوراک دهد و مرا سیراب نماید.
٨٠ و آن گاه که بیمار گردم، مرا شفا دهد.
٨١ و آن کس که مرا می‌میراند، سپس زنده‌ام کند.
٨٢ و آن کس که امیدوارم –روز داوری– گناهم را بیامرزد.
٨٣ پروردگارا، به من فرمانی ارزانی دار و مرا به شایستگان بپیوند.

۸٤ و در [میانِ] آیندگان، برایم زبانِ راستین قرار ده (سخنگوی حق باشم).
۸۵ و مرا از میراث برندگانِ بهشتِ پُر نعمت قرار ده.
۸٦ و پدرم (سرپرستم) را بیامرز، که بی‌تردید او از گمراهان است.
۸۷ و روزی که [آفریدگان] برانگیخته شوند، مرا رسوا مساز.
۸۸ روزی که [کسی را نه] ثروت و نه پسران سودی ندهد.
۸۹ مگر آن کس که قلبی پاک [و فرمانبردار] نزد خداوند آورد.
۹۰ بهشت برای پرهیزکاران نزدیک شود.
۹۱ و دوزخ برای گمراهان پدیدار گردد.
۹۲ و به آنان گفته شود: «کجا هستند آن چه می‌پرستیدید،
۹۳ غیر از خداوند؟ آیا شما را یاری می‌کنند، یا خود را یاری می‌دهند؟»
۹٤ پس آنان و گمراهان در آن افکنده شوند،
۹۵ و سپاهیانِ «ابلیس»، همگی.
۹٦ آنان در حالی که در آن [با یکدیگر] دشمنی و نزاع کنند، گویند:
۹۷ «به خداوند سوگند که ما به راستی در گمراهیِ آشکاری بودیم.
۹۸ آن گاه که شما را با پروردگارِ جهانیان برابر می‌گرفتیم.
۹۹ و [هیچ گروهی] ما را گمراه نکردند، جز گناهکاران.
۱۰۰ پس برای ما [هیچ] شفاعتگری نباشد.
۱۰۱ و نه دوستی مهربان.
۱۰۲ پس اگر ما [به دنیا] بازگردیم، البته از مؤمنان می‌شویم.»
۱۰۳ بی‌تردید در این نشانه‌ای باشد. و [با این حال] بیش‌ترِ آنان مؤمن نیستند.
۱۰٤ و بی‌تردید پروردگار تو، او خود عزیز مهربان است.
۱۰۵ قوم «نوح» پیامبران را تکذیب کردند.
۱۰٦ آن گاه که برادرشان «نوح» به آنان گفت: «آیا پرهیزکاری نمی‌کنید؟
۱۰۷ البته من برای شما پیامبری امین و درستکارم.
۱۰۸ پس، از خداوند بیمناک باشید و از من اطاعت کنید.
۱۰۹ و من از شما به خاطر آن (رسالت) هیچ پاداشی نمی‌خواهم. و پاداش من جز بر پروردگار جهانیان نباشد.
۱۱۰ پس، از خداوند بیمناک باشید و از من اطاعت کنید.»
۱۱۱ گفتند: «آیا ما به تو ایمان آوریم، حال آن که فرومایگان از تو پیروی کرده‌اند؟»

۱۱۲ [«نوح»] گفت: «و من نمی‌دانم که آنان چه می‌کردند.

۱۱۳ بی‌تردید حسابشان جز بر پروردگارم نباشد. اگر درک کنید.

۱۱٤ و من طرد کنندهٔ مؤمنان نباشم.

۱۱۵ من جز بیم‌دهنده‌ای آشکار نیستم.»

۱۱٦ گفتند: «ای «نوح»، اگر [از این سخنان] دست برنداری، البته از کسانی خواهی بود، که سنگسار شوند.»

۱۱۷ [«نوح»] گفت: «پروردگارا، بی‌تردید قوم من مرا تکذیب کردند.

۱۱۸ پس خودت میان من و آنان به حق داوری فرما و مرا و هر کس از مؤمنان را که با من است، نجات ده.»

۱۱۹ پس ما او را و هر کس را که با او بود، در کشتی که [از حیوانات] پُر شده بود، نجات دادیم.

۱۲۰ آن گاه بازماندگان را غرق کردیم.

۱۲۱ بی‌تردید در آن نشانه‌ای است، در حالی که بیش‌ترِ آنان ایمان ندارند.

۱۲۲ و بی‌تردید پروردگارت خود عزیز مهربان است.

۱۲۳ [قوم] «عاد» فرستادگان را تکذیب کردند.

۱۲٤ آن گاه که برادرشان «هود» به آنان گفت: «آیا پرهیزکار نمی‌شوید؟

۱۲۵ بی‌تردید من برای شما پیامبری امین و درستکارم.

۱۲٦ پس، از خداوند بیمناک باشید و از من اطاعت کنید.

۱۲۷ و از شما به خاطر آن (رسالت) پاداشی نمی‌خواهم. پاداش من جز بر پروردگار جهانیان نباشد.

۱۲۸ آیا بیهوده بر سر هر بلندی نشانه‌ای بنا می‌نهید؟

۱۲۹ و کاخ‌ها برای خود تدارک می‌بینید، به گمان این که جاودانه باشید.

۱۳۰ و آن گاه که [بر مردم] خشمگین شوید، جبارانه خشمگین می‌شوید.

۱۳۱ پس، از [عذاب] خداوند بیمناک باشید و از من اطاعت‌کنید.

۱۳۲ بیمناک از کسی باشید، که شما را به آن چه می‌دانید، یاری کرد.

۱۳۳ شما را به [فزونیِ] چهار پایان و پسران یاری کرد.

۱۳٤ و [نیز با فزونیِ] باغ‌ها و چشمه‌ساران [شما را یاری کرد].

۱۳۵ بی‌گمان من از عذابِ روزی عظیم بر شما بیمناکم.»

۱۳٦ گفتند: «بر ما یکسان باشد، چه به ما پند دهی، چه از پند دهندگان نباشی.

۱۳۷ این [قدرت نمایی‌ها] جز روشِ پیشینیان نیست.
۱۳۸ و عذابی [نه در دنیا و نه در آخرت] بر ما نخواهد بود.»
۱۳۹ پس او را تکذیب کردند و ما آنان را هلاک ساختیم. بی‌تردید در آن [سرگذشت] نشانه‌ای باشد و [با این حال] بیش‌ترِ آنان مؤمن نیستند.
۱٤۰ و بی‌تردید پروردگارت خود، عزیز مهربان است.
۱٤۱ [قوم] «ثمود» پیامبران را تکذیب کردند.
۱٤۲ آن گاه که برادرشان «صالح» به آنان گفت: «آیا پرهیزکاری نمی‌کنید؟
۱٤۳ من برای شما فرستاده‌ای امین و درستکارم.
۱٤٤ پس از خداوند بیمناک باشید و از من اطاعت کنید.
۱٤٥ و من از شما به خاطر آن (رسالت) هیچ پاداشی نمی‌خواهم. و پاداش من جز بر پروردگار جهانیان نباشد.
۱٤٦ آیا شما در آن چه در این جا (در دنیا) دارید، ایمن رها خواهید شد؟
۱٤۷ در باغ‌ها و چشمه‌ساران،
۱٤۸ و کشتزارها و نخلستان‌ها که شکوفه‌های آن نرم و لطیف است؟
۱٤۹ و شما ماهرانه از کوه‌ها، خانه‌های سنگی می‌تراشید.
۱٥۰ پس، از خداوند بیمناک باشید و از من اطاعت کنید.
۱٥۱ و از دستورِ گزافه‌کاران اطاعت مکنید.
۱٥۲ آنان که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند.»
۱٥۳ گفتند: «جز این نباشد که تو از جادوشدگانی.
۱٥٤ تو جز بشری مانندِ ما نیستی. پس نشانه‌ای (معجزه‌ای) بیاور، اگر از راستگویان هستی.»
۱٥٥ [«صالح»] گفت: «این ماده شتری است. برای او آبشخوری و برای شما [هم] آبنوشگاهی در روزی معلوم تعیین شده است.
۱٥٦ هیچ آزاری به او نرسانید، که [اگر چنین کنید] عذابِ روزی عظیم شما را فراگیرد.»
۱٥۷ پس آن را پی کردند. آن گاه پشیمان شدند.
۱٥۸ سپس عذاب، آنان را فرا گرفت. بی‌تردید در آن نشانه‌ای باشد. و [با این حال] بیش‌ترِ آنان مؤمن نیستند.
۱٥۹ و بی‌تردید پروردگار تو، خود، عزیز مهربان است.

١٦٠ قوم «لوط» فرستادگان را تکذیب کردند.
١٦١ آن گاه که برادرشان «لوط» به آنان گفت: «آیا پرهیزکاری نمی‌کنید؟
١٦٢ بی‌تردید من برای شما پیامبری امین و درستکارم.
١٦٣ پس، از خداوند بیمناک باشید و از من اطاعت کنید.
١٦٤ و من از شما به خاطر آن (رسالت) پاداشی نمی‌خواهم. پاداش من جز بر پروردگار جهانیان نباشد.
١٦٥ آیا شما از جهانیان با مردان نزدیکی می‌کنید؟
١٦٦ و آن چه را که پروردگارتان برای شما از همسرانتان آفرید، وامی‌گذارید؟ [نه] بلکه شما قومی تجاوزگر می‌باشید.»
١٦٧ گفتند: «ای «لوط»،اگر [از این سخنان] دست برنداری، البته از کسانی خواهی بود که [از شهر] بیرون رانده شوند.»
١٦٨ «لوط» گفت: «بی‌تردید من از دشمنانِ [این] کردار شما هستم.
١٦٩ پروردگارا، مرا و خانواده‌ام را از آن چِه آنان انجام می‌دهند، نجات بده.»
١٧٠ پس ما او را و همگیِ خانواده‌اش را نجات دادیم.
١٧١ جز پیرزنی که در باقی‌ماندگان بود.
١٧٢ سپس دیگران را هلاک کردیم.
١٧٣ و بر آنان بارانی [خاص] باراندیم. پس چه بد بود بارانِ [عذابِ] بیم داده‌شدگان!
١٧٤ بی‌تردید در آن نشانه‌ای باشد. و [با این حال] بیش‌ترِ آنان مؤمن نیستند.
١٧٥ و بی‌گمان پروردگارت خود عزیز مهربان است.
١٧٦ اصحاب «ایکه» [نیز] فرستادگان را تکذیب کردند.
١٧٧ آن گاه که «شُعَیب» به آنان گفت: «آیا پرهیزکاری نمی‌کنید؟
١٧٨ بی‌تردید من برای شما پیامبری امین و درستکارم.
١٧٩ پس، از خداوند بیمناک باشید و از من اطاعت کنید.
١٨٠ و من از شما به خاطر آن (رسالت) پاداشی نمی‌خواهم. پاداش من جز بر پروردگار جهانیان نباشد.
١٨١ [در خرید و فروشْ] پیمانه را تمام دهید. و از کم فروشان نباشید.
١٨٢ و با ترازویی که درست است، وزن کنید.
١٨٣ و اشیاءِ مردم را کم ندهید. و در زمین به فساد و تبهکاری نکوشید.

١٨٤ و از آن کس که شما و گروه پیشینیان را آفرید، بیمناک باشید.»

١٨٥ گفتند: «جز این نیست که تو از جادوشدگان هستی.

١٨٦ و تو جز بشری مانند ما نباشی و بی‌تردید ما تو را از دروغگویان می‌پنداریم.

١٨٧ و اگر از راستگویان هستی، پس پاره‌ای از آسمان را بر ما فرودآور.»

١٨٨ [«شُعَیب»] گفت: «پروردگار من به آن چه می‌کنید، داناتر باشد.»

١٨٩ پس او را تکذیب کردند و عذابِ «روزِ ابرِ سایه‌افکن» آنان را فرا گرفت. بی تردید آن، عذابِ روزی عظیم [در تاریخ بشر] بود.

١٩٠ بی‌تردید در آن نشانه‌ای باشد. و [با این حال] بیش‌ترِ آنان مؤمن نیستند.

١٩١ و پروردگارت خود، عزیز مهربان است.

١٩٢ و بی‌تردید آن («قرآن») فرو فرستادهٔ پروردگار جهانیان باشد.

١٩٣ «روح امین» آن را فرود آورْد.

١٩٤ [فرود آورْد] بر قلب تو، تا از بیم‌دهندگان باشی.

١٩٥ به زبان عربی آشکاری [فرود آورْد].

١٩٦ و بی‌گمان آن (مژدهٔ نزول «قرآن») در «کتاب»های پیشینیان [هم] باشد.

١٩٧ آیا این که دانشمندانِ «بنی‌اسرائیل» به آن آگاهی دارند، برای آنان (کافران) نشانه‌ای نباشد؟

١٩٨ و اگر آن («قرآن») را بر برخی از ملل غیر «عرب» فرو می‌فرستادیم،

١٩٩ و او آن را برای آنان می خواند، به آن ایمان نمی‌آوردند.

٢٠٠ بدینسان آن (ناباوری) را در دل‌های گناهکاران راه دادیم.

٢٠١ و آنان به آن («قرآن») ایمان نمی‌آورند، تا این که عذابِ دردناک را ببینند.

٢٠٢ پس ناگاه [عذاب،] آنان را فرا گیرد، در حالی که آنان نفهمند.

٢٠٣ پس بگویند: «آیا به ما مهلت داده می شود؟»

٢٠٤ پس آیا به عذابِ ما شتاب می‌کنند؟

٢٠٥ آیا می‌نگری (می‌دانی) اگر سال‌ها بهره‌مندشان کنیم،

٢٠٦ سپس آن چه وعده داده می‌شوند، برایشان بیاید،

۲۰۷ آن بهره‌مندی که داشتند، عذاب را از آنان دور نسازد.

۲۰۸ ما هیچ شهری را هلاک نکردیم، جز این که برای [ساکنان] آن بیم‌دهندگانی بود،

۲۰۹ برای پند دادن. و ما ستمکار نیستیم.

۲۱۰ و آن («قرآن») را شیطان‌ها فرود نیاوردند.

۲۱۱ و آنان را شایستگیِ [این کار] نباشد و آنان [انجامِ چنین کاری را] نتوانند.

۲۱۲ بی‌تردید آنان از شنیدن آن [هم] به دور باشند!

۲۱۳ پس با خداوند، معبودی دیگر مخوان، که آن گاه از عذاب شوندگان گردی.

۲۱٤ و خویشاوندانِ نزدیک‌ترِ خویش را بیم بده.

۲۱۵ و بالِ [مهرِ] خویش را بر آن کس از مؤمنان که از تو پیروی کرد، فرود آر.

۲۱٦ پس اگر از تو نافرمانی کردند، بگو: «بی‌تردید من از آن چه شما می‌کنید، بیزارم.»

۲۱۷ و بر [خداوندِ] عزیز مهربان توکل کن.

۲۱۸ آن کس که -هنگامی که بر می‌خیزی- تو را می‌بیند.

۲۱۹ گشتن تو را در میان سجده‌کنندگان [می‌بیند].

۲۲۰ به راستی او شنوای داناست.

۲۲۱ آیا شما را آگاه سازم که شیطان‌ها بر چه کسی فرود می آیند؟

۲۲۲ بر هر دروغگوی گناهکاری فرود می آیند.

۲۲۳ آن چه را می‌شنوند، القاء می‌کنند و بیش‌ترِ آنان دروغگو باشند.

۲۲٤ و شاعران، گمراهان از آنان پیروی کنند.

۲۲۵ آیا نمی‌نگری که آنان در هر وادی سرگردانند؟

۲۲٦ و این که آنان سخنی می‌گویند، که انجامش نمی‌دهند (پایبندِ سخنِ خویش نیستند).

۲۲۷ مگر کسانی که ایمان آوردند و نیکوکاری کردند و خداوند را بسیار یاد کردند و پس از آن که بر آنان ستم شد، نصرت یافتند. و به زودی کسانی که ستم کردند، بدانند که به کدام بازگشتگاهی باز می‌گردند.

مکّی سورهٔ نمل (مورچه)

به نام خداوند بخشندۀ مهربان

۱ طا. سین. این آیه‌های «قرآن» و «کتاب» روشن است.

۲ برای مؤمنان هدایت و مژده باشد.

۳ آنان که نماز را بپا می‌دارند و زکات می‌دهند و آنان به آخرت یقین دارند.

٤ بی‌تردید کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، کردارشان را برایشان بیاراستیم. پس آنان کور و سرگردانند.

۵ آنان کسانی هستند که برایشان عذابی بد باشد و آنان در آخرت زیانکارتر باشند.

٦ و بی‌گمان تو «قرآن» را از سوی [خداوندِ] حکیم دانا دریافت می‌کنی.

۷ آن گاه که «موسی» به خاندان خویش گفت: «بی‌تردید من [از دور] آتشی دیدم. به زودی برای شما از آن خبری می‌آورم. یا برایتان اخگری فروزان خواهم آورد، که گرم شوید.»

۸ پس آن گاه که نزد آن آمد، آوایی شنید: «بسیار پر خیر و برکت است آن کس که در آتش است. و آن کس که پیرامون آن است. و «اللّه»، پروردگار جهانیان پاک و منزّه باشد.

۹ ای «موسی»، بی‌گمان منم «اللّه»، [خداوند] عزیز حکیم.

۱۰ و تو عصای خویش را بیفکن!» و آن گاه که «موسی» آن را دید که مانند ماری می‌جنبد، پشت‌کنان برگشت. و به عقب ننگریست. [خداوند گفت:] «ای «موسی»، نترس. که پیامبران نزد من نترسند.

۱۱ مگر آن کس که ستم کرد. آن گاه بعد از آن بدی را به خوبی بدل نمود. بی‌تردید من آمرزگار مهربان هستم.

۱۲ دست خویش را در گریبان خود فرو ببر، تا سپید [و نورانی امّا] نه از مرض و آزار بیرون آید. [و این یکی] در بین نُه نشانه (معجزه) است [که] به سوی فرعون و قوم او [می‌بری] که آنان قومی نافرمان باشند.»

۱۳ پس آن گاه که آیات روشن ما بر آنان آمد، گفتند: «این جادویی آشکار است.»

١٤ و آن‌ها را از روی ستم و تکبّر انکار کردند. حال آن که خودشان به آن‌ها یقین داشتند. پس بنگر که سرانجامِ فسادکاران چه بود.

١٥ و به راستی ما به «داود» و «سلیمان» دانش دادیم. و آن دو گفتند: «حمد و سپاس مخصوص خداوند است که ما را بر بسیاری از بندگانِ مؤمن خویش برتری داد.»

١٦ و «سلیمان» از «داود» میراث بُرد و گفت: «ای مردم، به ما [فهمِ] سخنِ پرندگان آموخته شده و از هر چیزی به ما [بهره‌ای] داده شده است. بی‌تردید این همان فضل آشکار است.»

١٧ و برای «سلیمان»، سپاهیانش –از جن و انس و پرندگان– گرد آمدند. آن‌ها [برای انجام مأموریت] به صف شده بودند.

١٨ تا آن گاه که [این لشکریان] بر درهٔ مورچگان فرا آمدند. ماده مورچه‌ای گفت: «ای مورچگان، به خانه‌های خویش داخل شوید، تا شما را «سلیمان» و سپاهیانش پایمال نکنند، در حالی که آنان بی خبر باشند.»

١٩ پس «سلیمان» از گفتارِ آن [مورچه] خندید و گفت: «پروردگارا، مرا توفیق بده تا نعمتت را که بر من و بر پدر و مادر من ارزانی داشته‌ای، حمد و سپاس بگویم و [توفیقم بده] تا کار شایسته‌ای کنم، که پسندِ تو باشد. و مرا به رحمتِ خویش در [زمرهٔ] بندگانِ نیکوکارِ خود داخل ساز.»

٢٠ و [«سلیمان»] میان پرندگان جستجو کرد، پس گفت: «مرا چه شده است، که هُدهُد را نمی‌بینم؟ یا از غایبین است؟

٢١ البته او را به عذابی سخت شکنجه کنم. یا این که سرش را بِبُرم، یا این که [به خاطر این غیبت باید] برایم دلیلی محکم و آشکار آورد.»

٢٢ پس درنگ کرد –نه بسیار– و هدهد گفت: «من احاطه یافتم به آن چه تو به آن احاطه نیافتی. و از «سبا» برایت خبری درست آوردم.

۲۳ من زنی را یافتم، که بر آنان پادشاهی می‌کند. و به او از هر چیز داده شده است. و او تختی عظیم دارد.

۲٤ و من او را و قومش را یافتم، که به جای خداوند، آفتاب را سجده می‌کنند و شیطان کردارشان را برایشان بیاراسته و آنان را از راه راست باز داشته است، پس آنان هدایت نشده‌اند.

۲٥ به طوری که آنان خداوند را سجده نمی‌کنند، که در آسمان‌ها و زمین، نهان‌ها را عیان سازد و آن چه را پنهان می‌دارید و آن چه را که آشکار می‌کنید، می‌داند.

۲٦ خداوند که معبودی جز او نباشد، پروردگار عرش عظیم است.»

۲۷ [«سلیمان»] گفت: «به زودی خواهیم دید که راست گفته‌ای، یا از دروغگویان هستی.

۲۸ این نامهٔ مرا ببر. و به سوی آنان بینداز. آن گاه از آنان رویْ بگردان. پس بنگر که آنان چه پاسخ می‌دهند.»

۲۹ [«بلقیس»] گفت: «ای بلندپایگان، نامه‌ای گرامی به سوی من افکنده شد.

۳۰ بی‌تردید آن نامه از [سوی] «سلیمان» است. و [در آن نوشته شده] «به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۳۱ بر من برتری نجویید. و تسلیم شده، نزد من آیید.»»

۳۲ [«بلقیس»] گفت: «ای بلندپایگان، مرا در کارم نظر (فتوا) دهید. من هرگز کاری را بدون گواهی و نظر شما انجام نداده‌ام (نبریده‌ام). »

۳۳ گفتند: «ما صاحبان قدرت و سخت نیرومند هستیم. و فرمان به دست تو باشد. پس دقت کن [و بنگر] که چه فرمان می‌دهی.»

۳٤ [«بلقیس»] گفت: «بی‌تردید پادشاهان آن گاه که به شهری داخل شوند، آن را خراب کنند و عزیزها را خوار سازند و این چنین کنند.

۳٥ و بی‌تردید من به سوی ایشان هدیه‌ای خواهم فرستاد. پس می‌بینم که فرستادگان با چه چیز (چه پاسخی) باز می‌گردند.»

٣٦ و آن گاه که [فرستادهٔ «بلقیس»] نزد «سلیمان» آمد، [«سلیمان» به او] گفت: «آیا شما مرا به مالی یاری می‌دهید، که آن چه خداوند به من داده [به مراتب] بهتر از آنست که به شما داده است؟ [نه] بلکه [شما هستید که] به هدیهٔ خویش شادمان هستید.»

٣٧ [«سلیمان» به فرستادهٔ «بلقیس» گفت:] «به سوی آنان بازگرد. البته ما بر آنان با سپاهیانی بیاییم، که آنان یارای مقابله با آن را نداشته باشند. و آنان را به خواری از آن جا بیرون خواهیم کرد. و آنان سرافکنده باشند.»

٣٨ [«سلیمان»] گفت: «ای بلندپایگان، از [میانِ] شما کیست که تختِ آن زن را نزد من آورد، پیش از آن که آنان تسلیم شده، پیش من آیند؟»

٣٩ عفریتی از جنّیان گفت: «پیش از آن که تو از جایگاه خود برخیزی، من آن را نزد تو آورم. بی‌تردید من بر آن [کار] قدرتمند و امین و درستکارم.»

٤٠ آن کس که نزدش دانشی از «کتاب» [الهی] بود، گفت: «من پیش از آن که چشم بر هم زنی، آن را نزد تو آورم.» و آن گاه که [«سلیمان»] آن را نزد خود برقرار یافت، گفت: «این از فضل پروردگارم باشد، تا مرا بیازماید که آیا شکرش را به جای می‌آورم، یا کفران می‌ورزم؟ و هر کس که شکر کرد، جز این نباشد که برای خود [و به سود خود] شکر کرده است. و هر کس ناسپاسی کرد، بی‌تردید پروردگارِ من بی‌نیازِ بزرگوار است.»

٤١ [«سلیمان»] گفت: «تخت او را برای او به شکلِ ناشناس درآورید تا بنگریم که آیا او هدایت [به تشخیص این امر] می‌شود و یا این که از کسانی خواهد بود، که هدایت نشوند؟»

٤٢ پس آن گاه که [«بلقیس» نزد «سلیمان»] آمد، به او گفته شد: «آیا تختِ تو این چنین است؟» گفت: «گویی این همانست. و پیش از او به ما دانش داده بودند و تسلیم و فرمانبردار بودیم.»

٤٣ و آن چه او («بلقیس») جز خداوند می‌پرستید، او را [از «اسلام»] بازداشته بود. زیرا او از قوم کافران بود.

٤٤ به او («بلقیس») گفته شد: «به کاخ داخل شو!» پس آن گاه که آن را دید، پنداشت که آبگیری باشد. و ساق‌های [پای] خویش را برهنه کرد. [«سلیمان»] گفت: «این کاخی است که کفِ آن صاف و صیقل شده است و فرشِ آن از شیشه باشد.» [«بلقیس»] گفت: «پروردگارا، من به خویشتن ستم کردم. و [اکنون] با «سلیمان» به خداوند، پروردگار جهانیان تسلیم شده‌ام.»

٤٥ به راستی به سوی [قوم] «ثمود» برادرشان «صالح» را فرستادیم، که [گفت]: «خداوند را عبادت کنید.» پس، آن گاه آنان دو گروه شدند، که با هم دشمنی می‌کردند.

٤٦ [«صالح»] گفت: «ای قوم من، چرا پیش از نیکی به بدی شتاب می‌کنید؟ چرا از خداوند آمرزش نمی‌خواهید؟ شاید مورد رحمت قرار گیرید.»

٤٧ آنان گفتند: «ما تو را و کسانی را که با تو هستند، به فال بد گرفتیم.» [«صالح»] گفت: «فالِ بدِ شما نزد خداوند است. [نه] بلکه شما قومی هستید، که مورد آزمایش خداوند قرار گرفته‌اید.»

٤٨ و در شهر نُه نفر بودند، که در زمین فساد می‌کردند و اصلاح نمی‌کردند.

٤٩ [آن نُه نفر] گفتند: «به خداوند سوگند یاد کنید که بر او («صالح») و خانواده‌اش شبیخون بزنیم. آن گاه البته به ولیِّ خونِ او [یا به خونخواهِ او] بگوییم: ما گواه هلاکتِ [او و هلاکتِ] خانوادۀ او نبودیم. و بی‌تردید ما راست می‌گوییم.»

٥٠ و آنان نیرنگ زدند، نیرنگی [خاص]. و ما [هم] نیرنگ زدیم، نیرنگی [خاص] در حالی که آنان نمی‌فهمیدند.

٥١ پس بنگر که سرانجامِ نیرنگشان چگونه بود. و بی‌تردید ما آنان و قومشان همگی را هلاک کردیم.

٥٢ پس اینک به سبب آن ستمکاری که کردند، خانه‌هاشان ویران و خالی مانده است. بی‌تردید در این نشانه‌ایست برای قومی که می‌دانند.

٥٣ و کسانی را که ایمان آوردند و پرهیزکاری می‌کردند، نجات دادیم.

٥٤ و «لوط» آن گاه که به قوم خویش گفت: «آیا فحشا می‌کنید، در حالی که [زشتیِ] آن را می‌بینید؟

٥٥ آیا این شما هستید که از روی شهوت به جای زنان با مردان نزدیکی می‌کنید؟ بلکه شما قومی نادان هستید.»

٥٦ پس پاسخ قوم او جز این نبود که گفتند: «دودمانِ «لوط» را از شهر خود بیرون کنید. آنان کسانی هستند که پاکی می‌جویند.»

٥٧ پس او و خانواده‌اش را نجات دادیم. جز زنش که مقدر کردیم که از باقی‌ماندگان باشد.

٥٨ و بر آنان بارانی [از سنگ] بارانیدیم. و چه بد است بارانِ بیم داده‌شدگان!

٥٩ بگو: «سپاس و ستایش برای خداوند باشد. و درود بر بندگانش که آنان را برگزید.» آیا خداوند بهتر است، یا آن چه [برایش] شریک می‌گیرند؟

٦٠ آیا کیست که آسمان‌ها و زمین را آفرید و از آسمان آبی برایتان فرو فرستاد، که با آن باغ‌های شاداب رویاندیم، که شما را آن [قدرت] نباشد که درختش را برویانید. آیا با خداوند معبودی [دیگر] هست؟ [نه] بلکه آنان قومی هستند که [برای خداوند] همتا قرار می‌دهند (به خداوند شرک می‌ورزند).

٦١ آیا آن کیست که زمین را آرامشگاه گردانید؟ و میانِ آن جویبارها قرار داد و برای آن کوه‌ها [استوار] ساخت و میان دو دریا حائلی و فاصله‌ای قرار داد؟ آیا با خداوند معبودی [دیگر] هست؟ [نه] بلکه بیش‌ترِ آنان نمی‌دانند.

٦٢ آیا آن کیست که [دعای] درمانده را آن گاه که او را بخواند، می‌پذیرد و رنج و بدبختی را برمی‌دارد (دور می‌سازد) و شما را در زمین جانشین قرار می‌دهد؟ آیا با خداوند معبودی [دیگر] هست؟ آن چه پند می‌گیرید، کم باشد.

٦٣ آیا کیست که شما را در تاریکی‌های خشکی و دریا هدایت می کند؟ و آن که بادها را پیشاپیشِ رحمتِ خویش مژده‌بخش می‌فرستد؟ آیا با خداوند معبودی [دیگر] هست؟ برتر است خداوند از آن چه [برایش] شریک می گیرند.

٦٤ آیا کیست که آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را باز می‌گرداند و به شما از آسمان و زمین روزی می‌دهد؟ آیا با خداوند معبودی [دیگر] هست؟ بگو: «دلیل خویش را بیاورید، اگر راستگویانید.»

٦٥ بگو: «کسی در آسمان‌ها و زمین غیب را نمی‌داند، جز خداوند.» و نمی‌دانند که چه هنگام برانگیخته می‌شوند.

٦٦ [نه] بلکه اسباب دانش آنان در [مورد] آخرت کامل است [ولی توجهی به آن‌ها نکرده‌اند]. بلکه از آن در تردید باشند. بلکه از [درکِ] آن نابینا هستند.

٦٧ و کسانی که کافر شدند، گفتند: «آن گاه که ما و پدرانمان خاک شویم، آیا ما را [از خاک] بیرون می‌آورند؟

٦٨ به راستی این [سخنان] را به ما و پیش از این به پدرانمان وعده داده‌اند. این [سخن] جز افسانه‌های گذشتگان نیست.»

٦٩ بگو: «در زمین سفر کنید و بنگرید که سرانجامِ گنهکاران چگونه بود.»

٧٠ و بر [سخنانِ] آنان اندوهگین مشو. و از آن چه نیرنگ می‌زنند، تنگدل مباش.

٧١ و می‌گویند: «این وعده چه هنگامی باشد، اگر راستگو هستید؟»

٧٢ بگو: «شاید برای شما نزدیک باشد. برخی از آن چه به آن شتاب می‌کنید.»

٧٣ و بی‌تردید پروردگارِ تو بر مردم صاحبِ فضل است. و لیکن بیش‌ترِ آنان شکر نمی‌گزارند.

٧٤ و بی‌تردید پروردگار تو آن چه را که سینه‌هایشان پنهان می‌دارد و آن چه را که آشکار می‌کنند، می‌داند.

٧٥ و در آسمان و زمین هیچ چیز پنهان نباشد، جز این که در کتابی آشکار [ثبت شده] باشد.

٧٦ بی‌تردید این «قرآن» بر «بنی‌اسرائیل» بیش‌ترِ چیزهایی را که در آن اختلاف دارند، بیان می کند.

۷۷ و بی‌تردید آن («قرآن») برای مؤمنان هدایتی و رحمتی است.

۷۸ بی‌تردید پروردگار تو، به حکمِ خود میانِ آنان داوری کند. و او عزیز داناست.

۷۹ پس بر خداوند توکل کن. بی‌گمان تو بر حقِ روشن می‌باشی.

۸۰ بی‌گمان تو مردگان را نشنوانی. و کران را آن گاه که بخوانیشان [هم] نشنوانی، آن زمان که پشت‌کنان برگردند.

۸۱ و تو کوران را از گمراهیشان هدایت نتوانی کرد. و نشنوانی جز کسانی را که به آیاتِ ما ایمان دارند. پس آنان مسلمان باشند.

۸۲ و آن گاه که سخن (حکم عذاب) بر آنان واقع شود، از زمین جنبنده‌ای به درآوریم، که با آنان سخن گوید که مردم به آیات ما یقین نمی‌آوردند.

۸۳ و روزی که از هر ملّتی گروهی از کسانی را که آیاتِ ما را تکذیب می‌کردند، برانگیزیم، پس آنان بازداشت شوند.

۸٤ تا آن گاه که [نزد خداوند] آیند. و [خداوند] گوید: «آیا آیات مرا تکذیب کردید؟ [حال آن که] به آن احاطه علمی نداشتید. یا چه بود آن چه می‌کردید؟»

۸۵ و سخن (حکم عذاب) بر آنان واقع شود، به خاطر این که ستم می‌کردند. پس آنان سخن نگویند.

۸٦ آیا نمی‌بینند که ما شب را قرار دادیم، تا در آن آرام گیرند و روز را روشن قرار دادیم؟ بی‌تردید در آن نشانه‌هایی است برای قومی که ایمان می‌آورند.

۸۷ و روزی که در «صور» دمیده شود، پس آنان که در آسمان‌ها هستند و آنان که در زمین باشند، هراسناک شوند. جز آن کس که خداوند بخواهد. و همه نزد او فروتن و سرافکنده آیند.

۸۸ و کوه‌ها را بنگری، که پنداری بر جای خود بی‌حرکتند. حال آن که آن‌ها حرکت می‌کنند، [به سانِ] حرکتِ ابر. [این] ساختهٔ خداوند است که هر چیز را استوار و محکم کرد. بی‌تردید او به آن چه می‌کنید، آگاه است.

۸۹ [در روز قیامت] هر کس نیکی آورد، او را بهتر از آن [پاداش] باشد. و آنان در آن روز از هراس ایمن باشند.

۹۰ و هر کس بدی آورد، پس آنان را بر چهره‌شان در آتش افکنند. آیا جز به آن چه می‌کردید، جزا داده شوید؟

۹۱ جز این نباشد که به من امر شده است که پروردگار این شهر («مکّه») را عبادت کنم، که آن («مکّه») را محترم شمرده است. و همه چیز از آنِ او باشد و به من امر شده است که از مسلمانان باشم.

۹۲ و این که [به من امر شده] «قرآن» را بخوانم. پس هر کس هدایت یافت، بی‌تردید برای [نیکْ انجامیِ] خودش هدایت یافته است، و هر کس گمراه شد [به زیان خودش باشد]. بگو: «جز این نباشد که من از بیم‌دهندگان هستم.»

۹۳ و بگو: «ستایش خدای راست، که آیات خویش را به شما بنمایاند. پس شما آن‌ها را بشناسید.» و پروردگارِ تو از آن چه می‌کنید، بی‌خبر و ناآگاه نیست.

سورهٔ قصص (داستان‌ها)

مکّی

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ طا. سین. میم.

۲ این آیه‌های «کتاب» روشن («قرآن») است.

۳ ما از خبر «موسی» و «فرعون» به حق بر تو می‌خوانیم، برای قومی که ایمان می‌آورند.

٤ بی‌تردید «فرعون» در سرزمین [«مصر»] برتری جست و مردمش را گروه گروه کرد. گروهی از آنان را ناتوان می‌شمرد و پسرانشان را سر می‌برید و زنانشان را زنده می‌گذاشت. بی‌تردید او از فسادکاران بود.

٥ و ما خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین ناتوان شمرده شدند، منّت گذاریم و ایشان را پیشوایانی قرار دهیم و آنان را وارثان کنیم.

٦ و آنان را در سرزمین [«مصر» و «شام»] قدرت دهیم. و به «فرعون» و «هامان» و سپاهیانِ آن دو آن چه را که از آن می‌ترسیدند، بنمایانیم.

۷ و به مادر «موسی» وحی کردیم که او («موسی») را شیر بده. پس اگر بر [کشته شدنِ] او می‌ترسی، او را در دریا بیفکن و نترس و اندوهگین مشو. بی‌تردید ما او را به سوی تو بازمی‌گردانیم و او را از پیامبران خواهیم کرد.

۸ پس خاندانِ «فرعون» او را [از آب] گرفتند. تا برای آنان دشمنی و اندوهی باشد. به راستی «فرعون» و «هامان» و لشکریانِ آن دو خطاکار بودند.

۹ و زنِ «فرعون» [به «فرعون»] گفت: «[این کودک] برای من و تو روشناییِ چشم باشد. او را نکشید، شاید به ما سود برساند، یا او را به فرزندی بگیریم.» و آنان [حقیقت را] نمی‌فهمیدند.

۱۰ و دل مادر «موسی» [از نگرانی] آسوده شد، هر چند که نزدیک بود آن [حقیقت] را آشکار سازد، اگر دلش را به شکیبایی نیرومند نکرده بودیم، تا از مؤمنان باشد.

۱۱ و [مادر «موسی»] به خواهر او («موسی») گفت: «به دنبال او برو.» پس [خواهر «موسی»] او را از دور دید، حال آن که آنان [حقیقت را] نمی‌فهمیدند.

۱۲ و از قبل، پستانِ هر شیردهنده‌ای را بر او حرام کرده بودیم. پس [خواهرش] گفت: «آیا خانواده‌ای را به شما نشان بدهم که از او نگهداری (پرستاری) کنند و آنان خیرخواه او باشند؟»

۱۳ پس او («موسی») را به مادرش بازگرداندیم، تا چشمِ مادرش روشن شود و اندوهگین نشود و تا این که بداند وعدهٔ خداوند راست باشد. و لیکن بیش‌ترِ آنان نمی‌دانند.

۱٤ و آن گاه که به رشدِ کاملِ خود رسید و [بر وجودِ خویش] مسلط گردید، او را حکم و دانش دادیم و ما نیکوکاران را بدینسان پاداش دهیم.

۱٥ و [«موسی»] به شهر داخل شد، بی آن که مردمش متوجّه باشند. پس در آن جا دو مرد را یافت که با هم کشمکش و نبرد می‌کردند. این [یکی] از پیروان و آن [دیگری] از دشمنان او بود. پس آن کس که از پیروان او بود، بر ضد آن کس که از دشمنانش بود، [از «موسی»] یاری خواست. و «موسی» به او مشت زد و او را کشت. [سپس با خود] گفت: «این از کار شیطان باشد. بی‌تردید شیطان دشمنِ گمراه کنندهٔ آشکار [انسان] است.»

۱٦ و گفت: «پروردگارا، من بر خویشتن ستم کردم. مرا بیامرز.» پس خداوند وی را بیامرزید. بی‌تردید اوست که آمرزگار مهربان باشد.

۱۷ [«موسی»] گفت: «پروردگارا، به خاطر نعمتی که به من دادی، من هرگز پشتیبان گناهکاران نخواهم بود.»

۱۸ پس بیمناک به شهر آمد. مراقب بود. پس ناگاه آن کس را که دیروز از او یاری خواسته بود، دید که [باز هم] به فریاد از او کمک می‌خواست. «موسی» به او گفت: «بی‌تردید تو در گمراهیِ آشکار هستی.»

۱۹ پس آن گاه که [«موسی»] خواست به آن کس که دشمنِ هر دو بود، خشم آورد و حمله کند [آن مرد] گفت: «ای «موسی»، آیا می‌خواهی مرا بکشی، همان گونه که دیروز کسی را کشتی؟ تو جز این نمی‌خواهی که در زمین ستمگر باشی و نمی‌خواهی که از اصلاح‌کاران شوی.»

۲۰ و مردی از دورترین نقطهٔ شهر شتابان آمد و گفت: «ای «موسی»، بلندپایگان [قوم] در اندیشه تو هستند (دربارهٔ تو گفتگو می‌کنند) که تو را بکشند. پس [تو از این شهر] بیرون برو و من از خیرخواهانِ تو هستم.»

۲۱ پس، از آن شهر در حالی که می‌ترسید و مراقب بود، خارج شد. گفت: «پروردگارا، مرا از گروه ستمکاران رهایی بخش.»

۲۲ و آن گاه که به طرف «مَدْیَن» رفت، گفت: «امید است که پروردگارم مرا به راه
راست هدایت کند.»
۲۳ و آن گاه که به آب «مَدْیَن» رسید، گروهی از مردم را بر آن یافت، که [گوسفندان را]
آب می‌دادند و به جز آنان، دو زن را یافت، که [گوسفندان را از کنار آب عقب]
می‌راندند. [«موسی»] گفت: «شما دو تن چه می‌کنید؟» گفتند: «ما [گوسفندانمان را]
آب ندهیم، تا این که شبانان گوسفندانشان را آب بدهند و ببرند و پدرمان پیری
بزرگ (سالخورده) باشد.»
۲٤ پس [«موسی» گوسفندان را] برای آن دو [زن] آب داد و سپس به سایه بازگشت و
گفت: «پروردگارا، من به آن چه از نعمت و خیر برایم می‌فرستی، نیازمندم.»
۲٥ پس یکی از آن دو [زن] که شرمگینانه راه می‌رفت، به سوی او («موسی») آمد و
گفت: «پدرم تو را صدا می‌کند تا به تو، به خاطر آبی که برای ما [به گوسفندان]
دادی، پاداش دهد.» پس آن گاه که «موسی» نزد او («شُعَیب») آمد و داستان را برای
او حکایت کرد، [«شُعَیب»] گفت: «بیمناک مباش، که از قوم ستمکاران نجات یافتی.»
۲٦ یکی از آن دو [زن] گفت: «ای پدر من، او را به مزدوری بگیر. بی‌تردید بهترین کسی
که [می‌توانی] به مزدوری بگیری [این مرد] است که نیرومند و درستکار است.»
۲۷ [«شُعَیب»] گفت: «من می‌خواهم یکی از این دو دخترم را به تو به زنی بدهم.
[مشروط] بر این که [تا] هشت حج (هشت سال) مزدور من باشی. پس اگر ده سال
را به پایان رسانی، پس [لطفی] از سوی تو باشد (لطف کرده‌ای). و من نمی‌خواهم
بر تو سخت بگیرم. اگر خداوند خواهد، مرا از نیکان خواهی یافت.»
۲۸ [«موسی»] گفت: «این [شرط] میان من و تو باشد. هر یک از این دو مدت را که من
به پایان رسانم، پس ستمی بر من نباشد و خداوند بر آن چه می‌گوییم، وکیل است.»

۲۹ پس آن گاه که «موسی» [آن] مدت را به پایان رسانید و با خانوادهٔ خود رفت، از سوی «طور» آتشی دید. به خاندان خویش گفت: «درنگ کنید که من آتشی دیدم. شاید از آن برای شما خبری آورم. یا افروخته‌ای از آتش [برایتان آورم] تا شما گرم شوید.»

۳۰ پس آن گاه که نزدیک آن آمد، از کنارِ راستِ دره در جایگاهی خجسته و پُر برکت از آن درخت آوایی شنیده شد [که گفت]: «ای «موسی»، این منم، «اللّه»، پروردگار جهانیان.»

۳۱ و این که: «عصای خویش را بیفکن.» پس آن گاه که عصا را دید که به سان مار سبک‌خیز می‌جنبد، روی‌ْگردان [و ترسان] برگشت و به عقب نگاه نکرد. [صدا شنید که:] «ای موسی، پیش بیا و مترس. بی‌تردید تو از ایمن‌شدگان هستی.

۳۲ دست خویش را در گریبان خود فرو ببر، تا سپید و تابناک و نه از آزار و مرض بیرون آید. و بازوی خود را به خودت بچسبان، تا ترس تو فرو نشیند. و این دو، دو نشانه از پروردگارت در مقابل «فرعون» و سران او باشد. بی‌تردید آنان قومی نافرمان و فاسقند.»

۳۳ [«موسی»] گفت: «پروردگارا، بی‌تردید من یک تن از آنان را کشتم. پس می‌ترسم که مرا بکشند.

۳٤ و برادرم «هارون»، او خود در سخن‌گویی از من فصیح‌تر (روان‌گوتر) باشد. پس او را برای یاری با من بفرست، تا مرا تصدیق کند. بی‌تردید می‌ترسم مرا تکذیب کنند.»

۳۵ [خداوند] گفت: «بازوی تو را به وجودِ برادرت قوی خواهیم کرد و به هر دوی شما قدرت [و دلیلی محکم] دهیم، که به شما نرسند. با آیات ما، شما و هر کس از شما پیروی کند، [بر آنان] پیروز و چیره هستید.»

۳٦ پس آن گاه که «موسی» با آیات روشن به سوی آنان آمد، گفتند: «این جز جادویی دروغ نیست و ما چنین سخنی را در [روزگارِ] نخستینِ پدرانمان نشنیدیم.»

۳۷ و «موسی» گفت: «پروردگار من به آن کس که هدایت را از سوی او آورْد و به کسی که سرای سرانجام (آخرت) از آن اوست، داناتر است. بی‌تردید ستمکاران رستگار نشوند.»

۳۸ و «فرعون» گفت: «ای بلندپایگان، من معبودی جز خودم برای شما نمی‌شناسم. پس تو ای «هامان» آتش را برای من بر گِل بیفروز (آجر تهیه کن) و برایم کاخی بساز، تا شاید من به خدای «موسی» نگاه کنم. و بی‌گمان من او را از دروغگویان می‌پندارم.»

۳۹ و به ناحق «فرعون» و سپاهیانش در روی زمین تکبر و بلندپروازی کردند و گمان داشتند که به سوی ما بازگردانده نمی‌شوند.

٤۰ پس او و سپاهیانش را گرفتیم و آنان را در دریا افکندیم. و بنگر که سرانجامِ ستمکاران چگونه بود.

٤۱ و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که [مردم را] به سوی آتش می‌خواندند. و روزِ قیامت آنان یاری نشوند.

٤۲ و به دنبالِ آنان در این دنیا لعنت فرستادیم. و آنان در روز قیامت از زشت شدگان باشند.

٤۳ و به راستی پس از آن که نسل‌های پیشین را هلاک ساختیم، به «موسی» «کتاب» دادیم، که بینش‌ها و رهنمودی و رحمتی برای مردم باشد. شاید آنان پند گیرند.

٤٤ و تو [ای «محمّد»] در سوی غربی [کوه «طور»] نبودی، آن گاه که امر (وحی) را به «موسی» رساندیم و از شاهدان [وحی ما] هم نبودی.

٤٥ و لیکن ما نسل‌هایی به وجود آوردیم. پس بر آنان عمرها (زندگی‌ها) به درازا کشید. و تو در میان اهل «مَدْیَن» مقیم نبودی، که آیات ما را بر آنان بخوانی. و لیکن ما فرستندۀ [پیامبران] هستیم.

٤٦ و تو در کنار [کوه] «طور» نبودی، آن گاه که ما [«موسی» را] صدا کردیم. ولی از رحمت پروردگارت است [که تو را پیامبر کردیم] تا قومی را بیم دهی، که پیش از تو بیم‌دهنده‌ای برایشان نیامده بود، شاید پند گیرند.

٤٧ و گرنه [وقتی] به خاطر آن چه دستانشان از پیش فرستاد مصیبتی به آنان رسد، گویند: «پروردگارا، چرا پیامبری برایمان نفرستادی، تا آیاتِ تو را پیروی کنیم و از مؤمنان باشیم.»

٤٨ پس آن گاه که [سخنِ] «حق» از سوی ما برای آنان آمد، گفتند: «چرا مانند آن چه به «موسی» داده شد، [به «محمّد»] داده نشد؟» آیا آنان نبودند، که به آن چه به «موسی» پیش از این داده شد، کافر شدند؟ و گفتند: «دو جادو هستند که پشتیبان یکدیگرند.» و گفتند: «ما به همۀ آنان کافریم.»

٤٩ بگو: «پس «کتابی» از سوی خداوند بیاورید، که هدایت‌کننده‌تر از آن دو («تورات» و «قرآن») باشد، تا من از آن پیروی کنم. اگر راستگویانید.»

٥٠ پس اگر به تو پاسخ ندهند، بی‌تردید بدان که فقط از هوس‌های خود پیروی می‌کنند. و کیست گمراه‌تر از آن کس که بدون هدایت از [سوی] خداوند از هوس خویش پیروی کند. بی‌گمان خداوند گروه ستمگران را هدایت نمی‌کند.

۵۱ و بی‌تردید ما برای آنان، سخنان را به یکدیگر پیوستیم، شاید آنان پند گیرند.

۵۲ کسانی که پیش از آن («قرآن») به آنان «کتاب» («تورات») دادیم، به این («قرآن») ایمان آورند.

۵۳ و آن گاه که بر آنان [«قرآن»] خوانده شود، گویند: «به آن ایمان آوردیم، که آن حق است [و] از سوی پروردگار ما می‌باشد. بی‌تردید ما از قبل از آن مسلمان بودیم.»

۵٤ آنانند که دو مرتبه به آنان پاداش داده شود، به خاطر شکیبایی که کردند. و [آنان] با کردار نیکو بدی را دور دارند و از آن چه روزیشان دادیم، [به مستحقان] بخشش کنند.

۵۵ و آن گاه که سخن یاوه بشنوند، از آن رویْ‌بگردانند و گویند: «کردارهای ما برای ما، و کردارهای شما برای خودتان باشد. سلام بر شما که ما نادانان را نخواهیم.»

۵٦ بی‌تردید تو آن کس را که دوست داری، هدایت نکنی. ولی خداوند آن کس را که بخواهد، هدایت کند. و او به هدایت‌یافتگان داناتر است.

۵۷ و گفتند: «اگر ما با تو از هدایت پیروی کنیم [و به راه راست رویم] ما را از سرزمین خود دور سازند (بربایند).» آیا ما آنان را در حرم امنی («مکّه») جای ندادیم، که فرآورده‌ها و میوه‌های همه چیز به سوی آن آورده شود؟ و این رزقی از سوی ما باشد. و لیکن بیش‌ترشان نمی‌دانند.

۵۸ و چه بسیار شهرهایی که ویران ساختیم، به دلیل آن که در خوشی‌ها و نعمت‌هایش سرکشی کردند و این مسکن‌های آنان است، که پس از آنان جز تعداد کمی در آن ساکن نشوند. و ما خود وارثان آنان هستیم.

۵۹ و پروردگار تو ویرانگر شهرها نباشد، تا این که پیامبری در مرکز آن برانگیزد، تا آیات ما را بر آنان بخواند. و ما ویرانگر شهرها نیستیم، مگر این که اهل آن ستمگر باشند.

٦٠ و هر چیزی که [در دنیا] به شما داده شد، [وسیلهٔ] بهره‌مندی [از] زندگی دنیا و پیرایهٔ آن باشد و آن چه نزد خداوند است، بهتر و پاینده‌تر باشد. آیا اندیشه و درک نمی‌کنید؟

٦١ آیا آن کس که ما به او وعده دادیم، وعده‌ای نیکو و به آن برسد، مانند کسی است که ما از کالای زندگی دنیا او را بهره‌مند ساختیم و پس از آن در روز قیامت از احضار شدگان [برای عذاب] است؟

٦٢ و روزی که [خداوند] آنان را بخواند، پس بگوید: «شریکانی که برای من می‌پنداشتید، کجا هستند؟»

٦٣ کسانی که [فرمان عذاب] بر آنان حق و سزاوار شد، گویند: «پروردگارا، کسانی که ما گمراهشان کردیم، اینان هستند. آنان را ما گمراه کردیم، همان گونه که خودمان گمراه بودیم. ما [رو] به سوی تو [از آنان] بیزاری می‌جوییم. آنان ما را نمی‌پرستیدند.»

٦٤ و گفته شود: «شریکانِ خویش را بخوانید!» پس آنان را بخوانند. آن گاه [دعوتِ] آنان را پاسخی ندهند و [آن گاه که] عذاب را ببینند، آرزو کنند که کاش راه یافته بودند.

٦٥ و روزی که [خداوند] آنان را بخواند، پس گوید: «به [دعوتِ] پیامبران چه پاسخ دادید؟»

٦٦ پس در آن روز خبرها بر آنان پوشیده شود. سپس آنان از یکدیگر پرسش نکنند.

٦٧ و اما آن کس که توبه کرد و ایمان آورْد و نیکوکاری نمود، پس شاید از رستگاران باشد.

٦٨ و پروردگارت آن چه را خواهد، بیافریند و برگزیند. و برای آنان (برای هیچ معبودی غیر از خداوند) اختیاری نباشد. پاکی خدای راست و از آن چه [برایش] شریک گیرند، برتر باشد.

٦٩ و پروردگارِ تو آن چه را که سینه‌هایشان پنهان می‌کند، و آن چه را که آشکار می‌نمایند، می‌داند.

٧٠ و او خداوند است که معبودی جز او نباشد. در آغاز و انجام (دنیا و آخرت) سپاس او راست و فرمان از آنِ اوست و به سویش بازگردانیده شوید.

۷۱ بگو: «خبر دهید مرا، اگر خداوند شب را تا روز قیامت بر شما همیشگی می‌کرد، کدام معبود جز خداوند برای شما روشنایی [روز را] می‌آورد؟ پس آیا [سخنانم را] نمی‌شنوید؟»

۷۲ بگو: «خبر دهید مرا، اگر خداوند روز را تا روز قیامت بر شما همیشگی می‌کرد، کدام معبود جز خداوند شب را برای شما می‌آورد، تا در آن آرام گیرید؟ پس آیا نمی‌بینید [و درک نمی‌کنید]؟»

۷۳ و از رحمت اوست که شب و روز را برای شما قرار داد، تا در آن (در شب) آرام گیرید و [در روز] از فضلش جستجو کنید. شاید شکر بگزارید.

۷٤ و روزی که [خداوند] آنان را ندا دهد، آن گاه گوید: «کجا هستند آن شریکانی که برای من می‌پنداشتید؟»

۷۵ و از هر ملّتی گواهی بیرون آوریم. سپس گوییم: «دلیل خود را بیاورید.» پس بدانند که بی‌تردید حق از آنِ خداوند است. و آن چه دروغ می‌بستند، از آنان دور (گم) شود.

۷٦ بی‌گمان «قارون» از قوم «موسی» بود. پس بر آنان ستم کرد. و ما به او گنج‌ها دادیم، آن‌قدر که کلیدهای آن بر گروهی که زورمند بودند، سنگین می‌آمد. آن گاه قوم او به وی گفتند: «[به این گنج] دلخوش و شادمان مباش. بی‌تردید خداوند [چنین] شادمانان را دوست ندارد.

۷۷ و در آن چه خداوند به تو داده است، سرای آخرت را جستجو کن و بهرهٔ خویش از دنیا را هم از یاد مبر. و نیکویی کن، همان گونه که خداوند به تو نیکویی کرده است و در زمین به دنبال فساد مرو. بی‌تردید خداوند فسادکاران را دوست ندارد.»

۷۸ [«قارون»] گفت: «آن چه به من داده شده است، [بنا] بر علمی است که نزد منست.»
آیا او نمی‌دانست که خداوند پیش از او کسانی از نسل‌هایی را هلاک کرد، که از
نظر نیرو از او قوی‌تر بودند و مقدار [ثروتشان و] آن چه گردآوری می‌کردند، از او
فزون‌تر بود؟ و از مجرمان در مورد گناهانشان پرسش نشود.
۷۹ پس [«قارون»] بر قوم خویش با پیرایهٔ زیورهای خود بیرون آمد. کسانی که دنیاخواه
بودند، گفتند: «ای کاش مانندِ آن چه به «قارون» داده شد، ما هم می‌داشتیم. به راستی
او بهرهٔ (ثروتِ) عظیمی [از دنیا] دارد.»
۸۰ و کسانی که به آنان دانش داده شد، گفتند: «وای بر شما! پاداش خداوند برای کسی
که ایمان آورْد و نیکوکاری کرد، بهتر است.» و جز شکیبایان به آن [پاداش بهتر]
نرسند.
۸۱ پس او را و خانه‌اش را در زمین فرو بردیم. و برایش در برابر خداوند گروهی نبود،
تا یاریش کند. و نمی‌توانست خویشتن را یاری دهد.
۸۲ و کسانی که مقام دیروزِ او را آرزو داشتند، شروع کردند به گفتنِ: «وای! گوئیا
خداوند روزی را بر آن کس از بندگان خویش که خواهد، می‌گستراند و اندازه
می‌کند. اگر چنین نبود که خداوند بر ما منت نهاد، بی‌تردید ما را در زمین فرو برده
بود. وای! گویی کافران رستگار نشوند.»
۸۳ این سرای آخرت است که ما آن را برای کسانی قرار دادیم، که نه می‌خواهند روی
زمین تکبر ورزند و نه فساد کنند. و سرانجام [نیکو] برای پرهیزکاران باشد.
۸٤ هر کس خوبی آورد، بهتر از آن برای او باشد. و هر کس بدی آورد، پس کسانی که
کارهای بد انجام دادند، جز به آن چه انجام می‌دادند، کیفر نشوند.

۸۵ بی‌تردید آن کس که «قرآن» را بر تو بایسته داشت (واجب داشت)، تو را به بازگشتگاه باز می‌گرداند. بگو: «پروردگار من به کسی که هدایت را آورده و به کسی که در گمراهی آشکاری است، داناتر است.»

۸٦ و تو امیدوار نبودی که این «کتاب» بر تو فرود آید، مگر آن که رحمتی از سوی پروردگارت است. پس تو پشتیبان کافران مباش.

۸۷ و [کافران] تو را از آیات خداوند پس از آن که بر تو فرود آمد، بازندارند. و به سوی پروردگارت دعوت کن و از مشرکان مباش.

۸۸ و با خداوند معبود دیگری مخوان. جز او معبودی نباشد. همه چیز نابود شدنی است، جز وجود (وجه) او. فرمان از آنِ اوست و به سوی او بازگردانده می‌شوید.

سورهٔ عنکبوت (تَنَنده) مکّی

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ الف. لام. میم.

۲ آیا مردم پنداشتند که چون گویند: «ایمان آوردیم» [به حال خود] رها می‌شوند و آزمون نمی‌شوند؟

۳ و به راستی کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم، تا خداوند کسانی را که راست گفتند، بشناساند و دروغگویان را بشناساند.

٤ آیا کسانی که بدی‌ها می‌کنند، می‌پندارند که بر ما پیشی می‌گیرند؟ چه بد است آن داوری که می‌کنند!

۵ آن کس که به دیدار خداوند امیدوار است، بی‌تردید وقتِ معهودِ خداوند آمدنی است. و او شنوای داناست.

٦ و آن کس که جهاد کند، بی‌تردید برای نَفْس خویشتن جهاد کرده است. بی‌گمان خداوند از جهانیان بی‌نیاز است.

۷ و کسانی که ایمان آوردند و نیکوکاری نمودند، بدی‌های آنان را از آنان بزداییم و آنان را بر پایهٔ نیکوترینِ آن چه می‌کردند، پاداش دهیم.

۸ و به انسان سفارش کردیم که به پدرش و مادرش نیکی کند و اگر آن دو بکوشند تا تو شریکی برای من بگیری، در آن چه به آن دانشی نداری، از آنان اطاعت مکن. بازگشتِ شما به سوی من باشد و شما را به آن چه می‌کردید، آگاه سازم.

۹ و کسانی که ایمان آوردند و نیکوکاری کردند، البته آنان را در [زمرهٔ] نیکوکاران درآوریم.

۱۰ و از مردم کسی باشد که می‌گوید: «به خداوند ایمان آوردیم.» پس آن گاه که در راه خداوند آزار بیند، فتنهٔ مردم را مانند عذاب خداوند بداند. و اگر از سوی پروردگارت یاری آید، گویند: «بی‌تردید ما با شما بودیم.» آیا خداوند به آن چه در سینهٔ جهانیان است، داناتر نیست؟

۱۱ و البته خداوند کسانی را که ایمان آوردند، می‌شناسد. و البته دورویان را [هم] می‌شناسد.

۱۲ و کسانی که کافر شدند، به کسانی که ایمان آوردند، گفتند: «از راه ما پیروی کنید. ما گناهانِ شما را به دوش می‌کشیم.» و آنان از گناهان ایشان چیزی بر دوش نکشند. بی‌تردید آنان دروغگو باشند.

۱۳ و آنان بارهای خویش را به دوش کشند و بارهایی [دیگر] را با بارهای خودشان [به دوش کشند]. و در روز قیامت از آن چه دروغ می‌بستند، بازخواست خواهند شد.

۱۴ و به راستی «نوح» را به سوی قومش فرستادیم. و [او] در میان آنان هزار سال –جز پنجاه سال– بماند (نهصد و پنجاه سال). پس توفان آنان را فرا گرفت و آنان ستمکار بودند.

۱۵ پس [ما] او و ساکنان کشتی را نجات دادیم. و آن را نشانه‌ای برای جهانیان قرار دادیم.

۱٦ و «ابراهیم» را [فرستادیم]. آن گاه که به قوم خویش گفت: «خداوند را عبادت کنید و از او بیمناک باشید. این برای شما بهتر است. اگر می‌دانستید.»

۱۷ جز این نباشد که [شما] غیر از خداوند، بت‌هایی را عبادت می‌کنید و دروغ می‌سازید. بی‌تردید آنان که به جز خداوند عبادتشان می‌کنید، مالک رزقی برای شما نمی‌باشند. پس رزق را نزد خداوند بجویید. و او را عبادت کنید. و او را شکر بگزارید، که به سوی او بازگردانده می‌شوید.

۱۸ و اگر تکذیب کنید، پس ملّت‌هایی که پیش از شما بودند، [نیز] تکذیب کردند. و بر پیامبر جز رساندن پیام آشکار [خداوند] نباشد.

۱۹ آیا ندیده‌اند که خداوند آفرینش را چگونه آغاز می‌کند؟ سپس آن را بازمی‌گرداند. بی‌تردید این برای خداوند آسان است.

۲۰ بگو: «در زمین سفر کنید و بنگرید که [خداوند] چگونه آفرینش را آغاز کرد.» آن گاه خداوند آخرت را بیافریند. بی‌تردید خداوند بر همه چیز تواناست.

۲۱ هر کس را بخواهد، عذاب کند. و بر هر کس بخواهد، رحم کند. و به سوی او بازگردانده می‌شوید.

۲۲ و شما عاجزکنندگانِ خداوند [نه] در زمین و نه در آسمان نیستید (از عذاب خداوند گریزی ندارید). و جز خداوند برای شما دوست و سرپرست و یاوری نیست.

۲۳ و کسانی که به آیات خداوند و دیدارش کافر شدند، از رحمت من نومیدند. و بی‌تردید برای آنان عذابی دردناک باشد.

۲٤ پس پاسخ قوم او (قوم «ابراهیم») جز این نبود که گفتند: «او را بکشید، یا او را بسوزانید.» سپس خداوند او را از آتش رهانید. بی‌تردید در آن نشانه‌هایی است برای قومی که ایمان دارند.

۲٥ و [«ابراهیم»] گفت: «جز این نباشد که شما در دنیا غیر از خداوند، بت‌هایی را [به خدایی] گرفتید به خاطر دوستی‌تان در زندگی دنیا. سپس روز قیامت منکر یکدیگر شوید و یکدیگر را لعنت کنید. و جایگاهتان دوزخ باشد. و شما را هیچ یاوری نباشد.»

۲٦ پس «لوط» به او ایمان آورد. و گفت: «بی‌گمان من به سوی پروردگارم هجرت می‌کنم. بی‌تردید او عزیز حکیم است.»

۲۷ و ما «اسحاق» و «یعقوب» را به او («ابراهیم») بخشیدیم و در خاندانش پیامبری و «کتاب» را قرار دادیم. و پاداش او را در دنیا به او دادیم. و بی‌تردید او در آخرت از شایستگان باشد.

۲۸ و «لوط» را [فرستادیم]. آن گاه که به قوم خویش گفت: «بی‌گمان شما فحشایی می‌کنید، که هیچ کس از جهانیان در آن بر شما پیشی نگرفته است.

۲۹ آیا شما با مردها درمی‌آیید (همبستر می‌شوید) و راه [ادامه] نسل را می‌برید و کار زشت را در انجمن خویش (همگی با هم و در برابر هم) به عمل می‌آورید؟» و پاسخ قوم او جز این نبود که گفتند: «عذاب خداوند را بر ما بیاور، اگر از راستگویان هستی!»

۳۰ [«لوط»] گفت: «پروردگارا، مرا بر گروه فسادکاران یاری ده.»

۳۱ و آن گاه که فرستادگانِ ما با مژده نزد «ابراهیم» آمدند، گفتند: «ما هلاک‌کنندگانِ اهل این شهریم، که ساکنانش ستمکار بوده‌اند.»

۳۲ [«ابراهیم»] گفت: «بی‌تردید «لوط» در آن جا است.» گفتند: «ما به آن کس که در آن جا است، داناتر باشیم. البته او و خاندانش را نجات دهیم، جز زنش که از بازماندگان [و هلاک‌شدگان] خواهد بود.»

۳۳ و آن گاه که فرستادگانِ ما نزد «لوط» آمدند، او از وجودِ آنان اندوهگین و به خاطرِ آنان دلتنگ گردید. آنان گفتند: «نترس و اندوهگین مشو. بی‌تردید ما نجات‌دهندهٔ تو و خاندان تو هستیم، جز زنت که از باقی‌ماندگان باشد.»

۳٤ بی‌گمان ما بر ساکنان این شهر از آسمان به سبب آن نافرمانی و تبهکاری که می‌کردند، عذابی فرود آوریم.»

۳۵ و به راستی از آن نشانه‌ای روشن (گویا) برای گروهی که اندیشه و درک کنند، باقی گذاشتیم.

۳٦ و به سوی [قومِ] «مَدْیَن» برادرشان «شُعَیب» را [فرستادیم]. پس او گفت: «ای قوم من، خداوند را عبادت کنید و به روز قیامت امیدوار باشید و در زمین در فسادکاری کوشش نکنید.»

۳۷ پس او را تکذیب کردند. سپس زلزله آنان را فرا گرفت. آن گاه در خانه‌های خویش مرده افتادند.

۳۸ و «عاد» و «ثمود» را [هلاک ساختیم] و [نابودی‌شان از] جایگاه‌های زندگی‌شان برای شما آشکار است. و شیطان کردارشان را برایشان آراست. پس آنان را از راه [راستْ] بازداشت، در حالی که بینا بودند.

۳۹ و «قارون» و «فرعون» و «هامان» را [هلاک کردیم]. و البته «موسی» نشانه‌های روشن
برای آنان آورد. پس آنان در زمین تکبّر ورزیدند و [بر ما از عذاب الهی] پیشی نگرفتند.
٤۰ پس هر یک را به گناهش گرفتیم. پس، از آنان کسی بود که بر او سنگریزه فرستادیم
و از آنان کسی بود که او را «صیحه» فرا گرفت. و از آنان کسی بود که او را به زمین
فرو بردیم و از آنان کسی بود که او را غرق کردیم. و خداوند بر آنان ستم نکرد، و
لیکن [خودِ] آنان، بر خویشتن ستم می‌کردند.
٤۱ مَثَلِ آنان که غیر از خداوند دوستان و سرپرستانی گرفتند، مانند مَثَلِ عنکبوت است،
که خانه‌ای گرفت. و بی‌تردید سست‌ترین خانه‌ها، خانهٔ عنکبوت باشد. اگر می‌دانستند.
٤۲ بی‌تردید خداوند آن چه را که آنان غیر از او می‌خوانند، می‌داند. و او عزیز حکیم
است.
٤۳ و ما این مَثَل‌ها را برای مردمان می‌زنیم. و آن را جز دانایان درک نمی‌کنند.
٤٤ خداوند آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید. بی‌تردید در آن نشانه‌ای برای مؤمنان
باشد.
٤٥ آن چه را که از «کتاب» به تو وحی می‌شود، بخوان و نماز را بپا دار. بی‌تردید نماز
از فحشا (کار ناشایست) و ناپسند باز می‌دارد. و البته یاد کردنِ خداوند، بزرگ‌تر
باشد. و خداوند آن چه را که می‌کنید، می‌داند.

٤٦ و با اهل کتاب جز به راهی که آن [راه] نکوتر باشد، جرّ و بحث (مجادله) مکنید، جز با کسانی از آنان که ستم کردند. و بگویید: «به آن چه به سوی ما فرو فرستاده شده و [به آن چه] به سوی شما فرو فرستاده شد، ایمان آوردیم. و معبود ما و معبود شما یکی است. و ما تسلیمِ [فرمانِ] او هستیم.»

٤٧ و بدینسان «کتاب» را به سوی تو فرو فرستادیم. پس کسانی که به آنان «کتاب» دادیم، به آن («قرآن») ایمان می‌آورند. و از میان آنان کسی باشد که به آن ایمان می‌آورد. و آیات ما را جز کافران انکار نکنند.

٤٨ و تو قبل از آن هیچ کتابی نمی‌خواندی و نوشته‌ای با دست خویش نمی‌نوشتی که در آن هنگام البته باطل‌گویان شک می‌آوردند.

٤٩ [نه] بلکه آن آیات روشنی باشد در سینهٔ کسانی که به آنان دانش داده شد. و جز ستمکارانْ آیات ما را انکار نکنند.

٥٠ و گفتند: «چرا بر او نشانه‌هایی از [سوی] پروردگارش فرو فرستاده نشود؟» بگو: «جز این نباشد که نشانه‌ها نزد خداوند باشد. و من فقط بیم‌دهنده‌ای آشکار هستم.»

٥١ آیا برای آنان کافی نیست که ما «کتاب» را بر تو فرو فرستادیم، که بر آنان خوانده می‌شود؟ بی‌تردید در آن رحمتی و پندی برای گروهی که ایمان دارند، می‌باشد.

٥٢ بگو: «خداوند کافی است که میان من و شما گواه باشد. او آن چه را که در آسمان‌ها و زمین است، می‌داند.» و کسانی که به باطل ایمان آوردند و به خداوند کافر شدند، آنان خود زیانکار باشند.

٥٣ و با شتاب عذاب را از تو می‌خواهند. و اگر اجلی (وقتی و سرآمدی) معین وجود نداشت، بی‌تردید عذاب بر آنان می‌آمد. و البته بر آنان ناگاه بیاید، در حالی که آنان نفهمند.

٥٤ با شتاب عذاب را از تو می‌خواهند. و بی‌تردید دوزخ احاطه‌کنندهٔ کافران باشد.

٥٥ روزی که عذاب، آنان را از فرازشان و از زیر پایشان فراگیرد و [خداوند] گوید: «آن چه را که می‌کردید، بچشید!»

٥٦ ای بندگان من که ایمان آوردید، بی‌تردید زمین من گسترده است. پس فقط مرا عبادت کنید.

٥٧ هر نَفْسی مرگ را خواهد چشید. سپس به سوی ما بازگردانیده می‌شوید.

٥٨ و کسانی که ایمان آوردند و نیکوکاری کردند، البته آنان را در غرفه‌هایی از بهشت مکان دهیم، که از زیر آن جویبارها جاریست. در آن جاودانه‌اند. پاداش عمل‌کنندگان چه نیکوست!

٥٩ کسانی که شکیبا باشند و بر پروردگارِ خویش توکل کنند.

٦٠ و بسا جنبنده‌ای که روزیِ خود را حمل نمی‌کند. خداوند آن را و شما را رزق و روزی می‌دهد. و او شنوای داناست.

٦١ و اگر از آنان بپرسی: «آسمان‌ها و زمین را چه کسی آفرید و خورشید و ماه را فرمانبردار کرد (مسخّر کرد)؟» گویند: «خداوند.» پس چگونه از حق گردانده می‌شوند؟

٦٢ خداوند برای هر کس از بندگانش که بخواهد، رزق و روزی را می‌گستراند و آن را اندازه می‌کند. بی‌تردید خداوند به همه چیز داناست.

٦٣ و اگر از آنان بپرسی که چه کسی آب را از آسمان فرو فرستاد و زمین را پس از مرگش به آن زنده کرد؟ البته گویند: «خداوند». بگو: «حمد و سپاس خدای راست.» بلکه بیش‌ترِ آنان اندیشه و درک نمی‌کنند.

٦٤ و این زندگیِ دنیا جز هوسرانی و بازی نباشد. و بی‌تردید سرای آخرت [سرای] زندگانی است. اگر می‌دانستند.

٦٥ پس آن گاه که در کشتی سوار می‌شوند، خداوند را با پاکی دین و اخلاص می‌خوانند. و زمانی که خداوند آنان را به سوی خشکی نجات داد، آن گاه آنان [برای خداوند] شریک می‌گیرند.

٦٦ تا به آن چه به آنان دادیم، کافر شوند و تا [مدتی] کامیاب گردند. پس به زودی خواهند دانست.

٦٧ آیا ندیده‌اند که [«مکّه» را] حرم امنی قرار دادیم و حال آن که از پیرامونشان آدم‌ربایی‌ها شود [امّا ما آن را ایمن کردیم]. آیا به باطل ایمان می‌آورند و به نعمتِ خداوند کافر می‌شوند؟

٦٨ و کیست ستمکارتر از آن کس که بر خداوند به دروغ افترا بست، یا حق را که برایش آمد، تکذیب کرد؟ آیا در دوزخ برای کافران جایگاهی نیست؟

٦٩ و کسانی که در [راهِ] ما جهاد کنند، البته ما آنان را به راه‌های خودمان هدایت کنیم. و بی‌تردید خداوند با نیکوکاران است.

مکّی

سورهٔ روم

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ الف. لام. میم.

۲ رومیان شکست خوردند.

۳ در نزدیک‌ترین سرزمین. و آنان پس از شکست خوردنشان به زودی پیروز شوند.

٤ در ظرف چند سال [پیروز شوند]. فرمانْ خدای راست. پیش از آن (پیروزیِ پارسیان) و پس از آن (پیروزیِ رومیان) و در آن روز مؤمنان شادمان شوند،

٥ به یاری خداوند. [خداوند] هر کس را که می‌خواهد، یاری دهد. و او عزیز مهربان است.

٦ [این] وعدهٔ خداوند است. خداوند در وعدهٔ خویش خلاف نکند. و لیکن بیش‌ترِ
مردم نمی‌دانند.
۷ [آنان] فقط رویی (ظاهری) از زندگیِ دنیا را می‌دانند [و می‌شناسند] و آنان از
آخرت ناآگاهند.
۸ آیا در نَفْسِ خودشان اندیشه نمی‌کنند [تا پی ببرند] که خداوند آسمان‌ها و زمین و
آن چه را که میان آن دو است، جز به حق و تا اجلی (وقتی) معین نیافرید؟ و
بی‌تردید بسیاری از مردم به دیدار پروردگارشان کافرند.
۹ آیا در زمین سفر نکردند، تا بنگرند که سرانجامِ کسانی که پیش از آنان بودند،
چگونه بود؟ [حال آن که] از نظر قدرت از آنان نیرومندتر بودند. و آنان زمین را
شخم زدند (کاویدند) و آن را آباد کردند، بیش‌تر از آن چه [این کافران] آباد نمودند.
و پیامبرانِ آنان دلایلِ روشن برایشان آوردند. پس خداوند بر آن نبود که به آنان ستم
کند. و لیکن خود آنان بر خویشتن ستم می‌کردند.
۱۰ پس سرانجامِ کسانی که بدی کردند، بد بود. زیرا آیات خداوند را تکذیب کردند و
آن را استهزا می‌نمودند.
۱۱ خداوند آفرینش را آغاز می‌کند. سپس آن را باز می‌گرداند. آن گاه به سویش
بازگردانده می‌شوید.
۱۲ و روزی که قیامت بر پا گردد، گناهکاران نومید گردند.
۱۳ و [در آن روز] برای آنان از شریکانشان هیچ شفاعت کننده‌ای نباشد. و آنان
(مشرکان) به شریکانشان کافر شوند.
۱٤ و روزی که قیامت بر پا گردد، آن روز [آنان] از یکدیگر پراکنده شوند.
۱۵ و امّا کسانی که ایمان آوردند و نیکوکاری کردند، آنان در باغی [از بهشت] شادمان
باشند.

۱٦ و امّا کسانی که کافر شدند و آیات ما را و دیدار آخرت را دروغ پنداشتند، آنان در عذاب احضار شوند.

۱۷ پس پاک و منزّه است خداوند (خداوند را به پاکی ستایش کنید) هنگامی که به شامگاه می‌رسید و هنگامی که به بامداد می‌رسید.

۱۸ و حمد و سپاس او راست در آسمان‌ها و زمین و [هنگامِ] شب و هنگامی که به نیمروز (ظهر) درآیید.

۱۹ [اوست که] زنده را از مرده بیرون می‌آورد و مرده را از زنده بیرون می‌آورد و زمین را پس از مرگش زنده می‌سازد. و بدینسان شما [از خاک] بیرون آورده شوید.

۲۰ و از نشانه‌های [خدایی] اوست، که شما را از خاک آفرید، آن گاه شما بشری شدید، که [روی زمین] پراکنده شدید.

۲۱ و از نشانه‌های [خدایی] اوست، که برای شما از خودتان جفت‌هایی (همسرانی) آفرید، تا با آنان آرامش بگیرید و میان شما دوستی و مهربانی قرار داد. بی‌تردید در آن نشانه‌هایی است برای گروهی که اندیشه کنند.

۲۲ و آفرینشِ آسمان‌ها و زمین و اختلافِ زبان‌های شما و رنگ‌های [پوست] شما از نشانه‌های [خدایی] او باشد. بی‌تردید در آن نشانه‌هایی برای دانایان است.

۲۳ و خفتن شما به شب و روز و از فضلشْ طلبِ روزی کردن [نیز] از نشانه‌های [خدایی] اوست. بی‌تردید در آن نشانه‌هایی باشد برای گروهی که [سخن حق را] می‌شنوند.

۲٤ و از نشانه‌های [خدایی] اوست، که برق را برای بیم و امید به شما می‌نمایاند. و از آسمان آبی می‌باراند و به آن زمین را پس از مرگش زنده می‌کند. بی‌تردید در آن نشانه‌هایی است برای گروهی که می‌فهمند.

۲۵ و از نشانه‌های [خدایی] اوست، که آسمان و زمین به فرمانش بر پا و برقرار است. پس آن گاه که شما را از زمین به دعوتی [برای قیامت] بخواند، ناگاه شما بیرون می‌آیید.

۲٦ و هر که در آسمان‌ها و زمین است، از آنِ اوست. همه برایش فروتن [و فرمانبردار] باشند.

۲۷ و اوست آن کس که آفرینش را آغاز می‌کند. آن گاه آن را بازمی‌گرداند. و برایش آن [کار] آسان‌تر باشد. و برترین مَثَل در آسمان‌ها و زمین از آنِ او باشد. و او عزیز حکیم است.

۲۸ [خداوند] برای شما از خودتان مَثَلی زد: آیا در آن چه به شما روزی دادیم، از کسانی که صاحب اختیارِ آن‌ها هستید شریکانی دارید، که در آن [نعمت‌ها با هم] برابر باشید؟ و از آنان همان گونه که از خودتان (یکدیگر) بیمناکید، بیمناک باشید؟ بدینسان آیات را برای گروهی که می‌اندیشند و می‌فهمند، به تفصیل بیان می‌داریم.

۲۹ [نه] بلکه کسانی که ستم کردند، از هوس‌های خویش بی‌هیچ دانشی پیروی نمودند. و کسی را که خداوند گمراه سازد، کیست که هدایت نماید؟ و برای آنان یاری‌دهندگانی نباشد.

۳۰ پس رویْ و توجهِ خویش را با گرایشِ تمام –به حق– به سوی دین کن در حالی که ملازمِ فطرتِ الهی باشی که مردم را بر آن آفریده است. و آفرینش خداوند را دگرگونی نباشد. این دین درست و پایدار است. و لیکن بیش‌ترِ مردم نمی‌دانند.

۳۱ به سویش توبه‌کنان آیید و از [عذابِ] او بپرهیزید (تقوا در پیش گیرید) و نماز را بپا دارید و از مشرکان نباشید.

۳۲ [مباشید] از آنان که دین خود را پراکنده (فرقه فرقه) ساختند و گروه گروه (پیرو این و آن، و حزب حزب) شدند. و هر گروهی (حزبی) به آن چه نزد خویش (در اختیار) دارد، شادمان است.

۳۳ و آن گاه که مردم را آسیبی رسد، پروردگارشان را در حالی که به سوی او توبه می‌کنند، می‌خوانند و آن گاه که از رحمت خویش آنان را بچشاند، سپس گروهی از آنان برای پروردگارشان شریک گیرند،

۳٤ تا به آن چه ما به آنان داده‌ایم، کفران کنند. پس [ای کافران مدتی] بهره‌مند باشید. سپس به زودی [عاقبت آن را] خواهید دانست.

۳۵ آیا بر آنان برهانی محکم فرو فرستادیم، که از آن چه آنان با او (خداوند) شریک می‌گرفتند، سخن گوید؟

۳٦ و آن گاه که به مردم رحمتی بچشانیم، به آن [رحمت] شادمان شوند. و اگر به آنان –به سبب آن چه دستانشان از قبل فرستاد– بدی رسد، آنان ناگاه نومید گردند.

۳۷ آیا ندیده‌اند که خداوند برای هر کس خواهد، رزق را بگستراند و اندازه می‌کند؟ در آن نشانه‌هایی باشد برای گروهی که ایمان دارند.

۳۸ پس حقِ خویشاوندان و بینوایان و در راه‌ماندگان را بده. این برای کسانی که خوشنودیِ خداوند را خواهند، بهتر است. و آنان رستگار شوند.

۳۹ و از ربا آن چه می‌دهید، تا در اموالِ مردم افزوده شود، پس نزد خداوند افزون نشود. و [امّا] آن چه زکات می‌دهید، که خوشنودی خداوند را بخواهید، پس آنانند که دو چندان فزونی یابند.

٤۰ خداوند کسی است که شما را آفرید. سپس به شما روزی داد. آن گاه شما را بمیراند. بعد شما را زنده کند. آیا از شریکان (معبودان) شما چه کسی است که چیزی از چنین کارها کند؟ پاکی او راست. و او از آن چه [برایش] شریک می‌گیرند، برتر است.

٤۱ فساد در خشکی و دریا به سببِ آن چه دستانِ مردم کسب کرد (دستاوردشان) پدید آمد. تا [خداوند جزای] برخی از اعمالشان را به آنان بچشاند. شاید آنان [به سوی حق] بازگردند.

٤٢ بگو: در زمین سفر کنید و بنگرید که سرانجامِ کسانی که پیش از این بودند، چگونه بود. بیش‌ترشان مشرک بودند.

٤٣ پس روی خویش را به سوی دین درست و پایدار استوار کن. پیش از آن که روزی رسد که آن را از سوی خداوند بازگشتی نباشد. در آن روز [مردم] پراکنده (جدا) گردند.

٤٤ کسی که کافر شود، پس کفرش بر خودش باشد. و آن کس که نیکی کند، پس [آنان] برای خودشان [جایگاهِ نیکی] آماده می‌سازند.

٤٥ تا [خداوند] از فضلِ خویش کسانی را که ایمان آوردند و نیکی کردند، پاداش دهد. بی‌گمان او (خداوند) کافران را دوست ندارد.

٤٦ و از نشانه‌های [خداییِ] اوست، که بادها را مژده‌بخش می‌فرستد و تا شما را از رحمتِ خویش بچشاند و تا کشتی‌ها به فرمانش روان گردند و تا [شما] از فضلش [نعمت] جویید. و شاید شکرگزار شوید.

٤٧ و پیش از تو، به سوی قومِ آنان پیامبرانی فرستادیم، که دلایلِ روشنی برایشان آوردند. پس، از کسانی که گناه کردند، انتقام گرفتیم و یاریِ مؤمنان بر ما حق باشد.

٤٨ خداوند کسی است که بادها را می‌فرستد. پس ابرها را برانگیزند. و آن را در آسمان آن گونه که خواهد بگستراند و آن را متراکم می‌کند، پس باران را می‌بینی که از میانِ آن بیرون می‌آید. پس آن گاه آن را بر هر کس از بندگانش که خواهد، برساند. آن گاه آنان شادمان شوند.

٤٩ و هر چند که پیش از نزول [باران] بر آنان نومید بودند.

٥٠ پس به آثارِ رحمت خداوند نگاه کن، که چگونه زمین را پس از مرگش زنده می‌کند. بی‌تردید او زنده‌سازِ مردگان باشد. و او بر همه چیز تواناست.

۵۱ و اگر بادی بفرستیم، پس آن (کشتزار خودِ) را زردفام ببینند، بعد از آن کفران کنند.

۵۲ پس بی‌تردید تو مردگان را نشنوانی. و کران آن گاه که پشت‌کنان بازگردند، صدای دعوت را به گوشِ آنان نتوانی رساند.

۵۳ و تو راهنمای کوران از گمراهیشان نیستی. و نشنوانی، مگر کسانی را که به آیات ما ایمان می‌آورند. پس آنان تسلیم شدگانند (مسلمان باشند).

۵٤ خداوند کسی است که شما را از سستی (چیزی سست) آفرید. آن گاه پس از ناتوانی، شما را توانایی داد. آن گاه پس از توانایی، ناتوانی و پیری برایتان مقرّر داشت. او هر چه خواهد، می‌آفریند و او دانای تواناست.

۵۵ و روزی که قیامت بر پا گردد، گناهکاران (مجرمان) سوگند یاد کنند که جز ساعتی درنگ نکردند. بدینسان از حق برگردانده می‌شدند.

۵٦ و کسانی که به آنان دانش و ایمان داده شد، گفتند: «البته شما در «کتاب» خداوند تا روزِ برانگیختن درنگ کردید. اینک روز قیامت است. و لیکن شما [این حقیقت را] نمی‌دانستید.»

۵۷ پس در آن روز کسانی که ستم کردند، پوزششان سودشان ندهد و نه از ایشان خواسته شود که [با توبه] طلب رضای خدا کنند.

۵۸ و به یقین در این «قرآن» برای مردم از هر گونه مَثَلی زدیم. و اگر برای آنان نشانه‌ای [از سوی خدا] بیاوری، کسانی که کافر شدند، البته گویند: «شما جز باطل‌گویان نباشید.»

۵۹ بدینسان خداوند بر دل‌های آنان که [حقیقت را] نمی‌دانند، مُهر می‌زند.

٦۰ پس شکیبایی کن. بی‌تردید وعدهٔ خداوند حق باشد. و آنان که [به قیامت] یقین ندارند، سبب نشوند که آن را سبک بگیری.

مکّی

سورهٔ لقمان

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ الف. لام. میم.

۲ این آیات «کتاب» («قرآن») با حکمت است.

۳ هدایتی و رحمتی برای نیکوکاران می‌باشد.

٤ کسانی که نماز را بپا می‌دارند و زکات می‌دهند و خود به آخرت یقین دارند.

٥ آنان بر هدایتی از [سوی] پروردگارشان می‌باشند و آنانند که رستگارند.

٦ و از مردم کسی باشد که داستان‌های بیهوده را خریدار است، تا بدون دانش [مردم را] از راه خداوند گمراه سازد و [آیات خداوند را] به استهزا می‌گیرد. آنان هستند که برایشان عذابی خوارساز باشد.

۷ و آن گاه که آیات ما بر او خوانده شود، تکبّرکنان رویْ‌بگرداند. گویی هرگز آن را نشنیده است. پنداری در دو گوشش سنگینی است. پس او را به عذابی دردناک خبر بده.

۸ بی‌تردید کسانی که ایمان آوردند و نیکوکاری کردند، برایشان باغ‌های پُر نعمت باشد.

۹ در آن جاودانه‌اند. وعدهٔ خداوند حق است. و او عزیز حکیم است.

۱۰ آسمان‌ها را بدون ستون‌هایی که آن را ببینید، آفرید و کوه‌ها را در زمین درافکند (برافراشت) که [زمین از لرزش خود] شما را نلرزاند. و در آن از هر جنبنده‌ای [جفتی] پراکنده ساخت. و از آسمان آبی فرو فرستادیم، پس در آن از هر [گیاهی] جفتی نیکو رویاندیم.

۱۱ آفرینشِ خداوند اینست. پس به من نشان دهید که کسانی غیر از او چه آفریده‌اند؟ [نه] بلکه ستمکاران در گمراهیِ آشکاری هستند.

۱۲ و به یقین به «لقمان» حکمت دادیم. [و گفتیم:] «خداوند را شکر بگزار.» و هر کس شکر [خدا] کند، بی‌تردید به سود خودش شکر کرده است. و هر کس کفر ورزد، پس بی‌تردید خداوند بی‌نیازِ ستوده است.

۱۳ و آن گاه که «لقمان» به پسر خود در حالی که او را پند می‌داد گفت: «ای پسرم، به خداوند شرک میاور. بی‌تردید شرکْ ستمی عظیم است.»

١٤ و ما به انسان نسبت به پدر و مادرش توصیه و سفارش کردیم. مادرش به او باردار شود. [در هنگام بارداری] ناتوانی بر ناتوانی [او افزوده گردد]. و او را در [مدتِ] دو سال [شیر دهد و] از شیر بازگیرد. [و گفتیم:] «مرا و پدر و مادرت را شکر کن، که بازگشت [همگی] به سوی من باشد.

۱۵ و اگر آن دو (پدر و مادرت) بکوشند تا تو چیزی را که بر آن دانشی نداری، برای من شریک بگیری، [در این باره] از آنان اطاعت مکن. و در دنیا با آنان به نیکی زندگی کن. و راهِ آن کس را پیروی کن، که به سوی من بازگشت کند [و توبه کند]. سپس بازگشت شما به سوی من باشد. پس شما را به آن چه می‌کردید، آگاه سازم.»

١٦ [«لقمان» به پسرش] گفت: «ای پسرم، بی‌تردید اگر [کردار تو] به وزن یک دانهٔ خردل باشد، و آن در دلِ یک سنگ باشد، یا در آسمان‌ها یا در زمین باشد، خداوند آن را [به حساب] می‌آورد. بی‌تردید خداوند لطیف و آگاه است.

۱۷ ای پسرم، نماز را بپا دار و [مردم را] امر به کار نیک کن و از کارِ بد باز دار. و بر آن چه به تو برسد، شکیبایی کن. بی‌تردید این از کارهای استوار [و قطعی] است.

۱۸ و از روی تکبّر روی خویش را از مردم برنگردان. و در زمین به خودکامگی و نخوت راه مرو. بی‌تردید خداوند هیچ نازشگر (متکبر) خودپسندی را دوست ندارد.

۱۹ و در رفتار میانه‌رو باش. و از [آهنگِ بلندِ] صدای خویش بکاه. بی‌تردید ناپسندترین صداها صدای خران باشد.»

۲۰ آیا نمی‌نگرید که خداوند آن چه را که در آسمان‌ها و آن چه را که در زمین است، برای شما رام ساخت و نعمت‌های پیدا و پنهان خود را بر شما فراوان کرد؟ و از مردم کسی باشد که در [موردِ] خداوند بدون دانش و هدایت و کتابی روشن کشمکش می‌کند.

۲۱ و آن گاه که به آنان گفته شود: «از آن چه خداوند فرو فرستاد، پیروی کنید.» گویند: «[نه] بلکه از آن چه پدران خود را بر [اجرای] آن یافتیم، پیروی می‌کنیم.» هر چند که شیطان آنان را به عذابِ آتشِ سوزان بخواند؟

۲۲ و آن کس که روی خویش را به تسلیم و فرمانبرداری به سوی خداوند آورد و نیکوکار باشد، پس به یقین به دستاویزی استوارتر دست آویخته است. و سرانجامِ کارها به سوی خداوند باشد.

۲۳ و آن کس که کافر شد، کفرش تو را اندوهگین نکند. بازگشتِ آنان به سوی ما باشد. و به آن چه می‌کردند، آگاهشان سازیم. بی‌گمان خداوند به آن چه درون سینه‌هاست، داناست.

۲٤ آنان (کافران) را [در دنیا] اندکی بهره‌مند گردانیم. سپس آنان را به عذابی سخت گرفتار سازیم.

۲۵ و اگر از آنان بپرسی: «آسمان‌ها و زمین را چه کسی آفرید؟» البته گویند: «خداوند.» بگو: «سپاس خدای راست.» بلکه بیش‌ترشان نمی‌دانند.

۲٦ آن چه در آسمان‌ها و زمین است، از آنِ خداوند است. بی‌تردید خداوند است که بی‌نیاز ستوده است.

۲۷ و اگر آن چه از درخت در زمین است، قلم شود و دریا را پس از آن هفت دریای دیگر یاری دهد [که همه مرکب باشند، تا سخنان خداوند را بنویسند] سخنان خداوند پایان نیابد. بی‌تردید خداوند عزیز حکیم است.

۲۸ آفرینش و برانگیختنِ شما جز مانندِ [آفرینشِ] یک تن نباشد. بی‌تردید خداوند شنوای بیناست.

۲۹ آیا نمی‌نگری که خداوند شب را در روز فرو می‌برد و روز را در شب فرو می‌برد و آفتاب و ماه را رام گردانید؟ همه تا اجلی (مهلتی) معین [در مدار خویش] روانند و خداوند به آن چه می‌کنید، آگاه است.

۳۰ این به آن دلیل است که خداوند است که حق است. و هر چه جز او می‌خوانند، باطل است. و خداوند است که بلندپایه و بس بزرگوار است.

۳۱ آیا نمی‌بینی که کشتی که در دریا به نعمت خداوند روان می‌گردد. تا [خداوند] از نشانه‌های [خداییِ] خویش به شما بنمایاند؟ بی‌تردید در آن برای هر شکیبای شکرگزاری نشانه‌هایی است.

۳۲ و آن گاه که موجی به سان سایه‌ای آنان را بپوشاند، با اخلاص و پاکیِ دل و دینْ خداوند را بخوانند و آن گاه که آنان را نجات دهد و به خشکی برساند، [تعدادی] از آنان میانه‌روی [و شکر] کنند. و نشانه‌های ما را جز هر پیمان شکن ناسپاسی انکار نکند.

۳۳ ای مردم، از [عذاب] پروردگارتان بپرهیزید و از روزی بترسید که هیچ پدری از فرزندش و هیچ فرزندی از پدرش سودی نبیند. بی‌تردید وعدهٔ خداوند حق است. پس زندگیِ دنیا شما را فریب ندهد. و مراقب باشید که فریبنده‌ای (شیطانی) شما را در مورد خداوند فریب ندهد.

۳٤ بی‌تردید دانش قیامت نزد خداوند است و او باران را فرو می‌فرستد و به آن چه در رَحِم‌هاست، داناست. و هیچ کس نمی‌داند که فردا چه خواهد کرد. و هیچ کس نمی‌داند که در کدامین سرزمین خواهد مُرد (تنها خدا می‌داند). بی‌تردید خداوند دانای آگاه است.

مکّی سورهٔ سجده

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ الف. لام. میم.

۲ فرو فرستادن این «کتاب» («قرآن») که هیچ شکی در آن نیست، از پروردگار جهانیان است.

۳ یا می‌گویند «[«محمّد»] آن را به دروغ بافته است»؟ [نه] بلکه آن حق است که از سوی پروردگارت می‌باشد. تا قومی را بیم دهی، که بیم دهنده‌ای پیش از تو برایشان نیامد. شاید آنان هدایت یابند.

٤ خداوند کسی است که آسمان‌ها و زمین و آن چه را که بین آن دو است، در شش روز (دوره) آفرید. سپس بر عرش مستولی شد. جز او برای شما هیچ ولیّ و سرپرست و شفاعتگری نیست. آیا پند نمی‌گیرید؟

۵ [خداوند] تدبیر کارها را از آسمان تا زمین می‌کند. آن گاه [همه چیز] به سویش بالا رود، در روزی که اندازهٔ آن، از آن چه شما می‌شمارید (به حساب شما)، هزار سال است.

٦ دانای نهان و آشکار اوست، که عزیز مهربان است.

۷ [خداوند] آن کسی است که هر چیزی را که آفرید، به نیکوترین شکل ساخت. و آفرینش انسان را از گِل آغاز کرد.

۸ آن گاه نسل او را از چکه آبی پَست مقرّر داشت.

۹ سپس او را آراست و از روح خویش در او دمید و برای شما گوش و چشم‌ها و دل‌ها قرار داد. شما اندکی شکرش را به جای می‌آورید.

۱۰ و گفتند: «آن گاه که در زمین ناپدید شدیم، آیا به راستی دگر بار در آفرینشی جدید زنده خواهیم شد؟» بلکه آنان به دیدار پروردگارشان کافرند.

۱۱ بگو: «فرشتهٔ مرگ» که بر شما گمارده شده است، شما را بمیراند. سپس به سوی پروردگارتان بازگردانده می‌شوید.

۱۲ و اگر گناهکاران را ببینی، آن گاه که در برابر پروردگارشان سرهایشان را به زیر افکنده‌اند. [در آن حال می‌گویند:] «پروردگارا، ما [آن چه را که وعده کرده بودی] دیدیم و شنیدیم. پس ما را بازگردان، تا کار شایسته کنیم. و ما اینک یقین آوردیم.»

۱۳ و اگر می‌خواستیم، به هر کس هدایتش را می‌دادیم. و لیکن [این] سخن از من بر آنان حق شد که البته دوزخ را از جنیان و آدمیان همگی پُر کنم.

۱٤ پس [به آنان گویند:] به سبب آن که دیدار این روزتان را فراموش کردید، [عذاب را] بچشید. ما هم شما را فراموش کردیم. و برای آن چه می‌کردید، عذاب جاودان را بچشید.

۱۵ تنها کسانی به آیات ما ایمان می‌آورند، که آن گاه که به آن پند داده شوند، سجده‌کنان [به خاک] افتند و پروردگارشان را به حمد و سپاس به پاکی تسبیح گویند و تکبر نورزند.

۱٦ پهلوهایشان از بسترها فاصله می‌گیرد. پروردگارشان را با بیم و امید می‌خوانند. و از آن چه به آنان روزی دادیم، بخشش می‌کنند.

۱۷ پس هیچ کس نداند آن چه را که باعث روشنی چشم‌هاست، که به پاداش آن چه می‌کردند، برایشان پنهانی اندوخته شده است.

۱۸ آیا آن کس که مؤمن است، مانندِ آن کس است که نافرمان و فاسق می‌باشد؟ [نه] برابر نیستند.

۱۹ اما کسانی که ایمان آوردند و نیکوکاری کردند، بهشت‌هایی برایشان باشد که به سبب آن چه می‌کردند، پذیرای آنان گردد.

۲۰ و اما کسانی که نافرمانی کردند، جایگاهشان آتش است. هر گاه بخواهند از آن خارج شوند، در آن بازگردانده می‌شوند. و به آنان گفته شود: «عذاب آتشی را که دروغ می‌پنداشتید، بچشید!»

۲۱ و البته عذابِ کم‌تری را در دنیا غیر از عذاب بزرگ‌تر به آنان بچشانیم. شاید آنان [به حق] بازگردند.

۲۲ و کیست ستمکارتر از آن کس که به وی آیات پروردگارش تذکر داده شد، سپس از آن‌ها روی‌ْگردانید. بی‌تردید ما از گناهکاران انتقام می‌گیریم.

۲۳ و به یقین به «موسی» «کتاب» («تورات») دادیم. پس، از دیدار او در تردید مباش. و آن را برای «بنی‌اسرائیل» هدایتی قرار دادیم.

۲٤ و از آنان پیشوایانی قرار دادیم، که به فرمان ما [مردم را] هدایت کنند، به سبب آن که شکیبایی کردند. و به آیات ما یقین داشتند.

۲۵ بی‌تردید پروردگارت روز قیامت میان آنان در مورد آن چه اختلاف می‌کردند، داوری کند.

۲٦ آیا [مشاهدهٔ این حقیقت] هدایتشان نکرد که چه قدر از نسل‌ها را پیش از آنان هلاک کردیم، که [دیگران اینک] در مسکن‌های آنان راه می‌روند؟ بی‌تردید در آن نشانه‌هایی است. آیا [این سخنان را] نمی‌شنوند؟

۲۷ آیا ندیده‌اند که ما آب را به سوی زمینِ بی‌گیاه حرکت می‌دهیم و به آن [آب] کشتزارها را می‌رویانیم، که چهارپایانِ آنان و خودشان از آن می‌خورند. آیا نمی‌بینند؟

۲۸ و می‌گویند: «این پیروزی چه زمانی باشد؟ اگر راستگویانید.»

۲۹ بگو: «در روزِ پیروزی، کسانی که کافر شدند [دیگر] ایمان آوردنشان به آنان سودی نرساند و به آنان مهلت هم داده نشود.»

۳۰ پس، از آنان روی‌ْبگردان و در انتظار باش. بی‌تردید آنان [هم] در انتظار هستند.

سورهٔ احزاب (گروه ها)

مدنی

به نام خداوند بخشندۀ مهربان

۱ ای پیامبر از [عقوبتِ] خداوند بیمناک باش و از کافران و منافقان (دورویان) اطاعت مکن. بی‌تردید خداوند دانای حکیم است.

۲ و از آن چه از سوی پروردگارت به تو وحی می‌شود، پیروی کن. بی‌تردید خداوند به آن چه می‌کنید، آگاه است.

۳ و بر خداوند توکل کن و خداوند برای نگهبانی و وکالت کافی است.

٤ خداوند برای هیچ مردی دو قلب درون [سینۀ] او قرار نداد. و خداوند زنانتان را که از آنان ظِهار می‌کنید، مادرانتان قرار نداد. و پسرخواندگانِ شما را پسرانِ شما نگردانید. این‌ها سخنان شما است، که به زبان می‌آورید. و خداوند حق را می‌گوید و او به راه [راست] هدایت می‌کند.

۵ شما آنان (پسرخوانده‌ها) را به [نامِ] پدرانشان بخوانید، که این کار نزد خداوند عادلانه‌تر باشد. و اگر نامِ پدرانشان را نمی‌دانید، [آنان] برادران دینی و دوستان شما هستند. و آن چه در این موردخطا کردید، بر شما گناهی نیست. و لیکن در آن چه دل‌هایتان قصد کند [حسابرسی شوید]. و خداوند آمرزگار مهربان است.

٦ پیامبر به مؤمنان از خودشان نزدیک‌تر است. و زنانش مادران آنان باشند. و در «کتاب» خداوند خویشاوندان نزدیک، به یکدیگر سزاوارتر از مؤمنان و مهاجران [برای میراث بردن] هستند. مگر این که در مورد دوستانتان کار نیکویی (وصیّتی) انجام دهید. این حکم در «کتاب» [خدا] نوشته شده است.

۷ و آن گاه که از پیامبران پیمانشان را گرفتیم. و از تو و از «نوح» و «ابراهیم» و «موسی» و «عیسی» پسر «مریم». و از [همهٔ] آنان پیمانی پایدار گرفتیم.

۸ تا این که راستگویان را از راستگوییشان بپرسد. و برای کافران عذابی دردناک آماده کرده است.

۹ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نعمت خداوند را بر خویش یاد کنید، آن گاه که سپاهیانی به سوی شما آمدند. پس ما بر آنان بادی فرستادیم و سپاهیانی که شما آن‌ها را نمی‌دیدید. و خداوند به آن چه می‌کنید، بیناست.

۱۰ آن گاه که [سپاهیان] از فرازتان و از پایینتان بر شما آمدند (حمله کردند) و آن گاه که چشمانْ خیره شد و دل‌ها [از ترس] به گلوگاه‌ها رسید. و به خداوند [هر نوعِ] گمانی بردید.

۱۱ در آن جا بود که مؤمنان آزموده شدند و به لرزشِ سخت تکان خوردند.

۱۲ و آن گاه که منافقان (دورویان) و کسانی که در دل‌هایشان بیماری است، گفتند: «خداوند و رسولش جز فریب به ما وعده ندادند.»

۱۳ و آن گاه که گروهی از آنان گفتند: «ای اهل «یثرب»، برای شما جای ماندن نیست. پس بازگردید!» و گروهی از آنان از پیامبر اجازه می‌خواستند و می‌گفتند: «خانه‌های ما خلل‌پذیر [و بی‌حفاظ] است» و [حال آن که] خانه‌های آنان بی‌حفاظ نبود. و [آنان] جز فرار چیزی نمی‌خواستند.

۱٤ و اگر از هر سو بر [خانه‌های] آنان هجوم آورده شود، سپس از آنان درخواستِ فتنه شود، البته آن را می‌پذیرند و جز اندکی درنگ نکنند.

۱۵ و به راستی پیش از این با خداوند پیمان بسته بودند که [بر دشمن] پشت نکنند. و پیمان خداوند مورد پرسش قرار گیرد.

١٦ بگو: «اگر از مرگ یا کشته شدن فرار کنید، هرگز فرار برایتان سودی ندهد. و آن گاه جز اندکی بهره‌مند نشوید.»

١٧ بگو: «کیست آن کس که شما را از خداوند نگه دارد، اگر او برای شما بدی بخواهد و یا برای شما رحمتی بخواهد؟» و برای خود جز خداوند دوست و سرپرست و یاوری نیابند.

١٨ به یقین خداوند بازدارندگان [مردم از جنگ] را از میان شما می‌شناسد. و همچنین آنان را که به برادران خود می‌گویند: «به سوی ما بیایید.» و جز اندکی به کارزار نیایند.

١٩ آنان بر شما بخیل باشند. پس آن گاه که ترس [جنگ] آید، آنان را می‌بینی که به تو نگاه می‌کنند. چشمانشان مانند کسی که مرگ او را فرا گرفته است، در حدقه می‌چرخد. و آن گاه که ترس از بین برود، شما را با زخم زبان (زبان‌های تیز) برنجانند. آنان بر خیرْ بخیل هستند. آنان ایمان نیاورده‌اند. پس خداوند کردار آنان را تباه کرد. و این [کار] بر خداوند آسان است.

٢٠ [دورویان] پندارند که [سپاهیانِ] احزاب پراکنده نشده‌اند. و اگر آنان بازگردند، [همان دورویان] آرزو کنند که کاش در میان عرب‌های صحرانشین بودند و از خبرهای شما می‌پرسیدند. و اگر در میان شما بودند، جز اندکی جنگ نمی‌کردند.

٢١ به راستی در [گفتار و کردارِ] پیامبر خدا برای شما سرمشقی شایسته است برای کسانی که به خداوند و روز آخرت امیدوار باشند و خداوند را بسیار یاد کنند.

٢٢ و آن گاه که مؤمنان گروه‌ها[ی کافران] را دیدند، گفتند: «اینست آن چه خداوند و پیامبرش به ما وعده کرده‌اند. و خداوند و پیامبرش راست گفتند.» و [کثرت سپاه دشمن] جز باعث افزایش ایمان و سرسپاریِ مؤمنان [به فرمان خدا] نشد.

۲۳ از مؤمنان، مردانی هستند که بر آن چه با خداوند پیمان بسته‌اند، صداقت دارند. پس عده‌ای از آنان به عهد خود وفا کردند [و شهید شدند]. و عده‌ای از آنان منتظر [شهادت] هستند. و [نظر خود را] تغییر ندادند.

۲٤ تا خداوند راستگویان رابه راستیشان پاداش دهد و دورویان را اگر بخواهد، عذاب کند و یا توبهٔ آنان را بپذیرد. بی‌تردید خداوند آمرزگار مهربان است.

۲٥ و خداوند، کسانی را که کفر ورزیدند، به خشمشان بازگردانید، در حالی که هیچ خیری [هم] نیافتند. و خداوند مؤمنان را از جنگ کفایت کرد [و بی نیاز ساخت]. و خداوند توانای عزیز است.

۲٦ و [خداوند] آن گروه از اهل کتاب را که به کافران کمک کردند، از کاخ‌هایشان فرود آورد. و در دل‌هایشان ترس افکند. شما گروهی را می‌کشتید و عده‌ای را اسیر می‌کردید.

۲۷ و [خداوند] زمین آنان و خانه‌هایشان و خواسته‌های آنان و زمینی را که در آن [حتی] گام [هم] نگذاشته بودید، به شما میراث داد. و خداوند بر همه چیز تواناست.

۲۸ ای پیامبر، به زنان خود بگو: «اگر زندگی این دنیا و پیرایهٔ آن را می‌خواهید، پس بیایید تا من به شما چیزی (ثروتی) دهم و رهایتان کنم، رها کردن نیکویی.»

۲۹ و اگر خداوند و پیامبرش و سرای آخرت را می‌خواهید، پس [بدانید که] خداوند برای نیکوکارانِ شما پاداشی عظیم آماده کرده است.

۳۰ ای زنان پیامبر، هر کس از شما کار بد آشکاری انجام دهد، عذاب او دو چندان افزوده گردد. و این [کار] بر خداوند آسان است.

۳۱ و آن کس از شما که از خداوند و پیامبرش فرمانبرداری کند و نیکوکاری نماید، پاداشش را دو برابر بدهیم و برای او رزقی فراوان و ارجمند آماده کرده‌ایم.

۳۲ ای زنان پیامبر، شما مانند هیچ یک از زنان دیگر نیستید. اگر از [عقوبتِ] خداوند بیمناکید، پس در سخنْ نرمی نشان ندهید، تا آن کس که در دلش بیماری است، در طمع نیفتد. و سخنانی نیکو بگویید.

۳۳ و [شما زنانِ پیامبر] در خانه‌های خویش آرامش یابید. و مانند زمانِ جاهلیتِ پیشین خودنمایی نکنید. و نماز را بپا دارید و زکات بدهید و از خداوند و پیامبرش اطاعت کنید. خداوند فقط می‌خواهد که از شما «اهل خانه [پیامبر]» پلیدی را دور کند (ببرد) و شما را به پاکیزگی پاک سازد.

۳٤ و آن چه را که در خانه‌های شما از آیات خداوند و حکمت خوانده می‌شود، به یادآورید. بی‌تردید خداوند لطیف و آگاه است.

۳٥ بی‌تردید مردان مسلمان و زنان مسلمان و مردان مؤمن و زنان مؤمن و مردان فروتن (عابد) و زنان فروتن (عابد) ومردان راستگو و زنان راستگو و مردان شکیبا و زنان شکیبا و مردان نرم‌دل [در برابر امر خداوند] و زنان نرم‌دل [در برابر امر خداوند] و مردان بخشنده (صدقه دهنده) و زنان بخشنده (صدقه دهنده) و مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار و مردانی که نگهدار شرمگاه‌های خویشند و زنانی که نگهدار شرمگاه‌های خویشند و مردانی که بسیار یاد خداوند کنند و زنانی که بسیار یاد خداوند کنند، خداوند برای [همهٔ] آنان آمرزشی و پاداشی عظیم آماده کرده است.

٣٦ و آن گاه که خداوند و پیامبرش در کاری حکم کنند، دیگر هیچ مرد مؤمن و زن مؤمنی نباید در کارشان [راه دیگری را] اختیار کنند. و هر کس از خداوند و پیامبرش نافرمانی کند، به یقین گمراه شده است، گمراهیِ آشکاری.

٣٧ و آن گاه که به آن کس که خداوند به او نعمت داده بود و تو [هم] به او نیکویی کرده بودی، می‌گفتی: «همسر خود را برای خویش نگهدار و از [عقوبتِ] خداوند بیمناک باش.» و در خودت (نَفْس خودت) آن چه را که خداوند آشکارکنندهٔ آنست، پنهان می‌کردی و از مردم می‌ترسیدی. و خداوند سزاوارتر است که از او بیمناک باشی. پس آن گاه که «زید» از آن زنْ نیازِ خویش را گذراند، او را به زنی به تو دادیم، تا بر مؤمنان گناهی در [ازدواج با] زنانِ پسرخواندگانشان، آن گاه که [پسرخواندگانشان] حاجت خود را از آنان گذرانده باشند، نباشد. و فرمان خداوند انجام شدنی است.

٣٨ بر پیامبر در آن چه خداوند برایش شایسته (فرض) داشته است، گناهی (جای سرزنشی) نیست. سنّت خدایی است، که در میان کسانی که از قبل گذشتند (پیامبران پیشین) فرض کرد. و فرمان خداوند سنجیده و حساب شده است.

٣٩ آنان که پیام‌های خداوند را می‌رسانند و از او می‌ترسند و از کسی جز خداوند بیمناک نیستند و خداوند برای رسیدگی به حساب کافی است.

٤٠ «محمّد» پدر هیچ یک از مردان شما نیست. و لیکن پیامبر خدا و آخرینِ پیامبران (خاتم پیامبران) است. و خداوند به همه چیز داناست.

٤١ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خداوند را یاد کنید [و] بسیار یاد کنید.

٤٢ و بامداد و شبانگاه او را تسبیح بگویید.

٤٣ اوست که بر شما رحمت و درود می‌فرستد. و فرشتگان او [نیز بر شما درود فرستند]. تا این که شما را از تاریکی‌ها به سوی روشنی به در آورد. و او به مؤمنان مهربان است.

٤٤ روزی که ملاقاتش کنند، درود آنان سلام باشد و برای آنان پاداشی نیکو و گرامی آماده ساخته است.

٤٥ ای پیامبر، بی‌تردید ما تو را فرستادیم [تا] گواه و مژده‌بخش و بیم‌دهنده باشی.

٤٦ و [همچنین تا] به فرمان خداوند، دعوت‌کننده [مردم] به سوی خداوند و چراغی تابان باشی.

٤٧ و مؤمنان را بشارت ده که برای آنان از سوی خداوند فضل و بخشایشی بزرگ باشد.

٤٨ و از کافران و دورویان فرمانبرداری مکن. و از آزار آنان دست بدار و بر خداوند توکل کن و خداوند برای نگهبانی و وکالت کافی است.

٤٩ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر گاه زنان مؤمن را به ازدواج خود در آوردید، آن گاه پیش از نزدیکی با آنان، آنان را طلاق دادید، شما را بر آنان سرآمدی که آن را شماره کنید، نباشد. پس آنان را [از ثروت] برخوردار سازید و به نیکوترین راه رهاشان کنید، رها کردنی [نیکو].

٥٠ ای پیامبر، ما برای تو حلال کردیم: زنانِ تو را که مهریه‌شان را داده‌ای و آنان که خداوند به غنیمت به تو داد (تحت مالکیت تو هستند) و دختران عمویت و دختران عمه‌هایت و دختران دایی‌ات و دختران خاله‌هایت که با تو [از «مکّه» به «مدینه»] هجرت کرده‌اند، و زن مؤمنی که خود را به پیامبر ببخشد –اگر پیامبر بخواهد با او ازدواج کند– و این خاص تو می‌باشد، نه مؤمنان. به یقین ما آن چه را که در [موردِ] زنانشان و [نیز] کسانی که خداوند به غنیمت به ایشان داد فرض (واجب) کرده‌ایم، می‌دانیم، تا بر تو تنگی و مشقتی نباشد. و خداوند آمرزگار مهربان است.

۵۱ از زنان، هر که را خواهی، از خود دور کن. و هر یک را خواستی، با خود نگه دار. و از کسانی که دورشان کرده‌ای، هر که را خواهی، بر تو گناهی نباشد. و این [بازخواهیِ] آنان به روشنیِ چشمِ آنان نزدیک‌تر باشد و اندوهگین نشوند. و به آن چه به همهٔ آنان بدهی، خوشنود شوند. و خداوند آن چه در دل‌های شماست، می‌داند. و خداوند دانای شکیباست.

۵۲ پس از این، زنان [جدید] بر تو حلال نباشند و نباید به جای آنان زن دیگری بگیری، هر چند که زیبایی آنان تو را به شگفت آورد، مگر آن چه به غنیمت به تو رسد، که صاحب اختیارشان گردی. و خداوند بر همه چیز پاسدار و مراقب است.

۵۳ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، داخل خانه‌های پیامبر نشوید، مگر این که برای [خوردنِ] طعام دعوت شوید. [اما] چشم انتظار آن [دعوت] نباشید. و لیکن آن گاه که دعوت شدید، پس [به خانه‌اش] داخل شوید و آن گاه که طعام خوردید، بروید (پراکنده شوید) و خود را به گفتگو سرگرم مکنید، که این [رفتارتان] پیامبر را آزار می‌دهد و از شما شرم می‌کند. و خداوند از [گفتنِ] حق شرمی ندارد. و هرگاه از آنان (زنان پیامبر) متاعی بخواهید، از پشتِ پوشش (پرده‌ای یا دیواری) بخواهید. این برای دل‌های شما و دل‌های آنان پاک‌تر است. و شایسته نیست که شما پیامبر خدا را بیازارید و نه هرگز [شایسته است که] پس از او با زنانش ازدواج کنید. بی‌تردید این [کار] نزد خداوند [گناهی] عظیم است.

۵۴ اگر چیزی را آشکار سازید، یا آن را پنهان دارید، بی‌تردید خداوند به هر چیزی آگاه است.

۵۵ بر زنان گناهی نیست که در مقابلِ پدرانشان و پسرانشان و برادرانشان و پسرانِ برادرانشان و پسرانِ خواهرانشان و زنانشان (همجنسانشان) و آن چه [به عنوان بنده] صاحب اختیار آن هستند [حجاب نداشته باشند]. و [ای زنان] از خداوند بیمناک باشید. بی‌تردید خداوند بر هر چیزی شاهد است.

۵٦ بی‌تردید خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید [شما هم] بر او درود فرستید و [به فرمانش] گردن نهید، گردن نهادنی [خاص].

۵۷ بی‌گمان کسانی که خداوند و پیامبرش را می‌آزارند، خداوند آنان را در دنیا و آخرت لعنت کرد (از رحمت خویش دور ساخت) و برای آنان عذابی خوارساز آماده کرده است.

۵۸ و کسانی که مردان مؤمن و زنان مؤمن را به ناحق و بدون آن که آنان گناهی کرده باشند، آزار دهند، به یقین بارِ تهمتی و گناهی آشکار را به دوش [خود] گرفته‌اند.

۵۹ ای پیامبر، به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که [دو طرف] پوشش‌های خود را بر خود به هم آرند (بپیچند). این نزدیک‌تر است به این که آنان را بشناسند. پس کسی هم آزارشان نکند. و خداوند آمرزگار مهربان است.

٦۰ اگر دورویان و کسانی که در دل‌هایشان بیماری (گناه) است و دروغ پردازان در «مدینه» دست بر ندارند (باز نه ایستند) البته تو را بر آنان بشورانیم (مسلّط کنیم). سپس در آن [شهر] جز اندک زمانی با تو همسایه نباشند.

٦۱ [آنان از رحمت خداوند دورند و] لعن شدگانند (راندگانند). هر جا که یافت شوند، دستگیر شوند و به قتلی سخت کشته شوند.

٦۲ [این] سنّت (قانون) خداوند در [مورد] کسانی که پیش از این زندگی می‌کردند [جاری شده] است. و هرگز برای سنّت خداوند دگرگونی نیابی.

٦٣ مردم از تو در مورد قیامت می‌پرسند. بگو: «دانشِ آن فقط نزد خداوند است.» و تو
چه می‌دانی؟ شاید قیامت نزدیک باشد.

٦٤ بی‌تردید خداوند کافران را لعن کرد و برای آنان آتشی افروخته آماده ساخت.

٦٥ در آن همیشه جاودانه‌اند. آنان [نه] دوست و سرپرستی و نه یاوری نیابند.

٦٦ روزی که صورت‌های آنان در آتش گردانده شود، آنان گویند: «ای کاش ما خداوند
را اطاعت می‌کردیم و پیامبر را اطاعت می‌کردیم.»

٦٧ و گویند: «پروردگارا، ما از بلندپایگان و بزرگانمان اطاعت کردیم. پس آنان ما را از
راه [راست] گمراه ساختند.

٦٨ پروردگارا، آنان را از عذاب دو چندان بده و لعنتشان کن، لعنتی بزرگ.»

٦٩ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مانند کسانی نباشید، که «موسی» را آزار دادند. پس
خداوند او را از آن چه گفتند، دور داشت و او نزد خداوند آبرومند بود.

۷۰ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از [عذابِ] خداوند بیمناک باشید و سخنی درست و
استوار بگویید.

۷۱ [تا] خداوند کارهای شما را برایتان اصلاح و شایسته گرداند و گناهانتان را برایتان
بیامرزد و هر کس از خداوند و پیامبر او اطاعت کند، به یقین رستگار شده است،
رستگاریِ عظیمی.

۷۲ به راستی ما «امانت» را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم و آنان از پذیرش
آن (حمل آن) سر، باز زدند و از آن بیمناک شدند و انسان آن را به دوش گرفت. به
راستی او (انسان) ستمکار و نادان است.

۷۳ تا خداوند مردان دورو (منافق) و زنان دورو (منافق) و مردان مشرک و زنان مشرک
را عذاب کند. و خداوند توبهٔ مردان مؤمن و زنان مؤمن را می‌پذیرد و خداوند
آمرزگار مهربان است.

مکّی

سورهٔ سبا

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

١ حمد خدای راست که آن چه در آسمان‌ها و آن چه در زمین است، از آنِ او باشد. و در آخرت حمد او راست. و او حکیم آگاه است.

٢ آن چه را که در زمین فرو می‌رود و آن چه را که از آن برون آید و آن چه از آسمان فرود آید و آن چه را که در آن بالا رود، می‌داند. و او مهربان آمرزگار است.

٣ و کسانی که کافر شدند، گفتند: «روز قیامت برای ما نیاید.» بگو: «آری، به پروردگارم سوگند که البته برای شما بیاید.» [او] دانای نهان است. و هموزنِ ذره‌ای که در آسمان‌ها و در زمین باشد، از او پوشیده نباشد، نه کوچک‌تر از آن و نه بزرگ‌تر، مگر آن که در کتابی روشن [ثبت] باشد.

٤ تا کسانی را که ایمان آوردند و نیکوکاری کردند، پاداش دهد. این گروهند که آمرزشی و روزی و رزقی نیکو برای آنان باشد.

٥ و کسانی که در آیات ما کوشیدند تا آن‌ها را باطل کنند و ما را عاجز نمایند [تا از عذاب ما بگریزند] برای آنان عذابی از شکنجهٔ دردناک باشد.

٦ و کسانی که به آنان دانش داده شد (اهل دانش) می‌بینند [و درک می‌کنند] که آن چه از [سوی] پروردگارت بر تو فرو فرستاده شده، حق است و به راهِ [خداوندِ] عزیز ستوده هدایت می‌کند.

٧ و کسانی که کافر شدند، گفتند: «آیا شما را راهنمایی کنیم (دلالت کنیم) به مردی که شما را آگاه می‌سازد آن گاه که [پس از مرگ] پاره پاره شدید، در نهایتِ پراکندگی، بی‌گمان در آفرینشی تازه خواهید بود؟

٨ آیا بر خداوند دروغانه افترا بسته، یا در او دیوانگی است؟» [نه] بلکه کسانی که به آخرت ایمان نیاورده‌اند، در عذاب و گمراهی دوری باشند.

٩ آیا آنان به آن چه در مقابلشان و آن چه پشت سرشان از آسمان و زمین است، نگاه نمی‌کنند؟ اگر بخواهیم، آنان را در زمین فرو بریم. یا پاره‌ای از [سنگ‌های] آسمان را بر آنان فرو افکنیم. بی‌تردید در این نشانه‌ای برای هر بندهٔ [به حق] بازگشت کننده‌ای است.

١٠ و به یقین از سوی خویش، «داود» را فضل و برتری دادیم [و گفتیم:] «ای کوه‌ها و ای پرندگان، با او [ذکر خداوند را] بازگویید.» و آهن را برای او نرم کردیم.

١١ [و به او گفتیم:] «زره‌ها بساز و در ساختن حلقه‌های زره، اندازه نگه دار.» و کار نیک کنید. بی‌تردید من به آن چه انجام می‌دهید، بینا هستم.

١٢ و باد را برای «سلیمان» [رام کردیم] که رفتنش بامدادان [به اندازهٔ] یک ماه و بازگشت شامگاهانش [به اندازهٔ] یک ماه بود. و چشمهٔ (معدن) مس را برایش روان کردیم. و برخی از جنیان به فرمان پروردگارش در برابر او کار می‌کردند و هر یک از آنان از فرمان ما سرپیچی می‌کرد، او را از عذاب آتش سوزان می‌چشاندیم.

١٣ برای او هر چه می‌خواست از محراب‌ها (قلعه‌ها) و صورت‌ها (مجسّمه‌ها) و قدح‌های مانند آبگیر بزرگ و دیگ‌های استوار (بر جای خود و مانند کره) می‌ساختند. [و گفتیم:] «ای خاندان «داود»، شکر کنید.» و اندکی از بندگان من شکرگزارند.

١٤ پس آن گاه که مرگ را برای او («سلیمان») مقرّر داشتیم [هیچ کس، دیگران را] بر مرگ او رهنمون نشد، مگر یک جانور خاکی که عصای او را خورد. پس آن گاه که [«سلیمان»] فرو افتاد، معلوم شد که اگر جنیان از غیب آگاه بودند، در عذابِ خوارساز نمی‌ماندند.

۱۵ به یقین [خاندانِ] «سبا» را در مسکن خودشان نشانه‌ای بود. باغی در طرف راست و باغی در طرف چپ. [به آنان گفته شد:] از روزیِ پروردگارتان بخورید و او را شکر کنید، [که] شهری پاکیزه و پروردگاری آمرزگار دارید.

۱٦ پس رویْ برتافتند. سپس بر آنان سیلابی تند فرستادیم و دو باغِ ایشان را به دو باغ با میوه‌های [کوهی] تلخ خاردار و [میوهٔ] گزدار و چیز اندکی از سدر تبدیل کردیم.

۱۷ بدینسان آنان را به خاطر کفرانی که کردند، کیفر دادیم. و آیا جز کافر را [این چنین] کیفر دهیم؟

۱۸ و در فاصلهٔ میان آنان و شهرهایی که در آن‌ها برکت نهادیم، شهرهایی آشکار (نزدیک به هم) قرار دادیم و گردش آنان را در آن‌ها مقرّر داشتیم [و گفتیم:] «شب‌ها و روزها در آن‌ها به آسودگی بگردید.»

۱۹ پس گفتند: «پروردگارا، راه‌های ما را در سفر طولانی بگردان.» و بر خویشتن ستم کردند. پس ما آنان را داستان‌ها[ی پندآموزی] قرار دادیم و آنان را سخت از یکدیگر پراکنده ساختیم. بی‌تردید در این برای هر شکیبای شکرگزاری نشانه‌هایی است.

۲۰ و به یقین شیطان در مورد آنان درست گمان کرده بود. پس [همه] از او پیروی کردند، جز گروهی از مؤمنان.

۲۱ و او (شیطان) را بر آنان چیرگی نبود، جز برای این که معلوم کنیم که چه کسی به روز قیامت ایمان دارد و چه کسی در آن شک دارد. و پروردگار تو بر همه چیز نگهبان است.

۲۲ بگو: کسانی را که به جز خداوند معبود می‌پنداشتید، بخوانید. اینان هموزنِ ذره‌ای [نه] در آسمان‌ها و نه در زمین مالک [چیزی] نیستند. و در کارِ [آفرینشِ] آن دو هم آن‌ها شرکتی نداشته‌اند. و او را از آن‌ها یاوری نیست.

۲۳ و شفاعت [کسی] نزد خداوند فایده ندارد، جز برای کسی که خداوند در موردش اجازه داده باشد، تا آن گاه که بیم از دل‌هایشان برود. گویند: «پروردگار شما چه گفت؟» گویند: «سخن حق [گفت]». و او والا مرتبه و بزرگ باشد.

۲٤ بگو: «کیست که به شما از آسمان‌ها و زمین روزی می‌دهد؟» بگو: «خداوند؛ و بی‌تردید ما یا شما بر راه راست هستیم، یا در گمراهیِ آشکار.»

۲٥ بگو: «از آن چه ما بد کنیم، از شما نپرسند و از آن چه شما می‌کنید، از ما نپرسند.»

۲٦ بگو: «همهٔ ما را پروردگارمان گردِ هم آورد، آن گاه میان ما به حق داوری کند و او داور داناست.»

۲۷ بگو: «آنان را که شریک خداوند قرار داده‌اید، به من بنمایانید.» هرگز! بلکه او خداوند عزیز حکیم است.

۲۸ و ما تو را جز برای این که برای همهٔ مردمان مژده‌بخش و بیم‌دهنده باشی، نفرستادیم. و لیکن بیش‌ترِ مردمان نمی‌دانند.

۲۹ و گویند: «این وعده (قیامت) چه هنگام خواهد بود؟ اگر راستگویانید.»

۳۰ بگو: «برای شما میعاد، روزی [معین] است، که نه ساعتی از آن دیرتر مانید و نه آن را زودتر دریابید.»

۳۱ و کسانی که کافر شدند، گفتند: «هرگز به این «قرآن» و به آن چه پیش از آن بود، ایمان نیاوریم.» و کاش ستمکاران را آن زمان که در برابر پروردگارشان بازداشت می‌شوند، می‌دیدی. برخی از آنان سخن (سرزنش) را به برخی دیگر برمی‌گردانند. کسانی که ناتوان به شمار می‌آمدند، به کسانی که خود را بزرگ می‌انگاشتند، گویند: «بی‌تردید اگر شما نبودید، ما مؤمن بودیم.»

٣٢ کسانی که خود را بزرگ می‌انگاشتند، به کسانی که ناتوان به شمار می‌آمدند، گویند: «آیا ما شما را از هدایت بازداشتیم، پس از آن که [هدایت] برای شما آمد؟ [نه] بلکه خود گناهکار بودید.»

٣٣ و کسانی که ناتوان به شمار می‌آمدند، به کسانی که خود را بزرگ می‌انگاشتند، گویند: «[نه] بلکه نیرنگِ شب و روزِ شما بود [که ما را گمراه کرد] آن گاه که به ما امر می‌کردید که به خداوند کافر شویم و برای او شریکانی قرار دهیم.» و آن گاه که عذاب را ببینند، پشیمانی [خود] را پنهان دارند. و ما زنجیرها به گردن کسانی که کافر شدند، قرار دهیم. آیا جز به آن چه می‌کرده‌اند، کیفر داده می‌شوند؟

٣٤ و ما برای هیچ شهری بیم‌دهنده‌ای نفرستادیم، مگر این که خوشگذرانانِ آن گفتند: «ما به آن چه شما برای آن فرستاده شده‌اید، کافر هستیم.»

٣٥ و گفتند: «ما اموال و اولاد بیش‌تر داریم و ما را عذاب نکنند.»

٣٦ بگو: «بی‌تردید پروردگارِ من روزیِ هر کس را که خواهد، گشایش می‌بخشد و [یا] اندازه می‌کند.» و لیکن بیش‌ترِ مردمان نمی‌دانند.

٣٧ و ثروت و فرزندان شما چیزهایی نیستند که شما را به درگاهِ ما نزدیک گردانند، مگر آن کس که ایمان آورْد و نیکوکاری کرد. پس برای آنان به سبب آن چه می‌کردند، دو چندان پاداش باشد و آنان در غرفه‌ها[ی بهشت] ایمن خواهند بود.

٣٨ و کسانی که در آیات ما می‌کوشند تا ما را عاجز کنند [و از عذاب الهی بگریزند] آنان در عذاب حاضر شوند.

٣٩ بگو: «بی‌تردید پروردگار من برای هر کس از بندگانش که خواهد، رزق و روزی را گشایش دهد، و [یا] اندازه می‌کند، و هر چیزی را که شما بخشش می‌کنید، عوضِ آن را می‌دهد. و او بهترین روزی دهندگان است.»

٤٠ و روزی که [خداوند] همهٔ آنان را برانگیزد، آن گاه به فرشتگان گوید: «آیا این گروه شما را عبادت می‌کردند؟!»

٤١ گویند: «[خداوندا] پاکی تو راست. تو سرپرست و دوست ما هستی، نه آنان. آنان جن را عبادت می‌کردند [و] بیش‌ترشان به آن‌ها ایمان داشتند.»

٤٢ و امروز شما نمی‌توانید به یکدیگر سودی و یا زیانی برسانید. و ما به کسانی که ستم کردند، خواهیم گفت: «عذاب آتشی را که دروغ می‌انگاشتید، بچشید!»

٤٣ و آن گاه که آیات روشن ما بر آنان خوانده شود، گویند: «این [کسی] نیست، جز مردی که می‌خواهد شما را از آن چه پدرانتان می‌پرستیدند، بازدارد.» و گویند: «این [سخنان] جز دروغی ساخته [و پرداخته] نباشد.» و کسانی که کافر شدند –آن زمان که [حق] برای آنان آمد– دربارهٔ حق گفتند: «این جز جادویی آشکار نباشد.»

٤٤ و ما به آنان کتاب‌هایی ندادیم، که آن‌ها را بخوانند [و چنین به خطا در مورد تو حکم کنند] و پیش از تو هم بیم‌دهنده‌ای برایشان نفرستادیم.

٤٥ و کسانی که پیش از آنان بودند [حق را] تکذیب کردند. و به یک دهمِ (ده یکِ) آن چه به آنان دادیم، نرسیدند و پیامبران مرا تکذیب نمودند. پس انکار کردن من چگونه است؟

٤٦ بگو: «به شما تنها یک پند می‌دهم. این که برای خداوند، دو تن دو تن، و یک تن یک تن بپا خیزید (قیام کنید) و آن گاه [در این مورد] اندیشه کنید [تا دریابید] که در این دوست شما (پیامبر) دیوانگی وجود ندارد. او جز بیم‌دهندهٔ شما پیش از فرا رسیدنِ عذابی سخت نباشد.»

٤٧ بگو: «هر مزدی از شما خواستم، آن [مزد] برای شما باشد. مزد من جز بر خداوند نباشد، و او بر همه چیز گواه است.»

٤٨ بگو: «بی‌تردید پروردگارم حق را [در دل‌ها] بیفکند و او دانای نهان‌هاست.»

٤٩ بگو: «حق آمد. و باطل نه آغاز کننده است و نه بازگرداننده.»

۵۰ بگو: «اگر گمراه شده‌ام، فقط بر [زیانِ] خود گمراه شده‌ام. و اگر هدایت یافته‌ام، به دلیل آن چه باشد که پروردگارم به من وحی می‌کند.» بی‌تردید او شنوای نزدیک [به بندگانش] است.

۵۱ و کاش آنان را می‌دیدی آن گاه که هراسان شوند، پس چاره‌ای [برایشان] نباشد. و از جایگاهی نزدیک دستگیر شوند.

۵۲ و گویند: «به آن ایمان آوردیم.» و چگونه آنان را از جایگاهی دور دسترسی باشد.

۵۳ و البته [آنان] از قبل به آن کافر شده بودند و از جایی دور نسبت به چیزی که بر آنان پوشیده بود، سخنِ نادانسته می‌گفتند.

۵٤ و میانِ آنان و آن چه آرزویش را کنند، جدایی افتاد، همان گونه که پیش از این برای همانندانِ آنان چنین شد. زیرا آنان در شک و بدگمانی بودند.

مکّی — سورهٔ فاطر (پدیدآورنده، ملائکه، فرشتگان)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ حمد خدای راست، که پدیدآورندهٔ آسمان‌ها و زمین است. فرشتگان را با بال‌هایی دوگانه و سه‌گانه و چهارگانه پیام آورانی قرار می‌دهد. [و] او در آفرینش، هر چه خواهد، می‌افزاید. بی‌تردید خداوند بر همه چیز تواناست.

۲ آن چه خداوند از رحمت خویش برای مردم می‌گشاید، هیچ کس نمی‌تواند آن را بازدارد و هر چه را که او [از کسی] بازگیرد، هیچ کس بعد از او نتواند برایش بفرستد. و او عزیز حکیم است.

۳ ای مردم، نعمت خداوند را بر خودتان به یاد آورید. آیا آفریدگاری جز «اللّه» از آسمان و زمین به شما روزی می‌دهد؟ معبودی جز او نباشد. پس چگونه شما [از حق] گردانده می‌شوید؟

٤ و اگر تو را تکذیب کردند، پس پیامبرانی هم پیش از تو تکذیب شدند. و کارها به سوی خداوند بازگردانده می‌شود.

٥ ای مردم، بی‌تردید وعدهٔ خداوند حق (راست) است. پس زندگی دنیا شما را نفریبد و مبادا فریبکار (شیطان) شما را در مورد خداوند فریب دهد.

٦ بی‌تردید شیطان دشمن شماست. پس او را دشمن بگیرید. جز این نباشد که [شیطان] گروه خود را می‌خواند، تا از یارانِ آتش شوند.

٧ کسانی که کافر شدند، برایشان عذاب دشواری باشد. و کسانی که ایمان آوردند و نیکوکاری کردند، برای آنان آمرزشی و پاداشی بزرگ باشد.

٨ آیا کسی که بدیِ کارش برایش آراسته شد و آن را نیکو دید [مانند کسی است که هدایت یافته]؟ بی‌تردید خداوند هر که را بخواهد، گمراه سازد و هر که را بخواهد، هدایت‌کند. پس [ای «محمّد»] مبادا جانِ تو در حسرت‌ها بر آنان تباه گردد. بی‌تردید خداوند به آن چه می‌کنند، داناست.

٩ و خداوند کسی است که بادها را می‌فرستد. پس ابرها را برمی‌انگیزند و ما آن را به سوی سرزمین [و خاکِ] مرده‌ای حرکت می‌دهیم. پس زمین را پس از مردنش به آن (باران) زنده می‌سازد. برانگیختن [پس از مرگ] بدینسان است.

١٠ هر کس عزّت خواهد، عزّت به طور کامل از آنِ خداوند است، که سخنان پاک به سویش فراز آید (بالا می‌رود) و کردار نیکو آن [سخنان] را بالا می‌برد. و کسانی که مکر و نیرنگ‌های زشت و بد ورزند، برایشان عذابی سخت باشد. و مکر آنان تباه گردد.

١١ و خداوند شما را از خاک آفرید. سپس از نطفه‌ای. آن گاه شما را جفت قرار داد. و هیچ زنی جز به علم او باردار نشود. و به هیچ کس عمر دراز داده نشود و از عمر هیچ کس کاسته نشود، مگر این که در کتابی نوشته شده باشد. بی‌تردید این بر خداوند آسان باشد.

۱۲ و دو دریا یکسان نباشد، که این یکی آبش شیرین و خوشگوار و آن دیگری شور و تلخ است. و شما از هر یک از این دو، گوشتِ تازه (ماهی) می‌خورید. و از آن پیرایه‌ای بیرون می‌آورید، که آن را به تن می‌کنید. و کشتی‌ها را در آن می‌بینی، که آب دریا را می‌شکافند، تا شما از فضل او [رزق و روزی خویش را] بجویید. و شاید شکر بگزارید.

۱۳ [خداوند] شب را در روز فرو می‌برد و روز را در شب در می‌آورد و خورشید و ماه را رام کرد. همه تا مدتی معیّن [در مدار خود] در حرکت باشند. اینست «اللّه»، پروردگار شما که فرمانروایی [مطلق] از آنِ او باشد. و آن‌هایی که جز او می‌خوانید [حتی] مالک و صاحب اختیارِ پوستِ هستهٔ خرمایی هم نیستند.

۱٤ اگر آنان را بخوانید، صدای [دعوتِ] شما را نشنوند و اگر بشنوند، نمی‌توانند به شما پاسخ دهند. و روز قیامت به شرک آوردن شما، کافر شوند (منکر آن شوند و از آن بیزاری جویند) و [هیچ کس] تو را به سانِ [خداوندِ] خبیر و آگاه، باخبر نسازد.

۱٥ ای مردم، شما به خداوند نیازمندید و [تنها] خداست که بی‌نیاز ستوده است.

۱٦ اگر بخواهد، شما را می‌برد، و آفرینشی تازه می‌آورد.

۱۷ و این بر خداوند دشوار نیست.

۱۸ و هیچ باربرداری بارِ [گناهِ] دیگری را به دوش نکشد و اگر گرانباری دیگری را برای [برداشتن] بار خود بخواند، چیزی از آن [بار گناه] برداشته و حمل نمی‌شود، هر چند که خویشاوند باشد. جز این نباشد که تو کسانی را بیمناک می‌سازی، که در نهان از پروردگارشان می‌ترسند و نماز را بپا می‌دارند. و هر کس پاکی جوید، پس بی‌گمان برای خویشتن پاکی جسته است. و بازگشت [همه] به سوی خداوند است.

۱۹ و نابینا و بینا یکسان نباشند.

۲۰ و نه تاریکی‌ها و روشنایی [با هم یکسان نیستند].

۲۱ و نه سایه و نه تابش آفتاب [با هم یکسان نیستند].

۲۲ و زندگان و مردگان [هم با یکدیگر] یکسان نباشند. و به راستی خداوند به هر کس خواهد [سخن حق را] می‌شنواند. و تو شنوانندهٔ آنان که در گورها هستند، نیستی.

۲۳ تو جز بیم دهنده‌ای نیستی.

۲٤ بی‌تردید ما تو را به حق فرستادیم، که بشارتگر و بیم‌دهنده باشی. و هیچ ملّتی وجود نداشت، مگر آن که برایشان بیم‌دهنده‌ای آمد.

۲۵ و اگر تو را تکذیب کنند، کسانی هم که قبل از آنان بودند، [پیامبرانشان را] تکذیب کردند، در حالی که پیامبرانِ آنان دلایل روشن و «زبور»ها و «کتاب» نورانی [از حق] برای آنان آوردند.

۲٦ آن گاه کسانی را که کفر ورزیدند [به عقوبت] گرفتم. پس انکار [و کیفرِ] من چگونه بود؟

۲۷ آیا نمی‌بینی که خداوند آبی از آسمان فرو فرستاد. پس به آن میوه‌ها بیرون آوردیم، که رنگ‌هاشان گوناگون است. و از کوه‌ها راه‌های سفید و سرخ [ایجاد کردیم] که رنگ‌هاشان گوناگون است و [بقیه] به رنگ سیاه تار است.

۲۸ و از مردمان و جنبندگان و چهارپایان [انواعی آفریدیم] که رنگ‌های آنان نیز بدینسان گوناگون است. از میان بندگان خداوند تنها دانایان از خداوند بیمناکند. بی‌تردید خداوند عزیز آمرزگار است.

۲۹ بی‌گمان کسانی که «کتاب» خداوند را می‌خوانند و نماز را بپا می‌دارند و از آن چه روزیشان داده‌ایم، پنهان و پیدا بخشش می‌کنند، آنان به تجارتی امید دارند که هرگز زیان ندارد.

۳۰ تا [خداوند] پاداش‌های آنان را به آنان تمام بدهد و از فضل خود بر ایشان بیفزاید. بی‌تردید او آمرزگار شکور و قدرشناس است.

۳۱ و آن چه ما از «کتاب» («قرآن») به تو وحی کردیم، حق باشد. [و] تصدیق کنندهٔ آن چه پیش از آن وحی شده است، می‌باشد. بی‌تردید خداوند به بندگان خویش آگاه بیناست.

۳۲ آن گاه «کتاب» را به کسانی از بندگانمان که برگزیدیمشان، میراث دادیم. پس [گروهی] از آنان بر خویش ستم کردند و [گروهی] از آنان میانه‌رو بودند و [گروهی] از آنان به فرمان خداوند در نیکویی‌ها پیشی گرفتند. و این همان فضل بزرگ است.

۳۳ و بهشت‌های جاودانی باشد، که [آنان] داخل آن شوند. [آنان] در آن با دستبندهای زرین و مروارید آراسته شوند. و در آن، لباسشان دیبای نرم باشد.

۳٤ و گویند: «حمد و سپاس خدای راست. آن کس که اندوه را از ما ببرد. بی‌تردید پروردگار ما آمرزگار شکور و قدرشناس است.

۳٥ آن کس که از فضل خویش ما را در سرای اقامت [جاویدان] فرود آورد. در آن به ما نه هیچ رنجی رسد و نه به ما هیچ خستگی رسد.»

۳٦ و کسانی که کافر شدند، آتش دوزخ برایشان باشد. نه حکم شود بر آنان [به مرگ] تا بمیرند و نه عذابش از آنان سبک شود. بدینسان هر ناسپاسی را کیفر دهیم.

۳۷ و آنان در آن جا فریاد کنند: «پروردگارا، ما را [از دوزخ] بیرون بیاور، تا کار نیک کنیم، غیر از آن که [پیش از این] انجام می‌دادیم.» و [به آنان گفته شود:] «مگر نه این که شما را [در دنیا] آن قدر عمر دادیم که در آن هر پندپذیری پند گیرد؟ و [مگر نه این که] برایتان بیم‌دهنده آمد؟ پس [عذاب را] بچشید، که ستمگران را هیچ یاوری نباشد.»

۳۸ بی‌گمان خداوند نهانِ آسمان‌ها و زمین را می‌داند. و بی‌گمان او به هر چه درون سینه‌هاست، داناست.

۳۹ او آن کسی است که شما را در زمین جانشین قرار داد. پس هر کس کافر شود، آن گاه [زیانِ] کفرش بر خود اوست. و کفرِ کافران نزد پروردگارشان جز بر خشم [پروردگارشان] نیفزاید. و کفرِ کافران جز بر زیان [و هلاکت] آنان نیفزاید.

۴۰ بگو: «آیا شریکانتان را دیدید، آنان را که جز خداوند می‌خوانید؟ به من نشان دهید که آنان از زمین، چه چیزی آفریدند؟ یا این که برای آنان در آسمان‌ها شراکتی هست؟» یا به آنان «کتابی» دادیم، که از آن بر دلیلی روشن باشند؟ [نه] بلکه ستمکاران یکدیگر را جز به فریب وعده ندهند.

۴۱ بی‌تردید خداوند، آسمان‌ها و زمین را از زوال و نابودی نگه می‌دارد و اگر آن دو (زمین و آسمان) به زوال و نابودی گرایند، هیچ کس جز او آن‌ها را [از نابودی] نگه نمی‌دارد. بی‌تردید او شکیبای آمرزگار است.

۴۲ با سخت‌ترین سوگند خویش به خداوند سوگند یاد کردند که اگر برای آنان بیم‌دهنده‌ای آید، البته هدایت یافته‌تر از هر یک از ملّت‌ها شوند. پس آن گاه که برایشان بیم‌دهنده‌ای آمد، آنان را جز رمیدن [و فرار از حق] نیفزود.

۴۳ در زمین برتری‌جویی [در پیش گرفتند] و نیرنگِ بد و زشت [به کار آوردند]. و نیرنگِ زشت و بد جز عاملش (اهلش) را فرا نگیرد. پس آیا جز سنّت [الهی در مورد] پیشینیان را انتظار دارند؟ پس هرگز برای سنّت خداوند، تغییر و تبدیلی نیابی و هرگز برای سنّت خداوند دگرگونی نیابی.

۴۴ آیا در زمین سفر نمی‌کنند، تا بنگرند که سرانجامِ کسانی که پیش از آنان بودند، که از نظر نیرو از آنان [به مراتب] قوی‌تر بودند، چگونه بوده است؟ و [نه] در آسمان‌ها و نه در زمین هیچ چیز خداوند را عاجز نکند (هیچ کس از عذاب خداوند گریزی ندارد). بی‌تردید او دانای تواناست.

٤٥ و اگر خداوند مردم را به آن چه کسب می‌کردند [به عذاب] می‌گرفت، بر پشت آن (زمین) هیچ جنبنده‌ای نمی‌گذاشت. و لیکن تا اجلی معیّن [عقوبتِ] آنان را در تأخیر گذارد. و آن زمان که اجل آنان فرا رسد، پس بی‌تردید خداوند به بندگانش بیناست.

سورهٔ یس

مکّی

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ یا. سین.

۲ به «قرآن» حکیم، سوگند («قرآن» حکیم خود گواه است)،

۳ که بی‌تردید تو از فرستادگان هستی.

٤ بر راهی راست [هدایت می‌کنی].

٥ [«قرآن»] فرو فرستادهٔ [خداوند] عزیز مهربان [است].

٦ تا قومی را بیم دهی، که پدرانشان بیم داده نشدند. پس آنان غافل باشند.

۷ البته بر بیش‌ترِ آنان سخن (فرمان عذاب) حق گردید. پس آنان ایمان نمی‌آورند.

۸ به راستی ما در گردن‌های آنان زنجیرها قرار دادیم، که آن [زنجیرها] تا چانه‌شان باشد. پس آنان سر بر آسمان مانده‌اند.

۹ و از جلوشان سدّی و از پشتشان سدّی قرار دادیم. سپس [چشمانِ] آنان را پوشاندیم. پس آنان [حق را] نبینند.

۱۰ و چه آنان را بترسانی، چه نترسانی، برایشان یکسانست، ایمان نمی‌آورند.

۱۱ بی‌تردید تو فقط کسی را بیم توانی داد، که از ذکر («قرآن») پیروی کند و از [خداوندِ] بخشنده در نهان بترسد. پس او را به آمرزشی و پاداشی نیکو مژده بده.

۱۲ به راستی ماییم که مردگان را زنده کنیم و آن چه را که از قبل فرستادند و آثاری را که از آنان بر جای مانده، می‌نویسیم. و هر چیزی را در کتابی آشکار (لوح محفوظ) به شمار آورده‌ایم.

۱۳ و برای آنان از اهلِ آن شهر («انطاکیه») مَثَلی بزن، آن گاه که فرستادگان برای آنان آمدند.
۱٤ آن گاه که ما به سویشان دو تن را فرستادیم. و آنان آن دو را تکذیب کردند. و ما آن دو را به [شخصِ] سومی تقویت کردیم. و آنان گفتند: «ما به سوی شما فرستاده شده‌ایم.»
۱٥ [اهلِ شهر] گفتند: «شما جز بشری مانند ما نباشید. و [خداوندِ] بخشنده چیزی فرو نفرستاده است. [و] شما جز دروغگویان نباشید.»
۱٦ گفتند: «پروردگار ما می‌داند، که ما به سوی شما فرستاده شده‌ایم.
۱۷ بر ما [وظیفه‌ای] جز رساندن پیام آشکار نباشد.»
۱۸ گفتند: «ما شما را به فال بد گرفتیم. اگر [از گفتن این سخنان،] کوتاه نیایید [و دست برندارید] سنگسارتان خواهیم کرد. و از ما عذابی دردناک به شما رسد.»
۱۹ [سه فرستاده] گفتند: «فالِ بدِ شما با شماست. اگر شما را پند دهند [به فال بد می‌گیرید]؟ و شما گروهی اسرافکار هستید.»
۲۰ و از دورترین نقطهٔ شهر، مردی دوان دوان آمد [و] گفت: «ای قوم من، از پیامبران پیروی کنید.»
۲۱ آنان را پیروی کنید، که از شما مزدی نمی‌خواهند و آنان هدایت یافتگان باشند.
۲۲ و چرا بندگی نکنم آن کس را که مرا آفرید؟ و به سوی او بازگردانده می‌شوید.
۲۳ آیا جز خداوند معبودانی بگیرم، که اگر [خداوندِ] بخشنده برای من زیانی بخواهد، شفاعت آن‌ها هیچ سودی ندهد و نتوانند مرا [از عذاب] رهانند؟
۲٤ آن زمان است که من در گمراهیِ آشکاری باشم.
۲٥ بی‌تردید من به پروردگار شما ایمان آوردم. پس به [سخنان] من گوش کنید.»
۲٦ گفته شد: «به بهشت در آی!» گفت: «کاش قوم من می‌دانستند.
۲۷ به چه سبب پروردگارم مرا آمرزید و مرا از گرامی داشتگان قرار داد.»

۲۸ و پس از او بر قومش هیچ سپاهی از آسمان فرو نفرستادیم و ما فرو فرستنده نبودیم.

۲۹ آن فقط یک خروش بود. پس ناگاه همه جان سپردند و خاموش شدند.

۳۰ افسوس بر بندگان! برای آنان هیچ پیامبری نیامد، جز این که او را مسخره می‌کردند.

۳۱ آیا ندیدند که چه بسیار از نسل‌ها را پیش از آنان هلاک ساختیم؟ بی‌تردید آنان به سوی آن‌ها باز نخواهند گشت.

۳۲ و البته [و بدون استثناء] همگیِ آنان نزد ما حاضر می‌شوند.

۳۳ و زمین (خاک) مُرده برای آنان نشانه‌ای باشد. ما آن را زنده کردیم و از آن دانه‌ای بیرون آوردیم، که از آن [دانه، غذا] می‌خورند.

۳٤ و در آن (زمین) باغ‌هایی از درختان خرما و انگور قرار دادیم و در آن، چشمه‌ها روان ساختیم.

۳۵ تا از میوه‌اش بخورند و حال آن که دستاوردِ آنان نیست. آیا شکر نمی‌کنند؟

۳٦ پاک است آن کس که همهٔ جفت‌ها را، از آن چه زمین می‌رویاند و از وجودشان و از آن چه ندانند (به شناخت آن‌ها علم نیافته‌اند) آفرید.

۳۷ و شب برای آنان نشانه‌ای باشد، که ما روز را از آن برداریم و ناگاه آنان در تاریکی بمانند.

۳۸ و خورشید به سوی قرارگاهی که برای اوست، روان است. تقدیرِ [خداوندِ] عزیز دانا این است.

۳۹ و برای ماه مکان‌هایی مقدر کردیم، تا هنگامی که مانندِ شاخهٔ باریکِ خشکِ درخت خرما شود.

٤۰ نه خورشید را سزد که به ماه رسد. و نه شب از روز پیشی گیرد. و همه در فلکی [و مداری] شناورند.

٤١ و برای آنان نشانه‌ای باشد، که ما ذرّیه و نسل آنان را در کشتیِ گرانباری (کشتیِ «نوح») برداشتیم.

٤٢ و برای آنان همانند آن چیزی را که سوارش شوند، آفریدیم.

٤٣ و اگر بخواهیم آنان را غرق کنیم، برایشان فریادرسی نباشد و آنان رهایی نیابند،

٤٤ مگر به رحمتی از ما. و تا هنگامی [معلوم از دنیا] بهره‌مند گردند.

٤٥ و آن گاه که به آنان گفته شود: «از آن چه در برابر شماست (آینده) و از آن چه پشت شماست (گذشته) بیمناک باشید، شاید مورد رحم [خداوند] قرار گیرید.» [اعتنایی نمی‌کنند].

٤٦ و برای آنان هیچ نشانه‌ای از نشانه‌های پروردگارشان نیامد، مگر این که از آن رویْ برتافتند.

٤٧ و آن گاه که به آنان گفته شود: «از آن چه خداوند به شما روزی داده است، بخشش کنید.» کسانی که کافر شدند، به کسانی که ایمان آوردند، گویند: «آیا کسی را طعام دهیم که اگر خداوند می‌خواست، به او طعام می‌داد؟ شما جز در گمراهی آشکاری نباشید.»

٤٨ و گویند: «این وعده (عذاب) چه هنگام خواهد بود، اگر راستگویانید؟»

٤٩ چشم به راهِ جز یک خروش نیستند، که در حالی که ستیزه و کشمکش می‌کنند، آنان را فرا گیرد.

٥٠ پس نه بتوانند وصیتی کنند و نه به سوی خاندان خویش بازگردند.

٥١ و در «صور» دمیده شود. پس ناگاه آنان از گورها به سوی پروردگارشان بشتابند.

٥٢ گویند: «وای بر ما! چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟ این همان است که [خداوندِ] بخشنده به ما وعده کرده بود. و پیامبران راست گفتند.»

٥٣ آن جز یک خروش نباشد. پس آن گاه همگی نزد ما حاضر آیند.

٥٤ پس آن روز به کسی هیچ ستم نشود و جز به آن چه می‌کردید، مجازات نشوید.

٥٥ بی‌تردید یاران بهشت آن روز سرگرم شادمانی باشند.

٥٦ آنان و همسرانشان در سایه‌ها بر سریرها (تخت‌ها) تکیه زده باشند.

٥٧ برای آنان در آن جا میوه باشد. و هر چه آرزو کنند، برایشان وجود دارد.

٥٨ سلام و شادباش سخنی است از پروردگار مهربان به آنان.

٥٩ و [به گناهکاران گویند]: «ای گناهکاران، امروز [از مؤمنان] جدا شوید.

٦٠ ای فرزندان «آدم»، آیا با شما عهد نکردم که شیطان را بندگی نکنید، که او برای شما دشمنی آشکار است؟

٦١ و این که مرا عبادت کنید. راه راست این باشد.

٦٢ و البته [شیطان] گروهِ بسیاری از شما را گمراه کرد. پس آیا اندیشه و درک نمی‌کردید؟

٦٣ دوزخی که به شما وعده داده می‌شد، این باشد.

٦٤ امروز در آن بسوزید، به سزای این که کفر می‌ورزیدید.»

٦٥ در این روز بر دهان‌هایشان مُهر می‌زنیم و در موردِ آن چه کسب می‌کردند، دست‌هایشان با ما سخن خواهند گفت و پاهایشان گواهی خواهند داد.

٦٦ و اگر بخواهیم [در دنیا] چشمانشان را فرو پوشانیم. پس [آهنگِ] سبقت در راه کنند. آن گاه چگونه خواهند دید؟

٦٧ و اگر بخواهیم، آنان را در جای خودشان مسخ می‌کنیم که نه بتوانند جلو روند و نه باز گردند.

٦٨ و هر کس را که عمر دراز دهیم، در آفرینشِ او واژگونگی به وجود می‌آوریم (از توانایی‌های او می‌کاهیم). پس آیا اندیشه و درک نمی‌کنند؟

٦٩ و ما به او («محمّد») شعر نیاموختیم. و شایستهٔ او هم نباشد. این جز پندی و «قرآنی» آشکار نباشد.

٧٠ تا هر کس را که زنده باشد، بیم دهد. و بر کافران سخن (فرمان عذاب) حق گردد.

۷۱ آیا آنان ندیدند که ما برای آنان از دستْ ساختِ خود (به قدرت خود) چهارپایان را آفریدیم و آنان مالک آن‌ها هستند؟

۷۲ و آن‌ها (چهارپایان) را برای آنان رام کردیم. پس بر برخی از آن‌ها سوار شوند و از [برخی از] آن‌ها بخورند.

۷۳ و برای آنان در [وجودِ] آن [چهارپایان] سودها و آشامیدنی‌ها باشد. آیا شکر نمی‌کنند؟

۷٤ و آنان غیر از خداوند معبودانی گرفتند، شاید یاری شوند.

۷٥ و آنان نتوانند یاریشان کنند. و آنان برای آن‌ها سپاهی آماده باشند.

۷٦ پس سخنِ آنان تو را اندوهگین نسازد. بی‌تردید ما آن چه را که پنهان می‌دارند و آن چه را که آشکار می‌سازند، می‌دانیم.

۷۷ آیا انسان نمی‌بیند که ما او را از نطفه‌ای آفریدیم. پس آن گاه او دشمنی آشکار باشد.

۷۸ و او برای ما مَثَلی زد و آفرینش خودش را از یاد برد. گفت: «چه کسی استخوان‌هایی را که پوسیده شده است، زنده می‌گرداند؟»

۷۹ بگو: «آن را آن کسی زنده می‌کند، که نخستین مرتبه آن را آفرید و او بر هر آفرینشی داناست.»

۸۰ آن کس که برای شما از درختِ سبز آتشی قرار داد (فراهم ساخت). پس آن گاه شما از آن [آتش] می‌افروزید.

۸۱ آیا آن کس که آسمان‌ها و زمین را آفرید، نمی‌تواند مانند آنان را بیافریند؟ آری و او آفریدگار داناست.

۸۲ بی‌تردید هر زمان که اراده کند که چیزی باشد، فقط [فرمان دهد و] به آن گوید: «باش» پس موجود می‌شود.

۸۳ پس پاک و منزّه است آن کس که فرمانروایی هر چیزی به دست اوست و [همگی] به سویش بازگردانده می‌شوید.

مکّی سورهٔ صافات (فرشتگان صف بسته، بال گشاده)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ سوگند به [فرشتگان] صف کشیده در صف،
۲ پس به بازدارندگانِ (موانع) که سخت می‌رانند،
۳ پس به خوانندگانِ پیامِ خداوند [بر پیامبران]
٤ که بی‌تردید معبودِ شما یگانه است.
۵ او پروردگار آسمان‌ها و زمین و آن چه میان آن دو می‌باشد، است. و پروردگار مشرق‌هاست.
٦ بی‌تردید ما آسمانِ دنیا را به پیرایهٔ ستارگان آراستیم.
۷ و آن را از هر شیطانِ سرکشی حفظ کردیم.
۸ نمی‌توانند به گروهِ [فرشتگانِ] عالمِ بالاتر گوش دهند. و از هر سو بر آن‌ها تیر افکنده شود.
۹ برای راندنِ آنان. و برایشان عذابی واجب و دائمی باشد.
۱۰ مگر آن کَس که [سخن را از عالم بالا] بِرُباید، ربودنی [خاص] که شهابی تیز او را دنبال خواهد کرد.
۱۱ پس، از آنان (مردم) بپرس که آیا از حیثِ خلقت و آفرینشْ آنان قدرتمندترند، یا آن‌ها که [در آسمان‌ها] آفریدیم؟ البته ما آنان را از گِل چسبنده آفریدیم.
۱۲ بلکه تو در شگفت ماندی. و آنان استهزا کنند.
۱۳ و آن گاه که پند داده شوند، پند نپذیرند.
١٤ و آن گاه که نشانه‌ای بینند، آن را به مسخره گیرند.
۱۵ و گویند: «این جز جادویی آشکار نباشد.»
١٦ [و گویند:] «آن گاه که بمیریم و خاک و استخوان شویم، آیا برانگیخته خواهیم شد؟
۱۷ و آیا پدران پیشین ما [برانگیخته می‌شوند]؟»
۱۸ بگو: «آری. و شما سرافکنده و خوار باشید.»
۱۹ پس بی‌تردید آن، جز یک بانگ بلند نباشد. پس آن گاه می‌نگرند.
۲۰ و می‌گویند: «ای وای بر ما! این روز جزاست.»
۲۱ «این روز جدایی است، که شما آن را دروغ می‌پنداشتید.»
۲۲ «کسانی را که ستم کردند و جفت‌هایشان را و آن چه را که می‌پرستیدند، گردِ هم آرید،
۲۳ [معبودانی را که] جز خداوند [می‌پرستیدند]. پس آنان را به سوی دوزخ راه بنمایید.
٢٤ و آنان را بازدارید، که آنان مورد پرسش قرار خواهند گرفت.»

۲۵ «شما را چه شده است که به یکدیگر یاری نمی‌کنید؟»
۲۶ [نه] بلکه آنان امروز تسلیم شدگان باشند.
۲۷ آنان به یکدیگر رویْ آورند [و] پرسش کنان [گویند:]
۲۸ «شما بودید که از سوی راست نزد ما می‌آمدید (خود را از جانب حق می‌نمودید)؟»
۲۹ آنان گویند: «[نه] بلکه شما خود مؤمن نبودید.
۳۰ و ما را بر شما قدرتی و سلطه‌ای نبود، بلکه شما قومی سرکش بودید.
۳۱ پس سخن پروردگارمان بر ما حق شد که البته چشندگان [عذاب] می‌باشیم.
۳۲ پس ما شما را گمراه کردیم، زیرا ما خود گمراه بودیم.»
۳۳ پس بی‌تردید آنان در آن روز در عذاب مشترک باشند.
۳٤ بی‌تردید ما با گناهکاران چنین رفتار کنیم.
۳۵ البته آنان بودند که هر گاه به ایشان گفته می‌شد: «معبودی جز خداوند [یکتا] نیست» تکبّر می‌ورزیدند.
۳٦ و آنان می‌گفتند: «آیا ما معبودانِ خویش را به خاطر شاعری دیوانه ترک کنیم؟»
۳۷ [نه] بلکه [«محمّد»] حق را آورد و پیامبران [پیشین] را تصدیق کرد.
۳۸ بی‌تردید شما چشندۀ عذاب دردناک خواهید بود.
۳۹ و غیر از آن چه انجام می‌دادید، جزا داده نشوید.
٤۰ مگر بندگان پاک‌دل وبا اخلاصِ خداوند.
٤۱ آنان هستند که برایشان رزقی معلوم می‌باشد.
٤۲ میوه‌هایی. و آنان مورد احترام هستند.
٤۳ در بوستان‌های پرنعمت.
٤٤ بر تخت‌هایی رو به روی هم [تکیه می‌زنند].
٤۵ جامی از نوشیدنی‌های خوشگوار برایشان به چرخش آید.
٤٦ سپید و برای نوشندگانْ خوشگوار (لذت‌بخش) خواهد بود.
٤۷ نه در آن فسادِ عقل است و نه آنان از آن مست و مدهوش شوند.
٤۸ و نزدشان حوروَشانی دیده فروهشته و درشتْ چشم باشند.
٤۹ [از سپیدی] گویی تخمِ پرنده‌اند که [در پرده] پوشیده باشد.
۵۰ پس پرس و جو کنان به یکدیگر رویْ می‌آورند.
۵۱ گوینده‌ای از آنان می‌گوید: مرا در دنیا همنشینی بود...

٥٢ که می‌گفت: آیا تو از تصدیق‌کنندگان [رستاخیز] هستی؟

٥٣ و [می‌گفت]: آن گاه که بمیریم و خاک و استخوان شویم، آیا به سزای اعمالمان می‌رسیم؟

٥٤ [سپس] گوید: آیا شما خبر دارید [که یارِ دنیاییِ من کجاست]؟

٥٥ پس او را در میانِ [آتشِ] دوزخ می‌بیند.

٥٦ می‌گوید: به خدا سوگند نزدیک بود تو مرا هلاک سازی.

٥٧ و اگر نعمت پروردگار من نبود، البته من از حاضران [در آتش] بودم.

٥٨ آیا ما دیگر نخواهیم مُرد؟

٥٩ جز همان نخستین مرگ [دنیایی] و آیا ما را عذاب نخواهند کرد؟

٦٠ بی‌تردید این همان رستگاریِ عظیم است.

٦١ برای چنین [رستگاری] عمل کنندگان باید عمل کنند.

٦٢ آیا این منزلگاه و پذیرایی (بهشت) بهتر است، یا درخت «زَقّوم»؟

٦٣ که ما آن را برای ستمکاران آزمونی قرار دادیم.

٦٤ بی‌تردید آن درختی است که در ژرفنای دوزخ می‌روید.

٦٥ گویی شکوفه‌اش سرهای شیطان‌ها باشد.

٦٦ پس آنان از آن می‌خورند و شکم‌ها را از آن پُر می‌کنند.

٦٧ آن گاه بر روی آن برای آنان آمیخته‌ای از آب جوش باشد.

٦٨ آن گاه بازگشتِ آنان به سوی دوزخ است.

٦٩ بی‌تردید آنانْ پدران خویش را گمراه یافتند.

٧٠ و اینان به دنبال آنان شتابانند.

٧١ و البته پیش از آنان بیش‌ترِ گذشتگان گمراه شدند.

٧٢ و ما در میان آنان بیم‌دهندگانی فرستادیم.

٧٣ پس بنگر که سرانجامِ بیم داده شدگان چه بود؟

٧٤ جز بندگانِ با اخلاص و پاک‌دلِ خداوند.

٧٥ و البته «نوح» ما را خواند. پس ما نیکوترین پاسخگویان (پذیرندگان دعا) هستیم.

٧٦ و او و خاندانش (پیروانش) را از اندوهِ عظیم رهانیدیم.

۷۷ و فرزندان او را باقی گذاشتیم.
۷۸ و برایش در میان آیندگان باقی گذاشتیم:
۷۹ سلام بر «نوح» در میان جهانیان.
۸۰ البته ما بدینسان نیکوکاران را پاداش دهیم.
۸۱ به راستی او («نوح») از بندگانِ با ایمان ما بود.
۸۲ آن گاه ما دیگران را غرق کردیم.
۸۳ و البته «ابراهیم» از پیروان او («نوح») بود.
۸٤ آن گاه که با دلی پاک به سوی پروردگار خویش آمد.
۸۵ آن گاه که به پدر و خویشاوندان خود گفت: «این چیست که شما می‌پرستید؟
۸٦ آیا معبودانی دروغین غیر از خداوند می‌خواهید؟
۸۷ پس گمانِ شما در مورد پروردگار جهانیان چیست؟»
۸۸ پس [«ابراهیم»] به ستارگان نگاهی کرد.
۸۹ آن گاه گفت: «بی‌تردید من بیمارم.»
۹۰ پس [قوم او] از او پشت کنان رویْ گردانیدند.
۹۱ سپس [«ابراهیم»] به سوی معبودانِ آنان رفت و گفت: «آیا نمی‌خورید؟
۹۲ شما را چه شده است، که سخن نمی‌گویید؟»
۹۳ پس به سوی آن‌ها رفت و ضربه‌ای با دست راست [به آن‌ها] زد.
۹٤ پس [مردم] شتابان رو به او آوردند.
۹۵ او گفت: «آیا آن چه را که خود می‌تراشید، عبادت می‌کنید؟
۹٦ و خداوند است که شما را و آن چه را که انجام می‌دهید [و می‌سازید] آفریده است.»
۹۷ گفتند:«برایش بنایی سازید و در آتشش اندازید.»
۹۸ پس به او نیرنگی زدند [تا آزارش دهند]. آن گاه ما آنان را پست‌تر گردانیدیم.
۹۹ و [«ابراهیم»] گفت: «البته من به سوی پروردگارم می‌روم. به زودی او مرا راه بنماید.»
۱۰۰ [«ابراهیم» گفت:] «پروردگارا، مرا [فرزندی] از نیکان ببخش.»
۱۰۱ پس ما او را به پسری شکیبا مژده دادیم.
۱۰۲ پس آن گاه که با او به حدّ کار و کوشش رسید، [«ابراهیم» به او] گفت: «ای پسرم، در خواب می‌بینم که تو را سر می‌بُرَم. پس بنگر که چه می‌بینی؟ (به من بگو نظرت در این مورد چیست؟)» گفت: «ای پدرم، هر چه به تو فرمان داده شود، چنان کن. که اگر خداوند خواهد، من را از شکیبایان خواهی یافت.»

۱۰۳ پس آن گاه که هر دو تسلیم شدند، و [«ابراهیم»] او را به پیشانی [بر خاک] افکند.

۱۰٤ و او را ندا دادیم:

۱۰۵ «ای «ابراهیم»، بی‌تردید رؤیایت را حقیقت بخشیدی.» ما نیکوکاران را این چنین پاداش دهیم.

۱۰٦ بی‌تردید این همان آزمونِ آشکار باشد.

۱۰۷ پس قربانیِ عظیمی را فدای او کردیم.

۱۰۸ و برایش در میان آیندگان باقی گذاشتیم:

۱۰۹ سلام بر «ابراهیم».

۱۱۰ ما نیکوکاران را این چنین پاداش دهیم.

۱۱۱ بی‌تردید او از بندگان با ایمان ما بود.

۱۱۲ و او را به «اسحاق» -پیامبری از نیکان- بشارت دادیم.

۱۱۳ و بر او و بر «اسحاق» برکت دادیم. و از فرزندانِ آن دو [تعدادی] نیکوکار بودند و [تعدادی] آشکارا بر خویشتن ستمکار بودند.

۱۱٤ و ما بر «موسی» و «هارون» منت نهادیم.

۱۱۵ و آن دو و قومِ آن دو را از اندوه عظیم نجات دادیم.

۱۱٦ و آنان را یاری دادیم، تا پیروز شدند.

۱۱۷ و آن دو را «کتاب» روشن دادیم.

۱۱۸ و آن دو را به راه راست هدایت کردیم.

۱۱۹ و برایشان در میان آیندگان باقی گذاشتیم:

۱۲۰ سلام بر «موسی» و «هارون».

۱۲۱ بی‌تردید ما نیکوکاران را این چنین پاداش دهیم.

۱۲۲ بی‌تردید آن دو از بندگان با ایمان ما بودند.

۱۲۳ و بی‌تردید «الیاس» از پیامبران بود.

۱۲٤ آن گاه که به قوم خویش گفت: «آیا پرهیزکاری نمی‌کنید؟

۱۲۵ آیا «بعل» را می‌خوانید و نیکوترینِ آفریدگاران را رها می‌کنید؟

۱۲٦ «اللّه» را که پروردگار شما و پروردگار پدران پیشین شماست.»

۱۲۷ پس او را تکذیب کردند. پس بی‌تردید آنان [به عذاب دوزخ] حاضر آیند.

۱۲۸ مگر بندگانِ پاک‌دلِ خداوند [که از عذاب ایمن هستند].

۱۲۹ و برایش در میان آیندگان باقی گذاشتیم:

۱۳۰ سلام بر «الیاس».

۱۳۱ بی‌تردید ما نیکوکاران را این چنین پاداش دهیم.

۱۳۲ بی‌تردید او از بندگان با ایمان ما بود.

۱۳۳ و بی‌تردید «لوط» از پیامبران بود.

۱۳٤ آن گاه که او و همهٔ خاندانش را نجات دادیم.

۱۳۵ مگر پیرزنی که از بازماندگان بود.

۱۳٦ آن گاه دیگران را هلاک کردیم.

۱۳۷ و شما بر [مکانِ ویرانِ] آنان بامدادان می‌گذرید،

۱۳۸ و شبانگاه. پس آیا اندیشه و درک نمی‌کنید؟

۱۳۹ و بی‌تردید «یونس» از پیامبران بود.

۱٤۰ آن گاه که به سوی کشتی گرانبار گریخت.

۱٤۱ سپس قرعه کشیدند و او مغلوب شد.

۱٤۲ پس ماهی او را بلعید، در حالی که او سرزنشگر [خود] بود.

۱٤۳ پس اگر نه این بود که او از تسبیح گویان بود،

۱٤٤ البته در شکم آن [ماهی] تا روزی که برانگیخته شوند، باقی می‌ماند.

۱٤۵ پس او را به دشت افکندیم. و او بیمار بود.

۱٤٦ و برایش درختی از نوعِ کدو رویاندیم.

۱٤۷ و او را به سوی یکصد هزار [تن] یا بیش از آن فرستادیم.

۱٤۸ پس آنان ایمان آوردند و تا هنگامی آنان را [از نعمت]ها بهره‌مند ساختیم.

۱٤۹ پس ازآنان بپرس که آیابرای پروردگارت دختران و برای آنان پسران باشد؟

۱۵۰ یا این که ما فرشتگان را ماده آفریدیم و آنان شاهد [این کار] بودند؟

۱۵۱ بدان که از دروغ پردازی‌شان است که می‌گویند:

۱۵۲ «خداوندْ فرزند آورد.» و آنان البته دروغگو باشند.

۱۵۳ آیا دختران را بر پسران برگزید؟

١٥٤ شما را چه می‌شود؟ چگونه داوری می‌کنید؟
١٥٥ آیا پند نمی‌گیرید؟
١٥٦ یا آیا شما را دلیلی محکم و آشکار است؟
١٥٧ پس اگر راستگو هستید، «کتاب» خود را بیاورید.
١٥٨ و آنان میان خداوند و جنیان نسبت [خویشاوندی] قرار دادند. و البته جنیان می‌دانند که آنان [در دوزخ] حاضر آیند.
١٥٩ خداوند از آن چه وصف می‌کنند، پاک و منزّه است.
١٦٠ مگر بندگان بااخلاص و پاک‌دل خداوند.
١٦١ پس بی‌تردید شما و آن چه عبادتشان می‌کنید،
١٦٢ نمی‌توانید کسی را فریب دهید،
١٦٣ مگر کسی که وارد دوزخ شود.
١٦٤ [فرشتگان گویند:] و هیچ کس از ما نیست، مگر این که [از سوی خدا] او را مقامی معلوم باشد.
١٦٥ و بی‌تردید ما [در اجرای فرمانش] صف کشیده‌ایم.
١٦٦ و ما [او را] به پاکی می‌ستاییم.
١٦٧ و البته آنان (کافران) می‌گفتند:
١٦٨ «اگر از گذشتگان نزد ما پندی (کتابی) بود،
١٦٩ البته ما بندگان با اخلاص و پاک‌دل خداوند می‌بودیم.»
١٧٠ سپس به آن کافر شدند. پس به زودی خواهند دانست.
١٧١ و البته سخن ما برای پیامبرانِ ما که بندگانِ ما هستند، از قبل گفته شد.
١٧٢ بی‌تردید آنان از یاری‌شدگانَ باشند.
١٧٣ و بی‌تردید سپاهیان ما پیروز باشند.
١٧٤ پس تو از آنان تا هنگامی رویْ بگردان.
١٧٥ و آنان را نگاه کن. پس به زودی [عذاب را] خواهند دید.
١٧٦ آیا به [آمدن] عذاب ما شتاب دارند؟
١٧٧ پس هرگاه [عَذاب] بهَ مکان زندگی آنان فرود آید، بیم داده شدگانْ بدْ بامدادی خواهند داشت.
١٧٨ پس تو تا هنگامی از آنانَ رویْ بگردان.
١٧٩ و نگاه کن. پس به زودی [عذاب را] خواهند دید.
١٨٠ پاک و منزّه است پروردگارت، پروردگار عزّت، از آن چه وصف می‌کنند.
١٨١ و سلام بر پیامبران باد.
١٨٢ و حمد و سپاس خدای راست، که پروردگار جهانیان است.

مکّی

سورهٔ ص

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ صاد. به «قرآن» که دارای پند است، سوگند،

۲ بلکه کسانی که کافر شدند، در سرکشی و ستیز می‌باشند.

۳ چه بسیار از نسل[ها] که پیش از آنان هلاکشان کردیم. پس فریاد [مرگ] برآوردند. و آن هنگام، زمان گریز نبود.

٤ و تعجب کردند که بیم‌دهنده‌ای از [میانِ] خودشان برایشان آمد و کافران گفتند: «این جادوگری بسیار دروغگو است.

۵ آیا او [همهٔ] معبودان را یک معبود کرد؟ بی‌تردید این چیزِ بسیار حیرت‌انگیزی است.»

٦ و بلندپایگانِ آنان راه افتادند [و گفتند:] «بروید و بر [پرستشِ] معبودانتان شکیبایی کنید. بی‌تردید این همان چیز مورد نظر است.

۷ ما چنین چیزی در ملّت اخیر نشنیدیم. بی‌تردید این سخن جز [دروغی] ساخته و پرداخته نباشد.

۸ آیا ذکر («قرآن») از میان ما بر او فرو فرستاده شد؟» [نه] بلکه آنان از پند من («قرآن» من) در شک می‌باشند. بلکه هنوز عذاب مرا نچشیده‌اند.

۹ یا آیا گنج‌های رحمت پروردگارت که عزیز بخشِشگر است، نزد آنان است؟

۱۰ یا فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آن چه میان آن دو است، برای آنان است؟ [اگر چنین است] پس باید به آن وسایل به آسمان بالا روند.

۱۱ [اینان] یک سپاه اندک و شکست خورده‌ای از احزاب هستند.

۱۲ پیش از آنان قوم «نوح» و «عاد» و «فرعون»، صاحبِ عماراتِ بلندِ میخگون، [پیامبران را] تکذیب کردند.

۱۳ و «ثمود» و قوم «لوط» و یاران «ایکه». آنان احزاب بودند.

۱٤ از آنان هیچ گروهی نبود، مگر این که پیامبران را تکذیب کرد. پس عذابِ من [بر آنان] حق شد.

۱۵ و اینان انتظارِ جز یک خروش را ندارند، که آن را هیچ بازگشتی و مهلتی نباشد.

۱٦ و گفتند: «پروردگارا، بهره و نصیب ما را پیش از روزِ حساب برای ما بیاور.»

۱۷ [ای «محمّد»] بر آن چه می‌گویند، شکیبایی کن. و بندۀ ما «داود» را که صاحب قدرت بود، به یادآور. بی‌تردید او همیشه به سوی خداوند باز می‌گشت.

۱۸ ما کوه‌ها را رام کردیم، که شبانگاه و بامداد [خداوند را] با او تسبیح می‌کردند.

۱۹ و پرندگان همه نزد او گرد می‌آمدند و هر یک بازگشت‌کننده برای او بودند.

۲۰ و فرمانروایی او را پایدار ساختیم و به او حکمت و داوری و تمیزِ راست از ناراست (فصل‌الخطاب) دادیم.

۲۱ و آیا خبرِ دادخواهان برای تو آمد، آن گاه که از دیوار محراب بالا رفتند؟

۲۲ هنگامی که بر «داود» داخل شدند. پس [او] از آنان ترسید. گفتند: «نترس. ما دو دادخواه هستیم، که یکی از ما بر دیگری ستم کرده است. پس میان ما به حق داوری کن و بیدادگری مکن و ما را به راه راست هدایت نما.

۲۳ البته این برادر من است. او نود و نُه میش دارد. و من یک میش دارم. پس به من گفت که آن [یک میش] را به من بسپار و در گفتگو بر من چیره شد.»

۲٤ [«داود»] گفت: «به یقین او برای خواستنِ میشِ تو افزون بر میش‌های خود بر تو ستم کرده است. و البته بسیاری از شریکان به یکدیگر ستم کنند، مگر کسانی که ایمان آوردند و نیکوکاری کردند و [چنین کسانی] کم باشند.» و «داود» اندیشید که ما او را آزمودیم. آن گاه از پروردگارش آمرزش خواست و به رکوع افتاد و توبه کرد.

۲۵ پس او را از این [لغزش] آمرزیدیم. و او نزد ما از مقرّبان [درگاه] است. و او را بازگشت نیکویی باشد.

۲٦ ای «داود»، البته ما تو را در زمین جانشین کردیم. پس میان مردم به حق داوری کن و از هوس پیروی منما، که تو را از راه خداوند گمراه می‌سازد. بی‌تردید کسانی که از راه خداوند گمراه می‌شوند، برای آنان عذابی سخت باشد. به خاطر آن که روز حساب را فراموش کردند.

۲۷ و ما آسمان و زمین و آن چه را که میان آن دو است، بیهوده نیافریدیم. این گمان کسانی است که کافر شدند. پس وای بر آنان که کافر شدند، از [عذابِ] آتش!

۲۸ آیا [ما] کسانی را که ایمان آوردند و نیکوکاری کردند، مانند فسادگران در زمین قرار می‌دهیم؟ یا پرهیزکاران را مانند بدکاران قرار می‌دهیم؟

۲۹ [این] «کتابی» است دارای خیر و برکتِ بسیار که آن را به سوی تو فرو فرستادیم، تا [همگان] در آیاتش اندیشه کنند و برای این که خردمندان از آن پند گیرند.

۳۰ و «سلیمان» را به «داود» بخشیدیم، که بنده‌ای نیک بود و بسیار به سوی خداوند باز می‌گشت.

۳۱ آن گاه که شبانگاه بر او اسبان نیکو و تندرو عرضه کردند.

۳۲ پس [«سلیمان»] گفت: «بی‌تردید من علاقه به خیرْ (اسبان) را بر ذکرِ (عبادتِ) پروردگارم برگزیدم.» تا این که آن‌ها در پشت پرده‌ای پنهان شدند.

۳۳ [«سلیمان» گفت:] «آنان را نزد من بازآورید.» پس شروع به دست کشیدن به ساق‌ها و گردن‌های آنان (اسبان) نمود.

۳٤ و به یقین «سلیمان» را آزمودیم و بر تختِ او کالبدی (جسدی) افکندیم. آن گاه توبه‌کنان [به سوی خداوند] بازگشت.

۳۵ [«سلیمان»] گفت: «پروردگارا، مرا بیامرز و مرا سلطنتی ببخشای، که پس از من، دیگری شایستهٔ آن نباشد. بی‌تردید تو خود بسیار بخشنده‌ای.»

۳٦ پس آن گاه باد را برای او رام کردیم که به فرمان او به آرامی هر جا که می‌خواست، می‌وزید (حرکت می‌کرد).

۳۷ و همهٔ شیطان‌ها را که هم ساختمانْساز و هم شناگر بودند [رام او کردیم].

۳۸ و [شیطان‌های] دیگر را که با هم در زنجیر بسته شده بودند.

۳۹ [به «سلیمان» گفتیم:] این بخشش ما باشد. پس ببخش یا نگه دار، بدون حساب.

٤۰ و البته او («سلیمان») نزد ما از مقربان (نزدیکان) است و بازگشتش نیکو باشد.

٤۱ و به یاد آور بندهٔ ما «ایوب» را آن گاه که پروردگارش را بخواند [و گفت:] «شیطان به من رنج و عذاب رسانید.»

٤۲ [به او گفتیم:] «پای خویش را بر زمین بکوب. این چشمه‌ساری سرد برای شستشو و آشامیدنی است.»

٤٣ و خاندانش و مانندِ آنان را با آنان به او («ایوب») بخشیدیم، که رحمتی از ما باشد. و برای خردمندان پندی است.

٤٤ و [به («ایوب») گفتیم]: «دسته‌ای از شاخه‌های باریک را به دستت بگیر و با آن بزن، و سوگند مشکن.» بی‌تردید ما او را شکیبا یافتیم. بندهٔ نیکویی بود. بی‌تردید بسیار بازگشت کننده [به سوی حق] بود.

٤٥ و بندگان ما: «ابراهیم» و «اسحاق» و «یعقوب» را به یاد آور، که صاحبان قدرت و بینایی بودند.

٤٦ البته ما آنان را با اخلاص و پاک‌دل گردانیدیم به سرشتی (خصلتی) که آخرت را به یاد داشته باشند.

٤٧ و البته آنان نزد ما از برگزیدگان نیکان هستند.

٤٨ و «اسماعیل» و «الیَسَع» و «ذوالکِفْل» را به یادآور. و همه از نیکان باشند.

٤٩ این یادآوری است. و البته برای پرهیزکاران بازگشتی نیکو باشد.

٥٠ درهای بهشت‌های جاویدان به روی آنان باز است.

٥١ در آن تکیه زنند و در آن میوهٔ بسیار و نوشیدنی‌ها خواهند.

٥٢ و در کنارشان زنانی باشند، که جز به شوهرانِ خویش ننگرند و همسال باشند.

٥٣ این همان چیزی است که برای روزِ حساب به شما وعده داده می‌شد.

٥٤ بی‌گمان این رزق و روزیِ ما باشد، که آن را پایانی نباشد.

٥٥ این [برای مؤمنان] است و برای سرکشان بدترین بازگشت‌ها باشد:

٥٦ دوزخ، که در آن روند و بسوزند. و آن بد جایگاهی است.

٥٧ این است. پس باید آن را بچشند، که آبِ جوشان و چرکینِ گندآلود باشد.

٥٨ و انواع عذاب‌های دیگر همانندِ آن‌ها.

٥٩ این گروهی است که با شما [در دوزخ] آیند. بر آنان «خوش آمد» مباد، که البته آنان در آتش در آیند.

٦٠ گویند: «بر شما خوش آمد مباد. زیرا [این دوزخ را] شما برای ما پیش آوردید.» و چه بد جایگاهی و قرارگاهی است.

٦١ گویند: «پروردگارا، هر کس این [عذاب] را برای ما پیش آورد، عذابِ او را در دوزخ دو چندان بیفزای.»

٦٢ و گویند: «ما را چه شده است؟ مردانی که آنان را از اشرار می‌شمردیم،
٦٣ [در این جا] نمی‌بینیم! [کسانی که] ما آنان را به مسخره می‌گرفتیم [این جا نیستند]. یا [شاید] چشمان ما آنان را نمی‌بیند!»
٦٤ بی‌تردید این راست است که ساکنانِ دوزخ با یکدیگر ستیزه می‌کنند.
٦٥ بگو: «البته من بیم دهنده‌ام. و هیچ معبودی جز «اللّه»، آن یگانهٔ غالب بر همه چیز وجود ندارد.
٦٦ پروردگارِ آسمان‌ها و زمین و آن چه میان آن دو می‌باشد، آن عزیز آمرزگار.»
٦٧ بگو: «این خبری عظیم باشد.
٦٨ شما از آن رویْ گردانید.
٦٩ مرا دانشی به گروهِ [فرشتگانِ] بالا، آن زمان که بحث و کشمکش می‌کردند، نبود.
٧٠ فقط این به من وحی می‌شود، که من بیم‌دهنده‌ای آشکارم.»
٧١ آن گاه که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من آفرینندهٔ بشری از گِل هستم.
٧٢ پس آن گاه که او را بیاراستم و از روح خویش در او دمیدم، در برابرش [سرتسلیم فرود آورید و] به سجده افتید.»
٧٣ پس فرشتگان، همگی [سر تسلیم فرود آوردند و] سجده کردند.
٧٤ جز «ابلیس» که تکبر ورزید و از کافران بود.
٧٥ [خداوند] گفت: «ای «ابلیس»، تو را چه چیز مانع شد، که به آن چه من با دو دستِ (تمام قدرتِ) خویش آفریدم، سجده نکردی؟ آیا تکبّر ورزیدی؟ یا آیا از برتری جویان هستی؟»
٧٦ [«ابلیس»] گفت: «من از او بهتر هستم. مرا از آتش و او را از گِل آفریدی.»
٧٧ [خداوند] گفت: «از بهشت خارج شو، که تو رانده شده هستی!
٧٨ و بی‌تردید لعنت من تا روز قیامت بر تو باشد.»
٧٩ [«ابلیس»] گفت: «پروردگارا، پس مرا تا روزی که برانگیخته شوند، مهلت ده.»
٨٠ [خداوند] گفت: «پس البته تو از مهلت یافتگان هستی.
٨١ تا روز و زمان معلوم.»
٨٢ [«ابلیس»] گفت: «پس به عزت تو سوگند، که بی‌تردید همهٔ آنان را گمراه سازم،
٨٣ جز آن کسان از بندگان تو که با اخلاص و پاک‌دل باشند [و تنها تو را عبادت کنند].»

٨٤ [خداوند] گفت: «پس حق است و حق را می‌گویم، که:
٨٥ دوزخ را از تو و از همهٔ آنان که از تو پیروی کنند، آکنده سازم.»
٨٦ [ای «محمّد»] بگو: «من از شما به خاطر آن (رسالت) هیچ مزدی نمی‌خواهم و من
از متکلفین و ظاهرسازان نیستم.»
٨٧ آن («قرآن») جز پندی برای جهانیان نباشد.
٨٨ و البته پس از زمانی خبر آن را خواهید دانست.

مکّی سورهٔ زُمَر (گروه‌ها)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

١ فرو فرستادنِ [این] «کتاب» («قرآن») از [سوی] خداوند عزیز حکیم می‌باشد.
٢ بی‌گمان ما «کتاب» («قرآن») را به حق به سوی تو فرو فرستادیم. پس به پاکیِ دل و
با اخلاص در دین، خداوند را پرستش کن.
٣ بدان که دین پاک و خالص برای خداوند است. و کسانی که جز خداوند اولیایی
می‌گیرند [می‌گویند:] «ما فقط به این دلیل آنان را بندگی می‌کنیم، که [چون مقرب
درگاه خداوند هستند] ما را به خداوند نزدیک می‌کنند.» بی‌تردید خداوند میان آنان
در آن چه در موردش اختلاف می‌کنند، حکم کند. بی‌تردید خداوند کسی را که
دروغگوی ناسپاس است، هدایت نمی‌کند.
٤ اگر خداوند می‌خواست فرزندی بگیرد، البته از آن چه می‌آفریند، آن را که
می‌خواست، بر می‌گزید. او منزّه است. او خداوند یکتای چیره و دشمن شکن است.
٥ او آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید. شب را بر روز می‌پیچد. و روز را بر شب
می‌پیچد. و آفتاب و ماه را رام [قانونی معین] گردانید. همهٔ آنان تا هنگامی معلوم
[در مسیر خود] روان هستند. بدان که او عزیز آمرزگار است.

٦ شما را از یک تن (یک نَفْس) آفرید. آن گاه جفتش (همسرش) را از آن (نَفْس واحد) قرار داد. و برای شما از چهار پایان هشت زوج نازل کرد. شما را در شکم‌های مادرانتان می‌آفریند. آفرینشی پس از آفرینشی در تاریکی‌های سه گانه. اینست «اللّه»، پروردگار شما. فرمانروایی [فقط] از آنِ او باشد. معبودی جز او نباشد. پس چگونه شما [از حق] گردانده می‌شوید؟

۷ اگر کافر و ناسپاس شوید، بی‌گمان خداوند از شما بی‌نیاز است. و برای بندگانش کفر را نمی‌پسندد و اگر شکر به جای آورید، آن را برای شما می‌پسندد و هیچ باربرداری، بارِ [گناهِ] دیگری را بر ندارد. آن گاه بازگشت شما به سوی پروردگارتان باشد. پس او شما را به آن چه می‌کردید، خبر دهد. بی‌تردید او به آن چه در سینه‌هاست، داناست.

۸ و آن گاه که انسان را گزندی رسد، پروردگار خویش را بخواند و به سوی او باز آید. سپس آن گاه که خداوند به او نعمتی از خود دهد، آن چه را که برای آن پیش از آن خداوند را خوانده بود، فراموش می‌کند و برای خداوند همتایانی قرار می‌دهد، تا [دیگران را] از راه او گمراه کند. بگو: «به کفر خویش اندکی بهره‌مند شو، بی‌تردید از اهل دوزخ باشی.»

۹ آیا آن که ساعاتی از شب سجده‌کنان و ایستاده [نسبت به خدا] فروتن است [و] از آخرت بیمناک است و به رحمت پروردگار خویش امیدوار می‌باشد [مانند کافران است]؟ بگو: «آیا آنان که می‌دانند و آنان که نمی‌دانند، یکسانند؟» تنها خردمندان پند می‌پذیرند.

۱۰ بگو: ای بندگان من که ایمان آورده‌اید، از پروردگار خویش بیمناک باشید. برای کسانی که در این دنیا نیکی کرده‌اند، نیکی باشد. و زمین خداوند گسترده است. بی‌تردید به شکیبایان پاداششان بی‌حساب داده شود.

۱۱ بگو: «من فرمان یافته‌ام که خداوند را ستایش کنم و دین را برایش پاک و خالص بدارم.

۱۲ و من فرمان یافته‌ام که نخستینِ مسلمانان باشم.»

۱۳ بگو: «اگر پروردگارم را نافرمانی کنم، بی‌تردید از عذاب روزی عظیم می‌ترسم.»

۱٤ بگو: «فقط خداوند را عبادت می‌کنم. برای او دینم را پاک و خالص می‌دارم.

۱۵ پس شما هم جز او آن چه را که می‌خواهید، بپرستید.» بگو: «بی‌تردید زیانکاران کسانی هستند که روز قیامت به نَفْسِ خودشان و کسانشان زیان زده‌اند.» بدان که آن خود زیانکاری آشکار باشد.

۱٦ برای آنان از فرازِ سرشان سایبان‌هایی از آتش و از زیرشان لایه‌های آتشین باشد. این همان چیزی است که خداوند به آن، بندگان خویش را بیم می‌دهد. ای بندگان من، پس، از [عذاب] من بپرهیزید.

۱۷ و آنان که از پرستش «طاغوت» دوری گزیدند و به سوی خداوند بازگشتند، مژده برای آنان باشد. پس بندگان مرا مژده بده.

۱۸ [مژده بده به] آنان که گفتار را می‌شنوند و از نیکوترینِ آن پیروی می‌کنند. آنان کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده است، و آنان خود خردمندان باشند.

۱۹ پس آیا آن کس که کلمهٔ عذاب بر او واجب گردید، آیا تو او را که در آتش است، رهایی می‌بخشی؟

۲۰ لیکن کسانی که از پروردگارشان می‌ترسند، برایشان غرفه‌هایی باشد که از بالای آن‌ها غرفه‌هایی بنا شده (کاخ‌های چند طبقه) که از زیر آن‌ها جویبارها جاری است. [این] وعدهٔ خداوند است و خداوند خلاف وعده نکند.

۲۱ آیا نمی‌نگری که خداوند از آسمان آبی فرو فرستاد. آن گاه آن را [به شکلِ] چشمه‌ها در زمین روان ساخت. سپس به آن، کشت‌هایی که رنگ‌های گوناگون دارند، بیرون آورد. سپس [آن‌ها] خشک شود. پس تو آن را زرد می‌بینی، آن گاه آن را ریز شده می‌گرداند. بی‌تردید در این برای صاحبانِ خرد پندی باشد.

۲۲ آیا آن کس که خداوند سینه‌اش را برای «اسلام» گشود، پس او بر نوری از پروردگار خویش است [مانند گمراهان است]؟ آن گاه وای بر کسانی که بر یاد خداوند سخت‌دل هستند! آنان در گمراهیِ آشکار می‌باشند.

۲۳ خداوند نیکوترین سخن را فرو فرستاد. «کتابی» است [که آیاتش به طرزی ویژه] همانند و مکرّر باشد. که از [خواندنِ] آن، پوستِ کسانی که از پروردگارشان می‌ترسند، به شدت جمع شود. آن گاه پوست‌ها و دل‌هایشان با یاد خداوند نرم می‌گردد. این هدایت خداوند است که به آن هر کس را که بخواهد، هدایت می‌کند. و هر کس را که خداوند گمراه سازد، دیگر او را هدایتگری نباشد.

۲٤ آیا آن کس که به سیمای خود (با تمام توجه خود) از رنج و بدیِ عذابِ روزِ قیامت پرهیز می‌کند، [مانند کافران است]؟ و به ستمگران گویند: «بچشید [کیفرِ] آن چه را که کسب می‌کردید.»

۲۵ کسانی که پیش از آنان بودند [این سخنان را] دروغ پنداشتند. پس عذاب از جایی بر آنان آمد، که نمی‌فهمیدند.

۲٦ پس خداوند خواری را در زندگیِ دنیا به آنان چشانید. و البته عذاب آخرت بزرگ‌تر باشد. اگر می‌دانستند.

۲۷ و به یقین برای مردم در این «قرآن» از هر گونه مَثَلی زدیم، شاید پند گیرند.

۲۸ «قرآنی» [به زبان] عربی است، که هیچ کجی [و خللی] ندارد. شاید آنان پرهیزکار شوند.

۲۹ خداوند مردی را مَثَل زد، که در [کارِ] او شریکانِ ستیزه جویی باشند و مردی که فرمانبردار از یک تن است. آیا آن دو در مَثَل با هم برابرند؟ حمد و سپاس برای خداوند باشد. [نه] بلکه بیش‌ترشان نمی‌دانند.

۳۰ بی‌گمان تو می‌میری و آنان [نیز] می‌میرند.

۳۱ آن گاه به راستی در روز قیامت شما نزد پروردگارتان با یکدیگر ستیزه می‌کنید.

۳۲ پس کیست ستمکارتر از آن کس که بر خداوند دروغ بست و [سخنِ] حق و
درست («قرآن») را آن گاه که بر او آمد، دروغ پنداشت؟ آیا برای کافران در دوزخ
جایی نباشد؟

۳۳ و آن کس که سخنِ راست را آورد و [کسی که] آن را راست دانست، آنان گروهی
هستند که پرهیزکار می‌باشند.

۳٤ برای آنان نزدِ پروردگارشان آن چه خواهند، باشد. این پاداشِ نیکوکاران است.

۳۵ این برای آنست که خداوند بدترین کارهایی را که آنان کرده‌اند، از آنان پاک کند و
بر پایهٔ نیکوترینِ آن چه می‌کردند، پاداششان دهد.

۳٦ آیا خداوند برای بندهٔ خود کافی نیست؟ و تو را از کسانی غیر از او بیمناک می‌کنند.
و کسی که خداوند گمراهش سازد، دیگر برایش راهنمایی نباشد.

۳۷ و هر کس که خداوند هدایتش نماید، پس او را دیگر گمراه کننده‌ای نباشد. آیا
خداوند عزیز و انتقام گیرنده نیست؟

۳۸ و اگر از آنان بپرسی که آسمان‌ها و زمین را چه کسی آفرید؟ البته گویند: «اللّه». بگو:
«چه می‌بینید از آن چه غیر از خداوند می‌خوانید، اگر خداوند آسیبی برای من
بخواهد، آیا آنان آسیبِ خداوند را دور می‌کنند؟ یا [اگر] برای من رحمت خواهد،
آیا آنان بازدارندهٔ رحمتِ خداوند هستند؟» بگو: «برای من خداوند کافی باشد. و
توکّل‌کنندگان تنها بر او توکّل می‌کنند.»

۳۹ بگو: «ای قوم من، به اندازهٔ توانایی خویش عمل کنید. من هم [به اندازهٔ تواناییم]
عمل کنم. پس به زودی خواهید دانست،

٤۰ که برای چه کسی عذابی آید که رسوایش کند و بر او عذابی پاینده بماند.»

٤١ بی‌تردید ما «کتاب» («قرآن») را برای مردم بر تو به حق فرو فرستادیم. پس هر کس هدایت یافت، [این هدایت] برای خود او باشد. و هر کس گمراه شد، جز این نباشد که بر [زیانِ] خود گمراه می‌گردد. و تو بر آنان وکیل و نگهبان نباشی.

٤٢ خداوند به هنگامِ مرگشان جان‌ها را می‌گیرد. و به هنگامِ خواب هم که آدمی نمُرده. پس جان آن کس را که حکمِ مرگش را داده است، نگه می دارد و [جان] دیگری را تا هنگام معلوم می‌فرستد. بی‌تردید در آن نشانه‌هایی است برای قومی که اندیشه می‌کنند.

٤٣ آیا غیر از خداوند شفیعانی گرفته‌اند؟ بگو: «هر چند که مالک چیزی نباشند و درنیابند؟»

٤٤ بگو: «شفاعت‌ها همگی در اختیار خداوند است. فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آنِ اوست. آن گاه شما به سویش باز گردانده شوید.»

٤٥ و آن گاه که تنها خداوند یاد شود، دل‌های کسانی که به قیامت ایمان ندارند، رمیده شود و آن گاه که کسانی جز او یاد شوند، ناگاه آنان شادمان شوند.

٤٦ بگو: «خداوندا، ای آفرینندهٔ آسمان‌ها و زمین و دانای نهان و عیان، تو در میانِ بندگانت در آن چه اختلاف می‌کردند، داوری می‌کنی.»

٤٧ و اگر همهٔ آن چه در زمین و [هر چه] مانندِ آن است، متعلّق به کسانی باشد که ستم کردند، آن‌ها را فدیه دهند تا عذاب سخت روز قیامت به آنان نرسد، [امّا پذیرفته نگردد]. و از سوی خداوند برای آنان آن چه حسابش را نمی‌کردند، نمایان شود.

٤٨ و بدی‌های آن چه کسب کردند، برایشان نمایان گردد و همان چیزی (عذابی) که آن را مسخره می‌کردند، آنان را فراگیرد.

٤٩ و آن گاه که به انسان آسیبی رسد، ما را بخواند. سپس چون به او از سوی خویش نعمتی دهیم، گوید: «آن را به خاطر دانش من، به من داده‌اند.» [نه] بلکه آن آزمونی باشد. و لیکن بیش‌ترِ آنان نمی‌دانند.

۵۰ و به یقین چنین سخنی را کسانی هم که پیش از آنان بودند، گفتند. و آن چه کسب می‌کردند، بی‌نیازشان نکرد.

۵۱ پس بدی‌های آن چه کسب کردند، به آنان رسید. و کسانی از اینان که ستم کردند، به زودی بدی‌های آن چه کسب کردند، به آنان برسد. و آنان به عجز آورندگان نباشند (از عذاب خداوند گریزی ندارند).

۵۲ آیا ندانستند که خداوند روزی را برای آن کس که خواهد، وسیع و [یا] اندازه می‌گرداند؟ بی‌گمان در آن نشانه‌هایی برای گروهی است که ایمان دارند.

۵۳ بگو: ای بندگان من، آنان که بر خویشتن اسراف و گزافه کاری کردند، از رحمت خداوند نومید نشوید. بی‌تردید خداوند همهٔ گناهان را می‌آمرزد. به راستی او آمرزگار مهربان است.

۵٤ و پیش از آن که به شما عذابی رسد، که از آن پس شما یاری نشوید، به سوی پروردگارتان باز گردید و تسلیم او شوید.

۵۵ و از نیکوترین چیزی که از [سوی] پروردگارتان به سوی شما فرو فرستاده شده است، پیروی کنید؛ پیش از آن که ناگاه عذاب بر شما آید، در حالی که شما نفهمید.

۵٦ [مبادا] کسی گوید: «افسوس بر آن چه در اطاعت از خداوند کوتاهی کردم و به راستی از مسخره‌کنندگان بودم!»

۵۷ یا بگوید: «اگر خداوند مرا هدایت می‌نمود، بی‌تردید من از پرهیزکاران می‌شدم.»

۵۸ یا هنگامی که عذاب بیند، گوید: «اگر برایم بازگشتی بود، از نیکوکاران می‌شدم.»

۵۹ «آری. بی‌تردید آیات من برای تو آمد. پس تو آن‌ها را دروغ پنداشتی و تکبّر نمودی و از کافران بودی.»

٦۰ و روز قیامت کسانی که بر خداوند دروغ بستند، رخساره‌شان را سیاه شده خواهی دید. آیا جای متکبّران و گردنکشان در دوزخ نیست؟

٦۱ و خداوند کسانی را که پرهیزکاری کردند، به سبب رستگاری و سعادتشان [از آتش دوزخ] برهاند. به آنان نه بدی رسد و نه اندوهگین شوند.

٦۲ خداوند آفرینندهٔ هر چیزی است و او وکیل و نگهبانِ هر چیزی است.

٦۳ کلیدهای آسمان‌ها و زمین از آنِ اوست. و کسانی که به آیات خداوند کافر شدند، آنان زیانکار باشند.

٦٤ بگو: «ای نادانان! آیا دستور می‌دهید که غیر از خداوند را پرستش کنم؟»

٦۵ و به یقین به سوی تو و به سوی کسانی که پیش از تو بودند، وحی شد که: اگر [برای خداوند] شریک بگیری، البته کردارت تباه گردد و از زیانکاران باشی.

٦٦ بلکه خداوند را پرستش کن و از شکرگزاران باش.

٦٧ و [آنان] قدرِ خداوند را آن گونه که شایستهٔ اوست، نشناختند و روز رستاخیز زمین همه در قبضهٔ [قدرتِ] اوست. و [طومارِ] آسمان‌ها به دست توانایش پیچیده شود. او پاک است و برتر از آن چه برایش شریک می‌گیرند.

٦٨ و در «صور» دمیده شود. پس هر کس که در آسمان‌ها و هر کس که در زمین باشد، بیهوش افتد، مگر کسی که خداوند بخواهد. آن گاه دگر بار در آن (صور) دمیده شود و به ناگاه آنان برخیزند، در حالی که می‌نگرند.

٦٩ و زمین به نور پروردگار خویش روشن گردد و نامهٔ کردار [خلق] را بگذارند. و پیامبران و گواهان را بیاورند و میان آنان به حق داوری شود و به آنان ستم نشود.

٧٠ و هر وجودی (نَفْسی) را آن چه کرده است، تمام دهند و [خداوند] به آن چه می‌کنند، داناتر است.

٧١ و کسانی که کافر شدند، گروه گروه به سوی دوزخ رانده شوند. تا آن گاه که به آن جا آیند، درهای دوزخ گشوده شود. و پاسدارانِ دوزخ به آنان گویند: «آیا برای شما پیامبرانی از خودتان نیامدند که آیات پروردگارتان را بر شما بخوانند و شما را از دیدار این روزتان بیمناک سازند؟» گویند: «آری.» و لیکن کلمهٔ عذاب بر کافران واجب شد.

٧٢ [به آنان] گفته شود: «از درهای دوزخ داخل شوید، که در آن ماندگارید.» پس جایگاهِ متکبّران بد باشد.

٧٣ و کسانی که از پروردگارشان پروا داشتند و پرهیزکاری کردند، گروه گروه به سوی بهشت برده شوند. تا آن گاه که به آن جا درآیند. درهای آن گشوده شود و پاسدارانِ آن به آنان گویند: «سلام بر شما. پاک بودید. پس به بهشت درآیید و جاودانه در آن بمانید.»

٧٤ و گویند: «حمد و سپاس مخصوص خداوند است، که وعدهٔ خود را با ما راست داشت و زمین (بهشت) را به ما میراث داد، تا در آن -هر جا که خواهیم- جایْ بگیریم.» پس پاداش عمل کنندگان چه نیکو است.

٧٥ و فرشتگان را خواهی دید، که پیرامون [عرش] را فرا گرفته‌اند. به حمد و سپاسِ پروردگارشان تسبیح گویند و میان آنان به حق داوری شود. و گفته شود «حمد و سپاس مخصوص خداوند است، که پروردگار جهانیان باشد.»

مکّی سورهٔ غافر (آمرزنده، مؤمن، ایمان آورنده)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

١ حا. میم.

٢ فرو فرستادنِ [این] «کتاب» («قرآن») از [سوی] خداوند عزیز دانا باشد.

٣ آمرزگار گناه، و پذیرشگر توبه، و سختْ عقوبت است. صاحب بخششِ پاینده است. معبودی جز او نباشد و بازگشت [همه] به سوی اوست.

٤ در آیات خداوند کشمکش نکنند، مگر کسانی که کافر شدند. پس مبادا گردش [و فعالیت] آنان در شهرها تو را بفریبد.

٥ پیش از آنان قوم «نوح» و گروه‌های دیگرِ بعدی [پیامبرانشان را] تکذیب کردند. هر ملّتی آهنگ پیامبر خویش را کرد، که او را بگیرند. و به باطل با او کشمکش کردند، تا به این وسیله حق را نابود سازند. سپس من آنان را [به عذاب] گرفتم. پس عقوبت من چگونه بود؟

٦ و بدینسان کلمهٔ (فرمانِ عذابِ) پروردگارت بر کسانی که کافر شدند، واجب شد. آنان اهل دوزخ باشند.

٧ آنان که عرش را حمل می‌کنند و آنان که پیرامون آن می‌باشند، [همه] تسبیح گویان به حمد و سپاس پروردگارشان می‌پردازند و به او ایمان دارند و برای کسانی که ایمان آورده‌اند، آمرزش می‌خواهند. [و گویند:] «پروردگارا، همه چیز را به رحمت و دانش فراگرفتی. پس کسانی را که توبه کردند و از راه تو پیروی کردند، بیامرز و از عذاب دوزخ نگه دار.

۸ پروردگارا، و آنان را به بهشت‌های جاودانه‌ای که وعده‌شان داده‌ای، داخل ساز. و از پدرانشان و همسرانشان و فرزندانشان هر که را که نیکوکار بود [به بهشت داخل فرما]. بی‌تردید تو عزیز حکیم هستی.

۹ و آنان را از بدی‌ها دور بدار. و هر کس را در آن روز از بدی دور داری، بی‌تردید به او رحمت کرده‌ای. و این رستگاریِ عظیم است.»

۱۰ بی‌تردید به کسانی که کافر شدند، ندا داده شود: «البته دشمنیِ خداوند بزرگ‌تر است از دشمنیِ شما بر خودتان، آن گاه که به ایمان دعوت می‌شدید، پس کافر می‌ماندید.»

۱۱ [کافران] گویند: «پروردگارا، تو ما را دو بار میراندی و دو بار زنده کردی و ما به گناهانمان اعتراف کردیم. آیا برای خروج [از جهنم] راهی باشد؟»

۱۲ «این به دلیل آنست که آن گاه که خداوند به یگانگی خوانده می‌شد، شما کافر می‌شدید. و اگر برای او شریکی گرفته می‌شد، ایمان می‌آوردید.» و فرمانْ مخصوص خداوند است، که والا مرتبه و بزرگ باشد.

۱۳ او کسی است که آیات خویش را به شما می‌نمایاند و برایتان از آسمان روزی فرو می‌فرستد. و پند نگیرد، مگر آن کس که [به سوی خداوند] باز گردد.

۱٤ پس خداوند را با پاکی دل و اخلاص در دین بخوانید، هر چند که کافران را خوش نیاید.

۱۵ او بلندآورِ مرتبه‌ها [و مقام مؤمنان] باشد. صاحب عرش است. روح را از فرمان خویش –بر هر کس از بندگانش که خواهد– می‌فرستد، تا [مردم را] از روز دیدار (روز قیامت) بیمناک سازد.

۱٦ روزی که آنان بیرون آیند و چیزی از آنان بر خداوند پنهان نباشد. امروز فرمانروایی از آنِ که باشد؟ [فرمان] ویژهٔ خداوند یکتای چیره است.

١٧ امروز هر کس به آن چه کسب کرده است، پاداش بیند. امروز ستمی نباشد. بی‌گمان
خداوند زود حساب است.

١٨ و آنان را از روز نزدیک –آن گاه که قلب‌ها [از ترس و وحشت] به گلوگاه رسد و
خشم‌ها را فرو برند– بترسان. [آن روز] برای ستمکاران نه دوستی باشد و نه شفیعی
که شفاعتش پذیرفته گردد.

١٩ [خداوند] خیانتِ چشم‌ها و آن چه را که سینه‌ها پنهان می‌کنند، می‌داند.

٢٠ و خداوند به حق حکم می‌کند. و آنان که به جز او می‌خوانند، نمی‌توانند به چیزی
داوری کنند. بی‌تردید خداوند شنوای بیناست.

٢١ آیا آنان در زمین سفر نمی‌کنند، تا بنگرند که سرانجام کسانی که پیش از آنان بودند
و از نظر قدرت و آثارشان در زمین، نیرومندتر و برتر از آنان بودند، چگونه بوده
است؟ پس خداوند آنان را به گناهانشان گرفت و کسی نبود، تا آنان را از [عذاب]
خداوند پاسداری کند.

٢٢ این به آن دلیل بود که پیامبرانشان دلایل روشن و معجزات برای آنان آوردند و [اما]
آنان کافر شدند و خداوند آنان را [به عذاب] گرفت. بی‌تردید او قدرتمندی است
که عقوبتش شدید باشد.

٢٣ و بی‌تردید ما «موسی» را با آیات خودمان و گواهی (دلیلی) محکم و آشکار
فرستادیم.

٢٤ [«موسی» را فرستادیم] به سوی «فرعون» و «هامان» و «قارون». پس گفتند: «[موسی]
جادوگری بسیار دروغگو است.»

٢٥ پس آن گاه که [«موسی»] از سوی ما حق را برای آنان آورد، [فرعونیان] گفتند:
«پسران کسانی را که با او ایمان آوردند، بکشید. و زنان آنان را زنده بگذارید.» و
نیرنگِ کافران جز در گمراهی نیست.

٢٦ و «فرعون» گفت: «مرا بگذارید، که «موسی» را بکشم. و او پروردگار خویش را بخواند. من بیمناکم از این که او دین شما را تبدیل کند (تغییر دهد) یا در زمین موجبِ فساد شود.»

٢٧ و «موسی» گفت: «من از [شرِّ] هر متکبری که به روز حساب ایمان نیاورد، به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می‌برم.»

٢٨ و مردی با ایمان از خاندان «فرعون» -که ایمان خود را پنهان می‌داشت- گفت: آیا مردی را می‌کشید که می‌گوید: پروردگار من «اللّه» است؟ حال آن که او دلایل روشن از طرف پروردگارتان برای شما آورده است و اگر او دروغگو باشد، پس دروغش بر [زیانِ] خودش باشد. و اگر راستگو باشد، برخی از آن چه به شما وعده می‌دهد، به شما خواهد رسید. بی‌تردید خداوند آن کس را که گزافه گوی دروغگوست، هدایت نخواهد کرد.

٢٩ ای قوم من، امروز فرمانروایی برای شما باشد. شما در سرزمین [«مصر»] صاحب قدرتید (چیره‌اید). اگر عذاب خداوند آید، پس چه کسی می‌تواند ما را [در جلوگیری] از آن یاری دهد؟ «فرعون» گفت: «جز آن چه می‌بینم، شما را ننمایانم. و شما را جز به راه راست راهنمایی نکنم.»

٣٠ و آن کس که ایمان آورده بود، گفت: «ای قوم من، بی‌تردید من بر شما از [روزی] مانند روز گروه‌ها[ی گذشته که هلاک شدند] بیمناکم.

٣١ مانند شیوهٔ قوم «نوح» و «عاد» و «ثمود» و کسانی که بعد از آنان بودند. و خداوند بر بندگان ستمی نخواهد.

٣٢ و ای قوم من، بی‌تردید من بر شما از روزی که [مردم] یکدیگر را [به یاری] بخوانند، بیمناکم.

٣٣ روزی که رویْ گردان برگردید. شما را از [عذابِ] خداوند نگهدارنده و پاسداری نباشد. و هر کس که خداوند گمراهش سازد، دیگر برایش راهنمایی نباشد.»

٣٤ و به یقین پیش از این «یوسف» دلایل روشن برای شما آورد. پس شما پیوسته از آن چه برایتان آورد، در تردید بودید، تا آن زمان که او بِمُرد. گفتید: «خداوند هرگز بعد از او پیامبری نفرستد.» خداوند بدینسان کسی را که متجاوزِ تردیدگر باشد، گمراه می‌سازد.

٣٥ کسانی که بدون هیچ گواه و دلیل محکمی که برایشان آمده باشد، در آیات خداوند کشمکش می‌کنند، [جدالشان] نزد خداوند و نزد کسانی که ایمان آورده‌اند، دشمنیِ بزرگی باشد. بدینسان خداوند بر هر دلِ متکبرِ جبّاری مُهر [گمراهی] می‌نهد.

٣٦ و «فرعون» گفت: «ای «هامان»، برایم کاخی بلند بساز، شاید به راه‌ها[ی آسمان] برسم.

٣٧ [برسم به] راه‌های آسمان‌ها. تا به سوی معبود «موسی» بنگرم. و بی‌گمان من «موسی» را دروغگو می‌پندارم.» و بدیِ کردارِ «فرعون» بدینسان برایش آراسته شد و از راه [راست] باز ماند. و نیرنگِ «فرعون» جز در زیانکاری و هلاکت [خودش] نبود.

٣٨ و آن کس که ایمان آورده بود، گفت: «ای قوم من، از من پیروی کنید، تا راه راست را به شما نشان دهم.

٣٩ ای قوم من، جز این نباشد که زندگی این دنیا بهره‌مندی [ناپایداری] باشد. و بی‌تردید آخرت، سرای پایدار باشد.

٤٠ هر کس کار زشتی کند، جز مانند آن جزا نبیند. و هر کس نیکی کند –چه مرد، چه زن– و مؤمن باشد، چنین کسان به بهشت داخل شوند و در آن جا بی‌حساب روزی داده شوند.

٤١ و ای قوم من، چرا این طور است که من شما را به سوی نجات می‌خوانم و شما مرا به سوی آتش می‌خوانید.

٤٢ مرا می‌خوانید، که به خداوند کافر شوم و به او شرک آورم -چیزی که مرا به آن دانشی نباشد- و من شما را به سوی [خداوند] عزیز آمرزگار می‌خوانم.

٤٣ بی‌گمان آن چه مرا به سویش می‌خوانید، آن را نه در دنیا و نه در آخرت دعوتی نباشد. و بی‌تردید بازگشت ما به سوی خداوند است. و گزافکاران اهل دوزخ باشند.

٤٤ پس به زودی آن چه را که به شما گفتم، به یاد آورید. و من کار خویش را به خداوند وا می‌گذارم. بی‌تردید خداوند بر بندگان [خویش] بیناست.»

٤٥ پس خداوند او را از بدی‌های آن چه نیرنگ کردند، نگه داشت. و عذاب بد، ملّت «فرعون» را فراگرفت.

٤٦ آتشی که بامداد و شبانگاه بر آن عرضه شوند. و روزی که قیامت برپاگردد، [خداوند گوید:] ملّت «فرعون» را به سخت‌ترین عذاب داخل سازید.

٤٧ و آن گاه که در آتش بحث و ایراد (بگو مگو) کنند. پس ناتوانان (پیروان نادان) به کسانی که تکبر ورزیدند (پیشوایان گمراه) گویند: «ما پیروان شما بودیم، پس آیا می‌توانید بهره‌ای از آتش را از ما دور سازید؟»

٤٨ کسانی که تکبّر ورزیدند، گویند: «بی‌تردید ما جملگی در آن [آتش] هستیم. بی‌گمان خداوند میان بندگان داوری کرده است.»

٤٩ و کسانی که در آتش هستند، به پاسداران دوزخ گویند: «شما پروردگار خویش را بخوانید، که یک روز (یک زمان) از عذاب ما را تخفیف دهد.»

٥٠ گویند: «آیا پیامبرانتان دلایل روشن برای شما نیاوردند؟» گویند: «بلی» گویند: «پس
[خداوند را] بخوانید.» و دعای کافران جز در گمراهی نباشد.

٥١ بی‌تردید ما پیامبران خود و کسانی را که ایمان آوردند، در زندگی دنیا و روزی که
گواهان برخیزند، یاری دهیم.

٥٢ روزی که به ستمگران، پوزش خواهی‌شان سودی ندهد. و برایشان لعنت و سرای بد
آخرت خواهد بود.

٥٣ و به یقین ما به «موسی» هدایت دادیم. و به فرزندان «اسرائیل» «کتاب» را میراث دادیم.

٥٤ که هدایت و یادآوری برای خردمندان باشد.

٥٥ پس شکیبایی کن. بی‌تردید وعدهٔ خداوند حق است. و برای گناهت آمرزش بخواه
و به حمد و سپاس پروردگارت شبانگاه و بامدادان تسبیح بگوی.

٥٦ بی‌تردید کسانی که در آیات خداوند بدون گواهیِ محکمی که برای‌شان آمده باشد
کشمکش می‌کنند، در سینه‌هایشان جز کبر ورزی نباشد، که هرگز به آن [منظور پلید
خویش] نرسند. پس به خداوند پناه ببر، که او شنوای بیناست.

٥٧ به راستی آفرینشِ آسمان‌ها و زمین بزرگ‌تر از آفرینشِ مردمان باشد. و لیکن بیش‌ترِ
مردم نمی‌دانند.

٥٨ و نابینا و بینا، و کسانی که ایمان آوردند و نیکوکاری کردند و بدکاران، با هم یکسان
نیستند. اندکی پند می‌گیرید.

٥٩ و بی‌گمان قیامت آمدنی است. در آن تردیدی نیست. و لیکن بیش‌ترِ مردم ایمان ندارند.

٦٠ و پروردگار شما گفت: «مرا بخوانید، تا [دعوت شما را] برایتان بپذیرم. بی‌تردید آنان که از پرستش من تکبر و گردنکشی کنند، به زودی سرافکنده به دوزخ درآیند.»

٦١ خداوند آن کسی است که شب را برای شما قرار داد، تا در آن بیارَمید و روز را روشن گردانید. بی‌تردید خداوند بر مردمْ صاحب فضل است. و لیکن بیش‌ترِ مردمان شکر نمی‌کنند.

٦٢ این است «اللّه»، پروردگار شما که آفریدگار همه چیز است. معبودی جز او نباشد. پس چگونه با دروغ [از حق] گردانیده می‌شوید؟

٦٣ بدینسان کسانی که آیات خداوند را انکار می‌کردند، با دروغ [از حق] گردانیده شوند.

٦٤ خداوند کسی است که زمین را جایگاه شما قرار داد و آسمان را برافراشت و شما را صورتگری کرد. پس شما را نیکو صورتگری کرد و شما را از پاکیزه‌ها روزی بخشید. این است «اللّه»، پروردگار شما. پس خداوند، پروردگار جهانیان، بزرگ و دارای خیر و برکت بسیار است.

٦٥ او زنده است. جز او معبودی نیست. پس او را بخوانید در حالی که دین را برایش خالص و پاک داشته‌اید. حمد و سپاس ویژهٔ خداوند است، که پروردگار جهانیان است.

٦٦ بگو: «من بازداشته شده‌ام از این که آن گاه که از [سوی] پروردگارم برایم آیات روشن آمد، کسانی را که شما به جز او می‌خوانید، بپرستم و من فرمان یافته‌ام که تسلیم پروردگار جهانیان باشم.»

٦٧ او کسی است که شما را از خاک آفرید، آن گاه از نطفه‌ای، سپس از عَلَقه‌ای. بعد شما را به صورت کودکی بیرون می‌آورد، تا این که به کمالِ رشدتان برسید. پس آن گاه پیر شوید و از [میانِ] شما کسی باشد که پیش از آن (پیری) می‌میرد؛ و تا به اجل معین برسید. شاید شما اندیشه و درک کنید.

٦٨ او کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند. پس آن گاه که به کاری حکم کند، فقط به آن گوید: «باش» پس: موجود می‌شود.

٦٩ آیا به کسانی که در آیات خداوند کشمکش می‌کنند، نمی‌نگری که چگونه [از حق] منحرف می‌شوند؟

٧٠ آنان که «کتاب» و آن چه را که پیامبرانمان را به خاطر آن فرستادیم، تکذیب کردند. پس به زودی خواهند دانست.

٧١ آن گاه که غُل‌ها و زنجیرها در گردن‌های آنان بیفتد و [به دوزخ] کشیده شوند

٧٢ در آب جوشان. آن گاه در آتش سوزانده شوند.

٧٣ پس آن گاه به آنان گفته شود: «آنان که شریک [خداوند] قرار می‌دادید، کجا هستند؟

٧٤ [آنان که] به غیر از خداوند [می‌خواندید]؟» گویند: آنان از [نظرگاهِ] ما گم شدند. بلکه پیش از این هم ما چیزی را نمی‌خواندیم (چیزی معبود ما نبود). بدینسان خداوند کافران را گمراه سازد.

٧٥ «این به دلیل آن است که در زمین به ناحق دلخوش بودید و به خاطر آنست که [در گمراهیِ خود] سرمستی و هوسرانی می‌نمودید.

٧٦ از درهای دوزخ داخل شوید. جاودانه در آن بمانید.» چه بد است جایگاه متکبران.

٧٧ پس شکیبا باش. بی‌تردید وعدهٔ خداوند حق است. پس چه برخی از آن چه را که به آنان وعده دهیم، به تو بنمایانیم، چه [پیش از آن] تو را وفات دهیم، در هر حال [آنان] به سوی ما باز گردانده شوند.

٧٨ و به یقین پیش از تو پیامبرانی فرستادیم. از [میانِ] آنان کسی باشد که ما داستانِ او را بر تو گفتیم. و از [میانِ] آنان کسی باشد که داستانِ او را بر تو نگفتیم. و برای هیچ پیامبری [این امکان] نبود که نشانه‌ای بیاورد، مگر به فرمان خداوند. پس آن گاه که فرمان خداوند رسد، به حق داوری شود. و در آن جاست که بیهوده‌گویان و پیروانِ باطل زیانکار شوند.

٧٩ خداوند کسی است که چهارپایان را برایتان آفرید، تا بر بعضی از آن‌ها سوار شوید و از بعضی از آن‌ها [خوراک] بخورید.

٨٠ و در [وجودِ] آن‌ها برای شما بهره‌هایی باشد و تا به وسیلۀ آن‌ها به نیازهایی که در سینه‌هایتان دارید، برسید. و بر روی آنان و بر کشتی‌ها سوار شوید.

٨١ و او نشانه‌های خویش را به شما می‌نمایاند. پس کدام یک از نشانه‌های خداوند را انکار می‌کنید؟

٨٢ آیا در زمین سفر نکردند، که بنگرند سرانجامِ کسانی که پیش از آنان بودند، چگونه بود؟ [آنان] از اینان بیش‌تر و از نظرِ نیرو قوی‌تر و از نظرِ آثاری که در زمین باقی گذاشتند، افزون‌تر بودند. اما آن چه به دست می‌آوردند (دستاوردشان) بی‌نیازشان نکرد.

٨٣ پس آن گاه که پیامبرانشان دلایلِ روشن برای آنان آوردند، به آن چه از دانش نزد خویش داشتند، دلخوش شدند. و همان چیزی (عذابی) که آن را مسخره می‌کردند، آنان را فراگرفت.

٨٤ و آن گاه که عذاب ما را دیدند، گفتند: «به خداوند یکتا ایمان آوردیم و به آن چه شریک [خداوند] قرار می‌دادیم، کافر شدیم.»

٨٥ پس آن گاه که عذاب ما را دیدند، ایمان آوردنشان برای آنان سودی نداشت. این سنّت خداوند است، که [پیوسته] در میان بندگان او جاری شده است و در آن جا کافران زیانکار شدند.

مکّی

سورهٔ فُصِّلَت (جدا شده، سجده)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

١ حا. میم.

٢ [این «قرآن»] از سوی [خداوندِ] بخشندهٔ مهربان فرو فرستاده شده است.

٣ «کتابی» است که آیاتش به تفصیل شرح داده شده است. «قرآنی» عربی است، برای گروهی که می‌دانند.

٤ مژده بخش و بیم دهنده است. و بیش‌ترِ آنان رویْ گردانیدند. پس آنان نمی‌شنوند.

٥ و گفتند: «دل‌های ما از آن چه ما را به آن می‌خوانی، در پوشش‌هایی باشد. و در گوش‌های ما سنگینی است. و میانِ ما و تو پرده‌ای است. پس تو [آن چه خواهی] کن و ما [آن چه خواهیم] کنیم.»

٦ بگو: بی‌تردید من بشری به سانِ شما هستم، فقط به من وحی می‌شود که معبود شما معبودی یگانه است. پس در راه راست به سوی او پایدار باشید و از او آمرزش بخواهید. و وای بر مشرکان!

٧ آنان که زکات نمی‌دهند و آنان به آخرت کافرند.

٨ بی‌تردید کسانی که ایمان آوردند و نیکی کردند، برایشان پاداشی بی‌پایان باشد.

٩ بگو: آیا شما به آن کس که زمین را در دو روز (دو دوره) آفرید، کافر می‌شوید؟ و برایش همانندهایی قرار می‌دهید؟ این پروردگارِ جهانیان است.

١٠ و در آن (زمین) از فراز آن کوه‌هایی استوار قرار داد و در آن برکت نهاد. و در چهار روز (دوره) رزق‌های آن را در آن مقدّر گردانید، که برای همهٔ درخواست کنندگان یکسان است.

١١ سپس به آسمان پرداخت. و آن دودْ مانند بود. و به آن (آسمان) و به زمین گفت: «خواه ناخواه [زیر فرمان من] آیید.» آن دو گفتند: «فرمانبردار می‌آییم.»

١٢ آن گاه هفت آسمان را در دو دوز (دوره) آفرید. و در هر آسمانی کارش را وحی نمود. و آسمانِ دنیا را به چراغ‌ها آراستیم و آن را پاسداری کردیم. این تقدیرِ آن عزیز داناست.

١٣ پس اگر [از حق] رویْ گرداندند، بگو: «شما را از صاعقه‌ای همچون صاعقهٔ «عاد» و «ثمود» می‌ترسانم.»

١٤ آن گاه پیش از آنان و پس از آنان پیامبران آمدند. [گفتند:] «جز خداوند را عبادت مکنید.» گفتند: «اگر پروردگار ما می‌خواست، البته فرشتگانی می‌فرستاد. پس ما به آن چه شما به خاطر آن فرستاده شده‌اید، کافریم.»

١٥ و اما [قومِ] «عاد» به ناحق در زمین تکبر ورزیدند و گفتند: «از ما نیرومندتر کیست؟» آیا نمی‌دیدند [و نمی‌فهمیدند] که خداوند که آنان را آفرید، از آنان نیرومندتر است؟ و آنان آیات ما را انکار می‌کردند.

١٦ پس بر آنان بادی سخت در روزهایی شوم فرستادیم، تا در زندگی دنیا عذاب خوارساز را به آنان بچشانیم. و بی‌تردید عذاب آخرت خوارسازتر باشد. و آنان یاری نشوند.

١٧ و اما [قومِ] «ثمود». آنان را ما هدایت کردیم. پس آنان نابینایی (گمراهی) را بر هدایت (بینایی) برگزیدند. پس بانگ عذاب خوارسازی به سبب آن چه کسب می‌کردند (دستاوردشان) آنان را فرا گرفت.

١٨ و کسانی را که ایمان آورده بودند و پرهیزکاری می‌کردند، نجات دادیم.

١٩ و روزی که دشمنانِ خداوند به سوی آتش گرد آورده شوند، پس آنان بازداشته می‌شوند.

٢٠ تا آن گاه که به دوزخ درآیند، گوش‌هایشان و چشم‌هایشان و پوست‌هایشان بر آنان به آن چه [در دنیا] می‌کردند، گواهی دهند.

٢١ و آنان به پوست‌های خویش گویند: «چرا بر ما گواهی دادید؟» گویند: «خداوندی که همه چیز را به سخن آورد، ما را به گفتار آورد.» و اوست که نخستین مرتبه شما را آفرید و به سوی او بازگردانده می‌شوید.

٢٢ و شما [گناه را] نهان نمی‌داشتید به خاطر این که [مبادا] گوش‌ها و چشم‌ها و پوست‌هایتان بر [ضد] شما گواهی دهند، و لیکن پنداشتید که خداوند بسیاری از آن چه را که انجام می‌دهید، نمی‌داند.

٢٣ و این پندارتان که به پروردگار خویش بردید [که اعمال شما را نمی‌داند] شما را هلاک کرد. پس از زیانکاران شدید.

٢٤ پس اگر شکیبایی هم کنند [فایده‌ای ندارد]. آتشْ جایگاهشان باشد. و اگر عذر خواهند و عفو طلبند، از عفوشدگان هم نباشند.

٢٥ و همنشینانی برای آنان گماشتیم، تا آن چه را که در مقابلشان است و آن چه را که در پشتشان است (آن چه کار دنیاست و آن چه ترک آخرت است) برای آنان بیارایند. و کلمه (فرمان عذاب) بر آنان واجب گردید، در ملّت‌هایی از جن و انس که پیش از آنان در گذشتند. بی‌تردید آنان زیانکار بودند.

٢٦ و کسانی که کافر شدند، گفتند: «به این «قرآن» گوش فرا ندهید. و در آن سخن بیهوده [و جار و جنجال] افکنید. شاید پیروز شوید.»

٢٧ پس بی‌تردید کسانی که کافر شدند، به آنان عذابی سخت بچشانیم و آنان را بر پایهٔ بدترینِ آن چه می‌کردند، کیفر دهیم.

٢٨ اینست کیفر دشمنان خداوند: آتش [جهنم]. برای آنان در آن سرایِ جاودانه است. کیفری است به خاطر آن که به آیات ما ناباور بودند.

٢٩ و کسانی که کافر شدند، گویند: «پروردگارا، آن دو را –از جن و انس– که ما را گمراه کردند به ما بنمایان، تا زیر پاهای خود بگذاریمشان، تا از پست‌ترین‌ها شوند.»

٣٠ بی‌تردید کسانی که گفتند: «پروردگار ما «اللّه» است.» سپس [بر اعتقاد خود] پایداری نمودند، فرشتگان بر آنان فرود آیند [و گویند]: نترسید و اندوهگین نشوید. و مژده باد شما را آن بهشتی که به شما وعده داده می‌شد.

٣١ ما در زندگی دنیا و آخرت دوستان شما باشیم. و در آن جهان، برای شما آن چه دل‌هایتان بخواهد، وجود خواهد داشت. و در آن جا هر چه درخواست کنید، هست.

٣٢ و این پذیرایی و پیشکشی از سوی [خداوندِ] آمرزگار مهربان است.

٣٣ و کیست نیکو سخن‌تر از آن کس که [مردم را] به سوی خداوند بخواند و نیکوکاری کند و گوید: «من از مسلمانان هستم»؟

٣٤ و نیکی و بدی یکسان نیست. تو به وسیلهٔ آن چه نیکوتر باشد [بدی را] دور ساز. پس آن گاه [خواهی دید] کسی که میانِ تو و او دشمنی است، گویی او دوستی صمیمی و گرم [دل] است.

٣٥ و این [خوی نیکو] جز به کسانی که شکیبایی کرده‌اند، داده نشود. و آن جز به کسی که بهرهٔ عظیمی [از ایمان] دارد، داده نشود.

٣٦ و اگر وسوسه‌ای از شیطان به تو رسد، به خداوند پناه ببر، که او شنوای داناست.

٣٧ و از نشانه‌های او شب و روز و خورشید و ماه باشد. خورشید و ماه را سجده مکنید و خداوند را سجده کنید که آن‌ها را آفرید، اگر فقط او را می‌پرستید.

٣٨ پس اگر [کسانی] کبر ورزیدند (خدا را تسبیح نگفتند و سجده نکردند) پس آنان که نزد [عرشِ] پروردگارت باشند، او را شبانگاه و روزگاه تسبیح گویند و آنان [در این کار] خسته نشوند.

٣٩ و از نشانه‌های او اینست که زمین را پژمرده و بی بر می‌بینی. پس آن گاه که آب بر
آن فرو فرستیم (فرو ریزیم) نشاط یابد و [گیاهش] بالا آید. بی‌تردید آن کس که آن
را زنده کرد، زنده کنندهٔ مردگان می‌باشد. بی‌تردید او بر همه چیز تواناست.

٤٠ به راستی کسانی که در آیات ما روی [از حق] برمی‌گردانند، از نظر ما پنهان نیستند.
آیا آن کس که در آتش افکنده شود، بهتر است یا آن کس که روز قیامت در امان و
بی‌ترس آید؟ شما هر چه خواهید، بکنید. بی‌تردید او به آن چه انجام می‌دهید،
بیناست.

٤١ بی‌گمان کسانی که به ذکر («قرآن») آن گاه که برایشان آمد کافر شدند، [جزا ببینند]
و بی‌گمان آن («قرآن») «کتابی» عزیز است.

٤٢ باطل نه از پیش و نه از پس در آن («قرآن») راه ندارد. فرو فرستاده‌ای از سوی
[خدای] حکیم ستوده است.

٤٣ [کافران] به تو [چیزی] نگویند، مگر آن چه به پیامبرانِ پیش از تو گفته شد.
بی‌تردید پروردگار تو صاحب آمرزشی است و صاحب عقوبتی دردناک می‌باشد.

٤٤ و اگر آن را «قرآنی» [به زبان] عجمی [نازل] می‌کردیم، می‌گفتند: «چرا آیاتش [به
زبان خودمان] شرح و تفصیل نشده است؟ [کتابی] عجمی و [پیامبری] عرب؟» بگو:
«آن («قرآن») برای کسانی که ایمان آوردند، هدایتی و شفایی باشد. و آنان که ایمان
نمی‌آورند، در گوش‌هاشان سنگینی باشد. و آن («قرآن») بر آنان [مایهٔ] کوری [دل]
است. [گویی] آنان را از مکانی دور می‌خوانند.»

٤٥ و به یقین به «موسی»، «کتاب» («تورات») دادیم. پس در آن اختلاف کردند. و اگر از
قبل سخنی از پروردگارت نرفته بود، هر آینه میان آنان [به عذاب در دنیا] حکم
می‌شد. و بی گمان آنان از آن به سختی در تردید می‌باشند.

٤٦ هر کس کار نیکو کند، پس برای خودش باشد. و هر کس کار بد کند، پس بر
[زیانِ] خودش کرده است. و پروردگار تو بر بندگان ستمکار نیست.

٤٧ دانش قیامت (آن ساعت موعود) به سوی او باز گردد. و هیچ میوه‌ای از غلاف خود بیرون نیاید و هیچ ماده‌ای بار نگیرد و بار خود را ننهد، مگر این که به دانش او باشد. و روزی که [خداوند] آنان را بخواند [گوید]: «شریکان من کجا هستند؟» گویند: «تو را آگاه سازیم، که هیچ یک از ما [بر شرک] گواهی ندهد.»

٤٨ و آن چه پیش از این می‌خواندند، از آنان گم شود و بدانند که برای آنان گریزگاهی نباشد.

٤٩ انسان از دعای خیر خسته نشود. و اگر بدی به او رسد، نومید و بسی دلسرد گردد.

٥٠ و اگر او را پس از سختی که به او رسیده رحمتی از خود بچشانیم، گوید: «این برای [لیاقتِ] من باشد. و گمان نکنم قیامتی برپا شود. و اگر به سوی پروردگارم بازگردانده شوم، بی‌تردید نزد او برای من بهتر باشد.» پس به کسانی که کافر شدند، از آن چه کردند، خبر دهیم و به آنان از عذابی سخت و شدید می‌چشانیم.

٥١ و آن گاه که به انسان نعمت دهیم، رویْ گرداند و خود را به کناری کشد. و آن گاه که به او شرّی رسد، پس دعایی پهناور (فراوان) دارد.

٥٢ بگو: خبر دهید مرا، اگر این («قرآن») از نزد خداوند باشد و شما به آن کافر شده باشید، کیست گمراه‌تر از کسی که در مخالفتی شدید و دور باشد؟

٥٣ به زودی نشانه‌های خویش را به آنان نشان دهیم -در افق‌ها [از جهان] و در وجود خودشان- تا این که برایشان روشن شود که آن («قرآن») حق است. آیا کافی نیست که پروردگارت بر همه چیز گواهست؟

٥٤ بدان که آنان از دیدار پروردگارشان در تردیدند. آگاه باش که او بر همه چیز محیط است.

مکّی

سورۀ شوری (شورا)

به نام خداوند بخشندۀ مهربان

١ حا. میم.

٢ عین. سین. قاف.

٣ بدینسان خداوند عزیز حکیم به سوی تو وحی می‌کند، همان طور که به سوی کسانی پیش از تو وحی کرده است.

٤ آن چه در آسمان‌ها و آن چه در زمین است، همه ملک اوست و او (خداوند) بلند مرتبه و عظیم است.

٥ نزدیک است که آسمان‌ها از بالای آنان بشکافد و فرشتگان به شکر پروردگارشان تسبیح می‌گویند و برای کسانی که در زمین هستند، آمرزش می‌طلبند. بدان که بی‌تردید خداوند است که آمرزگار مهربان است.

٦ و کسانی که غیر از خداوند اولیایی گرفتند، خداوند بر آنان محافظ است. و تو [ای «محمّد»] بر آنان وکیل نیستی.

٧ و این چنین «قرآنی» عربی را به سوی تو وحی کردیم، تا [ساکنانِ] «مکّه» و کسانی را که پیرامون آن هستند [به وسیلۀ آن] بیم دهی و آنان را از روزی که همه گردِ هم آیند (روز قیامت) و در آن تردیدی نیست، بترسانی. گروهی در بهشت و گروهی در آتش سوزان باشند.

٨ و اگر خداوند می‌خواست، آنان را ملّتی واحد می‌کرد. و لیکن او هر کس را که بخواهد، در رحمت خویش داخل می‌کند. و ستمکاران را هیچ دوست و سرپرست و یاوری نیست.

٩ یا آنان غیر از خداوند اولیایی گرفتند. حال آن که خداوند است که ولیّ و سرپرست است. و اوست که مردگان را زنده می‌کند. و او بر همه چیز تواناست.

١٠ و در هر چیزی که در آن اختلاف کردید، قضاوتش (فرمانش) با خداوند است. اینست خداوند، پروردگار من، بر او توکّل کردم. و به سوی او باز می‌گردم.

۱۱ آفریدگارِ آسمان‌ها و زمین است. [او] برای شما جفت‌هایی (همسرانی) از خودتان قرار داد و از چهار پایان جفت‌هایی است. شما را در آن می‌افزاید (توالد و تناسل می‌کنید). مانند او هیچ چیز نیست و او شنوای بیناست.

۱۲ کلیدهای آسمان‌ها و زمین از آنِ اوست. رزق و روزی را برای هر کس که بخواهد، می‌گسترد و [یا] اندازه می‌کند. بی‌تردید او بر همه چیز داناست.

۱۳ از دینْ آن چه را که به «نوح» وصیّت کرده بود، برای شما نیز مقرّر داشت و آن چه به سوی تو وحی کردیم و آن چه به «ابراهیم» و «موسی» و «عیسی» فرمان دادیم، که دین را برپا دارید و در آن پراکنده نشوید. برای مشرکان آن چه تو ایشان را به آن می‌خوانی، گران و سنگین است. خداوند هر که را خواهد، به سوی خود انتخاب فرماید و کسی را که [به او] بازگردد، به سوی خویش هدایت می‌کند.

۱٤ و آنان پراکنده (گروه گروه) نشدند، مگر پس از آن که برایشان دانش آمد، از روی حسد و ستم میان خود [به اختلاف افتادند]. و اگر از قبل سخنی از پروردگارت بر این نرفته بود که تا مدّتی معلوم مهلت داشته باشند، [در همین دنیا] میانشان دادگری می‌شد. و بی‌تردید کسانی که پس از آنان «کتاب» به میراث به ایشان داده شد، از [حقّانیتِ] آن به سختی در تردید هستند.

۱٥ پس [تو ای «محمّد»] آنان را به این [دین] دعوت کن و همان گونه که فرمان یافته‌ای، استقامت بنما و از هوس‌های آنان پیروی مکن و بگو: «به هر «کتابی» که خداوند فرو فرستاده است، ایمان آوردم و فرمان یافتم، که میان شما دادگری کنم. خداوند، پروردگار ما و پروردگار شما می‌باشد. کردار ما برای ما و کردار شما برای شما باشد. میان ما و شما جرّ و بحث و جدل نیست. خداوند ما و شما را گردِ هم می‌آورد و بازگشت به سوی اوست.»

١٦ و کسانی که دربارهٔ خداوند -پس از آن که دعوتش اجابت شد- جرّ و بحث و جدل کنند، بحث و مشاجرهٔ آنان نزد پروردگارشان باطل و بی‌ثمر است و خشمی بر آنان باشد و برایشان عذابی سخت خواهد بود.

١٧ خداوند کسی است که «کتاب» و «میزان» را به حق فرو فرستاد. و تو چه می‌دانی؟ شاید قیامت نزدیک باشد.

١٨ کسانی که به آن (روز قیامت) ایمان ندارند، شتابان، خواهانِ آن می‌شوند. و کسانی که ایمان آورده‌اند، از آن می‌ترسند و می‌دانند که آن حق است. آگاه باش: کسانی که در [مورد] قیامت جرّ و بحث و جدل می‌کنند، در گمراهیِ دوری هستند.

١٩ خداوند به بندگانش بسیار مهربان است [و لطف و رحمت خود را به آنان می‌رساند]. هر کس را بخواهد، روزی می‌دهد و او نیرومند عزیز است.

٢٠ هر کس کِشتِ آخرت را خواهد، کِشتِ او را برایش بیفزاییم، و آن کس که کِشتِ دنیا را خواهد، او را از آن بدهیم و چنین کسی را در آخرت بهره‌ای نباشد.

٢١ یا آنان را شریکانی است، که برایشان از دین چیزی ساختند، که خداوند به آن فرمان نداده بود؟ و اگر فرمان قطعی خداوند [برای مهلت دادن به آنان] نبود، البته میانشان دادگری می‌شد. و برای ستمکاران عذابی دردناک باشد.

٢٢ [روز قیامت] ستمکاران را از آن چه کسب کرده‌اند، ترسان خواهی دید. و همان به آنان برسد. و کسانی که ایمان آوردند و نیکوکاری کردند، در باغ‌های بهشت باشند. هر چه آنان بخواهند، نزد پروردگارشان باشد. این همان فضل کبیر است.

٢٣ اینست آن چه خداوند به بندگانش، آنان که ایمان آوردند و نیکوکاری کردند، مژده می‌دهد. بگو: «من به خاطر آن (رسالت) پاداشی نمی‌خواهم، غیر از این که با خویشاوندان به دوستی و مهربانی رفتار کنید.» و هر کس نیکی کند، برایش در آن نیکی بیفزاییم. بی‌تردید خداوند آمرزگار شکور و قدرشناس است.

٢٤ یا گویند: «[«محمّد»] به دروغ بر خداوند تهمت زد.» پس اگر خداوند بخواهد، بر قلب تو مُهر می‌زند. و خداوند باطل را نابود می‌کند و حق را با کلمات خود محقق می‌سازد. بی‌تردید او به درون سینه‌ها داناست.

٢٥ و اوست کسی که توبهٔ بندگانش را می‌پذیرد و گناهان را می‌بخشد و آن چه را که انجام می‌دهید، می‌داند.

٢٦ و [دعای] کسانی را که ایمان آوردند و نیکوکاری کردند، می‌پذیرد. و از فضل خویش به آنان بیفزاید. و برای کافران عذابی سخت باشد.

٢٧ و اگر خداوند رزق و روزی را برای بندگانش گسترده کند، بر روی زمین فساد کنند. و لیکن به اندازه‌ای که می‌خواهد، فرو می‌فرستد. بی‌تردید او به [احوالِ] بندگانش آگاه بیناست.

٢٨ و اوست کسی که پس از آن که ناامید شدند، باران را فرو می‌فرستد و رحمت خویش را می‌گستراند و او سرپرست و یاری ده و ستوده است.

٢٩ و از نشانه‌های او آفرینش آسمان‌ها و زمین و آن چه از جنبندگان در آن دو پراکنده است، می‌باشد. و او هر گاه بخواهد، بر گردآوریِ آن‌ها تواناست.

٣٠ و هر مصیبت و نگون‌بختی که بر سرتان آید، به دلیل چیزی است که دست‌های خودتان کسب کرده است (دستاوردتان). و [خداوند] از بسیاری [از گناهان] می‌گذرد.

٣١ و شما در زمین نمی‌توانید او را عاجز کنید (از عذاب خداوند گریزی ندارید) و غیر از خداوند شما را سرپرست و مددکاری نیست.

٣٢ و از نشانه‌های او کشتی‌هایی همچون کوه‌ها در دریاهاست.

٣٣ اگر بخواهد، باد را ساکن سازد، تا [کشتی‌ها] بر پشت آن [آب‌ها] ایستاده بمانند. بی‌تردید در آن نشانه‌هایی برای هر شکیبای شکرگزاری می‌باشد.

٣٤ یا آنان را به دلیل آن چه کسب کرده‌اند، هلاک سازد و از بسیاری [از گناهان] درگذرد.

٣٥ و کسانی که در آیات ما کشمکش (مجادله) می‌کنند، بدانند که آنان را هیچ گریزگاهی نیست.

٣٦ پس هر چیز به شما داده‌اند، متاع [برای بهره‌مندی از] زندگی دنیاست و آن چه نزد خداوند است، برای کسانی که ایمان آوردند و به پروردگارشان توکّل کردند، بهتر و پاینده‌تر است.

٣٧ و آنان که از گناهان بزرگ و زشتکاری پرهیز می‌کنند و هنگامی که [بر کسی] خشم می‌گیرند، [خطای او را] می‌بخشند.

٣٨ و آنان که دعوت پروردگارشان را می‌پذیرند و نماز را بپا می‌دارند و در میانشان، کارهایشان با مشورت انجام می‌شود و از آن چه روزیشان دادیم، بخشش می‌کنند.

٣٩ و کسانی که هنگامی که گرفتار ستمی شدند، از یکدیگر [برای دادخواهی] یاری می‌طلبند.

٤٠ و جزای بدی، مانند آن بدی است. پس هر کس [خطای دیگری را] ببخشد و آشتی کند، پاداشش بر خداوند است. بی‌تردید او ستمکاران را دوست ندارد.

٤١ و هر کس پس از ستم دیدن [عادلانه] انتقام گیرد، پس بر آنان هیچ راهی [برای سرزنش] نیست.

٤٢ بی‌گمان راه [برای سرزنش] بر کسانی است، که به مردم ستم می‌کنند و به ناحق در زمین فزونی می‌جویند و سرکشی می‌کنند.

٤٣ برای آنان عذابی دردناک باشد. و البته کسی که شکیبایی کند و در گذرد، بی‌تردید این عمل از کارهای خوب و استوار است.

٤٤ و هر کس که خداوند گمراهش کند، پس بعد از خدا او را یاری دهنده‌ای نباشد. و ستمکاران را می‌بینی که هنگامی که عذاب را ببینند، گویند: «آیا راه بازگشتی هست؟»

٤٥ و تو آنان (ستمکاران) را خواهی دید، که بر آن (آتش) عرضه می‌شوند، در حالی که
از خواری سرافکنده‌اند و زیر چشمی نگاه می‌کنند. و کسانی که ایمان آورده‌اند،
گویند: «بی‌تردید زیانکاران کسانی هستند که روز قیامت به خود و خانوادۀ خود
زیان زده‌اند.» بدانید که البته ستمکاران در عذابی پایدار و دائمی باشند.

٤٦ و آنان را غیر از خداوند یار و یاوری نیست، تا یاریشان کند. و کسی که خداوند
گمراهش کند، هیچ راهی برایش نیست.

٤٧ [دعوتِ] پروردگارتان را بپذیرید، پیش از آمدنِ روزی که آن را از سوی خداوند
بازگشتی نیست. در آن روز پناهگاهی برایتان نیست و شما را دیگر [مجالِ] انکاری
نباشد.

٤٨ پس اگر روی‌ْبگردانند، ما تو را بر آنان نگهبان و محافظ نفرستادیم. و غیر از رساندن
[پیام خداوند] بر تو هیچ [وظیفه‌ای] نیست. و هنگامی که ما به انسانْ رحمتی از
خود بچشانیم، به آن شاد و دلخوش شود و اگر به سبب آن چه دستانشان از پیش
فرستاده است (دستاوردشان)، به نگون بختی گرفتار شوند [کفران می‌کنند]. پس
بی‌تردید انسان ناسپاس است.

٤٩ فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آنِ خداوند است. هر چه خواهد، بیافریند. به هر
کس خواهد، دخترانی ببخشد و به هر کس خواهد، پسرانی دهد.

٥٠ یا این که به آنان پسران و دخترانی با هم دهد. و هر که را خواهد، نازا سازد.
بی‌تردید او دانای تواناست.

٥١ و ممکن نیست که خداوند جز به وحی یا از ورای پرده‌ای با بشر سخن گوید. یا
پیامبری بفرستد. پس به امر خویش هر چه خواهد، به او وحی کند. بی‌تردید او بلند
پایۀ حکیم است.

۵۲ و [این] چنین به سوی تو روحی را از امر خودمان وحی کردیم. تو نمی‌دانستی که «کتاب» [آسمانی] چیست و ایمان چیست. و لیکن آن را نوری کردیم که به وسیلهٔ آن هر کس از بندگانمان را که خواهیم، هدایت کنیم. و بی‌تردید تو [مردم را] به راه راست هدایت می‌کنی.

۵۳ [هدایت می‌کنی به] راه خداوند که هر چه در آسمان‌ها و هر چه در زمین است، از آنِ اوست. بدان که کارها به سوی خداوند باز می‌گردد.

مکّی

سورهٔ زخرف (پیرایش، زیور)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ حا. میم.

۲ سوگند به «کتاب» روشن،

۳ بی‌گمان ما آن را «قرآنی» [به زبان] عربی قرار دادیم، شاید شما اندیشه و درک کنید.

٤ و بی‌تردید آن در «اُمُّ الکتاب» نزد ما بلند مرتبه و حکیم باشد.

۵ آیا ما ذکر («قرآن») را از شما بازداریم، چون که قومی اسرافکارید؟

٦ و چه بسیار پیامبرانی که در میان پیشینیان فرستادیم.

۷ و هیچ پیامبری برایشان نیامد، مگر این که او را استهزا می‌کردند.

۸ و ما قدرتمندتر از آنان را به هلاکت رساندیم، که مَثَلِ (سرگذشت) پیشینیان در پیش گذشت (گفته شد).

۹ و اگر از آنان بپرسی: «آسمان‌ها و زمین را چه کسی آفرید؟» البته گویند: «آن‌ها را [خداوندِ] عزیز دانا آفرید.»

۱۰ آن کس که زمین را برای شما مهد (گهواره‌ای) قرار داد. و در آن برای شما راه‌ها قرار داد. شاید شما هدایت یابید.

۱۱ و کسی که از آسمان آبی به اندازه فرو فرستاد. پس [به آن آب] شهرِ مرده‌ای را زنده کردیم. این چنین شما [نیز از گور] بیرون آورده شوید.

۱۲ و کسی که همهٔ زوج‌ها را آفرید و برای شما کشتی و چهارپایان قرار داد، که بر آن سوار می‌شوید.

۱۳ تا بر پشت آن‌ها بنشینید. سپس آن گاه که بر آن‌ها قرار گرفتید، نعمت پروردگارتان را یاد کنید و بگویید: «پاک و منزّه است آن کس که این را برای ما رام کرد، و ما بر این کار قادر نبودیم.

١٤ و بی‌گمان ما به سوی پروردگار خویش بازمی‌گردیم.»

۱۵ و برایش از بندگانش جزئی (فرزندانی) قرار دادند. بی‌تردید انسان آشکارا کافر است.

١٦ آیا از آن چه می‌آفریند، دختران را خود گرفت و برای شما پسران را برگزید؟

۱۷ و هنگامی که یکی از آنان را به آن چه برای [خداوندِ] بخشنده مَثَل زد، خبر دهند، رویش سیاه گردد و خشمش را فرو برد.

۱۸ یا آیا کسی [را به خداوند نسبت می‌دهید] که در زیور و آرایش پرورده می‌شود و او در خصومت بی‌زبان است [یا در خصومت وضع ناروشنی دارد]؟

۱۹ و فرشتگان را که بندگانِ [خداوندِ] بخشنده هستند، زن قرار دادند. آیا در آفرینشِ آن‌ها حضور داشتند [و دیدند زن هستند]؟ به زودی گواهیِ آنان نوشته شود و از آنان پرسش شود.

۲۰ و گویند: اگر [خداوندِ] بخشنده می‌خواست، ما آن [بت]ها را عبادت نمی‌کردیم. آنان به آن هیچ دانشی ندارند. آنان جز دروغ نمی‌گویند.

۲۱ آیا به آنان پیش از این «کتابی» دادیم، که آنان آن را دستاویز قرار دهند؟

۲۲ بلکه می‌گویند: «ما پدرانمان را بر آیینی یافتیم و ما بی‌تردید بر جای پای آنان پا گذاشته‌ایم و هدایت شده‌ایم.»

۲۳ و این چنین پیش از تو در هیچ شهری بیم دهنده‌ای نفرستادیم، مگر این که خوش‌گذران‌هایش گفتند: «ما پدرانِ خود را بر آیینی یافتیم و ما از آنان پیروی می‌کنیم.»

۲٤ گفت: «اگر برایتان [دینی] آورده باشم، که از آن چه پدرانتان را بر آن یافتید، هدایت‌آمیزتر باشد، چه طور؟» آنان گفتند: «ما به آن چه شما برای آن فرستاده شده‌اید، کافریم.»

۲۵ آن گاه از آنان انتقام کشیدیم. پس نگاه کن که سرانجامِ دروغگویان چگونه بود.

۲٦ و هنگامی که «ابراهیم» به پدرش (سرپرستش) و قومش گفت: «بی‌تردید من از آن چه می‌پرستید، بیزارم،

۲۷ مگر آن کس که مرا آفرید. پس او مرا هدایت خواهد کرد.»

۲۸ و آن را سخنی جاودانه در نسل خویش قرار داد، شاید آنان [به یکتاپرستی] باز گردند.

۲۹ بلکه اینان (مردم «مکّه») و پدرانشان را بهره‌مندی دادم، تا این که حق و پیامبری روشنْ بیان برایشان آمد.

۳۰ و هنگامی‌که حق برایشان آمد، گفتند: «این جادوست و ما به آن کافریم.»

۳۱ و گفتند: «چرا این «قرآن» بر بزرگ مردی از این دو شهر («مکّه» و «طائف») فرو فرستاده نشد؟»

۳۲ آیا آنان رحمت و بخششِ پروردگارت را تقسیم می‌کنند؟ ما، در حیات دنیا وسیلهٔ زندگی آنان را میانشان تقسیم کردیم و آنان را بر یکدیگر به درجاتی برتری دادیم، تا یکدیگر را به خدمت گیرند. و رحمت پروردگارت از آن چه آنان گردآوری می‌کنند، بهتر است.

۳۳ و اگر به خاطر آن نبود که همهٔ مردم از یک امّت هستند، سقف خانه‌های آنان را که به [خداوندِ] بخشنده کافر می‌شوند، نقره می‌کردیم و نردبان‌هایی می‌ساختیم تا از آن‌ها بالا بروند.

٣٤ و برای خانه‌هایشان درگاه‌ها و سریرهایی قرار می‌دادیم، تا بر آن‌ها تکیه زنند.

٣٥ و [خانه‌هایشان را پُر از] زر و زیور [می‌کردیم] و همهٔ این‌ها جز کالا و متاع [برای بهره‌مندی از] زندگی دنیا نیست. و آخرت نزد پروردگارت برای پرهیزکاران می‌باشد.

٣٦ و هر کس از یادِ [خداوندِ] بخشنده رویْ برتابد، شیطانی بر او بگماریم، که همنشینِ او گردد.

٣٧ و بی‌تردید آن‌ها (شیطان‌ها) آنان را از راه [راست] باز دارند، در حالی که آنان گمان می‌کنند که هدایت یافته‌اند.

٣٨ تا هنگامی که [کافر] نزد ما آید [به همنشین خود] گوید: «ای کاش میانِ من و تو دوریِ مشرق و مغرب بود. که چه بد همنشینی هستی!»

٣٩ «و امروز [پشیمانی] هیچ سودی به حال شما ندارد، زیرا ستم کردید. بی‌تردید شما در عذاب مشترکید.»

٤٠ آیا تو می‌توانی کرها را بشنوانی، یا کورها و آن کس را که در گمراهیِ آشکاری است، هدایت کنی؟

٤١ پس اگر تو را [از میانِ آنان] ببریم، بی‌تردید از آنان انتقام می‌گیریم.

٤٢ یا به تو آن چه را که به آنان وعده کرده‌ایم، نشان می‌دهیم. پس بی‌تردید ما بر آنان به طور کامل چیره‌ایم.

٤٣ پس هر چه را که بر تو وحی می‌شود، محکم بگیر. بی‌تردید تو بر راه راست هستی.

٤٤ و بی‌تردید این («قرآن») پندی برای تو و قوم تو می‌باشد. و به زودی از شما پرسیده شود.

٤٥ و بپرس از پیامبرانِ ما که قبل از تو فرستادیم، آیا ما غیر از [خداوندِ] رحمان معبودانی قرار دادیم که پرستیده شوند؟

٤٦ و به یقین ما «موسی» را با نشانه‌های خود به سوی «فرعون» و بزرگان [قوم] او فرستادیم. پس گفت: «بی‌تردید من پیامبرِ پروردگار جهانیان هستم.»

٤٧ و هنگامی که آیات ما را برای آنان آورْد، ناگهان از [دیدنِ] آن خندیدند.

٤٨ و ما به آنان هیچ آیتی نشان نمی‌دادیم، مگر این که آن [آیت] از همتای خود بزرگ‌تر بود. و آنان را به عذاب گرفتیم، شاید [به حق] باز گردند.

٤٩ و [به «موسی»] گفتند: «ای جادوگر، پروردگارت را به همان عهدی که با تو بسته است، برای ما بخوان. بی‌تردید ما هدایت یافته‌ایم.»

٥٠ پس هنگامی‌که ما عذاب را از آنان برداشتیم، آن زمانْ پیمان شکستند.

٥١ و «فرعون» در میان قوم خویش ندا داد. گفت: «ای قوم من، آیا فرمانرواییِ «مصر» و این نهرها که از زیر [تختِ] من روانست، از آنِ من نیست؟ آیا نمی‌بینید؟

٥٢ آیا من بهترم یا این شخص که خوار است و بیان روشنی هم ندارد (لکنت زبان دارد)؟

٥٣ پس چرا دستبندهایی از طلا بر او افکنده نشده است؟ یا چرا با او فرشتگانی نیامده‌اند که همراهِ او باشند؟»

٥٤ پس او قوم خود را کوچک شمرد (به فریبکاری قانع کرد) و آنان از او اطاعت کردند. بی‌تردید آنان گروهی تبهکار و نافرمان [از خداوند] بودند.

٥٥ پس هنگامی که ما را خشمگین کردند، از آنان انتقام گرفتیم. و همهٔ آنان را غرق کردیم.

٥٦ و آنان را مَثَلی از گذشتگان برای آیندگان قرار دادیم.

٥٧ و هنگامی که پسر «مریم» مَثَل زده شد. آن هنگام قوم تو از آن [مَثَل] به خنده و مسخره بانگ برداشتند.

٥٨ و گفتند: «آیا معبودان ما بهترند، یا او؟» آن را برای تو مَثَل نزدند، مگر برای ستیزه‌جویی. [نه] بلکه آنان گروهی ستیزه‌جو هستند.

٥٩ او («عیسی») جز بنده‌ای نیست که نعمتش دادیم. و او را مَثَلی برای «بنی‌اسرائیل» قرار دادیم.

٦٠ و اگر بخواهیم، به جای شما در زمین فرشتگانی قرار دهیم، که خلافت کنند.

٦١ و البته آن نشانه، آگاه کننده‌ای برای [آمدنِ] قیامت است. پس به آن شک نیاورید و از من پیروی کنید. این راه راست است.

٦٢ و شیطان شما را [از راه حق] باز ندارد. بی‌تردید او دشمن آشکار شما می‌باشد.

٦٣ و هنگامی که «عیسی» دلایل آشکار آورد، گفت: «به راستی برای شما حکمت آوردم، و تا برای شما برخی از آن چه را که در آن اختلاف داشتید، بیان کنم. پس، از [عذابِ] خداوند پرهیز کنید. و از من اطاعت نمایید.

٦٤ بی‌گمان «اللّه» است که پروردگار من و پروردگار شما می‌باشد. پس او را پرستش نمایید. راه راست این است.»

٦٥ سپس گروه‌هایی از آنان میان خودشان اختلاف کردند. پس وای از عذابِ روزی دردناک بر کسانی که ستم کردند!

٦٦ آیا غیر از [روزِ] قیامت را انتظار دارند؟ که ناگهان برایشان بیاید، در حالی که آنان درک نکنند.

٦٧ آن روز دوستانْ دشمنِ یکدیگر شوند، مگر پرهیزکاران.

٦٨ ای بندگان من، امروز نه ترسی بر شما باشد و نه اندوهگین شوید.

٦٩ آنان که به آیات ما ایمان آوردند و مسلمان بودند.

٧٠ [به آنان گفته شود:] شما و همسرانتان شادمانه به بهشت داخل شوید.

٧١ بر آنان کاسه‌هایی از طلا و سبوها به چرخش آورند و در آن، آن چه وجودشان آرزو کند، و چشم‌ها لذت برند، هست و شما در آن جاودانه بمانید.

٧٢ و این همان بهشتی است که شما آن را به پاداشِ آن چه می‌کردید، میراث برده‌اید.

٧٣ در آن برای شما میوه‌های بسیاری است که از آن‌ها می‌خورید.

٧٤ بی‌گمان گناهکاران در عذابِ دوزخ جاودانه باشند.

٧٥ [عذاب] از آن‌ها سبک نشود. و آنان در آن نومید باشند.

٧٦ و ما به آنان ستم نکردیم، و لیکن آنان خودشان ستمکار بودند.

٧٧ و ندا دهند: «ای مالک دوزخ، به پروردگارت بگو، که فرمانِ مرگ ما را دهد.» و [پاسدارِ دوزخ] گوید: «بی‌تردید شما ماندگارید.»

٧٨ بی‌گمان ما حق را برای شما آوردیم، و لیکن بیش‌ترِ شما حق را ناپسند می‌داشتید.

٧٩ یا آنان کاری محکم کردند [و توطئه‌ای چیدند]. پس ما هم کاری محکم کنیم.

٨٠ یا گمان می‌کنند که ما رازِ آنان و نجوای آنان را نمی‌شنویم؟ بلی [نه تنها می‌شنویم بلکه] فرستادگانِ ما هم که نزد آنان هستند [کردارشان را] می‌نویسند.

٨١ بگو: اگر برای [خداوندِ] بخشنده فرزندی بود، بی‌تردید من نخستین پرستندهٔ او می‌بودم.

٨٢ پروردگار آسمان‌ها و زمین، پروردگارِ عرش، پاک و منزّه است از آن چه وصف می‌کنند.

٨٣ پس رهاشان کن، تا بیهوده گفتگو و بازی کنند، تا به روزشان که به آنان وعده می‌شود، برسند.

٨٤ و اوست کسی که در آسمانْ معبود و پرستیدنی است و در زمینْ معبود و پرستیدنی است و او حکیم داناست.

٨٥ و بزرگ و بسیار پُر برکت است آن که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آن چه میان آن‌هاست، از آنِ اوست و دانشِ قیامت نزد او باشد و شما [همه] به سوی او باز گردانیده می‌شوید.

٨٦ و آن کسان که جز او می‌خوانند، اختیار شفاعت ندارند، مگر آن کس که به حق شهادت دهد. و آنان می‌دانند.

٨٧ و اگر از آنان بپرسی، که چه کسی آنان را آفرید، خواهند گفت: «اللّٰه». پس چگونه [از حق] گردانده می‌شوند.

٨٨ و [خداوند به] این گفتار [پیامبر]ش [داناست که گفت]: «پروردگارا، بی‌تردید اینان قومی هستند که ایمان نمی‌آورند.»

٨٩ پس، از آنان رویْ بگردان و بگو: به سلامت. پس به زودی خواهند دانست.

مکّی

سورۀ دُخان (دود)

به نام خداوند بخشندۀ مهربان

۱ حا. میم.
۲ سوگند به [این] «کتاب» روشن،
۳ که بی‌گمان ما آن را در شبی پُر برکت فرو فرستادیم. بی‌تردید ما بیم‌دهنده می‌باشیم.
٤ در آن [شب] هر امری با حکمت جدا می‌شود.
۵ امری که از جانب ما می‌باشد. بی‌تردید ما فرستنده هستیم.
٦ رحمتی است از [سوی] پروردگارت که او شنوای داناست.
۷ پروردگار آسمان‌ها و زمین و آن چه میان آن دو است. اگر یقین داشته باشید.
۸ معبودی جز او نیست. او زنده می‌کند و می‌میراند. پروردگار شما و پروردگار پدران پیشین شما می‌باشد.
۹ بلکه آنان در تردیدی به بازی [دنیا] مشغولند.
۱۰ پس منتظر روزی باش، که از آسمان دودی آشکار بیاید.
۱۱ [آن دود] مردمان را فراگیرد. این عذابی دردناک است.
۱۲ [در آن روز گویند:] « پروردگارا، این عذاب را از ما بردار که ما ایمان آوردیم.»
۱۳ چگونه آنان پند پذیر باشند. و بی‌تردید پیامبری روشنْ بیان برای آنان آمد.
١٤ آن گاه به او پشت کردند و گفتند: «دانش آموخته‌ای دیوانه است.»
۱۵ البته ما اندکی عذاب را بر می‌داریم (دور می‌کنیم) و شما بازگشت کنندگان [به کفر] می‌باشید.
١٦ آن روز که [کافران را] بگیریم، گرفتنی بزرگ‌تر. بی‌تردید ما انتقام گیرنده‌ایم.
۱۷ و بی‌گمان ما پیش از آنان قومِ «فرعون» را آزمودیم. و برای آنان پیامبری کریم آمد.
۱۸ [گفت:] «بندگان خداوند را به من بسپارید که من برایتان پیامبری امین و درستکارم.

١٩ و بر خداوند تکبر مجویید که من برای شما گواهی محکم و آشکار آورده‌ام.

٢٠ و بی‌گمان من به پروردگارم و پروردگارتان پناه می‌برم از این که سنگسارم کنید.

٢١ و اگر به من ایمان نیاورید، پس مرا تنها گذارید.»

٢٢ پس [«موسی»] پروردگار خود را بخواند [و گفت]: «بی‌تردید اینان قومی گناهکارند.»

٢٣ [خداوند گفت:] «پس بندگان مرا شب هنگام [از «مصر»] خارج کن، که [دشمنان] به دنبال شما بیایند.

٢٤ و دریا را آرام ترک کن، که آنان سپاهی هستند که [در این دریا] غرق می‌شوند.»

٢٥ چه بسیار باغ‌ها و چشمه‌ها که به جا گذاشتند.

٢٦ و کشتزارها و جایگاهی ارزشمند.

٢٧ و نعمتی که در آن برخوردار بودند.

٢٨ بدینسان [بود]. و ما آن همه را به قومی دیگر میراث دادیم.

٢٩ پس آسمان و زمین بر آنان گریه نکرد و به آنان مهلت داده نشد.

٣٠ و بی‌گمان «بنی‌اسرائیل» را از عذابی خوارساز رهانیدیم.

٣١ از «فرعون» که او برتری خواهی از گزافکاران بود.

٣٢ و آنان را از روی دانش بر جهانیان برگزیدیم.

٣٣ و آنان را از نشانه‌ها، آن چه در آن آزمونی آشکار وجود داشت، دادیم.

٣٤ بی‌گمان اینان گویند:

٣٥ «ما را جز مرگِ نخستینِ ما نباشد. و ما برانگیخته نشویم.

٣٦ پس اگر راست می‌گویید، پدرانِ ما را باز آورید.»

٣٧ آیا آنان بهترند یا قوم «تُبَّع» و کسانی که پیش از آنان بودند؟ آنان را هلاک ساختیم، زیرا آنان گناهکار بودند.

٣٨ و آسمان‌ها و زمین و آن چه را که میان آن دو می‌باشد، از روی بازی نیافریدیم.

٣٩ آن دو را جز از روی حق نیافریدیم. و لیکن بیش‌ترِ آنان نمی‌دانند.

٤٠ همانا روز «فصل» (قیامت) میعادگاهِ همهٔ آنان است.

٤١ روزی که هیچ مولایی (دوست یا خویشاوندی) به کار هیچ دوستی نیاید. و به هیچ وجه آنان یاری نشوند.

٤٢ مگر آن کس که خداوند به او رحم کند [و او را ببخشاید]. بی‌تردید او عزیز مهربان است.

٤٣ بی‌تردید درخت «زَقّوم»

٤٤ خوراک گناهکاران است.

٤٥ که مانندِ مسِ گداخته در شکم‌ها بجوشد.

٤٦ به سانِ جوششِ آبِ جوشان.

٤٧ [گفته شود:] بگیریدش و به میان دوزخش کشانید.

٤٨ آن گاه بر سرش از عذابِ آبِ جوشان بریزید.

٤٩ بچش! بی‌تردید تو [وانمود می‌کردی که] عزیز کریم هستی!

٥٠ بی‌تردید این همان است که به آن تردید داشتید.

٥١ بی‌تردید پرهیزکاران در جایگاه امنی باشند.

٥٢ در باغ‌ها و چشمه‌سارها.

٥٣ لباسی از حریرِ نازک و دیبای ضخیم بپوشند و مقابل یکدیگر بنشینند.

٥٤ بدینسان باشد. و آنان را همسرِ حورانِ فراخْ چشم کنیم.

٥٥ در آن جا هر میوه‌ای را [برای خوردن] به سلامت و امنیت فرا خوانند.

٥٦ در آن جا مرگ را نچشند، مگر همان مرگِ نخستین و [خداوند] آنان را از عذابِ دوزخ دور دارد.

٥٧ بخششی از سوی پروردگار تو باشد. آن همان رستگاریِ عظیم است.

٥٨ پس بی‌گمان ما آن را به زبانِ تو آسان کردیم، شاید آنان پند گیرند.

٥٩ پس در انتظار باش، که آنان هم در انتظار باشند.

## مکّی		سورهٔ جاثیه (به زانو درآمده)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ ح.م.

۲ فرو فرستادنِ این «کتاب» از [سوی] خداوند عزیز حکیم است.

۳ بی‌گمان برای مؤمنان در آسمان‌ها و زمین نشانه‌هایی [از وجود خداوند] است.

٤ و در آفرینشِ شما و آن چه از جنبندگان پراکنده است، نشانه‌هایی است برای قومی که یقین دارند.

۵ و رفت و آمدِ پی در پیِ شب و روز و آن چه خداوند رزق و روزی از آسمان فرو می‌فرستد و زمین را پس از مرگش به آن زنده می‌کند و گردانیدنِ بادها، [همه] نشانه‌هایی است برای گروهی که می‌اندیشند و درک می‌کنند.

٦ این آیات خداوند است که به حق بر تو می‌خوانیم. پس، بعد از خداوند و آیاتش به کدامین گفتارْ ایمان می‌آورند؟

۷ وای بر هر دروغگوی گناهکار!

۸ [کسی که] آیات خداوند را که بر او خوانده می‌شود، می‌شنود آن گاه تکبّرکنان اصرار می‌ورزد. گویی آن‌ها را نشنیده است. پس او را به عذابی دردناک خبر بده.

۹ و هرگاه از آیات ما چیزی بداند، آن را به مسخره می‌گیرد. برای آنان عذابی خوارساز باشد.

۱۰ از مقابلشان دوزخ باشد. نه چیزی از آن چه کسب کردند و نه آن چه غیر از خداوند اولیایی گرفتند، [هیچ یک] بی‌نیازشان نسازد. برایشان عذابی عظیم باشد.

۱۱ این رهنمودی است. و کسانی که به آیات پروردگارشان کفر ورزیدند، برایشان عذابی از شکنجهٔ دردناک باشد.

۱۲ خداوند کسی است که دریا را برای شما رام کرد، تا به فرمانش کشتی در آن روان گردد و تا فضلِ او را جستجو کنید. و شاید شکرگزار باشید.

۱۳ و آن چه را که در آسمان‌هاست و آن چه را که در زمین است برای شما رام کرد [و] همه از اوست. بی‌تردید در این نشانه‌هایی است برای مردمی که اندیشه می‌کنند.

١٤ به کسانی که ایمان آورده‌اند، بگو کسانی را که به روزهای خداوند امید ندارند، ببخشایند. تا قومی را به آن چه کسب می‌کردند، جزا دهد.

١٥ هر کس نیکوکاری کند، برای خویشتن کند و هر کس بدکاری کند، بر [زیانِ] خویشتن کند. سپس به سوی پروردگارتان برگردانده می‌شوید.

١٦ و بی‌گمان ما «بنی اسرائیل» را «کتاب» و فرمان و نبوت دادیم. و آنان را از پاکی‌ها روزی دادیم. و آنان را بر جهانیان برتری دادیم.

١٧ و به آنان نشانه‌های روشنی از امر (دین) دادیم. پس [با یکدیگر] اختلاف نکردند، مگر بعد از آن که برایشان دانش آمد، به دلیل ستم و حسدی که میان خودشان بود. بی‌تردید پروردگارت در روز قیامت میان آنان در آن چه اختلاف می‌کردند، دادگری کند.

١٨ آن گاه تو را بر شریعتی از «امر» قرار دادیم. پس تو از آن پیروی کن و از هوی و هوس‌های کسانی که نمی‌دانند، پیروی مکن.

١٩ بی‌گمان آنان تو را هیچ از خداوند بی‌نیاز نگردانند و بی‌تردید ستمکارانْ دوستانِ یکدیگرند. و خداوند دوست و سرپرستِ پرهیزکاران است.

٢٠ این («قرآن») برای مردمانْ بینش‌هایی و برای گروهی که یقین دارند، هدایتی و رحمتی است.

٢١ یا کسانی که بدکاری کردند، گمان می‌کنند که ما آنان را مانندِ کسانی قرار می‌دهیم که ایمان آوردند و نیکوکاری نمودند، که زندگیِ آنان و مرگِ آنان یکسان باشد؟ چه بد داوری می‌کنند.

٢٢ و خداوند آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید، و تا هر کس به آن چه کسب کرد (دستاوردش) پاداش گیرد و به آنان ستم نشود.

۲۳ آیا آن کس را دیدی که خواهش خود را معبود خویش گرفت و خداوند او را با علمی که داشت، گمراه نمود و بر گوشش و قلبش مُهر نهاد و بر چشمش پوششی گذاشت؟ پس، بعد از خداوند چه کسی می‌تواند او را هدایت کند؟ آیا پند نمی‌گیرید؟

۲٤ و گفتند: «زندگی نیست، مگر زندگیِ این دنیا. می‌میریم و زنده می‌شویم و ما را جز دهر هلاک نمی‌کند.» و آنان به آن چه می‌گویند، دانا نیستند و آنان جز گمان پردازان نباشند.

۲۵ و هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده شود، دلیل آنان جز این نباشد که گویند: «اگر راست می‌گویید، پدران ما را باز آورید.»

۲٦ بگو: «خداوند شما را زنده می‌کند، آن گاه شما را می‌میراند، سپس در روز قیامت شما را گردِ هم می‌آورد، که در آن شکی نیست.» و لیکن بیش‌ترِ مردم نمی‌دانند.

۲۷ و فرمانرواییِ آسمان‌ها و زمین از آنِ خداوند است. و روزی که قیامت بپا شود، در آن روز پیروان باطل زیان کنند.

۲۸ و در آن روز هر ملّتی را به زانو افتاده خواهی دید. هر ملّتی به نامهٔ کردارش فرا خوانده شود [و به آنان گفته شود]: «امروز شما را به آن چه می‌کردید، جزا دهند.

۲۹ این کتابِ ماست، که به حقّ بر [ضدِ] شما سخن می‌گوید. بی‌تردید ما از آن چه شما انجام می‌دادید، نسخه برمی‌داشتیم.»

۳۰ پس امّا کسانی که ایمان آوردند و نیکوکاری کردند، پروردگارشان آنان را در رحمت خویش داخل سازد. این همان پیروزیِ آشکار است.

۳۱ و امّا کسانی که کافر شدند [به آنان گفته شود:] «آیا آیات من بر شما خوانده نمی‌شد؟ پس تکبّر کردید و قومی گناهکار بودید.»

۳۲ و هنگامی که گفته شد که وعدهٔ خداوند راست است و در روز قیامت تردیدی نیست، گفتید: «نمی‌دانیم قیامت چیست. جز گمانی دربارهٔ آن نداریم، و ما یقین نداریم.»

۳۳ و برای آنان بدی‌های آن چه کردند، آشکار شود و همان چیزی (عذابی) که آن را مسخره می‌کردند، آنان را فرا گیرد.

۳٤ و [به آنان] گفته شود: «امروز ما شما را از یاد می‌بریم، همان گونه که شما دیدارِ امروزتان را از یاد بردید. و جایگاهِ شما آتش است. و برایتان هیچ یاوری نیست.

۳٥ این به سبب آنست که شما آیات خداوند را به مسخره می‌گرفتید و زندگی دنیا فریبتان داد.» پس امروز از آن (دوزخ) بیرون آورده نشوند. و از آنان خواسته نشود که عذرخواهی کنند.

۳٦ پس حمد و سپاس مخصوص خداوند است، که پروردگار آسمان‌ها و پروردگار زمین است، پروردگار جهانیان.

۳۷ و کبریایی در آسمان‌ها و زمین مخصوص اوست. و او عزیز حکیم است.

سورهٔ احقاف (تپه‌های شن‌های روان) مکّی

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ حا. میم.

۲ فرو فرستادنِ این «کتاب» از سوی خداوند عزیز حکیم است.

۳ آسمان‌ها و زمین و آن چه را که میانِ آن دو می‌باشد نیافریدیم، مگر به حق و تا وقت معیّن. و کسانی که کافر شدند، از آن چه بیم داده شوند، رویْ می‌گردانند.

٤ بگو: «خبر دهید مرا، آن چه غیر از خداوند می‌خوانید، به من نشان دهید که از زمین چه آفریده‌اند؟ یا در [آفرینشِ] آسمان‌ها شرکتی داشته‌اند؟ اگر راست می‌گویید، برای من «کتابی» و یا اثرِ بازمانده‌ای از دانش بیاورید.»

٥ و کیست گمراه‌تر از آن کس که غیر از خداوند کسی را می‌خواند، که تا روز قیامت به او پاسخ ندهد. و آن‌ها (معبودانِ دروغین) از خواندن آنان (مشرکان) غافل و بی‌خبر باشند.

٦ و هنگامی که مردم برانگیخته شوند، [معبودانِ دروغین،] دشمنِ آنان (مشرکان) گردند و به پرستشِ آنان کافر شوند.

٧ و هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده شود، آنان که به حقّی که برایشان آمده بود کفر ورزیدند، گویند «این جادویی آشکار است.»

٨ یا گویند: «آن را به دروغ بافته است.» بگو: «اگر آن را به دروغ ساخته باشم، شما هیچ گونه قدرت و اختیاری در مقابل خداوند برای من ندارید. او به آن [گفتگوهای باطلی] که شما در آن فرو می‌روید، داناتر است. کافی است که او میان من و شما گواه است. و او آمرزگار مهربان است.»

٩ بگو: «من نخستینِ پیامبران نیستم. و نمی‌دانم که با من و با شما چه خواهند کرد. من جز از آن چه به من وحی می‌شود، پیروی نمی‌کنم و من جز بیم دهنده‌ای آشکار نباشم.»

١٠ بگو: «خبر دهید مرا، اگر آن («قرآن») از جانب خداوند باشد و شما به آن کافر شوید و شاهدی از «بنی‌اسرائیل» بر مانندِ آن گواهی دهد، پس به آن ایمان آورد، در حالی که شما تکبّر نشان می‌دهید (در این صورت آیا به خود ستم نکرده‌اید؟)» بی‌تردید خداوند قوم ستمکاران را هدایت نخواهد کرد.

١١ و کسانی که کافر شدند، در مورد کسانی که ایمان آوردند، گفتند: «اگر خیری [در ایمان] بود، آنان بر ما پیشی نمی‌گرفتند.» و چون به آن هدایت نیافته‌اند، گویند: «این دروغ و افسانه‌ای دیرین است.»

١٢ و پیش از آن، «کتابِ» «موسی» پیشوا و رحمتی بود. و این «کتاب» به زبان عربی تصدیق کنندۀ آن است، تا کسانی را که ستمکاری کردند، بیم دهد و برای نیکوکاران مژده‌ای باشد.

١٣ بی‌گمان کسانی که گفتند: «پروردگار ما «اللّه» است» سپس بر آن [اعتقادْ] پایداری نمودند، بر آنان نه ترسی باشد و نه اندوهگین شوند.

١٤ آنان یارانِ بهشتند و به پاداشِ آن چه می‌کردند، در آن جاودانه خواهند بود.

١٥ و ما به انسان سفارش کردیم که با پدر و مادر خود نیکویی کند. که مادرش به دشواری بار او را [به دل] کشید و به سختی بار او را بنهاد (متولّدش کرد) و [مدتِ] بار گرفتنش [به دل] و بازداشتنش [از شیر] سی ماه است. تا آن هنگام که به کمال رسید و چهل ساله شد، گفت: «پروردگارا، رهنمونم باش، تا شکر نعمت تو را که بر من و بر پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای، به جای آورم. و این که کار نیکویی کنم، که پسندِ تو باشد. و برایم فرزندانِ مرا صالح گردان، که من به سوی تو بازگشتم و بی‌تردید من از مسلمانان هستم.»

١٦ آنان کسانی هستند که نیکوترینِ آن چه را که انجام داده‌اند، از آنان بپذیریم و از گناهانشان بگذریم. [آنان] در میانِ یارانِ بهشت باشند. [این] وعدۀ راستی است، که به آنان داده شده است.

١٧ و آن کس که به پدر و مادر خود گوید: «اُف بر شما باد! آیا شما دو تن به من وعده می‌دهید که [از گور] بیرون آورده شوم؟ و پیش از من نسل‌هایی درگذشتند.» آن دو (پدر و مادر) خداوند را به فریاد رسی خوانند [و گویند]: «[ای فرزند] وای بر تو! ایمان بیاور که وعدۀ خداوند راست است.» پس او گوید: «این جز افسانه‌های پیشینیان نیست.»

١٨ اینان کسانی‌اند که در میان امّت‌های پیشین از جن و انس، آن سخن (فرمان عذاب) بر آنان سزاوار شد. بی‌تردید آنان زیانکاران هستند.

١٩ و برای همه بر اساس آن چه انجام داده‌اند، درجاتی است. و تا [خداوند] کردارشان را تمام بدهد و به آنان ستمی نشود.

٢٠ و روزی که کافران بر آتش عرضه شوند [به آنان گفته شود:] در زندگیِ دنیاتان [بهرۀ] خوشی‌های خود را بردید و از آن برخوردار شدید. پس امروز شما به سببِ آن چه به ناحق در زمین تکبّر می‌کردید و به سببِ آن چه نافرمانی می‌کردید، به عذابِ خوارسازی کیفر شوید.

٢١ و برادرِ «عاد» را به یاد آور، آن گاه که قوم خود را در «احقاف» بیم داد -همان طور
که پیش از او و بعد از او هم بیم دهندگانی آمدند- که: «جز خداوند را نپرستید،
بی‌تردید من از عذاب روزی عظیم بر شما بیمناک هستم.»
٢٢ گفتند: «آیا تو آمده‌ای تا ما را از معبودانمان برگردانی؟ پس اگر از راستگویانی، آن
چه را که به ما وعده می‌دهی، برایمان بیاور.»
٢٣ گفت: «بی‌تردید دانش [همه چیز] نزد خداوند است. و من همان را به شما ابلاغ
می‌کنم که به خاطر آن فرستاده شده‌ام. و لیکن شما را قومی نادان می‌بینم.»
٢٤ پس هنگامی‌که آن [ابر] را دیدند، که به دیارِ آنان رویْ آورده بود، گفتند: «این ابری
است که برای ما باران می‌آورد.» «[نه] بلکه این همان چیزی است که برای [آمدنِ]
آن شتاب می‌کردید. بادی است که در آن عذابی دردناک است.
٢٥ به فرمانِ پروردگارش همه چیز را نابود کند.» پس چنان گشتند، که غیر از
خانه‌هایشان چیزی دیده نمی‌شد. ما این چنین قومِ گناهکار را کیفر دهیم.
٢٦ و بی‌گمان آنان را در چیزهایی تمکین دادیم، که به شما آن قوت را ندادیم. برایشان
گوش و چشم‌ها و دل‌ها قرار دادیم و چون آیات خداوند را انکار می‌کردند، گوش
و چشم‌ها و دل‌هایشان آنان را هیچ بی‌نیاز نکرد و همان چیزی (عذابی) که آن را
به مسخره می‌گرفتند، آنان را فرا گرفت.
٢٧ و بی‌گمان ما شهرهایی را که پیرامونِ شما بود، نابود کردیم. و آیات را به
صورت‌های گوناگون بیان کردیم، شاید [به حق] برگردند.
٢٨ پس چرا آن‌هایی که غیر از خداوند به عنوان معبود می‌گرفتند تا به خداوند نزدیک
شوند، آنان را یاری نکردند؟ بلکه از نظرشان ناپدید شدند. و این بود دروغ پردازیِ
آنان و آن چه از خود می‌بافتند.

٢٩ و هنگامی که چند تن از جنیان را به سوی تو گذر دادیم، تا «قرآن» را بشنوند. هنگامی که بر آن حاضر شدند، به یکدیگر گفتند: «گوش دهید» پس آن گاه که [خواندن «قرآن»] به انتها رسید، در حالی که بیم دهنده بودند، به سوی قوم خود بازگشتند.

٣٠ گفتند: «ای قوم ما، ما «کتابی» را شنیدیم، که پس از «موسی» فرود آمد. تصدیق کنندهٔ آن چه است که پیش از آنست (کتاب‌های آسمانی قبل). به سوی حق و به سوی راهی راست هدایت می‌کند.

٣١ ای قوم ما [دعوتِ] کسی را که به سوی خداوند دعوت می‌کند، بپذیرید و به او ایمان آورید، تا [خداوند] برای شما برخی از گناهانتان را بیامرزد و از عذابی دردناک شما را رهایی بخشد.»

٣٢ و هر کس [دعوتِ] دعوتگر به سوی خداوند را نپذیرد، در زمین، خداوند را نمی‌تواند ناتوان کند (از عذاب خداوند گریزی ندارد). و جز خداوند کسی سرپرست و یاورش نباشد. آنان در گمراهیِ آشکاری هستند.

٣٣ آیا نمی‌بینند که خداوند آسمان‌ها و زمین را آفرید؟ و در آفرینش آن‌ها فرو نماند. بی‌تردید او تواناست که مردگان را زنده کند. بلی، بی‌تردید او بر همه چیز تواناست.

٣٤ و روزی که کافران بر آتش عرضه شوند [گفته شود:] «آیا این حق نیست؟» گویند: «آری، به پروردگارمان سوگند [که حق است].» گوید: «پس به دلیل آن که کفر می‌ورزیدید، عذاب را بچشید!»

٣٥ پس [تو ای «محمّد»] شکیبا باش، چنان که پیامبرانِ اولوالعزم شکیبا بودند. و به خاطر آنان شتاب مکن. روزی که آنان آن چه را که به آنان وعده می‌شود ببینند، گویی جز ساعتی از روز درنگ نکرده‌اند. این ابلاغی است. پس آیا غیر از قومِ نافرمان [کسی] هلاک شود؟

مدنی سورهٔ محمّد

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

١ کسانی که کافر شدند و [مردم را] از راه خداوند باز داشتند، خداوند اعمالشان را تباه کند.

٢ و کسانی که ایمان آوردند و نیکوکاری کردند، و به آن چه بر «محمّد» فرود آمد، ایمان آوردند -که آن، حق از جانب پروردگارشان است- خداوند گناهانشان را پاک کند و احوال [و وضع] آنان را نیکو گرداند.

٣ این برای آنست که کسانی که کافر شدند، از باطل پیروی کردند. و کسانی که ایمان آوردند، از حق که از جانب پروردگارشان است پیروی نمودند. خداوند برای مردم این چنین مَثَل‌هایشان را می‌زند.

٤ پس هنگامی که [در جنگ] با کافران رو به رو شدید، آنان را گردن بزنید، تا از پا درآیند. سپس آنان را محکم ببندید. [که] بعد یا بر آنان منّت گذارید (آزادشان کنید) یا فدیه بگیرید، تا [هنگامی که] جنگ بارهایش را زمین گذارد (جنگ به پایان رسد). [فرمان] اینست. و اگر خداوند بخواهد، از آنان انتقام می‌کشد، ولی بر آنست که شما را به وسیلهٔ یکدیگر بیازماید. و کسانی که در راه خداوند کشته شدند، هرگز کردارشان گم نشود.

٥ به زودی [خداوند] آنان را هدایت کند و [وضع و] احوالشان را نیکو گرداند.

٦ و آنان را به بهشتی داخل سازد، که آن را به آنان شناسانده بود.

٧ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر خداوند را یاری کنید، [او هم] شما را یاری دهد و گام‌هایتان را استوار گرداند.

٨ و کسانی که کافر شدند، آنان را نابودی باد. و [خداوند] کردارشان را تباه گرداند.

٩ این به آن دلیل است که آنان از آن چه خداوند فرو فرستاده است، کراهت داشتند. خداوند هم کارهای آنان را باطل گردانید.

١٠ آیا در زمین سیر نکرده‌اند، تا ببینند سرانجامِ کسانی که پیش از آنان بودند، چگونه بود؟ خداوند آنان را هلاک گردانید. و برای کافران [عذابی] مانندِ آن است.

١١ این به آن دلیل است که خداوندْ سرپرست و یاور کسانی است که ایمان آورده‌اند. و این که برای کافران هیچ سرپرست و یاوری نیست.

١٢ همانا خداوند کسانی را که ایمان آوردند و نیکوکاری کردند، به بهشت‌هایی داخل کند، که جویبارها از زیر آن جاری است. و کسانی که کافر شدند [در دنیا] بهره‌مند می‌شوند و مانند چهارپایان می‌خورند. و جایگاهشان آتش است.

١٣ و چه بسا شهری که نیروی [مردمِ] آن (شهر) از [نیروی مردمِ] شهر تو که تو را از آن بیرون کردند، بیش‌تر بود. ما آنان را هلاک کردیم. پس برایشان یاوری نبود.

١٤ آیا کسی که بر دلیل آشکاری از جانب پروردگارش می‌باشد، مانند کسی است که بدکاریش برای او آراسته شده است؟ و آنان به دنبال آرزوهای خویش هستند.

١٥ مَثَلِ بهشتی که به پرهیزکاران وعده داده شده: در آن نهرهایی است از آب که طعمش دگرگون نگردد و جوی‌هایی از شیر که طعمش تغییر نکند و جوی‌هایی از خَمْر که به نوشندگان لذّت دهد و نهرهایی از عسل ناب باشد و برایشان در آن از هر نوع میوه هست و [نیز] آمرزشی از جانب پروردگارشان. [آیا آنان] مانند کسانی هستند که در آتش جاودانه‌اند و به آنان آب جوشان دهند، که روده‌هایشان را پاره سازد؟

١٦ و عدّه‌ای از آنان هستند که به سخنان تو گوش می‌کنند، تا این که هنگامی که از کنار تو رفتند، به کسانی که دانش به آنان داده شده است، بگویند: «[رسول خدا] هم اکنون چه می‌گفت؟» خداوند بر دل‌های این افراد مُهر نهاد و به دنبال آرزوهای خویشند.

١٧ و کسانی که هدایت یافتند [خداوندْ] آنان را هدایت افزود و پرهیزکاری و تقوایشان را به آنان داد.

١٨ پس آیا در انتظارِ غیر از قیامت هستند، که ناگهان فرا رسد؟ پس بی‌گمان نشانه‌های آن آمده است. پس آن گاه که قیامت آید، دیگر پند گرفتنشان به آنان چه فایده بخشد؟

١٩ پس تو بدان که معبودی جز خداوند نیست. و برای گناهِ خود و برای مردان مؤمن و زنان مؤمن آمرزش بخواه. و خداوند انتقالگاهِ شما و جایگاهِ شما را می‌داند.

٢٠ و کسانی که ایمان آورده‌اند، گویند: «چرا سوره‌ای [در جهاد] فرود نیامد؟» پس
هنگامی‌که سورهٔ محکمی فرود آید و در آن دربارهٔ قتال یادآوری شده باشد، کسانی
را که در دل‌هایشان بیماری است، خواهی دید که به سوی تو نگاه می‌کنند، مانندِ
کسی که در حالتِ بیهوشیِ مرگ نگاه می‌کند. پس برای آنان شایسته‌تر است که
٢١ اطاعت کنند و نیکو سخن گویند. پس هنگامی‌که اراده [به انجام] کاری شود، اگر با
خداوند راستگو باشند، برایشان بهتر است.
٢٢ پس آیا اگر شما روی‌گردان شوید، شاید در زمین فساد کنید و پیوند خویشاوندی
خود را بِبُرید؟
٢٣ اینان کسانی هستند که خداوند آنان را لعنت کرده [و از خود رانده] پس آنان را کر
نموده و چشمانشان را کور ساخته است.
٢٤ آیا در «قرآن» اندیشه نمی‌کنند، یا قفل‌هایی بر دل‌هایی است.
٢٥ بی‌گمان کسانی که پشت کنان بازگشتند –بعد از این که هدایت و راه راست برایشان
آشکار شد– شیطان [کفر را] برایشان بیاراست و به آنان آرزو[ی طولانی] بخشید.
٢٦ این به دلیل آن بود که آنان به کسانی که از آن چه خداوند فرو فرستاده است
کراهت داشتند، گفتند: «ما به زودی در بعضی از کارها از شما اطاعت خواهیم کرد.»
و خداوند پنهانکاریِ آنان را می‌داند.
٢٧ پس چگونه است [احوال آنان] آن گاه که فرشتگانْ جانشان را بگیرند و بر چهره‌ها
و پشت‌هایشان بزنند.
٢٨ این به آن دلیل است که آنان از آن چه خداوند را به خشم آورد، پیروی کردند و
خوشنودی او را ناپسند داشتند. پس [خداوندْ] کردارشان را تباه ساخت.
٢٩ یا کسانی که در دل‌هایشان بیماری است، گمان می‌کنند که خداوند هرگز کینه‌هاشان
را آشکار نمی‌سازد؟

۳۰ و اگر می‌خواستیم، آنان را به تو نشان می‌دادیم. پس تو آنان را از روی صورتشان می‌شناختی و البته آنان را از شیوهٔ گفتارشان خواهی شناخت. و خداوند کارهایتان را می‌داند.

۳۱ و البته شما را بیازماییم، تا مجاهدین و صابرانِ شما را بشناسانیم و خبرهای شما را آزمایش کنیم.

۳۲ بی‌گمان کسانی که کافر شدند و مردم را از راه خداوند بازداشتند و با پیامبر –پس از آن که هدایت برایشان آشکار شد– مخالفت کردند، آنان هرگز چیزی به خداوند زیان نرسانند. و به زودی [خداوند] کردارشان را تباه سازد.

۳۳ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خداوند فرمانبرداری کنید و از پیامبر فرمانبرداری کنید و کردار خود را تباه و باطل نسازید.

۳٤ بی‌گمان کسانی که کافر شدند و مردم را از راه خداوند باز داشتند، سپس کافر مُردند، خداوند هرگز آنان را نیامرزد.

۳۵ پس سستی مکنید و به سازش دعوت نکنید. و شما برترید. و خداوند با شماست و هرگز از [پاداشِ] کردارتان نخواهد کاست.

۳٦ زندگیِ دنیا جز سرگرمی و بازی نیست و اگر ایمان آورید و پرهیزکار باشید [خداوند] پاداش‌هایتان را بدهد و اموالتان را از شما نخواهد.

۳۷ اگر آن‌ها را از شما با اصرار طلب کند، شما بخل می‌ورزید. و خداوند کینه‌هاتان را آشکار سازد.

۳۸ اینک شما هستید که به انفاق در راه خداوند دعوت می‌شوید. از شما هستند کسانی که بخل می‌ورزند. و هر کس بخل ورزد، پس تنها بر نَفْسِ خودش بخل می‌ورزد. و خداوند بی نیاز است و نیازمند شما هستید. و اگر رویْ بگردانید، خداوند به جای شما قومی را بیاورد که مانندِ شما نباشند.

مدنی

سورهٔ فتح (پیروزی، گشایش)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

١ بی‌گمان ما تو را به فتحِ آشکاری پیروزی بخشیدیم.

٢ تا خداوند از گناهِ گذشتهٔ تو و آن چه در بعد آید، بگذرد. و نعمت خویش را بر تو
تمام کند و تو را به راهی راست هدایت فرماید.

٣ و خداوند تو را به نصرتی با عزّت یاری کند.

٤ او کسی است که آرامش را در دل‌های مؤمنان فرود آورد، تا ایمانی بر ایمانشان
بیفزایند. و سپاهیانِ آسمان‌ها و زمین از آنِ خداوند است و خداوند دانای حکیم است.

٥ تا مردان مؤمن و زنان مؤمن را به بهشت‌هایی داخل نماید، که از زیر آن جویبارها
جاری است و جاودانه در آن باشند و گناهانشان را از آنان بزداید و این نزد خداوند
رستگاری عظیمی است.

٦ و مردانِ دورو (منافق) و زنانِ دورو (منافق) و مردانِ مشرک و زنانِ مشرک را که به
خداوند گمانِ بد می‌برند، عذاب کند. بر [گردِ] آنان حلقه‌ای از بدی باشد. و خداوند
بر آنان خشم گرفت. و آنان را لعنت کرد و دوزخ را برای آنان آماده ساخت و آن بدْ
بازگشتگاهی است.

٧ و سپاهیانِ آسمان‌ها و زمین از آنِ خداوند است. و خداوند عزیز حکیم است.

٨ بی گمان ما تو را گواه و مژده‌بخش و بیم دهنده فرستادیم.

٩ تا [شما ملّتْ] به خداوند و پیامبرش ایمان آورید و او را یاری کنید و گرامی دارید
و بامدادان و شبانگاهان او (خداوند) را تسبیح گویید.

١٠ البته کسانی که با تو بیعت می‌کنند، غیر از این نیست که با خداوند بیعت می‌کنند. دست خداوند بالای دست‌های آنان است. پس هر کس پیمان‌شکنی کند، غیر از این نیست که به زیان خودش پیمان شکنی کرده است. و هر کس به آن چه با خداوند عهد کرده است وفا کند، پس به زودی [خداوند] او را پاداشی عظیم دهد.

١١ به زودی بازماندگان از عرب‌های بادیه‌نشین به تو خواهند گفت: «ثروت ما و خانواده‌مان ما را به خود مشغول داشت. پس برای ما آمرزش بخواه.» آنان به زبان‌هایشان چیزی می‌گویند، که در دل‌هایشان نیست. بگو: «اگر خداوند برای شما زیانی بخواهد، یا برایتان سودی بخواهد، چه کسی برای شما در برابر خداوند بر چیزی اختیار و توانایی دارد؟ [نه] بلکه از آن چه شما می‌کنید، خداوند باخبر است.»

١٢ بلکه شما پنداشتید که پیامبر و مؤمنان هرگز به سوی خانوادهٔ خود باز نمی‌گردند. و این [موضوع] در دل‌های شما آراسته گردید و پندار و گمانِ بدی به خود راه دادید. و شما قومی هلاک شده می‌باشید.

١٣ و هر کس به خداوند و پیامبرش ایمان نیاورد، پس بی‌تردید ما آتشی سوزان برای کافران آماده کرده‌ایم.

١٤ و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آنِ خداوند است. هر کس را بخواهد، می‌بخشد. و هر کس را بخواهد، عذاب می‌کند. و خداوند آمرزگار مهربان است.

١٥ به زودی هنگامی که شما به سوی غنایم راه افتید تا آن‌ها را بگیرید، بازماندگان خواهند گفت: «بگذارید، ما هم دنبال شما بیاییم.» آنان می‌خواهند سخن خداوند را دگرگون کنند. بگو: «هرگز در پی ما نیایید. خداوند از پیش چنین فرمود.» پس آنان خواهند گفت: «[نه] بلکه شما به ما حسادت می‌کنید.» [نه] بلکه جز اندکی درک نمی‌کنند.

١٦ به بازماندگان از عرب‌های بادیه‌نشین بگو: «به زودی به سوی قومی بسیار نیرومند فراخوانده می‌شوید. با آنان نبرد کنید، یا این که تسلیم شوند [و «اسلام» آورند]. پس اگر فرمان برید، خداوند شما را پاداشی نیکو بخشد. و اگر رویْ برتابید، همان گونه که پیش از این هم روی برتافتید، خداوند به عذابی دردناک شما را عذاب خواهد کرد.»

١٧ [در نرفتن به جنگ] بر نابینا گناهی نیست. و بر لنگ [هم] گناهی نیست. و بر بیمار [هم] گناهی نیست. و هر کس از خداوند و پیامبرش اطاعت کند، خداوند او را به بهشت‌هایی داخل سازد که از زیر آن جویبارها جاریست. و هر کس رویْ برتابد، او را به عذابی دردناک عذاب کند.

١٨ بی‌گمان خداوند از مؤمنان خوشنود شد، آن گاه که زیر درخت [سدر] با تو بیعت کردند. او آن چه را که در دل‌هایشان بود، می‌دانست. پس آرامش بر آنان فرو فرستاد و خداوند آنان را به فتحی نزدیک پاداش داد؛

١٩ و غنایمِ بسیار که خواهند گرفت. و خداوند عزیز حکیم است.

٢٠ خداوند شما را به غنایم بسیار وعده داد، که آن را به دست آورید. پس در این برای شما شتاب کرد. و دست‌های [آزارِ] مردم را از شما دور نگه داشت. و تا نشانه‌ای برای مؤمنان باشد. و شما را به راهی راست هدایت کند؛

٢١ و بر [پیروزی‌های] دیگری که هنوز به [کسب] آن‌ها قادر نیستید. به راستی خداوند بر آن‌ها احاطه دارد. و خداوند بر هر چیز تواناست.

٢٢ و اگر کسانی که کافر شدند، با شما پیکار می‌کردند، پشت می‌کردند. آن گاه آنان نه دوستی می‌یافتند و نه یاوری.

٢٣ [این] سنّت خداوند است، که از قبل بوده است. و هرگز برای سنّت خداوند دگرگونی نخواهی یافت.

٢٤ و او کسی است که در وادیِ «مکّه» دستان آنان را از شما، و دستان شما را از آنان دور کرد. [این صلح] پس از آن بود که شما را بر آنان پیروز گردانید و خداوند به آن چه می‌کنید، بیناست.

٢٥ آنان کسانی هستند که کافر شدند و شما را از [رفتن به] «مسجدالحرام» باز داشتند. و از رسیدنِ قربانیِ شما به محل خود جلوگیری کردند. و اگر مردان مؤمن و زنان مؤمن که شما آنان را نمی‌شناختید، نبودند که ممکن بود پایمالشان کنید و بی آن که بدانید به خاطر آنان گرفتار ناملایمات شوید [خداوند به شما اجازهٔ ورود به «مکّه» می‌داد]. برای این که خداوند هر کس را که بخواهد، به رحمت خویش داخل سازد. اگر [کافران و مؤمنان از هم] جدا می‌شدند، بی‌تردید کافرانشان را به عذابی دردناک گرفتار می‌کردیم.

٢٦ آن هنگام که کسانی که کفر ورزیدند، در دل‌های خود تعصّب قرار دادند، تعصّب جاهلانه؛ پس خداوند آرامشِ خود را بر پیامبر خود و بر مؤمنان فرو فرستاد و کلمهٔ پرهیزکاری را همراه و ملازمِ آنان کرد. و آنان (مؤمنان) به آن سزاوارتر و اهل آن بودند. و خداوند به هر چیزی داناست.

٢٧ بی‌گمان خداوند رؤیای پیامبر خود را به حقیقت پیوسته است، که شما –اگر خداوند بخواهد– به «مسجد الحرام» داخل می‌شوید. ایمن شده، سرها تراشیده [موی و ناخن] کوتاه کرده. و بیمی هم نداشته باشید. و خداوند آن چه را که شما نمی‌دانید، می‌دانست. پس غیر از آن پیروزی نزدیکی برایتان قرار داد.

٢٨ او کسی است که پیامبر خویش را با هدایت و دین حق فرستاد. تا آن را بر تمام ادیان پیروز گرداند. و خداوند برای گواهی کافی است.

٢٩ «محمّد» پیامبر خداوند است. و کسانی که با او هستند، بر کافران سختگیر و میان خودشان مهربانند. آنان را در حال رکوع و سجده می‌بینی، در حالی که در جستجوی فضل و رضای خداوند هستند. بر اثر سجده و عبادت آثارِ [ایمانِ] آنان بر چهره‌هایشان باشد. مَثَلِ آنان در «تورات» به همین گونه است و مَثَلِ آنان در «انجیل» به سان دانه‌ای است که جوانه‌اش را از خاک بیرون دهد و پس از آن قوّتش دهد تا نیرومند و ستبر گردد و بر ساق خود [محکم و] راست به ایستد. کشاورزان را به شگفت آورد، تا کافران را به خشم آورد. خداوند به کسانی که ایمان آوردند و نیکوکاری کردند، آمرزشی و پاداشی عظیم وعده داده است.

سورۀ حُجَرات (حجره‌ها)

مدنی

به نام خداوند بخشندۀ مهربان

١ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خداوند و پیامبرش [در حکم] پیشی مگیرید. و در برابر خداوند تقوا داشته باشید. بی‌تردید خداوند شنوای داناست.

٢ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صداهای خود را بلندتر از صدای پیامبر نکنید و با او بلند سخن مگویید –مانند سخن گفتن شما با یکدیگر– مبادا اعمالتان تباه گردد، در حالی که در نمی‌یابید.

٣ بی‌گمان کسانی که صداهای خود را نزد پیامبر خدا فرو کشند، کسانی هستند که خداوند قلب‌هایشان را برای پرهیزکاری آزمایش نمود و برایشان آمرزشی و پاداشی عظیم است.

٤ بی‌گمان کسانی که تو را از پشت اتاق‌های خانه می‌خوانند، بیش‌ترشان نمی‌فهمند.

٥ و اگر آنان صبر کنند تا تو، به سوی آنان بیرون بیایی، البته برای آنان بهتر است. و
خداوند آمرزگار مهربان است.

٦ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر شخصِ بدکارِ نافرمانی برای شما خبری آوَرَد،
پس آن را بررسی کنید، مبادا به نادانی به گروهی آسیب برسانید و از آن چه کردید،
پشیمان شوید.

٧ و بدانید که پیامبرِ خداوند میانِ شما است. اگر او در بسیاری از کارها از شما اطاعت
کند، به رنج می‌افتید. و لیکن خداوند ایمان را در نزد شما پسندیده و گرامی داشت
و آن را در دل‌های شما بیاراست. و کفر و نافرمانی و سرکشی را نزدِ شما ناپسند
کرد. آنان راه یافتگان باشند.

٨ این فضل و نعمتی است از خداوند. و خداوند دانای حکیم است.

٩ و اگر دو طایفه از مؤمنان با هم به نبرد برخیزند، میانِ آنان صلح برقرار سازید. و اگر
یکی از آن دو به دیگری ستمی کند، پس با آن کس که ستم می‌کند، پیکار نمایید، تا
به فرمانِ خداوند باز گردد. و اگر بازگشت، از روی عدالت، صلح را میانشان برقرار
سازید و عدالتگری کنید، که بی‌تردید خداوند عدالتگران را دوست دارد.

١٠ بی‌گمان مؤمنان با هم برادرند. پس میانِ دو برادرتان صلح برقرار سازید. و از
خداوند بترسید، باشد که مورد رحمتش قرار گیرید.

١١ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید قومی قومِ دیگر را مسخره کنند. شاید آنان بهتر
از ایشان باشند. و هیچ زنانی زنانِ دیگر را نباید مسخره کنند. شاید آن زنان بهتر از
اینان باشند. و از یکدیگر عیبجویی نکنید. و یکدیگر را به لقب‌های ناپسند و بد
مخوانید، که پس از ایمان آوردن، نام زشت نهادن، بد می‌باشد. و هر کس توبه نکند،
پس آنان ستمکار باشند.

١٢ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از پندارها دوری کنید، که بی‌گمان برخی از گمان‌ها گناه است. و کاوش و تجسّس و غیبتِ یکدیگر را مکنید. آیا یکی از شما دوست دارد که گوشتِ برادرِ مردهٔ خود را بخورد؟ پس شما از آن کراهت دارید. و از خداوند بترسید. بی‌تردید خداوند توبه‌پذیر مهربان است.

١٣ ای مردم، ما شما را از یک مرد و یک زن بیافریدیم. و شما را ملّت‌ها و قبیله‌ها گردانیدیم، تا با هم آشنا شوید. بی‌تردید گرامی‌ترینِ شما نزد خداوند پرهیزکارترینِ شما باشد. بی‌گمان خداوند دانای آگاه است.

١٤ عرب‌های بادیه‌نشین گفتند: «ما ایمان آوردیم.» بگو: ایمان نیاورده‌اید. و لیکن بگویید «اسلام» آوردیم. و هنوز ایمان در دل‌های شما جا نگرفته است. و اگر از خداوند و پیامبرش فرمان ببرید، از اعمال شما چیزی نکاهد. بی‌تردید خداوند آمرزگار مهربان است.

١٥ مؤمنان تنها کسانی هستند که به خداوند و پیامبرش ایمان آورده‌اند. سپس [در این ایمان] تردید نکرده‌اند. و با ثروت‌ها و جان‌های خویش در راه خداوند جهاد کرده‌اند. آنان راستگویان هستند.

١٦ بگو: «آیا خداوند را از دینِ خود آگاه می‌سازید؟ و خداوند آن چه را که در آسمان‌ها و آن چه را که در زمین است، می‌داند. و خداوند بر هر چیزی داناست.»

١٧ بر تو منّت می‌گذارند که «اسلام» آورده‌اند. بگو: «به «اسلام» آوردنتان بر من منّت نگزارید. بلکه خداوند بر شما منّت می‌گزارد که شما را به سوی ایمان هدایت نمود، اگر راست می‌گویید.»

١٨ بی‌گمان خداوند غیب آسمان‌ها و زمین را می‌داند و خداوند به آن چه می‌کنید، بیناست.

مکّی

سورهٔ ق

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

١ قاف. سوگند به «قرآن» گرامی.
٢ بلکه آنان به شگفت آمدند که بیم دهنده‌ای از خودشان برایشان آمد. پس کافران گفتند: «این چیز عجیبی است.
٣ آیا هنگامی که بمیریم و خاک شویم [دوباره زنده می‌شویم]؟ این بازگشتی بعید است.»
٤ بی‌گمان آن چه را که زمین از آنان بکاهد، ما می‌دانیم. و کتابی نگهبان نزد ما می‌باشد.
٥ بلکه حق را که برایشان آمد، تکذیب کردند. پس آنان در کاری آشفته‌اند.
٦ آیا به آسمان بالای سرشان نگاه نکردند، که چگونه آن را بنا کردیم و آراستیم و آن را هیچ شکافی نیست؟
٧ و زمین را گستردیم و در آن کوه‌ها قرار دادیم و در آن از هر گیاهی یک جفت خرّم و زیبا رویاندیم.
٨ برای هر بندهٔ توبه‌گر وسیله نگرش و پندی باشد.
٩ و از آسمان آبی با برکت فرود آوردیم. پس به آن باغ‌ها و دانه‌ای که قابل درویدن باشد، رویاندیم.
١٠ و درختِ خرمای بلند که شکوفه‌های آن روی هم چیده شده باشد.
١١ برای بندگان رزق و روزی باشد. و به آن [آبِ با برکت] شهرِ مرده‌ای را زنده کردیم. بیرون شدن [از گور] چنین باشد.
١٢ پیش از آنان قوم «نوح» و یاران «رَس» و «ثمود» تکذیب کردند.
١٣ و «عاد» و «فرعون» و برادران «لوط»،
١٤ و یاران «ایکه» و قوم «تُبَّع». جملگی پیامبران را تکذیب کردند. پس تهدید و وعدهٔ عذاب من حق و سزاوار گشت.
١٥ آیا ما در آفرینشِ نخستین درماندیم؟ بلکه آنان از آفرینشِ جدید در تردید هستند.

١٦ و بی‌گمان ما انسان را آفریدیم و آن چه را که وجودش (نَفْسش) به آن وسوسه
می‌کند، می‌دانیم. و ما به او از رگ گردن هم نزدیک‌تریم.
١٧ هنگامی که دریابندگان، که از راست و از چپ نشسته‌اند [اعمال انسان را] درمی‌یابند.
١٨ او هیچ سخنی نگوید، جز این که نگهبانی آماده نزد او باشد.
١٩ و به حق سکرات و سختی مرگ بر او آید. اینست آن چه از آن گریزان بودی.
٢٠ و در «صور» دمیده شود. این است روز تهدید و وعدهٔ عذاب.
٢١ و هر کس بیاید، پیش‌رانی (پاسداری که او را به جلو براند) و گواهی با او باشد.
٢٢ بی گمان، تو از چنین روزی در غفلت بودی. پس پرده [بی‌اطلاعی]ات را از تو
برداشتیم. آن گاه امروز چشمت تیزبین شده است.
٢٣ و همنشین او گوید: «اینست آن چه نزد من آماده است.»
٢٤ [خداوند گوید] هر ناسپاسِ سرکشی را در دوزخ افکنید.
٢٥ باز دارنده از کار نیک، و متجاوزِ تردیدآور.
٢٦ کسی که با خداوند معبودی دیگر قرار داد. پس او را در عذاب سختی بیفکنید.
٢٧ همنشین او گوید: «پروردگارا، من او را به سرکشی نکشاندم، بلکه او خود در
گمراهی دوری بود.»
٢٨ [خداوند] گوید: «در برابر من دشمنی نورزید. و بی‌تردید این تهدید و وعدهٔ عذاب
را از پیش به سوی شما فرستاده بودم.
٢٩ نزد من سخن دگرگون نخواهد شد. و من بر بندگان ستمکار نیستم.»
٣٠ روزی که به دوزخ گوییم: «آیا آکنده شدی؟» و بگوید: «آیا بیش از این هم هست؟»
٣١ و بهشت برای پرهیزکاران نزدیک آورده شود. و دور نباشد.
٣٢ اینست آن چه برای هر توبه کار خویشتن‌دار به شما وعده می‌شد.
٣٣ آن کس که در نهان از [خداوندِ] بخشنده بترسد و با قلبی توبه کار آید.
٣٤ [و به آنان گفته شود:] به سلامت به آن (بهشت) داخل شوید. چنین روزی جاودانه است.
٣٥ برای‌شان در آن هر چه خواهند، وجود خواهد داشت. و نزد ما فزونی است.

٣٦ و چه بسیار پیش از آنان نسل‌هایی را هلاک کردیم که از اینان بسی نیرومندتر بودند و در کشورها سیر و سفر کردند. آیا [از مرگ] گریز گاهی داشتند؟

٣٧ بی‌تردید در آن پندی است برای کسی که دلی داشته باشد. یا گوش فرا دارد در حالی که [با توجهِ کامل] شاهد باشد.

٣٨ و بی‌تردید ما آسمان‌ها و زمین و آن چه را که در میانِ آن دو است، در شش روز (دوره) آفریدیم. و هیچ خستگی به ما نرسید.

٣٩ پس بر آن چه می‌گویند، شکیبا باش. و به سپاس و ستایشِ پروردگارت پیش از برآمدن آفتاب و پیش از فرو شدن آن تسبیح بگوی.

٤٠ و [پاره‌ای] از شب و به دنبال سجده‌ها او را تسبیح بگوی.

٤١ و بگوش باش، روزی که نداگری از جایی نزدیک آواز دهد.

٤٢ روزی که آن «صیحه» را به حق بشنوند. آن روز، روز خروج است.

٤٣ بی‌گمان ما زنده می‌کنیم و می‌میرانیم و بازگشت به سوی ما می‌باشد.

٤٤ روزی که زمین از آنان بشکافد، شتابان بیرون آیند. این گردآوری بر ما آسان است.

٤٥ ما به آن چه می‌گویند، داناتریم. و تو بر آنان مسلّط نیستی. پس تو کسی را که از وعدهٔ عذاب می‌ترسد، به «قرآن» پند بده.

سورهٔ ذاریات (بادهای پراکننده)

مکّی

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

١ سوگند به آن بادهای پراکننده،

٢ پس به آن ابرهای گرانبار [سوگند]،

٣ پس به کشتی‌های آسان روان [سوگند]،

٤ پس به فرشتگانِ بخشگرِ کارها [سوگند]؛

٥ که بی‌گمان آن چه به شما وعده شده، درست است.

٦ و البته «دین» (قیامت) بپا خواهد شد.

٧ سوگند به آسمان که دارای راه‌ها است،
٨ بی‌گمان شما در سخنان گوناگونی باشید.
٩ برگردانیده می‌شود از آن (حق)، آن کس که برگردانیده شده.
١٠ مرگ بر دروغ پردازان!
١١ آنان که در گرداب غفلت و سهو سرگردانند.
١٢ می‌پرسند که روز جزا چه زمان باشد؟
١٣ روزی که آنان را بر آتش آزمایند.
١٤ [گویند:] «آزمون خود را بچشید! این همانست که برایش شتاب داشتید.»
١٥ بی‌گمان پرهیزکاران در بهشت‌ها و [کنار] چشمه ساران باشند.
١٦ آن چه را پروردگارشان به آنان داد، بگیرند. بی‌تردید پیش از آن نیکوکار بودند.
١٧ اندکی از شب می‌خوابیدند،
١٨ و سحرگاهان [از خداوند] آمرزش می‌خواستند.
١٩ و در ثروتشان حقی برای یاری خواه (گدا و بینوا) و بی‌بهره بود.
٢٠ و در زمین نشانه‌هایی برای یقین آوران باشد.
٢١ و [نیز] در وجودتان. آیا نمی‌بینید؟
٢٢ و در آسمان روزی شما و آن چه به شما وعده می‌شود، وجود دارد.
٢٣ پس به پروردگار آسمان و زمین سوگند، همان گونه که شما سخن می‌گویید، آن (قیامت و بهشت و دوزخ) راست و درست است.
٢٤ آیا داستان مهمانان گرامی «ابراهیم» بر تو رسید؟
٢٥ آن گاه که بر او وارد شدند و گفتند: «سلام.» [«ابراهیم»] گفت: «سلام. شما قومی ناشناسید.»
٢٦ سپس به سوی خانوادهٔ خویش رفت و گوساله‌ای فربه آورد.
٢٧ آن گاه آن را نزدشان نهاد. [«ابراهیم»] گفت: «آیا نمی‌خورید؟»
٢٨ پس او («ابراهیم») از آنان به ترس افتاد. به او گفتند: «نترس!» و او را به پسری دانا مژده دادند.
٢٩ پس زن او فریادکنان در حالی که به صورتِ خود می‌زد، جلو آمد و گفت: «[من] پیرزنی نازا [هستم].»
٣٠ گفتند: «پروردگار تو چنین گفت. بی‌تردید او حکیم داناست.»

۳۱ [«ابراهیم»] گفت: «ای فرستادگان، شما مأمورِ چه کار هستید؟»
۳۲ گفتند: «ما به سوی قومی گناهکار فرستاده شده‌ایم.
۳۳ تا بر آنان سنگ‌هایی از گِل بفرستیم.
۳٤ [سنگ‌هایی] که نزد پروردگارت برای اسرافکاران نشان زده شده است.»
۳۵ پس هر مؤمنی را که آن جا (در شهر «لوط») بود، بیرون آوردیم.
۳٦ و در آن جا غیر از یک خانواده از مسلمانان نیافتیم.
۳۷ و در آن جا برای کسانی که از عذاب دردناک می‌ترسند، نشانه‌ای گذاشتیم.
۳۸ و در [رسالتِ] «موسی» هنگامی که او را به سوی «فرعون» با حجّتی محکم و آشکار فرستادیم [نشانه‌ای بود].
۳۹ پس [«فرعون»] با لشکریانِ خویش رویْ برتافت و گفت: «او جادوگر یا دیوانه است.»
٤۰ پس او («فرعون») و لشکریانش را گرفتیم و در دریا افکندیم، در حالی که او سرزنشگر [خود] بود.
٤۱ و در [عاقبتِ] قوم «عاد،» هنگامی که بر آنان بادی مهلک (بی‌ثمر خیر) فرستادیم [نشانه‌ای بود].
٤۲ [آن باد] به هیچ چیز برنمی‌خورد، مگر این که آن را خشک و پوسیده می‌کرد.
٤۳ و در [عاقبتِ قومِ] «ثمود» هنگامی که به آنان گفته شد: «تا زمانی بهره‌مند باشید» [نشانه‌ای بود].
٤٤ پس، از فرمان پروردگارشان سرکشی کردند. پس صاعقه آنان را گرفت، در حالی که آنان نگاه می‌کردند.
٤۵ سپس نه می‌توانستند برخیزند، نه می‌توانستند به خودشان یاری کنند.
٤٦ و پیش از آنان قوم «نوح» [هلاک شدند]. بی‌تردید آنان قومی نافرمان بودند.
٤۷ و به نیرویی آسمان را بنا کردیم و بی‌تردید ما وسعت دهنده‌ایم.
٤۸ و زمین را گستردیم. و چه نیکو گستراننده‌ایم.
٤۹ و از هر چیز جفت آفریدیم، شاید شما پند بپذیرید.
۵۰ پس به سوی خداوند بگریزید. بی‌تردید من از جانبِ او برای شما بیم دهندهٔ آشکاری هستم.
۵۱ و با خداوند معبود دیگری قرار ندهید. بی‌تردید من از جانب او برایتان بیم دهندهٔ آشکاری هستم.

۵۲ چنین بود، که برای کسانی که پیش از آنان بودند پیامبری نیامد، مگر این که گفتند: «جادوگر و یا دیوانه است.»
۵۳ آیا آن [سخن] را به یکدیگر سفارش و توصیه کردند؟ [نه] بلکه آنان قومی سرکش هستند.
۵٤ پس، از آنان رویْ بگردان. پس تو سرزنش شده نیستی.
۵۵ و پند بده. پس بی‌تردید پند دادن برای مؤمنان سود بخش است.
۵٦ و جن و انس را نیافریدم، مگر برای این که مرا بندگی (عبادت) کنند.
۵۷ من نه از آنان روزی می‌خواهم و نه از آنان می‌خواهم که خوراک به من دهند.
۵۸ بی‌گمان خداوند است که روزی بخشِ قدرتمندِ سختْ پایدار است.
۵۹ پس بی‌گمان برای کسانی که ستم کردند، سهمی است از عذاب، مانند سهم یارانشان از عذاب. پس به شتاب [آن را] از من نخواهند.
٦۰ پس وای بر کسانی که کافر شدند، از روزشان که به آنان وعده می‌شود!

مکّی

سورهٔ طور (کوه طور)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ سوگند به [کوه] «طور»،
۲ سوگند به «کتابی» نوشته شده،
۳ در صفحه‌ای گشوده شده،
٤ سوگند به خانهٔ آباد («بیت‌المعمور»)،
۵ سوگند به سقف بلند،
٦ سوگند به دریای آکنده،
۷ که بی‌گمان عذاب پروردگارت به وقوع خواهد پیوست.
۸ آن [عذاب] را هیچ دورکننده‌ای نباشد.
۹ روزی که آسمان به جنبشی سخت، به جنبش در آید.
۱۰ و کوه‌ها به حرکتی سخت به حرکت در آیند.
۱۱ پس در آن روز وای به حال تکذیب کنندگان!
۱۲ آنان که در بیهوده گویی به بازی سرگرمند.
۱۳ روزی که به سوی آتش جهنم کشانده شوند، با کششی مخصوص.
۱٤ [به آنان گفته شود:] این همان آتشی است که آن را دروغ می‌پنداشتید.

۱۵ آیا این جادوست؟ یا این که شما نمی‌بینید؟

۱٦ [به آن داخل شوید و] در آن بسوزید، که صبر و بی‌صبری برایتان یکسان است. تنها به آن چه می‌کردید، جزا داده می‌شوید.

۱۷ بی‌گمان پرهیزکاران در باغ‌ها و نعمت‌ها باشند.

۱۸ به آن چه پروردگارشان به آنان داده است، دلشاد باشند. و پروردگارشان آنان را از عذاب دوزخ دور داشت. [به بهشتیان گفته شود:] به پاداشِ آن چه می‌کردید،

۱۹ بخورید و بیاشامید. گواراتان باد.

۲۰ بر تخت‌های کنار هم تکیه زده‌اند و حورانِ فراخْ چشم را همسرانشان سازیم.

۲۱ و کسانی که [به خداوند] ایمان آوردند و فرزندانشان هم در ایمان از آنان پیروی کردند، ما فرزندانشان را به آنان برسانیم و چیزی از کردارِ آنان نکاهیم. [زیرا] هر کس در گرو کرداری است که خود انجام داده است.

۲۲ و به آنان میوه و گوشت از آن چه دوست داشته باشند، پیاپی بدهیم.

۲۳ در آن جا آنان جامی را دست به دست به یکدیگر دهند، که در این کار [بین آنان] نه سخن بیهوده‌ای و نه گناه و کار قابل سرزنشی باشد.

۲٤ و پسرانی به سان مروارید نهفته [در صدف] پیرامونشان بگردند.

۲۵ و آنان پرسش کنان رویْ به یکدیگر کنند.

۲٦ گویند: ما پیش از این در میان خاندان خویش هراسان بودیم.

۲۷ پس خداوند بر ما منّت گذاشت و ما را از عذابِ بادِ سوزان (دوزخ) دور داشت.

۲۸ البته ما پیش از این او را می‌خواندیم. بی‌تردید او نیکوکار مهربان است.

۲۹ پس پند بده. که تو به نعمت پروردگارت نه کاهن و نه دیوانه‌ای.

۳۰ یا گویند: «شاعری است که برایش حادثهٔ مرگ را انتظار داریم.»

۳۱ بگو: «انتظار بکشید. پس من هم با شما انتظار می‌کشم.»

۳۲ آیا آرزوهایشان آنان را به این فرمان می‌دهد، یا این که آنان قومی سرکش هستند؟

۳۳ یا می‌گویند: «آن را [پیشِ خود و در خیالِ خود] بافته است.» [نه] بلکه ایمان ندارند.

۳٤ پس اگر راست می‌گویند، سخنی مانندِ آن بیاورند.

۳۵ یا این که آنان از هیچ خلق شده‌اند؟ یا خودشان آفریدگارند؟

۳٦ یا این که آسمان‌ها و زمین را آفریده‌اند؟ [نه] بلکه یقین ندارند.

۳۷ یا این که گنجینه‌های پروردگارت نزد آنان است؟ یا این که فرمانروا و مسلّط می‌باشند؟

۳۸ یا این که نردبامی دارند که [با آن به آسمان روند و] در آن [صدای وحی را] می‌شنوند. پس [اگر این ادعا را دارند،] شنوندهٔ آنان دلیل محکم و آشکاری بیاورد.

۳۹ یا این که دخترانْ برای او و پسرانْ برای شماست؟

٤۰ یا این که از آنان پاداشی می‌خواهی که غرامتش بر آنان سنگین است؟

٤۱ یا غیب نزد آنانست و آنان می‌نویسند؟

٤۲ یا می‌خواهند مکر و حیله‌ای به کار آورند؟ پس کسانی که کفر ورزیدند، خودشان گرفتار مکر هستند.

٤۳ یا غیر از خداوند آنان را معبودی است؟ خداوند از آن چه آنان شریکِ او گیرند، پاک و منزّه است.

٤٤ و اگر پاره‌ای از آسمان را در حال افتادن بینند، گویند: «پاره ابری متراکم است.»

٤۵ پس آنان را رها کن، تا روزشان را ببینند، که در آن [از وحشت] بیهوش شوند.

٤٦ روزی که مکرشان آنان را سودی ندهد و یاری هم نشوند.

٤۷ و البته برای کسانی که ستم کردند، عذابی غیر از آن باشد. و لیکن بیش‌ترشان نمی‌دانند.

٤۸ و برای حکم پروردگارت صبر کن، که تو در چشم [و نظرگاهِ] ما هستی.

٤۹ و هنگام برخاستن، به شکر پروردگارت تسبیح بگوی. و از شبانگاه و هنگام غروب ستارگان، او را تسبیح بگوی.

مکّی سورهٔ نجم (ستاره)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ سوگند به ستاره هنگامی که فرود افتد،
۲ که یارِ شما گمراه نشده و راه خطا نپیموده است.
۳ و از روی هوس سخن نمی‌گوید.
٤ بی‌تردید [سخن او] جز وحی که بر او می‌شود، نباشد.
۵ او را [فرشتهٔ] سخت نیرومندی بیاموخت،
٦ که دارندهٔ قدرتی است. پس استوار شد.
۷ و او در افق برتر بود.
۸ سپس نزدیک آمد و نزدیک‌تر شد.
۹ پس [به فاصلهٔ] دو [سر] کمان یا نزدیک‌تر بود.
۱۰ پس بر بندهٔ او (خدا) آن چه را [باید] وحی می‌کرد، وحی نمود.
۱۱ آن چه را [«محمّد»] دید، دل [او آن را] تکذیب نکرد.
۱۲ آیا در آن چه او می‌بیند، با او مجادله می‌کنید؟
۱۳ و بی‌گمان او («جبرئیل») را بار دیگر دید،
١٤ نزدیک «سدره‌المنتهی»،
۱۵ که نزدیک آن جایگاه بهشت است.
١٦ آن گاه که «سدره» را پوشاننده‌ای خاص پوشانیده بود.
۱۷ دیده [«محمّد»] نه لغزید و نه سرکشی کرد.
۱۸ بی‌گمان [برخی] از آیاتِ بزرگ‌ترِ پروردگارش را دید.
۱۹ آیا شما «لات» و «عُزّی» را دیدید؟
۲۰ و «مَنات» را که سومین و دیگر است؟
۲۱ آیا برای شما [فرزندِ] پسر و برای او (خدا) [فرزندِ] دختر است؟
۲۲ این البته تقسیمی ستمگرانه است.
۲۳ این‌ها نیست، مگر نام‌هایی که شما و پدرانتان به آن‌ها داده‌اید. خداوند هیچ گواهیِ محکمی بر آن‌ها فرو نفرستاد. آنان جز از پندار و آن چه خواهش‌های نَفْس است، پیروی نمی‌کنند. و بی‌تردید هدایت از جانب پروردگارشان برای آنان آمده است.
٢٤ آیا آن چه آدمی آرزو کند، برای اوست؟
۲۵ پس انجام و آغاز (آخرت و دنیا) از آنِ خداوند است.
٢٦ و چه بسیار فرشتگان در آسمان هستند، که شفاعتشان سودی ندارد، مگر پس از این که خداوند اجازه دهد، برای کسی که بخواهد و از او خوشنود باشد.

۲۷ بی‌تردید کسانی که به آخرت ایمان ندارند، فرشتگان را به نام دختران می‌نامند.

۲۸ و آنان را به آن [سخن] هیچ دانشی نیست. آنان جز از گمان پیروی نمی‌کنند. بی‌تردید گمانْ [کسی را] از حق چیزی کفایت نکند.

۲۹ پس تو رویْ بگردان از کسی که از یاد ما رویْ گردانیده و غیر از زندگانیِ این دنیا چیزی نخواسته است.

۳۰ این نهایتِ دستیابیِ آنان به دانش است. بی‌تردید پروردگارت خود به هر کس که از راهش گمراه شد، داناتر است. و او به هر که هدایت یافت، داناتر است.

۳۱ و هر چه درآسمان‌ها و هر چه در زمین است، از آنِ خداوند است. تا کسانی را که بد کردند، به آن چه انجام دادند، کیفر دهد. و نیکوکاران را به نیکوتر پاداش دهد.

۳۲ آنان که از گناهان بزرگ و زشتی‌ها -غیر از خطاهای کوچک- پرهیز کنند. بی‌تردید عرصهٔ مغفرت پروردگار تو وسیع است. او به شما داناتر است، هنگامی که شما را از زمین آفرید و هنگامی که جنین‌هایی در شکم‌های مادرانتان بودید. پس شما خود را به پاکی نستایید. او به آن کس که پرهیزکاری کند، داناتر است.

۳۳ آیا تو آن کس را که [از حق] رویْ بگردانید، دیدی؟

۳٤ و اندکی بخشش کرد و باز ایستاد (بخل ورزید).

۳۵ آیا دانشِ غیب نزد اوست و او می‌بیند؟

۳٦ یا از آن چه در صحیفه‌های «موسی» (نوشته مانده‌هایی از «موسی») هست، باخبر نشده است؟

۳۷ و [در صحیفه‌های] «ابراهیم» که وفا[ی به عهد] کرد؟

۳۸ هیچ کس بارِ [گناهِ] دیگری را به دوش نخواهد کشید.

۳۹ و این که برای انسان جز آن چه کوشش کرد، نباشد.

٤۰ و این که کوشش او (آدمی) به زودی دیده خواهد شد.

٤۱ آن گاه او را پاداشِ هر چه تمامتر دهند.

٤۲ و این که بازگشت نهایی به سوی پروردگار تو می‌باشد.

٤۳ و این که اوست که می‌خنداند و می‌گریاند.

٤٤ و این که اوست که می‌میراند و زنده می‌گرداند.

٤٥ و این که دو جنس نر و ماده را او آفرید.
٤٦ از نطفه‌ای آن گاه که فرو ریخته شود.
٤٧ و این که آفرینش دیگر [در روز قیامت] بر [عهدهٔ] او می‌باشد.
٤٨ و این که اوست که بی‌نیاز گرداند و سرمایه دهد.
٤٩ و این که اوست پروردگارِ [ستارهٔ] «شِعْرا».
٥٠ و این که اوست که «عادِ» نخستین را هلاک گردانید.
٥١ و «ثمود» را. آن گاه کسی از آنان را باقی نگذاشت.
٥٢ و پیش از آنان قوم «نوح» را [هلاک ساخت]. بی‌تردید آنان ستمکارتر و سرکش‌تر بودند.
٥٣ و [شهرهای] «مؤتَفِکه» را واژگون کرد.
٥٤ پس آنان را به آن چه فراگیرنده است، پوشانید.
٥٥ پس به کدام یک از نعمت‌های پروردگارت شک می‌کنی؟
٥٦ این بیم دهنده‌ای از بیم دهندگانِ [پیشین و] نخستین است.
٥٧ قیامت نزدیک شد.
٥٨ به جز خداوند هیچ کس آن را آشکار نکند.
٥٩ آیا از این سخن تعجب می‌کنید؟
٦٠ و شما [به این سخنان] می‌خندید و [به حال آخرت خود] گریه نمی‌کنید.
٦١ و شما متکبّر و غافلید.
٦٢ پس خداوند را سجده کنید و بندهٔ او باشید.

سورهٔ قمر (ماه)

مکّی

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

١ قیامت نزدیک شد و ماه بشکافت.
٢ و اگر [کافران] نشانه‌ای ببینند، رویْ بگردانند و گویند: «افسونی همیشگی است!»
٣ و تکذیب کردند و به دنبال هوس‌های خویش رفتند. و هر کاری در [زمان و] جایگاه خود قرار خواهد گرفت.
٤ و بی‌تردید از خبرها چیزهایی به آنان رسید، که مایهٔ انزجار و بازداری [آنان از کفر] در آن بود.
٥ حکمتی رسا (مؤثر). پس بیم دادن بی‌فایده بود.
٦ پس، از آنان رویْ بگردان. روزی که آن نداگر، آنان را به چیزی ناخوشایند بخواند،

۷ با چشمانی افکنده از گورها به درآیند، گویی ملخ‌هایی پراکنده‌اند.

۸ به سوی آن نداگر بشتابند. کافران گویند: «این روز بس سخت است.»

۹ پیش از اینان قوم «نوح» تکذیب کردند. پس بندهٔ ما را دروغگو دانستند و گفتند: «دیوانه‌ای است.» و آزارش دادند.

۱۰ پس او پروردگار خود را خواند که: «من مغلوب شدم، تو [مرا یاری فرما و] انتقام گیر.»

۱۱ پس ما درهای آسمان را به آبی سیل‌آسا گشودیم.

۱۲ و زمین را برای [جوششِ] چشمه‌ها بشکافتیم. آن گاه به فرمانی که مقدر شده بود، آب‌ها [از هر طرف] به هم رسیدند.

۱۳ و او («نوح») را بر آن [کشتی] که از تخته‌ها و میخ‌ها ساخته بود، سوار کردیم.

۱٤ [کشتی] زیر نظر ما روان بود. پاداشی برای کسی بود که به او کافر شدند.

۱٥ و بی‌گمان آن را نشانه‌ای باقی گذاشتیم. پس آیا پندگیری هست؟

۱٦ پس، عذاب من و هشدارهای من چگونه بود؟

۱۷ و بی‌تردید ما «قرآن» را برای پند گرفتنْ آسان کردیم. پس آیا پندگیری هست؟

۱۸ قوم «عاد» تکذیب کردند. پس عذاب من و هشدارهای من چگونه بود؟

۱۹ البته ما بر آنان در روزی سختْ شوم بادِ «صَرْصَر» فرستادیم.

۲۰ [آن باد] مردم را از جا می‌کند، گویی آنان [به سان] تنهٔ درختانِ خرمای ریشه کن شده بودند.

۲۱ پس عذاب من و هشدارهای من چگونه بود؟

۲۲ و البته ما «قرآن» را برای پندپذیری آسان کردیم. پس آیا پندپذیری هست؟

۲۳ قوم «ثمود» بیم‌دهندگان را تکذیب کردند.

۲٤ پس گفتند: «آیا از بشری از خودمان پیروی کنیم؟ آن گاه ما در گمراهی و جنون خواهیم بود.

۲٥ آیا از میان ما وحیْ [فقط] بر او فرود آمد؟ بلکه او دروغگوی گستاخی است.»

۲٦ [به «صالح» گفتیم:] به زودی، فردا بدانند که دروغگوی گستاخ چه کسی است.

۲۷ البته ما برای آزمونِ آنان ماده شتری خواهیم فرستاد. پس مراقبشان باش و شکیبایی کن.

٢٨ و باخبرشان ساز که آب، میانِ آنان قسمت شده است. برای هر نوبت آب
[صاحبش] حاضر شود.
٢٩ پس رفیق خود را فرا خواندند. پس دست پیش آورد و [شتر را] پی کرد.
٣٠ پس عذاب من و هشدارهای من چگونه بود؟
٣١ البته ما بر آنان یک خروشِ سخت فرستادیم. سپس آنان به سانِ گیاهِ خشک، شکسته شدند.
٣٢ و ما «قرآن» را برای پند گرفتن آسان کردیم. پس آیا پند پذیری هست؟
٣٣ قوم «لوط» بیم‌دهندگان را تکذیب کردند.
٣٤ البته ما بر آنان سنگریزه فرستادیم، غیر از خانوادهٔ «لوط» که سحرگاهان نجاتشان دادیم.
٣٥ نعمتی از جانب ما بود. آن کس را که شکر کند، چنین پاداش دهیم.
٣٦ و بی‌گمان [«لوط»] آنان را از عذاب سخت ما بیم داد. پس آنان به بیم دهندگان
شک کردند.
٣٧ و البته از او مهمانانش را خواستند. و ما چشمانِ آنان را بی‌فروغ کردیم. پس
[گفتیم:] «عذاب من و هشدارهای مرا بچشید.»
٣٨ و البته بامداد عذاب برای آنان رسید و پایدار بماند.
٣٩ [گفتیم:] پس عذاب من و هشدارهای مرا بچشید!
٤٠ و بی‌گمان ما «قرآن» را برای پند پذیری آسان کردیم. پس آیا پندپذیری هست؟
٤١ و بی‌گمان بیم‌دهندگان به سوی خاندانِ «فرعون» آمدند.
٤٢ آنان همهٔ آیات ما را تکذیب کردند. پس آنان را بگرفتیم، گرفتنِ [خداوندِ] عزیز توانا.
٤٣ آیا کافران شما بهتر از پیشینیان شما هستند؟ یا شما را در کتاب‌ها برائت و آزادگی
(امان نامه) است؟
٤٤ یا می‌گویند: «ما جملگی یاری کنندگانِ یکدیگر و انتقام گیرنده و پیروزمندیم؟»
٤٥ به زودی جملگی شکست خورند و پشت کنند.
٤٦ بلکه قیامت میعادگاهِ آنان است. و قیامت وحشتناک‌تر و ناگوارتر است.
٤٧ بی‌تردید گناهکاران در گمراهی و جنون باشند.
٤٨ روزی که آنان را به چهره در [آتشِ] دوزخ کشند، به آنان گفته شود: «عذابِ تماس
با آتش دوزخ را بچشید.»
٤٩ بی‌گمان ما هر چیزی را به اندازه آفریدیم.

٥٠ و فرمان ما جز یک فرمان نیست. به سانِ یک چشم بر هم زدن [فرمان اجرا شود].

٥١ و بی‌گمان ما ملّت‌هایی مانند شما را هلاک کردیم. پس آیا پندپذیری هست؟

٥٢ و هر چه کردند، در کتاب‌ها باشد.

٥٣ و هر کوچک و بزرگی نگاشته شده باشد.

٥٤ بی‌تردید پرهیزکاران در باغ‌ها و [کنارِ] جویبارها باشند.

٥٥ در منزلگاهِ صدق (راستین) نزد فرمانروایی نیرومند.

مدنی سورهٔ رحمان (بخشاینده)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

١ [خداوندِ] بخشنده،

٢ «قرآن» را بیاموخت.

٣ انسان را بیافرید.

٤ بیان را به او آموخت.

٥ خورشید و ماه به حساب [در مدار خویش] می‌گردند.

٦ و ستاره و درخت، هر دو او را سجده کنند.

٧ و آسمان را برافراشت و میزان (خاصیت ذاتی و سنجشِ حدود هر چیزی) را گذاشت.

٨ تا در میزانْ راهِ طغیان و افراط نپیمایید.

٩ و سنجش را از روی عدالت بپا دارید و در میزانْ کم مکنید.

١٠ و زمین را برای جانداران نهاد.

١١ در آن میوه‌هاست و خرما که پوشش‌ها دارد.

١٢ و دانه‌هایی که کاه‌دار است و رستنی‌های خوشبو.

١٣ پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟

١٤ انسان را از گِلی خشک همچون سفال آفرید.

١٥ و جن را از شعله‌ای بی دود از آتش آفرید.

١٦ پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟

۱۷ پروردگارِ دو مشرق و پروردگار دو مغرب است.
۱۸ پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟
۱۹ دو دریا را روان ساخت. در حالی که به هم رسند،
۲۰ میان آن دو برزخی است، تا در یکدیگر نیامیزند.
۲۱ پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟
۲۲ از آن دو، لؤلؤ و مرجان بیرون می‌آید.
۲۳ پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟
۲٤ پس کشتی‌های روان در دریا که مانندِ کوه‌ها برافراشته‌اند، به او تعلق دارد.
۲۵ پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟
۲٦ هر که بر آن (زمین) است، نابود شود.
۲۷ و وجود پروردگار تو پایدار بماند، که صاحب جلال و اکرام است.
۲۸ پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟
۲۹ هر کس در آسمان‌ها و زمین است از او [نیاز] می‌خواهد. هر روز، او در شأن و
کاری است.
۳۰ پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟
۳۱ ای دو گروهِ پر ارزش، به زودی به شما خواهیم پرداخت.
۳۲ پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟
۳۳ ای گروهِ جنیان و آدمیان، اگر می‌توانید به پهنه‌های آسمان‌ها و زمین بیرون روید، آن
گاه [در آن‌ها] نفوذ کنید. شما نمی‌توانید نفوذ کنید، مگر به قدرتی [بس عظیم].
۳٤ پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟
۳۵ بر شما شعله‌هایی از آتش و مسِ گداخته فرستاده شود. سپس نمی‌توانید به خود
یاری کنید.
۳٦ پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟
۳۷ پس هنگامی که آسمان شکافته شود و مانند روغنِ گداخته سُرخْگون گردد.
۳۸ پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟
۳۹ پس در آن روز از هیچ انسان و جنی از گناهش پرسش نشود.
٤۰ پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟

٤١ گناهکاران به چهره‌شان شناخته شوند. پس آنان با موهای پیشانی و پاهایشان گرفته شوند [تا در دوزخ افکنده شوند].
٤٢ پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟
٤٣ این دوزخی است که گناهکاران آن را دروغ می‌پنداشتند.
٤٤ میان آن (دوزخ) و آب جوشان می‌گردند.
٤٥ پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟
٤٦ و آن کس که از ایستادن در پیشگاهِ پروردگارش بترسد، او را دو بوستان است.
٤٧ پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟
٤٨ آن دو بوستان انواعِ نعمت‌ها و درختانِ پرطراوت دارد.
٤٩ پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟
٥٠ در آن دو، دو چشمهٔ روان است.
٥١ پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟
٥٢ در آن دو از هر میوه، دو نوع (جفت) باشد.
٥٣ پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟
٥٤ بر فرش‌هایی که آسترِ آن‌ها از دیبای ستبر باشد، تکیه زنند. و میوهٔ درختانِ آن دو بوستان در دسترس باشد.
٥٥ پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟
٥٦ در آن حوریانی باشند که چشم از همه فرو داشته‌اند. و نه آدمی و نه جن هرگز به آنان دست نزده‌اند.
٥٧ پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟
٥٨ گویی آنان همچون یاقوت و مرجان هستند.
٥٩ پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟
٦٠ آیا پاداشِ نیکی، جز نیکی است؟
٦١ پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟
٦٢ و غیر از آن دو، دو بوستان باشد.
٦٣ پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟
٦٤ [درختان آن دو بوستان] سبزِ تیره‌اند.
٦٥ پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟
٦٦ در آن دو، دو چشمه [با آبی] جهنده است.
٦٧ پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟

٦٨ در آن دو [انواعِ] میوه و خرما و انار باشد.
٦٩ پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟
۷۰ در آن بوستان‌ها نیکو زنانِ زیبا رویْ باشند.
۷۱ پس کدام یک از نعمت‌هایَ پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟
۷۲ حورانی که در سراپرده‌ها نگه داشته شده‌اند.
۷۳ پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟
٧٤ که پیش از آنان هیچ آدمی و جن به آنان دست نزده است.
۷۵ پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟
٧٦ بر بالش‌های سبز و نهال‌هایی نیکو تکیه زده باشند.
۷۷ پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟
۷۸ نام پروردگار تو که صاحب جلال و اکرام است، بزرگ و دارای خیر و برکت بسیار باشد.

مکّی

سورهٔ واقعه (رویداد)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ هنگامی‌که آن رویداد (قیامت) به وقوع بپیوندد.
۲ رویدادش دروغ نیست.
۳ فرود آورنده [و] بالا برنده است.
٤ هنگامی که زمین بلرزد، لرزیدنی [مخصوص]،
٥ و کوه‌ها خرد شوند، خرد شدنی [مخصوص]،
٦ آن گاه غباری پراکنده شوند.
۷ و شما سه گروه شوید.
۸ گروهی یارانِ دستِ راست (راستان). چه کسانند یاران دستِ راست؟
۹ و گروهی یارَانِ دستِ چپ (ناراستان). چه کسانند یارَانِ دستِ چپ؟
۱۰ و [گروهی] پیشَی گرفتگان، پیشگامان.
۱۱ آنانْ نزدیکان [درگاه خداوند] باشند.
۱۲ در بهشت‌هایی پُر نعمت [باشند].
۱۳ بسیاری از پیشینیان،
١٤ و اندکی از آیندگان.
۱۵ بر سریرهای [زر] بافته باشند.
١٦ رو به روی یکدیگر بر آن‌ها تکیه زنند.

۱۷ پسرانی جاودانه جوان بر آن‌ها می‌گردند [و خدمت می‌کنند].
۱۸ با کوزه‌ها و ابریق‌ها و جام‌های شرابِ خوشگوار،
۱۹ که از آن نه سر درد گیرند و نه مست شوند.
۲۰ و آن چه میوه بخواهند [در اختیارشان قرار گیرد].
۲۱ و آن چه گوشت پرندگان دوست بدارند.
۲۲ و حورانِ فراخْ چشم.
۲۳ به سانِ مَروارید پوشیده در صدف.
٢٤ پاداشیَ است برای آن چه می‌کردند.
۲۵ در آن جا سخنِ بیهوده و گناه آلود نشنوند.
٢٦ گفتاری غیر از سَلام و درود [نیست].
۲۷ و یارانِ دستِ راست (راستان). چه کسانی یارانِ دستِ راستند؟
۲۸ در سایهٔ درختِ «سدر» بی‌خار،
۲۹ و درختِ موز که میوه‌هایش روی هم چیده شده است.
۳۰ و سایهٔ بلند و ممتد.
۳۱ و آبی ریزان،
۳۲ و میوهٔ فراوان.
۳۳ نه گسسته شود و نه ممنوع شود.
٣٤ و زنانی بلند قدر و قامت.
۳۵ بی‌تردید ما زنان را آفریدیم، آفریدنی.
٣٦ و آنان را دوشیزگانِ باکره قرار دادیم.
۳۷ همسالانی شوهرْ دوَست.
۳۸ [همهٔ این پاداش‌ها] برای یارانِ دستِ راست (راستان).
۳۹ بسیاری از پیشینیان.
٤٠ و بسیاری از آخرین‌ها.
٤١ و یارانِ دستِ چپ (ناراستان). یارانِ دستِ چپ چه کسانی هستند؟
٤٢ در بادیَ گرم و آبی جوشان،
٤٣ و در سایه‌ای از دودِ سیاه [گرفتارند].
٤٤ نه سرد شود ونه خوش گردد.
٤٥ بی‌تردید آنان پیش از این در هوسرانی و ناز و نعمت بودند.
٤٦ و بر گناهِ عظیم پافشاری می‌کردند.
٤٧ و می‌گفتند: «آن گاه که بمیریم و خاک و استخوان شویم، آیا دگر بار برانگیخته می‌شویم؟
٤٨ یا پدرانِ نخستینِ ما [برانگیخته شوند]؟»
٤٩ بگو: «بیَ‌تردید پیَشینیان و آخرین‌ها،
٥٠ برای میعادگاه روزی معلوم گرد آورده شوند.»

٥١ سپس شما ای گمراهان تکذیب کننده،
٥٢ از درخت زَقّوم خواهید خورد.
٥٣ پس شکم‌ها را از آن پُر خواهید کرد.
٥٤ و بر روی آن از آبِ جوشان خواهید نوشید.
٥٥ به سانِ شترانِ پُر عطش از آن بنوشید.
٥٦ در روز جزا پذیرایی و خوراکِ آنان این است.
٥٧ ما شما را آفریدیم. پس چرا [حق را] تصدیق نمی‌کنید؟
٥٨ آیا آن چه را که می‌ریزید (نطفه را) دیدید؟
٥٩ آیا شما آن را می‌آفرینید، یا ما آن را می‌آفرینیم؟
٦٠ ما مرگ را میان شما مقرّر داشتیم و هیچ چیز بر ما پیشی نگیرد و ما عاجز نیستیم،
٦١ از این که شما را مبدّل سازیم و شما را به شکلی دیگر که نمی‌دانید چیست، دگر بار بیافرینیم.
٦٢ و بی‌گمان شما آفرینشِ نخستین را دانستید. پس چرا پند نمی‌گیرید؟
٦٣ آیا آن چه را می‌کارید، دیدید؟
٦٤ آیا شما آن را می‌رویانید، یا ماییم که آن را می‌رویانیم؟
٦٥ اگر بخواهیم، آن را خشک می‌گردانیم. پس شما گرفتارِ حیرت می‌شوید.
٦٦ [و گویید:] ما زیانْ زدگانیم.
٦٧ بلکه محرومانیم.
٦٨ آیا آبی را که می‌نوشید، دیده‌اید؟
٦٩ آیا شما آن را از ابر فرو ریختید، یا ماییم که آن را فرو می‌ریزیم؟
٧٠ اگر بخواهیم، آن را تلخ و شور می‌کنیم. پس چرا شکر نمی‌کنید؟
٧١ آیا آتشی را که برمی‌افروزید، دیده‌اید؟
٧٢ آیا شما درختِ آن را رویاندید، یا ماییم که آن را می‌رویانیم؟
٧٣ ما آن را یاد آوری و متاعی برای صحرانوردان قرار دادیم.
٧٤ پس اسمِ پروردگارِ عظیمِ خود را به پاکی یاد کن.
٧٥ پس سوگند به جایگاه‌های ستارگان (منظومات آسمانی).
٧٦ و اگر بدانید، آن سوگندی عظیم است،

۷۷ که آن «قرآنی» است کریم.
۷۸ در «کتابی» مکنون.
۷۹ جز پاکیزگان به آن دست نیابند.
۸۰ [«قرآن»] از طرف پروردگار جهانیان نازل شده است.
۸۱ آیا شما این سخن را سبک می‌گیرید؟
۸۲ و روزیِ خود را در تکذیب [آن] قرار می‌دهید؟
۸۳ پس چرا هنگامی که [جانْ] به گلو می‌رسد،
۸٤ و شما در آن هنگام [به انسانِ در حال مرگ] نگاه می‌کنید،
۸۵ در حالی که ما به او از شما نَزدیک‌تریم، و لیکن شما نمی‌بینید.
۸٦ پس اگر شما مجازات شدنی [در روز قیامت] نیستید،
۸۷ اگر راستگویید، چرا جان را [به تن] باز نمی‌گردانید؟
۸۸ پس امّا اگر از مقرّبان [درگاه] هست،
۸۹ پس راحتی و آرامش و ریحان (محیطی خوش‌بو) و بهشتی پُر نعمت [برایش خواهد بود].
۹۰ و اما اگر از یارانِ دستِ راست باشد،
۹۱ پس سلام بر تو که از یارانِ دستِ راست هستی.
۹۲ و اما اگر از تکذیب کنندگانِ گمراه باشد،
۹۳ پس او را پذیرایی و پیشکشی از آبِ جوشان باشد.
۹٤ و سوختن در دوزخ.
۹۵ بی‌گمان این همان حقِ یقین است.
۹٦ پس اسم پروردگار عظیم خود را به پاکی یاد کن.

سورهٔ حدید (آهن)

مدنی

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ هر چه در آسمان‌ها و زمین است، خداوند را به پاکی می‌ستاید (عبادت می‌کند) و او عزیز حکیم است.
۲ فرمانروایی آسمان‌ها و زمین به او تعلّق دارد. زنده می‌کند و می‌میراند و او بر همه چیز تواناست.
۳ او نخستین و آخرین و ظاهر و باطن است. و او بر همه چیز داناست.

٤ اوست که آسمان‌ها و زمین را در شش روز (دوره) آفرید. سپس بر عرشْ مستولی گردید. آن چه را که در زمین فرو می‌رود و آن چه را که از آن بیرون می‌آید و آن چه را که از آسمان فرو می‌ریزد و آن چه را که در آن بالا می‌رود، می‌داند. و او با شماست، هر جا که باشید. و خداوند به آن چه می‌کنید، بینا می‌باشد.

۵ فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آنِ اوست و بازگشتِ همهٔ کارها به سوی خداوند می‌باشد.

٦ شب را در روز در می‌آورد و روز را در شب در می‌آورد. و او به آن چه در سینه‌هاست، داناست.

۷ به خداوند و رسولش ایمان آورید و از ثروت‌هایی که شما را جانشینِ [بهره‌مندیِ] آن قرار داد، انفاق کنید. پس کسانی از شما که ایمان آوردند و انفاق کردند، برایشان پاداشی بزرگ باشد.

۸ و شما را چه شده است که به خداوند ایمان نمی‌آورید، حال آن که پیامبرْ شما را دعوت می‌کند که به پروردگارتان ایمان بیاورید و از شما برای آن پیمان گرفته است، اگر ایمان دارید.

۹ اوست که آیاتِ روشنی را بر بندهٔ خویش فرو فرستد، تا شما را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون آورد. و بی‌تردید خداوند به شما رئوف (دارای رحم و شفقت) و مهربان است.

۱۰ و شما را چه شده است که در راه خداوند انفاق نمی‌کنید. و میراثِ آسمان‌ها و زمین از آنِ خداوند است. از میان شما آن کس که پیش از فتح انفاق کرد و جنگید، یکسان نیست [با کسی که چنین نکرد]. آنان از نظر درجه نسبت به کسانی که پس از آن انفاق کردند و پیکار نمودند عظیم‌ترند. و همه را خداوند به نیکوتر وعده داده است. و خداوند به آن چه می‌کنید، آگاه است.

۱۱ کیست آن کس که به خداوند وامی نیکو دهد. پس [خداوند آن را] برایش دو چندان کند. و برایش اجری گرامی باشد.

۱۲ روزی که مردان مؤمن و زنان مؤمن را ببینی که نورشان در جلوی آنان و از سوی
راست آنان می‌شتابد. [به آنان گفته شود:] امروز شما را مژده باد به بوستان‌هایی که
از زیر آن‌ها جویبارها جاری است. جاودانه در آن بمانید. این همان رستگاریِ عظیم است.

۱۳ روزی که مردان دورو (منافق) و زنان دورو (منافق) به کسانی که ایمان آورده‌اند،
بگویند: «به ما بنگرید، تا از نورِ شما روشنایی بگیریم.» [به آنان] گفته شود: «به
پشت سرتان (دنیا) بازگردید و روشنایی بجویید.» پس میانشان دیواری برقرار شود،
که آن را دروازه‌ای باشد که درونش رحمت و بیرونش عذاب باشد.

۱٤ آنان را آواز دهند: «آیا با شما نبودیم؟» گویند: «آری. اما شما نَفْسِ خود را در بلا
افکندید. انتظار کشیدید و تردید کردید و آرزوها شما را فریب داد، تا هنگامی که
فرمانِ خداوند رسید و فریبنده (شیطان) شما را دربارهٔ خداوند فریب داد.

۱۵ پس امروز نه از شما فدیه گرفته شود و نه از کسانی که کافر شدند. جایگاهتان آتش
است و این سزاوار شماست و بد سرانجام و مقصدی است.»

۱٦ آیا برای کسانی که [به ظاهر] ایمان آوردند، زمان آن نرسیده است که دل‌هایشان به
یاد خداوند و به آن چه از حق فرود آمد، نرم شود؟ و باید مانند کسانی نباشند، که
از پیش به آنان «کتاب» داده شد. پس زمان بر آنان به طول انجامید. پس دل‌هایشان
سخت شد و بسیاری از آنان نافرمان شدند.

۱۷ آگاه باشید که خداوند، زمین را پس از مرگ و نابودیش زنده کند. به راستی برای
شما آیات را بیان کردیم. شاید شما اندیشه و درک کنید.

۱۸ بی‌گمان مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده و کسانی که به خداوند وام دادند،
وامی نیکو، به ایشان [در مقابلْ] دو چندان [پاداش] داده شود و برای آنان اجری
کریم خواهد بود.

۱۹ و کسانی که به خداوند و پیامبرانش ایمان آوردند، آنان بسیار راستگو می‌باشند و نزد پروردگارشان گواهند. برای آنان پاداششان و نورشان باشد. و کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما را تکذیب نمودند، یاران دوزخ باشند.

۲۰ بدانید که زندگانیِ دنیا بازی و سرگرمی و خودآرایی و تفاخر بر یکدیگر و زیاده خواهی در ثروت و فرزندان باشد. [مَثَلِ دنیا] مانند مَثَلِ بارانی است که رستنی‌هایش کشاورزان را به شگفت آورد. سپس خشک گردد و آن را زرد شده خواهی دید، پس آن گاه شکسته شود. و در آخرت [کافران را] عذابی سخت باشد. و [مؤمنان را] آمرزشی از سوی خداوند و خوشنودیِ خدا خواهد بود. و زندگانیِ دنیا جز مایهٔ فریب نیست.

۲۱ بشتابید به سوی آمرزشی از سوی پروردگارتان و بهشتی که پهنای آن به سانِ پهنای آسمان و زمین است. [و] برای کسانی آماده شده که به خداوند و پیامبرانِ او ایمان آورده‌اند. این فضل خداوند است، که آن را به هر کس که بخواهد، بدهد. و خداوند صاحب فضل عظیم است.

۲۲ هیچ مصیبتی [نه] در زمین و نه در جان‌های شما نرسد، مگر این که پیش از آن که آن را به وجود آوریم، در کتابی باشد. بی‌تردید این بر خداوند آسان است.

۲۳ تا بر آن چه از دستِ شما رفت، اندوهگین نشوید و به آن چه به شما داد، شادمان و دلخوش نگردید. و خداوند هیچ متکبّرِ خودستایی را دوست ندارد.

۲٤ آنان که بخل می‌ورزند و مردم را به بخل امر می‌کنند. و هر کس رویْ گرداند، پس بی‌تردید خداوند، بی‌نیاز و ستوده است.

۲۵ بی‌گمان ما پیامبرانِ خود را با دلایل روشن و معجزه‌هایی فرستادیم و با آنان «کتاب» و میزان را فرود آوردیم، تا مردم به دادگری برخیزند. و آهن را فرود آوردیم که در آن نیرویی سخت و سودهایی برای مردم باشد. و برای آن که خداوند آن کس را که او و پیامبرانش را به نهان یاری کند، [بیازماید و] بشناساند. بی‌تردید خداوند توانای عزیز است.

۲٦ و بی‌گمان «نوح» و «ابراهیم» را فرستادیم. و در فرزندان (نسل) آن دو نبوت و «کتاب» را گذاشتیم. پس برخی از آنان هدایت یافته‌اند و بسیاری از آنان نافرمانند.

۲۷ سپس پیامبران خود را به دنبال آنان آوردیم و از پسِ آنان «عیسی» پسر «مریم» را فرستادیم و به او «انجیل» دادیم. و در دل‌های کسانی که از او پیروی کردند، مهربانی و رحمت قرار دادیم. و رهبانیتی که از خود ساختند، ما آن را بر آنان واجب نکردیم، مگر رضای خداوند را طلب کردن. پس آن را هم چنان که باید، و حقِ رعایت آن بود، رعایت نکردند. پس به عده‌ای از آنان که ایمان آورده بودند، پاداششان را دادیم و بسیاری از آنان نافرمانند.

۲۸ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خداوند بترسید و به پیامبرش ایمان آورید، تا او (خداوند) از رحمت خویش شما را دو چندان بهره دهد. و برایتان نوری قرار دهد، که به وسیلهٔ آن راه روید، و شما را بیامرزد. و خداوند آمرزگار مهربان است.

۲۹ تا اهل کتاب بدانند که بر چیزی از فضلِ خداوند توانایی ندارند، و این که بخشش و افزونی به دست خداوند است. به هر کس که بخواهد، بدهد و خداوند صاحبِ فضل و بخشش عظیم است.

مدنی

سورهٔ مجادله (زن جدل کننده)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ بی‌گمان خداوند سخن زنی را که دربارهٔ شوهرش با تو کشمکش می‌کرد و به خداوند شکایت می‌برد، شنید. و خداوند گفتگوی شما را می‌شنود. بی‌تردید خداوند شنوای بیناست.

۲ کسانی از شما که به زنانشان «ظهار» گویند، آنان مادرانشان نیستند. مادرانشان جز کسانی که آنان را زاییده‌اند، نیستند. و بی‌تردید آنان سخنی ناپسند و دروغ می‌گویند. و بی‌تردید خداوند بخشایندهٔ آمرزگار است.

۳ و کسانی از شما که به زنانشان «ظهار» گویند، آن گاه از آن چه گفته‌اند برگردند، بر آنان [لازم] است پیش از آن که [از نظر زناشویی] به هم برسند، بنده‌ای را آزاد کنند. اینست پندی که به شما داده می‌شود. و خداوند به آن چه می‌کنید، آگاه است.

٤ و هر کس [بنده‌ای] نیابد، پیش از آن که به هم برسند، دو ماه پیوسته روزه بگیرد. پس هر کس نتواند [روزه بگیرد] شصت فقیر را غذا دهد. این برای آنست که به خداوند و رسولش ایمان آورید. و این حدود الهی است (این حدود را خداوند نهاده است). و برای کافران عذابی دردناک باشد.

۵ بی‌گمان کسانی که با خداوند و پیامبرش مخالفت می‌کنند، ذلیل و خوار شوند، چنان که کسانی که پیش از آنان بودند، ذلیل و خوار شدند. و بی‌تردید ما آیات روشنی فرود آوردیم. و برای کافران عذابی خوارساز باشد.

٦ آن روز که خداوند همهٔ آنان را برانگیزد، به آن چه کرده‌اند، آگاهشان سازد. خداوند آن را برشمرده، در حالی که آنان آن را فراموش کرده‌اند. و خداوند بر همه چیز گواه است.

۷ آیا ندیده‌ای (نفهمیده‌ای) که خداوند آن چه را که در آسمان‌ها و آن چه را که در زمین است، می‌داند. هیچ رازْ گفتنی میان سه نفر نباشد، مگر این که خداوند چهارمینِ آنان باشد. و نه هیچ پنج نفری، مگر این که او (خداوند) ششمینِ آنان باشد. و نه کم‌تر از آن و نه بیش‌تر، مگر این که آنان هر جا باشند، خداوند هم با آنان است. آن گاه روز قیامت آنان را به آن چه می‌کردند، باخبر سازد. بی‌تردید خداوند بر همه چیز داناست.

۸ آیا ندیده‌ای کسانی را که از گفتگوی آهسته باز داشته شدند. آن گاه به آن چه از آن منع شده بودند، بازگشتند، و با یکدیگر به گناه و دشمنی و نافرمانی از پیامبر آهسته گفتگو کردند. و هنگامی که نزد تو آمدند، به آن چه خداوند تحیّت نگفت، آنان تو را تحیّت گفتند. و با خودشان گفتند: «چرا خداوند ما را به آن چه می‌گوییم، عذاب نمی‌کند؟» دوزخی که در آن در می‌آیند، آنان را کفایت کند. و آن بد سرانجام و مقصدی است.

۹ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که با یکدیگر به آهستگی سخن می‌گویید، به گناه و دشمنی و نافرمانی از پیامبرْ پنهانی سخن مگویید. [بلکه] به نیکوکاری و پرهیزکاری با هم آهسته سخنگویی کنید. و از خداوند که به سویش گردآورده شوید، بترسید.

۱۰ بی‌گمان آهسته سخن‌گویی از [کارهای] شیطان است. تا کسانی را که ایمان آورده‌اند، اندوهگین کند. و به آنان (مؤمنان) جز به اجازهٔ خداوند زیانی نرساند و مؤمنان باید بر خداوند توکل کنند.

۱۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که به شما گفته شود: «در مجالس [برای دیگران] جا باز کنید» پس جا بگشایید، تا خداوند برای شما گشایش دهد. و هنگامی که گفته شود: «برخیزید» پس بپا خیزید، تا خداوند کسانی از شما را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که به آنان دانش داده شده است به درجاتی، بلند گرداند و خداوند از آن چه می‌کنید، باخبر است.

۱۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که با پیامبر راز گویید، پیش از رازگوییِ خود صدقه دهید. این برای شما نیکوتر و پاکیزه‌تر است. و اگر نیافتید، بی‌تردید خداوند آمرزگار مهربان است.

۱۳ آیا ترسیدید که پیش از نجوای خود صدقه‌هایی بدهید؟ و چون نکردید و خداوند توبۀ شما را پذیرفت، پس نماز را بپا دارید و زکات دهید و از خداوند و پیامبر او اطاعت کنید. و خداوند به آن چه می‌کنید، آگاه است.

۱٤ آیا ندیده‌ای کسانی را که با قومی دوستی ایجاد کردند، که خداوند بر آنان خشم گرفته؟ آنان از شما و از ایشان نیستند. و به دروغْ سوگند می‌خورند و خودشان می‌دانند.

۱۵ خداوند برای آنان عذابی سخت آماده کرده است، زیرا آن چه می‌کردند، به راستی بد بود.

۱٦ سوگندهای خود را سپر گرفتند. پس [مردم را] از راه خداوند باز داشتند. و برای آنان عذابی خوارساز باشد.

۱۷ هرگز ثروتشان و فرزندانشان آنان را از خداوند، چیزی بی‌نیاز نگرداند. آنان یارانِ آتش‌اند. در آن جاودانه‌اند.

۱۸ آن روز که خداوند همگی آنان را برانگیزد، برای او [هم] سوگند خورند، همان گونه که برای شما سوگند می‌خورند. و می‌پندارند که بر چیزی هستند. آگاه باش که آنان دروغگویانند.

۱۹ شیطان بر آنان چیره شد و یاد خداوند را از خاطرِ آنان برد. آنان حزبِ شیطانند. و بدانید که حزبِ شیطان زیانکارند.

۲۰ بی‌گمان کسانی که با خداوند و پیامبرش مخالفت می‌کنند، آنان در [شمارِ] خوارترین [مردم] هستند.

۲۱ خداوند نگاشته (مقرّر داشته) است: « بی‌تردید من و پیامبران من [بر مخالفان] پیروز شویم.» بی‌تردید خداوند توانای عزیز است.

۲۲ قومی را پیدا نکنی که [به راستی] به خداوند و روز قیامت ایمان داشته باشند و کسی را که با خداوند و رسولش مخالفت نماید، دوست بدارند، هر چند که پدرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا وابستگانشان باشند. خداوند در دل‌های آنان ایمان را نگاشته و به روحی از خود تأییدشان کرده است. و آنان را به بهشت‌هایی داخل می‌کند که از زیر آن جویبارها جاری است. در آن جاودانه باشند. خداوند از آنان خوشنود است و آنان هم از او خوشنود باشند. آنان حزبِ خداوند هستند. بدانید که حزبِ خداوند رستگار باشند.

سورهٔ حشر (گرد آوردن)

مدنی

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ آن چه در آسمان‌ها و آن چه در زمین است، خداوند را به پاکی می‌ستایند. و او عزیز حکیم است.

۲ اوست کسی که در آغازِ گرد آوردن، کسانی از اهل کتاب را که کفر ورزیدند، از خانه‌هایشان بیرون کرد. شما باور نمی‌کردید که بیرون روند. و آنان می‌پنداشتند که حصارهایشان مانع [از رسیدن عذاب] از سوی خداوند به آنان شود. پس [عذابِ] خداوند از جایی که گمان نمی‌کردند، به آنان رسید. و ترس در دل‌هایشان افکند، به طوری که خانه‌هایشان را به دستانِ خودشان و دستانِ مؤمنان ویران کردند. پس ای دیده‌داران، عبرت گیرید.

۳ و اگر به خاطر آن نبود که خداوند ترکِ وطن را بر آنان مقرّر داشته بود، آنان را در دنیا عذاب می‌کرد. و در آخرت عذاب دوزخ برایشان است.

٤ این به دلیل آنست که آنان با خداوند و پیامبرش دشمنی کردند. و هر که با خداوند دشمنی کند، پس بی‌تردید خداوند سختْ عقوبت است.

٥ آن چه از درختان خرما بریدید، یا آن چه ایستاده بر ریشه‌هاشان بر جای نهادید، همه به فرمان خداوند بود و برای این که نافرمانان را خوار سازد.

٦ و آن چه خداوند به غنیمت از آنان به پیامبر خویش برگردانید، شما به خاطر آن هیچ اسبی و شتری نتاختید. و لیکن خداوند پیامبران خویش را بر هر که بخواهد، پیروز گرداند. و خداوند بر همه چیز تواناست.

٧ آن چه خداوند از [ثروتِ] اهل آبادی‌ها به پیامبر خود برگردانید، متعلّق است به: خداوند و پیامبر [او] و خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان. تا دست به دست میانِ توانگرانِ شما نگردد. و آن چه را پیامبر به شما داد، بگیرید و از آن چه او شما را پرهیز داد، دوری گزینید. و از خداوند بترسید. بی‌تردید خداوند سخت عقوبت است.

٨ [آن اموال] برای مهاجرانِ تهیدست می‌باشد که از شهرهای خود بیرون رانده شدند و از ثروتشان [محروم شدند]. آنان فضلِ خداوند و خوشنودیِ او را می‌جویند. و آنان خداوند و پیامبرش را یاری می‌کنند. آنان راستگویانند.

٩ و کسانی که پیش از آنان (مهاجران) [در «مدینه»] منزل گرفتند و ایمان آوردند، کسانی را که به سویشان مهاجرت کردند، دوست می‌دارند و در سینه‌هایشان از آن چه به آنان (مهاجران) داده شده است، نیازی و حسدی نمی‌یابند و هر چند که خود به آن نیاز داشته باشند، [آنان را] بر خود مقدّم می‌دارند. و هر کس از بخلِ خویش نگه داشته شود، پس آنانند که رستگارند.

۱۰ و کسانی که پس از آنان آمدند، می‌گویند: «پروردگارا، ما و برادران ما را بیامرز، آنان
که در ایمان بر ما پیشی گرفتند. و در دل‌های ما نسبت به کسانی که ایمان آوردند،
کینه‌ای قرار مده. پروردگارا، بی‌تردید تو رئوف (دارای رحم و شفقت) و مهربانی.»
۱۱ آیا ندیده‌ای کسانی را که دورویی کردند، که به برادران خود -کسانی از اهل کتاب
که کفر ورزیدند- می‌گویند: «اگر شما را اخراج کنند، ما نیز با شما خارج خواهیم
شد و هرگز دربارهٔ شما اطاعت از کسی نکنیم و اگر با شما پیکار کردند، شما را
یاری کنیم.» و خداوند گواهی می‌دهد که آنان دروغگو هستند.
۱۲ به راستی اگر [یهودیان] بیرون رانده شوند، [منافقان] با آنان بیرون نروند. و اگر با
آنان پیکار شود، اینان یاریشان ننمایند، و اگر آنان را یاری دهند، بی‌تردید پشت کنند
و رویْ بگردانند. آن گاه یاری نشوند.
۱۳ البته هراسی که از شما در دل‌های آنان است، سخت‌تر از ترس از خداوند است.
زیرا آنان مردمی هستند که نمی‌فهمند.
۱٤ همگی با شما یکجا پیکار نکنند، مگر در آبادی‌های حصاردار، یا از پشت دیوارها.
زورمندیِ آنان در میان خودشان سخت است. گویی که آنان یکدل‌اند، حال آن که
دل‌هایشان جدا از هم است. این به آن سبب است که آنان گروهی بی‌خرد می‌باشند.
[مَثَلِ آنان] مانند مَثَلِ کسانیست که اندک زمانی پیش از آنان بودند و کیفرِ کار خود
۱۵ را چشیدند. و برایشان عذابی دردناک باشد.
مانند مَثَلِ شیطان آن گاه که به انسان گفت: «کافر شو.» پس هنگامی که کافر شد،
۱٦ گفت: «من از تو بیزارم. بی‌تردید من از «اللّه»، پروردگار جهانیان می‌ترسم.»

۱۷ پس سرانجامِ آن دو این شد که هر دو در آتش آیند و در آن جاودان بمانند و این جزای ستمکاران است.

۱۸ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خداوند بترسید (در برابر خدا تقوا داشته باشید). و باید هر کسی بنگرد که برای فردا چه پیش فرستاده است. و از [عذابِ] خداوند بترسید. بی‌تردید خداوند به آن چه می‌کنید، آگاه است.

۱۹ و مانندِ کسانی که خداوند را فراموش کردند، نباشید. آن گاه خداوند هم وجودشان را از یادِ خودشان برد. آنان نافرمانانند.

۲۰ یاران دوزخ و یاران بهشت یکسان نیستند. یاران بهشت رستگارانند.

۲۱ اگر این «قرآن» را بر کوهی فرود می‌آوردیم، البته کوه را از ترس خداوند سرافکنده و متلاشی می‌دیدی. و این مَثَل‌ها را برای مردم می‌زنیم، شاید اندیشه کنند.

۲۲ او خداوند است که معبودی جز او نیست. بر نهان و عیان داناست. و او بخشندهٔ مهربان است.

۲۳ او خداوند است که معبودی جز او نیست، فرمانروای قدّوس (منزّه و پاک)، سلام، ایمنی بخش، نگهبان، عزیز، با جبروت، دارای کبریا و عظمت. و خداوند از آن چه [برایش] شریک گیرند، پاک و منزّه است.

۲٤ اوست خداوند، آفریدگار، پدید آرندهٔ صورتگر، که نیکوترین نام‌ها [فقط] از آنِ اوست. آن چه در آسمان‌ها و زمین است، او را به پاکی می‌ستایند. او عزیز حکیم است.

مدنی سورهٔ مُمتَحنه (زنان امتحان شده)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دشمنان من و دشمنان خودتان را دوست خود مگیرید. شما با آنان دوستی و مهربانی ایجاد می‌کنید، حال آن که آنان به آن چه از حق برای شما آمده است، کفر می‌ورزند. پیامبر و شما را [از «مکّه»] بیرون می‌کنند. به دلیل این که شما به خداوند که پروردگارتان است، ایمان آورده‌اید. اگر شما برای پیکار در راه من و به منظور جلب خوشنودی من بیرون آمده‌اید، [پس چرا] در پنهان با آنان دوستی می‌کنید. و من به آن چه شما پنهان می‌کنید و به آن چه آشکار می‌سازید، داناترم. و هر کس از شما چنین کند، بی‌تردید راه راست را گم کرده است.

۲ اگر شما را پیدا کنند، دشمنان شما باشند و دست‌ها و زبان‌هایشان را برای آزار و بدگویی به سوی شما بگشایند. و دوست دارند که شما [نیز] کافر شوید.

۳ نه خویشاوندانتان و نه فرزندانتان روزِ قیامت به شما سودی نرسانند. [خداوند روز قیامت] میان شما جدایی افکند. و خداوند به آن چه می‌کنید، بیناست.

٤ بی‌گمان در [گفتار و کردارِ] «ابراهیم» و آنان که با او بودند، سرمشقِ نیکویی برای شماست. هنگامی که به قوم خود گفتند: «بی‌تردید ما از شما و از آن چه غیر از خداوند می‌پرستید، بیزاریم. ما شما را قبول نداریم و میان ما و شما دشمنی و کینه جاودانه به وجود آمد، تا این که به خداوندِ یگانه ایمان آورید.» غیر از سخن «ابراهیم» که به پدرش گفت: «بی‌گمان برای تو آمرزش می‌خواهم، اما برای تو از خداوند هیچ قدرت و اختیاری ندارم. پروردگارا، ما فقط بر تو توکّل کردیم و به سوی تو بازگشتیم و بازگشت به سوی تو باشد.

٥ پروردگارا، ما را وسیلهٔ آزمایش کسانی که کفر ورزیدند، قرار مده. و ما را بیامرز پروردگارا، بی‌تردید تو عزیز حکیم هستی.»

٦ بی‌گمان در [گفتار و کردارِ] آنان برای شما و برای کسی که به خدا و روز قیامت امید دارد، سرمشقِ نیکویی است. و هر کس رویْ بگرداند، بی‌تردید خداوند بی‌نیاز ستوده است.

۷ امید است که خداوند بین شما و کسانی از آنان که با آن‌ها دشمنی کردید، دوستی ایجاد کند و خداوندْ تواناست. و خداوند آمرزگار مهربان است.

۸ خداوند شما را از نیکوکاری و دادگری با کسانی که در دین با شما پیکار نکردند و شما را از شهرهایتان بیرون نراندند، نهی نمی‌کند. بی‌تردید خداوند دادگران را دوست دارد.

۹ خداوند شما را تنها از دوستی با کسانی نهی می‌کند که در دین با شما پیکار کردند و شما را از شهرهایتان بیرون راندند و بر بیرون راندن شما همدست شدند. و هر کس آنان را دوست بگیرد، پس آنان ستمکار باشند.

۱۰ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که زنانِ با ایمان به سوی شما مهاجرت کنند، پس آنان را [از نظر ایمان] بیازمایید. خداوند به ایمانِ آنان داناتر است. پس اگر آنان را زنان مؤمن یافتید، آنان را به سوی کافران باز نگردانید. زیرا نه اینان بر آنان (مردان کافر) حلال هستند و نه آنان (مردان کافر) بر اینان و آن چه را که نفقه کرده‌اند، به آنان (کفار) بدهید. و اگر آن زنان را به عقد خویش درآوردید و مهریه‌شان را دادید، بر شما گناهی نیست. و رشتهٔ [زناشوییِ] زنانِ کافرِ را نگه مدارید. و از آنان آن چه [به عنوان مهریه] خرج کرده‌اید، بخواهید و [کافران] باید آن چه خرج کرده‌اند، از شما بخواهند. اینست حکم خداوند که میان شما حکم می‌کند. و خداوند دانای حکیم است.

۱۱ و اگر هر یک از زنان شما به سوی کافران [گریختند و] رفتند، و شما [در جنگ] به غنیمتی رسیدید، پس به کسانی که همسرانشان رفته‌اند، مانند آن چه [به عنوان مهریه] خرج کرده‌اند، بدهید. و از خداوند که به او ایمان دارید، بترسید.

۱۲ ای پیامبر، هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آیند تا با تو بیعت کنند، بر این که هیچ شریکی برای خداوند قرار ندهند و دزدی نکنند و زنا نکنند و فرزندانشان را نکشند و دروغی را که در میان دستان و پاهایشان فرابافته باشند، پیش نیاورند (فرزند شخص دیگری را به شوهر خود نسبت ندهند) و در انجامِ کارهای نیک از فرمان تو سرپیچی نکنند، پس با آنان بیعت کن و برای آنان از خداوند طلب بخشایش بنما. بی‌تردید خداوند آمرزگار مهربان است.

۱۳ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، با گروهی که خداوند بر آنان خشم گرفته است، دوستی مکنید. آنان از آخرت نومید شده‌اند، همچنان که کافران از اهل گورها نومید شده‌اند.

مدنی

سورۀ صف (ردیف و مرتب)

به نام خداوند بخشندۀ مهربان

۱ آن چه در آسمان‌ها و آن چه در زمین است، خداوند را به پاکی می‌ستایند. و او عزیز حکیم است.

۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی می‌گویید، که به آن عمل نمی‌کنید؟

۳ نزد خداوند، گرانْ خشمی است که سخنی بگویید و به آن عمل نکنید.

٤ بی‌گمان خداوند کسانی را که به حالت صف (نظم جنگی لازم) در راهش پیکار می‌کنند، دوست دارد. گویی آنان به سانِ بنیانی سخت محکم هستند.

۵ و هنگامی که «موسی» به قوم خود گفت: «ای قوم من، چرا مرا آزار می‌دهید. و شما بی‌گمان می‌دانید که من پیامبر خداوند هستم، که به سوی شما آمده‌ام.» پس چون [از حق] منحرف شدند، خداوند قلب‌هایشان را [از حق] منحرف کرد. و خداوند قوم نافرمان را هدایت نمی‌کند.

٦ و هنگامی که «عیسی» پسر «مریم» گفت: «ای «بنی‌اسرائیل»، بی‌گمان من پیامبر خداوند هستم، که به سوی شما آمدم. از «تورات» آن چه را که پیش از من بود، تصدیق می‌کنم. و شما را به پیامبری مژده می‌دهم، که پس از من می‌آید و نامش «احمد» است.» پس هنگامی که دلایل روشن برایشان آورْد، گفتند: «این جادوی آشکاری است.»

۷ و کیست ستمکارتر از آن کس که بر خداوند دروغ بندد؟ حال آن که او به سوی «اسلام» خوانده می‌شود و خداوند گروهِ ستمکار را هدایت نمی‌کند.

۸ آنان می‌خواهند با دهان‌های خویش نورِ خداوند را خاموش سازند و خداوند کامل کنندۀ نور خود است، هر چند که برای کافران خوشایند نباشد.

۹ اوست که پیامبرِ خود را با هدایت و دینِ حق فرستاد، تا آن را بر همۀ دین‌ها غالب گرداند، هر چند که برای مشرکان خوشایند نباشد.

۱۰ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آیا شما را بر تجارتی که از عذابِ دردناک برهاند، راهنمایی کنم؟

۱۱ به خداوند و پیامبرش ایمان آورید و در راه خداوند با ثروت‌ها و جان‌های خویش جهاد و پیکار کنید، که اگر بدانید، این برای شما نیکوتر است.

۱۲ تا گناهانتان را ببخشاید و شما را به بهشت‌هایی داخل سازد، که از زیر آن جویبارها جاری می‌شود و در بهشت‌های جاودان جایگاه‌های پاکیزه [به شما عطا فرماید]. و این رستگاری عظیم است.

۱۳ و دیگر [آرزویی] که شما آن را دوست دارید: یاری از جانب خداوند و پیروزیِ نزدیک است. و مؤمنان را مژده بده.

١٤ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یاران خدا باشید. همان گونه که «عیسی» پسر «مریم» به «حواریان» خود گفت: «چه کسی یار من به سوی خداوند است؟» «حواریان» گفتند: «ما یاران خداوند هستیم.» پس گروهی از «بنی‌اسرائیل» ایمان آوردند و گروهی دیگر کفر ورزیدند. آن گاه کسانی که ایمان آوردند، ما آنان را بر [ضدِ] دشمنانشان توانمند گردانیدیم، تا بر آن‌ها [به طور کامل] چیره شدند.

مدنی

سورهٔ جمعه

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ آن چه در آسمان‌ها و آن چه در زمین است، خداوند را که فرمانروای پاک عزیز حکیم است، به پاکی می‌ستایند.

۲ اوست کسی که از میان درس ناخوانده‌ها از خودشان پیامبری برانگیخت، که آیات او را برای آنان بخواند و آنان را پاک سازد و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد. و بی‌تردید پیش از این در گمراهیِ آشکاری بودند.

۳ و گروهِ دیگری از آنان را که هنوز به آنان نپیوسته‌اند [تعلیم دهد] و او (خداوند) عزیز حکیم است.

٤ این فضل و کرامتِ خداوند است، که آن را به هر کس خواهد، می‌دهد. و خداوند صاحب فضل عظیم است.

٥ مَثَلِ آنان که بار (شریعت) «تورات» بر آنان نهاده شد و آن بار را حمل نکردند، مانند مَثَلِ درازگوشی است که کتاب‌هایی بر پشت خود ببرد. مَثَلِ گروهی که آیه‌های خداوند را دروغ شمردند، بد است. و خداوند گروه ستمکار را هدایت نمی‌کند.

٦ بگو: «ای کسانی که یهودی هستید، اگر گمان کردید که شما دوستان خداوند هستید نه مردم دیگر، اگر راست می‌گویید، پس مرگ آرزو کنید.»

۷ و به دلیل آن چه دستانشان از پیش فرستاده است، هرگز چنان آرزویی نکنند. و خداوند به [احوالِ] ستمکاران داناست.

۸ بگو: «بی‌تردید مرگی که از آن می‌گریزید، شما را دیدار خواهد کرد. سپس به سوی دانای نهان و عیان باز گردانیده می‌شوید. پس شما را به آن چه می‌کردید، باخبر کند.»

۹ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آن گاه که برای نماز روز جمعه ندا داده می‌شود، پس به ذکر خداوند بشتابید و خرید و فروش را رها سازید، که اگر بدانید، این [کار] برای شما بهتر است.

۱۰ پس هنگامی که نماز پایان یافت، آن گاه در زمین پراکنده شوید و به جستجوی فضل خداوند روید. و خداوند را بسیار یاد کنید، باشد که رستگار شوید.

۱۱ و هنگامی که [مردم کم ایمان] تجارت یا سرگرمی ببینند، به سوی آن بشتابند، و تو را در حال ایستادن [به نماز] رها سازند. بگو: آن چه نزد خداوند است، از آن سرگرمی و از آن تجارت نیکوتر است و خداوند بهترینِ روزی دهندگان است.

سورۀ منافقون (دورویان)

مدنی

به نام خداوند بخشندۀ مهربان

۱ هنگامی که دورویان (منافقان) نزد تو آیند، گویند: «گواهی می‌دهیم که تو پیامبر خداوند هستی.» و خداوند می‌داند که تو پیامبر او هستی. و خداوند گواهی می‌دهد که دورویان، دروغ می‌گویند.

۲ آنان سوگندهای خود را سپرِ خویش کردند، پس [مردم را] از راه خداوند باز داشتند. بی‌تردید آن چه آنان می‌کردند، بد است.

۳ این به دلیل آنست که آنان ایمان آوردند، سپس کافر شدند. آن گاه بر دل‌هایشان مُهر نهاده شد. و آنان [چیزی] درک نمی‌کنند.

٤ و هنگامی که آنان را بنگری، بدن‌هایشان تو را به حیرت آورد و اگر گفتگو کنند، به گفتارشان گوش دهی. گویی به سانِ چوب‌های اهرم بر دیوارند که هر آوای بلندی را به زیان خویش پندارند. آنان دشمنان هستند. پس، از آنان دوری گزین. خدا مرگشان دهد! چگونه از حق گردانده می‌شوند!

۵ و هنگامی که به آنان گفته شود که بیایید تا پیامبر خداوند برای شما آمرزش بخواهد، سرهای خود را برگردانند. و آنان را مشاهده می‌کنی، که رویْ می‌گردانند. و آنان متکبّرند.

٦ چه برایشان آمرزش بخواهی، چه آمرزش نخواهی، به حال آنان تفاوتی ندارد: خداوند هرگز آنان را نمی‌آمرزد. بی‌تردید خداوند گروهِ نافرمان را هدایت نکند.

۷ آنان کسانی هستند که می‌گویند: «بر کسانی که نزد پیامبر خداوند باشند، انفاق مکنید، تا پراکنده شوند.» در حالی که گنج‌های آسمان‌ها و زمین از آنِ خداوند است. و لیکن دورویان درک نمی‌کنند.

۸ می‌گویند: «اگر به «مدینه» بازگردیم، افرادِ گرامی‌تر و عزیزتر، افرادِ خوارتر (مسلمانان) را از آن جا بیرون خواهند کرد.» حال آن که عزّت مخصوص خداوند و رسولش و مؤمنان است. و لیکن منافقان نمی‌دانند.

۹ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مبادا ثروت‌ها و فرزندانتان شما را از یاد خداوند به خود مشغول دارد. و کسی که چنین کند، آنان زیانکارانند.

۱۰ و از آن چه به شما روزی داده‌ایم، انفاق و بخشش کنید، پیش از آن که یکی از شما را مرگ رسد و بگوید: «پروردگارا، اگر مرگم را اندکی به تأخیر می‌انداختی، صدقه می‌دادم و از نیکوکاران می‌شدم.»

۱۱ و خداوند هرگز مرگِ کسی را که اجلش رسیده باشد، به تأخیر نمی‌اندازد. و خداوند به آن چه می‌کنید، آگاه است.

سورهٔ تَغابُن (زیانکاری)

مدنی

به نام خداوند بخشندۀ مهربان

۱ آن چه در آسمان‌ها و آن چه در زمین است، خداوند را به پاکی ستایش می‌کنند. فرمانروایی از آنِ اوست. و حمد و سپاس ویژۀ اوست و او بر هر چیزی تواناست.

۲ اوست که شما را بیافرید. پس، از شما گروهی کافر و از شما گروهی مؤمن هستند. و خداوند به آن چه می‌کنید، بیناست.

۳ او آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید. و شما را صورتگری کرد. پس شما را نیکو صورت قرار داد. و بازگشت به سوی اوست.

٤ آن چه را که در آسمان‌ها و زمین است، می‌داند. و آن چه را که پنهان می‌کنید و آن چه را که آشکار می‌سازید، می‌داند. و خداوند به [اسرارِ] درون سینه‌ها آگاه است.

٥ آیا خبرِ کسانی که پیش از این کافر شدند، برایتان نیامد؟ پس [در دنیا] کیفر کار خود را چشیدند و [در آخرت] برای آنان عذابی دردناک خواهد بود.

٦ این [عذاب] برای آن بود که رسولانشان دلیل‌های روشن برای آنان آوردند و [کافران] گفتند: «آیا افراد بشر ما را هدایت می‌کنند؟» پس کافر شدند و رویْ‌گردانیدند. و خداوند [از بندگیِ آنان] بی‌نیاز بود. و خداوند بی‌نیاز ستوده است.

۷ کسانی که کافر شدند، پنداشتند که هرگز زنده و برانگیخته نخواهند شد. بگو: «آری به پروردگارم سوگند، که البته زنده و برانگیخته خواهید شد. سپس از آن چه کردید، باخبر خواهید شد. و این کار بر خداوند آسان است.»

۸ پس به خداوند و پیامبر او و نوری که فرود آوردیم («قرآن») ایمان آورید. و خداوند از آن چه می‌کنید، باخبر است.

۹ روزی که شما را برای روز قیامت گردِ هم آورد، چنین زمانی، روز زیانکاری است. و هر کس به خداوند ایمان آورد و نیکوکاری کند، خداوند بدی‌های او را پاک گرداند و او را به باغ‌هایی داخل سازد، که از زیر آن‌ها جویبارها جاریست، که همیشه در آن جاودانه‌اند. این رستگاریِ عظیم است.

۱۰ و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، آنان اهل دوزخ‌اند، که در آن
جاودانه بمانند و آن بدْ سرانجام و مقصدی است.

۱۱ به هیچ کس هیچ مصیبت و نگون‌بختی نرسد، مگر به اجازهٔ خداوند. و هر کس به
خداوند ایمان آورد، [خداوند] دلش را [به راه راست] هدایت کند. و خداوند به
همه چیز داناست.

۱۲ و خداوند را فرمان برید. و پیامبر را فرمان برید. پس اگر رویْ بگردانید، بی‌گمان بر
پیامبر ما جز پیام رساندن آشکار [وظیفه‌ای] نباشد.

۱۳ خداوند، معبودی جز او نیست. و مؤمنان باید تنها بر خداوند توکّل کنند.

۱٤ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بی‌گمان برخی از همسران شما و فرزندان شما
دشمنانتان هستند. پس، از آنان پرهیز کنید. و اگر عفو کنید و چشم‌پوشی نمایید و
[آنان را] ببخشید [بهتر است]. پس خداوند آمرزگار مهربان است.

۱۵ جز این نیست که ثروت‌ها و فرزندان شما آزمونی هستند. و خداوند است که
پاداش عظیم نزد اوست.

۱٦ پس تا آن جا که می‌توانید از [نافرمانی از] خداوند پرهیز کنید و [سخن حق را]
بشنوید و [او را] فرمان ببرید و [در راهش] بخشش کنید، که آن برای شما بهتر
است. و کسی که از بخل و بدی خویش نگه داشته شود، پس آنان رستگارانند.

۱۷ اگر به خداوند قرض دهید، وامی نیکو، او آن را برای شما دو چندان کند و شما را
بیامرزد. و خداوند شکور و قدرشناس و شکیباست.

۱۸ او دانای نهان و آشکار است و عزیز حکیم است.

مدنی سورهٔ طلاق (جدایی)

به نام خداوند بخشندۀ مهربان

۱ ای پیامبر، هنگامی که زنان را طلاق می‌دهید، آنان را به وقتِ «عِدّه»شان طلاق دهید و شمارۀ «عِدّه» را نگه دارید، و از خداوند که پروردگار شماست، بترسید و آنان را از خانه‌هایشان بیرون مکنید. و نباید بیرون بروند، مگر آن که کار زشت آشکاری کرده باشند. و این حدود الهی است (این حدود را خداوند نهاده است). و هر کس از حدود الهی درگذرد، بر خویشتن ستم کرده است. تو نمی‌دانی، شاید خداوند پس از آن امری پیش آورد (به دل آنان افکند که مانع طلاق شود).

۲ پس هنگامی که به پایانِ «عِدّۀ» خود برسند، آن گاه [یا] آنان را به نیکی نگه دارید، یا از آنان به نیکی جدا شوید. و دو گواهِ عادل از خودتان بگیرید. و گواهی را برای خداوند بپا دارید. این به آن کس که به خداوند و روز قیامت ایمان دارد، پند داده می‌شود. و هر کس از خداوند بترسد [و در برابر خدا تقوا داشته باشد]، خداوند راهِ بیرون شدن را برای او می‌گشاید.

۳ و او را از جایی که گمان نبرد، روزی دهد. و هر کس به خداوند توکّل کند، خداوند برای او کافی است. بی‌گمان خداوند امرِ خود را می‌رساند. بی‌تردید خداوند برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است.

٤ و زنانی از شما که از «حیض» نومیدند، اگر باز شک دارید، «عِدّۀ» آنان سه ماه است. و زنانی که به «حیض» نرسیده‌اند، چنان هستند. و آنان که آبستن هستند، «عِدّۀ» آنان پس از زایمان است. و هر کس از خداوند بترسد [و در برابر خدا تقوا داشته باشد] او از کارش برایش آسانی قرار دهد.

۵ این امرِ خداوند است که آن را بر شما فرو فرستاد و هر کس از خداوند بترسد [و در برابر خدا تقوا داشته باشد، خداوند] گناهان وی را از بین ببرد و پاداش او را عظیم گرداند.

٦ زنان را به اندازهٔ توانایی خود در همان مسکنی که خود سکونت دارید، خانه دهید و به آنان آزار نرسانید تا به رنج و دشواری افتند و اگر آبستن باشند مخارج آنان را بدهید، تا بار خویش را بنهند. پس اگر فرزند شما را شیر دهند، مزد آنان را بدهید و با یکدیگر به شیوهٔ پسندیده رفتار کنید و اگر با هم سختگیری و مخالفت کنید، زنِ دیگری [نوزاد را] شیر دهد.

۷ باید توانگر به قدرِ تواناییِ خویش نفقه دهد. و آن کس که رزق بر او تنگ شده باشد، باید از آن چه خداوند به او داده است، نفقه دهد. خداوند هیچ کس را مکلف نکند، مگر [به اندازهٔ] آن چه به او داده است. به زودی خداوند پس از دشواری آسانی آورد.

۸ و چه بسیار مردمِ دیاری که از فرمانِ پروردگارِ خود و پیامبرانش سرپیچی نمودند. و ما به شدّت به حسابشان رسیدیم و آنان را به عذابی بس ناگوار گرفتار کردیم.

۹ پس آنان عقوبتِ کارِ خویش را چشیدند. و سرانجامِ کارشان زیان بود.

۱۰ خداوند برای آنان عذابی سخت آماده کرده است. پس ای خردمندان که ایمان آورده‌اید، از [عذابِ] خداوند بترسید، که بی‌تردید خدا ذکری را به سوی شما فرو فرستاده است.

۱۱ پیامبری [به سوی شما فرستاده است] که آیاتِ روشنِ خداوند را برای شما می‌خواند، تا کسانی را که ایمان آورده‌اند و نیکوکاری کرده‌اند، از تاریکی‌ها به سوی نور و روشنایی بیرون آورد. و کسی که به خداوند ایمان آورد و کار شایسته کند، او را به بوستان‌هایی داخل سازد، که از زیر آن‌ها جویبارها جاریست. در آن‌ها جاودانه بمانند. بی‌گمان خداوند رزقِ او را نیکو کرده است.

۱۲ خداوند کسی است که هفت آسمان آفرید و از زمینْ مانندِ آن آفرید. فرمانش میان آسمان و زمین فرود می‌آید، تا بدانید که خداوند بر هر چیز قادر و تواناست و این که خداوند بی‌گمان بر هر چیزی از روی دانش احاطه دارد.

مدنی

سورهٔ تحریم (حرام کردن)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ ای پیامبر، چرا در جستجوی خوشنودی همسرانت، آن چه را که خداوند برای تو حلال کرد، حرام می‌کنی؟ و خداوند آمرزگار مهربان است.

۲ بی‌گمان خداوند برای شما [راهِ] گشودنِ سوگندهایتان را قرار داد. و خداوند سرپرست و مولای شماست و او دانای حکیم است.

۳ و هنگامی که پیامبر پنهانی سخنی به یکی از همسرانِ خویش گفت، و آن گاه که او آن را بازگو کرد و خداوند آن را بر او (پیامبرش) آشکار نمود. [پیامبر] بخشی از آن [سخن] را باز گفت و بخشی را رها کرد. پس هنگامی که آن زن را به آن باخبر ساخت، آن زن گفت: «[ای پیامبر] چه کسی این خبر را به تو داد؟» [پیامبر] گفت: «[خداوندِ] دانای آگاه به من خبر داد.»

٤ اگر شما دو زن به سوی خداوند توبه کنید، بی‌گمان دل‌های شما [از گناه] برگشته است. و اگر علیهِ او (پیامبر) پشتیبان یکدیگر شوید، بی‌تردید خداوند سرپرست و مولای اوست، و «جبرئیل» و مؤمنانِ صالح و فرشتگان بعد از آن پشتیبان و مددکارِ او هستند.

۵ شاید اگر شما را طلاق دهد، پروردگارش به جای شما به او همسرانی بهتر از شما دهد: [همسرانی] مسلمان، با ایمان، فرمانبردار، توبه کننده، عبادت کننده، روزه‌دار [و حرکت کننده در راه خدا]، بیوه و دوشیزه.

٦ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانوادهٔ خویش را از آتشی که هیزمش مردم و سنگ است، نگه دارید. فرشتگانی بر آن گماشته شده‌اند، که درشتخو و سختگیرند [و] از آن چه خداوند به آنان فرمان دهد، سرپیچی نمی‌کنند. و هر چه فرمان گیرند، انجام می‌دهند.

۷ ای کسانی که کافر شدید، امروز عذر نیاورید، بی‌تردید شما به آن چه می‌کردید، مجازات می‌شوید.

٨ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به درگاهِ خداوند توبه کنید. توبه‌ای از روی راستی و درستی. شاید پروردگارتان گناهانتان را پاک سازد. و شما را به بوستان‌هایی داخل سازد، که از زیر آن‌ها جویبارها جاری است. روزی که خداوند پیامبر و کسانی را که با او ایمان آورده‌اند، خوار نمی‌سازد. [در آن روز] نورشان در مقابلشان و از سوی راستشان می‌شتابد و گویند: «پروردگارا، نور ما را برای ما تمام بگردان، و [گناهان ما را] بر ما ببخشای، که بی‌گمان تو بر همه چیز توانایی.»

٩ ای پیامبر، با کافران و دورویان (منافقان) جهاد کن و بر آنان سخت بگیر. و جایگاهشان دوزخ است و بد سرانجام و مقصدی است.

١٠ خداوند برای کسانی که کافر شدند، زن «نوح» و زن «لوط» را مَثَل زد، که آن دو، همسرانِ دو بنده از بندگان نیکوکار ما بودند. اما به آن دو خیانت کردند و [آن دو پیامبر] هرگز نتوانستند آنان را از خدا چیزی بی‌نیاز کنند (در مقابل عذاب خدا کاری از دست شوهرانشان برای آنان ساخته نبود) و به آنان گفته شد: «با داخل‌شوندگان به آتش داخل شوید.»

١١ و خداوند برای کسانی که ایمان آورده‌اند، زن «فرعون» را مَثَل زد. هنگامی که گفت: «پروردگارا، برای من نزد خودت در بهشت خانه‌ای بساز و مرا از «فرعون» و کردارِ او نجات ببخش و از گروهِ ستمکار رهایی‌ام ده.»

١٢ و «مریم» دختر «عمران» را که شرمگاهِ خویش را [از گناه] نگه داشت. پس ما از روح خود در او دمیدیم. و کلمات پروردگارش و کتاب‌های او را تصدیق کرد و از فرمانبرداران بود.

مکّی

سورهٔ مُلک (فرمانروایی، کشور)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ بزرگ و دارای برکت است آن کس که فرمانروایی، به دست اوست و او بر همه چیز تواناست.

۲ آن کس که مرگ و زندگی را بیافرید، تا شما را بیازماید، که کدام یک از شما نیکوکارتر است. و او عزیز آمرزگار است.

۳ آن کس که هفت آسمان را بر هم [و مطابق هم] بیافرید. در آفرینش [خداوندِ] بخشنده تفاوتی نمی‌بینی. پس دگربار [به آسمان] بنگر. آیا شکافی در آن می‌بینی؟

٤ سپس دوباره دیده بگردان و بنگر. [سرانجام از عظمت خلقت] چشمت زبون و خسته به سوی تو بازگردد.

٥ و بی‌گمان آسمانِ دنیا را به چراغ‌هایی بیاراستیم و آن [ستارگان] را تیرها و وسیلهٔ راندنِ شیطان‌ها قرار دادیم و برای آنان عذاب آتش سوزان آماده ساختیم.

٦ و برای آنان که به پروردگارشان کافر شدند، عذاب دوزخ باشد و بد سرانجام و مقصدی است.

۷ هنگامی که آنان در آن افکنده شوند، آوایی ترسناک از آن بشنوند و دوزخ در جوشش باشد [و شعله‌هایش بالاتر می‌زند].

۸ [دوزخ] از خشمْ نزدیک باشد که پاره پاره شود. هر زمان که گروهی را در آن افکنند، نگهبانانش از آنان می‌پرسند: «مگر برایتان بیم دهنده‌ای نیامد؟»

۹ گویند:«آری بی‌تردید بیم دهنده‌ای برایمان آمد، و ما تکذیب کردیم و گفتیم: خداوند چیزی فرو نفرستاده است، و شما جز در گمراهی بزرگی نیستید.»

۱۰ و گویند: «اگر ما [سخن حق را] می‌شنیدیم، یا [به حق] می‌اندیشیدیم و درک می‌کردیم، از اهالیِ دوزخ نبودیم.»

۱۱ پس آنان به گناه خویش اعتراف کنند. پس اهل دوزخ را [از رحمت خدا] دوری باد!

۱۲ بی‌گمان کسانی که در نهان از پروردگارشان می‌ترسند، برای آنان آمرزشی و اجری بزرگ خواهد بود.

١٣ و اگر سخنِ خویش را نهان دارید و یا آن را آشکار کنید، بی‌تردید او به آن چه در
سینه‌هاست، دانا می‌باشد.
١٤ آیا آن که آفریده است، نمی‌داند؟ و او لطیف [و باریک‌بین] و آگاه است.
١٥ او کسی است که زمین را برای شما رام و هموار کرد. پس در هر سویش حرکت
کنید و از روزیِ او بخورید. و برانگیختن و رستاخیز به سوی اوست.
١٦ آیا از آن که در آسمان است، ایمن شدید از این که شما را در زمین فرو برد، آن گاه
که آن (زمین) به جنبش آید؟
١٧ یا از کسی که در آسمان است، ایمن شدید که بر شما بادی پُر سنگ‌ریزه بفرستد؟
پس به زودی بدانید که بیم دادنِ من چگونه است.
١٨ و بی‌تردید کسانی که پیش از آنان بودند، [رسولان را] تکذیب کردند. پس عذاب [و
انکارِ] من چگونه بود؟
١٩ آیا به پرندگانِ بالای سرشان نگاه نکرده‌اند، که پَر می‌گشایند، و [یا] بال خویش را
جمع می‌کنند؟ جز [خداوندِ] بخشنده آن‌ها را کسی نگه نمی‌دارد. بی‌تردید او بر
همه چیز بیناست.
٢٠ یا غیر از [خداوندِ] بخشنده چه کسی لشکر و پاسدار شماست [و] شما را یاری
می‌دهد؟ بی‌تردید کافران جز در غرور و فریب نیستند.
٢١ یا اگر خداوند روزیِ خود را از شما بازدارد، کیست که به شما روزی دهد؟ بلکه
[کافران] در سرکشی و گریز [از حق] لجوجانه پایداری می‌کنند.
٢٢ آیا آن که سرافکنده (بر رویْ افتاده و بدون بینش) راه می‌رود، هدایت یافته‌تر است،
یا آن که راه راست را با سربلندی می‌پیماید؟
٢٣ بگو: «اوست که شما را آفرید و برای شما گوش و چشم‌ها و دل‌ها قرار داد.
شکرگزاریتان کم است.»
٢٤ بگو: «او کسی است که شما را در زمین آفرید و به سوی او گرد آورده می‌شوید.»
٢٥ و می‌گویند: «این وعده چه زمانی باشد، اگر راست می‌گویید؟»
٢٦ بگو: «دانش آن فقط نزد خداوند است و من تنها بیم دهندهٔ آشکاری هستم.»

۲۷ پس هنگامی که آن [عذاب] را نزدیک شده ببینند، سیمای کسانی که کافر شدند، زشت و سیاه گردد، و به آنان گفته می‌شود: «اینست آن چه شما فرا می‌خواندید.»

۲۸ بگو: «خبر دهید مرا، اگر خداوند مرا و هر که را که با من است، هلاک سازد و یا این که بر ما رحمت آورد، پس کیست که کافران را از عذابِ دردناک پناه دهد؟»

۲۹ بگو: «او بخشنده است. به او ایمان آوردیم و بر او توکل کردیم. و به زودی خواهید دانست که چه کسی در گمراهیِ آشکاری است.»

۳۰ بگو: «خبر دهید مرا، اگر آب‌هایتان در زمین فرو رود، پس چه کسی است که آبی روان برایتان بیاورد؟»

سورهٔ قلم (ن)

مکّی

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ نون. سوگند به قلم و آن چه می‌نویسند،

۲ که تو به نعمتِ پروردگارت دیوانه نیستی.

۳ و بی‌گمان تو را پاداشی بی‌پایان است.

٤ و بی‌گمان تو بر خُلق و خوی عظیمی می‌باشی.

٥ پس زود باشد که تو ببینی و آنان هم ببینند،

٦ که کدام یک از شما دیوانه است.

۷ بی‌گمان پروردگار تو داناتر است به کسی که از راهش گم شده. و او به راه یافتگان داناتر است.

۸ پس تکذیب کنندگان را پیروی مکن.

۹ آنان دوست دارند که تو [در کارِ دین] سازش کنی، تا آنان هم سازش کنند.

۱۰ هر سوگندْ یادْ کنِ پَستی را تو فرمان مبر،

۱۱ کسی که به عیب جویی می‌پردازد و برای سخن چینی رفت و آمد می‌کند،

۱۲ کسی که [مردم را] از نیکویی باز می‌دارد، از حدودِ الهی درمی‌گذرد و بسیار گناه می‌کند.

۱۳ پس از این‌ها گستاخ و بدخوی و حرامزاده است.

۱٤ چون دارای ثروت و پسران باشد،

۱٥ هنگامی که آیات ما برایش خوانده شود، گوید: «افسانه‌های پیشینیان است.»

١٦ به زودی بر بینی‌اش داغ گذاریم (نشانهٔ کفران بر او بزنیم).
١٧ ما آنان را آزمودیم، همان گونه که صاحبانِ آن بستان را بیازمودیم، آن گاه که سوگند
خوردند که بامدادان [میوهٔ باغ را] بچینند.
١٨ و هیچ استثناء نکردند (که چیزی هم برای بینوایان باقی بگزارند).
١٩ پس بلایی از پروردگارت بر آن [باغ] بیامد. در حالی که آنان خفته بودند.
٢٠ پس [باغ] به سانِ زمینِ سوخته و بی‌علف گردید.
٢١ پس بامدادان یکدَیگر را صدا کردند:
٢٢ اگر طالبِ چیدنِ میوه هستید، بامداد به کشتزارِ خود بروید.
٢٣ سپس آنانَ [به سَوی باغ] روان شدند. و با همَ آهسته می‌گفتند:
٢٤ «باید امروز بینوایی، بر شما وارد نشود.»
٢٥ و بامداد در حالی که خود را بر منعِ بینوایان قادر می‌دیدند، به باغ رفتند.
٢٦ پس چون آن را دیدند، گفتند: «بی‌گمان ما گمراهیم.
٢٧ بلکه ما محرومیم.»
٢٨ عادل‌ترینشان گفت: «آیا به شما نگفتم که چرا [خداوند را] به پاکی نمی‌ستایید؟»
٢٩ گفتند: «پاک و منزّه است پروردگارمان، بی‌گمان ما ستمکار بودیم.»
٣٠ پس رو به یکدیگر کردند و یکدیگر را ملامت نمودند.
٣١ گفتند: «وای بر ما! بی‌گمان ما طغیانگر بودیم.
٣٢ باشد که پروردگارمان نیکوتر از آن به ما عطا فرماید، بی‌گمان ما رو به سوی
پروردگارمان آورده‌ایم.»
٣٣ چنین است عذاب، و بی‌گمان عذابِ آخرت بزرگ‌تر است، اگر می‌دانستند.
٣٤ بی‌گمان برای پرهیزکاران نزد پروردگارشان بوستان‌های پرنعمت است.
٣٥ آیا مسلمانان را با گناهکاران برابر قرار دهیم؟
٣٦ شما را چه می‌شود؟ چگونه حکم می‌کنید؟
٣٧ یا شما را کتابی است، که از آن می‌خوانید؟
٣٨ که در آن آمده هر چه شما اختیار کنید، برایتان خواهد بود؟
٣٩ یا شما را بر ما پیمان‌هایی است تا روز قیامت، که آن چه حکم کنید، برای شما باشد؟
٤٠ از آنان بپرس که کدام یک از آنان در گرو این [پیمان] است؟
٤١ یا شریک‌هایی دارند؟ اگر راست می‌گویند، پس شریکان خود را بیاورند.
٤٢ روزی که کارها دشوار شود و آنان به سجده خوانده شوند، پس نتوانند.

٤٣ چشمانشان فرو افتاده باشد، خواری آنان را فراگیرد، و بی‌گمان [پیش از این] آنان به سجده خوانده می‌شدند، و تندرست بودند.

٤٤ پس آن کس که این حدیث را دروغ پندارد، او را به من واگذار. به زودی آنان را به تدریج از جایی به عذاب بگیریم، که ندانند.

٤٥ و آنان را مهلت دهم. بی‌گمان مکرِ من پابرجاست.

٤٦ یا از آنان مزدی می‌خواهی، که غرامتش بر آنان سنگین است؟

٤٧ یا غیبْ نزدِ آنان است و آنان می‌نویسند؟

٤٨ پس به حکم پروردگارت شکیبایی کن و مانند «صاحب ماهی» («یونس» پیامبر) مباش؛ آن زمان که [خداوند را] ندا کرد و بسیار اندوهگین بود.

٤٩ اگر نعمتی از پروردگارش به او نمی‌رسید، بی‌گمان به صحرایی بی‌آب و گیاه افکنده می‌شد. و او نکوهیده بود.

٥٠ پس پروردگارش او را برگزید، و او را جزو نیکان قرار داد.

٥١ و نزدیک بود که کافران تو را به چشمِ [پُر غضبِ] خویش از راه به در برند. هنگامی که «قرآن» را می‌شنوند، گویند: «بی‌گمان او دیوانه است.»

٥٢ و آن («قرآن») جز پندی برای جهانیان نیست.

مکّی سورهٔ حاقه (زمانی که میعاد خداوند با خلق است، قیامت)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

١ قیامت.

٢ قیامت چیست؟

٣ و تو چه می‌دانی که قیامت چیست؟

٤ «ثمود» و «عاد» قیامت را دروغ پنداشتند.

٥ پس اما [قوم] «ثمود» به دلیلِ سرکشی هلاک شدند.

٦ و اما [قوم] «عاد» با بادی سرد و شدید هلاک شدند.

٧ [خداوند] آن [باد] را هفت شب و هشت روز، مدام بر آنان مسلط ساخت. و آن قوم را همچون تنه‌های پوسیدهٔ درختانِ خرما [به خاک افتاده] می‌دیدی.

٨ آیا کسی از آنان را به جا مانده می‌بینی؟

۹ و«فرعون» و کسانی که پیش از او بودند و [اهالی] «مؤتَفِکات» (شهرهای زیر و رو
شده) کارهای زشت کردند.
۱۰ پس، از دستورِ پیامبرِ پروردگارشان سرپیچی نمودند. و خداوند آنان را به کیفرِ
سختی گرفت.
۱۱ هنگامی که آب طغیان کرد، ما شما را در کشتی بردیم.
۱۲ تا آن را برای شما پندی قرار دهیم. و گوش‌های نگهدارنده، آن را نگه دارد.
۱۳ و آن گاه که یک بار در «صور» دمیده شود،
١٤ و زمین و کوه‌ها برداشته شوند و یکباره متلاشی گردند.
۱۵ پس در چنان روزی قیامت واقع شود.
١٦ و آسمان شکافته شود و آن در چنین روزی سست خواهد بود.
۱۷ و فرشتگان در اطراف آن باشند. و آن روز عرشِ پروردگارت را هشت [فرشته] بر
فراز خود بردارند.
۱۸ آن روز شما پیش آورده شوید. و هیچ یک از کارهای شما پوشیده نماند.
۱۹ و اما آن کس که نامه‌اش به دست راستش داده شود، گوید: «بگیرید نامهٔ مرا و بخوانید.
۲۰ بی‌گمان من این فکر را می‌کردم که با حسابِ خود رو به رو خواهم شد.»
۲۱ پس او در زندگیِ پسندیده‌ای باشد.
۲۲ در بهشتی عالیقدر،
۲۳ که میوه‌هایش در دسترس باشد.
٢٤ بخورید و بیاشامید، که به دلیلِ آن چه در گذشته پیش فرستاده‌اید، گواراتان باشد.
۲۵ و امّا آن کس که نامه‌اش به دستِ چپش داده شود، گوید: «کاش نامهٔ من به من داده نمی‌شد!
٢٦ و نمی‌دانستم حساب من چیست.
۲۷ کاش مرگْ کار مرا تمام می‌کرد!
۲۸ ثروتم مرا بی‌نیاز نکرد.
۲۹ قدرتِ من نابود گردید.»
۳۰ [گفته شود:] او را بگیرید و به بند و زنجیرش کشید.
۳۱ سپس او را به دوزخ افکنید.
۳۲ آن گاه او را در زنجیری که طولِ آن هفتاد ذرع باشد، به بند بکشید،
۳۳ که او به خداوندِ عظیم ایمان نیاورده بود.
٣٤ و بر خوراک و طعام دادن به بینوایان ترغیب و تشویق نمی‌کرد...

۳۵ پس امروز در این جا او را حامی و یاوری نیست.
٣٦ و جز از چرک و خون او را طعامی نیست.
۳۷ آن را جز خطاکاران نخورند.
۳۸ پس سوگند به آن چه می‌بینید،
۳۹ و آن چه نمی‌بینید،
٤٠ که این گفتارِ پیامبری بزرگوار است.
٤١ و سخنِ شاعری نیست. شما اندکی به آن ایمان دارید.
٤٢ و سخنانِ کاهن نیست. اندک است آن چه پند می‌گیرید.
٤٣ از سوی پروردگار جهانیان فرو فرستاده شده است.
٤٤ و اگر [«محمّد»] پاره‌ای از سخنانِ خود را بر ما می‌بست،
٤٥ بی‌گمان ما او را به شدّت می‌گرفتیم.
٤٦ سپس رگ قلبش را می‌بریدیم.
٤٧ و هیچ یک از شما بازدارندهٔ [عذاب] ما از او نبودید.
٤٨ و بی‌گمان آن پندی برای پرهیزکاران است.
٤٩ و بی‌گمان ما می‌دانیم که برخی از شما تکذیب می‌کنید.
٥٠ و بی‌گمان آن حسرتی بر کافران باشد.
٥١ و بی‌گمان آن (مطالب «قرآن»)، حق و یقین است.
٥٢ پس به نام پروردگار عظیمت تسبیح بگوی.

مکّی سورهٔ معارج (نردبان‌ها، سَئَلَ سائِل، پرسنده‌ای پرسید)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ پرسنده‌ای از عذابی که آمدنی است، پرسید.
۲ برای کافران هیچ دور کننده‌ای از آن [عذاب] نیست.
۳ [و] از سوی خداوند دارندهٔ مدارج [عالیه] است.
٤ فرشتگان و روح به سوی خداوند بالا می‌روند، در روزی که مدّتش پنجاه هزار سال است.
٥ پس شکیبایی کن، شکیباییِ نیکو.
٦ بی‌گمان آنان، آن را دور می‌بینند.
۷ و ما آن را نزدیک می‌بینیم.
۸ روزی که آسمان به سان مسِ گداخته شود.
۹ و کوه‌ها به سانِ پشمِ رنگینِ زده شده شوند.
۱۰ و هیچ خویشاوندی از خویشاوند خود نپرسد.

۱۱ در حالی که آنان را به هم بنمایانند. در آن روز گناهکار آرزو کند، که کاش می‌شد پسران خویش را فدا کند تا از عذاب برهد.

۱۲ و [فدا کند] همسر خود و برادر خود را؛

۱۳ و قبیلهٔ خود را که از او حمایت می‌کردند؛

۱٤ و همهٔ آنان را که در زمین هستند، تا [خدا] او را نجات دهد.

۱۵ هرگز چنین نیست. بی‌گمان آتشِ شعله‌وری باشد.

۱٦ پوست را از سر به کلّی بر می‌کند.

۱۷ آن کس را که پشت کرد و رویْ برگردانید، بخواند.

۱۸ و [آن کس را بخواند که] اندوخت و بر هم انباشت.

۱۹ بی‌تردید انسانْ عجول و حریص خلق شده است.

۲۰ چون شرّی به او رسد، نالان و بیتاب گردد.

۲۱ و هنگامی که خیری به او رسد، [آن را از دیگران] دریغ و منع کند.

۲۲ مگر نمازگزاران.

۲۳ آنان که بر نمازشان پایدارند.

۲٤ و آنان که در خواسته‌هایشان (اموالشان) حقّی معلوم است،

۲۵ برای یاری خواه و محروم.

۲٦ و آنان که روز حساب را تصدیق می‌کنند.

۲۷ و آنان که از عَذاب پروردگارشان ترسانند.

۲۸ بی‌گمان از عذاب پروردگارشان ایمنی نیست.

۲۹ و آنان که از شرمگاه‌های خویش محافظت می‌کنند.

۳۰ مگر بر همسرانشان، یا کنیزان خویش. پس ملامتی بر آنان نیست.

۳۱ پس هر کس جز این بجوید، آن‌گاه اینان کسانی هستند که از فرمانِ خداوند تجاوز کرده‌اند.

۳۲ و آنان که مراعاتِ امانات و پیمانِ خود را می‌کنند.

۳۳ و آنان که بر شهادت‌ها وگواهی‌هَایشان پایبند و استوارند.

۳٤ و آنان که مراقبِ نمازِ خویشند.

۳۵ اینان هستند که دَر بهشَت‌ها گرامی خواهند بود.

۳٦ پس کافران را چه شده است که به سوی تو بشتابند؟

۳۷ از راست و از چپ، گروه گروه [به سوی تو بشتابند].

۳۸ آیا هر یک از آنان طمع دارد که به بهشتی پُر نعمت داخل شود؟

۳۹ هرگز چنین نیست. بی‌تردید ما آنان را از آن چه می‌دانند، آفریدیم.

٤٠ پس سوگند به پروردگارِ مشرق‌ها و مغرب‌ها که بی‌تردید ما توانابیم،
٤١ بر این که [خلقی] بهتر از آنان آوریم. و کسی از ما [در این کار] سبقت نگیرد (هیچ چیز ناتوان کنندهٔ ما نیست).
٤٢ پس رهایشان کن، تا در گفتگوی بیهوده فرو روند و به بازی سرگرم باشند، تا این که روزشان را که وعده داده می‌شوند، ببینند.
٤٣ روزی که به سرعت از گورها بیرون آیند. گویی شتابان به سوی نشانه‌ای در حرکتند.
٤٤ نگاهشان فرو افتاده است، و خواری، آنان را فرا گرفته باشد. این است روزی که به آنان وعده داده می‌شد.

سورهٔ نوح

مکّی

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

١ بی‌گمان ما «نوح» را به سوی قومش فرستادیم که: «قوم خویش را پیش از آن که آنان را عذابی دردناک برسد، بیم ده.»
٢ [«نوح»] گفت: «ای قوم من، من برای شما بیم دهنده‌ای آشکار هستم.
٣ به این که خداوند را بندگی و عبادت کنید و از او بیمناک باشید و از من فرمان ببرید.
٤ [تا] او برخی از گناهانتان را برایتان بیامرزد و تا اجلی معیّن شما را مهلت دهد. بی‌تردید هنگامی که اجلِ شما از سوی خداوند برسد، به تأخیر نیفتد، اگر می‌دانستید.»
٥ [«نوح»] گفت: پروردگارا، من قوم خویش را شب و روز دعوت نمودم.
٦ پس دعوتِ من آنان را جز فرار چیزی نیفزود.
٧ و هر زمان که من آنان را دعوت کردم تا تو آنان را آمرزش بخشی، آنان انگشتان خود را در گوش‌هایشان گذاشتند و جامه‌های خود را به خویش پیچیدند و [در انکار] اصرار نمودند و سخت تکبّر و سرکشی کردند.
٨ دگر بار من آنان را با صدایی بلند و رسا دعوت کردم.
٩ سپس من آنان را هم پیدا و هم پنهان دعوت کردم.
١٠ پس گفتم: از پروردگارتان آمرزش بطلبید. بی‌تردید او بسیار آمرزگار باشد.

۱۱ [تا] باران را بر شما پیاپی بفرستد.

۱۲ و شما را به خواسته‌ها (اموال) و پسران یاری دهد و برایتان باغ‌ها بیافریند و برایتان نهرها پدید آورد.

۱۳ شما را چه شود که به عظمت خداوند امید ندارید [و از آن نمی‌ترسید]؟

۱٤ و بی‌گمان شما را گوناگون آفرید.

۱۵ آیا نمی‌نگرید که خداوند چگونه هفت آسمان را بالای هم آفرید؟

۱٦ و در آن‌ها ماه را روشنی و آفتاب را چراغ قرار داد؟

۱۷ و خداوند شما را از زمین به سان روییدنی، رویانید.

۱۸ سپس شما را به آن (زمین) بازگرداند و دگر بار شما را از آن بیرون آورد، بیرون آوردنی.

۱۹ و خداوند است که زمین را برای شما گسترده کرد.

۲۰ تا در راه‌های گسترده‌اش بروید.

۲۱ «نوح» گفت: پروردگارا، آنان از من نافرمانی کردند و از کسی پیروی نمودند، که مال و فرزندش جز بر زیانش نیفزاید.

۲۲ و نیرنگ و مکری بزرگ به کار آوردند.

۲۳ و گفتند: معبودان خود را رها مکنید. و «وَدّ» و «سُواع» و «یَغوث» و «یَعوق» و «نَسْر» را رها مسازید.

۲٤ و به یقین بسیاری را گمراه کردند. و تو ستمکاران را جز گمراهی میفزای.

۲۵ آنان به دلیل گناهانشان [در سیل آب] غرق شدند و در آتش آمدند و در برابر خداوند یاورانی برای خود نیافتند.

۲٦ و «نوح» گفت: پروردگارا، از کافران بر روی زمین کسی را باقی مگذار.

۲۷ که اگر تو آنان (کافران) را رها سازی، بندگانت را گمراه کنند و جز گنهکارِ ناسپاس فرزندی نزایند.

۲۸ پروردگارا، مرا و پدر و مادر مرا و آن کس را که با ایمان به خانه من درآید و مردان مؤمن و زنان با ایمان را بیامرز و ستمکاران را جز تباهی میفزای.

مکّی

سورۀ جن

به نام خداوند بخشندۀ مهربان

۱ [ای «محمّد»] بگو: به من وحی شد که گروهی [کم‌تر از دَه]، از جن گوش فرا دادند و گفتند که ما «قرآنی» شگفت شنیدیم،

۲ که به سوی رشد و کمال هدایت می‌کند. پس به آن ایمان آوردیم، و هرگز کسی را با پروردگارمان شریک نگیریم.

۳ و بی‌گمان بزرگی و عظمتِ پروردگار ما برتر است. او نه همسری گرفته است و نه فرزندی.

٤ و بی‌گمان بیخردِ ما بود که دربارۀ خداوند سخنان دروغ و تهمت‌آمیز می‌گفت.

٥ و بی‌تردید ما می‌پنداشتیم که انسان و جن هرگز بر خداوند دروغی نگویند.

٦ و به راستی مردانی از آدمیان به مردانی از جنیان پناه می‌بردند. پس بر سرکشی و گناهِ آنان می‌افزودند.

۷ و آنان همان گونه پنداشتند که شما تصوّر می‌کردید که خداوند هرگز کسی را برنمی‌انگیزد.

۸ و بی‌تردید ما آسمان را جستجو کردیم و آن را پُر از نگهبانانِ مقتدر و شهاب‌ها یافتیم.

۹ و به راستی ما در نقاطی از آن برای گوش دادن می‌نشستیم. پس حالا هر کس گوش دهد، شهابی را در کمینِ خود بیابد.

۱۰ و ما نمی‌دانیم آیا برای آنان که در زمین هستند، بد خواسته شده یا پروردگارشان برای آنان رشد و هدایتی اراده فرموده است.

۱۱ و بی‌تردید در میان ما نیکوکارانی هستند و در میان ما گروهی هستند که فروتر (غیر نیکوکار) هستند. و ما بر راه‌های گوناگون هستیم.

۱۲ و بی‌تردید ما می‌دانیم که هرگز در زمینْ خداوند را ناتوان نتوانیم کرد و با گریختن هم او را عاجز نتوانیم کرد.

۱۳ و به راستی ما چون [آیاتِ] هدایت را بشنیدیم، به آن ایمان آوردیم. و هر کس به پروردگارش ایمان بیاورد، از هیچ نقصی و یا مذلّتی نترسد.

۱٤ و بی‌تردید از ما گروهی فرمانبردارند. و عده‌ای از ما ستمکارند. پس آنان که تسلیم شوند، راه رشد و کمال را برگزیده‌اند.

۱۵ و امّا ستمکاران هیزمِ دوزخ باشند.

۱٦ و اگر [مردم] بر طریقتِ [ایمان و یکتاپرستی] استوار بمانند، آنان را از آبی بسیار سیراب خواهیم کرد.

۱۷ تا آنان را در آن [فراوانی] بیازماییم و هر کس از یاد پروردگارش رویْ گرداند، او را در عذابی سخت گرفتار سازد.

۱۸ و بی‌گمان مسجدها برای خداوند باشد، پس کسی را با خداوند مخوانید.

۱۹ و این که هنگامی که بندۀ خدا (رسول خدا) بپاخاست و آن («قرآن») را می‌خواند، نزدیک بود گِردِ او بر سر هم ریزند.

۲۰ بگو: «من تنها پروردگارم را می‌خوانم و کسی را با او شریک نمی‌گیرم.»

۲۱ بگو: «من برای شما مالکِ زیانی و یا رشد و هدایتی نیستم.»

۲۲ بگو: «هرگز کسی مرا از [قهرِ] خداوند پناه ندهد. و من به جز او پناهگاهی ندارم.

۲۳ مگر رساندن [فرمان] از سوی خداوند و پیغام‌های او.» و هر کس به خداوند و پیامبرش سرکشی کند، بی‌گمان برایش آتش دوزخ است. همیشه در آن بمانند.

۲٤ تا هنگامی که آن چه را که به آنان وعده داده می‌شود، ببینند. آن گاه آنان بدانند که چه کسی از حیثِ یاران ناتوان‌تر و شماره [یارانش] کم‌تر است.

۲۵ بگو: «من نمی‌دانم وعده‌ای که به شما داده می‌شود نزدیک است، یا پروردگار من برای آن مدّتی قرار می‌دهد.»

۲٦ او دانا بر غیب است و کسی را بر غیبِ خود آگاه نکند.

۲۷ مگر کسی از میان پیامبران خود که از او راضی باشد، که از پیش و پسِ او نگهبانانی بر می‌گمارد [که مراقبش باشند].

۲۸ تا بداند که رسالات پروردگارشان را رسانده‌اند. و خداوند به آن چه نزد آنان باشد، احاطه دارد. و همه چیز را به شماره حساب کرده است.

مکّی

سورهٔ مُزَّمِّل (گلیم بر خود پیچیده)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ ای گلیم [یا جامهٔ خواب] بر خود پیچیده،
۲ شب برخیز، مگر اندکی.
۳ نیمی از آن، یا از آن اندکی کم کن.
٤ یا بر آن بیفزای و «قرآن» را به نحوِ شمردهٔ مخصوصی بخوان.
۵ ما به زودی بر تو گفتاری سنگین القا خواهیم کرد (فرود خواهیم آورد).
٦ بی‌گمان برخاستن در شبْ سخت‌تر و استوارتر و برای خواندن [آیات] درست‌تر است.
۷ زیرا تو در روزْ سیر و حرکتِ [دور و] طولانی داری.
۸ و نام پروردگارت را یاد کن و به سوی او بگرای، گرایشی با اخلاص کامل.
۹ [او] پروردگارِ مشرق و مغرب است. معبودی جز او نیست. پس او را وکیل [خود] بگیر.
و بر آن چه می‌گویند، شکیبا باش. و از آنان دوری گزین، دوریِ پسندیده‌ای.
۱۰ و تکذیب کنندگان را که صاحبان نعمت‌اند، به من واگذار و آنان را اندکی مهلت بده.
۱۱ بی‌گمان بندهای گران و آتش سوزان نزد ماست.
۱۲ و طعامی گلوگیر و عذابی دردناک.
۱۳ روزی که زمین و کوه‌ها بلرزد. و کوه‌ها به سان ریگ روان گردند.
۱٤ بی‌گمان ما به سوی شما پیامبری فرستادیم، که بر شما گواه باشد. همان گونه که به
۱۵ سوی «فرعون» پیامبری فرستادیم.
پس «فرعون» سر از فرمان پیامبر پیچید و ما او را بگرفتیم، گرفتنی سخت و سنگین.
۱٦ پس اگر کافر شوید، در روزی که کودکان را پیر می‌گرداند، چگونه [از عذاب]
۱۷ پرهیز می‌کنید؟
۱۸ در آن روز آسمان شکافته شود. و وعدهٔ خداوند شدنی است.
۱۹ بی‌گمان این پندی است. پس هر کس بخواهد، راهی به سوی پروردگارش در پیش گیرد.

۲۰ بی‌گمان پروردگارت می‌داند که تو کم‌تر از دو سومِ شب و نیمِ آن و یک سومِ آن با
گروهی از کسانی که با تو هستند [برای نماز و عبادت] برمی‌خیزی و خداوند شب
و روز را اندازه می‌کند. او می‌داند که شما هرگز نمی‌توانید آن (زمان شب و روز) را
اندازه کنید. و بر شما بخشید. پس آن چه میسّر است، از «قرآن» بخوانید. خداوند
می‌داند که از شما کسانی بیمار خواهند شد و دیگران در زمین سفر کنند و در
جستجوی فضل خداوند روند و دیگران در راه خداوند جهاد و پیکار کنند. پس آن
چه میسّر است، از «قرآن» بخوانید. و نماز را بپا دارید. و زکات بپردازید. و به
خداوند وام دهید، وامی نیکو. و آن چه از خیر و نیکی از پیش برای خود
می‌فرستید، آن را نزد خداوند خواهید یافت. که آن بهتر است و پاداشی عظیم‌تر
باشد. و از خداوند آمرزش بخواهید. بی‌گمان خداوند آمرزگار مهربان است.

مکّی سورۀ مُدَّثِر (جامه به خود پیچیده)

به نام خداوند بخشندۀ مهربان

۱ ای جامه به خود پیچیده،
۲ برخیز و بیم ده.
۳ و پروردگار خویش را به بزرگی یاد کن.
٤ و جامه‌ات را پاکیزه بگردان.
۵ و از پلیدی و گناه دوری گزین.
٦ و منّت مگذار تا بیش‌تر بگیری.
۷ و به خاطرِ پروردگارِ خویش شکیبایی کن.
۸ پس آن گاه که در «ناَقور» دمیده شود،
۹ پس آن روز، روزِ سختی خواهد بود.
۱۰ بر کافران آسان نباَشد.
۱۱ آن کس را که من به تنهایی آفریدم، به من واگذار.
۱۲ و او را ثروتی فراوان دادم.
۱۳ و پسرانی که حاضر و شاهد باشند.
١٤ و زندگیش را از هر نظر، راحت و فراهم کردم.
۱۵ [با این حال] باز هم طمع کند، که بیفزایم.
١٦ نه چنان است. که او در آیاتِ ما دشمنی می‌ورزید.
۱۷ به زودی او را [به عذابی سخت] صعود دهم.

١٨ بی‌گمان او اندیشه کرد و قیاس نمود.
١٩ پس مرگ بر او باد، که چه قیاسی کرد!
٢٠ باز مرگ بر او باد، که چه قیاسی کرد!
٢١ آن گاه نگریست.
٢٢ سپس روی ترش کرد و چهره در هم کشید.
٢٣ سپس پشت کرد و تکبّر نمود.
٢٤ پس گفت: «این غیر از جادویی که از قدیم روایت شده است، چیزی نباشد.
٢٥ این جز سخن آدمیان نیست.»
٢٦ به زودی او راَ در «سَقَر» اندازم.
٢٧ و تو چه دانی که «سَقَر» چیست؟
٢٨ [آتشی است که کسی را] باقی نگذارد. و رها نیز نکند.
٢٩ پوست را بسوزاند و دگرگون کند.
٣٠ نوزده تن بر آن [پاسدار] باشند.
٣١ و نگهبانان آتش را جز فرشتگان قرار ندادیم. و تعدادِ آن‌ها را [نوزده] نکردیم، مگر این که آزمونی باشَد برای کسانی که کفر ورزیدند. تا کسانی که به آنان «کتاب» داده شده است، یقین کنند. و بر ایمان کسانی که ایمان آوردند، بیفزاید. و برای این که کسانی که به آنان «کتاب» داده شد و [نیَز] مؤمنان شک نکنند. و تا کسانی که در دل‌هایشان بیماری است و کافران بگویند: «خداوند از این مَثَل چه خواسته است؟» خداوند بدینسان کسی را که بخواهد، به گمراهی آورد. و کسی را که بخواهد، هدایت کند. و سپاهِ پروردگارت را جز او نمی‌داند. و این جز پندی برای بشر نمی‌باشد.
٣٢ نه چنان است. سوگند به ماه،
٣٣ سوگند به شب هنگامی که پشت کند،
٣٤ سوگند به بامداد هنگامی که روشن شود،
٣٥ که آن یکی از [رویدادها و] نشانه‌های بزرگ‌تر است.
٣٦ بیم دهندهٔ بشر است.
٣٧ برای آن کس از شما که می‌خواهد پیش و یا پس بیفتد.
٣٨ هر کس خود ضامن و در گرو آن چه کسب کرده است (دستاورد خویش) می‌باشد.
٣٩ مگر یاران دستِ راست (راستان).
٤٠ در بوستانَ‌ها. می‌پرسند
٤١ از گناهکاران،
٤٢ که چه چیز شما را به دوزخ آورد؟
٤٣ گویند: «از نمازگزاران نبودیم.
٤٤ و بینوایان را خوراک نمی‌دادیم.
٤٥ و با یاوه گویان یاوه می‌گفتیم.
٤٦ و روز قیامت را تکذیب می‌کردیم.
٤٧ تا برای ما یقین (مرگ) فرا رسید.»

٤٨ پس شفاعتِ شفاعتگران سودشان ندهد.
٤٩ پس چه شود آنان را که از پند پذیری رویْ گردانند؟
۵۰ گویی آنان به سان خران رمیده‌اند
۵۱ که از شیری گریخته باشَند!
۵۲ بلکه هر مردی از آنان، خواهان آن است که او را نامه‌هایی سرگشاده دهند.
۵۳ نه چنان است. بلکه آنان از آخرَت نمی‌ترسند.
۵٤ نه چنان است. بی‌گمان آن پندی است.
۵۵ پس هر کس که خواهد، از آن پند گیرد.
۵٦ و پند نگیرند، مگر این که خداوند بخواهد. اوست که سزاوارِ پرهیزکاری و آمرزش می‌باشد.

سورهٔ قیامه (قیامت)

مکّی

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ سوگند به روز قیامت،
۲ و سوگند به نَفْسِ ملامت کننده [خود]،
۳ آیا انسان گمان دارَد که ما استخوان‌هایش را جمع نمی‌کنیم؟
٤ آری. ما قادریم سرانگشتانِ او را هم درست کنیم.
۵ [نه] بلکه انسان می‌خواهدَ به بدکاری‌اش در آینده نیز ادامه دهد.
٦ می‌پرسد که روز قیامت چه زمانی است؟
۷ پس آن گاه که چشم [از وحشت] خیره شود.
۸ و ماه، تیره [و تار] گردد.
۹ و آفتاب و ماه جمع شوند.
۱۰ آن روز انسان گوید: «گریزگاه کجاست؟»
۱۱ نه چنان است. پناهگاهی نخواهد بود.
۱۲ در آن روز قرارگاه، به سوی پروردگار تو باشد.
۱۳ در آن روز انسان را به آن چه از پیش فرستاده و به آن چه بر جای نهاده است، خبر می‌دهند.
۱٤ بلکه انسان بر نَفْسِ خویش بیناست.
۱۵ و هر چند که عذرهَایی بیاورد.
۱٦ زبانت را برای این که به آن شتاب کنی، حرکت نده.
۱۷ بی‌گمان گردآوری و خواندن آن بر ما باشد.
۱۸ پس آن گاه که ما آن را بخوانَیم، تو باید خواندنِ آن را پیروی کنی.
۱۹ پس آن گاه بیانش بر ما می‌باشد.

۲۰ نه چنان است. بلکه [شما] آن چه (دنیا) را که گذران است دوست دارید.
۲۱ و آخرت را رها می‌سازید.
۲۲ در آن روز چهره‌هایی شادان و درخشان باشد.
۲۳ [آنان] به سوی پروردگارشان بنگرند.
۲٤ و در آن روز چهره‌هایی عبوس و گرفته باشد.
۲۵ می‌پندارند که بلایی سخت به آنان می‌رسد که پشت را می‌شکند.
۲٦ نه چنان است. هنگامی که جان به گلو رسد.
۲۷ و گفته شود: «شفا دهنده [و نجات‌بخش] کیست؟»
۲۸ و یقین کند که زمانِ جدایی است.
۲۹ و ساق‌های پا به همَ پیچیده [و کارها دشوار] شود.
۳۰ [در آن روز] مسیرِ حرکت و رانده شدن به سوی پروردگارت باشد.
۳۱ پس او نه [حق را] پذیرفت و نه نماز را بپا داشت.
۳۲ و لیکن تکذیب کرد و رویْ گردانید.
۳۳ آن گاه خرامان و متکبّرانه به سوی کسانِ خود رفت.
۳٤ [ای کافر] وای بر تو! پس وای بر تو!
۳۵ سپس وای بر تو! پس وای بر تو!
۳٦ آیا انسان می‌پندارد که بیهوده و بی‌هدف رها شود؟
۳۷ آیا او نطفه‌ای ریخته شده از مَنی نبود؟
۳۸ پس از آن خونِ بسته شد. پس خداوند او را آفرید و راست و موزون ساخت.
۳۹ آن گاه [خداوند] از آن، دو زوجِ مرد و زن ساخت.
٤۰ آیا او قادر نیست مردگان را زنده کند؟

مدنی

سورهٔ انسان (دهر، روزگار)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ آیا بر انسان روزگاری گذشت که او چیزی قابل ذکر نبود؟
۲ به راستی ما انسان را از نطفه‌ای آمیخته آفریدیم، تا او را بیازماییم. پس او را شنوا و بینا ساختیم.
۳ بی‌گمان ما راه را به او نمایاندیم. یا سپاسگزار باشد و یا ناسپاس.
٤ بی‌تردید ما برای کافران زنجیرها و بندها و آتشی افروخته تدارک دیده‌ایم.
۵ به راستی نیکوکاران از جامی نوشند، که آمیخته به کافور است.

٦ چشمه‌ای که بندگانِ خداوند از آن می‌نوشند. آن را هر گونه بخواهند، روان می‌کنند.

٧ [آنان] به نذر [خود] وفا کنند. و از روزی که شرّ آن به هر جا کشیده شود، بترسند.

٨ و به خاطر دوستیِ او خوراکِ خود را به مسکین و یتیم و اسیر می‌دهند.

٩ [و گویند:] «ما به خاطرِ خوشنودیِ خداوند شما را طعام و خوراک می‌دهیم. از شما نه پاداشی و نه سپاسی می‌طلبیم.

١٠ بی‌گمان ما از پروردگارمان در آن روز عبوس و گرفته و دشوار می‌ترسیم.»

١١ پس خداوند آنان را از شرِّ آن روز نگه دارد. و به شادی و خرمی رساند.

١٢ و به سببِ این که شکیبایی کردند، به آنان بهشت و [جامهٔ] حریر پاداش دهد.

١٣ در آن جا بر تخت‌ها تکیه زنند و نه [سوزشِ] آفتابی و نه [لرزشِ] سرمایی در آن جا بینند.

١٤ و سایه‌های آن بر آنان نزدیک و میوه‌هایش در دسترسشان خواهد بود.

١٥ و جام‌هایی از نقره و کوزه‌های بلورین پیرامونشان گردانده شود.

١٦ بلورهای نقره فام که به اندازه ساخته‌اند.

١٧ و در آن جا آنان را از جامی که آمیخته با زنجبیل است، بنوشانند.

١٨ [و آن از] چشمه‌ای است که در آن جاست و «سلسبیل» (نوشیدنی خوشگوار) نامندش.

١٩ و پسرانی جاودانه جوان، پیرامونِ آنان می‌گردند، که چون آنان را بنگری، پنداری که مرواریدهای پراکنده هستند.

٢٠ و هنگامی که نگاه کنی، در آن جا نعمت و فرمانروایی بزرگ [برای بهشتیان] خواهی دید.

٢١ بر قامتشان دیبای سبزِ لطیف و دیبای درشتْ بافت و زیورشانْ دستبندهای نقره باشد و پروردگارشان آنان را شرابی پاک بنوشاند.

٢٢ بی‌گمان این پاداشِ شما باشد و کوششتان موردِ سپاس و قدردانی است.

٢٣ بی‌گمان ما به شیوه‌ای مخصوص «قرآن» را بر تو فرود آوردیم.

٢٤ پس برای حکمِ پروردگارتْ شکیبا باش و از هیچ بدکارِ گناهکار یا کافرِ ناسپاسی از آنان اطاعت مکن.

٢٥ و نام پروردگارت را هر بامداد و شامگاه یاد کن.

۲٦ و در پاسی از شب او را سجده [و عبادت] کن. و شبی طولانی او را به پاکی ستایش بنما.
۲۷ بی‌گمان اینان (مردمِ کافر) آن چه را که گذران است (دنیا را)، دوست می‌دارند و روزی سنگین [و طاقت فرسا] را که در پیش دارند، پشت سر می‌افکنند.
۲۸ ما آنان را آفریدیم و بنیانشان را محکم ساختیم. و اگر بخواهیم، آنان را به شیوه‌ای مخصوص به مانندشان تبدیل خواهیم کرد.
۲۹ بی‌گمان این پندی است. پس هر کس که بخواهد [می‌تواند] به سوی پروردگار خود راهی در پیش بگیرد.
۳۰ و شما چیزی نخواهید، جز این که خداوند بخواهد. بی‌گمان خداوند، دانای حکیم است.
۳۱ هر که‌را خواهد، در رحمت خویش آورد. و برای ستم پیشگان عذابی دردناک آماده کرده‌است.

سورۀ مُرسلات (بادهای فرستاده شده)

مکّی

به نام خداوند بخشندۀ مهربان

۱ سوگند به بادهای پی در پی فرستاده شده،
۲ آن گاه به بادهای بسیار تند و برکَننده [سوگند]،
۳ سوگند به بادهایی که به سختی می‌پراکنند،
٤ سپس به فرشتگانی که حق را از باطل جدا می‌کنند [سوگند]،
۵ پس به القاکنندگان ذکر («قرآن») [سوگند]،
٦ برای رفع بهانه و یا برای بیم دادن،
۷ بی‌تردید آن چه به شما وعده داده می‌شود، واقع شدنی است.
۸ پس آن گاه که ستارگان تاریک شوند،
۹ و آن گاه که آسمان شکافته شود،
۱۰ و آن گاه که کوه‌ها برکنده شوند،
۱۱ و آن گاه که وقتِ تعیین شده برای رسولان فرا رسد،
۱۲ برای کدام روز کار به تأخیر افتاد؟
۱۳ برای روز «فصل» (روز جدایی کافر و مؤمن).
۱٤ و تو چه دانی که روز «فصل» چه روزی است؟
۱۵ در آن روز وای بر تکذیب کنندگان!
۱٦ آیا گذشتگان را هلاک نکردیم؟
۱۷ پس به دنبال آنان بعدی‌ها را هم خواهیم برد.
۱۸ ما با گناهکاران چنین کنیم.
۱۹ در آن روز وای بر تکذیب کنندگان!

۲۰ آیا ما شما را از آبی ناچیز نیافریدیم؟
۲۱ پس آن را در جایی (در رَحِمِ مادر) استوار قرار دادیم.
۲۲ تا وقتی معین و معلوم.
۲۳ پس ما به اندازه آفریدیم و ما نیک قادر و توانابیم.
۲٤ در آن روز وای بر تکذیب کنندگان!
۲٥ آیا ما زمین را جایگاه قرار ندادیم؟
۲٦ [جایگاهی] برای زندگان و مردگان.
۲۷ و در آن کوه‌های پا بر جا و بلند قرار دادیم و شما را آبی گوارا نوشاندیم.
۲۸ در آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان!
۲۹ اینک به سوی آن چه دروغ می‌پنداشتید، بروید.
۳۰ به سوی سایه‌ای سه شعبه [از دود] رهسپار شوید.
۳۱ که نه سایه دارد و نه [شما را] از شعله‌وری [آتش] نگه می‌دارد.
۳۲ بی‌تردید شعله و شراره‌هایش همچون کاخی رفیع است.
۳۳ گویی شترانی زردفام هستند.
۳٤ در آن روز وای بر تکذیب کنندگان!
۳٥ این روزی است که [کافران] سخنی نخواهند گفت.
۳٦ و آنان را اجازه ندهند که عذری آورند.
۳۷ در آن روز وای بر تکذیب کنندگان!
۳۸ چنین روز، روز «فصل» (روز داوری و جدایی) است، که‌شما و گذشتگان‌را گردِهم‌آوریم.
۳۹ پس اگر حیله‌ای دارید، با من حیله کنید.
٤۰ در آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان!
٤۱ بی‌گمان پرهیزکاران در سایه‌ها و[کنار] چشمه‌ها باشند.
٤۲ و از میوه هر چه میل داشته باشند [هَست].
٤۳ به سبب کرداری که داشته‌اید، [اینک] بخورید و بنوشید، که گواراتان باشد.
٤٤ بی‌گمان ما نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم.
٤٥ در آن روز وای بر تکذیب کنندگان!
٤٦ بخورید و اندکی بهره گیرید، که شما گناهکار هستید.
٤۷ در آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان!
٤۸ و هنگامی که به آنان گفته شود رکوع کنید (اظهار اطاعت کنید) رکوع نکنند.
٤۹ در آن روز وای بر تکذیب کنندگان!
٥۰ پس بعد از آن به کدامین سخن ایمان می‌آورند؟

مکّی

سورهٔ نَباء (خبر)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ [مردم] از یکدیگر از چه می‌پرسند؟
۲ از آن خبر عظیم.
۳ که دربارهٔ آن اختلاف کردند.
٤ نه چنان باشد. [بلکه] به زودی بدانند.
٥ سپس نه چنان باشد. [بلکه] به زودی بدانند.
٦ آیا ما زمین را مهد و قرارگاه قرار ندادیم؟
۷ و کوه‌ها را [به سان] میخ‌ها [نساختیم]؟
۸ و شما را جفت آفریدیم.
۹ و خوابِ شما را مایهٔ آرامش قرار دادیم.
۱۰ و شب را پوششی قرار دادیم.
۱۱ و روز را برای تلاشِ معاش قرار دادیم.
۱۲ و بر فرازِ شما هفت [آسمانِ] محکم و استوار ساختیم.
۱۳ و چراغیِ فروزان قرار دادیم.
١٤ و از ابرهای بارنده آبی ریزان فرو فرستادیم.
۱٥ تا به آن [آب] دانه و گیاه برویانیم.
١٦ و باغ‌هایی پُر درخت.
۱۷ به درستی آن وعده‌گاه روز «فصل» (روز داوری و جدایی) است.
۱۸ روزی که در «صور» دمیده شود. پس گروه گروه بیایید.
۱۹ و آسمان گشوده شود. پس درهایی باشد.
۲۰ و کوه‌ها به حرکت درآورده شوند. پس سرابی باشد.
۲۱ بی‌گمان دوزخ در کمین است.
۲۲ [دوزخ] برای گردنکشان، جایگاهِ بازگشت است.
۲۳ زمان‌هایی بسیار طولانی در آن بمانند.
٢٤ در آن نه خنکی چشند و نه نوشیدنی.
۲٥ مگر آبی جوشان و چرکین.
٢٦ کیفری در خورِ آنانست.
۲۷ آنان که امید [وَ انتظار] حسابرسی را نداشتند.
۲۸ و آیات ما را سخت تَکذیب می‌کردند.
۲۹ و ما هر چیزی را در کتابی به شمار آوردیم.
۳۰ پس بچشید! که هرگز چیزی جز بر عذابِ شما نیفزاییم.

۳۱ بی‌گمان برای پرهیزکاران ْ رستگاری و کامکاری وجود دارد.
۳۲ بوستان‌هایی با درختان انگور.
۳۳ و دوشیزگانی نارپستان و همسال.
۳٤ و جام‌هایی سرشار [از شرابی خوشگوار].
۳۵ در آن جا سخنِ بیهوده و دروغ نشنوند.
۳٦ پاداشی ازجانبِ پروردگارت است. بخششی حساب شده و در حدٍّ کفایت باشد.
۳۷ پروردگارِ آسمان‌ها و زمین و آن چه میانِ این دو هست، بخشاینده‌ای است که مالکِ خطابی ازَ او نیستند.
۳۸ آن روز که روح و فرشتگان به صف ایستند، هیچ کس سخنی نگوید، مگر آن که [خداوندِ] بخشنده او را اجازه دهد و راست بگوید.
۳۹ آن روز، حق است. پس هر که خواهد، به سوی پروردگارش راهِ بازگشتی در پیش گیرد.
٤۰ بی‌گمان ما شما را از عذابی که نزدیک است، بیم داده‌ایم. روزی که آدمی آن چه را که با دستان خود پیش فرستاده است، ببیند. و کافر بگوید: «ای کاش خاک بودم.»

مکّی سورهٔ نازعات (جان درآوران)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ سوگند به آنان که به سختی جان از تن می‌گیرند،
۲ سوگند به آنان که به آرامی جان از تن می‌گیرند،
۳ سوگند به آنان که با نهایتِ سرعت به حرکت در آیند،
٤ پس به شتاب پیشی گیرند،
۵ پس به تدبیرکنندگان امر،
٦ آن روز که لرزنده (زَمین) بلرزد.
۷ به دنبالِ آن لرزه‌ای دگر رخ دهد.
۸ در چنانَ روزی دل‌هایی هراسان است.
۹ چشمانشان به زیر افکنده باشد.
۱۰ [کافران] گویند: «آیا ما به حالِ نخستین بازگردانده شویم؟
۱۱ آن گاه که استخوان‌های پوسیدَه شدیم؟»
۱۲ گفتند: «آن گاه این بازگشتی زیانکارانه است.»
۱۳ پس آن غیر از بانگی رسا و بلند نخواهد بود.
۱٤ پس در آن هنگام آنان در زمینِ همواری باشند.
۱۵ آیا داستانِ «موسی» به تو رسیدَ؟

١٦ آن گاه که پروردگارش او را در وادی مقدّس «طوی» ندا داد.
١٧ [و گفت:] به سوی «فرعون» برو، که او سرکَشی کرده است.
١٨ پس بگو: «آیا می‌خواهی پاک شوی؟
١٩ و من تو را به سوی پروردگارت هدایت کنم. پس از او بیم داشته باشی.»
٢٠ پس [«موسی» به سوی او رفت و] معجزۀ بزرگ‌تر را به او نشان داد.
٢١ پس [«فرعون»] تکذیب کرد و سرکشی نمود.
٢٢ سپس رویْ بر گرفت و به کوشش پرداخت.
٢٣ آن گاه [ملّت خود را] گردِ هم آورد و آنان را ندا داد.
٢٤ پس گفت: «منم پروردگار برتر شما.»
٢٥ پس خداوند او را به عقوبتِ آخرت و دنیا گرفت.
٢٦ بی‌گمان در این بینش و عبرتی است برای آن کس که بترسد.
٢٧ آیا آفرینش شما دشوارتر است، یا آسمانی که او بنا نهاد؟
٢٨ سقف آن را برافراشت و آن را بیاراست.
٢٩ و شب آن را تاریک کرد و روشنیِ روز آن را برون آورد.
٣٠ و پس از آن زمین را گسترد.
٣١ و از آن آب آن و چراگاهش را بیرون آورد.
٣٢ و کوه‌ها را استوار و برقرار نمود.
٣٣ برای بهره‌گیری شما و چهار پایانتان.
٣٤ پس هنگامی که آن رویدادِ بزرگ‌تر (قیامت) بیاید،
٣٥ آن روز انسانْ کوششی را که کرده است، به یاد آورد.
٣٦ و برای آن کس که ببیند، دوزخ آشکار شود.
٣٧ پس امّا آن کس که سرکشی کرد،
٣٨ و زندگانیِ این دنیا را برگزید،
٣٩ بی‌گمان دوزخ نشین باشد.
٤٠ و امّا آن کس که از مقامِ پروردگارش [و از حضور خود در پیشگاه خداوند] ترسید، و نَفْس
خویش را از هوی و هوس نهی کرد،
٤١ بی‌گمان بهشت جایگاهِ او باشد.
٤٢ دربارۀ قیامت از تو می‌پرسند که چه هنگام بر پا شود؟
٤٣ تو را چه به ذکر [هنگام] آن؟
٤٤ [دانش هنگامِ قیامت] به پروردگارت منتهی شود.
٤٥ تو تنها بیم‌دهنده هستی به هر کس که از آن بترسد.
٤٦ روزی که آن را ببینند، گویی آنان جز شبانگاهی یا چاشتگاهی نمانده‌اند.

مکّی سورۀ عبس (روی ترش کرد، اعمی، نابینا)

به نام خداوند بخشندۀ مهربان

۱ رویْ ترش کرد و پشت نمود.
۲ از این که نابینا به سویش آمد.
۳ و تو چه می‌دانی، شاید او پاکی پذیرد.
٤ یا پندی بپذیرد و این پند او را سودی دهد.
٥ امّا آن که خود را بی‌نیاز داند،
٦ پس تو به او می‌پردازی.
۷ و بر تو باکی نیست، اگر او پاکی نپذیرد.
۸ و امّا آن کس که شتابان به سوی تو می‌آید،
۹ و او [از خداوند] بیمناک است.
۱۰ پس تو از توجه به او خودداری می‌کنی و به دیگری می‌پردازی؟
۱۱ نه چنان است. این پندی است.
۱۲ پس هر که خواهد، از آن پند گیرد.
۱۳ در صحیفه‌های گرامی باشد.
۱٤ بلند قدر و پاکیزه.
۱٥ به دستِ فرشتگان (نویسندگان) سفیر،
۱٦ گرامی و نیکوکارَ.
۱۷ کشته باد انسان! چه چیز او را ناسپاس کرد؟
۱۸ [خدا] او را از چه چیز آفرید؟
۱۹ او را از نطفه‌ای آفرید. پس آن را اندازه کرد.
۲۰ پس راهش را آسان نمود.
۲۱ آن گاه او را بمیراند و در گور کرد.
۲۲ سپس آن زمان که بخواهد، او را برانگیزد.
۲۳ نه چنان است. هنوز آن چه را که [خداوند] به او امر کرده است، انجام نداده است.
۲٤ پس آدمی باید به خوراکِ خود نگاه کند.
۲٥ به راستی ما آب را فرو ریختیم، فرو ریختنی.
۲٦ سپس زمین را به شیوه‌ای مخصوص شکافتیم.
۲۷ و در آن دانه رویاندیم.
۲۸ و انگور و سبزی خوردنی.
۲۹ و زیتون و نخلِ خرما.
۳۰ و باغ‌های پُر درَخت.
۳۱ و میوه و چراگاه [رویاندیم].
۳۲ [که] برای شما و چهارپایانتان بهره‌مندی باشد.
۳۳ پس آن گاه که صیحۀ عظیم آید.
۳٤ روزی که هر کس از برادر خویش بگریزد.
۳٥ و از مادر و پدر خویش،
۳٦ و از همسر و پسران خویش [بگریزد].
۳۷ در چنان روزی هر یک از آنان را کاری است که مشغول آنست.
۳۸ در آن روز چهره‌هایی فروزان و تابناک است.
۳۹ خندان و شادان.
٤۰ و در آن روز چهره‌هایی غبارآلود است.
٤۱ آن‌ها را سیاهی فرا گیرد.
٤۲ آنان کافران تبهکارند.

مکّی

سورهٔ تکویر (در هم پیچیدن، کوّرت)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ آن گاه که خورشید در هم پیچیده شود،
۲ و آن گاه که ستارگان تاریک شوند،
۳ و آن گاه که کوه‌ها به حرکت درآیند،
٤ و آن گاه که شترهای آبستن رها شوند،
۵ و آن گاه که جانورانِ وحشی گردِ هم آورده شوند،
٦ و آن گاه که دریاها تَوفانی شوند و بالا آیند،
۷ و آن گاه که جان‌ها به تن‌ها بازگردانده شود (نفوس جفت شود)،
۸ و آن گاه که از دخترِ زنده به گور بپرسند،
۹ به کدام گناه کشته شَده است؟
۱۰ و آن گاه که کتابِ کردار گشوده شود،
۱۱ و آن گاه که آسمانَ برکنده شود،
۱۲ و آن گاه که دوزخ برافروخته شود،
۱۳ و آن گاه که بهشت نزدیک شود،
۱٤ هر کس (هر نَفْسی) بداند آن چه را که پیش آورده است.
۱۵ پس سوگند به ستارگان بازگردنده،
۱٦ [به ستارگانی] که به گَردش آیند و پنهان شوند،
۱۷ سوگند به شب هنگامی که تاریک شود،
۱۸ سوگند به بامداد هنگامی که پدید آید،
۱۹ که این، گفتارِ فرستاده‌ای بزرگوار است.
۲۰ نیرومندی که نزدِ صاحبِ عرش دارای منزلتِ والاست.
۲۱ اطاعتش کنند و امین استَ.
۲۲ و دوست شما («محمّد») دیوانه نیست.
۲۳ و به راستی او («جبرئیل») را در افق روشن دید.
۲٤ و او بر [بازگو کردن] غیب، بخیل نیست.
۲۵ و آن، سخنِ شیطانِ رانده شده نیست.
۲٦ پس به کجاَ می‌رویدَ؟
۲۷ این جز پندی برای جهانیان نباشد.
۲۸ برای هر کس از شما که بخواهد، راه راست را در پیش گیرد.
۲۹ و شما چیزی را نخواهید خواست، مگر آن که «اللّه» که پروردگار جهانیان است، بخواهد.

مکّی

سورهٔ انفطار (شکافتن)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ آن گاه که آسمان شکافته شود،
۲ و آن گاه که ستارگان فرو ریزند و پراکنده شوند،
۳ و آن گاه که دریاها برکنده و پیوسته شوند،
٤ و آن گاه که گورها زیر و رو گردند،
۵ در این هنگام هر کس (هر نَفْسی) بداند آن چه را که پیش فرستاد و آن چه را که باز
پس گذاشت.
٦ ای انسان، چه چیز تو را به پروردگار کریم خود مغرور (غافل و بی‌پروا) ساخت؟
۷ کسی که تو را آفرید، سپس اندامت را بیاراست و آن گاه متعادلت نمود.
۸ به هر صورتی که خود خواست، تو را ترکیب کرد.
۹ نه چنان است. بلکه شما روز قیامت را دروغ می‌پندارید.
۱۰ و بی‌تردید پاسدارانی بر شما باشند.
۱۱ نویسندگانی گرانقدر،
۱۲ که آن چه را که می‌کنید، می‌دانند.
۱۳ البته نیکوکاران در ناز و نعمت باشند.
١٤ و به راستی بدکاران در دوزخ باشند،
۱۵ که در روز جزا به آن درافتند و در آتش آن بسوزند.
١٦ و هیچ از دوزخْ غایب [و بیرون آمدنیَ] نباشند.
۱۷ و تو چه دانی که روز جزا چیست؟
۱۸ سپس، تو چه دانی که روز جزا چیست؟
۱۹ روزی است که کسی برای کسی هیچ قدرتی ندارد و هیچ کار نتواند کرد و در آن
روز، حکم و فرمان تنها از آنِ خداوند است.

مکّی سورهٔ مطَفِّفین (کم فروشان، تطفیف، کم فروشی)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ وای بر کم فروشان!
۲ کسانی که هنگامِ گرفتنِ پیمانه از مردم، تمام و کمال می‌ستانند؛
۳ و هنگامی که برای آنانَ پیمانه کنند و یا وزن کنند، کم می‌دهند.
٤ آیا آنان نمی‌پندارند که برانگیخته خواهند شد؟
۵ برای روزی عظیم.
٦ روزی که مردم در پیشگاهِ پروردگار جهانیان بایستند.

۷ نه چنان است [که کافران می‌پندارند]. بی‌گمان کتابِ بدکاران در «سِجّین» است.
۸ و تو چه می‌دانی‌که «سِجّین» چیست؟
۹ کتابی است نوشته شده.
۱۰ در آن روز وای بر تکذیب کنندگان!
۱۱ آنان که روز دادرسی را دروغ پندارند.
۱۲ و کسی آن را دروغ نمی‌پندارد، جز همهٔ درگذرندگانِ از حدود و گناهکاران.
۱۳ هنگامی که آیاتِ ما بر او خوانده شود، گوید: «افسانه‌های پیشینیان است.»
۱٤ نه چنان است [که کافران می‌پندارند]. بلکه آن چه کسب می‌کردند (دستاوردشان) غلبه بر دل‌هایشان کرده است.
۱۵ نه چنان است [که کافران می‌پندارند]. بی‌گمان در آن روز آنان از پروردگارشان محجوب باشند.
۱٦ سپس آنان در آتشِ دوزخ آیند و بسوزند.
۱۷ آن گاه به آنان گفته شود: «این است آن چه شما آن را دروغ می‌پنداشتید.»
۱۸ نه چنان است [که کافران می‌پندارند]. بی‌گمان کتاب نیکان در «عِلّیّین» (جایی بس والا) است.
۱۹ و تو چه دانی که «عِلّیّون» چیست؟
۲۰ کتابی است نوشته شده.
۲۱ مقرّبانْ آن را مشاهده کنند.
۲۲ بی‌گمان نیکوکاران در ناز و نعمت باشند.
۲۳ بر تخت‌ها نظاره‌کنان.
۲٤ در چهره‌هایشان طراوتِ نعمت را می‌بینی.
۲۵ به آنان شرابی ناب و سر به مُهر نوشانده شود.
۲٦ که به مُشکْ مُهر شده است، و برای [رسیدن به] این شرابْ مشتاقان باید [در کار خیر از یکدیگر] پیشی گیرند.
۲۷ و آمیزهٔ آن [شراب] از «تسنیم» است.
۲۸ [تسنیم] چشمه‌ای است که نزدیکان [درگاه خداوند] از آن نوشند.
۲۹ بی‌گمان گناهکاران به کسانی که ایمان آوردند، می‌خندیدند.
۳۰ و هنگامی که از کنارشان عبور می‌کردند، با اشارهٔ چشم [آنان را] به ریشخند می‌گرفتند.
۳۱ و هنگامی که به سوی خانواده خود باز می‌گشتند، شادمان باز می‌گشتند.
۳۲ و هنگامی که آنان (مؤمنان) را می‌دیدند، می‌گفتند: «اینان گمراه باشند.»
۳۳ و آنان برای پاسداری از آن‌ها (مؤمنان) فرستاده نشده بودند.
۳٤ پس امروز کسانی که ایمان آوردند، به کافران می‌خندند.

۳۵ به روی تخت‌ها نظاره می‌کنند.
۳٦ آیا کافران به آن چه می‌کردند، کیفر یافتند؟

مکّی

سورهٔ انشقاق (شکافته شدن)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ آن گاه که آسمان شکافته شود.
۲ و فرمان پروردگارش را که سزاوارِ آنست، به جای آورد.
۳ و آن گاه که زمین کشیده و هموارَ گردد.
٤ و آن چه را که درونش است، بیرون افکند و خالی گردد.
۵ و فرمانِ پروردگارش را که سزاوارِ آنست، به جای آورد.
٦ ای انسانَ، تو به سوی پروردگارتَ در تلاشی مؤثر هستی. پس به دیدارش برسی.
۷ پس هر که نامهٔ اعمالش به دست راستش داده شود،
۸ پس زودتر و به آسانی به حسابش رسیده شود.
۹ و شادمانه به سوی کسان خود بازگردد.
۱۰ و امّا هر که نامهٔ اعمالش از پشت سرش به او داده شود،
۱۱ پس زودْ آرزوی هلاکت کند.
۱۲ و او به آتشِ سوزان درآید.
۱۳ البته او میانَ کسان خود شادمان بود.
١٤ گمان می‌کرد که هرگز [به سوی خداوند] بازنگردد.
۱۵ آری، بی‌گمان پروردگارش به او بیناست.
١٦ پس سوگند به سرخیِ افقِ مغرب،
۱۷ سوگند به شب و آن چه فَراگیرد،
۱۸ سوگند به ماه هنگامی که بَدْرِ کامل شود،
۱۹ که شما احوالِ گوناگون خواهَید یافت.
۲۰ پس آنان را چَه می‌شود، که ایمان نمی‌آورند؟
۲۱ و هنگامی که «قرآن» بر آنان خوانده می‌شود، سجده نمی‌کنند؟
۲۲ بلکه آنان که [به خداوند] کفر می‌ورزند، [سخنان «محمّد» را] تکذیب می‌کنند.
۲۳ و خداوند به آن چه درون خود پنهان دارند، داناتر است.
٢٤ پس آنان را به عذابی دردناک خبر ده!
۲۵ مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیکو کردند، که برایشان پاداشی بی‌نهایت خواهد بود.

مکّی

سورهٔ بُروج (برج ها)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ سوگند به آسمان که دارای برج‌هاست،
۲ سوگند به روز موعود،
۳ سوگند به شاهد و مشهود،
٤ مرگ بر صاحبان «اُخْدود» (گودال) باد!
٥ [گودالی که در] آن آتش برافروخته [بودند]،
٦ آن گاه که بر آن [آتش] نشسته بودند.
۷ و بر آن چه با مؤمنان می‌کردند، گواه بودند.
۸ و عیبی بر آنان نگرفتند، جز این که [مؤمنان] به خداوندِ عزیز و ستوده ایمان داشتند.
۹ آن که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آنِ اوست. و خداوند بر همه چیز گواه است.
۱۰ بی‌گمان کسانی که مردان مؤمن و زنانِ مؤمن را به فتنه گرفتار کردند، سپس توبه نکردند، عذابِ دوزخ برایشان باشد و عذابِ آتش برای آنان است.
۱۱ بی‌گمان کسانی که ایمان آوردند و نیکوکاری کردند، برایشان بهشت‌هایی است، که از زیرِ آن‌ها جویبارها جاری است. اینست رستگاریِ بزرگ.
۱۲ بی‌تردید، گرفتن و مجازات پروردگارت سخت و شدید است.
۱۳ اوست که در آغاز بیافریند و باز می‌گرداند.
۱٤ و او آمرزگار مهربان است.
۱٥ صاحبِ عرشِ گرامی.
۱٦ آن چه خواهد، همان کند.
۱۷ آیا خبر سپاهیان به تو رسید؟
۱۸ [سپاهیانِ] «فرعون» و «ثمود».
۱۹ بلکه کسانی که کافر شدند، در تکذیب هستند.
۲۰ و خداوند از فراسویشان بر آنان احاطه دارد.
۲۱ البته این «قرآنی» گرامی است.
۲۲ در لوحی محفوظ.

مکّی

سورهٔ طارق (پدیدار شونده در شب)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ سوگند به آسمان و به آن چه در شب آید،
۲ و تو چه دانی که «آن چه در شب آید» چیست؟
۳ ستارهٔ درخشان است.
٤ هیچ کس وجود ندارد، مگر این که بر او پاسداری است.
٥ پس باید آدمی بنگرد که از چه چیز آفریده شده است.
٦ از آبی جهنده آفریده شده است،
۷ که از میان ستون فقرات (پشتِ کمر) و استخوان‌های سینه بیرون می‌آید.
۸ بی‌گمان اوَ (پروَردگار) بر بازگرداندنِ او تواناست.
۹ روزی که پنهان‌ها پیدا شوند.
۱۰ پس برایش نه نیرویی باشد و نه مددکاری.
۱۱ سوگند به آسمان بارنده سوگند،
۱۲ سوگند به زمین شکافنده،
۱۳ که این («قرآن») سخنی تفکیک کننده [راست و ناراست] است.
۱٤ و آن، سخن بیهوده و سست نیست.
۱٥ بی‌تردید آنانَ مَکر می‌کنند و نیرنگ می‌زنند.
۱٦ و من مَکر می‌کنم و نیرنگ می‌زنم.
۱۷ پس کافران را مهلتی بده، مهلتی اندک.

مکّی

سورهٔ اعلی (برتر و بالاتر)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ ستایشْگوی اسم پروردگارت باش، که برتر است.
۲ آن کس که آفرید و کامل آفرید.
۳ و آن کس که [به هر چیزی] اندازه‌ای داد [روی حساب] و هدایت نمود.
٤ و آن کس که چراگاه را برآورد.
٥ سپس آن را خشک و سیاه گردانید.
٦ ما [«قرآن» را] بر تو خواهیم خواند و تو از یاد نخواهی برد.
۷ مگر آن چه خداوند خواهد، که بی‌گمان او آن چه را که عیان و نهان است، می‌داند.
۸ و ما برای تو راهی سهل‌تر و آسان‌تر فراهم می‌کنیم.
۹ پس پند بده، اگر پندآموزی سود بخشد.
۱۰ پند گیرد آن که [از سرانجامِ خویش] بیمناک باشد.
۱۱ و دوری گزیند آن که تیره رَوزتر است.
۱۲ آن کس که به آتش بزرگ‌تر درافتد.
۱۳ آن گاه نه در آن [آتَش] بمیرد و نه زنده گردد.
۱٤ بی‌گمان آن کس که پاک شد، پیروز گردید.
۱٥ و نام پروردگارش را یاد کرد و نماز به جای آورد.

١٦ بلکه زندگی دنیا را بر می‌گزینید.
١٧ و آخرت نیکوتر و جاودانه‌تر است.
١٨ بی‌گمان این‌ها در «کتاب»های [آسمانیِ] پیشینیان هم وجود دارد،
١٩ «کتاب»های «ابراهیم» و «موسی».

مکّی سورهٔ غاشیه (پوشندهٔ دوزخیان، قیامت)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

١ آیا خبر آن [رستاخیزِ] فراگیر به تو رسید؟
٢ در آن روز چهره‌هایی ذلیل و خوار باشد.
٣ آنان که پیوسته عمل کرده [و بیهوده] رنج کشیده‌اند.
٤ به آتشی فروزان درآیند.
٥ از چشمه‌ای داغ به آنان آب داده شود.
٦ طعامشان غیر از بوته‌های خشکِ خاردارِ تلخ (ضریع) نیست،
٧ که نه فربه سازد و نه گرسنگی را از بین برد.
٨ در آن روز چهره‌هایی شادمان باشد.
٩ از کوششِ خویش خرسند،
١٠ در بهشتیِ بس نکو و عالی.
١١ در آن جا سخنِ لغو و بیهوده‌ای نشنوند.
١٢ در آن جا چشمه‌ای روان باشد.
١٣ در آن جا سریرها و تخت‌هایی بلند و پُر ارج باشد.
١٤ و قدح‌های بزرگ گذاشته‌اند.
١٥ و بالش‌های مرتب و ردیف.
١٦ و فرش‌ها گسترده باشند.
١٧ آیا به شتر نمی‌نگرند، که چگونه آفریده شده؟
١٨ و به آسمان که چگونه برافراشته شده؟
١٩ و به کوه‌ها که چگونه برنشانده شده؟
٢٠ و به زمین که چگونه گسترده شده است؟
٢١ پس پند بده که تو فقط پند دهنده‌ای.
٢٢ تو بر آنان فرمانروا و مسلّط نیستی.
٢٣ مگر آن کس که پشت کرد و کافر شد،
٢٤ آن گاه خداوند او را به عذابی بزرگ‌تر عذاب کند.
٢٥ بی‌گمان بازگشتشان به سوی ماست.
٢٦ آن گاه حسابشان [هم] بر [عهدهٔ] ماست.

مکّی

سورهٔ فجر (سپیدهٔ بامداد)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ سوگند به سپیدهٔ بامداد،
۲ سوگند به شب‌های ده‌گانه،
۳ سوگند به جفت و طاق،
٤ سوگند به شب چون بگذرد،
۵ آیا در این [سوگندها] برای خردمندْ سوگندی است؟
٦ آیا ندیدی که پروردگارت با «عاد» چه کرد؟
۷ [چه کرد با] قبیلهٔ «اِرَم» صاحبِ ستون‌ها؟
۸ که مانندِ آن در شهرها آفریده نشده بود.
۹ و [چه کرد با] قوم «ثمود» که در وادی سنگ بزرگ می‌بریدند؟
۱۰ و «فرعونِ» صاحب میخ‌ها[ی شکنجه‌گری].
۱۱ آنان که در شهرها طغیان و سرکشی کردند.
۱۲ و در آن جا فسادِ بسیار بپا کردند.
۱۳ پس پروردگارِ تو تازیانهٔ عذاب را بر آنان فرود آورْد.
١٤ بی‌گمان پروردگار تو در کمینگاه است.
۱۵ و امّا انسان هنگامی که پروردگارش او را بیازماید و گرامیش دارد و نعمتش بخشد، پس بگوید: «پروردگار من، گرامیم داشته است.»
١٦ و امّا آن هنگام که او را بیازماید و رزق و روزیش را بر او تنگ گیرد، پس گوید: «پروردگارِ من خوارم داشته است.»
۱۷ نه چنین است. بلکه شما یتیم را گرامی نمی‌دارید.
۱۸ و بر اطعامِ مسکین و بینوا تشویق نمی‌کنید.
۱۹ و میراث را بی‌پروا و یک‌جا می‌خورید.
۲۰ و ثروت را بسیار آزمندانه دوست دارید.
۲۱ نه چنان است. آن هنگام که زمین در هم کوبیده و نرم شود،
۲۲ و پروردگارت آید با فرشتگانی صف در صف.
۲۳ در چنان روزی دوزخ آشکار شود. روزی که انسان به یاد آورد. و آن یادآوری برایش چه فایده دارد؟

٢٤ گوید: «ای کاش برای این زندگانی‌ام [توشه‌ای] از پیش می‌فرستادم!»
٢٥ پس در آن روز کسی چون او (خداوند) عذاب نکند.
٢٦ و مانند او (خداوند) کسی در بند گرفتار نکند.
٢٧ هان ای نَفْسِ آرام!
٢٨ به سوی پروردگارت بازگرد، با خوشنودی تو [از پروردگارت]و خوشنودیِ[پروردگارت] از تو.
٢٩ پس در صفِ بندگان من درآی.
٣٠ و به بهشت من داخل شو.

مکّی

سورهٔ بَلَد (شهر)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

١ سوگند به این شهر («مکّه»)،
٢ و حال آن که تو در این شهرْ منزل داری،
٣ سوگند به پدر و به آن چه از او تولد یافت،
٤ البته ما انسان را در سختی و رنج آفریدیم.
٥ آیا می‌پندارد که کسی بر او چیره نشود؟
٦ می‌گوید: «من ثروتِ فراوانی به باد دادم [تا چنین شدم].»
٧ آیا گمان بَرَد، که کسی او را ندیده است؟
٨ آیا برایش دو چشمْ قرار ندادیم؟
٩ و یک زبان و دو لب؟
١٠ و دو راهِ نیک و بد را به او ننمودیم؟
١١ پس او سختی‌های بالا رفتن از کوهی دشوار («عَقَبه») را بر خود هموار نکرد.
١٢ و تو چه دانی که عَقَبه چیست.
١٣ آزاد کردنِ برده‌ای است.
١٤ یا خوراکَ دادن به روزگار گرسنگی [و قحطی] است،
١٥ به یتیمی که از خویشاوندان است،
١٦ یا بینوایی که بر خاک [نگون‌بختی] نشسته است.
١٧ آن گاه از کسانی است که ایمان آورده‌اند و [یکدیگر را] به شکیبایی سفارش کرده‌اند و به لطف و مرحمت توصیه نموده‌اند.
١٨ آنان یاران دستِ راست (نیک‌بختان) باشند.
١٩ و کسانی که به آیات ما کافر شدند، یاران دستِ چپ (تیره‌بختان) هستند.
٢٠ بر آنان آتشی سر پوشیده احاطه خواهد داشت.

مکّی

سورهٔ شمس (خورشید)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ سوگند به خورشید و روشنایی‌اش،
۲ سوگند به ماه، هنگامی که از پی آن (خورشید) درآید،
۳ سوگند به روز هنگامی که آن را روشن و آشکار کند،
٤ سوگند به شب هنگامی که آن (روز) را بپوشاند،
٥ سوگند به آسمان و آن که آن را ساخته است،
٦ سوگند به زمین و آن که آن را گسترد،
۷ به وجود (نَفْس) آدمی و آن که او را با اندام کامل آراست، سوگند،
۸ پس به او گناه و پرهیزکاریش را الهام کرد،
۹ بی‌گمان آن کس که آن (نَفْس خود) را پاک گرداند، رستگار شد.
۱۰ و بی‌گمان آن کس که آن (نَفْس خود) را آلوده گرداند، زیانکار شد.
۱۱ قوم «ثمود» به دلیل سرکشی خود [حق را] تکذیب کردند.
۱۲ هنگامی که سرکش‌ترین آنان برانگیخته شد.
۱۳ پس پیامبر خداوند به آنان گفت: «[این] شترِ خداوند را با آبشخورش واگذارید (آزارش نکنید).»
١٤ پس او (پیامبر) را تکذیب کردند و آن [شتر] را پی کردند. پس پروردگارشان عذاب را بر آنان به دلیل گناهشان فرو فرستاد و همگی را هلاک ساخت.
۱٥ و هیچ باک از فرجامِ آنان نداشت.

مکّی

سورهٔ لیل (شب)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ سوگند به شب آن گاه که [همه چیز را] می‌پوشاند،
۲ سوگند به روز آن گاه که به روشنی پدیدار می‌شود،
۳ سوگند به آن که نر و ماده را آفرید،
٤ که کوشش شما گوناگون باشد.
٥ پس آن کس که بخشید و پرهیزکاری کرد،
٦ و نیکویی را تصدیق کرد،
۷ پس به زودی او را برای کار آسان‌تر آماده سازیم.
۸ و امّا آن کس که بخل ورزید و خود را بی‌نیاز شمرد،
۹ و نیکویی را تکذیب نمود،
۱۰ پس به زودی او را برای کار دشوارتر آماده سازیم.
۱۱ و هنگامی که هلاک شود، ثروتش بی‌نیازش نگرداند.
۱۲ البته راه نمودن بر [عهده] ما باشد.
۱۳ و بی‌گمان آن جهان و این جهان از آن ماست.
١٤ پس شما را از آتشی که شعله‌ور است، بیم می‌دهم.

۱۵ که در آن وارد نشود، مگر بدبخت‌ترین مردم،
۱٦ آن کس که تکذیب کرد و پشت نمود.
۱۷ و هر آن کس که پرهیزکارتر است، از آن [آتش] ایمن باشد.
۱۸ آن کس که به منظورِ پاکی‌جویی ثروتش را بخشد.
۱۹ و برای هیچ کس نزدِ او حقِّ نعمتی نمی‌باشد، که جزا داده شود،
۲۰ مگر برای طلب رضای پروردگارِ والا مرتبه و برترِ خودش [او ثروتش را بخشش کند].
۲۱ و به زودی خوشنود گردد.

سورهٔ ضُحی (روشنایی روز)

مکّی

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ سوگند به روشنایی روز،
۲ سوگند به شب هنگامی که آرام گیرد،
۳ که پروردگارت هرگز تو را ترک نگفته و بر تو خشم نگرفته است.
٤ و بی‌گمان آن جهان (آخرت) برای تو از این جهان نیکوتر است.
۵ و بی‌گمان به زودی پروردگارت آن قدر به تو بخشش کند، که خوشنود شوی.
٦ مگر نه این که تو را یتیم یافت و پناهت داد؟
۷ و تو را راه گم کرده یافت و راهت نمود؟
۸ و تو را تهیدست و محتاج یافت و بی‌نیازت کرد؟
۹ پس تو هرگز نباید یتیم را خوار کنی و بیازاری،
۱۰ و نباید یاری خواه را از خویش به قهر برانی.
۱۱ و نعمت پروردگارت را به یادآور و آشکار ساز.

سورهٔ شرح (انشراح، گشوده شدن)

مکّی

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ آیا [ای «محمّد»] ما سینه‌ات را برای تو نگشادیم؟
۲ و ما بارِ گران را از [پشت] تو برداشتیم،
۳ [باری] که بر پشت تو سنگینی می‌کرد.
٤ و ما نام تو را برای تو بلند آوازه کردیم.
۵ پس البته با هر سختی آسانی هست.
٦ البته با هر سختی آسانی هست.
۷ پس آن گاه که فراغت یابی، در نماز و عبادت بکوش.
۸ و پیوسته به سوی پروردگار خویش رویْ آور و مشتاق باش.

مکّی

سورهٔ تین (انجیر)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ سوگند به انجیر و زیتون،
۲ سوگند به «طور سینا»،
۳ سوگند به این شهر ایمن («مکّه»)،
٤ که بی‌تردید ما انسان را در نیکوترین شکل و وضع آفریدیم.
٥ سپس او را به پایین‌ترینِ پایین‌ها برگردانیدیم.
٦ مگر کسانی که ایمان آوَردند و کردار نیکو در پیش گرفتند، که برای آنان پاداشی
پایان نیافتنی باشد.
۷ پس [ای انسان] تو را پس از این چه چیز به تکذیبِ دین می‌کشاند؟
۸ آیا خداوند فرمانرواترین حکم کنندگان نیست؟

مکّی

سورهٔ علق (خونِ بسته)

به نام خداوند بخشنَدهٔ مهربان

۱ بخوان به نام پروردگارت که آفرید،
۲ آدمی را از خون بسته آفرید.
۳ بخوان و پروردگارت گرامی‌ترین است.
٤ آن که به وسیلهٔ قلم آموخت.
٥ آدمی را آن چه نمی‌دانست، آموخت.
٦ نه چنین است. [بلکه] بی‌گمان انسان سرکشی کند،
۷ آن گاه که خود را بی‌نیاز بیند.
۸ البته بازگشت به سوی پروردگار تو باشد.
۹ آیا آن کس را که باز می‌دارد، دیدی؟
۱۰ [باز می‌دارد] بنده‌ای را به هنگامی که نماز می‌گزارد.
۱۱ خبر ده مرا، اگر او به راه راست باشد.
۱۲ یا به پرهیزکاری فرمان دهد.
۱۳ خبر ده مرا، اگر او تکذیب کند و رویْ بگرداند.
١٤ آیا نمی‌داند که خداوند می‌بیند؟
١٥ نه چنین است. اگر او دست برندارد، او را با موی پیشانیش می‌گیریم!
١٦ موی پیشانیِ آن دروغگوی خطاکار را [می‌گیریم].
۱۷ پس اهل مجلِس خویش را بخواند.
۱۸ به زودی [ما نیز] پاسدارانِ دوزخ را بخوانیم.
۱۹ نه چنین است. از او فرمانَ مبر و خدا را سجده کن و به حق نزدیک شو.

مکّی

سورهٔ قدر

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ ما آن («قرآن») را در شب «قدر» فرو فرستادیم.

۲ و تو چه دانی که شب «قدر» چیست؟

۳ شب «قدر» بهتر از هزار ماه است.

٤ در آن شب فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان برای هر کار فرود آیند.

٥ آن شب تا دمیدنِ پگاه، سراسر سلامت و رحمت باشد.

مدنی

سورهٔ بَیِّنه (گواه آشکار)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ کسانی که کافر شدند –از اهل کتاب و مشرکان– [از کیشِ خویش] باز نمی‌ایستادند، تا هنگامی که برایشان دلیل روشن [و بیانگرِ راست و ناراست] آید.

۲ پیامبری از سوی خداوند که کتاب‌های پاک [خداوند] را می‌خواند،

۳ که در آن، نوشته‌ها و احکامِ راستین و استوار آمده است.

٤ و کسانی که به آنان «کتاب» داده شد [میان خود] اختلاف نکردند، مگر پس از زمانی که برایشان دلیل روشن آمد.

٥ و آنان را هیچ دستوری داده نشد، مگر این که خداوند را خالصانه پرستش کنند، پرستشی ویژهٔ او، بی آن که تمایلی به باطل داشته باشند، و نماز را بپا دارند و زکات دهند. و اینست دینِ پا بر جا و استوار.

٦ بی‌گمان کسانی که کافر شدند –از اهل کتاب و مشرکان– در آتشِ دوزخ جاودان باشند. [زیرا] آنان بدترین آفریدگان هستند.

۷ البته کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیکو کردند، آنان بهترین آفریدگان هستند.

۸ پاداششان نزد پروردگارشان بوستان‌هایی جاودان است، که از زیر آن جویبارها جاریست. برای همیشه در آن بمانند. خداوند از آنان خوشنود باشد و آنان از او راضی باشند. این [پاداش] برای کسی است که از پروردگار خود بترسد.

مدنی سورهٔ زلزله (زلزال، جنبشِ سختِ زمین)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ آن گاه که زمین به جنبشی سختْ لرزانده شود،

۲ و زمین بارهای خویش را بیرون ریزد،

۳ و انسان گوید: «آن (زمین) را چه شده است؟»

٤ در آن روز [زمین] خبرهای خود را بازگوید.

۵ زیرا پروردگارت به آن وحی کرده است.

٦ در آن روز مردمان به طور پراکنده [از خاک] بیرون آیند، تا شاهدِ اعمالشان باشند.

۷ پس آن کس که به وزنِ ذره‌ای نیکی کرده باشد، آن را ببیند.

۸ و آن کس که به وزنِ ذره‌ای بدی کرده باشد، آن را ببیند.

مکّی سورهٔ عادیات (اسبانِ تیزتک)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ سوگند به اسبانِ تیزتکِ نَفَسْ زنان،

۲ که از سُمِ آنان بر سنگْ جرقه می‌جهد،

۳ و بامدادان یورش برند،

٤ و غباری برانگیزند،

۵ پس جملگی به میان درآیند.

٦ بی‌تردید انسان به پروردگار خویش ناسپاس است.

۷ و بی‌گمان او [خودش] بر این [ناسپاسیِ خود] گواه است.

۸ و جای انکار نیست که او سخت به خیر (ثروت) دل‌بسته است.

۹ پس آیا نمی‌داند هنگامی که آن چه در گورهاست، زنده و برانگیخته شود؟

۱۰ و آن چه در دل‌هاست، آشکار شود؟

۱۱ بی‌تردید پروردگارشان در آن روز به آنان آگاه است.

مکّی

سورهٔ قارعه (مصیبتِ ناگهانیِ سختِ کوبنده)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ آن کوبنده.

۲ آن کوبنده چیست؟

۳ و تو چه دانی که آن کوبنده چیست؟

٤ روزی است که مردم چون پروانگانِ پراکنده شوند.

٥ و کوه‌ها به سان پشمِ رنگینِ زده شده (حلاجی شده) گردند.

٦ و امّا آن کس که ترازویش (اعمال نیکش) سنگین شد،

۷ پس او در زندگیِ نیکویی خواهد بود.

۸ و امّا آن کس که ترازویش (اعمال نیکویش) سبک شد،

۹ پس جایش در «هاویه» (دوزخ) خواهد بود.

۱۰ و تو چه دانی که آن چیست؟

۱۱ آتشی است سختْ برافروخته شده و سوزنده.

مکّی

سورهٔ تکاثر (مباهات به بیشتر داشتن)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ رقابت و فخرفروشی در انباشتنِ نعمت‌های دنیوی، شما را سرگرم کرد.

۲ تا این که به دیدارِ گورها آمدید.

۳ حقّا به زودی خواهید دانست.

٤ سپس، حقا به زودی خواهید دانست.

٥ حقّا اگر به علمِ یقین بدانید،

٦ بی‌تردید دوزخ را خواهید دید.

۷ سپس البته آن را به چشمِ یقین خواهید دید.

۸ سپس، در آن روز دربارهٔ نعمت از شما پرسش خواهد شد.

مکّی

سورهٔ عصر (زمانه)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ به عصر سوگند،
۲ که بی‌تردید آدمی در زیانکاری است.
۳ مگر کسانی که ایمان آوردند و نیکوکاری کردند و سفارش به حق نمودند و توصیه به شکیبایی کردند.

مکّی

سورهٔ هُمَزه (عیبجو)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ وای بر هر عیبجوی طعنه زن!
۲ آن که ثروت اندوزد و آن را بشمارد.
۳ گمان می‌کند که ثروتش او را جاودانه می‌کند!
٤ نه! هرگز! او را در «حُطَمه» (دوزخ) افکنند.
۵ و تو چه دانی که «حُطَمه» چیست؟
٦ آتشِ برافروختهٔ خداوند است.
۷ که بر دل‌ها شعله‌ور شود.
۸ البته آنان را در خود می‌گیرد،
۹ در ستون‌هایی بلند و کشیده.

مکّی

سورهٔ فیل (فیل)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ آیا ندیدی که پروردگارت با فیل داران چه کرد؟
۲ آیا مکر و نیرنگشان را بی‌نتیجه نساخت؟
۳ و بر آنانْ پرندگان را دسته دسته فرستاد،
٤ که با سنگریزه‌هایی از نوع گِل‌های سنگ شده آنان را می‌زدند.
۵ تا این که آنان را مانندِ علفِ خورده شده گردانید.

مکّی

سورهٔ قریش (قبیلهٔ قریش)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ برای الفت یافتنِ «قریش» با هم،

۲ الفت یافتنِ آنان به هنگامِ کوچ زمستانی و تابستانی،

۳ پس باید پروردگارِ این خانه را بندگی و پرستش کنند.

٤ آن که آنان را در گرسنگی سیر کرد و از بیم و ترسْ ایمنشان داشت.

مکّی

سورهٔ ماعون (زکات)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ آیا آن کس را که روز جزا و قیامت را دروغ می‌پندارد، دیدی؟

۲ او همان کسی است که یتیم را به سختی از خود دور می‌سازد.

۳ و هیچ کس را برای طعام دادن به مسکین تشویق نمی‌کند (برنمی‌انگیزد).

٤ پس وای بر آن نمازگزاران!

۵ آنان که از نمازشان غفلت دارند.

٦ آنان که [در نماز خواندن] ریا می‌کنند (نماز خواندنشان برای فریبِ مردم است).

۷ و از زکات دادن باز می‌دارند.

مکّی

سورهٔ کوثر (نهر بهشتی)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ تردید نیست که ما به تو «کوثر» بخشیدیم.

۲ پس برای پروردگارت نماز بگزار و قربانی کن.

۳ بی‌تردید دشمنِ توست که دنبالْ بریده است (کاری از او ساخته نیست).

مکّی

سورهٔ کافرون (کافران)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ بگو: «ای کافران،

۲ من آن چه را که شما می‌پرستید، نمی‌پرستم.

۳ و شما آن چه را که من می‌پرستم، نمی‌پرستید.

٤ و [تأکید می‌کنم] من آن چه را که شما می‌پرستید، نمی‌پرستم.

٥ و [مطمئن هستم] شما آن چه را که من می‌پرستم، نمی‌پرستید،

٦ دینتان برای خودتان، و دینِ من برای من باشد.»

مدنی

سورهٔ نصر (یاوری و کمک)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ هنگامی که یاریِ خداوند و پیروزی (فتح «مکّه») فرا رسید،

۲ و مردم را دیدی که گروه گروه به دینِ خداوند وارد می‌شوند،

۳ پس پروردگارِ خویش را به پاکی یاد کن، و از او آمرزش بخواه، که او توبه‌پذیر است.

مکّی

سورهٔ مَسَد (لیفِ خرما)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ بریده باد دو دستِ «ابولهب» و هلاک باد!

۲ نه ثروتش و نه آن چه کسب کرد (دستاوردش) او را سودی نبخشید.

۳ به زودی در آتشی پُر شعله درآید.

٤ و زنش هیزم آور باشد.

٥ در گردنِ این زن رشته‌ای از لیفِ خرما خواهد بود.

مکّی سورهٔ اخلاص (پاک و خالص کردن)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ [ای «محمّد»] بگو: او خداوندِ یگانه است.
۲ خداوندِ بی‌نیاز است، که همهٔ موجودات به او نیاز دارند.
۳ هرگز نه کسی را زاییده و نه خود زاییده شده.
٤ و هرگز کسی همتا و مانندِ او وجود ندارد.

مکّی سورهٔ فلق (پگاه)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ بگو: به پروردگارِ پگاه پناه می‌برم،
۲ از شر و آسیبِ آن چه او آفرید،
۳ و از شر و بدیِ شبِ تیره به هنگامی که [تاریکی‌اش] درآید.
٤ و از شر و بدیِ افسونگران که در گره‌ها افسون کنند و بدمند.
۵ و از شر و آسیبِ حسود به هنگامی که حسادت می‌ورزد.

مکّی سورهٔ ناس (مردم)

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

۱ بگو: پناه می‌برم به پروردگارِ مردم،
۲ به فرمانروای مردم،
۳ به خدای مردم،
٤ از شرِ آن وسوسه‌گرِ نهانی،
۵ آن کس که در سینه‌های مردم وسوسه می‌کند.
٦ چه از [جنسِ] جن باشد و چه از [جنسِ] انسان.